



بودند که بی پایان می نمودند و تثبیت جایگاه ما را در دهکده جهانی به عنوان طایفه ای فرهنگ آفرین در پی خواهند داشت.

گروهی را چنان تنگه تدریس و مشغله جان به لب کرده بود که دیگر حالی و مجالی برای سخنی نمانده بود. اگر از تلفنهای همیشه اشغال برخی از دوستان بگذریم و از حبیبانی که ما را به تماشای همواره بعدی ره می نمودند، به راستانی می رسیم که در پاسخ این پرسش ما که درباره متون نثر صوفیه چه می توانید نوشت؟ می گفتند: «هیچ». هیچ، هرچند پاسخی نبود که بخواهیمش اما این پاسخگویان را از آثرو می خواهیم که حریم راستی و حرمت حقوق انسان را نشکستند، توضیحات آغشته توجیه را خرج قبول خاطرمان نکردند. با اینهمه «دست مریزاد از حسن انتخاب و تازگی موضوعات» جمله ای بود که بسیار شنیدیم.

گاه نیز آگاهی پشت روح را می لرزاند که از صاحب نامانی می شنیدیم: «آقا! ول کنید این مرده صدفبار نیش قبر شده رو! ما آدمای این دنیایم، باید به زبون خودمون حرف بزنیم، عرفان بازی و جنگل بازی دیگه دوره اش گذشته، خودتون واسه ورود به سال ۲۰۰۰ آماده کنین!» ما «چشم» ها گفتیم و گذشتیم، اما می دانیم که بشر برای در محاق بردن ناتوانی اش حق سرکوب توانمندی های انسان را ندارد.

تردیدی نیست که اگر می خواهیم جهانی شویم باید ایرانی شویم و بازنویسی تجربیات دلاوران عرصه های ادبیات و اندیشه دیگر ملل راهی به دهی نمی برد چرا که هر سرزمینی در محتوای تاریخی و اجتماعی خاص خویش، ساختار زبانی و بیانی ویژه ای را می تواند به کاربرد تا قلمتی برای ایستادن بیابد. اگر می خواهیم از اینجا ماندگان و از آن کجا رانندگان نباشیم به شناخت ریشه های کهن خویش نیازمندیم، که هر ظهور تازه ای در اندیشه و هنر زمانی کارآمد است که بازتابی از گذشته انسان را به دنیای خویش آورده باشد.

شوریدگی و شیدایی و عاشقیهای عارفان ایران، دستاورد صادق تجربیاتی است که جانهای آنان از زیستن در دیگر سو با خویش آورده و شعر را تجلیگاه خویش کرده اند و امکانات دیگرگون نثر فارسی، بیانی به آنان بخشیده است تا همزیستی انسان و جهان را بر زبان آورده و دانش عرفانی را تشکلی علمی بخشند.

با اینهمه ما جهان خویش را کوچک کرده ایم و حاصل اندیشه ایرانیان غالباً - و نه همیشه - دوباره گویی بازتاب های همان صدایی است که همه هم دنیای معاصر از آن است. اگر در جستجوی فرهنگ خود به جای موزه گردی و دیرین شناسی فرهنگی، نگاهی به ساختارهای فرهنگی امروز خویش بیافکنیم و «شدنی» را که بودن مان را مصروف آن می کنیم بنگریم به این اعتراف تلخ و هراس آور خواهیم رسید: «ما نیز تافته ای جدا بافته از دنیای امروز نیستیم.» و این اعتراف، تلخ از آن روست که اندیشه ایرانی، خانه ای را که می توانست مأمن آموزش باشد وانهاده و خویش را به جایی پرتاب کرده است که جایی نیست. و هراس آور از اینرو که نه آن خانه را به سادگی می توان قابل سکونت کرد و نه اینجا، درست وسط این همه، امنیتی می توان یافت. (آیا این ناگزیری را گریزی هست؟)

تلاش برای انتشار ویژه نامه متون نثر صوفیه، تجربه ای بود تا آثاری از دلربا ترین گونه ادبیات منثور فارسی را فرارویمان قرار دهیم و دریابیم که چه از آن آموخته ایم و چه می توانیم آموخت. نتیجه گرچه شیرین نیست ولی واقعی است و دیدار هر واقعی، آفریننده پرسشی است و پرسش راهی را باز می کند.

ما در این تلاش با دهها نفر از اساتید دانشگاه، محققین، شاعران و نویسندگان کشور تماس گرفته و تقاضای همکاری نمودیم. ولی «اما» هایی که معما شدند و «اگرهایی» که صدها «مگر» در پی خویش داشتند؛ دست کوتاه ما را بر تنه نخلی بلند وا گذاشتند. عزیزانی فرهنگ مداری خویش را توشه سفرهایی کرده

ما دنیای خویش را کوچک کرده ایم و این کوچکی را چنان گسترده ایم که صدای دیگر سو را کمتر می توان شنید. جهان معاصر لبریز از صدایی است که پژواکش، گوش مان را انباشته، خود را چند صدا می نمایاند و این نمایش نیز چیزی بیش از همه هم نیست. همه دنیای معاصر از بازتاب صدایی است که هر زمان لحن و بیانی دیگر دارد اما چشم اندازش بی هیچ گذری از خویش قرنهایست همانگونه که بوده برجای مانده است. آنچه آن پژواک را چنین جسارتی می بخشد تا خود را صدایی دیگر بنامد فقط سویی نگاهی است که چشم انداز را به سانی دیگر دیده است و پس، نگاهی که سویی خویش را از دانسته های پیشین و از خواسته های پسینی گرفته که جهان را فراتر از خود نمی خواهند. خواسته هایی که دانسته های ما را شکل داده اند، جهان را جنازهای بر میز تشریح دیده اند و زیر و روگری امعاء و احشاء آن را درک جهان پنداشته اند.

جهان اما همان موجود زنده ای است که پر از رفتار و کردار با انسان می زید و اثر و تأثیر این همزیستی را بازمی گوید. عرفان، طریق این همزیستی است که واقعیت این سو و دیگر سو را مقابل انسان گذارده از چشم اندازهای جهان پرده برمی گیرد تا صدای اندیشه هایی که دنیای انسان را می سازند در بند خواسته ها و دانسته ها نباشند و برآمده از تماشای صادقانه و همدلانه چشم انداز باشند. تجربه ها در عرفان گرچه کاملاً و اساساً شخصی اند و هیچ رهروی را امکان همراهی با دیگری در آنها نیست اما دانش عرفانی، دانشی برای انسان است که نفوذ در واقعیت جهان و تجربه چشم اندازهای آن را ممکن می گرداند. رهروان عارف، این دانش رهیاب را در قرنهای حیات بشر به صد زبان بازگفته اند و بخش غالب ادبیات کهن فارسی آموزش همین دانش است و سهم ویژه ایرانیان مسلمان را در قلمروهای دیگر جهان می نمایاند.

○ شما توجه خاصی به ترجمه انثاری دارید که مستشرقین درباره عرفان اسلامی نوشته‌اند. این التفات آیا علت ویژه‌ای دارد؟

● پدر من خود، دارای تمایلات عرفانی و از مریدان حضرت محبوب علی‌شاه (پیرمراغه) بود و من نیز از دوران کودکی از حال و هوای روحانی حاکم بر خانه مستفیض می‌شدم. از آغاز تحصیلات دانشگاهی نیز تمایل و کشش خاصی نسبت به حکمت ذوقی داشته و ضمن پابندی به معادلات منطقی و علمی در رویدادهای جهان عینی پیوسته می‌خواستم از طریق قلب و احساس به رمز و راز جهان هستی و اصل خلقت و شور و تکاپوی بشر در جستجوی خالق یکتا پی ببرم. ولی توجه اصلی و علمی من به تصوف، عرفان و معارف اسلامی زمانی در ذهن من قوت گرفت که طی پژوهش و نگارش پایان‌نامه دکترای خود در وین با میراث عظیم و ناشناخته‌ای از فلسفه و عرفان کشورمان از زمان زرتشت تا ظهور اسلام و آراء اندیشمندان بزرگ اسلام و ایران در طی قرون بعد و تأکیدی که بر مقام والای بشر در شعر و عرفان ایران می‌شد، آشنا شدم و احساس کردم که جهت پژوهش‌های آتی خود را یافته‌ام.

○ به تازگی کتاب ابوسعید ابوالخیر، حقیقت یا افسانه فریتس مایر را به زبان فارسی برگردانیده‌اید. این اثر را به چه انگیزه‌ای ترجمه کردید؟

● من با حالات و مقامات شیخ ابوسعید ابوالخیر از مدتها پیش و در طی سالهای تحصیل و تحقیق در خارج و داخل کشور انس و الفت غریبی داشتم و حتی در سالهای اقامت خود در اطریش از طریق پروفیسور هربرت دودا استاد مستقیم من در شرق‌شناسی از پژوهش‌هایی که فریتس مایر در باب ابوسعید ابوالخیر

آغاز کرده بود، آگاهی یافتم ولی هرگز فکر نمی‌کردم که سعادت برگردان این کتاب روزی نصیب من شود. تا زمانی که استاد دکتر نصرالله پورجوادی از من خواست تا متن آلمانی این اثر سترگ را به فارسی ترجمه کنم و این چنین بود که دنیای تازه‌ای بر من مکشوف شد که تا مدتها در آن محو و مستغرق بودم.

○ آثار عرفان اسلامی بسیار مورد توجه مستشرقین از گذشته تا امروز قرار گرفته و تحقیقات زیادی از سوی آنان صورت پذیرفته است. چرا؟

● ریشه‌های عرفان شرق و غرب از یکدیگر جدا نیستند، زیرا که به قولی خاستگاه عرفان اسلامی و یا تصوف را که عمدتاً از دو رکن اصلی «وحدت وجود» و «حکمت اشراق» تشکیل شده است، باید در آراء فلاسفه یونان باستان، بخصوص مکتب نوافلاطونی و اندیشه‌های غنوسی پلوتن یا افلوپین جستجو کنیم که برای اولین بار از اَحد یعنی وحدانیت آفرینش و خیرالمحض یعنی اشراق سخن گفت. مهمترین کتب یونانی که تأثیر آنها در اندیشه فلسفه اسلامی از قاطعیت بیشتری برخوردار بود، علاوه بر کتاب مابعدالطبیعه ارسطو، کتاب اثولوجیا درباره ربوبیت و کتاب خیرالمحض درباره فیض و یا اشراق است که به قولی منسوب به ارسطو و به تعبیر مستندتری از آثار پلوتن یا فلوطین است، که جوهر نوافلاطونی دربردارد و برای اولین بار برای ابویوسف اسحق کندی فیلسوف بزرگ اسلام به عربی برگردانده شد. پلوتن با حکمت ایران و هند نیز آشنایی داشته و گویا به ایران باستان نیز سفر کرده بود. فلسفه فلوطین وحدت وجودی است. یعنی حقیقت را واحد می‌داند و احدیت را اصل و متشاء کل وجود می‌شمارد. این دو تألیف نوافلاطونی در حقیقت پایه و اساس حکمت اشراق و فلسفه وحدت وجود در مکاتب عرفان اسلامی گردید و با تأثیر و نفوذی که متفکرین بزرگ اسلام و ایران مانند ابواسحق کندی، ابن رشد، ملاصدرا، ابن عربی، محمد غزالی، فارابی، ابن سینا و بالاخره شهاب‌الدین سهروردی در تکمیل و انسجام عناصر حکمت اشراق برجای گذاشتند، عرفان

اسلامی یعنی تصوف بخصوص در زمینه شعر و ادب و عرفان عاشقانه روز به روز شکوفاتر گردید و از آنجایی که آثار و دیوان عرفا و شعرای بزرگ ما همچون مولانا، عطار، حافظ، خیام، جامی، سنایی، عراقی و سایر بزرگان شعر و ادب هر روز با برگردان و تعبیر تازه‌ای وارد دنیای غرب شده و در دسترس اندیشمندان و شرق‌شناسان قرار می‌گرفت، طبیعی بود که مستشرقان غرب با جاذبه عمیق تری مواجه گشته و سعی داشتند از لابلای ابیات و منظومه‌های عرفانی به تحقیق در ماهیت عرفان اسلامی و رموز علم کلام و نیز احیاناً به بازسازی بقایایی از حکمت و عرفان غرب دست یابند. ○ آیا عامل تسامح و مدارایی که در نظریه عرفای اهل بسط مانند بوسعید وجود دارد می‌تواند علت توجه بیگانگان به متون معتبر باشد؟

● تصور نمی‌کنم که پژوهشگران غرب عارف یا صوفی را صرفاً به علت آزادمنشی و یا خوشدلی وی مورد مطالعه و تحقیق قرار داده باشند، بلکه بالعکس این خصوصیات روحی ضمن تحقیقات بعدی خود را نشان می‌دهند.

○ فریتس مایر آیا خود نیز دارای تجربه‌های عرفانی بوده است و تا چه اندازه به لحاظ اعتقادی به مبانی عرفانی اسلامی اعتقاد داشت؟

● خیر! وی در گفتگوهایی که با یکدیگر داشتیم خود را پایبند هیچ یک از جهت‌های فکری و عقیدتی نشان نداد و هیچ نوع گرایشی به مکتبی و یا مذهبی در خود احساس نمی‌کرد.

○ پس علت توجه او به مباحث عرفانی چه بود؟

● آنچه که وی را در بند می‌کشید نفس پژوهش و شناخت ماهیت و کیفیت اشیاء بود و لاغیر! مایر خود را مجذوب می‌دانست و نه سالک، مجذوب از علم لایتناهی و اندیشه پویا و هرگز تحت تأثیر موضوع پژوهش‌های خود قرار نگرفت و فاصله لازم را با آنها حفظ کرد و تا پایان عمر خود در پی کشف نایافته‌ها بود. ○ به نظر شما چرا احوال و افکار ابوسعید ابوالخیر مورد توجه مایر قرار گرفت؟

گفت و گو با خانم دکتر مهرآفاق بایبوردی

از میهنه تا سوئیس

● آنچه که در تعیین جهت پژوهش‌های عرفانی مایر قاطعیت ویژه‌ای دارد، سفر وی به ترکیه و همکاری نزدیک با هلموت ریتز است. مایر در سالهای اقامت خود در استانبول با ارشاد و همکاری نزدیک ریتز به تنظیم و تصحیح نسخ خطی مساجد پرداخت. دستنوشته‌های عربی و فارسی که وی در کتابخانه‌های استانبول کشف کرد، نقطه آغاز پژوهش‌های عرفانی وی در سالهای بعد شد. ریتز تنها استادی است که نقش بزرگی در خط‌مشی علمی و عرفانی مایر ایفا کرد و عشق و علاقه سیری‌ناپذیر وی را به تحقیق در بادیه بی‌انتهای عرفان اسلامی و شعر و ادب فارسی بیدار نمود. در مورد آشنایی مایر با افکار و عرفان ابوسعید باید گفت که سفرهای متوالی استاد به ایران و اقامت‌های طولانی وی در نقاط مختلف میهن مان بخصوص در اصفهان و دیدارها و گفت و شنودهای پربار و صمیمانه وی با درویش و بزرگان فرق مختلف صوفیه در ایران از عوامل تعیین‌کننده بود.

○ مایر برای زیارت قبر ابوسعید به میهنه هم آمده بود؟
● خیر، مایر نتوانست به میهنه و خاوران که آن زمان و هنوز هم در ترکمنستان روسیه قرار دارد، سفر کند و خود نیز ابراز تأسف می‌کند که وی هرگز نتوانست مزار ابوسعید را زیارت کند. و اما درباره انگیزه خاص مایر در نگارش کتاب ابوسعید قولی از استاد را در پیشگفتار کتاب نقل می‌کنم که می‌نویسد: ابوسعید ابوالخیر عارفی است که از جهات مختلف و به کزات توجه همگان را به خود جلب کرده است، دلیل اینکه چرا این بررسی جدید درباره او انتشار می‌یابد، اینست که شخصیت خاص او روشن تر ترسیم شود و مفهوم عمیقی که با نام او پیوند خورده است، بهتر توجیه گردد. اگر در مورد حلاج ابهام و دوگانگی روح او و سرنوشت غم‌انگیزی که به استقبال آن شتافت انسان را در بند انتظار و اضطراب می‌کشد، در مورد ابوسعید آن شور و شادی و حالات پر از نشاطی که از لایلای حکایت مربوط به او در تمام سطوح جلوه‌گر می‌شود کنج‌کاوی آدمی را بر می‌انگیزد تا علت اصلی و پیوستگی این حالات را با آن درک کند، من می‌خواهم

در مطالعات خود تا حد امکان در فاصله خیلی نزدیک و مستقیمی با متن منابع باقی بمانم و در حین دنبال کردن آنها خطوط شایان اعتماد چندی از چهره معنوی ابوسعید را ترسیم کنم.

○ آیا مایر از درون منظومه عرفانی اسلامی به زندگی و احوال عارفانه ابوسعید راه یافت و یا در تحقیق خویش نگاهی از بیرون منظومه داشته است؟

● سؤال کمی پیچیده و دویلهو است. منظور از «منظومه» در اینجا چیست؟

○ یعنی آیا مایر با تعلقات خاص عرفانی بد سراغ ابوسعید رفت یا فقط یک محقق بود؟

● راستش این دو یعنی موضوع تحقیق (ابوسعید) و منابع تحقیق یا به قول شما منظومه عرفانی بی‌نیاز و جدا از یکدیگر نیستند. به طور مثال بسیاری از اطلاعات و استنادات مایر درباره ابوسعید از آثار معاصران یا پیشکسوتان و یا آیندگان وی اخذ شده است. مانند روایات و حکایاتی که در منظومه‌های عطار و یا تذکرةالاولیاء او آمده است و یا در کشف المحجوب هجویری و یا در آثار عین القضاة همدانی مانند تمهیدات ولوایح و یا مجموعه تذکرة‌های السیاق لثاریخ نسابور و آثار و منظومه‌های متعدد دیگری که ذکر همه آنها از حوصله این بحث خارج است. بنابراین ضمن اینکه مایر در تحقیقات خود به بسیاری از مسائل و نکته‌ها در آثار و منظومه‌های عرفانی در باب ابوسعید برخورد کرده است، در عین حال از اخبار و روایات منظومه‌های زیادی نیز که قبلاً نام بردیم سود جسته است. اما هیچگاه تعلق ذاتی به عرفان نداشته است.

○ به نظر شما تحقیق مایر تا چه اندازه توانستد خلاء موجود درباره زندگی ابوسعید را پر کند؟

● - در حد بسیار چشم‌گیر - تحقیقاتی که تاکنون درباره ابوسعید به عمل آمده است، صرف‌نظر از تحقیقات دقیق و عالمانه استاد سعید نفیسی و دکتر شفیع کدکنی بسیار ناقص و کلیشه‌ای و در حقیقت تکرار مکررات و چاپ نسخ قبلی بوده است. مطالب نیز منحصر می‌شد به مختصری از شرح حال و احوال و

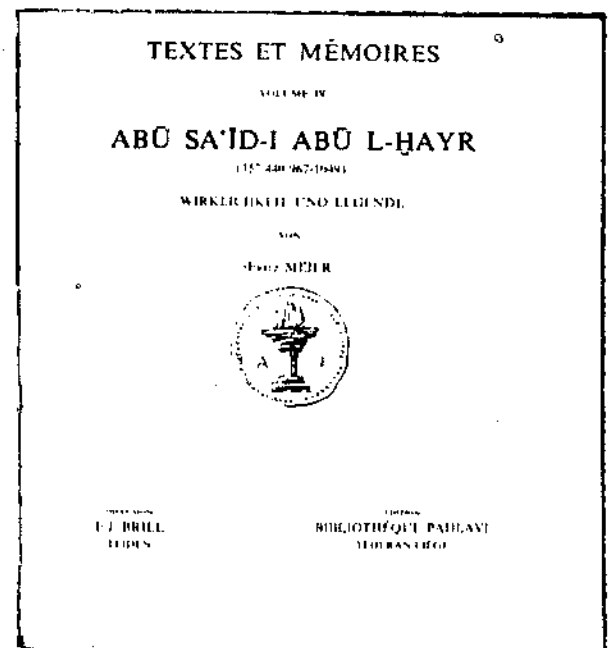
بخصوص شرح و بسط مقام شاعری وی که کاملاً مغایر با حقیقت بوده است. در حالی که تحقیقات بی‌سابقه و کم نظیر مایر نکات تاریک زیادی را از زندگی ابوسعید روشن کرده است که از جمله می‌توان از جداسازی مداهنه‌گویی‌ها و افسانه پردازی‌ها از زندگی واقعی ابوسعید نام برد. همچنین رد مقام شاعری وی و اثبات این نکته که ابوسعید در زندگی خود جز یک رباعی و یک بیت شعری نسروده و کلیه اشعاری که به نام ابوسعید در دیوان‌ها و کتب مختلف ثبت شده است همگی منسوب به اوست و نه متعلق به او و یا برداشت ابوسعید از تکالیف دینی و شرعی چون نماز و حج و سایر اصول فقهی و بالاخره نکات عدیده دیگری که برای آگاهی بیشتر باید کتاب را دقیقاً خواند.

○ آیا کتاب حقیقت و افسانه متضمن نکات بدیع و تازه‌ای است؟

● مسلماً، اصلاً شأن نزول این کتاب نیز در همین است. تحقیقات بی‌سابقه و کم نظیری که در این اثر جامع از حیات و احوال و سلوک و طریقت ابوسعید به عمل آمده است، از چنان عمق و ابعاد گسترده‌ای برخوردار است که صدها نکته بدیع و تنبعات پکر و نوظهور دیگر را نه تنها از افکار و عرفان ابوسعید بلکه تاریخ و فلسفه تصوف اسلامی، فرق مذهبی، مکاتب مختلف فقه و اهل کلام نحله‌ها و فرق مختلف در ایران و سایر ممالک اسلامی در شرق و غرب، نظام خانقاه‌ها و تجمعات صوفیه، مباحث فقهی و کلامی در مطاوی ملل و نحل توصیف‌جامعی از نظام خانواده‌های مرابطی و ارتباط آنها با خاندان ابوسعید و بالاخره تحولات سیاسی و اجتماعی آن عصر را نیز در برگرفته است.

بخصوص توجه به خانقاه‌هایی که پس از ابوسعید در نقاط و بلاد مختلف از جمله بغداد و شروان برپا شده بود و ردیابی گروهی از احفاد و بازماندگان ابوسعید که در حال حاضر در کرمان زندگی می‌کنند از رُبده پژوهش‌های مایر است.

○ مؤلف در تحقق تحقیقات و ایده‌ها تا چه اندازه از دیدگاه‌های انتقادی و تحقیقی غربیان متأثر بوده است؟



● در حدّ زیاداً پژوهش‌ها و تحقیقات و نقدهای مستشرقین سلف و معاصرین مایر سهم عمده‌ای در توفیق کار وی داشته است. تحقیقات گسترده و جامعی که مایر درباره صوفی‌های زن (صوفیات) خانواده‌های مرابطی و قلمرو شیوخ در مغرب و بخصوص در زمینه تاریخ و جغرافیای آن زمان به دست داده است در حد وسیعی مدیون تحقیقات پژوهشگران معاصر و یا پیشگامان وی مانند ژوکوفسکی، فواد سزگین، نیکلسون، آربری، اوستین، لویی ماسینیون، ای. جی. براون، پروکلمان، گلد سیهر، ژیلبرت لازارد، هانری کوربن، تئودور نولدکه، پدرسن، هلموت ریتز و تعداد کثیر دیگری بوده است.

○ آیا آرای متکلمین، فیلسوفان و عرفای ایرانی هم در تدوین و تألیف این کتاب یاری‌رسان مایر بودند؟

● اصولاً بخش اعظم کتاب ابوسعید ابوالخیر به طوری که پیشتر صحبت کردیم متضمن غور و تفحص در آراء و افکار متکلمین، فیلسوفان و عرفای ایران و اسلام به طور کلی، برحسب حال و مقال بوده است. به طور مثال مایر فصل جداگانه‌ای را در مورد شادی و سرور به یحیی بن معاذ رازی و صوفیه خوشدل دیگر اختصاص داده است و یا در مباحثی چون قبض و بسط، خوف و رجاء، سماع و موسیقی و مباحث کلامی چون جبر و اختیار، تدبیر و تقدیر، تسلیم و رضا، عدل الهی، معاصی کبیره، تشبیه و حلول، قرب و حضور، حکم وقت، لطف و قهر الهی، وعد و وعید و ده‌ها نکته دیگر نخست به شرح آیات قرآنی و نقل احادیث قدسی و نبوی و آرای متکلمین و اندیشمندانی چون حکیم ترمذی قشیری، محمد غزالی، جلالی هجویری، عبدالله انصاری، احمد رودباری، بایزید بسطامی، عمر سهروردی، کلابادی، روزبهان خنجی، ابوالحسن خرقانی، عین‌القضاة همدانی و ده‌ها تن دیگر از اصحاب رأی و اندیشه پرداخته و سپس به بررسی این مفاهیم در ارتباط با عرفان و آراء ابوسعید دست زده است.

○ فریتس مایر تا چه اندازه از تحقیقات ایرانیان (فارسی‌زبانان معاصر) استفاده کرد؟

● مایر علاوه بر اینکه پیوسته در جریان آخرین تحولات ادبی و چاپ کتب و مطالب جدید در ماهنامه‌ها، نشریات و دانشنامه‌ها و حتی روزنامه‌ها در ایران بود که به طور منظم به دفتر کار ایشان در سوئیس ارسال می‌شد، خود نیز از کلیه منابع فارسی و حتی عربی که در ایران موجود بود سود جست. بدون اغراق می‌توان ادعا کرد که کمتر نشریه و آثار مکتوبی در ایران وجود داشت که در کتابخانه عظیم و غنی ایشان یافت نشود. شاهد این مدعا زیرنویس‌های دقیق و جامعی است که گاهی حتی بالغ بر چند صفحه می‌شود و در ارجاعات کتاب ابوسعید بازنموده شده است.

مایر بی‌تردید از آراء و اندیشه‌های اغلب محققان بزرگ معاصر چون بهار، معین، دهخدا، مینوی، زرین‌کوب و شفیعی کدکنی استفاده کرده است.

○ مایر به جز این کتاب چه تحقیقات علمی دیگری درباره کلام و عرفان اسلامی انجام داده است؟

● علاوه بر تحقیقات عالمانه مایر درباره شیخ ابواسحق کازرونی با عنوان فردوس المرشدیه و کتاب فوائج الجمال و فوائج الجلال در باب شیخ نجم‌الدین کبری که در استانبول تدوین شده‌اند، می‌توان از کتاب بهاء‌الد درباره پدر مولانا و عرفان خاص او، نقشبندیّه و مجموعه عظیم سنگ بناهای معارف اسلامی (Bausteine) که از مقالات و پژوهش‌های پکر و رسالات پراکنده استاد با اصلاحات و الحاقات و فهرس اختصاصی ایشان تشکیل شده است نام برد.

○ شما در ترجمه کتاب آیا با مشکل خاصی مواجه نبودید؟ مشکلات خود را چگونه مرتفع می‌کردید؟

● البته سبک استاد مایر را در نوشته‌های ایشان باید سخت پیچیده و غامض و دربند عبارات و اصطلاحات غیرمتداول و خاص ایشان خواند، به طوری که پاره‌ای از موارد پیش آمده بود (البته به ندرت) که من بر روی جمله‌ای یا عبارتی ساعت‌ها و حتی روزها و

شب‌ها به تفکر و تعمق می‌نشستم و سعی داشتم که این معضل را حتی‌الامکان خودم بگشایم که گاه موفق می‌شدم و گاه نیز ناچار می‌شدم که مشکل خویش بر پیر مغان بزم تا شاید وی به تأیید نظر حلّ معما کند. و این چنین نیز می‌شد و ایشان اکثراً طی مکاتباتی که داشتیم موضوع را باز می‌کردند و یا در جلساتی که به حضورشان می‌رسیدم و درباره مشکلات پدید آمده بحث و گفت و گو می‌کردیم.

○ شما آیا آثار دیگری از فریتس مایر در دست ترجمه یا زیر چاپ دارید؟

● بله! مجموعه مقالات و تحقیقات سه جلدی مایر را که بالغ بر هزار و صد صفحه می‌شود با عنوان سنگ بناهای معارف اسلامی (Bausteine) در دست ترجمه دارم.

○ جلد اول دریای جان اثر هلموت ریتز با ترجمه شما و مرحوم عباس زریاب خویی چاپ شد. جلد دوم را ظاهراً شما ترجمه کردید. این اثر شامل چه ابوابی است و کی منتشر خواهد شد؟

● جلد دوم دریای جان مجموعاً ۵ باب دارد که برخلاف جلد اول که ابواب کوتاه و هریک شامل ۲۰ تا ۲۵ صفحه بود در این جلد هرکدام از ابواب بخصوص فصل ۲۶ و ۲۷ بالغ بر ۷۰ تا ۸۰ صفحه است و شامل:

باب ۲۶: عشق دینی به خوبرویان (شاهدان)
باب ۲۷: عشق بنده به پروردگار (محبة‌العبدلله)
باب ۲۸: فنا و اتحاد با الوهیت
باب ۲۹: خدا، جهان و جان کلّ
باب ۳۰: سفر در خود - خودآگاهی ماوراءالطبیعی و آخرین فنا و بالاخره فهرست تحلیلی هر دو جلد که بالغ بر ۱۴۰ صفحه در متن بوده و اطلاعات کلیدی جامعی را درباره مفاهیم و اصطلاحات پیچیده عرفانی در برمی‌گیرد.

○ از اینکه با حوصله به سؤال‌های ما پاسخ دادید، متشکریم.

● من هم از شما تشکر می‌کنم.



فریتس مایر

به تصویر کشیدن حیات عارفی که از شور و عشق و مستی قرار ندارد و هر آن در هر رقصی جامه برتن می‌درد، آواز سر می‌دهد و پای می‌کوبد

معنویت‌گرایی اخیر مغرب زمینیان ایشان را گاه به تماشای سرنوشت غم‌انگیز حلاج بر سردار می‌نشانند، گاه در دریای جان عطار شناور می‌سازد و گاه در میدان رقص ابوسعید حاضر می‌آورد تا پله پله تاملات خدا رفتن را به همراهی ایشان تجربه کنند.

مایر در تحقیق اخیر در صدد بوده است تا چهره ابوسعید ابوالخیر عارف مشهور ایرانی (۳۴۰-۳۵۷) را از ورای ابرهای مه آلود تذکرة‌های اولیاء که او را در خود پوشانیده و با خود می‌برد پیدا نماید، او در صدد است که این حجاب نامریی را کنار بزند و چهره حقیقی او را از پس آن بنمایاند.

«ابوسعید از بزرگترین آموزگاران نیکی و پاکی و آزاداندیشی و بی‌تعصبی و انسان دوستی و آزادگی و هوشیاری و سرمستی و روشن‌بینی و طنز و طهارت روحی است.» ابوسعید ابوالخیر در میان چهره‌های تاریخ تصوف ایران و اسلام یک نمونه استثنایی است.^۱

«با اینکه از همان روزگار حیاتش مورد هجوم متعصبان مذهبی بوده و آوازه لالایی‌گری‌های او در همان عصر حیاتش تا اندلس رفته بوده است و ابن خرم‌اندلسی در زمان حیات او درباب او می‌گوید: «و هم شنیده‌ایم که پروگار ما در نیشابور مردی است از صوفیان با کنیه ابوسعید ابوالخیر که گاه جامه پشمینه درمی‌پوشد و زمانی لباس حریر که بر مردان حرام است، گاه در روز هزار رکعت نماز می‌گزارد و زمانی نه نماز واجب می‌گزارد و نه نماز مستحبی و این کفر محض است، پناه بر خدا از این گمراهی!»^۲

عارفی که از خود هیچ اثر منظوم یا منثور برجای

این آثار می‌توان به تحقیق مرحوم هلموت ریتر درباره عطار به نام «دریای جان»، تحقیق و بررسی دیروین برآثار و افکار و احوال سنایی به نام «حکیم اقلیم عشق»، شرح مثنوی نیکلسون، مطالعات، ماسینیون برحلاج و تلاش‌های کرین بر آثار روزبهان اشاره کرد.

نسل بعدی این مستشرقین چون خانم آن ماری شمیل، پل بلنفت فرانسوی، کارل ارنست آمریکایی و دیروین هلندی هم اکنون نیز ادامه دهنده، راه آن اساتید کهن هستند.

در این میان می‌توان به اثر برجسته پل نويا در حوزه زبان اشارت و عبارت عرفان با عنوان تفسیر قرآنی و زبان عرفانی و روزبهان بقلی تالیف کارل ارنست اشاره کرد.

فریتس مایر (۱۹۹۸-۱۹۱۲) استاد برجسته سوییسی دانشگاه‌های سویس، آلمان و مصر پیش از انتشار اثر برجسته خود در سال ۱۹۷۶ درباره ابوسعید، سالها مشغول مطالعه و تحقیق در آثار عرفا و شعرا ایران بوده است. او همکار چندین ساله هلموت ریتر در کتابخانه استانبول بود. از آثار وی تصحیح و چاپ فردوس المرشدیه محمودبن عثمان درباره شیخ ابواسحاق کازرونی و همچنین تحقیق درباره شیخ نجم‌الدین کبری همراه با تصحیح کتاب «فوایح الجمال و فواتح الجلال» وی است در کتاب «مهستی زیبا» ی مایر رباعیات مهستی شاعره ایرانی به دقت و ظرافت ترجمه و سپس نکته‌های تاریخی، ادبی، اجتماعی آن به شرح باز نموده شده است.

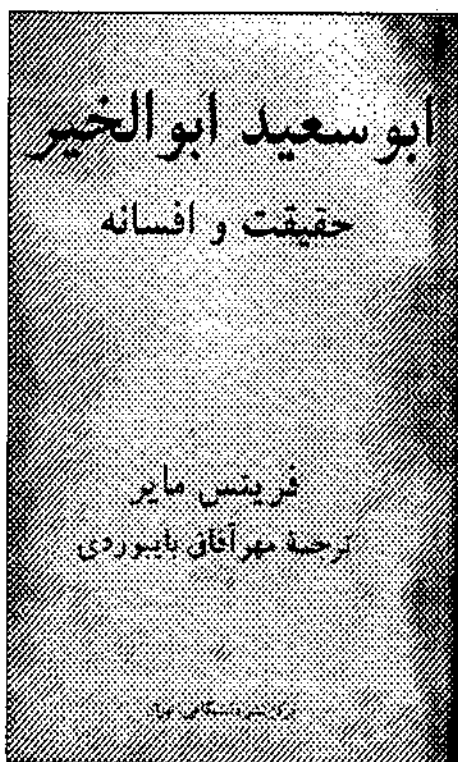
اما آنچه که مؤلف رابه سوی پژوهشی درباب ابوسعید ابوالخیر می‌کشاند همانا آن شور و شادی و حالات پر از نشاطی است که از لابلای حکایات مربوط به او جلوه‌گر می‌شود.

هر کجا که ذکر ابوسعید رود دلها خوش گردد زیرا که از ابوسعید بی‌بوسید هیچ چیز بنمانده است.

جستجو و تحقیق در مباحث عرفان اسلامی و گرایش به آشنایی و شناسایی عارفان و ماجراهای صوفیانه ایشان توجه به ماجرای بزرگ یگانه‌ای است که سالها افق مشرق زمین را منور می‌ساخت و تابش اشعه‌های نورانی آن هنوز نه تنها مشرقیان بلکه مغرب نشینان را نیز محظوظ می‌سازد.

رویکرد گسترده شرق شناسان خصوصاً مستشرقین اروپایی (و اخیراً آمریکایی) به حوزه عرفان اسلامی سالهاست که موجب آمده تا آثار متعدد این بزرگان معرفت و اندیشه از عزلت معابر خاموش بیرون آید و با یافتن شتوندگان جدید گویای حقایقی شود که سالها در پس پرده حقیقت و افسانه متواری بود و از آن جز قصه‌ها و روایت‌های ساده شگفت‌آور چیزی باز نمانده بود.

سالهاست که شرق شناسان روسی، آلمانی، فرانسوی، انگلیسی، سوییسی، هلندی متون عرفانی ادب فارسی و عربی را تصحیح و ترجمه کرده و به دنیای معرفت و فلسفه تقدیم می‌نمایند غیر از کارهای سترگ و گرانمایه در حوزه تصحیح متن که توسط نیکلسون، ژوکوفسکی، کرین، اربری، مایر و... انجام شد در میدان تحقیق و تتبع در آثار و افکار و احوال ارباب عشق و جذبه نیز کنکاشها و جستجوهای صورت گرفته که عموماً باز از طرف همین مغربیان بوده است. از نمونه‌های خوب



از افسانه تا حقیقت

مریم حسینی

ابو سعید ابو الخیر، حقیقت یا افسانه

فریتس مایر

مهر آفاق بایبوردی

مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول: ۱۳۷۸

نگذاشته، هیچ فرقه و سلسله‌ای تشکیل نداده و مجموعه دانسته‌های پیرامون وی همه آن چیزی است که دو تن از احفاد او در دو کتاب «اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید»^۲ و «حالات و سخنان ابوسعید و ابوالخیر»^۳ جمع آورده‌اند.

مایر در این تحقیق مفصل غیر از دو اثر بالا که جزو منابع اصلی وی بشمار می‌روند از منابع متعدد دیگر به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی استفاده کرده‌است.

هر جا نسخه خطی، عکسی یا چاپی سراغ داشته که ممکن است نکته‌ای درباره ابوسعید در آن یافت شود مورد مطالعه و دقت نظر قرار داده‌است. کتابشناسی آغاز کتاب، خود نشانگر پهنه و ژرفای تحقیق مایر در این اثر است.

ابوسعید از این موهبت برخوردار شده است که توجه دو محقق بزرگ در شرق و غرب عالم را به خود جلب کند تا حدی که سالیان متمادی از عمر خود را وقف شناخت طریقت، اندیشه، سخنان، رفتار، مریدان و محابانش نمایند.

در ایران دکتر شفیعی کدکنی دو اثر اصلی درباره ابوسعید را تصحیح کرده و مقدمه مفصلی پیرامون زندگی ابوسعید، خانواده او، صوفیان عصر او، سفرهای او، دیدار وی با ابن سینا، جایگاه وی در تصوف و نظرات وی در قلمرو کلام و فقه و... نگاشته است.

پژوهش گسترده مایر سوییسی نیز مشتمل بر بیست و دو باب است که ترجمه فارسی آن در ۶۵۰ صفحه منتشر شده است. با توجه به گستره مباحث مطروحه در ابواب مختلف این تحقیق می‌توان اذعان کرد که این کتاب نه تنها در صدد شناخت ابوسعید است بلکه بسیاری از مسائل پیچیده و غامض عرفانی را نیز

بررسی می‌کند و می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مجهولات حوزه عرفان باشد.

باب اول کتاب با عنوان «تعدد طرائق در تصوف» به بحثی اساسی در باب چگونگی بوجود آمدن سلسله‌های مختلف و طرائق صوفیه با توجه به خصوصیات ویژه پیر و مرشد خود دارند که مایر در این بخش اظهار می‌کند که در این روایات آنقدر تناقض و ابهام موجود است که می‌بایست در همه دانسته‌های خود درباره تصوف تأمل کرد و همه آنها را با دقت و پژوهشی تازه نقد کرد.

باب دوم منابع تحقیق درباره ابوسعید است در این باب مؤلف همانگونه که روش همه محققین اروپایی است بحثی در کتابشناسی ابوسعید دارد و درباره مهمترین مآخذ شناخت وی نقدی تحلیلی ارائه می‌دهد.

باب سوم با عنوان زندگی ابوسعید به کودکی وی تا رسیدن به مرحله کمال عرفان اشاره دارد. باب چهارم مناسبات ابوسعید با فرق مذهبی را بررسی می‌کند.

باب پنجم درباره ریاضتهای اوست و تلاش ابوسعید در رهایی از خود عنوان باب ششم کتاب است.

هیچ بودن، هیچ کسی نماد این عرف مرسوم ابوسعید است که او هر کجا که ذکر خویش کرده از من و ما پرهیز نموده است و گفت: «یکساعته اندیشه از نیستی خویش بهتر از یکساله عبادت با اندیشه هستی خویش»^۵

باب هفتم سخنان ابوسعید است و آن معانی که در ضمن عرفان خود بیان فرموده‌است در نفی تکبر، خودرایی، تدبیر و مقاومت، مباحثی در تسلیم و رضا، حکم وقت، دوری جستن از متاع دنیا و...

باب هشتم به بارزترین خصلت روحی ابوسعید می‌پردازد به شادی وی، خوشدلی وی، آن سبک روحی

و سرخوشی که عموماً در فرهنگ عرفا رایج نبوده است. «نگاهی اجمالی به دوران تصوف کلاسیک تا عصر قشیری نشان می‌دهد که شادی در هیچ یک از مقامات عرفانی جایگاه قابل ملاحظه‌ای نداشته است»^۶

«در حالیکه شادی عنصر اصلی زندگی معنوی ابوسعید بوده‌است. ابوسعید با شادیهایی که در تکاپوی آن و در صدد برخورداری از آنهاست در کسوت یک صوفی پخته و کامل‌العیار به درجه‌ای از کمال می‌رسد که موفق می‌شود در پی ریاضتهای دوران جوانی خود و مجاهدات بی‌امان خاص صوفیه در جهت اعراض از دنیا، شباهت و هماهنگی خاصی با انسانهای شاد و سرخوش این دنیا بدست آورد»^۷

شادخواریهای ابوسعید مایر را به آنجا می‌کشاند تا دریات شادی و حزن در بیان عرفا تحقیق نماید و فصلی از کتاب را به موضع پیشینیان در قبال شادی اختصاص دهد.

بحث درباره شادی، خود، موضوع خوف و رجای عارفان را پیش می‌کشد چرا که اکثر صوفیه شادی را نتیجه رجاء می‌دانند و از جمله صوفیه پیش از ابوسعید که مدافع و مبلغ یک جانبه امید بوده‌است یحیی بن معاذ رازی متوفی ۲۵۸ هـ. است این نکته موجد فصلی با عنوان یحیی بن معاذ و امید است که طی آن مؤلف به بررسی دو اصطلاح عرفانی خوف و رجاء می‌پردازد و سپس طرفداران خوف و رجاء را طی فصلهایی معرفی می‌کند.

بحث قبض و بسط که مرحله بالاتر از خوف و رجاء است باب دهم کتاب است که خود می‌تواند کتابی مستقل محسوب شود. در فصل بعد مؤلف پس از تبیین اصطلاح «بسط» به هنر ابوسعید در حفظ حال بسط می‌پردازد و نمونه‌های گوناگونی ارائه می‌دهد.



فریدون مایر

هفت خط زجام حافظ

هفت خط ز جام حافظ

اردلان عطار پور

انتشارات جستجو، چاپ اول: ۱۳۷۸

تیرک نگاه

کتاب «هفت خط ز جام حافظ» که اخیراً منتشر شده است، به طور عمده درصدد پاسخگویی به مفاهیم چندگانه دیوان حافظ است. عطارپور نویسنده کتاب در ابتدای بحث می‌نویسد: «رایج‌ترین جوابی که داده می‌شود، این است که کلام حافظ پیچیده و پرابهام و ابهام‌آمیز و همین شناخت وی را مشکل می‌کند.» (ص ۸۶)

اما علت دیگری که مولف کتاب هم به آن اشاره داشته این است که اساساً «مذهب حافظ چیزی غیر از صوفیگری و اشاعره و حکمت مشاء و نظایر اینهاست. گوهری جدا و بی‌تعصب و بالاست که دور از پیشداوریهای مرسوم قرار دارد» (ص ۹۶).

کتاب «هفت خط ز جام حافظ» در هفت فصل به این مباحث می‌پردازد. در فصل یا خط اول به جمع‌پذیری و انسجام جنبه‌های مختلف افکار حافظ پرداخته است. در خط دوم جوانب مختلف دیدگاه‌های حافظ شرح بیشتری شده و کوششی را که محققان در توجیه این «جوانب متناقض» داشته‌اند بازگو و نقد شده است. خط سوم درباره مشکل شناخت حافظ است. در خط چهارم، پنجم و ششم سه بیت بحث‌انگیز که همواره مورد اختلاف حافظ‌شناسان بوده مورد بررسی و شرح واقع شده است و بالاخره در خط هفتم به تأثیر افکار و اندیشه‌های حافظ بر سبک و سیاق کلام وی می‌پردازد. در پشت جلد در توضیح نام کتاب آمده است: «در ایام قدیم روی جام‌های شراب هفت خط از پایین تا بالا وجود داشت که هر کسی به قدر حال و توانایی خود جام را تا خط معینی پر کند و این که امروزه به رندان و زیرکان هفت خط می‌گویند به ظاهر از همین جاست که این افراد جام را تا خط هفتم لبالب می‌کردند و می‌نوشیدند».

نویسنده همچنین در نامگذاری کتاب به این بیت از حافظ نظر داشته است:

بیر میخانه همی خواند معمایی دوش

از خط جام که فرجام چه خواهد بودن
کتاب در ۱۴۱ صفحه تدوین شده است و در صفحه به صفحه آن به آثار و نوشته‌های محققان درباره حافظ اشاره شده است. در انتهای کتاب نیز «کتابنامه» مفصلی آمده که نشان از مطالعه و ممارست دایمی نویسنده با آثار حافظ‌پژوهان دارد. با این همه این کتاب برعکس غالب کتابهایی که درباره حافظ وجود دارد کم‌برگ می‌نماید، و این البته تا حدودی به علت ایجاز و فشردگی مطالب آن است؛ و در کل می‌توان گفت نگاه تازه‌ای به حافظ و حافظ‌پژوهی شده است که احتمالاً باعث باز شدن بعضی دشواری‌های شعر حافظ می‌شود. برخی از ابیات مشهور حافظ که در این کتاب آمده دارای غلط‌های چاپی است امیدواریم در چاپ‌های آینده این مشکل مرتفع شود.

پیش از آنکه همه آن گنجهای خودی را دیگران کشف نمایند که حیف باشد گرفته چینیان احرام و مکی خفته در بطحاء.

در پایان لازم است از ترجمه خوب خانم مهرآفاق بایبوردی یاد کنیم^{۱۱}. خانم بایبوردی که همکار مرحوم زریاب‌خویی در ترجمه کتاب «دریای جان» هلموت ریتز هم بوده‌اند با دقت و سعی فراوان متن بسیار روان و دقیقی ارائه داده‌اند. تمام متن ترجمه مورد مطالعه مایر قرار گرفته و مترجم کتاب با علاقه فراوان به مدت سه سال طی جلساتی در حضور فریتز مایر بوده و ترجمه فارسی را مورد تصحیح و تنقیح نویسنده قرار داده است.

یادداشت‌ها:

- ۱- شغیعی کدکنی، محمدرضا، اسرارالتوحید پیشگفتار مصحح / پنج
- ۲- همان - مقدمه مصحح / بیست و چهار
- ۳- این کتاب را محمدبن منور از نوادگان شیخ در حدود سالهای ۵۷۴ تا ۵۸۱ ه. به رشته تحریر در آورده است
- ۴- این کتاب را یکی دیگر از فرزندان او به نام جمال‌الدین ابوروح لطف الله چهل سال زودتر از اسرارالتوحید نوشته‌است
- ۵- مایر، فریتز، ابوسعید ابوالخیر حقیقت و افسانه ص ۹۷
- ۶- همان، ۱۵۷
- ۷- همان، ۱۵۸
- ۸- لازم به توضیح است که ابوسعید دو رباعی سروده است که در اسرارالتوحید درج شده است رک. اسرارالتوحید / صدوپنج
- ۹- اشاره به اقوام و اعقاب شیخ رک. ص ۵۲۹ ابوسعید ابوالخیر حقیقت و افسانه
- ۱۰- برای نمونه انتساب یوسف و زلیخا به فردوسی و یا طریق التحقیق به سنایی، خیامیات و عطاریات خود نمونه بی‌توجهی به گردآوری محققانه آثار بزرگان است
- ۱۱- ریتز، هلموت، دریای جان، ترجمه زریاب‌خویی و بایبوردی انتشارات بین‌المللی الهدی چاپ اول ۱۳۷۴

از جمله بحثهای جالب کتاب موضع ابوسعید در قبایل شعر و موسیقی و رقص و نیاز وی به آنهاست که خود موجب شرکت در مراسم سماع می‌شده است هر چند ابوسعید هیچ بیتی نسروود^۸ اما از ترانه‌ها و اقوال سایر صوفیه بهره‌مند بوده و در خاطر داشته است. این بحث خود بهانه‌ای برای فصلی درباره سماع و موسیقی و رقص و اباحه آن است.

دیگر ابواب کتاب مقام خاص ابوسعید در نزد معاصران، مجامع صوفیان، ابوسعید و صاحبان قدرت، محبان و مریدان ابوسعید، خاندان او، ویرانی میهنه بدست مهاجمان غز، قلمرو معنوی ابوسعید، خانواده مرابطی^۹، شادی در نزد صوفیه متأخر و در پایان شجره‌نامه خاندان ابوسعید آمده است.

ترجمه و ارائه این‌گونه پژوهشها نه تنها موجبات برخورداری محققین فارسی زبان از آثار اروپاییان را فراهم می‌کند بلکه از آن مهمتر نمونه‌های عالی پژوهش علمی را عرضه می‌نماید و تلاش پژوهشگران اروپایی را برای ارائه مطالب نشان می‌دهد.

آنجا که ما در انتساب بسیاری از آثار به مؤلفین آن هنوز دچار تردید و سردرگمی هستیم و به اشتباه بسیاری تالیفات را به غیر صاحبان آن نسبت می‌دهیم^{۱۰} و طوطی‌وار و تاریخ ادبیات خوان به تکرار، دچار اشتباهات فاحش می‌شویم لازم است ببینیم چگونه محققین غربی برای اثبات چونی و چرایی و چگونگی شادی ابوسعید صدها کتاب را زیر و رو می‌کنند و از زوایای مختلف به بررسی مطلب می‌پردازند به گونه‌ای که هر یک از مباحث مطروحه می‌تواند کتابی مجزا در آن باب محسوب شود.

هنگام مطالعه دقیق و تحقیق و تتبع ژرف آثار و افکار و احوال بزرگان خرد و اندیشه فرارسیده است؛

هم می‌آمیزد و از شعر فارسی و عربی شاهد ذکر می‌کند. مذاق عرفانی او در جای جای کتاب آشکار است و ارادت و سر سپردگی به ائمه شیعه علیهم السلام از آنجا پیداست که مقاله سوم کتاب را به ائمه اختصاص داده است.

خصوصیات سبک محبوب القلوب به لحاظ قالب و محتوی آنچنانکه محققان کتاب در مقدمه آورده‌اند چنین است: استشهاد به احادیث و اخبار گرچه گاه بی‌تناسب به نظر آید چنانکه برای توضیح اقوال یونانیان اخباری از امام باقر و امام سجاده و امیر المومنین علی علیهم السلام آورده است (۵۱ - ۵۰) و نیز استشهاد به حکایات (۵۲) و شعر فارسی (۵۳) و شعر عربی (۵۵) و هم در آمیختن عبارات فارسی و عربی (۵۶) و نیز تأویل، چنانکه حکایتی از لقمان را تأویل نموده است (۵۷).

در این مجلد ترجمه آدم و شیث و ادریس (که به گفته مؤلف همان هرمس اول است) و دو هرمس دیگر و اسکلیپوس طیب و بقراط و جالینوس و لقمان و انوبادقلس و فیثاغورس و سقراط و افلاطون و ارسطو و اسکندر (که به گفته مؤلف اقوی این است که همان ذوالقرنین قرآن باشد) و اسکندر افرودیسی و ثاوفرسطوس و دیوجانس و شیخ یونانی (= فلوپلین) و اومیرس (= هومر) و سولون و زدن (رواقی) و تالس ملطی و انکساغوراس و انکسیمانس و زرتشت و ذیمقراطیس و ابرقلس و فرفوروس و... تا برسد به یحیی نحوی که رابط دوران قبل از اسلام و بعد از اسلام شمرده می‌شود (ر.ک فهرست کتاب).

مؤلف دو حکایت در دو موضع از کتاب نقل کرده است که دو دیدگاه نسبت به فلسفه را در عالم اسلام نشان می‌دهد. یکی حکایت عمروعاص فاتح مصر که به دستور خلیفه دوم کتابخانه اسکندریه را آتش زد

□ اعمال القلب (ظاهراً همان الخطرات القلبیه)
□ تفسیر الشریف اللاهیجی (که به کوشش مرحوم محدث ارموی چاپ شده است).
□ ثمره الفؤاد در اسرار عبادات
□ خبر الرجال (در شناخت رجال اسانید من لایحضره الفقیه)

□ شرح الصحیفه السجادیه (ترجمه و شرح مختصر فارسی بر صحیفه سجادیه)

□ فانوس الخیال (یا الرسالة المثلثیه) در بیان عالم مثال، برزخ.

وی در این کتاب کوشیده است معراج پیغمبر را نیز بر این اساس توجیه نماید و این همان کاری است که بعدها شیخ احمد احسائی بدان دست یازیده است و بدیهی است که مسأله خیال منفصل و مجرد خیال به نحو دیگری در حکمت متعالیه نیز مطرح است.

اما مهم‌ترین اثر اشکوری همین کتاب مورد بحث ما محبوب القلوب است با یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه (که چاپ حاضر شامل مقاله اول از آدم علیه السلام) تا ظهور اسلام می‌شود).

اشکوری گوید حکمت برای نفس انسانی به چند طریق حاصل می‌شود یکی بدون تعلیم و تعلم بشری و با مأموریت از عالم بالا برای اصلاح اودع و این نبوت است به معنی فراتر رفتن از زمین (۲۸ - ۲۷) و دیگر حکمتی است که با درس و بحث به دست می‌آید و آن به تعبیر یونانیان فلسفه است یعنی دوستاری دانش (۲۸). جالب است که اشکوری کلمه «نبی» را از «نباء» به معنی خبر نگرفته بلکه از «نَبُو» به معنی رفعت گرفته است.

به هر حال با این تعریف اشکوری حکما و انبیاء و ائمه را با هم می‌آورد، همچنانکه عربی و فارسی را در

سیره نویسی حکما و ذکر احوال و اقوال و آثار آنان پیش از اسلام و پس از آن سابقه داشته و فن دلکشی بوده است. مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه در مقدمه مفصلی که بر ترجمه نزهة الارواح شهرزوری (ترجمه مقصود علی تبریزی) نگاشته فهرست تحلیلی نسبتاً کاملی از اینگونه آثار به دست داده است که مورد استفاده محققان کتاب مورد بحث ما نیز واقع شده و از آن جمله اینها را ذکر کرده‌اند:

فردوس الحکمة علی بن سهل طبری / تاریخ الاطباء و الحکماء یحیی نحوی / تاریخ الاطباء و الحکماء اسحاق بن حنین / طبقات لاطباء و الحکماء ابن جلیجل / فهرست ابن الندیم (یا: ندیم) / صوان الحکمة ابوسلیمان سجستانی / طبقات الامم قاضی صاعد اندلسی / الملل و النحل شهرستانی / تنمیه صوان الحکمة بیهقی / اخبار الحکماء قفطی / عیون الانباء فی طبقات الاطباء ابن ابی اصیبعه نزهة الارواح شهرزوری (ص ۲۲ - ۱۹ مقدمه کتاب)

قطب‌الدین (یا: بهاء‌الدین) اشکوری متولد حدود ۱۰۲۰ هـ. ق و متوفی بعد از ۱۰۸۸ هـ. ق) از علمای شیعی و حکیمان و عارفان عصر صفوی است که مدتی نیز شغل قضاوت و امامت جمعه و جماعت در لاهیجان داشته و آثاری به نثر فارسی و عربی (وگاه مختلط) و نیز اشعاری متوسط و زیر متوسط دارد. از جمله آثار اشکوری در مقدمه کتاب به این موارد اشاره شده است (تلیخیص از صفحات ۴۵ - ۳۱ مقدمه کتاب):

محبوب القلوب (المقالة الاولى)

قطب‌الدین محمد بن شیخ علی الاشکوری الدیلمی اللاهیجی

تصحیح: الدكتور ابراهیم الدیباچی / الدكتور حامد صدقی

نشر میراث مکتوب، چاپ اول: ۱۳۷۸



محبوب القلوب

کتاب الاشکوری

فی الفروع الحکما و آثار المیراث

اللیبایة الاولی

تألیف

قطب‌الدین محمد بن شیخ علی الاشکوری الدیلمی اللاهیجی

تصحیح

الدكتور ابراهیم الدیباچی / الدكتور حامد صدقی

علیرضا نکاو تنی قراقرلو

درسیره نویسی حکما

یعنی شش ماه سوخت حمامهای شهر از این کتابها تامین می شد (۳۸۵) و دیگر حکایت یحیی بطریق است که عامل فارس می خواست او را از جای خودش آواره سازد و او نامه به علی بن ابیطالب (ع) نوشت و حضرت به فرزند خود محمد بن حنفیه دستور داد که برای آن حکیم امان نامه بنویسد (۳۸۸) و بدینگونه عجب نیست که اکثریت حکمای اسلام متشیع اند یعنی یا اسماعیلی و یا زیدی و یا امامی هستند و متفکران فلسفی ماب سنی مذهب غالباً ضد فلسفه بوده اند (مانند محمد غزالی و فخر رازی) و بسیار جای تعجب است که بعضی محققان شایسته احترام نسبت کتابسوزی را از عمرو عاص نفی کرده اند. از کسانی که به عترت توهین کردند چه عجب که به «کتاب» نیز تعرض کرده باشند و به بهانه «کفانا کتاب الله» مسلمانان را بی نیاز از موارث تمدن بشری پنداشته باشند حال آنکه همانان برای نوشتن حساب بیت المال نیز نیاز به ایرانیان متمدن داشتند و البته سیر تاریخ آن خشک اندیشی را محکوم کرد و روش علی بن ابیطالب (ع) در اعطای امنیت به حکیمان و عالمان اجرا شد همچنانکه پیغمبر نیز طلب علم را ولو در «چین» سفارش فرموده بود.

ذکر این نکات از این جهت بود که گرایش شیعیانه نویسنده محبوب القلوب را کاملاً متناسب با مشرب حکیمانه و عارفانه او می یابیم و لذا محبوب القلوب کتابی است که در خواننده اش نیز حکمت دوستی را القاء می نماید. و نمایش گرایش عرفانی و فلسفی و معنویت عالی در عصر صفوی است.

البته کتب قدیم را باید با انتقاد نگریست و محبوب القلوب که مطالبش تلفیقی از مأخذ گوناگون با مشربهای متفاوت است بیشتر باید مورد تامل قرار گیرد و خوب بود که محققان محترم کتاب مقایسه ها یا

ارجاعاتی در این زمینه صورت می دادند. جوهر اعتقاد اشکوری در رابطه دین و فلسفه چنین است: «العقل شرع من داخل و الشرع عقل من خارج فهما متعاونان متعاضدان» (۱۰۲) از همین جهت که قرآن کافران را بی عقل نامیده و عقل و وحی را به رویهم «نور علی نور» خوانده است (همان صفحه).

به یک نکته مهم درباره مقدمه کتاب اشاره می شود و آن اینکه کتابی در ایران چاپ می شود و مؤلف آن ایرانی است و حتی در متن کتاب شعر و نثر فارسی را با عربی در آمیخته است چه خوب بود که مقدمه کتاب را نیز محققان به فارسی می نگاشتند همچنانکه در مورد بعضی متون عربی دیگر که میراث مکتوب چاپ کرده است همین کار صورت گرفته است.

و اگر فرض محققان کتاب بر این بوده است که خواننده محبوب القلوب فارسی نمی داند پس تکلیفش با عبارات و اشعار فارسی کتاب چه خواهد بود؟ و جالب تر اینکه عبارات عربی مقدمه گاهی سخت بوی فارسی، آن هم فارسی رسانه های جمعی را دارد یک نمونه نقل می کنم و داوری را به خوانندگان عربیدان و فارسی شناس واگذار می نمایم: «اهتم المؤلف بالاخلاق والحكمة العملية باعتبار البعد العام لها و باعتبار بعدها الصانع للانسان و المهتم بتربيته اكثر من الابعاد الاخرى» (ص ۴۷) که ملاحظه می شود کلمه «بعد» در همین معنی یومیه ما بکار رفته که عرب فصیح معاصر چنین نمی گوید.

در هر حال زحمات محققان کتاب و ناشر محترم مأجور و مشکور است. در انتظار انتشار بقیه کتاب که اهمیت بیشتری دارد هستیم.

تذكرة الشعراء

تذكرة الشعراء

مولانا محمد عبدالغنی خان غنی

باتصحیح و تواسیح محمد اسلم خان

ناشر سعود احمد دهلوی، ۱۹۹۹ م.

قلمرو ادبیات فارسی در سرزمین هند بسیار گسترده است. بیشتر آثار فارسی در زمینه فرهنگ نویسی و تاریخ و تذکره نویسی برای نخستین بار در این سرزمین تألیف شده و به نظر دکتر خانلری، نویسندگان فارسی زبان هند و پاکستان در این زمینه بر ادبیات ایرانی برتری یافته اند. از جمله تذکره های گرانمایی که در هند تألیف شد تذکره الشعراء غنی است که در سال ۱۳۲۸ هـ / ۱۹۱۰ م. به پایان رسید و در سال ۱۹۱۶ م / ۱۳۳۴ هـ به کوشش محمد مقتدی خان شیروانی به چاپ رسید.

درباره شرح حال مؤلف تنها منبع، مقدمه تذکره به زبان اردوست که توسط فرزند وی تهیه، و در ضمن آن، نام مؤلف مولانا محمد عبدالغنی و تخلص وی غنی معرفی شده است. وی در نوشتن این تذکره غیر از برخی کتاب های تاریخی از تذکره های دیگر نیز بهره برده است.

تذکره الشعراء غنی شامل نام ۱۰۴۱ شاعر متقدم و متأخر است که از آبروشاه مبارک گوالیاری شروع شده است و به میریوسن ابهری پایان می پذیرد. در عین حال استفاده از این تذکره بسیار آسان است. روشی که در این تذکره اتخاذ شده به شرح ذیل است:

۱. عناوین شامل: تخلص، اسم، سال وفات، وطن، ملک، عهد (نام پادشاه زمان شاعر)
۲. اسامی شاعران بر اساس حروف الفبا مرتب شده است.
۳. برخی نقایص لفظی توسط مصحح برطرف شده است.

۴. با توجه به تفحص مصحح در سایر تذکره ها نام شعرائی که قبلاً در تذکره الشعراء موجود نبوده اضافه گردیده است.

۵. برای راهنمایی و کمک به دانش پژوهان در به دست آوردن اطلاعات بیشتر درباره هر شاعر به چهار کتاب زیر اشاره شده است: فرهنگ سخنوران خیامپور، تذکره منتخب اللطایف رحیم علی خان ایمان، منتخب الاشعار مردان علی خان مبتلا و - Dictionary of indo Persian literature دکتر بنی هادی، که هر یک با نشانه های اختصاری در کتاب مورد استفاده قرار گرفته است. کستاب تقریظ کوتاهی به قلم پرفسور سید امیر حسن عابدی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهلی دارد.

در تکیه نگاه

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / بهمن ۱۳۷۸

مؤلف حق مطلب را به نیکی ادا کرده است. کتاب اگر چه در شانزده فصل تنظیم شده، لیکن مطالب آن را می توان به سه بخش کلی تقسیم کرد:

۱- بخش تاریخی، که در آن از زمینه ها و پیشینه های تاریخی رمانتیسم و تحولی که در معنای آن صورت گرفته سخن رفته است؛ ۲- بخش ناحیه ای، که در آن سیر نهضت رمانتیسم در مناطق مختلف اروپا، و بیش از همه انگلیس و آلمان و فرانسه مورد توجه قرار گرفته؛ ۳- بخش تحلیلی، که در آن به بررسی این نهضت از جنبه های فلسفی، مذهبی، و اجتماعی و سیاسی عنایت شده است.

سیر رمانتیسم، علاوه بر اهمیت ادبیش، از دید جامعه شناختی هم در خور توجه است زیرا نمونه ای عالی است از حرکت خجسته ای که خوشبختانه این روزها در جامعه فرهنگی ما دیده می شود و آن کوشش برای شناخت عرصه های فلسفی و اجتماعی غرب است با تکیه بر منابع مستند و متقن غربی؛ به تعبیر دیگر، نوعی غرب شناسی بسامان که به ما یاری می دهد تا غرب را بشکلی معقول و عالمانه، به دور از افراط و تفریطی که در نگرش ما نسبت به غرب رایج بوده، بشناسیم و با آن روبرو شویم.

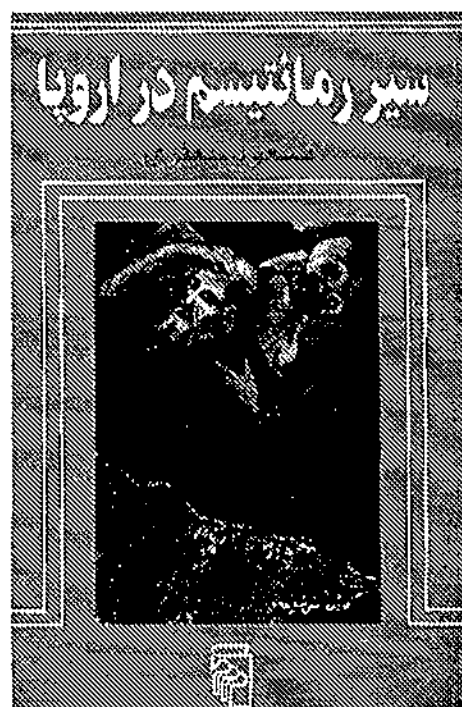
با این که موضوع تحقیق اقتضای آن را داشته است که شیوه بیان مؤلف به سوی نوعی نثر ترجمه ای سوق یابد - ایرادی که در اغلب کارهایی از این دست دیده می شود -، خوشبختانه نثر سیر رمانتیسم از این نقیصه تا حد زیادی بر کنار مانده، نثری است مستقل، شفاف، و

از موضوع و با رعایت مبانی پژوهش آثار خود را نوشته اند؛ شیوه بیان و تسلط آنان بر زبان فارسی است که این آثار را رنگ و جلایی دیگر داده و از اقزان خود فراتر برده است. تازه ترین کتاب از این دست، به گمان بنده، سیر رمانتیسم در اروپا، تألیف دکتر مسعود جعفری جزی، است.

پس از دوره مشروطه، نخستین و مهم ترین موج ادبی را در کشور ما نسیم ملایم رمانتیسم برانگیخت. شعر و داستان فارسی در دو دهه نخست این قرن خورشیدی بشدت صیغه رمانتیک یا شبه رمانتیک داشت، و پس از آن هم که بادهای شمالی وزیدن گرفت و تفکر رئالیسم سوسیالیستی پا به عرصه نهاد، رمانتیسم همچنان به عنوان یکی از جریانهای اصلی در صحنه ادبیات ایران باقی ماند. پس برای شناخت و نقد درست بخش مهمی از ادبیات معاصر فارسی لاجرم باید به تحقیق درباره ریشه ها و سوابق رمانتیسم در زادگاه اصلی آن، یعنی اروپا، بپردازیم.

تا پیش از انتشار سیر رمانتیسم چندین مقاله و کتاب در این موضوع به فارسی ترجمه یا نوشته شده که آخرین آنها هم اتفاقاً ترجمه خود آقای جعفری است (نک. فورست، لیلیان، رمانتیسم، ترجمه مسعود جعفری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵)، اما در همه اینها تنها به گوشه هایی از نهضت رمانتیسم اشاره شده، و اگر هم کتاب یا مقاله ایحیانا جامعیت داشته بسی مختصر بوده است و مؤلفان به همه زوایای مطلب نپرداخته اند. لیکن سیر رمانتیسم در موضوع خود کتابی جامع و کامل است و

از وقتی که مرحوم محمدعلی فروغی کتاب سیر حکمت در اروپا را نوشت و منتشر کرد اکنون بیش از نیم قرن می گذرد. سیر حکمت را باید نخستین پژوهش سترگی دانست که یک محقق ایرانی، به قصد شناخت و شناساندن بخشی از تفکر غرب، آن هم به زبان فارسی درست و استوار، برای ما ایرانیان به ارمغان آورد. شاید به همین سبب باشد که کتاب سیر حکمت در اروپا، پس از گذشت این همه سال و آمدن خروارها تألیف و ترجمه تازه در باب فلسفه غرب، هنوز هیبت و حشمت خود را حفظ کرده است. از میان آثاری که از آن پس در حوزه مطالعات غرب شناسی مستقلاً به زبان فارسی تألیف شده کمتر می توان کتابی را یافت که تا حدی هموزن سیر حکمت در اروپا باشد. کتابهای زمینه جامعه شناسی و فرویدیسم از استاد امیرحسین آریانپور و بخشی از کتاب نقد ادبی استاد عبدالحسین زرین کوب را می توان در زمره این آثار معدود بشمار آورد. اگر از این چند کتاب یاد می کنم تنها به این سبب نیست که مؤلفان شان با علم و اطلاع کافی



سیر رمانتیسم در اروپا

مسعود جعفری

نشر مرکز، چاپ اول: ۱۳۷۸

داستانسرایی فارسی

نریک نگاه

در کتاب داستانسرایی فارسی در شبه‌قاره پاکستان و هند در دوره تیموریان، نوشته دکتر طاهره صدیقی استاد و رئیس سابق بخش فارسی دانشگاه کراچی داستانها گردآوری و طبقه‌بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. این کتاب در هفت بخش تنظیم شده است. بخش پیشگفتار به طرح اجمالی سیر داستانسرایی و داستانپردازی از زمان پیدایش زبان در میان نسل‌های دور به دنبال پیدایش احساسات و عواطف و وسیله ابزار آن در میان آدمیان پرداخته و پس از آن، همانگونه که عنوان کتاب، خود بیانگر محتوای متن است به بررسی اجمالی داستانپردازی در شبه‌قاره از آغاز و تحولاتی که در طی مسیر، این فن را تحت تأثیر قرار داده، پرداخته است.

کتاب، داستانپردازی را در شبه‌قاره از دوره حکومت غزنویان تا زمان استعمار انگلستان بر این سرزمین و از زمان تولد تا آنگاه که همچون پیری فرزانه، نسل‌های درخشانی از خود به یادگار گذاشت، مورد بررسی قرار داده است. این تحلیل، وضعیت مطلوب فن داستانسرایی فارسی را در خارج از مرزهای فارسی زبان برای هر فارسی‌زبانی آشکارتر و نمایان‌تر می‌سازد. تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته با توجه به ظهور برترینان شعر فارسی از جمله مسعود سعدسلمان و ابوالفرج رونی که اولین شاعران فارسی زبان شبه‌قاره به شمار می‌روند این امکان را به ما می‌دهد که به جرأت بگوییم رابطه زبان فارسی با شبه‌قاره رابطه‌ای امروزی نیست و تاریخی دیرینه دارد و با اینکه زبان فارسی زبان رسمی این سرزمین نبوده است، مردم شبه‌قاره با این زبان کاملاً آشنایی داشته و به آن عشق ورزیده‌اند. در بخش بررسی داستان‌ها، آن تعداد که در دوره حکومت بابر تا انقراض دولت تیموریان نوشته شده، از منشاء و اساس داستان و محتوای آنها به دسته‌هایی تقسیم می‌شوند.

مؤلف هنگام بررسی این تقسیم‌بندی بطور مجزا برای هر دسته توضیحاتی درخور کلام آورده و قطعاتی چند از شاعران برجسته هر دسته را به عنوان تأیید سخن خویش و تنوع در چگونگی بیان مطلب نقل کرده است.

در بخش مؤخره، مؤلف مختصری درباره داستانسرایی در شبه‌قاره بعد از انقراض دوره تیموریان تا تأسیس پاکستان آورده و به بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی، وضع زبان و ادبیات فارسی و وضع داستانسرایی در این دوره پرداخته است.

در پایان کتاب، بخش معرفی منابع و مأخذ آمده است که در دو بخش فارسی و انگلیسی تدوین یافته است.

تحقیق خود بنگرد. کتاب سیر رمانتیسیم از این ویژگی نیز برخوردار است. زبان و شیوه دانشگاهی و عالمانه مؤلف خوشبختانه نتوانسته است همدلی او را با موضوع تحقیق پوشیده بدارد.

کتاب سیر رمانتیسیم در اروپا می‌تواند سرمشقی باشد برای دیگر محققان ادبی ما که به این مباحث علاقه‌مندند و می‌خواهند درباره دیگر مکاتب ادبی فرنگ هم که در ادبیات نوین ایران مؤثر بوده است به تحقیق و تألیف بپردازند.

طرح و رنگ جلد کتاب خوب نیست. تصویر زاهدانه و اندوهباری که بر زمینه سرخ روی جلد نقش بسته شاید ما را به یادگوشه‌هایی از ادبیات رمانتیسیم بیندازد، اما به هیچ وجه از مهمترین جنبه این مکتب که همانا ابراز مهر و شور و سبکبالی است نشانی در آن دیده نمی‌شود. از ناشر که معمولاً در کتابهای هماهنگی میان طرح روی جلد و محتوا را رعایت می‌کند انتظار می‌رفت که برای چنین کتابی طرح و زمینه‌ای مناسب‌تر را تدارک ببیند. امید آن که این نقیصه در چاپ بعدی کتاب برطرف شود. نکته آخر این که کتاب، باهمه تندرستی، باز هم نیازمند ویرایش است تا از آنچه هست بهتر شود و این هم کاری است که امیدوارم مؤلف و ناشر آن را در چاپ بعدی کتاب لحاظ کنند.

به امید روزی که کتابهایی نظیر سیر رمانتیسیم در اروپا در حوزه تحقیقات ادبی ما تا بدان حد فزونی یابد که آیندگان برای شمارش آنها به رقمی بسیار بیش از شمار انگشتان دو دست نیاز داشته باشند.

بدون ابهام که آسان فهمیده می‌شود و خواننده را برای درک مقصود نویسنده به زحمت نمی‌اندازد. ترجمه خوب اقوالی که از منابع فرنگی یا عربی نقل شده نشان می‌دهد که نویسنده مطلب را خوب فهمیده و سپس در قالب عبارات صحیح و ساده فارسی دقیقاً ترجمه یا نقل به مضمون کرده است. دقت نظر در پژوهش، غور در منابع و مأخذ مربوط، داوری درست، و سرانجام بیان این همه به زبانی علمی، و در عین حال ساده، که فهم آن برای همگان میسر است از ویژگیهای بارز کتاب است. بنابراین، سیر رمانتیسیم را باید از معدود کتابهایی دانست که در حوزه مطالعات غربی به زبان ما ایرانیها - یعنی فارسی زنده و تندرست، نه فارسی بیمار و «پست مدرن» ترجمه‌ای - نوشته شده است. انبوه منابعی که در پایان هر فصل آمده، به همراه دقت و سواس گونه مؤلف، خواننده را قانع می‌کند که برآستی «سیر رمانتیسیم در اروپا» را می‌خواند و با کتابی مواجه نیست که حاصل برداشت ناساز و لا یقرء مؤلف از موضوع باشد.

تألیف هر گونه کتابی در حوزه علوم انسانی، و از جمله ادبیات، مستلزم نوعی همدلی مؤلف با موضوع تحقیق است. در علوم طبیعی و تجربی احساس عاطفی محقق درباره موضوع کارش - اگر اصلاً چنین احساسی در کار باشد - در قوت و ضعف تحقیق و تألیف او چندان تأثیری ندارد. اما در علوم انسانی چنین نیست؛ در این گونه علوم، محقق باید یک بار از دیدگاه بیرونی، با تکیه بر علم و عقل، و بار دیگر از منظر درونی، با احساس و عاطفه، یا به تعبیر دقیق‌تر با «همدلی»، به موضوع

محمد دهقانی

پژوهشی ارجمند در حوزه ادبیات غرب

زندگی پرشور و تکاپوی فرخی یزدی چنان با آرمانها و علایق میهنی در آمیخته است که هر نوع پژوهش و گفتگو درباره زندگی، شعر و اندیشه وی بدون بررسی نحوه تلقی شاعر از «میهن» و «ملت» و چند و چون رویکرد او به آرمانهای میهنی ناتمام خواهد بود. آرمانها و اندیشه‌های گونه‌گونی که در طول زندگی پر جوش و خروش فرخی، ذهن و ضمیر او را به خود مشغول داشته و در کلامش بازتاب یافته است، شبکه به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهد که در هسته مرکزی آن، وطن و ملت قرار دارد، این دو عنصر محوری اجزای مختلف این شبکه معانی را به یکدیگر پیوند می‌دهد و عناصر متنوع این مجموعه، تنها در ربط و تعلق به آن دو عنصر محوری معنا می‌یابد.

برای دریافت دقیق‌تر تلقی فرخی از میهن و ملت ناگزیریم دو رویکرد متمایز میهنی را که در عصر شاعر رواج داشته به اجمال از نظر بگذرانیم و پس از آن خلاصه نگرش ناسیونالیستی او را مورد بررسی قرار دهیم.

رویکردهای میهنی در روزگار فرخی:

تأمل در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران نشان می‌دهد که پس از فتح تهران توسط مشروطه خواهان و استقرار نظام مشروطیت، دو گفتمان متفاوت میهنی در میان نیروهای فعال در عرصه سیاست و اندیشه رواج یافته است. این دو رویکرد که ریشه در تعالیم جنبش روشنفکری و تجدد خواهی اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم داشت، پس از تلاقی تفاهم‌آمیز در نهضت مشروطه خواهی، با استقرار مشروطیت دوم و آشکار شدن صف‌بندی‌های درون جنبش، از هم فاصله

گرفت و در فردای فرو نشستن شعله‌های جنگ جهانی اول با تمایزی بیش و کم آشکارتر تداوم یافت و صف‌آرایی‌های متعارضی را در پی آورد.

الف: ناسیونالیسم باستانگرا و نژادپرست

این گفتمان ناسیونالیستی ریشه در آرای میرزا فتحعلی آخوندزاده، جلال‌الدین میرزای قاجار و میرزا آقاخان کرمانی - پیش از همراهی او با ملک‌خان و سید جمال‌الدین اسدآبادی - داشت و از منظر نژادی به تاریخ، دین و آیین، حقوق انسانی گروهها و اقوام و طوایف می‌نگریست. تأثیر ناسیونالیسم افراطی غرب، و به طور خاص آلمان، بر این جریان ناسیونالیستی چشمگیرتر بود. پیروان آن با نگاهی رمانتیک به عصر باستان، خواهان بنای ایران مدرن بودند، شیفتگی مفرط به ایران باستان و اعتقاد به اصالت خون و نژاد، اساس نگرش تاریخی آنان را شکل می‌داد. این شیفتگی توهم‌آمیز و نژادگرایانه، تاریخ پیش از اسلام ایران را در تضاد با تاریخ ایران بعد از اسلام ارزیابی می‌کرد و دشمنی با قوم عرب و بی‌اعتنایی یا مخالفت با دین اسلام، برآیند چنین نگرش تاریخی بود. نظام سیاسی مطلوب این گفتمان ناسیونالیستی، حکومت مقتدر و متمرکزی بود که پادشاهی قدرتمند و تجددخواه در رأس آن قرار گرفته باشد و به صورت مطلق‌العتنان فرمان براند، آنان خواهان تجدید عظمت باستانی ایران، به هر قیمت ممکن، ولو پایمال شدن آزادی، قانون و حاکمیت مردم بودند، اصولاً در چهارچوب نظری آنان چنین ارزشهایی وزن و اعتباری نداشت، این گرایش پس از گذراندن فراز و فرودهایی سرانجام در دوره حکومت رضاشاه به ایدئولوژی رسمی حکومت بدل شد. و سرکوبگری، دامن زدن به تمایلات نژادی و تبعیض میان اقوام ایرانی، بی‌اعتنایی به اصول و آرمانهای آزادیخواهانه مشروطیت، ضدیت با اعتقادات و حقوق مردم، پیامدهای عملی حاکمیت این جریان ناسیونالیستی بود.

ب: ناسیونالیسم آزادیخواه

ریشه‌های نظری این رویکرد ناسیونالیستی را هم

می‌توان در عقاید پیشروان نهضت روشنفکری و آزادیخواهی جست، تأثیر اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی و میرزا عبدالرحیم طابوف در شکل‌گیری اولیه این گفتمان افزون‌تر بود، گرچه پاره‌ای از دیدگاههای آزادیخواهانه کسانی چون آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و حتی میرزا ملکم خان هم در تکوین آن، نمی‌توانست بی‌تأثیر باشد.

در این گفتمان میهنی، نژادپرستی و اعتقاد به اصالت خون جایی نداشت، و برخورداری از تاریخ، فرهنگ، دین و سرنوشت مشترک هویت مردم ایران را رقم می‌زد، از همین رو پیروان این گفتمان به گذشته تاریخی و اساطیری ایران به دیده احترام می‌نگریستند، اما گرفتار باستانگرایی رمانتیک نبودند، در نظر آنان تاریخ ایران باستان و دوره اسلامی در امتداد هم و مکمل یکدیگرند و کلیت به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند، نه گسیخته و جدا و رویاروی هم. مشخصه اصلی این جریان در پایبندی به اصول و مبانی آزادیخواهانه مشروطیت نمود می‌یافت. این جریان معتقد به کثرت‌گرایی و تحزب، آزادیهای فردی و اجتماعی، حاکمیت قانون، توزیع قدرت سیاسی، و مخالف خودکامگی و استبداد بود. طیفهای مختلف این جریان - حتی طیفی که ماهیت و تمایلات مذهبی آشکاری نداشت - حریم دین را محترم می‌داشتند. ساختار سیاسی مطلوب آنها حکومت مقتدر مبتنی بر رأی مردم و مشارکت اقشار و احزاب گوناگون بود که در چهارچوب قانون اساسی و باوفاداری به استقلال و حاکمیت مردم از همه اقتدار قانونی خود بهره گیرد و در مقابل مردم و نمایندگان آنها پاسخگو باشد. در درون این گفتمان میهنی، طیفهای مختلفی با گرایشهای متنوع حضور داشتند، چنان که می‌توان سه گرایش لیبرال، مذهبی و سوسیالیست را در درون آن از هم تفکیک کرد.

خطوط اصلی رویکرد میهنی فرخی یزدی را می‌توان با این جریان فکری، سیاسی قابل انطباق دانست، او در شمار کسانی بود که ضمن اعتقاد به برابری

باقرصدری‌نیا

مبانی نظری و

ویژگیهای تلقی میهنی فرخی یزدی

انسانها و نفی هر نوع گرایش نژادی، دلبستگی عمیقی به میهن و ملت خود داشت، وی با پایبندی به سنتهای دموکراتیک جنبش مشروطیت، در جهت تحکیم و تعمیق مبانی ارزشهای منبعث از این نهضت مردمی می‌کوشید. شعر او واپسین فروغهایی را بازتاب می‌دهد که با خیزش مشروطه‌خواهی فروزان شد و پس از دوده به خاموشی گرایید.

در اینجا برای تبیین دقیقتر دیدگاه فرخی، برخی از ویژگی‌های تلقی میهنی او را از نظر می‌گذرانیم.

۱- دلبستگی به عهد اساطیر و تاریخ باستان
فرخی همانند دیگر شاعران روزگار خویش دلبسته دوران اساطیر و تاریخ دوره باستان است، اما نگاه او به گذشته با برخی دیگر از سرایندهگان این روزگار متفاوت است او چون دیگران به سوگواری عظمت‌های واقعی یا موهوم گذشته نمی‌نشیند بلکه می‌کوشد گذشته را به حال و آینده پیوند دهد، رویکرد او به اسطوره و تاریخ برای فراهم آوردن دستمایه‌ای جهت برانگیختن غرور ملی و ایجاد حس اعتماد در مردم است تا با اتکا به پیشینه درخشان خود در رویارویی با مخاطراتی که کیان میهن و ملت را تهدید می‌کند و یا از بسط مناسبات عادلانه و انسانی مانع می‌آید دلیرانه ایستادگی کند. او در سروده خود به کرات از تمسک به گذشته چنین مقاصدی را تعقیب می‌کند، از جمله:

همتی ای ملت سلاله قارن
غیرتی ای مردم نبیره کشواد
تا نشود مرز داریوش چو بصره

تا نشود کاخ اردشیر چو بغداد^(۱)
یکی از عمده‌ترین جلوه‌های دلبستگی او به گذشته ایران در بهره‌گیری وسیع از عناصر اسطوره‌ای و تاریخی نمود می‌یابد، وی مکرر در شعر خویش از ایران به عنوان کشور هوشنگ، سیروس، مرزدار یوش، کشور کسری نام می‌برد، و ایرانیان را از سلاله قارن، سیروس و نبیره کشواد... می‌خواند. دلبستگی او به قهرمانان عهد اساطیر چشمگیرتر از شخصیت‌های دوره تاریخی است، بارها در سروده‌های خود از پیکار کاوه با ضحاک یاد

می‌کند و مردم عصر خود را به پیروی از شیوه او فرا می‌خواند:

ضحاک عدو را به چکش مغز توان کوفت
سرمشق گر از کاوه حداد بگیرد^(۲)
یا:

خونریزی ضحاک در این ملک فزون گشت
کو کاوه که چرمی به سر چوب نماید^(۳)
استفاده او از عناصر تاریخی و اسطوره‌ای به صورت انتزاعی و مجرد از واقعیت‌های سیاسی روزگار خود نیست. وی این عناصر را برای عینی‌تر نشان دادن وقایع و صف‌بندیها و تضادهای درونی و بیرونی به کار می‌برد. آنگاه که فرخی به تضاد منافع ملت و فرمانروایان قوم اشاره دارد از اسطوره کاوه و ضحاک بهره می‌جوید، و هنگامی که پای تهاجم و مداخلات بیگانه در میان باشد، به اسطوره سلم و تور اشاره می‌کند، و انگلیس و روس را به عنوان سلم و تور عصر خویش که در صدد نابودی «ایرج ایران» هستند تصویر می‌کند، و بدین ترتیب با استمداد از عناصر اساطیری تضاد آشتی‌ناپذیر استعمارگران را با ایران در یک چشم‌انداز دلپذیر به نمایش می‌گذارد:

عید چم شد ای فریدون خوت بیت ایران پرست
مستبدی خوی ضحاک است این خونه زدست
چالیا کز سلم و تور انگلیس و روس هست
ایرج ایران سرپا دستگیر و پای بست
به که از راه تمدن ترک بی‌مهری کنی

در ره مشروطه اقدام منوچهری کنی^(۴)
این تنها به هنگام سخن گفتن از استبداد داخلی و استعمار خارجی نیست او از عناصر اسطوره‌ای مدد می‌جوید، بلکه حتی در عرصه تغزل و توصیف طبیعت نیز از آنها بهره می‌گیرد؛ هر چند در چنین مواقعی نوعی تفنن و تصنع از کلام او استشمام می‌شود. نمونه زیر برگرفته از مسمطی است که در توصیف بهار سروده شده و شاعر در همه بندها و مصرع‌های آن از این عناصر سود جسته است:

تا کیومرث بهار آمد و بنشست به تخت

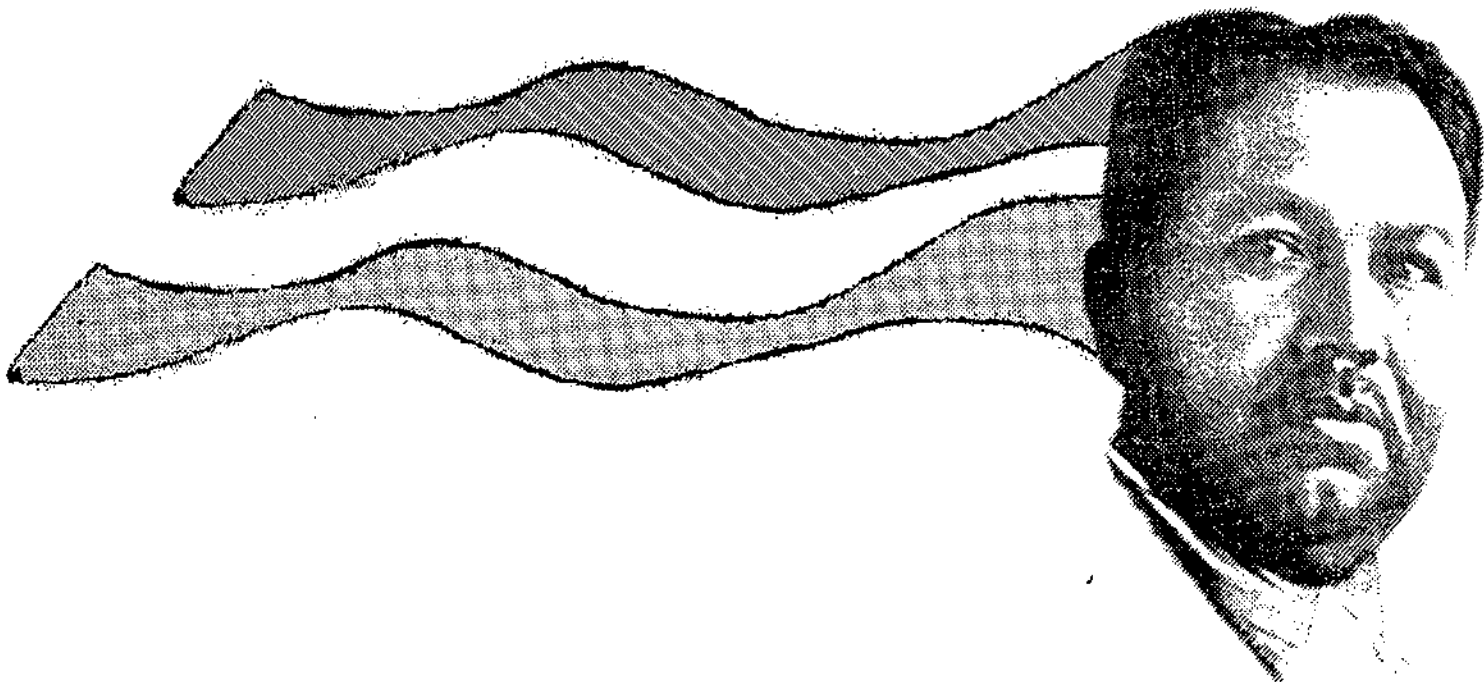
سر زد اشکوفه سیامک‌سان از شاخ درخت
غنچه پوشیده چو هوشنگ زمر دگون رخت
بست طهمورث بر دیو محن سلسله سخت
جام جمشید پر از باده کن اکنون که زبخت
کرده‌ان دولت ضحاک خزان رو به زوال^(۵)

نکته قابل ملاحظه دیگری که در مورد توجه او به عهد باستان شایسته اشاره می‌نماید، آن است که فرخی در هیچ یک از سروده‌های خود ایران پیش از اسلام را در تضاد با ایران دوره اسلامی قرار نمی‌دهد، و از یاد کرد شکوه ایران عهد اساطیر و باستان، دشمنی با قوم عرب را نتیجه نمی‌گیرد، اصولاً در نگاه میهنی فرخی دشمنی با عرب جایی ندارد، از همین روست که وقتی او از یورش اقوام بیگانه به ایران سخن می‌گوید، از همه هجومهای عمده نام می‌برد و تنها درباره حمله اعراب سکوت می‌کند. نمونه زیر مؤید چنین استنباطی است:

این وطن فتنه ضحاک ستمگر دیده
آفت پورپشن رنج سکندر دیده
چور چنگیزی و افغان ستمگر دیده
گرچه از دشمن دون ظلم مکرر دیده
باز بر جای فتاده است به سنگینی کوه
گویا نامده از حمله اعدا به ستوه^(۶)

۲- همسازی اسلام و ملیت
ناسیونالیسم فرخی تصویری سازگار از اسلام و ملیت عرضه می‌دارد. او همان گونه که از عناصر قومی بهره می‌جوید و آن را در جهت برانگیختن حس میهنی به کار می‌برد، از عناصر دینی نیز به همان ترتیب به قصد تحریک حمیت دینی و میهنی استفاده می‌کند، از نظر او این هر دو، کارکرد واحدی دارند و از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و چنان با یکدیگر در آمیخته‌اند که نه آیین مسلمانی را می‌توان از ایرانی بودن جدا کرد و نه تاریخ دوره اسلامی را از عهد باستان.

بند زیر که از مسمط وطنی او برگزیده شده است از این حیث در خور تأمل است.
آخر ای بی‌شور ملت عرق ایرانی کجاست
شد وطن از دست آیین مسلمانی کجاست



حشمت هرمز چه شد، شاپور ساسانی کجاست
سنجر سلجوق کو، منصور سامانی کجاست
گنج باد آور کجا شد زر دست افشار کو
صولت خصم افکن نادر شه افشار کو(۷)

در شعر دیگری که با نام «ایران - اسلام» در دیوان او به چاپ رسیده است، تلفیق میان دیانت و ملیت در عنوان و متن آن با صراحت افزونتری نمود می یابد. متأسفانه دیوان فرخی نیز مانند اغلب دیوانهای شعر براساس نظم تاریخی سرایش اشعار تدوین نشده است تا بتوان سیر تحول اندیشه او را در باب سازگاری ملیت و دیانت پی جویی کرد، با این حال به نظر می رسد که دیدگاه او در این مورد تغییر قابل ملاحظه ای نداشته است، در ادوار مختلف فعالیت های ادبی او می توان نمونه هایی را که به نوعی مؤید این دعوی است نشان داد.

۳- دفاع از استقلال کشور و مبارزه با استیلای خارجی
فرخی چون همگنان خویش از سخت کوش ترین مدافعان استقلال و تمامیت ارضی ایران است و با هرگونه سلطه خارجی سرپیکار دارد. در سالهای آغازین مشروطیت که ایران در حوزه رقابتهای سیطره جویانه روس و انگلیس قرار داشت، او در سروده های خود این دو همسایه بدکنش را که هر یک با ترفندی در جهت بلعیدن ایران و یا تقسیم عادلانه آن میان خویش می کوشیدند، آماج حملات خود قرار می داد. پس از انقلاب روسیه و دگرگونی سیاست خارجی آن کشور در سالهای نخست انقلاب، او نیز مانند بسیاری دیگر از انقلابیون عصر با گونه ای خوشبینی به روسیه می نگریست و همه یورشهای خود را متوجه انگلیس می کرد. یکی از حوادثی که تمایلات ضد استعماری او را عمق و دامنه افزونتری بخشید، معاهده معروف ۱۹۱۹ بود، بسیاری از آزادیخواهان بر این اعتقاد بودند که در صورت اجرای مفاد این قرارداد ایران استقلال خود را از دست خواهد داد و تحت الحمايه انگلیس خواهد بود، فرخی نیز بر اساس چنین استنباطی در اشعار خود به این قرار داد و عاقد آن - وثوق الدوله - تاخته است، در

یکی از آنها دلبستگی به وطن و دفاع از آن را جزء سرشت همه افراد بشر و حتی حیوانات دانسته و گفته است:

مرغ هم با اشیان خویش دارد الفتی
این صفت خاص بشر از ترک و از تازیک نیست
آنگاه هدف انگلیس را از تحمیل این قرارداد تحت تسلط در آوردن ایران اعلام کرده، مرگ را بهتر از پذیرش آن خوانده است.(۸)

نکته قابل توجه درباره فرخی آن است که نگاه او بیشتر معطوف به ضعفها، ناپنججاریها و خیانت های داخلی است تا توطئه ها و سلطه جویی های خارجی، در واقع او عوامل درونی را علت اصلی ویرانی کشور و زمینه ساز نفوذ بیگانه می داند، از این رو به هنگام مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ بیش از آنکه خطاب و عتاب او متوجه انگلیس باشد، معطوف به عاقد قرارداد - وثوق الدوله، نخست وزیر وقت - است. با این حال توجه او به عوامل داخلی هرگز مانع از پرداختن به دشمنان خارجی نیست. او هر گونه انکار و اعتماد به نیروهای خارجی را مغایر با استقلال می داند و نسبت به عواقب چنین اعتمادی هشدار می دهد، چنان که در جریان جنگ جهانی اول هنگامی که بسیاری از آزادیخواهان ایرانی دل به حکومت آلمان و عثمانی بسته بودند، فرخی با درایت تأکید می کرد: اجنبی اجنبی است، اجنبی گر به مثل می دهدت ساغر نوش

نوش نیش است متوش
که عدو دوست نگردد به خداگر نبی است
اجنبی، اجنبی است (۹)
۴- دفاع از آزادی و ستیز با استبداد

یکی از وجوه اصلی نگرش میهنی فرخی در کوششهای او برای دفاع از حریم آزادی و نفی استبداد نمودار می شود، او ستایشگر بزرگ آزادی در سالهای نخست قرن شمس حاضر است. گرچه به نظر می رسد او برای تحقق آزادی و به تعبیر رایج در ادبیات سیاسی روزگار ما «نهادینه کردن» آزادی چندان به روشهای دمکراتیک متعارف اعتنایی ندارد و توسل به شیوه های

قهرآمیز را خوشتر می دارد، شیوه هایی که اگر در هر مورد دیگر نیز کارساز باشد، در گسترش آزادی و نهادینه شدن آن نمی تواند ره به جایی ببرد، با این همه او فهم عمیقی از مقوله آزادی و کارکرد آن دارد. فرخی پیشرفت و ترقی هر کشور و ملتی را در گرو برخورداری از آزادی می داند و فقدان آزادی و حاکمیت استبداد را مایه تباهی و ویرانی می شمارد. اگر بتوان با استفاده از تعابیری که در دوران ما رواج یافته است به تبیین دیدگاه فرخی پرداخت، باید اذعان کرد که او لازمه توسعه اقتصادی را توسعه سیاسی و بسط و گسترش آزادی ها می داند. در دیوان او مکرر به ابیاتی برمی خوریم که گواه چنین استنباطی از نقش و کارکرد آزادی است. به عنوان نمونه به ابیات زیر توجه کنید:

جز به آزادی ملت نبود آبادی

آه اگر مملکتی ملت آزاد نداشت (۱۰)

یا:

گر راز آزادی بود آبادی روی زمین

پس چرا بی بهره از آن کشور هوشنگ بود (۱۱)

یا:

هر مملکتی در این جهان آباد است

آبادیش از پرتو عدل و داد است

کمتر شود از حادثه ویران و خراب

هر مملکتی که بیشتر آزاد است (۱۲)

با چنین فهمی از آزادی و کارکرد آن بود که او پرشورترین غزلها را در ستایش آزادی می سرود و چنان که خود می گوید، با پای سر در قفای آزادی می دوید و جان و دل نثار آن می کرد.

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود زجان شستم از برای آزادی

تا مگر به دست ارم دامن وصالش را

می دوم به پای سر در قفای آزادی

با عوامل تکفیر صنف ارتجاعی باز

حمله می کند دائم بر بنای آزادی

فرخی زجان و دل می کند در این محفل

دل نثار استقلال جان فدای آزادی (۱۳)



گرچه فرخی در محدوده قوانین و مناسبات موجود زمان خویش با استبداد و واپسگرایی مبارزه می کرد، اما وجهه نظر حقیقی وی چیزی فراتر از ظرفیت جامعه و قوانین روزگار خود بود.

او نیز مانند بسیاری از جوانان آزادیخواه عصر خویش، هواخواه روشهای خونین و قهرآمیز بود، و حل تضادهای درون جامعه را از طریق انقلابی خونین و منهدم کننده اساس استبداد امکان پذیر می دانست. این شیوه که با پیروزی انقلاب روسیه روز بازار تازه ای یافته بود از سوی عناصر رادیکال فعال در عرصه سیاست ایران، به مثابه کار آمدترین شیوه حل تضادها و برافکنندن پایه های استبداد مورد استقبال قرار می گرفت، از این روست که فرخی معتقد بود:

تا که استبداد سر در پای آزادی نهد
دست خود بر قبضه شمشیر می باید گرفت (۱۴)

و یا:
در کهن ایران ویران انقلاب تازه باید
سخت از این سست مردم قتل بی اندازه باید

می کند تهدید ما را این بنای ارتجاعی
منهدم این کاخ را از صدر تا دروازه باید (۱۵)

۵- تاکید بر عدالت اجتماعی و مبارزه با استثمار
ستیز فرخی با استثمار و بهره کشی نیز مانند مبارزه اش با استبداد، بی امان و خشم آگین بود. توجه وی به مسئله عدالت اجتماعی و نفی فاصله های طبقاتی در پیوند استوار با دیدگاه ناسیونالیستی او قرار داشت. فرخی وجود شکاف اقتصادی را در میان مردم، عامل بروز تشته های اجتماعی و تزلزل پایه های همبستگی ملی می دانست و بر این عقیده بود که تا تضادهای طبقاتی و جنگ و کشمکش میان فقر و غنا وجود دارد، بشریت روی آسایش را نخواهد دید:

تا فقر و غنا با هم در کشمکش و جنگند
اولاد بنی آدم آسوده نخواهد شد (۱۶)

به اعتقاد او ثروتهای روی زمین برای آسایش مردم بسنده است، اما آزمندی استثمارگران سبب می شود تا آنان با تصاحب و انباشت این ثروتها دیگران را به فقر

بکشانند و بذر عصیان و ناامنی را در جامعه بیفشانند:
بگذرند از کبریایی گردآوندان از

ثروت دنیا خلائق را کفایت می کند (۱۷)
با چنین تلقی بود که وی به تعبیر خود بیرق مساوات برمی افراشت و در جهت گسترش اندیشه های عدالتجویانه می کوشید، گرچه او هم در اندیشه و هم در شیوه حل تضادهای طبقاتی گوشه چشمی به تحولات جهانی بویژه به رخدادهای همسایه شمالی داشت، با این همه او تنها یک آزادیخواه عدالت طلب و سوسیالیستی آرمانگرا بود و هرگز به مبانی فلسفی سوسیالیسم رایج آن روزگار اعتقادی نداشت. او آزادی و عدالت اجتماعی را همراه هم می خواست و هرگز حاضر نبود آزادی را فدای عدالت اجتماعی کند. گرچه به نظر می رسد ظرفیت شریاطی که فرخی در آن به سر می برد امکان کسب معلومات نظری و آگاهی های تئوریک عمیق و گسترده را از کسانی چون او دریغ می داشت. با این حال او به سائقه صداقت و هوشمندی به درستی دریافته بود که در فقدان فروغ آزادی، عدالت نیز رنگ می بازد و ردای پیداد بر تن می کند. به گمان من آنچه مانع از اقامت او در کشور شوروی پس از ترک ایران شد، در همین استنباط هوشمندانه او از قربانی شدن آزادی در پای عدالتی آمیخته با توهم در آن سرزمین نهفته است. بحث درباره اندیشه های عدالتخواهانه فرخی تفصیل بیشتری را می طلبد، اما چون پیش از این در جای دیگر در این زمینه سخن گفته ایم تکرار آن مباحث را لازم نمی دانیم. (۱۸)

نکته دیگری که در پایان مقال باید به آن اشاره کرد، این است که فرخی نسبت به فرجام کوششهای آزادیخواهانه و عدالتجویانه خود با نگاه خوش بینانه می نگریست، هر چند او از حیث مواضع فکری و سیاسی، بیش و کم، هم سنخ کسانی چون عارف و عشقی می نمود؛ اما علاوه بر اینکه دیدگاه ناسیونالیستی وی با آنان تفاوت اساسی داشت، زاویه نگاه او به مسائل نیز که از مبانی فلسفی متفاوتی نشأت

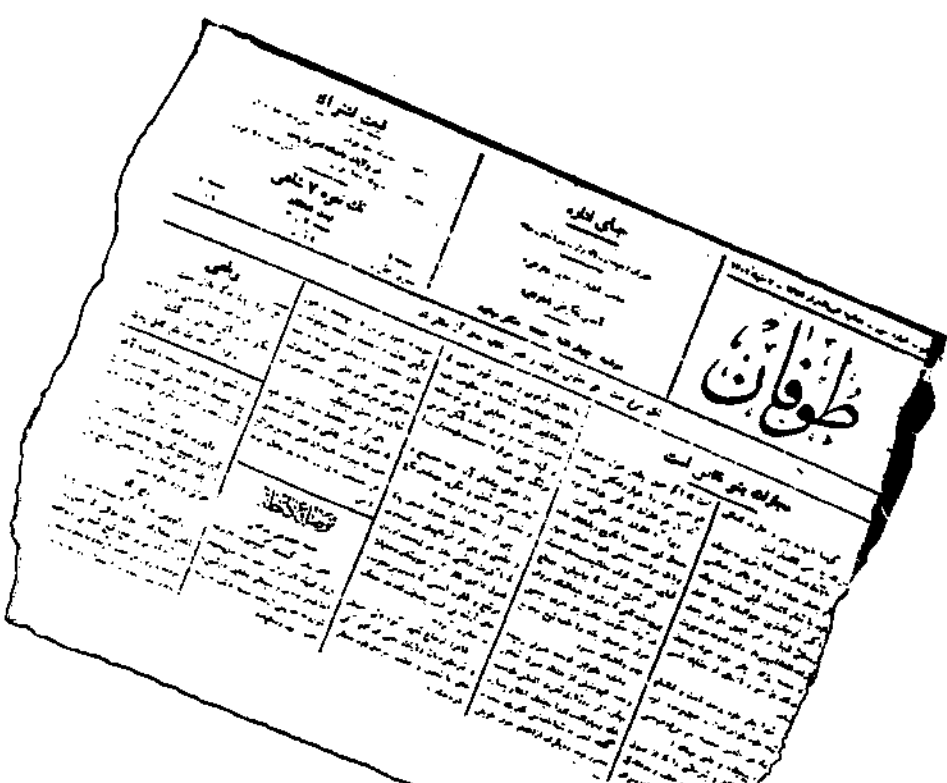
می گرفت. دارای تمایز آشکاری بود این نگاه متمایز به شعر او رنگ امید می بخشید، و در آن سوی روزهای پرکشمکش عصر خود افق روزگاران خوشی را برای بشریت نوید می داد.

از رنگ افق من آتشی می بینم
در خلق جهان کشمکشی می بینم
اما پس از این کشمکش امروزی
از بهر بشر روز خوشی می بینم

او تا آخرین لحظه حیات خویش با چنین ایمان و امیدی زیست و هرگز حتی در زندان دؤخیمان نیز تسلیم استبداد نشد، و سرانجام با مرگ خود در زندان به ددمنشی، اختناق و استبداد زمان خویش شهادت داد، و استوار و سرفراز تا ابد در برابر تاریخ ایستاد.

منابع و پی نوشتها

- ۱- دیوان فرخی یزدی، به اهتمام حسین مکی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۹ چاپ نهم، ص ۲۰۳
- ۲- همان، ص ۱۳۲
- ۳- همان، ص ۱۸۳
- ۴- همان، ص ۱۹۳
- ۵- همان، ص ۲۰۵
- ۶- همان، ص ۱۸۷
- ۷- همان، ص ۱۹۸
- ۸- همان، ص ۱۹۵
- ۹- همان، ص ۱۱۰ و ۱۲۰- همان، ص ۱۱۰، ۱۴۷، ۲۱۳
- ۱۰- همان، ص ۱۷۷
- ۱۱- همان، ص ۱۲۴، ۹۳
- ۱۲- همان، ص ۱۲۵
- ۱۳- اندیشه عدالت اجتماعی در شعر عصر مشروطیت، ایران فردا، سال اول، شماره ۶ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲



نقد ادبی، در ایران، هنوز دوران جنینی خود را طی می‌کند. با وجود این که هرازگاهی یک کتاب تئوریک جدید به بازار می‌آید ولی گویا بسیاری از منتقدین ما هنوز گرفتار موازین و معیارهای منسوخ و کهنه هستند. بسیاری از منتقدین ما بجای این که به حسن و قبح اثر، توأماً پردازند یکرویه و یکسویه یا به مدح نویسنده می‌پردازند یا به قدح او، یا مناقب او را برمی‌شمارند یا مثالب او را. وضعیت نقد شعر ما از این جهت بسیار اسفانگیز است. چرا که موازین منتقدین ما اغلب کلی و مبهم و ابطال‌ناپذیر است. لذا تا نیل به یک وضعیت مطلوب علمی باید راه درازی را طی کنیم. در میان کتب بظاهر تحقیقی، هر دو نوع نگرش را می‌توان یافت. یکی نگرش «نحله قدح» که فقط سلاخی می‌کند و دیگر نگرش «نحله مدح» که همه کمالات عالم را به نویسنده نسبت می‌دهد. کتاب «از زبان صبح» متأسفانه از گونه دوم است. نویسنده در جای جای کتابش کوشیده تا همه کمالات عالم را به دکتر شفیعی نسبت داده و ارزش کار بسیاری از شاعران و محققان را کوچک جلوه دهد. قبل از این که به بخشهای مختلف کتاب «از زبان صبح» پردازیم بایسته است به چند جمله مبالغه‌آمیز آقای برهانی نگاهی بیفکنیم.

در صفحه ۱۸ کتاب آمده است: «ادب فارسی در دوران هزار ساله خود امثال او را کمتر به خود دیده است». و مؤلف در صفحه ۱۱۷ می‌نویسد: «برای خارج شدن ادب فارسی از رکود و جمود چند صد ساله، می‌توان نقش شفیعی کدکنی را یک سروگردن، بالاتر از همه استادان این قرن تصویر کرد» و در صفحه ۱۴۳ نیز پشتوانه فرهنگی شفیعی کدکنی را از همه شاعران معاصر بالاتر

دانسته و این چنین داوری می‌کند «در زمان ما نیز تنها شاعری که به این سرمایه عرفانی و پشتوانه ادبیات دینی اتکاء داشته و پا به دایره گزینشهای پیشتازان نواندیش نهاده است شفیعی کدکنی است» و در صفحه ۱۷۶ نیز آورده: «از میان شاعران معاصر کسی که بتواند زبان رمزیش با حافظ قابل مقایسه باشد شفیعی کدکنی است.»

این نوع داوری در مورد شفیعی کدکنی کاملاً مبالغه‌آمیز است. خواننده با خواندن عبارات مذکور یا خود می‌گوید یا نویسنده جریانهای ادبی معاصر را نمی‌شناسد یا تعلق خاطر او به شفیعی باعث شده است که این چنین یکسویه حقایق را ببیند. حال نگاهی می‌افکنیم به فصول و بخشهای مختلف کتاب آقای برهانی با یک مقدمه و زندگینامه کتابش را آغاز می‌کند که هر دو نقایصی دارد. از سخن آغازین نویسنده که بگذریم، زندگینامه شفیعی چندان جالب نوشته نشده چرا که نویسنده در شش صفحه خواسته تمامی ابعاد زندگی و شخصیت شفیعی کدکنی را بیان کند که عملاً امکان‌پذیر نیست. برخی از مسائل شخصی و خانوادگی هم که در این بخش آمده، شاید اگر حذف می‌شد بهتر بود. سپس نویسنده طی شش بخش می‌کوشد زبان، اندیشه، سرچشمه‌های صور خیال و بنیادهای برجسته بیانی و موسیقی و آهنگ شعر شفیعی را بررسی کند. در بخش زبان با امار و ارقام می‌خواهد اثبات کند که شفیعی کدکنی نسبت به بقیه شعرا از واژگان عربی کمتری استفاده می‌کند که البته شیوه آمارگیری ایشان کاملاً مخدوش است. چرا که بر مبنای فقط چند شعر می‌خواهد اثبات کند که اشعار شفیعی، چندان عربی زده نیست. معلوم نیست اگر تمامی دو مجموعه «آیینهای برای صداها» و «هزاره دوم آهوی کوهی» با این ضابطه مورد سنجش قرار گیرد به چه نتیجه‌ای می‌رسیم، تازه فرض کنیم در پایان این بخش به این نتیجه برسیم که شفیعی کدکنی در اشعار خود کمتر از واژگان عربی استفاده می‌کند این نتیجه‌گیری از نظر علمی و سبکی

چه ارزشی دارد؟ معمولاً سبک‌شناسان از بعد ایجابی به قضیه می‌نگرند نه از بعد سلبی. فرض کنیم ادیب نیشابوری در اشعارش از واژگان عربی به وفور استفاده می‌کند و این یک مشخصه سبکی برای اوست حالا خواننده می‌تواند از خود بپرسد چرا ادیب این همه از واژه‌ها و اصطلاحات عربی استفاده می‌کند. اگر ادیب از یک عنصر سبکی استفاده نمی‌کند به چه دلیل در دیوان او دنبال علت بگردیم. شیوه آمارگیری آقای برهانی ناقص است چرا که مفردات یک شاعر را فقط بر مبنای میزان کاربرد واژگان عربی و فارسی نمی‌سنجند. نویسنده می‌توانست در همین بخش میزان کاربرد واژگان فرنگی را نیز محاسبه کند. از طرف دیگر لحن و لهجه و باستانگرایی را نیز در همین بخش می‌بایست مورد ارزیابی قرار دهد. مؤلف معمولاً در تحلیل خود تا نیمه راه بیشتر نمی‌رود. فی‌المثل در بخش طبیعت و مفردات می‌خواهد اثبات کند که شفیعی کدکنی شاعر طبیعت‌گرایی است. خوب، این ممیزه را نیما هم دارد حالا خواننده می‌پرسد نوع نگاه شفیعی به طبیعت با نوع نگاه نیما و دیگران چه تفاوتی دارد؟ بخش دوم کتاب بخش اندیشه است. در این بخش نیز نویسنده خیلی پریشیده و درهم و برهم به اندیشه شفیعی می‌پردازد. ابتداء به عشق می‌پردازد ولی مبحث عشق را بسیار ناقص مطرح می‌کند چرا که متعلق عشق چیزهای بسیاری می‌تواند باشد. آقای برهانی بایست مشخص می‌کرد که نگاه شفیعی به عشق یا عشق‌ورزی ایشان چه ممیزه‌ای دارد که دیگر شاعران ندارند. اندیشه اجتماعی و امید و نومیدی هم دقیقاً تبیین نمی‌شود؛ آیا مؤلف سیر تحول اندیشه شفیعی را از «زمزمه‌ها» تا آخرین دفتر «هزاره دوم آهوی کوهی» در نظر نمی‌گیرد. شفیعی کدکنی، مثل بسیاری از شاعران در ادوار مختلف احوال مختلفی داشته است. در برهه‌های مختلف زندگی، مختلف می‌اندیشیده، یک حکم کلی برای تمام آثار ایشان نمی‌توان صادر کرد. مؤلف در ص ۷ کتاب نوشته است: می‌توان ادعا کرد که از اردیبهشت ۱۳۴۷،

امین یارساپور

عینک شیشه کبود

سال انتشار از زبان برگ، تا پایان ۱۳۶۷ و آغاز ۱۳۷۷ یعنی در طول سی سال، زبان و اندیشه شاعر دگرگونی چندانی نیافته است. این حکم واقعاً حکم عجیب و غریبی است، شفیعی در «هزاره دوم آهوی کوهی» واقعاً شاعر دیگری است. اگرچه همانندی‌هایی بین «آینه‌ای برای صداها» و «هزاره دوم آهوی کوهی» می‌توان یافت، ولی نوع نگاه شفیعی در این دو مجموعه یکسان نیست. البته مؤلف خودش نیز متوجه این امر شده و لذا در ص ۳۸ کتاب نوشته است: «تنها نکته‌ای که از مرور ایام بر ذهن و ضمیر او می‌توان نشان داد، تکامل و تحول است. آن روحیه جسور و احساساتی به وقار ناشی از پرورش تفکرات فلسفی و عرفانی مبدل شده است. این قول با گفته پیشین مؤلف کاملاً متناقض است. مؤلف در بخش «سرچشمه‌های صور خیال»، صرفاً به مسأله «نمادها» توجه می‌کند، بهتر بود که صور خیال عمودی و افقی را نیز در همین بخش مطرح می‌کرد. توضیح و تشریح نماد خضر و مسیح و حلاج و سهروردی و عین القضات چندان ضرورتی نداشت چرا که هر خواننده‌ای اگر اندک سواد داشته باشد خودش این نمادها را برآحتی می‌تواند از درون «فرهنگ نامه‌ها» پیدا کند. اشکال اساسی بخش بعدی این است که مؤلف وارد مقوله کنایه می‌شود معلوم نیست به چه دلیل آقای برهانی از میان عناصر مختلف بیانی به کنایه می‌پردازد. کنایه در علم بیان تعریف مشخصی دارد و انواع آن نیز مشخص است. کنایه نسبت به تشبیه و استعاره و سمبل ارزش ادبی پایین‌تری دارد شاید دلیل این امر، آن باشد که بنیاد کنایه بر تشبیه نیست ولی استعاره و تشبیه، بر مبنای ماندگی تحقق می‌یابند مثالی که راکه مؤلف ذکر می‌کند تماماً کنایی نیستند. مثلاً مثال ص ۱۶۹ چندان کنایی نیست بلکه بیشتر نمادین است. بحث صورخیال (خواه عمودی خواه افقی) نیز ناتمام است. ورود مؤلف در این مقوله که چرا شاعران پیشین کمتر به محور عمودی خیال می‌پرداختند، موضوعیت ندارد چرا که آقای برهانی، گویا در این کتاب

قصد نداشته که به آرای شفیعی کدکنی درباره صورخیال و موسیقی شعر و نقد متون و سبک‌شناسی و... بپردازد. پس این بحث که آیا غزل باید ارتباط معنایی داشته باشد یا نه؟ و این که قصیده از نظر فرم و معنا باید پیوستگی و وابستگی داشته باشد یا نه؟ مقوله‌ای نیست که در این کتاب آن هم بصورت ناقص مطرح شود. اشکال دیگر قضیه این است که آقای برهانی بسیاری از تئوری‌های خودش را از صورخیال دکتر شفیعی گرفته و آنگاه با همین موازین به نقد شعر شفیعی می‌پردازد. مثلاً در ص ۱۶۹ تقسیم‌بندی «مبرد» را نسبت به کنایه آورده و آنگاه می‌کوشد با همین تقسیم‌بندی به نقد اشعار شفیعی بپردازد.

بخش ششم کتاب نیز جامع و مانع نیست، چرا که محور عمودی و افقی خیال و موسیقی شعر شفیعی با هم در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد که بهتر بود محور عمودی و افقی خیال به فصل چهارم منتقل می‌شد. مؤلف در فصل پنجم با استفاده از تعاریف خود شاعر به نقد اشعار او می‌پردازد، پس چرا در این فصل از تقسیم‌بندی چهارگانه شفیعی در مورد موسیقی درونی و بیرونی و کناری و معنوی برای نقد اشعار شاعر استفاده نمی‌کند مؤلف از ابتداء سنگ بنای کتاب را کج نهاده است. وقتی نویسنده، شفیعی را برترین شاعر و محقق در این یک قرن اخیر می‌داند، بالطبع در تمامی فصول و بخش‌های کتاب نتایج مخصوص به خویش را می‌گیرد. سخن بر سر این نیست که شفیعی، شاعر و محقق توانمندی است یا نه. همه شاعران و محققان ایرانی معترفند به این که شفیعی کدکنی هم شاعر بسیار توانایی است هم محقق برجسته و نامور. اما عیوب و نقایص کار یک شاعر را هم باید در نظر گرفت. شفیعی در «زمزمه‌ها» شاعر چندان برجسته‌ای نیست در «شبخوانی» هم جز تقلید اخوان و توللی کار دیگری نمی‌کند، بعد از این دو دفتر شفیعی خودش را باز می‌یابد و به ذهن و زبان مخصوص به خویش می‌رسد. البته شفیعی شاعر پویا و متحرکی است. هرگز در یک آبگیر

خودش را محبوس نمی‌کند ولی این بدان معنی نیست که ساخت و بافت اشعار شفیعی ضعف نداشته باشد. آقای برهانی در این کتاب به شاعران خاصه روشنفکران بسیار حمله می‌کند. خواننده با خواندن این کتاب به یاد کتاب‌های «غرب زدگی» و «خدمت و خیانت روشنفکران» آل احمد می‌افتد. طرح آن نوع مباحث در این نوع کتابها صلاح و روا نیست. مؤلف زحمات عدیده شاعران ما را نادیده می‌گیرد. از اخوان و شاملو و نیما و سهراب سپهری و ده‌ها شاعر دیگر چندان نامی نمی‌برد! یا اگر می‌برد با بی‌مهری از آنها یاد می‌کند. مؤلف یک مقدار در نوشتن کتاب تعجیل کرده است. زبان و سبک گفتار نویسنده بسیار به هم ریخته است. قضاوت‌ها اغلب سطحی و غیرعلمی و یک جانبه است. همه جا نویسنده خواسته شفیعی را برترین شاعر و محقق معاصر جلوه دهد. دو بخش آخر کتاب نیز محلی از اعراب ندارد. نویسنده یکی از مقالات شفیعی را به نام «شعر جدولی» که نقدی است بر سهراب سپهری و پاره‌هایی از گفتار محققین ایرانی درباره شفیعی، آورده که قبلاً در کتاب «سفرنامه باران» آمده و ذکر دوباره آنها در اینجا کاملاً بی‌مورد بود. در پایان مقاله یک بار دیگر سخن خود را تکرار می‌کنیم که نقد ادبی در ایران، دوران جنینی خود را دارد طی می‌کند و نویسندگان ما متأسفانه بی‌توجه به پژوهش‌هایی که دنیای غرب نسبت به ادبیات غرب و حتی ادبیات شرق انجام می‌دهند، دست به تألیف می‌زنند. مؤلف این کتاب بخاطر دلبستگی زیادی که نسبت به دکتر شفیعی داشته، کوشیده تا نوعی ادای دین نماید. ولی واقعیت این است که در کنار شفیعی ده‌ها شاعر و نویسنده و محقق ضعیف و قوی داریم که دارند به فرهنگ ایران زمین خدمت می‌کنند. در نظر نگرفتن تلاش‌ها و خلاقیت‌های آنان کاملاً بی‌انصافی است. به جناب آقای برهانی که برای نوشتن این کتاب زحماتی کشیده‌اند فقط می‌گوییم:

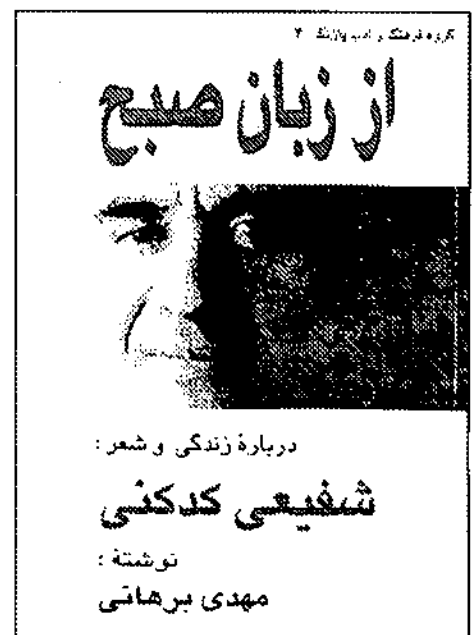
قُلْ لِلّٰهِ يَدْعٰى فِى الْعِلْمِ فَلَسْفَهٗ

حفظت شینا و غایت عنک اشياء

از زبان صبح (زندگی و شعر شفیعی کدکنی)

مهدی برهانی

پاژنگ، چاپ اول: ۱۳۷۸



نقد افلاطون از سنت شعری یونان به معنای طرد و نفی کامل شعر از مدینه نیست، افلاطون به یک قصد دارد با نقد شعر، کارکرد اصلی آن یعنی تعلیم و تربیت را از آن بستانند، یا دست کم نقش کمکی به آن واگذار کند. افلاطون به خوبی به تأثیر شعر در نفوس انسانی آگاه است. خود نیز به این فعالیت فرهنگی دلبستگی دارد. (این مسئله را نقل اشعار فراوان از شاعران در مجموعه آثارش، تمجید از هومر، نام بردن از او به عنوان مربی یونانیان و سرودن شعر در جوانی، اثبات می‌کند.) با وجود اینکه افلاطون در جمهوری به صراحت از تبعید و اخراج شاعران سخن می‌گوید، اما این حکم بهیچوجه به معنای مدینه بدون شاعر نیست. افلاطون اولاً، شعر گروه خاصی از شاعران را مستحق ورود به مدینه نمی‌داند و ثانیاً برای مدینه فاضله خود شاعران خاصی را مدنظر دارد. شاعرانی که برای مدینه مفید باشند. وی در جمهوری بعد از آنکه حکم به اخراج ابرومندان شاعران مقلد می‌دهد و آنها را روانه شهرهای دیگر می‌کند، می‌نویسد: «...و برای شهر خود به شاعران و راوی ساده و بی تکلف تری اکتفا خواهیم کرد که بحال ما مفید باشد و تقلید از سبک تقریر نیک مردان نماید و در سخن گفتن تابع و مطیع قواعدی باشد که از ابتدا درباره تربیت سربازان وضع نمودیم.»^۱

از عبارت فوق برمی‌آید که اولاً افلاطون به خوبی برجسته جذاب و سحرگون شعر آگاه هست و به همین دلیل شعر ساده و بی تکلف را در مقابل شعر شاعرانه و شکیل قرار داده و اولی را شایسته مدینه خود می‌داند. به نظر می‌رسد این شعر ساده، هماهنگ با مناسبات و ساختار مدینه ساده‌ای است که از جهت اقتصادی و

زندگی مصرفی نیز بی تکلف است. در چنین مدینه‌ای شهروندان به جای رقابت در امور اقتصادی و حرص و ولع تولید و مصرف بیشتر به تفکر و تعمق می‌پردازند ثانیاً افلاطون بر تابعیت همه ارکان جامعه در برابر قانون تأکید می‌کند. شاعر با وجود اینکه در عرصه فعالیتش نیاز به آزادی گسترده در عرصه تخیل دارد، افلاطون شرط ماندگاری او را در مدینه قانون و آگاهی، تابعیت از قانون می‌داند. افلاطون همچنین در جمهوری در خصوص شاعران و شعر خوب به نکته‌ای اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد با اندیشه‌های آنتولوژیک او در ارتباط است. او می‌گوید: «ما باید در جستجوی هنرمندانی باشیم که مستعد درک زیبایی و لطافت باشند. زیرا در آن صورت جوانان ما مانند سکنه شهری صحت بخش از محیط سالم استفاده خواهند نمود.»^۲ آیا کسی که مستعد درک زیبایی است، فیلسوف است یا شاعر، یا شاعر فیلسوف، یا فیلسوف شاعر. آیا منظور از زیبایی، زیبایی فی نفسه است؟ آیا درک زیبایی شرایط خاصی می‌خواهد؟ این شرایط کدامند؟ پاسخ گفتن به این پرسشها در این بخش ضروری نمی‌نماید. قصد ما در این مقاله ذکر این نکته است که: افلاطون درک زیبایی را فی نفسه برای هنرمندان مدینه ضروری می‌داند. به تعبیری در مدینه فرهنگی او شاعران اگر قادر به درک مثل باشند، استحقاق ماندن در مدینه را دارند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که مضمون شعر شاعران بی تکلف و ساده مدینه افلاطون چه خواهد بود؟

افلاطون به این پرسش پاسخی صریح داده است. وی در جمهوری پس از ستایش از هومر به عنوان سرآمد همه مصنفین تراژدی می‌گوید: «اما نباید از این نکته غافل شوی که از انواع شعرها فقط سرودهایی که برای پرستش خدایان یا ستایش مردمان نیکو ساخته شده در شهر ما مجاز خواهد بود. اگر تواز این حد تجاوز کنی و

اشعار تفریحی را اعم از رزم‌نامه‌ها و غزلیات بپذیری در آن صورت بجای قانون و اصولی که هیئت اجتماع خیر و صلاح آن را تصدیق نموده باشد، اصل خوشی و ناخوشی بر شهر ما حکومت خواهد کرد.»^۳ همین اصل درباره موسیقی نیز صدق می‌کند. یعنی باید آهنگهایی را برای مدینه انتخاب کرد که سبب هماهنگی در روح جوانان شود. به تعبیری آنان را برای نگهداری و حتی دریافت موجود حقیقی راهبر شود. به همین دلیل افلاطون مقامهای «لیدیایی» و «ایونی» را ممنوع می‌کند. چرا که اولی غم‌انگیز و دومی رخوت‌آور است.

برای تربیت نگهداران نیک باید از مقام «دوریایی» (برای شجاعت) مقام فریژی (برای اعتدال) استفاده کرد و مقامهای ضربی نیز باید ساده باشند و زندگی شجاعانه و موزون و متعادلی را بیان کنند.

افلاطون همچنین در رساله «پروتاگوراس» درخصوص مواد آموزشی کودکان می‌گوید: «آموزگاران سر میز مدرسه آثار شاعران خوب را می‌دهند که بخوانند و از بر کنند. این آثار حاوی بسیاری هشدارها و اندرزها و بسیاری داستانهای ستایش‌آمیز و ثناها درباره مردان نامدار گذشته است. تا کودک سرمشق بگیرد و بخواند که مانند آنان شود. معلمان موسیقی نیز چنین می‌کنند و دقت به خرج می‌دهند که نوجوانان، مسلط بر خویش باشند و شیطننت نکنند. پس از اینکه نواختن ساز را به ایشان یاد دادند، آثار شاعران خوب غنایی را به آنان می‌آموزند که شعرشان به موسیقی در می‌آید تا ضرب و هارمونی ملکه کودکان شود و ملایمتر بار بیایند. زیرا کسانی که خوش رفتارتر و سازگارتر باشند، در جامعه در گفتار و کردار، افراد مفیدتری خواهند شد و هر کسی در سراسر عمر به این صفات نیازمند است.»^۴ پس از دیدگاه افلاطون شعر خوب عبارت است از: ۱- سرودهای روحانی برای خدایان ۲- تصنیفهایی در ستایش افراد نیک. اما مسئله این است که چگونه

بلقیس سلیمانی

شعر و دیالکتیک

شاعری که چنین شعر را می‌سراید از خطراتی که دامن‌گیر دیگر شاعران است در امان می‌ماند. فی‌المثل خود فراموشی و از خود بیگانگی از ویژگیهای هنرهای تقلیدی است. آیا شاعری که خدایان و افراد نیک را ستایش می‌کند، از خود بیگانه نمی‌شود و خود را فراموش نمی‌کند. گادامر معتقد است در قلمرو ستایش، خطر از بیگانگی وجود ندارد زیرا کسی که ستایش می‌کند و کسی که ستایش می‌شود، هیچکدام فراموش نمی‌شوند. بر عکس در هر لحظه هر دوی آنها حاضرند. کسی که ستایش می‌کند، هم خود و هم کسی را که ستایش می‌کند مورد خطاب قرار می‌دهند. به یک معنا کسی که «هست» و وجود دارد، ستایش می‌شود. کسی که ستایش می‌کند، پیمان می‌بندد که به چیزی سر بسپرد. سرود ستایش در شکل نمایش شعری، زبان ارتباطی مشترک شاعرانه شهروندان افلاطون است در مدینه حقیقی، در مدینه عادلانه چنین نمایشی باید پیمانی از سرسپردگی به روح ایجاد شده بوسیله همگان باشد.^۵

اما سؤال اساسی این است که آیا نمی‌توان دیالکتیک افلاطون را جانشین مناسب شعر در مدینه دانست؟ افلاطون در کتاب دهم جمهوری به دلایل متعددی هومر را مطرود می‌داند. اهم این دلایل به شرح زیر هستند: ۱- هومر مدینه بهتری نسبت به آنچه سولون تأسیس کرده ایجاد نکرده است ۲- هومر هیچ کشف اصلی از خود نشان نداده است ۳- هومر مثل طالس یا فیثاغورس در قلمرو خاصی تأثیر نهاده یا به تعبیری هومر شیوه هومری برای مردمان ایجاد نکرده، چنانکه فی‌المثل فیثاغورس چنین شیوه‌ای برای تعدادی از مردمان بنا نهاده است. ۴- هومر به عنوان رهبر و مراد یک دسته و یا حلقه‌ای از مردمان نیز مؤفق نبوده است. او حتی با سوفیستهای بزرگ که مربیان مؤثر و مؤثقی بودند قابل مقایسه نیست. ۵- هومر زندگی

همراه با شوریدگی تغییر و تحول داشته است. حال می‌خواهیم بدانیم، چه کسی می‌تواند جای هومر را در مدینه افلاطون بگیرد و نقصانهای فوق‌الذکر را نداشته باشد. آیا او همان شاعر خوبی است که در ستایش خدایان و نیک مردان، شعر می‌سرایند. به نظر می‌رسد اگر جواب ذکر شده را بپذیریم، در حق جایگاه شعر و شاعری در یونان و اهمیت آن در نزد افلاطون دچار خط و خطا شده‌ایم. برخی از مفسران افلاطون براین باورند که دیالکتیک «جانشین مناسبی است که افلاطون برای شعر در مدینه خود پیشنهاد می‌کند و فیلسوف کسی است که بر اریکه خالی شاعر در مدینه تکیه می‌زند.

اما فیلسوف کیست و دیالکتیک چیست؟ فیلسوف، چنانکه از تبار این واژه برمی‌آید کسی است که دوستدار دانش و معرفت است. وی عاشق و مشتاق نظاره حقیقت است. او در پی دریافت موجود حقیقی است. از دیدگاه افلاطون فیلسوف کسی است که سوای جنسیتش مرد یا زن، قادر به شناخت حقایق کلی، یعنی مثل باشد و بتواند از حدس، گمان و عقیده فراتر رفته و از معرفت حقیقی برخوردار شود. چنین شخصی ماهیت حقیقی پدیده‌ها را در می‌یابد به این دلیل در بند ظواهر گرفتار نمی‌شود. اما فن دیالکتیک (Technedialektick) چیست؟

برخی مفسران و محققان بر این باورند که لفظ دیالکتیک در یونان تا دوره سوفسطائیان مورد استفاده قرار نگرفته است. اما ظاهراً معنای لفظ وجود داشته است. دوژن لایرتیوس می‌گوید: اولین کسی که در مورد دیالکتیک سخن گفته زنون الیایی است. دیوژن همچنین بر این باور است که هراکلیتوس مؤسس دیالکتیک است، زیرا وی رسم داشت درباره هر موضوعی اقوال متعارضی بیان کند. چنان که می‌گفت ما هم هستیم، هم نیستیم. سوفسطائیان از دیالکتیک

معنای جدل و مباحثه را منظور نظر داشتند. آنها وقتی لفظ دیالکتیک را بکار می‌بردند، آن را به اریستیک (Eristik) خدای مباحثه و مجادله ربط می‌دادند. در روش دیالکتیک سوفسطائیان فرضیات طرف را مسلم فرض می‌کردند و با کمک مسلمات و مشهورات طرف بحث را مغلوب می‌کردند و حق گویی مطمئن نظر آنان نبود.

برخی ریشه واژه دیالکتیک را Dia و Lektike و واژه Dialektike را برگرفته از واژه Dialojuy می‌دانند. واژه اخیر خود از واژه Lojos (لوگوس) گرفته شده است. پس مسامحه می‌توان دیالکتیک را به معنای گفتار میان دو تن (Discourse) لحاظ کرد. اگر بپذیریم که واژه دیالکتیک از واژه دیالوگ گرفته شده است، باید اذعان کنیم که دیالوگ در نزد سوفسطائیان بی معنی می‌شود. چرا که اساساً در نزد این نحله لوگوس بی معنی است. افلاطون از ایزن واژه برداشت خاصی دارد. وی در جمهوری دیالکتیک را تاج همه علوم می‌داند. برای افلاطون اهل دیالکتیک کسی است که می‌داند چگونه پرسش کند و چگونه پاسخ دهد. دیالکتیک فن پرسش و پاسخ حقیقی است. از نظر افلاطون دیالکتیک حد نهایی معرفت است. نوعی سیر از عقل جزئی به عقل کلی. دیالکتیسین کسی است که بتواند اشیاء را در تمامیتشان مشاهده کند. او جاعل حقیقی کلمات و اسماء است. وی کل را در جزء وحدت را در کثرت مشاهده می‌کند. در یک کلام او فیلسوف حقیقی است. فیلسوفی که می‌تواند تعریف حقیقی و سؤال حقیقی ارائه کند. بنابراین دیالکتیک همان تفکر حقیقی است. دیالکتیک کلامی است که در آن معنا ایجاد شده و حقیقت مکشوف می‌گردد. ویژگی دیالکتیک، به معنای دیالوگ چند چیز است. اول اینکه در دیالوگ می‌باید وجود «کسی دیگر» را بپذیریم. این امر به معنای این است که در دیالوگ چند «آوا» وجود دارد و هر آوایی می‌تواند برداشتی از حقیقت باشد. دوم اینکه دیالوگ تا



زمانی ادامه پیدا می‌کند که «پرسشی» وجود داشته باشد. به تعبیری پرسشها باعث تداوم دیالوگها می‌شوند. سوم اینکه در دیالوگ «آزادی اندیشه»، «زایش فکر» و «همسرای» وجود دارد. حال آیا باید بپذیریم که افلاطون پادشهر پرسش کردن فلسفی را در مقابل جادوی کهن شعر قرار می‌دهد. آیا باید قبول کنیم که دیالوگهای افلاطونی مدلی از شعری هستند که در مدینه ایده‌آل او اجازه‌ی ماندن دارند. آیا دیالوگهای افلاطون می‌توانند نقش آموزشی مناسبی در مدینه فرهنگی و زندگی سیاسی عملی داشته باشند. به نظر می‌رسد هماهنگی کاملی بین قواعد و اصولی که افلاطون برای شعر ایجاد می‌کند، با سرودهای دیالکتیکی‌اش وجود دارد. در سرودهای دیالکتیکی، نفس خودش را در پرواز وهم‌آمیز خیال فراموش نمی‌کند. سرایشگر این سرودها در پی افسون کردن مخاطبانش نیست. او نمی‌خواهد مخاطبش را با پیچیده کردن مباحث گیج کند. بلکه سعی تمام دارد تا بذر اندیشه را در روح و جان مخاطبانش بکارد و یا در شکوفایی جوانه‌های اندیشه طرف گفتگویش نقشی کمک‌کننده داشته باشد. او به مخاطبش دروغ نمی‌گوید. او را افسون نمی‌کند. به او اندیشه‌های مسموم تلقین نمی‌کند. بی‌قیدی، بی‌مسئولیتی خواسته او نیست. او در صدد این است تا مخاطبانش را تابع قانون، عامل سیاست و عدالت و متفکر بار آورد. کاری که شعر از دست یازیدن به آن ناتوان است.

برخی از صاحب‌نظران براین اعتقادند که افلاطون شعر را به عنوان خدمتگزار فلسفه در مدینه می‌پذیرد و به عنوان مقوله‌ای مستقل به آن نگاه نمی‌کند. لونی اشتراوس در این خصوص می‌گوید: «...از نظر سقراط، شعر تنها به عنوان خدمتگزار استفاده‌کننده یا حاکمی که فیلسوف است مشروعیت دارد. نه به عنوان مقوله‌ای مستقل. زیرا شعر مستقل، زندگی را به صورت امری

مستقل جلوه‌گر می‌کند. نه به عنوان امری در جهت زندگی فلسفی... شعر هرگز به زندگی فلسفی نمی‌پردازد. مگر به صورت تحریف شده و هجوآمیز آن. بدین ترتیب شعر مستقل ضرورتاً یا کم‌مدی است یا تراژدی. چرا که زندگی غیر فلسفی که مستقل تلقی می‌شود یا راهی برای خروج از مشکلات اساسی خود ندارد، یا تنها به صورتی نامناسب می‌تواند از این مشکلات احتراز کند. اما شعر، خدمتگزار زندگی نافلسفی را به عنوان خدمتگزار زندگی فلسفی معرفی می‌کند. بنابراین بالاتر از همه شاعری است که زندگی فلسفی را ارائه کند. مهمترین نمونه شعر خدمتگزار، همپرسه‌های افلاطون است.»^۶

اما آیا همپرسه‌های افلاطون در ساختار و شکل نیز به مانند شعر هستند. یا اینکه آنها یک شعر حقیقتاً فلسفی هستند؟ به نظر می‌رسد دیالوگهای افلاطون بیشتر اشعاری فلسفی هستند که با طنز و کنایه‌های بازیگوشانه به معنا و حقیقتی ورای خودشان اشاره می‌کنند. معنایی که برای معدودی آدمیان که مشق مناظره و سیر دیالکتیک کرده‌اند، قابل دریافت است. اما از جهت ساختار دیالوگهای افلاطون دارای ضعفهای عمده‌ای هستند. عمده این نقصها به فرم و ساختمان سبک این دیالوگها برمی‌گردد. مثلاً از ساختار داستانی و روایی در دیالوگها استفاده نمی‌شود. این محاورات دارای ویژگیهای نمایشی چندانی نیستند. در آنها چهره‌ای و شخصیتی قدرتمندانه ترسیم و پردازش نشده است. اگر گفته شود پس نقش سقراط در این آثار چیست می‌توان پاسخ داد: سقراط قهرمان این سرودهای فلسفی نیست. حضور او بیشتر به معنای انگیزه‌ای برای فلسفیدن و اندیشیدن است. او حضور دارد چون پرسش وجود دارد. چون او استاد شیوه «مامایی» است، درامهای فلسفی افلاطون بیش از هر چیز در صدد تصویر و ترسیم شکلی از اندیشیدن و فلسفیدن هستند.

هگل برخلاف مطالب فوق، معتقد است دیالوگهای افلاطون از دیدگاه «زیباشناسیک» جذاب هستند. اما «نباید همچون بسیاری چنین پنداشت که این کاملترین شکلی است که برای اندیشه‌های فلسفی کارایی دارد.» چرا که این دیالوگها متضمن بیان عقاید و آراء متفاوت نیستند. حقیقت از رهگذر این شیوه کشف نمی‌شود. هگل همچنین ضمن انتقاد به منش سقراط می‌گوید: «بیشتر پرسشهای او چنان طرح می‌شوند که پاسخ به آنها صرفاً آری است یا خیر. انگار مکالمه شکل خوبی است برای بیان یک دلیل.»^۷ تقریباً همین انتقاد را «اشلایر ماخر» نیز به مکالمه‌های افلاطون دارد. او معتقد است دیالوگهای افلاطون فاقد «منش باطنی» هستند: «به این شکل که معنا را پنهان نمی‌کنند. بل معنا از آغاز موردی است شناخته شده که تنها باید بیان شود.»^۸

۱- جمهوری، افلاطون، فؤاد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۶۰ - ص ۱۶۹ - شماره ۳۹۸.

۲- همان - ص ۱۷۶ - شماره ۴۰۱.

۳- همان - ص ۵۷۷ - شماره ۶۰۷.

۴- افلاطون - جان کینی - عزت‌الله فولادوند - انتشارات کهکشان - ۱۳۷۳ - ص ۱۵.

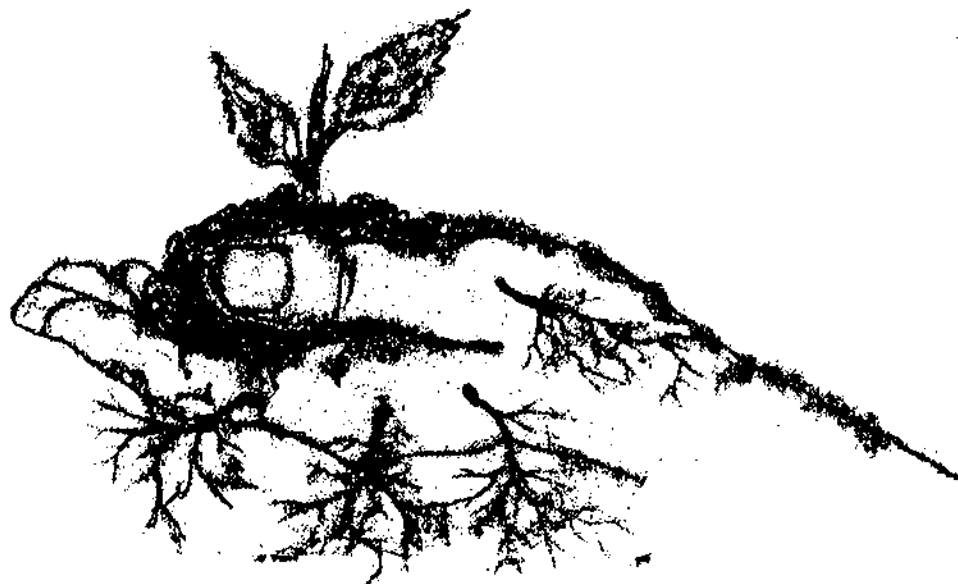
5- DIALOGUE AND HERMENEUTICAL STUPIES ON PLATO. HANS - GEORG GADAMER. TRANSLATED AND WITH ANTPRODUCTION BYP. CHRISTOPHER SMITH.

YALE UNEVERSIY PRESS NEW. HANEN.AND LONDON. P.65.

۶- فلسفه سیاسی چیست - لتواشتراوس - فرهنگ رجایی - انتشارات علمی و فرهنگی - ص ۲۲۲.

۷- ساختار و تأویل متن - بابک احمدی - نشر مرکز - چاپ اول صص ۵۷۵ و ۵۷۶.

۸- همان - ص ۵۷۶.



در پهنه زبان و ادب پارسی نخستین و ضروری ترین عاملی که بنیاد هر پژوهش و بررسی و اظهار نظر شمرده می شود، داشتن متنی علمی، مصحح و آراسته و پیراسته از آثار گران سنگ نظم و نثر است چرا که بی این ضرورت مهم، هرگونه کار تحقیقی و اثر تحلیلی درباره متون ادبی به دلیل سستی اساس، اعتبار علمی و جامعیت لازم را نخواهد داشت و این، به تنهایی و بدون نیاز به دلایل دیگر اهمیت و سودمندی مسأله «تصحیح متون» را می نمایاند. با در نظر داشتن در بایستگی تصحیح آثار ادبی بطور عموم، اهمیت و ضرورت دوچندان آن درباره متنی چون شاهنامه به عنوان یکی از گنجینه های خاص و پایه ای فرهنگ و ادب ایران زمین واقعیت آشکارتر از خورشیدی است که حاجتی به بیان ندارد.

بر همین بنیاد از نخستین کوشش در تهیه متنی درست برای شاهنامه به پایمردی ماثیو لامسدن (Mathew Lumsden) در سده نوزدهم به هندوستان تا به امروز که شیفتگانی چون دکتر خالقی مطلق و مهندس جیحونی زندگانی خویش را وقف بازسازی اصولی و علمی کاغذ نازناپذیر سخن پارسی کرده اند با سه شیوه متفاوت در تصحیح شاهنامه روبرو بوده ایم، نخست: «تصحیح التقاطی» که بر پایه تشخیص مبتنی بر درک و سلیقه مصحح بدون ذکر نسخه بدلهای یا آوردن محدود نسخه بدلهای استوار است و شاهنامه های ترنر مکن (Turner Macan) و ژول مول (Jules Mohl) بدین روش تصحیح شده اند.

دو دیگر «انتخاب اقدام» که کهن ترین نسخه به عنوان بنیاد کار قرار گرفته و با چند دست نوشت کهن دیگر مقابله شده و اختلاف نسخ در حاشیه ذکر گردیده است با این توضیح که اساس همان دست نوشت اقدام است و تا حد امکان از تصرف در ضبط آن پرهیز شده، شاهنامه مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی سابق معروف به (چاپ مسکو) بر این گونه به سامان رسیده است.

سوم «تصحیح انتقادی» که در آن، مصحح نسخه کهن و معتبری را اساس تصحیح قرار داده، به سنجش آن با نسخه های برگزیده و معتبر دیگر می پردازد ولی برخلاف شیوه پیشین از ضبط دست نوشت اساس، پیروی محض نمی کند بلکه در محدوده ضوابط و دستورهای معینی از ضبط نسخ مورد مقابله دیگر نیز استفاده می کند، شاهنامه نیمه تمام دکتر جلال خالقی مطلق - که انتشار دفترهای احتمالاً ده گانه آن در بیرون از کشور به پایان نرسیده است - به روش علمی - انتقادی تصحیح گردیده است. در این میان باید از اصطلاح - «تصحیح قیاسی» نیز یاد کرد که عبارت است از اصلاح متن بدون رویکرد به ضبطهای دیگر و قوانین معین و فقط بر اساس دلایل ذوقی و احساسی، مانند شاهنامه کلاله خاور به تصحیح محمّد رمضانی یا شاهنامه میرزا محمّد مهدی ارباب اصفهانی، اما باید توجه داشت که این اصطلاح در حوزه تصحیح انتقادی متون و به عنوان یکی از فرعیات این شیوه نیز کاربرد دارد و چنین تعریف می شود: «هرگاه ضبطی به گمان مصحح از نظر سبک، دستور، واژگان، موضوع، وزن، قافیه یا خط، تباه شده باشد اصلاح آن بر اساس (دلایل فنی) نه تنها روا بلکه وظیفه مصحح است.»^(۱) این روش جنبی را می توان «تصحیح استدلالی» نامید که نویسنده مجموعه «بلور کلام فردوسی» به پیروی از آن

به اصلاح پاره ای از بیتها و بخشهای شاهنامه دست یازیده اند چنان که در یادداشت پیش گفتار می نویسند: «کوشش صمیمی شده است تا به شیوه استدلالی - و نه ذوقی - تکه هایی از شاهنامه که دست خورده و مخدوش می نماید به سامان آورده شود.»

بلور کلام فردوسی مجموعه هفت گفتار جداگانه در توضیح و تصحیح بیتها و داستانهای از نامه نامور است و نویسنده آنها با ژرف بینی ناشی از عشق به شاهنامه، تصحیحات درخور و شایان ستایشی در باب بعضی از بیتها انجام داده اند. برای نمونه مصراع «چو اردیبهشت آفتاب از بره» دقیقی را با مراجعه به منابع کافی و توضیحات و شواهد پذیرفتنی به «چو اردیبهشت آفتاب از پر» گردانده اند و یا مصراع الحاقی تشخیص داده شده در چاپ مسکو و دارای ابهام معنایی «وگر در شهبستان برزین برد» را به نحوی ستودنی و دقیق به «دگر در شهبستان برزین پرد» تصحیح کرده و شاهد استوار دیگری بر پاکی زبان فرزانه توس ارائه نموده اند، با این همه، نکات و مطالبی نیز در این کتاب و مقالات آن به دیده می آید که نیازمند اشاره و بررسی است:

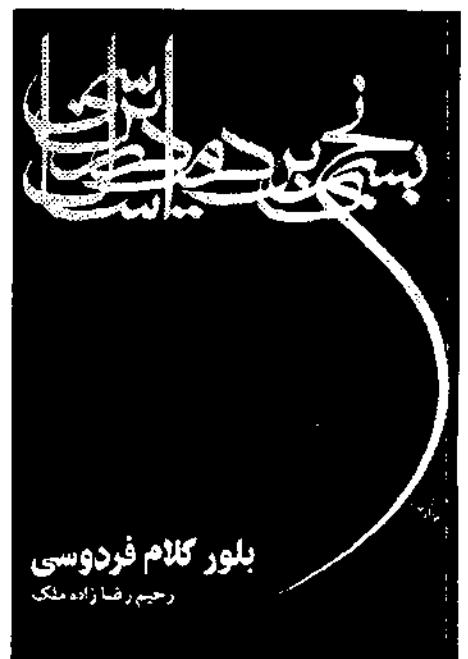
نویسنده محترم در مقدمه اثر، زمان نوشتن یادداشتهای کتاب را سال برگزاری هزاره شاهنامه یعنی (۱۳۶۹) ذکر کرده اند، بر همین پایه خواننده علاقه مند بی هیچ گمان انتظار بهره گیری از دفتر نخست شاهنامه مصحح دکتر خالقی مطلق (انتشارات روزبهان، تهران ۱۳۶۸) و نسخه بدلهای آن را در دو مقاله آغازین کتاب که مربوط به جلد اول شاهنامه است، دارد اما نشانی از این چاپ معتبر و ضبطهای مختار آن نمی یابد که این عدم مراجعه برای اثری که در تصحیح شاهنامه فراهم آمده نوعی نقص محسوب می شود و شاهدی در تأیید این مدعا، بحث مربوط به بیتهای طبقات چهارگانه روزگار جمشید است که برخلاف این گفته که: «ابیات این تکه را به نسخه بدلهایی که هر کلمه یا هر مصراع

تصحیح استدلالی شاهنامه

بلور کلام فردوسی

رحیم رضا زاده ملک

انتشارات فکر روز، چاپ اول: ۱۳۷۸



آن دارد می‌آورم / ص ۳۳» برخی از اختلاف نسخ موجود در حاشیه چاپ خالقی مطلق نیامده است، نمونه را در مصراع «گروهی که کاتوزیان خوانیش» ضبطهای (اشاریان) در (واتیکان / ۸۴۸ ه. ق.)، (ارزانیان) در (اکسفورد / ۸۵۲) و (کاتوزیان) در (برلین / ۸۹۴) برای (کاتوزیان) ذکر نشده است. با وجود این که گفتارهای کتاب - به اشارت خود نویسنده در پیش گفتار - صرفاً باید در تصحیح شاهنامه باشد مقاله (سیمرغ و سیندخت) به بررسی اساطیری و تطبیقی گونه سیمای سیمرغ و سیندخت، بدور از هرگونه جنبه تصحیحی پرداخته است.

در مقدمه کتاب (ص ۸) سال تولد فردوسی را که قبول عام یافته باشد، سالهای نزدیک به (۳۲۵ ه. ق) می‌دانند حال آن که امروزه سال (۳۲۹ ه. ق) به عنوان زادسال پذیرفته شده است و این نکته را دکتر ریاحی پس از نقد و بررسی نظرگاهها و نتایج گوناگون بیان کرده‌اند. (۲) دیدگاه جدیدی که در پیش گفتار اثر درباره سرگذشت استاد توس ارائه شده، این است که فردوسی دبیر موبدان گردآورنده شاهنامه ابومنصوری بوده است (ص ۸) این نظریه نوآیین با رویکرد به دو دلیل پذیرفتنی نمی‌نماید: نخست این که فردوسی به هنگام تدوین شاهنامه ابومنصوری (۳۴۶ ه. ق) جوانی هفده ساله و ساکن روستای پاژ توس بوده و از چنان اعتبار و شهرتی برخوردار نبوده است که به دربار حاکم توس، ابومنصور محمّد بن عبدالرزاق، راه یابد. ثانیاً فردوسی در دیباچه شاهنامه زیر عنوان «گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه» به داستان گردآوری منبع منثور اثر خویش اشاره کرده است که در صورت واقعیت تاریخی موضوع مورد بحث از آن سخن می‌راند که نرآنده است.

در (ص ۹) داستان شادخواریه‌های بهرام گور را

محصول دوران پیش از آغاز نظم شاهنامه دانسته‌اند، این مطلب نیز دیدگاه نوینی است که نیازمند استدلال می‌باشد چرا که در بین شاهنامه‌شناسان یگانه داستانی که مربوط به روزگار جوانی فردوسی شناخته می‌شود روایت «بیژن و منیژه» و آن هم بر بنیاد دلایلی است (۳) در حالی که برای داستانهای (بهرام گور) نه تنها چنین عللی ذکر نشده بلکه این چند بیت شکوه و ناله پیش از آغاز پادشاهی (بهرام گور) می‌تواند یکی از قرائین سروده شدن داستانهای او در پیری فردوسی باشد:

نماندم نمکسود و هیزم نه جو

نه چیزی پدید است تا جو درو

بدین تیرگی روز و بیم خراج

زمین گشته از برف چون کوه عاج

همه کارها را سر اندر نشیب

مگر دست گیرد حسین قتیب

کنون داستانی بگویم شگفت

[داستانهای بهرام گور]

کز آن برتر اندازه نتوان گرفت

(مسکو، ۱۷/۳۰۳/۶۹۰-۶۹۳)

در (ص ۱۲) درباره یاور و مشوق بی نام فردوسی در دیباچه شاهنامه نوشته‌اند: «این قلم‌زن احتمال می‌دهد که فرزند ابومنصور محمّد بن عبدالرزاق باشد.» در توضیح باید گفت که سالها پیش از نویسنده محترم، دکتر خالقی مطلق و شادروان محیط طباطبایی این نکته را به یقین بیان و اثبات کرده‌اند. (۴) در (ص ۲۵) مصراع «ز هر انجمن پیشه‌ور گرد کرد» چاپ مسکو را به «ز هر پیشه‌ور انجمن گرد کرد» تصحیح کرده‌اند که ضبط دست‌نوشته‌های (قاهره / ۷۹۶)، (پاریس / ۸۴۴)، (واتیکان / ۸۴۸) و (برلین / ۸۹۴) است اما صورت «ز هر پیشه‌ای انجمن کرد مرد» با رویکرد به آمدن در کهن‌ترین نسخه شاهنامه، فلورانس (۶۱۴ ه. ق) و

صحت معنایی آن مطابق با توضیحات نویسنده، برگزیده‌تر است. واژه (رسم) را در مصراع دوم بیت:

گروهی که آثوریان خوانیش

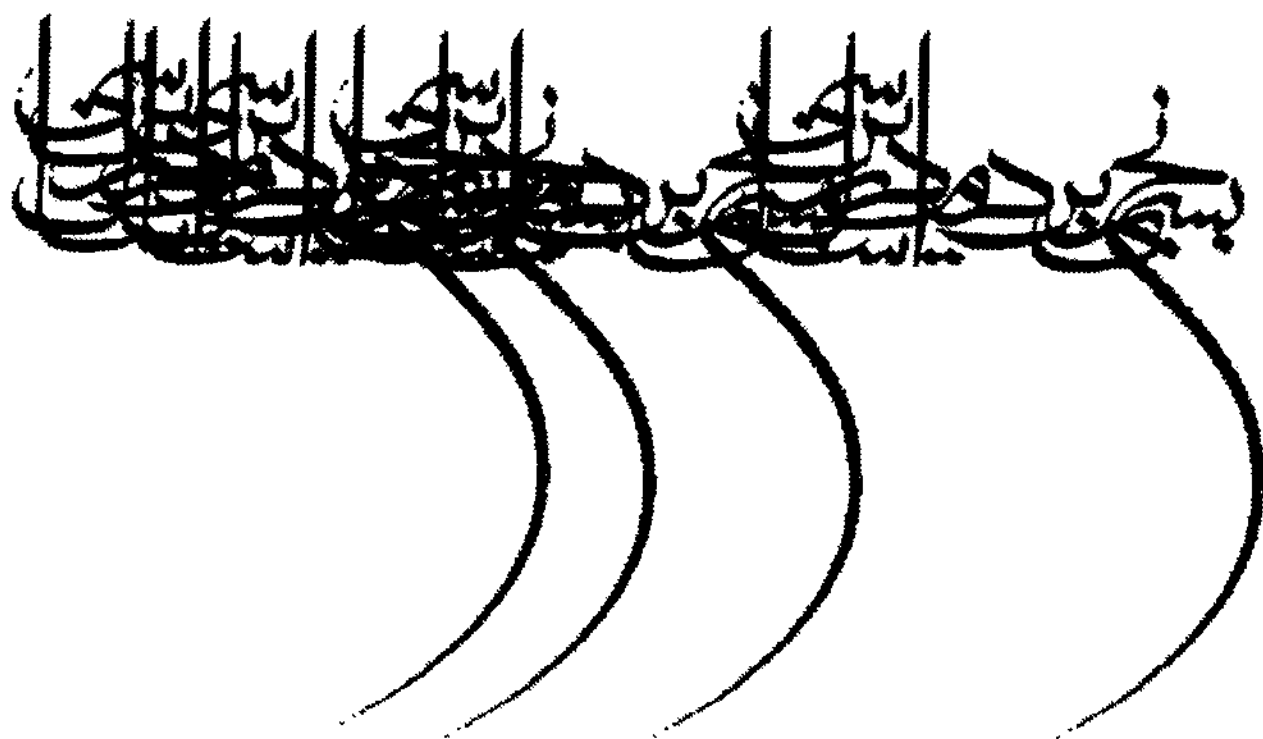
به رسم پرستندگان دانیش (خالقی، ۱/۴۲/۳۰)

به (اسم) گردانده و در معنای بیت با حفظ ضبط (رسم) اظهار پرسش کرده‌اند (ص ۳۶) باید توجه داشت که (پرستنده) اسم نیست بلکه صفت گروهی است که در مصراع نخست به نام، شناسانده شده‌اند و معنای بیت به همین صورت کاملاً آشکار است: گروهی که آثوریان خوانده می‌شوند به آیین پرستندگان هستند به دیگر سخن (آثوریانان) عابد می‌باشند. در (ص ۳۸) برخلاف رسم معهود مقالات، یعنی تصحیح استدلالی، مصراع «ز فرمان تن آزاده و ژنده پوش» به صورت «ز فرمان تن آزاد در خورد و نوش» تصحیح قیاسی شده است در برابر این اصلاح، نسخه فلورانس ضبط برتر و با پشتوانه «ز فرمان تن آزاده و خورده نوش» را دارد با این توضیح که (آزاده) در مقام صفت برای (تن) - که مورد ایراد نویسنده محترم است - در لغت به معنی (آزاد و رها) آمده است. (۵) در بیت:

چهارم که خوانند اهتو خوشی

هم از دست‌ورزان با سرکشی (خالقی، ۱/۴۳/۳۰)

مصراع دوم را با برداشتی ساده و استدلالی عامیانه به «همان دست‌ورزان (آبا) سرکشی» گردانده و چنین توجیه کرده‌اند: «گروه چهارم که آن را اهتوخوشی می‌خوانند همان دست‌ورزان هستند که در این نقل و روایت به ضرورت شعری یک (آ) سرکشی کرده و به اول اسم اضافه شده است / ص ۴۰» شادروان دهخدا در لغت‌نامه واژه «سرکشی» را به معنای (باقوت و قدرت) آورده‌اند، در این جا نیز (با)ی صفت‌ساز بر سر آن آمده و ترکیب (با سرکشی = نیرومند) را صفت (دست‌ورزان) قرار داده است و این ضبط مورد تأیید نسخه فلورانس و



چند دست‌نوشته معتبر از جمله (لنینگراد/ ۷۳۳) می‌باشد.

در (ص ۵۲) می‌نویسند: «... واژه (اپرویز) ساییده شده، خلاصه شده و به صورت (پرویز) درآمد و ظاهرش به (پیروز) شبیه شد، اشتباه را معانی (پرویز) بر (پیروز) باز گردید.» واژه (پیروز) دری از اصل اوستایی -Paiti- raocha و گونه پهلوی Peroc و خود به معنی (منصور و فاتح) است و پیوندی با aparveج پهلوی و (پرویز) دری ندارد.

مصرع نخست بیت:

بزرگان بشادی بیاراستند

می و جام و رامشگران خواستند
(خالقی: ۵۴/۴۴/۱)

بر این اساس که فعل آن متعدی و نیازمند مفعول است و در موارد مشابه دیگر شاهنامه با مفعول آمده به «به در، کان بشادی بیاراستند» اصلاح شده است (ص ۵۴) در این باره اگر به دو بیت پیشتر از بیت مورد بررسی دقت کنیم خواهیم دید که: جهان انجمن شد بر تخت اوی / و از این جا مفعول محذوف به قرینه معنایی و به ضرورت وزنی بیت را فرادست خواهیم آورد: بزرگان [محل انجمن شدن بر تخت او را] بشادی بیاراستند.

در (ص ۸۶) می‌خوانیم: «اسفندیار به اعتبار چاره‌گری و پهلوانی و رویین تنی در نبرد رستم را بیچاره کرد» دقت نظر در داستان رستم و اسفندیار نشان می‌دهد که اسفندیار فقط به یاری رویین تنی، پهلوانی و جوانی خویش بر رستم غالب می‌شود و (چاره‌گری) در درمان زخمها و شیوه کشتن اسفندیار از تهمت و پدرش سر می‌زند نه از شهزاده رویین بدن، رستم خود می‌گوید:

سوی چاره گشتم ز بیچارگی

بدادم بدو سر به یکبارگی
(مسکو، ۱۴۴۷/۳۰۸/۶)

مصرع دوم بیت زیر را در (ص ۱۲۴) دارای ابهام معنایی دانسته‌اند:

ابا یاره و تاج و با تخت زر

درفشان ز دیبای رومی گهر
(مسکو، ۱۷/۳۴۹/۷۶۶)

در این مصرع برخلاف گمان نویسنده محترم، (درفشان) به معنای (درخشان و تابان) است و به همین صورت در شاهنامه سابقه کاربرد دارد:

چو در دژ شوم برفرازم درفش

درفشان کنم تیغهای بنفش
درفشیدن تیغهای بنفش
(مسکو، ۱/۱۲۷/۷۹۶)

چو بینند با کاویانی درفش
(مسکو، ۱/۱۲۰/۶۹۰)

(گهر) نیز به همان معنی مشهور (دژ و مروارید) آمده است، بر همین پایه، گزارش مصرع چنین می‌شود: از دیبای رومی، گوهر می‌درخشد به عبارت آخری جامعه‌های ابریشمین آنها جواهرنشان و تابان است.

در گفتار «شمار ابیات شاهنامه، ص ۱۳۲» نویسنده محترم درباره بیتهایی از شاهنامه که گواه شصت هزار بیت بودن این دفتر سترگ حماسی است، بحث و بررسی کرده‌اند حال آن که باید در نظر داشت کهن ترین نسخه کامل شاهنامه، بریتانیا (۵۶۷۵ هـ. ق) چهل و هشت هزار و دویست بیت دارد و دکتر خالقی مطلق نیز پس از بررسی چهل دست‌نوشته گفته‌اند: «به گمان نگارنده، اصل شاهنامه چیزی میان ۴۸ تا ۴۹ هزار بیت بوده است یعنی به ۵۰ هزار بیت هم نمی‌رسیده است چه رسد به شصت هزار بیت یا بیشتر.» بر این اساس موضوع مشهور «شصت هزار بیت بودن شاهنامه» منتفی و مردود و بیتهای دال بر این مطلب در متن شاهنامه الحاقی شناخته می‌شود و نیازمند تصحیح نیست.

پی‌نوشتها:

(۱) این تریف از دکتر خالقی مطلق است که در مقدمه دفتر نخست شاهنامه آمده است.

(۲) سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، ص ۲۹ و فردوسی، ص ۶۷.

(۳) رک: ۱) حماسه‌سرایی در ایران، ذبیح‌الله صفا ۲) فردوسی و شعر او، مجتبی مینوی

(۴) جلال خالقی مطلق، «یکی مهتری بود گردن فراز»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی، شماره ۲، سال ۱۳، تابستان ۱۳۵۶، محمد محیط طباطبایی، ابومنصور بن محمد بانی نظم شاهنامه، مجله گوهر، آذر ۱۳۵۶ و اردیبهشت ۱۳۵۷.

(۵) رک: فرهنگ فارسی معین.

منابع:

۱) یاشنگ، مصطفی، فرهنگ پارسی و ریشه‌یابی واژگان، انتشارات محور، چاپ اول ۷۷

۲) خالقی، مطلق جلال، اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه، ایران‌شناسی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۷۴

۳) ریاحی، محمدامین، فردوسی، طرح نو، ۱۳۷۵

۴) ریاحی، محمدامین، سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲

۵) فردوسی، شاهنامه، به کوشش دکتر جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، انتشارات روزبهان، ۱۳۶۸

۶) فردوسی، شاهنامه (چاپ مسکو)، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، دفتر نشر داد، چاپ دوم (بی تا)

۷) فردوسی، شاهنامه (نسخه فلورانس)، به گزارش دکتر عزیزالله جویی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵

۸) قریب، مهدی، مقدمه‌ای بر شاهنامه، بازخوانی شاهنامه، انتشارات توس، ۱۳۶۹

۹) معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم ۱۳۷۱

۱۰) نوشین، عبدالحسین، واژه‌نامه، انتشارات دنیا، چاپ سوم ۱۳۶۹

بسیار دیرینه است

می‌شود که همانا «انتقام شخصی» است! اما انتقام از کجاست؟ پاسخ فیه‌مل البته تکان دهنده‌است: «از کشیشانی که در زمان هیتلر آشکار و نهان از او جانبداری می‌کردند.»^۲ و سوسه ساختن و ویران کردن و سوسه‌ای ست که گریبان روبرت را می‌گیرد.

والیته یافتن اینکه چرا آدمی چیزی را نخست می‌سازد بعد ویران‌اش می‌کند، کار آسانی نیست. پرسشی فلسفی و هستی‌شناختی که از پیدایش مفهوم مالکیت در جهان بوجود آمده، چیزی نیست که روبرت از عهده پاسخ آن بر آید و قرار هم نیست که چنین شود چون دیگر با اثری فرو بسته روبرویم که آرمانشهری ساخته‌گی را به ما نشان می‌دهد و بل همواره از ارائه چنین تصویری گریزان است.

«بیلیارد در ساعت نه و نیم» اینه تجلی این پرسش در سراسر عمر سه نسل مختلف است. بل در این اثر نه اندرز می‌دهد نه می‌آموزاند، بلکه نشان می‌دهد.

و این نهایت کار یک نویسنده است. خطی کشی بل میان دو قطب «قربانی» و «جلاد» را از معایب این رمان دانسته‌اند.^۳ باور به دو قطبی بودن جهان شخصیت‌ها، از عقاید کهن مایه می‌گیرد و در ادبیات مدرن رفته رفته کمرنگ‌تر شده و می‌شود. این شاید رهاورد ظهور پیشرفتهای برق‌آسا در همه زمینه‌ها در زمانی محدود و نسبت باوری منتج از یورش شگفتی‌ها بر انسان باشد. که امروزه چنین تقسیمی را روانی دارد. با تأمل در آثار بل به این نکته مهم دست می‌یابیم که وی هرگز بی «سفارش اجتماعی»^۴ چیزی ننوشته و با «هنر برای هنر» دمخور نبوده است. زبان بل در آثارش ساده و گیراست مایه‌هایی از طنز در همه آثار وی به چشم می‌خورد که باعث کشش بیشتر نوشته‌هایش برای خوانندگان است.

تنها در سال ۱۹۵۹، با «بیلیارد...» هاینریش بل کوشید دگرگونی در زبان را نیز تجربه کند و این بار زبانی

نشان می‌دهد و هم دورانی پس از جنگ و به اصطلاح پرواز ققنوس ملت آلمان از خرابه‌های جنگ جهانی را به دقت وامی‌شکافد و آسیب‌شناسی این دوران را در آثارش بازتاب می‌دهد. از این جهت مثلاً رمانهای قطار به موقع رسید با آبروی از دست رفته... با عقاید یک دلقک تفاوت‌های چشمگیری به چشم می‌خورد. آثار دیگر بل چون و حتی یک کلمه هم نگفت (۱۹۵۳)، خانه بی سرپرست (۱۹۵۴)، و نمایشنامه‌هایی چون ییلان (۱۹۵۷) و مفقود الاثرها هرکدام حال و هوای ویژه خود را دارند. با این همه، اما، رمان بیلیارد در ساعت نه و نیم کتاب دیگری است. در این کتاب «سرنوشت سه نسل توصیف می‌شود که هریک از آنان به نوعی در ساختن یا انهدام صومعه‌ای به نام «سنت آنستون» دست دارد. نخستین فرد از نسل اول ارشیتکتی ست به نام هاینریش فیه‌مل^۱ که برنده مناقصه‌ای در سال ۱۹۰۷ شده، موضوع این مناقصه، ترمیم بنای صومعه است. هاینریش تعمیرش می‌کند و روبرت - پسر او - که نسل دوم این خانواده است در جنگ جهانی دوم وظیفه تخریب صومعه بر دوش اوست. وظیفه‌ای که چون رسالتی عظیم جلوه می‌کند. آخرین فرد از نسل خانواده فیه‌مل، یوزف است او دوباره کمر به آبادانی آن صومعه می‌بندد، بی‌آنکه بداند پدر خود او آنجا را بدین روز سیاه نشانده است.

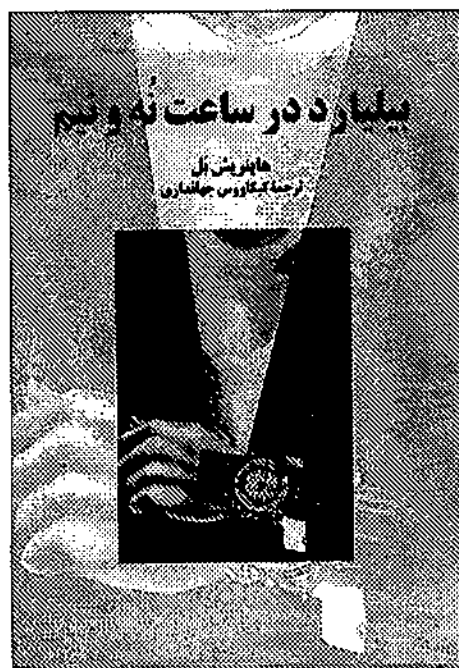
پس رابطه این سه نسل با هم به ترتیب: آبادانی - ویرانی - آبادانی ست و در این سه گانه‌گی، باز هم پیروزی با «آبادانی» یا «تعمیر» است و این مسئله در نهان، امیدواری بل به سازنده‌گی دوباره را نشان می‌دهد. البته میان سه بخش رمان، بخش میانی مهم‌تر است. در این فصل روبرت سرگذشت خود را برای نوجوانی که در هتلی بزرگ مأمور آسانسورست و با او هر روز در ساعت ۹/۵ بیلیارد بازی می‌کند، شرح می‌دهد. نام کتاب نیز از همین بخش انتخاب شده است. در خلال این بخش دلایل واقعی نابودی صومعه آشکار

شهرت یک نویسنده و انتشار ترجمه اغلب آثارش، بی‌گمان فرصت خوبی است برای آشنایی علاقه‌مندان ادبیات با آثار او. اما گاهی با توجه به تقدم یا تأخر برگردان آثارش، چهره‌ای خاص از او و سبک و سیاق‌اش در ذهن خوانندگان ترسیم می‌شود.

به مرور زمان و با ترجمه آثار دیگری از همان نویسنده این چهره کامل‌تر می‌شود و خطوط باریک آن را می‌توان نگریست. هاینریش بل، نویسنده مشهور آلمانی که با ترجمه آثاری چون عقاید یک دلقک، آبروی از دست رفته کاتارینا بلوم، قطار به موقع رسید، زنان در برابر چشم انداز رودخانه، سیمای زنی در میان جمع [عکس دسته جمعی با بانو] و چندین و چند ترجمه گاه مکرر از داستانهای کوتاهش خود را به عنوان چهره‌ای نیرومند و روشن در زمینه رمان‌نویسی و داستان کوتاه به خواننده‌گان فارسی زبان شناسانده است! اکنون باعرضه کتاب بیلیارد در ساعت نه و نیم به ترجمه آقای کیکاووس جهانداری ما را شگفت‌زده می‌سازد.

واقع‌گرایی بل در این کتاب و تعهد او به مسائل اجتماعی کشورش، بستری دیگرگون می‌یابد و این بار اثر پیش‌تکنیکی خاص می‌گیرد که در کار بل بی‌سابقه و زیباست.

هاینریش بل از آن دسته نویسندگانی ست که به نحوی هم دوران شکل‌گیری جنگ جهانی و ظهور فاشیست‌ها بر آلمان را یادآوری می‌کند، هم تب و تاب بلاهت آلمانی تا رسیدن به فاجعه جنگ جهانی را به ما



بیلیارد در ساعت نه و نیم

هاینریش بل

کیکاووس جهانداری

انتشارات سروش، چاپ اول: ۱۳۷۷

برمی‌گزیند که بیشتر از دیگر آثار او متوجه قالب باشد. اما این روال ادامه نیافت و در عقاید یک دلقک در سال ۱۹۶۳، بل را به زبان پیش از بیلیارد ارجاع داد.

مخالفت با اوضاع سیاسی و کلیسای محافظه کار و متجرب از زبان دلقکی به نام «شنیر» بیان می‌شود. هاینریش بل از آن زمره نویسندگانی است که با نگارش مقالاتش درباره مسائل سیاسی، در مسائل سیاسی روز دخالت می‌کند. گونترگراس نویسنده هموطنش و برنده جایزه نوبل ۱۹۹۹ از این جهت خود را امداد و پیرو بل می‌داند و افسوس می‌خورد که بل نیست تا خوشحالی او را از دریافت جایزه نوبل ببیند.

بل در جایی می‌نویسد: «برای من تعهد، لازمه نویسندگی است پایه و مایه آن است و چیزی که من بر این پایه بنا می‌کنم همان دریافت من از هنر است.» یا «جایی که آزادی مورد تهدید قرار گیرد، قلم مورد تهدید است و به عکس» آبروی از دست رفته کاتارینا بلوم شاید یکی از عمیق‌ترین و امروزی‌ترین آثار بل باشد. با تامل بر نام دیگر این رمان یعنی: خشونت چگونه پا می‌گیرد و به کجا می‌انجامد این مسئله روشن می‌شود. خشونتی که از روش‌های خاص و نادرست روزنامه‌ای پا می‌گیرد و به آنجا می‌رسد که زنی جوان، ساده دل و درستکار را مبدل به قاتلی می‌کند.

وارد شدن در جهان بل ما را از موضوع اصلی پرت کرد. و جز این انتظاری نمی‌رفت. اما اکنون «بیلیارد» در هیأت فارسی‌اش در اختیار ماست و ما می‌توانیم یک بار دیگر بل را از لابه لای سطور آن پیدا کنیم.

ترجمه این کتاب زیبا و خواندنی‌ست. مهمترین وجه مثبت این ترجمه، یکدستی آن است در این اثر خواننده فارسی در گیرودار فراز و فرود زبان مترجم قرار نمی‌گیرد گویانکه می‌توان مثلاً کل این ترجمه را امروزی‌تر از آنی کرد که هست و ناگفته پیداست که این را نمی‌توان از معایب یک ترجمه شمرد زیرا در این جا

دیگر صحبت سلیقه است نه درست یا نادرستی ترجمه. مثلاً در آغاز کتاب می‌توان در جمله «امروز اولین بار فہمل با او تندی کرد، بهتر بگویم تقریباً کار به خشونت کشید.» «با او تندی کرد» را «به او بی‌ادبی کرد» برگرداند یا اصولاً در سطر دوم «بود که» و «همان» را اصلاً حذف نمود. یا جای «قسمت» (س ۱۲) گذاشت «جمله» یا در سطور ما قبل آخر و آخر «نفسی به راحت کشید» و «ناز و نواز» را نوشت: «نفسی به راحتی کشید» و «ناز و نواز» را نوشت: «نفسی به موشکافی‌ها و وسواس‌ها امکان نزدیک‌تر شدن به زبان هاینریش بل در این کتاب فراهم شود و مثلاً کاستن از کشیده شدن متن، به عبارت دیگر جلوگیری از «کش آمدن» متن و حذف برخی مترادف‌هایی نظیر «ادب و آداب» که بجای «Hofflichkeit» (ص ۵) س ۴ آمده و کارهایی از این دست و فشرده‌گی که ما را تا حدی به این مقصود برساند.

اما تحقق همین «شاید» چیزی‌ست تعیین‌کننده که در عمل و با رو در رو شدن با متن توانایی یک مترجم را آشکار می‌کند. و این مفروضات البته سرمویی از زیبایی متن نمی‌کاهد و همچون همه آثار این مترجم، این اثر را نیز جذاب و خواندنی می‌کند. برای مترجم آرزوی توفیق داریم.

پانوش‌ها:

۱- ادبیات امروز آلمان - توج رهنما - چشمه ۱۳۷۶.

ص ۱۴۲

۲- همان ص ۱۴۴

۳- همان ص ۱۴۵

۴- تعبیری است از مایاکوفسکی شاعر مدرن روسی درباره خاستگاه هر شعر.

۵- آبروی از دست رفته کاتارینا بلوم، ترجمه شریف لنگرانی، خوارزمی س ۱۳۶۳، مقدمه

۶- مبنای مقایسه اجمالی متن کتاب زیر بوده است:

Heinrich Boell: *Billard um halb zehn*, Roman , dtr, Koln , 1974

«دیدرو» ی تازه‌تر

دنی دیدرو

گیتامی

عبد الله کوثری

کهکشان، چاپ اول: ۱۳۷۸

در یک نگاه

غالب کسانی که در آثار و آراء دنی دیدرو تحقیق می‌کنند او را آدمی لاقید و پراکنده‌گو و همه‌کاره می‌دانند. در نظر آنان فیلسوفان دیگری مانند ولتر و منتسکیو و ژان ژاک روسو مقامی بسیار شامخ‌تر از دیدرو دارند. اما گیتامی نگاهی دیگر به دیدرو دارد. او معتقد است که دیدرو آن طور که شاید باید شناخته نشده است و معتقد است که تنوع عظیم افکار دیدرو و دامنه گسترده روحیات و سبک کار او آمیزه غریبی شده که غالب ذهن‌های ساده‌نگر که به دنبال جواب‌های قطعی هستند از آن گریزانند، چرا که نمی‌توانند او را در هیچیک از قالبهای ذهنی خود بریزند.

درواقع هیچ حکم خدشه‌ناپذیری درباره دیدرو نمی‌توان داد. او نویسنده‌ای است که شور و شوق و تردید و بیزاری خوانندگان را برمی‌انگیزد و این بستگی به زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک و خلق و خوی خواننده دارد. او مانند تمامی نوابغ اصیل پر از تضادها و پیچیدگی‌هاست. خود دیدرو نیز هیچگاه نکوشیده این تضادها و پیچیدگی‌ها را در خود حل کند یا آنها را تخفیف دهد. او تمایلی به پایبندی به نگرش‌های انعطاف‌ناپذیر را نداشت و همواره ترجیح می‌داد که راه گزینش را برای خود باز نگاه دارد تا مبادا در تنگنای یک نظام ایدئولوژیک گرفتار شود.

گیتامی در کتاب کوچک «دنی دیدرو» که در سری «نسل قلم» منتشر شده است، سعی می‌کند جایگاه بالایی برای دیدرو در این چارچوب مهیا کند و مکتب‌های ادبی مدرن و شکسته شدن پیش‌داوری‌ها تا حدی در گرایش وی به این تلقی تازه مؤثر بوده است. گیتامی در تدوین این کتاب به تمامی جنبه‌های شخصیتی یا فکری و یا فعالیت‌های ادبی و فلسفی و علمی دیدرو نظر داشته است و از این جهت کتاب ضمن کم برگی جامع است، بخصوص اینکه خواننده فارسی زبان این اقبال را دارد که مترجم کتاب عبدالله کوثری است و کتاب را در نهایت زیبایی و روانی ترجمه کرده است، ولی با وجود این همه محاسن شاید این غبطه با بعضی از خوانندگان بماند که‌ای کاش کتاب با عکسی از دیدرو نیز همراه بود.

علی عبداللہی

آبادانی، ویرانی، آبادانی

محمد حقوقی از سال‌های نخست دههٔ چهل تاکنون در عرصهٔ شعر و نقد شعر معاصر ایران حضوری مشخص و چشمگیر داشته است. انتشار کتاب «شعر نواز» آغاز تا امروز» در سال‌های آغازین دههٔ پنجاه، چشم اهل شعر را به سوی او و شیوهی نقد و نقادی‌اش جلب کرد و در نهایت اظهار نظرهای مخالف و موافق متعددی در مورد آن کتاب و در مطبوعات ادبی آن زمان منعکس شد و اینک در مجموع یکی از معدود منابع و مراجع نقد و بررسی شعر معاصر محسوب می‌شود، این کتاب بعدها با افزوده‌های تکمیلی به دو جلد بالغ شد و بیش از ده بار هم تجدید چاپ شده است محمد حقوقی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته ادبیات گذرانده و با ادبیات کلاسیک ما «بیشتر» و ادبیات و شعر غرب (کمتر) آشناست.

حقوقی در اولین مقدمه که مقدمهٔ این مجموعه برگزیده از پانزده کتاب شعر اوست گفته است علاوه بر نه جلد از آثار قبلی‌اش که به شکل کتاب چاپ شده، شش مجموعه شعر چاپ نشده را هم اضافه کرده و این گزیده را به دست داده است.

به این شکل که در برابر هر مجموعه سبدهای نهاده و شعرهایی را برگزیده و اینک «سبدها» که مجموعه برگزیده ایست از پانزده سبدها...

اولین شعر هفده صفحه‌ای کتاب تماماً آزمون‌ها و تجربه کردن‌های فرمالیستی شاعر است در حیطه زبان و بیان که با در نظر گرفتن سال‌های دههٔ چهل کاری نسبتاً متداول در آن زمان بوده است اما بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت تنها ارزش این شعر نشان دادن تجربه‌های زبانی به شاعران جوان و تازه کار می‌تواند باشد. در زمینه محتوا و مفاهیم فایده این شعر در آن

است که به شاعران جوان نشان می‌دهد «چگونه شعر نباید گفت»: «همیشه، همیشه، همیشه / همیشه، زمزمهٔ رود / دو مردشال سپید قبا سیاه / رسیدند، مرا به زندان بردند» چنانکه ملاحظه می‌شود در این سطرها هیچ حرف تازه، دریافت و کشف جدیدی وجود ندارند اما فایده دیگری هم ممکن است داشته باشد و آن به یاد آوردن شعر زیبایی شاملو است: «از کوره راه شرق رسیدند / دو دختر / کنار من...» و... از نمونه‌ها و نکته‌هایی که گرایشات فرمالیستی شاعر را نشان می‌دهد این نمونه، مورد خوبی است که نمایندهٔ بی‌توجهی شاعر به محتوا نیز هست: «دو مردشال سپید قبا سیاه، گذشتند / (درون زندان) او را دردم بود. آن که مثل انبوهی از بخار، حافظ من بود / (درون معبد - آنجا - که چون دگر باران، باز هم شنید. «دگر باران» به معنی بارهای دگر یا دیگر بار است که...) ص ۱۶ نیز «باز هم شنیدم، باز: - که فووت... فووت... (و من، در سکوت... در تابوت) این «فووت فووت» چه معنی دارد؟ تنها می‌توان با توجه به «تابوت» حدس زد که شاید منظور «فوت» به معنی مردن و در گذشتن است آنهم به لهجه‌ای غریب در غیر این صورت منظور باید فوت کردن به معنی دمیدن باشد که در هر صورت هیچ معنا یا مکاشفه جدیدی ندارد در همین شعر هفده صفحه‌ای اگر از بالا و بطور کلی به طرح شعر نگاه بیندازیم گره‌ای به دور از هر گونه جذابیت شعری، گره‌ای ضعیفی از فضای کلی «بوف کور» هدایت را می‌توان - به فرض و احتمال - در آن دید و... همین سبدهای اول را کنار می‌گذاریم در حالی که در تمامی شعرهای این سبدها، یک تکه، یک قطعه شعر به معنای اخص چشم و ذهن خواننده را جلب و راضی نمی‌کند. مگر نکاتی که یا به سهو یا بر اثر تلقی اشتباه شاعر پدید آمده است: تمام داعیهٔ فتح را / به عریانی / در استتار گرفتند. / که خون سرخ ترا در کرانهٔ مغرب در آب بنشست. منظور از خون سرخ‌تر در کرانهٔ مغرب در آب مرگ تو بنشست» چیست و چه ارتباطی با سطرهای پیشین دارد؟ مشخص نیست و معنای این تکه از شعر چنین می‌شود: تمامی داعیه فتح را، استتار کردند، بدون ملاحظه و عریان هم این کار را کردند!! این داعیه فتح

برای خون سرخ تو، در مغرب در آب مرگ تو می‌نشست!

دومین مجموعه شعر حقوقی «فصل‌های زمستانی» است که در زمان انتشار یکی از کتاب‌های برجسته حقوقی محسوب می‌شد و متأسفانه، اینک در بازخوانی مجدد پس از نزدیک به سه دهه، ملاحظه می‌شود این کتاب و شاعر این مجموعه جز در عداد فرمالیست‌ها و آثار فرمالیستی نمی‌گنجد، با این تفاوت که فرمالیستی‌هایی همچون یدالله رؤیایی در بین کارها و اشعار خود نمونه‌ها و مجموعه‌های بسیار قابل توجهی ارائه کرده‌اند. اما حقوقی نتوانسته است به خلق چنان شعرهای موقی نایل بیاید.

محمد حقوقی، در مقدمهٔ کتاب «شعر نو از آغاز تا امروز» هنگام بحث در مورد ساختار شعر و بیان تصویری شعر و مقولاتی از این دست چند قطعه شعر را به عنوان شعرهای بسیار موفق عنوان کرده و به بررسی آن‌ها پرداخته بود، بدون اینکه صراحتاً عنوان کند شعرها از خود اوست. یکی دو قطعه از شعرهای یاد شده در کتاب «فصل‌های زمستانی» و در «سبدها» مجموعه حاضر درج شده است: «تاریک‌ترین شبان بی‌شیگیر / رودی است سیاه / رودی است سیاه / رودی ست / فرو / رونده / در مرداب /... من شب را / قطره / قطره / می / نوشم.» و در شرح و بیان آن بعنوان شعری موفق در زبان و بیان و... صفحاتی سیاه شده است، با نگاهی دوباره به این شعر آنچه را از لحاظ معنا و مفهوم به ذهن خواننده مستباد می‌شود، بیان می‌کنیم: در بین شب‌های بی‌شیگیر، شبی هست که از بقیه شب‌ها تیره‌تر است و این شب به شکل رودخانه سیاه رنگی است که در مرداب فرو می‌رود / [رودی شعر یا شاعر] آن شب سیاه به مرداب فرو رونده را قطره قطره می‌نوشد. حقوقی در بین توضیحات و شروح این شعر گفته بود: مرداب که شب در آن فرو می‌رود همان «من» نوشنده شب است.

بجز تعبیر حقوقی می‌توان چنین شعر را معنی کرد که: من آن شب سیاهی را که می‌رود بطور معمول در مرداب فرو می‌رود می‌نوشم یعنی هر دو معنا را می‌توان برای شعر مورد نظر قائل شد.

کیانوش شمس اسحاق

یادگاری از فرمالیسم

در هر حال بهیچ وجه این شعر، شعر درجه اول و عالی‌ای نیست، حتی نهایتاً یک شعر درجه ۳ بیشتر نیست، اما همین شعر نمونه مناسب و خوبی است تا ایراد کار این گونه شاعران را که گرایش‌های فرمالیستی‌شان غالب است بررسی کرد، بخصوص با نقل دومین نمونه‌ای که حقوقی در شرح «مرثیه رباب» آورده است: «شب همیشه‌ی نی‌های استخوانی تو برب همیشه مرگ»... در شعر مرداب هیچگونه قرینه یا کلیدی وجود ندارد تا خواننده شعر مؤکداً «مرداب» را دقیقاً «من» راوی یا خود شاعر تصور کند یا در همین سطر از شعر «مرثیه رباب» اگر هم تعبیر خود حقوقی را از خواندن آن شعر در نظر بیاوریم باز هم معنا و مفهومی عمیق و بالطبع شعری عالی پیش رو نداریم: حقوقی «شب همیشه‌ی...» را چنین تفسیر کرده است که شاعر در رثای «رباب» دارد خطاب به یاد و خاطره او می‌گوید: [تو، رباب] آنقدر ضعیف و رنجور و بیمار شده بودی که گوشتی مرگ استخوان‌های بسیار نحیف ترا مانند «نی» بر لب گذاشته و آهنگ مرگ می‌نوازد در صورتیکه اولاً استخوان را به نی تشبیه می‌کنند در حالیکه شاعر به رباب دارد می‌گوید «نی‌های استخوانی تو...» یعنی نی‌های «تو» مانند استخوان شده است! و چنین تساهل و تسامحی در شعر شاعر و منتقدی به نام محمد حقوقی چشمگیر است و غریب...

شعر رباب را در نهایت می‌توان به سبب زبان و بیان جاری و روان آن تحسین کرد به اضافه‌ی فضای عمومی مرثیه وار و سوگمندانه آن، به آن شرط که غلط‌ها یا اشتباهات و تسامحات شاعر را که مانند خار و خسک در ذهن خواننده می‌خلد، ندیده بگیریم! «منم که می‌دانم / که هر «دم» تو از اعماق گور خاک تو را، بر آسمان ملائک پراکنید». فعل «پراکند» بی‌جهت و به غلط «پراکنید» شده است...

در فصل‌های زمستانی، گاه تأثیر و رد پای شاعران دیگر، از جمله فروغ فرخزاد را می‌توان حس کرد از جمله

شعر «در عصرهای ساکت تابستان» و «مقصود شربخانه مشرقی بود»

✽

سطح و گستره‌ی معانی و مفاهیم همچنین عمق و غنای شعر در جنبه‌های گوناگون آن، به نحوی تعیین‌کننده‌ی سطح و سطوح نقد یا بررسی نامه‌هایی است که در مورد آن شعر، یا شعرهای مفروض نوشته می‌شود... وقتی به فرض مجموعه شعری پر از اغلاط و اشتباه‌های وزنی، زبانی و بیانی و... باشد، لاجرم بایستی آن اشتباهات را گوش زد کرد که در نهایت ممکن است ارزش نقد نیز پایین بیاید. از طرفی دیگر در سال‌های واپسین دهه‌ی چهل و آغاز دهه‌ی پنجاه نقدهای مطبوعات ادبی توسط افرادی همچون براهنی، حقوقی، دستغیب و... نوشته می‌شد و یکی از جنبه‌های مورد توجه برای منتقدین و شاعران و روشنفکران اهل ادب، جنبه اجتماعی و تعهدات اجتماعی شاعران بود، تا حدی که شاعر برجسته‌ای همچون سهراب سپهری را سخت مورد انتقاد قرار دادند که چرا از مسائل و مشکلات اجتماعی مردم و جامعه در شعرهایش اثری نیست و... همچنین آراء و نظریاتی که از شاعران و منتقدین برجسته غربی در عرصه نقد شعر عنوان می‌شد تا شاعران را به حدود مسؤولیت و تعهد هنرمندانه خود در قبال جامعه و مردم واقف کنند و هشدار دهند از این دست نقل قول‌ها بود: «سورن کی‌پرکه گور می‌گوید: مرا خوش تر آن که خوک چرانی باشم و خوک‌ان به زبانم آشنا تا آن که شعر بسرایم و خلق زبانم نشناسند». همچنین: «شاعر، به حکم قاطع ماهیت اشیا کسی است که با صمیمیت تمام زندگانی می‌کند، و به عبارت دیگر حیات او هر چه صمیمانه‌تر شعر او ناب‌تر» (ویلیام باتلر ییتز: «کلینت بروکس» نیز گفته است: «تخیل در فضای تهی هرگز به کار نمی‌افتد».

برویم به سراغ آنچه «کی‌پرکه گور» گفته است و زبان شعری محمد حقوقی و مقوله تعهد اجتماعی هنرمند و شاعر؛ در صفحه ۷۱ عنوان شعر «گاهی که بردگان همیشه» است اگر طبق معیارهای سنجش شعر

در سال‌های گذشته‌ای که اشاره شد، بخواییم قضاوت کنیم با خواندن عنوان شعر باید تصور کنیم شاعر در این شعر بی‌تردید از بردگان اجتماعی امروز که اقشار و طبقات تحت ستم اجتماع‌اند سخن گفته است و لابد از حقوق پایمال شده آنان و... در بند اول شعر می‌خوانیم: «و عشق‌های مرده گیاهی شدند باز / رویان و روستائی / و مرغ‌های کوه / از ارتفاع آب خنک آمدند (آب خنک افشان) / آنجا که روح گمشدگی زیر شاخه‌های بلند آرمیده است / تفنگ آنجاست.» ص ۷۱

به موازات یا تطبیق و تطابق آن نقل قول‌ها و همچنین برای روشن شدن آنچه منتقدین دهه‌ی چهل و پنجاه می‌گفتند تنها چند نمونه از اشعار این مجموعه می‌آوریم و به مصداق «مشک آن است که خود ببوید نه عطار بگوید» قضاوت را برعهده خوانندگان این مقاله و خواهندگان شعرهای حقوقی می‌گذاریم و کلام را به آخر می‌بریم: «برن است و خرس / سیرو سواری ست / لپهای این سه خرس خیابانی / در شش دقیقه / شصت و سه «یا» انداخت / ماشین خرس‌ها / با هر هزار جا / ده Nein اگر - به تادره - اندازد / خوب است / معیوب نیست / مطلوب نیست / Ich bitte / JaJa / Einuntzuzwanzig / هوم / با عذر ناتمام /...» (ص ۹ و ۲۳۸) همچنین: «از پنج‌های آخر شب تا روز / در رود بار «آره» آبی / در پشت بشکه‌های شراب باز / پشت DoM / با بال‌های سرخ Movenpick / گاهی که پلک‌های تو / می / افتد /...» (ص ۲۳۷) و نمونه‌ای دیگر: «سرو ونوس با Penevs /...! / میگو... shrimp / با فلامینگو /! «Reh !» / Bitte

کلام را به آخر می‌بریم با این حدس احتمالی که اگر آقای حقوقی علاوه بر شش مجموعه چاپ نشده، گزیده‌هایی از دیگر مجموعه شعرهای چاپ نشده‌شان را به این مجموعه اضافه می‌کردند، علاوه بر وجود یک دیکسیونر آلمانی، انگلیسی اسپانیولی به فارسی که اکنون برای خواندن این شعرها لازم است آنگاه حضور مترجمینی از این زبان‌ها هم لازم می‌شد... نکته آخر اینک: «خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد»



سبدها (گزیده اشعار)

محمدحقوقی

علم، ۱۳۷۸

«داستان کوتاه در بارزترین شکل خود، آگاهی گسترده از تنهایی انسان است.»

(فرانک اوکانر)

مفهوم این گفته اوکانر دربارهٔ اکثر داستان‌هایی که از فیروز زرنوزی جلالی در مجموعه «گزیده ادبیات معاصر» گرد آمده است، صادق است. این مجموعه از هفت داستان به نام‌های: شکلات - فتاح - سیاه بمبیک - روزی مثل بقیهٔ روزها - داوودی‌ها - مسوده و روزی که خورشید سوخت، تشکیل شده است. (امید است عدد هفت این داستانها ربطی به مفهوم رمزی و نمادین عدد مقدس هفت نداشته باشد!) غالب شخصیت‌های اصلی این داستانها در تنهایی ویژه‌ای به سر می‌برند و میان آنها و افراد اطرافشان دیواری نادیدنی وجود دارد، و آن چه که جان‌مایهٔ این داستان‌ها را تشکیل می‌دهد، شرح این تنهایی خاص، در عین با دیگران بودن آنهاست.

راوی چهار داستان از این هفت داستان، یعنی: شکلات، سیاه بمبیک، داوودی‌ها و روزی که خورشید سوخت، اول شخص است، دو داستان فتاح و روزی مثل بقیهٔ روزها راوی دانای کل دارند و داستان مسوده هم به شیوهٔ نامه‌نگاری نوشته شده است. در داستان شکلات که راوی آن دخترکی دانش‌آموز است، تنهایی او را از خلال تصوراتش دربارهٔ یک شکلات که می‌تواند برای

او (به زعم خودش) مایهٔ تشخیص و برتری جایگاه اجتماعی باشد، درمی‌یابیم. زیر لایهٔ داستان شرح تقابل فقر و ثروت در جامعه‌ای است که یک کلاس درس دریچه‌ای است برای نگرستن به این تقابل.

دخترک راوی سعی دارد در روایتش چیزی را پنهان کند، آن چیز مکتوم این است که راوی بسیار آرزوی داشتن شکلاتی را دارد که روزی دست همکلاسی‌اش رزا (که از خانواده‌ای مرفه است) دیده است. این آرزو به صورت یک رؤیا در برابر راوی ظاهر می‌شود. در این رؤیا راوی شاهد جان گرفتن تصویر زیبای دخترکی می‌شود که عکس‌اش روی آن شکلات چاپ شده بوده است. این تصویر با راوی به گفتگو می‌نشیند تا از خلال گفتگویشان خواستهٔ راوی آشکار شود.

از طرفی آرزوی داشتن شکلات تنها به خاطر عطر و طعم شکلات نیست، بلکه راوی تملک آن شکلات را شرط یافتن جایگاهی برتر در کلاس می‌داند که نماد موقعیت اجتماعی صاحب آن است. تنها در انتهای داستان است که راوی به این آگاهی تلخ دست می‌یابد که پندار او صرفاً توهم بوده است و تمایز جایگاه اجتماعی او تنها در این یک شکلات خلاصه نمی‌شده، چراکه درست در همان روزی که راوی به خاطر فداکاری مادرش به شکلاتی همانند شکلات رزا دست می‌یابد، رزا شکلات بزرگتر و مرغوب‌تری با خود به مدرسه می‌آورد تا تمایز میان او و راوی همچنان باقی بماند. مهم‌ترین بخش داستان، این حرکت از پندار به واقعیت است که عامل به شناخت رسیدن شخصیت اصلی داستان می‌شود. (البته در این داستان اشاره‌های متعدد به موقعیت پدر راوی، چندان ضروری به نظر نمی‌رسد، و

حال و هوایی احساساتی به داستان می‌بخشد، شرح حالات درونی دخترک، خود به تنهایی بیانگر تمامی مسائل است و نیازمند توضیح بیشتر نیست)

در داستان فتاح این تنهایی در وجود فتاح قصاب فقیری به نمایش گذارده می‌شود که سرپرستی دو کودک بی‌مادر بر عهده‌اش است. در این داستان نیز شاهد تقابل فقر و ثروت هستیم. این تقابل در وجود فتاح از یک سو و میرزای مرفه از سوی دیگر نمود می‌یابد. فکر و ذکر میرزا ازدواج با دختر یازده سالهٔ قصاب است (که بسیار به جا نویسنده اشارهٔ مستقیمی بدان نمی‌کند) و آنچه که فتاح بدان می‌اندیشد، سهم ناچیز گوشتی است که ممکن است از گوسفند قربانی شده به او و دو فرزندش برسد.

در انتهای این داستان هم قصاب به این آگاهی تلخ وقوف می‌یابد که گوشتی در کار نیست و تمایز و تقابل میان او و میرزا همچنان مانند دیواری نفوذناپذیر باقی است. باید توجه داشت که در این دو داستان، مهم تقابل میان فقر و ثروت (که مضمونی کهنه و پیش‌پا افتاده در داستان نویسی است) نیست، بلکه مهم نحوهٔ به نمایش گذاردن این تقابل در عمل داستانی است، بی‌هیچ شرح و توضیح اضافی در داستان شکلات، نقش این واسطه به عهدهٔ شکلات است و در داستان فتاح، این نقش را گوسفند قربانی به عهده دارد.

در داستان سیاه بمبیک (که درخشان‌ترین داستان مجموعه است) شرح این تنهایی دربارتر و عمیق‌تر است. خالو خلیل شخصیت اصلی داستان، به قدری تنها و به خود وانهاده است که حتی زن و فرزندش نیز توان درک اندیشه‌های او را ندارند. بر فضای این داستان

محمد رضا گودرزی

دهشت تنهایی

وحشتی میهم حاکم است که فضای تیره و تاریک داستان را هم پای فضای ذهنی شخصیت اصلی می‌سازد. در داستان داوودی‌ها این تنهایی در وجود شخصیت اصلی که شاعری بستری شده در بیمارستان است، نمود آشکارتری از بقیه داستان‌های این مجموعه دارد، و مدام بر خلأ میان جهان ذهنی او و جهان ذهنی اطرافیان اشاره می‌کند.

در داستان مسوده شخصی به نام محمودی بر اثر اتفاقی به ظاهر کوچک (بله نامیدن او به وسیله رئیس اداره‌اش در یک برخورد سینه به سینه در راهرو) سالها به انزوا می‌خزد و با خود به کلنجار درونی می‌پردازد. ماحصل این کشمکش‌ها سه نامه‌ای است که او به رئیس خود می‌نویسد، (بی‌آن که اشاره‌ای به پاسخ رئیس در میان بیاید).

داستان آخر یعنی روزی که خورشید سوخت، به تنهایی هول‌انگیز شخصیت اصلی که یک کور است می‌پردازد. (او در بیست و پنج سالگی بر اثر حادثه انفجار دیگ بخار در کارخانه رنگ‌سازی کور شده است) در این داستان هم (مثل داستان داوودی‌ها) اشارات مستقیمی به تنهایی شخصیت اصلی شده است. او می‌خواهد تنهایی و وانهادگی خود را با یافتن تنها یک نفر که دیگر نیازی به تقاضا کردن از او برای کمک گرفتن نباشد، تسکین دهد و بر این مانع چیره شود.

جالب اینجاست تنها کسی که به سوی او گام برمی‌دارد، یک کور چون خود اوست. انگار این کوری ظاهری، باعث به تلاؤ درآمدن خورشیدی در درون آنها شده است.

حال که به مفهوم تنهایی در این شش داستان

اشاره‌ای کلی شد، (جز داستان روزی مثل بقیه روزها) جا دارد که بازگردیم و یک بار دیگر بگوییم ماندگارترین داستان این مجموعه سیاه‌بمبک است و با فاصله، از پی آن، داستان فتاح قرار دارد.

این دو داستان به سبب ریشه داشتن در فرهنگ بومی استان‌های جنوبی کشورمان و با کمک گرفتن از گویش‌ها و باورهای آن دیار، رنگی از اصالت و هویت یافته‌اند و ویژگی ایرانی بودنشان بارزتر شده است.

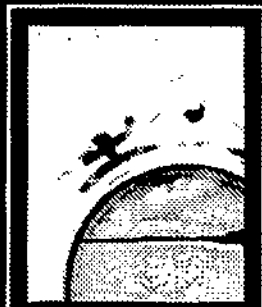
از طرفی داستان سیاه‌بمبک از داستان‌هایی است که خواننده با خواندن آن بلافاصله درمی‌یابد که این داستان از ناخودآگاه هنری نویسنده نشأت گرفته است و ضرب و زوری برای به نگارش درآمدن آن در میان نبوده است، طوری که از جان برآمده و به جان می‌نشیند. و مهم‌تر از همه آن که علاوه بر این امر، شکل داستان (یعنی وجه فنی و صوری آن) نیز کاملاً حساب شده و پیراسته است. خواننده با خواندن این دو داستان، به خود می‌گوید که چرا زنوزی از فضای داستانی مطلوب خود دور شده و به داستان ضعیفی چون مسوده نزدیک شده است؟ این داستان نه تنها جاذبه داستانی چندانی ندارد، بلکه باورناپذیر و دور از ذهن است و نمی‌توان با آن ارتباط لازم را برقرار کرد. انگار در این داستان، زنوزی از ناخودآگاه هنری دور شده و به حیطه عقلانی و استدلالی خشک پا گذارده است تا به زور استدلال، داستانی را به خواننده بیاوراند. حال آن که داستان سیاه‌بمبک به رغم موضوع شگفتش که باور داشتن به حضور سنگین کوسه‌ای عظیم‌الجثه و سیاه در آسمان و دریاست، بسیار باورپذیرتر و ملموس‌تر از داستان مسوده است که هیچ چیز شگفتی در آن وجود ندارد. داستان سیاه‌بمبک یک

بار دیگر آن حکم قدیمی را به ما خاطر نشان می‌کند که: ممکن نشان دادن یک امر ناممکن، ارزشی به مراتب بالاتر از ناممکن نشان دادن امری ممکن دارد. در داستان مسوده کارمندی با شنیدن واژه ابله از رئیس‌اش سال‌ها با خود کشمکش می‌کند و طی سه نامه: نامه اول دوازده روز بعد، نامه دوم سه ماه و چهار روز بعد، و نامه سوم هفت سال بعد، به رئیس‌اش استنباط خود از ماجرا را بیان می‌کند.

در نامه اول، کاملاً روحیه چاپلوسی و تملق نویسنده آشکار است (نویسنده نامه) و از موضعی فرودست به ماجرا می‌نگرد. در نامه دوم نویسنده تا حدی موضعی برابر برای خود قائل شده و سعی کرده است ماجرا را از بعدی عقلانی تفسیر کند، در نامه سوم خواننده در می‌ماند که چه طور آن کارمند چاپلوس، از موضعی برتر به رئیس خود توهین می‌کند و برخلاف خصایص نوعی‌اش در عصر حاضر، عملی خارق‌العاده و باورناپذیر انجام می‌دهد.

اگر ما به مفهوم تنهایی که از خصایص عام عصر حاضر در انسانهاست، برخوردی طبق روحیه دوران داریم، پس نمی‌بایست به جایگاه یک شخصیت، برخلاف خصایص دوران بپردازیم و او را به عملی احساساتی و قهرمانی واداریم. اگر هم به این کار خود اعتقاد داریم می‌بایست زمینه این دگرگونی، و همچنین دلایل این تعارض شخصیتی آقای محمودی با خصایص کارندهای دوران معاصر را در داستان بیاوریم. عمل باورناپذیر و قهرمانی آقای محمودی به این داستان خصلتی رمانتیکستی داده است اگر این داستان را از نظر شخصیت‌پردازی با داستان سیاه‌بمبک

گزیده ادبیات معاصر



گزیده ادبیات معاصر

مجموعه داستان فیروز زنوزی جلالی

نیستان، چاپ اول: ۱۳۷۸

فیروز زنوزی جلالی

مقایسه کنیم درمی یابیم که در داستان سیاه بمبک، عمل شخصیت و پندار و باور او مستقل از نیت مؤلف شکل گرفته است و همان گونه است که از فردی ماهیگیر چون خالو خلیل انتظار می رود. در واقع او به گونه ای است که ویژگی نوعی اش ایجاب می کند و الزامات متن می طلبد (واکنش های زیبای اطرافیان خالو خلیل به خصوص همسرش در برخورد با پریشان احوالی او مثال زدنی است)

اما برعکس در داستان مسوده، نیت نویسنده کاملاً آشکار است و انتهای داستان، انتهای تحمیل شده به وسیله نویسنده بر داستان و شخصیت اصلی آن است. انگار زنوزی موضع بغض آلود و نفی کننده خود نسبت به رؤسای آن چنانی را در عملی باورناپذیر اما دوست داشتنی و مردم پسند جا داده است تا فریاد سوت و تشویق مخاطبان به پا خیزد و حق به حق دار برسد.

ویژگی دیگری که در برخی از داستان های این مجموعه دیده می شود، آن است که نویسنده در مخالفت با نگاه خشک و فاقد احساس انسان های معاصر به جامعه و طبیعت، نگاهی حساس و شاعرانه به جهان داستانی و پدیده های موجود در آن دارد. این نگاه عمدتاً در داستان های شکلات و داوودیها و روزی که خورشید سوخت دیده می شود. انگار نویسنده خواسته است در جهان داستانی خود و در ذهن شخصیت های این داستان ها جهانی دیگر با ویژگی هایی زیبا تر بیافریند، تا نیاز انسان ها به وجود این گونه جهان ها را بیان کند.

در جهان جدید، عکس ها و گل ها (عکس در داستان شکلات و گل در داستان داوودیها) با انسانها به گفتگو می پردازند و با او به بده بستان فکری - عاطفی مشغول می شوند. (حال که دیگر انسانها، یا نمی خواهند و یا نمی توانند به همدلی با یکدیگر بپردازند پس جا

دارد که همدلی و وفاق میان انسانها و دیگر عناصر و پدیده های طبیعی برقرار شود) در این جهانها اگر انسانی هم به یاد انسان دیگری بیفتد، حتماً او نیز چون شخصیت های داستانی داستان روزی که خورشید سوخت، کور است.

می بینیم که زیر لایه این سه داستان، و عمق آنها، بیانگر به جان آمدن از فضایی است که در آن انسانها به خاطر کلمات و باورها و رفتاری که یک شاعر دارد، او را تنها می گذارند و می گریزند (در داستان داوودیها) یا به یک کور تنها تا زمانی همدلی نشان می دهند که به وضع او عادت نکرده اند. بررسی داستان روزی که خورشید سوخت، یک بار دیگر ذهن را به داستان مسوده ارجاع می دهد. در داستان روزی که خورشید سوخت، نویسنده می پذیرد که انسانها به مرور، به همه چیز عادت می کنند و پس از عادت کردن، احساس رقت شان از میان می رود. اما آشکار نیست که چرا قهرمان داستان مسوده (یک کارمند دون پایه) بر خلاف این اصل عمل می کند و پس از گذشت هفت سال باز به وضعیت خود عادت نمی کند و برعکس، واکنشی شدید هم از خود نشان می دهد! حال آن که نمونه نوعی کارمند عصر حاضر، کسی است که با شنیدن رکیک ترین ناسزاها از رئیس خود، آن را چون آوایی جان بخش تحمل می کند و تنها آن را دستاویز گرفتن مبلغی وام و یا پاداش و غیره می سازد!

در انتها لازم است به مضمون عقل و جنون، و روان پریشی و سلامت ذهن در داستان های زنوزی اشاره کرد. در داستان های سیاه بمبک و داوودیها، دو شخصیت اصلی پریشان احوال و پریشان فکر به نظر می رسند، اما واقعیت آن است که این دو نمی خواهند در محیط بی احساس و خودکار اطراف خود حل شوند و

واقعیت های حقیر روزمره آنها را به کام خود بکشد. واقعیت برای این دو بسیار متفاوت تر از واقعیت بقیه انسانها است. آن دو نگاهی دیگرگون به جهان و هستی دارند. افرادی همچون این دو، گرچه معدوداند، اما پریشانی شان عین عقل است و عقل دیگران در برابر جنون آنها عین جنون است. شخصیت های این دو داستان مایلند با هویت باختگی مبارزه کنند. آنها خواستار محبت اند نه شیرینی. از همین رو شخصیت اصلی داستان داوودیها بسیار نگران و افسرده است از این که اطرافیانش با خود گل ندارند و فقط شیرینی و کمپوت دارند. آنها کسانی اند که: «نیامده بی تاب رفتن اند.» (صفحه ۶۰ کتاب) با این همه او امید به آینده را از دست نمی دهد و واپسین سطور این داستان شاهدهی بر این مدعاست: «- بس کن مرده! مگر نمی بینی آن گوشه آسمان چه سرخ شده، نشانه فلق است. خورشید به زودی اینجاست!» - راست می گویی! نگاه کن! آسمان درست به رنگ یک داوودی سرخ است. انگار خورشید دارد با یک خرمن گل داوودی می آید!»^(۱)

این امید به آینده روشن، در واپسین سطور داستان روزی که خورشید سوخت، که واپسین سطور این مجموعه داستان هم هست، باز دیده می شود: «-... من منتظر کسی هستم که می آید!... اطمینان دارم که بالاخره پیدایش می شود، یعنی، یعنی، باید بیاید... باید...»^(۲)

□□□

پانویس:

(۱) صفحه ۷۲ مجموعه داستان فیروز زنوزی جلالی - گزیده

ادبیات معاصر نشر: نیستان / چاپ اول / ۱۳۷۸

(۲) همان، صفحه ۱۰۰

فلسفہ طریقہ ولایت

یکی از شخصیت‌های برجسته حوزه عرفان اسلامی که نسبتاً ناشناس مانده، عزیزین محمد نسفی، از صوفیان ارجمند و پرکار سده هفتم هجری است که نقش مهم او در معرفی و تشریح تفکرات عرفا و حکیمان صوفی مشرب مخصوصاً محی‌الدین ابن عربی (د. ۶۳۸ ق) به زبان فارسی به حق بازشناخته نشده است. متأسفانه جز اطلاعاتی کلی چیز دندان‌گیری از سوابق خانوادگی، نیاکان و سوابق عمر نسفی، به ویژه از دوران جوانی او، در دست نیست جز آنکه می‌دانیم در یکی از واپسین سالهای نامعلوم سده ششم یا نخستین سالهای سده هفتم در شهر نَسَف (یا نخشب)، ماوراءالنهر، چشم به جهان گشود. در جوانی به بخارا رفت و تا ۶۷۱ ق. آنجا ماند، در این سال که یکی از مخرب‌ترین تجاوزات مغول تحت فرمان اباقاخان آغاز گردید از بخارا بیرون شد و یک چند در خراسان و مدتی در اصفهان به سر برد، سرانجام به شیراز مهاجرت کرد و در ابرقوه رحل اقامت افکند و همانجا بدرود حیات گفت. سال وفات نسفی را مختلف نوشته‌اند که بعضی مسلماً باطل و برخی درخور اعتماد صد درصد نیست به هر حال، از سنواتی که نسفی در بعضی از آثارش ذکر کرده و بنا به قرائن دیگر، سال درگذشت نسفی باید بین سالهای ۶۸۰ و ۶۹۹ ق. رخ داده باشد.

عصر نسفی - نسفی در یکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ ایران و ماوراءالنهر می‌زیست. او نظاره‌گر بزرگ‌ترین فجایع و مصیبت‌هایی بود که بر سر مردم این مرز و بوم رفته است. به طوری که نوشته‌اند نسفی همه کسانش را در فتنه‌های پیایی مغول از دست داد و به

همین دلیل از بخارا راهی خراسان گردید (صفا، ۱۳۳۴/۳). او به سبب اوضاع نابسامان ماوراءالنهر و خراسان که مجالی برای تعلیم و تصنیف نمی‌گذاشت، بیشتر کتابهای خود را در خلال اقامتهای کوتاه و بلند خود در کرمان، شیراز، اصفهان و سرانجام در ابرقوه نوشت. حادثه جالب در زندگی نسفی که به نوعی با مسأله سال فوت او و تألیف یکی از مهم‌ترین کتابهای ارتباط پیدا می‌کند، رؤیائی است که در ابرقوه برایش اتفاق افتاده است. آن زمان که سرگرم تألیف کشف الحقایق خود بود، شبی از شبهای جمادی الاول ۶۸۰ رسول الله را در عالم خواب دید، حضرت از او خواست که باقی مانده فصلهای این کتاب را تا ۷۰۰ سال از هجرت نگذرد، ننویسد (کشف الحقایق، صص ۳-۴). نسفی تا آن زمان فقط هفت فصل از ده فصل موردنظر خود را تألیف کرده بود. با توجه به اینکه همه نسخه‌های خطی موجود کشف الحقایق فقط هفت فصل دارند، معلوم می‌شود که نسفی پس از ۶۸۰ و پیش از ۷۰۰ هجری درگذشته است.

علل گمنام ماندن نسفی - علت نامعلوم بودن رویدادهای زندگی نسفی و گمنامی وی، افزون بر پریشانی و بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی دوران زندگی او، روحیه وارستگی، گوشه‌گیری، احتراز از شهرت‌طلبی، نام‌آوری و گریز وی از مراکز قدرت و دربارهای حکمرانان زمان بوده است. به همین سبب و نیز به سبب ماهیت آموزشی کتابهایش، نسفی مطلب چندانی از سوابق خانوادگی و زندگی خصوصی خود در این آثار نیاورده است. همین قدر از نوشته‌هایش برمی‌آید که از ارادتمندان صوفی معروف سعدالدین حموی صاحب مصباح فی التصوف و شاگرد سرشناس نجم‌الدین کبری، بوده است. نسفی حتی نامی هم از مرشد و شیخ مستقیم خود نمی‌برد و فقط در چند جا از آثارش به ذکر «شیخ ما» از او اکتفا می‌کند. عهدی که نسفی در آن می‌زیست، همچون «زمانه خونریز» و «ایام فتنه‌انگیز» خواجه شیراز، پرخطر و خلل بود و مزاج تبه شده دهر

«فکر حکیمی و رای برهمنی» را می‌طلبد! پس عجیب نیست که عزیز نسفی ترجیح می‌داده در خلل ذکری و در حاشیه به سر برد. احتمالاً به سبب همین اوضاع متلاطم و هراس‌انگیز بود که وی در اظهارنظرات شخصی خود اگر اهرا داشته است. هم از خوف زورمداران بی‌مروت و هم به ملاحظه علمای ظاهری که مبادا به کفر متهمش کنند بسیار دست به عصا راه می‌رفته است. نسفی این نگرانی خود را در جایی از کتاب مقصد اقصای خود (ص ۲۷۷) صریحاً ابراز کرده است: «اکنون من از خود چیزی نمی‌گویم تا مرا به کفر نسبت نکنند. من نقل می‌کنم و می‌گویم: اهل وحدت این چنین می‌گویند و اهل تصوف آن چنان می‌گویند...».

شگردی که نسفی برای محفوظ ماندن از این خطرات به کار می‌گرفت این است که در آثارش تقریباً همه گفتنیها را از زبان این گروه و آن گروه می‌گوید نه مستقیماً از جانب خود. رسم نسفی این است که غالباً هر مبحثی را با عبارت «اهل شریعت می‌گویند» یا «اهل حکمت می‌گویند»، یا «اهل وحدت می‌گویند» آغاز می‌کند. گاه به جای «اهل شریعت»، عبارت «اهل تقلید» و به جای «اهل حکمت»، «اهل دلیل قطعی و برهان یقینی» به کار می‌برد. پارهای از مباحث را هم با جمله «اهل مذهب حلول» یا «اهل تناسخ می‌گویند» شروع می‌کند. بنابراین، نسفی عقاید مختلف را بیان می‌کند بدون آنکه نشان دهد پیرو کدام نحله و دسته است. درواقع، او می‌گذارد هر طایفه حرف خود را بزند بی‌آنکه در رد یا تأیید آن سخنی بگوید، گرچه از جای جای آثارش برمی‌آید که بیشتر به جماعتی گرایش دارد که آنان را «اهل وحدت» می‌خواند. این جماعت، به نظر وی، کسانی هستند که حتی همه جا با «اهل تصوف» یکی نیستند. این طور می‌نماید که مقصود او از اهل تصوف، گروه خاصی از عرفای صوفی مشرب باشند که این عربی مقتدای آنان است.

مذهب‌شناسی تطبیقی - البته انگیزه نسفی در اتخاذ شیوه‌ای ملاحظه کارانه، در بیان آراء مختلف فقط بیم از اعتراض این مقام یا آن مقام و تکفیر علمای شریعتمدار

مجدالدین کیوانی

عزیز نسفی و آثار او

نبود؛ او اصولاً می‌خواست معتقدات همه گروه‌های فکری را که در جهان اسلام آن روز مطرح بودند، بی‌طرفانه و به دور از جهت‌گیری وصف کند. گرچه نسفی نخستین کسی نیست که چنین شیوه مقایسه‌ای را انتخاب کرده، ولی به احتمال زیاد اولین فردی است که عقاید مختلف را بر کنار از تعصبهای شخصی و گرایشهای اعتقادی خود بیان داشته است. موید سخن ما گفته خود نسفی است که می‌نویسد گروهی از درویشان از او خواستار رسالاتی شدند و پیشنهاد کردند که در این رسالات «... سخن هر طایفه که گفته شود و تقریر کرده آید می‌باید که بی‌تعصب و بی‌تقیه و بی‌زیادت و نقصان باشد» (کشف الحقایق، ص ۱) نسفی در زیاده الحقایق (ص ۴۱) مضمونی مشابه دارد درویشان: «... درخواست کردند که می‌باید سخن هر طایفه‌ای که نقل کنی، بی‌میل و تعصب نقل کنی و از خود ترجیح سخن هیچ یک نکنی چنانکه [هر یک] گفته‌اند نقل کنی».

درحقیقت، کارهای نسفی را می‌توان مشابه یا از جمله نخستین فعالیت‌هایی به شمار آورد که امروزه به مقایسه ادیان یا دین‌شناسی تطبیقی معروف شده است. نسفی درواقع اندیشه‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مذاهب مختلف را با هم مقایسه کرده است. اما، اگرچه گرایش مسلط در آثار نسفی عرضه آراء حکیمان و صوفیان و گروه‌های دیگر به طرز بی‌طرفانه است - همان‌طور که اشاره شد - تمایل بیشتر او به تعبیری صوفیانه از اسلام است، منتها تعبیر صوفیانه‌ای که ماهیتاً وحدت وجودی است.

مذهب نسفی - رعایت بی‌طرفی از سوئی و ملاحظه کاری و مصلحت‌اندیشی از سوئی دیگر، موجب شده که حتی مذهب نسفی در پرده ابهام بماند. گرچه وجود بعضی قرائن افرادی را در این گمان انداخته که نسفی را شیعی بدانند، اما حقیقت آن است که در این مورد نمی‌توان سخنی به قطع و یقین اظهار داشت. آنجا که وی از «بیان اهل شیعه» سخن می‌گوید، لحن وی به قدری بی‌طرفانه و به اصطلاح «توصیفی» است که ابدأ

معلوم نمی‌شود که او شیعی است یا نه. ذکر احترام‌آمیز نام علی بن ابی طالب و استناد به سخنان حکمت‌آمیز و عارفانه وی اختصاص به نسفی ندارد. بسیاری از کسانی هم که در سنی بودن آنها تردیدی نیست از امیرالمؤمنین با نیکی و احترام یاد کرده‌اند. در مبحث «بیان اهل شیعه» نسفی فقط به بیان اعتقادات بنیادین این فرقه، یعنی نبوت حضرت رسول، معصومیت امامان که جانشینان رسول خداوند، فرقه‌های شیعی: کیسانیه، اسماعیلیه و اثنی عشریه و شمار و نام ائمه هر یک، و غیبت «مهدی که زنده است و در غاری پنهان است» (کشف الحقایق، ص ۸۲) بسنده می‌کند اما کلمه‌ای در حقانیت یا باطل بودن آنان به میان نمی‌آورد. آنچه که نسفی در مقدمه (کشف الحقایق، ص ۱۱) از قول حضرت رسول می‌گوید که: «... و امت من بعد از من به هفتاد و سه فرقه شوند و جمله در آتش باشند الا یک فرقه»، هیچ اظهار نظری نمی‌کند که این فرقه رستگار کدام یک از این هفتاد و سه ملت است. شاید فرض این احتمال پرباری نباشد که چون شاگردان نسفی احتمالاً متعلق به فرق مختلف بوده‌اند، یا وی در همسایگی علماء مذاهب مختلف تدریس می‌کرده، مصلحت نمی‌دیده که در معرفی فرقه‌ها موضع خاصی اتخاذ کند. پس راه درست این بوده که سعی کند در پاسخ مریدان که خواهان شنیدن حقیقت بی‌زیادت و نقصان بودند، آنچه را که به عقیده وی «حقیقت» است در وراء عقاید این فرقه‌ها کشف کند، چون به نظر نسفی حقیقت می‌تواند به نامهای متعدد خوانده شود: «ای درویش! اگر یک چیز را به صد اعتبار نام بخوانند، درحقیقت آن یک چیز به این صد نام هیچ کثرت پیدا نیاید» (انسان الکامل، ص ۲۲۵). اینکه نسفی برای کشف حقیقت یاد شده و رسانیدن آن به مریدان، به حوزه‌های فکری گروه‌های مختلف وارد می‌شود و همه را روشن، دقیق و استادانه شرح می‌دهد هم حکایت از گستردگی دایره دانش و درجه خبرگی نسفی دارد هم بیانگر سعه صدر، وسعت منظر و دیدگاه همه‌نگرانه اوست.

آثار نسفی - عزیز نسفی را مصنفات نسبتاً زیادی



است که اکثر آنها به چاپ رسیده است. پیش از معرفی آنها به بیان مهم‌ترین ارزش این آثار می‌پردازیم. بزرگ‌ترین امتیاز مصنفات نسفی شاید ارزش آموزشی آنهاست که دارای چند مؤلفه است:

الف. سادگی زبان و بیان. ویژگی شایان توجه نسفی وضوح در بیان و پرهیز از تصنع و ابهام در نگارش است. با اینکه او هم میراث‌پر اقلاد دو قرن نثر مزین و مصنوع بود و هم در دورانی می‌زیست که متکلف‌نویسی رواج داشت، نسفی راه ساده‌نویسی را پیش گرفت. در هیچ جای آثارش به نظر نمی‌رسد که ذره‌ای تلاش برای کاربرد «صنعت» و آراسته‌نویسی شده باشد. هر جا هم که ندرتاً عبارتی به چشم بخورد که اثری از ادبیانه‌نویسی در آن احساس شود، مسلماً به عمد نبوده و به طور طبیعی بر قلم نسفی جاری شده است. اصولاً بنای نسفی ساده‌نویسی بوده است، زیرا پیوسته مخاطبان کم دانش ولی حقیقت‌جوی خود را در نظر داشته است. او باز در مقدمه کشف الحقایق (ص ۱) به توصیه «دوستان یکدل و درویشان کامل» اشاره می‌کند که می‌خواهند «... سخن مفهوم و روشن باشد نه... به اشارت و رموز بود که اگر از اشارت و رمز ما را چیزی مفهوم آمدی هم از الفاظ انبیاء و اولیا فهم کردیمی». آثار نسفی از کلمات و ترکیبات مغلق عربی پیراسته است. چنانچه اینجا و آنجا در رسالات نسفی عبارتی یا کلمه‌ای ظاهراً مهجور به نظر آید (که بسیار نادر است) چنان کلمه یا عبارتی حتماً اصطلاحی خاص بوده که نسفی ناگزیر از استعمال آن بوده، یا اصلاً در عصر وی جزو کلمات و عبارات ناآشنا نبوده است. از صنایع بدیعی، شگردهای بلاغی، هنرنامه‌های ادیبانه و خودنمایی‌های فاضل‌مایانه در نوشته‌های نسفی مطلقاً خبری نیست. تکرار برخی از اجزاء ساختاری جمله یا کلمات نزدیک به هم که قاعدتاً مغایر با ملاکهای علم بلاغت است امر کمیابی نیست. بخشهایی از نوع عبارات زیر در نوشته‌های نسفی زیاد به چشم می‌خورد:

«بدان ای درویش که عقل است که جبرئیل است زیرا که سبب علم تو عقل است و عقل است که میکائیل است زیرا که سبب رزق تو عقل است و عقل است که اسرافیل است زیرا که عقل است که به یک نفخه از غرور و خیال فرو میراند و به

یک نفخه دیگر ترا به معانی و حقایق زنده می‌گرداند و عقل است که عزرائیل است زیرا که قابض ارواح است از جهت آنکه هر وقت که چیزی را چنانکه آن چیز است دانستی جان آن چیز را قبض کردی» (کشف الحقایق، ص ۶۲).

آنچه گفته شد نباید این توهم را در خواننده ایجاد کند که نثر نسفی خالی از جذابیت و لطف است. برعکس، همان سادگی نثر، همدلی با خواننده و صداقت در بیان مطالب جاذبه خاصی به نوشته‌های وی بخشیده است به علاوه، نثر نسفی ساده است ولی سست نیست. بیان موضوعات دیرپای فلسفی و عرفانی به شیوه‌ای بی‌پیرایه و قابل فهم حکایت از احاطه وی بر زبان فارسی است. این را نیز باید اضافه کنیم که مصنفات نسفی می‌تواند از منابع ارزشمند برای تحقیقات زبان‌شناختی و سبک‌شناختی زبان و ادب فارسی به شمار آید. نمونه‌هایی از صیغه‌های کهن افعال، حروف اضافه، جمله‌سازی و تحول معنایی پاره‌ای از کلمات را می‌توان در آنها یافت.

ب. شیوه معلمی. نسفی همه جا در آثارش در مقام معلمی ظاهر می‌شود که هدفش تعلیم علومیه به گروهی طلبه و خواستار حقیقت است. او مخاطبان را نیک می‌شناسد و با پایه علمی و درک آنان آشناست پس درصدد شگفت‌زده کردن و برانگیختن حس اعجاب آنان نیست، زیرا آنها کسانی نیستند (و نسفی هم اخلاقاً کسی نیست) که بخواهد عمق و وسعت دانش خود را به رخ آنان بکشد. این است که، به جای «جلوه‌گری ادبی»، از هر روش ساده‌ای که به نظرش می‌رسد برای حصول مقصود خود بهره می‌گیرد. از تکرار موضوعی واحد در جاهای مختلف (حتی به فواصل نزدیک) یا بازگفتن آن به عباراتی متفاوت ابائی ندارد. در پایان غالب گفتارهای او این عبارت را می‌خوانیم: «چنین می‌دانم که تمام فهم نکردی، روشن تر از این بگویم»، و آن گاه مطلب پیشین را به بیانی دیگر تکرار می‌کند. البته این قبیل تکرارها غیر از تکرار موضوعات کلی است که در آثار مختلف نسفی به چشم می‌خورد. توضیح آنکه پاره‌ای از مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و اعتقادی اسلامی در رسالات نسفی تکرار شده است، و سببش ظاهراً این بوده که مخاطبان

آن رسالات یا نوع تقاضای مریدانش عوض شده بودند، ولی مطالب کمابیش همان مطالب قبلی بوده است. به هر حال، نسفی هیچ گاه فراموش نمی‌کند که معلم است و کار معلم تفهیم علم است. ضمناً نباید از یاد ببریم که مقدار قابل ملاحظه‌ای از موضوعات تدریس نسفی از پیچیده‌ترین و دشوارپای‌ترین موضوعات نظری روزگار او بوده که نه تعلیم آن کار هر کس بوده نه درک آن. پس اگر فهم نوشته‌های وی در بعضی جاها مشکل به نظر آید، اشکال نه در بیان و زبان نسفی که در نفس مطالب است. اگر سخنان نسفی در شرح آراء وحدت وجودیها با شرح همین آراء در نوشته‌های امثال ابن عربی و سعدالدین حمویه مقایسه شود، حد مهارت بالای نسفی در تشریح این قبیل نظرات آن هم به فارسی، روشن تر می‌شود.

ج. فروتنی و شکسته‌نفسی. عزیز نسفی عارفی بسیار متواضع، خاکی و بی‌ادعاست که با شاگردانش همراهی و همراهی دارد و سعی می‌کند تا با برقراری ارتباطی صمیمی با آنها شرایط آموزشی مناسبی بیافریند. وی بیشتر مباحث خود را با عبارت «ای درویش!» یا «ای عزیز!» آغاز می‌کند و با این کار می‌کوشد تا مانعی را که معمولاً حشمت استادی می‌تواند در دل طلبه ایجاد کند و احتمالاً از یادگیری طبیعی و راحت جلوگیری کند، از میان بردارد. در تواضع و خردنگاری نسفی همین بس که هیچ گاه نکوشید مسند و خانقاهی از آن خود برکند و خود را در مقام شیخ یا پیشوایی صاحب «برو و بیانی» بر جماعتی تحمیل کند. اینک به معرفی اجمالی تألیفات عزیز نسفی می‌پردازیم. ذکر فصول و ابواب کتابهای وی بدان لحاظ است که خواننده از نوع موضوعات علمی موردعلاقه نسفی و دیدگاههای وی اطلاعاتی اجمالی پیدا کند.

۱. کشف الحقایق، احتمالاً در ۶۸۰ ق. تألیف شده و در شکل موجود هفت فصل دارد. به ماجرای تألیف این کتاب در متن همین مقاله اشاره شد. مباحث هفت فصل یا هفت اصل این کتاب عبارتند از: «در بیان وجود»، «در بیان انسان»، «در بیان سلوک»، «در بیان توحید»، «در بیان معاد»، «در بیان دنیا و آخرت» و... «در بیان آسمان و زمین و... قیامت و حج...». این کتاب توسط احمد مهدوی دامغانی ویرایش و همراه با تعلیقات و



فهرستهایی چند در حدود ۳۰۰ صفحه به سال ۱۳۳۴ ش. منتشر، و در ۱۳۵۹ ش. تجدید چاپ شد.

۲. مقصد اقصی، رساله‌ای مختصر در یک مقدمه نسبتاً طولانی و ابوابی در «معرفت ذات خدا»، «در بیان صفات خدا»، «در افعال خدا»، «در معرفت افعال بر قول اهل حکمت»، «در معرفت نبوت و ولایت»، «در بیان اعتقاد اهل تقلید و اهل استدلال و اهل کشف»، «در معرفت انسان» و... از آنجا که نسفی در مقدمه کشف الحقایق ذکری از مقصد اقصی کرده، احتمالاً این کتاب را پیش از ۶۸۰ ق. (سال تألیف کشف الحقایق) نوشته است. این رساله یکی از نخستین آثار صوفیه است که به زبانی اروپائی (لاتین) ترجمه شده به علاوه، در ۱۸۶۷ م. ترجمه شرح گونه‌ای از آن توسط ای. پامر صورت گرفت. از شمار نسخ خطی مقصد اقصی که در ایران، ترکیه، پاکستان، هندوستان و چین موجود است برمی‌آید که این کتاب در میان مسلمانان این سرزمینها از شهرت فراوانی برخوردار بوده است. این رساله به ضمیمه اشعه‌اللمعات جامی و چند رساله دیگر از جمله زبدة الحقایق خود نسفی، به کوشش حامد ربانی (و به توسط کتابخانه حامدی) در ۱۳۵۲ ش. در تهران منتشر شد.

۳. انسان الکامل، مجموعه‌ای است شامل یک مقدمه و بیست و دو رساله که به نظر می‌رسد طی زمانی دراز، از ۶۶۰ ق. به بعد، تدریجاً تألیف شده است. به گفته خود نسفی در مقدمه این کتاب وی ده رساله از این رسالات را برای مبتدیان و ده رساله را برای پیشرفتگان تصنیف کرده است. بیشتر مباحث کتاب هستی‌شناختی از نظر اهل شریعت، اهل حکمت و اهل وحدت است. این رسالات را ماژیران موله فرانسوی در ۱۹۶۲ م. به شیوه‌ای بسیار محققانه ویرایش کرد و همراه با یادداشتها و توضیحات فراوان، فهرست اصطلاحات و مندرجات (به توسط بخش ایران‌شناسی انجمن ایران و فرانسه) منتشر کرد.

۴. منازل السائرین، مشتمل بر ۱۱ رساله که جالب‌ترین آنها، نخستین رساله در باب ولایت است. بقیه رسالات در موضوعات هستی‌شناختی از قبیل مبدأ و معاد، وجود حقیقی و وجود خیالی و رسالاتی در باب اعتقادات اهل تناسخ، اهل وحدت و اهل معرفت است.

این کتاب محتملاً پیش از ۶۸۰ ق. در اصفهان نوشته شده، زیرا ذکری از آن در مقصد اقصی که پیش از تاریخ مذکور تصنیف شده، رفته است. منازل السائرین را موله ویرایش، و ضمیمه انسان الکامل در ۱۹۶۲ م. منتشر کرد.

۵. زبدة الحقایق، اثری کوتاه شامل یک مقدمه و دو بخش عمده: در معرفت عالم کبیر و در معرفت عالم صغیر طبق آراء متشرعین، حکیمان و اهل وحدت. این رساله یک بار ضمیمه اشعه‌اللمعات جامی، سوانح غزالی و چند رساله دیگر به چاپ رسید (نگاه کنید به مقصد اقصی، بالاتر) و یک بار نیز به کوشش حق‌وردی ناصری، توسط کتابخانه طه‌پوری (در ۷۸ صفحه) در ۱۳۶۳ ش. نشر یافت. به گفته نسفی در مقدمه زبدة الحقایق، این رساله خلاصه گونه‌ای است از رساله مبدأ و معاد او.

۶. کتاب تنزیل، در بیست اصل، ظاهراً یکی از نخستین آثار نسفی است، زیرا خود می‌گوید شش فصل اول این اثر را در نصف و چهار فصل بعدی را در بخارا نوشت؛ این تاریخ باید پیش از قتل عام اباقاخان مغول در ۶۶۹ ق. باشد که نسفی هنوز در بخارا اقامت داشته است. مندرجات کتاب تنزیل درواقع نماینده آثار بعدی نسفی است. مفصل‌ترین بخش کتاب، فصل اول آن با عنوان «در معرفت خدا»، معرف آراء هستی‌شناختی نسفی است. فصول بعدی در معرفت عالم، ملائک، انسان ادامه می‌یابد. فصل پنجم که یکی از جالب‌ترین فصلهاست به بیان تفاوت‌های میان انبیاء و اولیاء توجه دارد. نیمه دوم کتاب عمدتاً پیرامون بُعد عملی تصوف نوشته شده است. این اثر ظاهراً تاکنون به چاپ نرسیده^۱، و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه ولی‌الدین استانبول محفوظ است.

۷. بیان تنزیل، رساله‌ای در ۱۰ فصل و از لحاظ محتوا مشابه کتاب تنزیل. بخش بسیار خواندنی این اثر فصل اول آن «در معرفت خدا» و فصلهای هفتم و هشتم در معرفت کلام‌الله و کتاب‌الله است. نظر به اینکه نسفی به خواهش درویشی چند که خواهان کتابی مفصل‌تر از کتاب تنزیل و کوتاه‌تر از کشف الحقایق بودند، بیان تنزیل را تصنیف کرد، پس پیداست که این کتاب پس از ۶۸۰ ق. (سال تألیف کشف الحقایق) نوشته شده است.

تا آنجا که نگارنده خبر دارد، این رساله هنوز به چاپ نرسیده و نسخی از آن در کتابخانه ولی‌الدین استانبول و کتابخانه آستان قدس موجود است.

۸. مبدأ و معاد، رساله‌ای است در پنج فصل درباره مبدأ و معاد که حدود ۶۷۹ ق. در شیراز تألیف شده است. نسفی در مقدمه زبدة الحقایق خود می‌نویسد که چون رساله مبدأ و معاد طولانی شده بود آن را تلخیص کرده، زبدة الحقایق نام نهاده است. فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان خبر از وجود چند نسخه خطی از این کتاب در شبه‌قاره هند می‌دهد.

۹. کشف الصراط، با اینکه در مقدمه این کتاب، نام مؤلف «عزیزین محمد نسفی صوفی» ذکر شده ماژیران موله نسبت به انتساب آن به نسفی سخت تردید کرده است. یکی از دلایل او این است که نام کشف الصراط را نسفی در هیچ یک از آثار دیگرش نیاورده است در صورتی که ما معمولاً به نام بعضی از رسالات وی در رسالات دیگرش برمی‌خوریم. به هر حال، محتوای این کتاب با مندرجات دیگر آثار نسفی مشابهت‌های زیادی دارد و لذا اگر هم کشف صراط به قلم عزیز نسفی نباشد احتمالاً به توسط کسی تصنیف شده که با اندیشه‌ها و آثار وی آشنائی کامل داشته است. چنین شخصی می‌تواند یکی از مریدان وی بوده باشد. از کشف الصراط دست‌نوشته‌ای در کتابخانه ولی‌الدین استانبول موجود است.

در تهیه این مقاله، افزون بر همه آثار نسفی از دو کتاب زیر بهره گرفتم

صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۲، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ ش.

منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان

Ridgeon hLoyd, Aziz Nasafi, G. B. Curzon Press, 1998.

پانویس:

۱. دکتر مهدوی دامغانی در پیش‌گفتار خود بر چاپ کشف الحقایق (ص ۳۰) می‌نویسد «کتاب التنزیل یا بیان التنزیل... یک بار در مصر به طبع رسیده است». کتاب تنزیل و بیان تنزیل محققاً دو اثر جداگانه‌اند. نگارنده تصویر هر یک را دیده است. لذا روشن نیست کدام یک از این دو در مصر به چاپ رسیده است.



کتاب گرانقدر اسرار التوحید در میان آثار منثور ادبیات فارسی به لحاظ هنری و ادبی از جمله شاهکارهاست به گونه‌ای که می‌توان آن را «در کنار تاریخ بیهقی و تذکرة الاولیاء»^۱ قرار داد و حتی «در جهاتی بر هر دوی آنها رجحان دارد»^۲ در این کتاب حکایت‌های بسیاری در بیان کرامات شیخ ابوسعید ابوالخیر و نیز حالات و سخنان او آمده است. برخی از این حکایت‌ها در کتابهای مقدم بر اسرار التوحید همچون کشف المحجوب هجویری و یا طبقات الصوفیة خواجه عبدالله انصاری نیز آمده است اما آنچه به این حکایت‌ها در اسرار التوحید ویژگی بی‌نظیری می‌بخشد مهارت نویسنده یعنی محمدبن منور در داستان‌پردازی این حکایت‌هاست و این نکته‌ای است که نخستین بار مصحح دانشمند کتاب بدان اشاره کرده‌اند: «در کمتر کتابی مانند اسرار التوحید نویسنده به فن داستان‌پردازی به معنی دقیق کلمه توجه داشته است... در توصیف فضای داستان و حالات قهرمانان و انتخاب «لحن» مناسب در گفتگوهای ایشان، این مؤلف اعجاز می‌کند»^۳ این ویژگی هنری در نویسندگان معاصر محمدبن منور و یا نویسندگان دوره‌های بعد همتایی برای خود نیافته و به عنوان امتیازی منحصر به فرد برای این کتاب و نویسنده آن باقی مانده است. در واقع این خصیصه شاهکارهاست که از نظر هنری رقیب و همانندی برای آنها یافت نمی‌شود و کسانی نیز که در راه تقلید آنها گام بردارند هیچگاه نخواهند توانست آن ویژگی هنری را در آثار خود عیناً و تماماً بیافرینند همان‌گونه که هیچگاه رقیبی برای شاهنامه، مثنوی مولوی و اشعار حافظ پیدا نشده است.

روش محمدبن منور در بیان برخی از حکایت‌ها به گونه‌ای است که آن حکایت «به داستانهای امروزی بسیار نزدیک می‌شود»^۴ و چنانکه گذشت این ویژگی بیشتر در بیان گفتگو (Dialogue) و توصیف (Description) به چشم می‌خورد هر چند که به گفته مصحح ارجمند اسرار التوحید «در این کتاب بسیاری از داستانها دارای نوعی پلات (plot) یا بیرنگ داستانی^۵

است»^۶ که در جای خود قابل بررسی است. در این گفتار، به تفکیک، دو ویژگی مزبور را به اجمال مورد بحث قرار می‌دهیم.

الف) گفتگو

در حالی که «نحوه صحبت کردن، مردم را از هم متمایز می‌کند»^۷ و «کاربرد لغات و اصطلاحات و تعبیرات، لحن ادای کلمات و احیاناً لهجه‌ها آنها را از هم فرق می‌گذارد»^۸ اما در حکایت‌هایی که در ادبیات منظوم و یا منثور فارسی آمده «قهرمانهای قصه‌ها همه یک جور حرف می‌زنند»^۹ و آنها را «نمی‌توان از نحوه مکالمه و سخن گفتشان از همدیگر تشخیص داد. زنان... چون مردان صحبت می‌کنند و کودکان چون بزرگان».^{۱۰} در واقع سخن گفتن آنها لحن ادیبانه شاعر یا «نویسنده هر کتاب است و آن هم زبان کلیشه‌ای و سنتی ادبیات هر دوره‌ای است»^{۱۱} به عنوان نمونه به گفتگوی یکسان پادشاه و آشپز در این حکایت از کتاب جوامع الحکایات توجه کنید: «پادشاه گفت: جان پدر، پادشاه را با پیشه چه کار؟ که پیشه پادشان تقلیب تیغ و سنان و ترتیب رکاب و عنان تواند بود و تو از آن جمله بهره‌داری. پسر پیغام فرستاد که: این باد دولت همه وقت راست نبزد و آب اقبال پیوسته جاری نباشد و ملک و دولت را اعتماد نشاید... طبایخ... گفت: شما را عیب بود در دکان طعام خوردن، چه آثار بزرگی در ناصیه شما پیداست اگر فرمایید هم در این موضع ما را وثاقتی است آنجا آید تا طعام به خدمت شما ارم»^{۱۲} اما در اسرار التوحید «مؤلف بسیاری از قهرمانان را واداشته تا با لحن و زبان مناسب طبقه یا محیط خاص خویش سخن بگویند»^{۱۳} لحن طبیعی گفتگوها در این کتاب چنان است که برخی، آن را از هنرهای نویسندگی محمدبن منور ندانسته بلکه ضبط و ثبت عین سخنان مشایخ به شمار آورده‌اند: «صوفیه کلمات بزرگان خود را مانند اخبار و احادیث که بایستی کلمه بکلمه و حرفاً بحرف ضبط گردد ضبط می‌کرده‌اند و در آن تصرف و مداخله کمتر جایز می‌شمرده‌اند... مخصوصاً شیخ ابوسعید که غالب عبارات کتاب نقل گفته‌های او است خود نیز گفته دیگر مشایخ و بزرگان پیشین و مقدم خود را ذکر می‌فرموده و در ذکر آن کلمات به طریقی که اشاره شد رعایت جانب امانت و صحت روایت را ترک نمی‌گفته است»^{۱۴}

اما در بسیاری از حکایت‌های اسرار التوحید نه تنها سخنان شیخ ابوسعید لحن طبیعی خود را دارد بلکه سخنان افراد و مردم عادی نیز بالحن طبیعی آنها نقل گردیده در حالی که نویسنده خود را موظف نمی‌دانسته که به قول مرحوم بهار سخنان آنها را که از عوام الناس بوده‌اند مانند اخبار و احادیث معصومین «کلمه بکلمه و حرفاً بحرف» نقل کند. به عنوان مثال: «آورده‌اند که شیخ ما ابوسعید... روزی در نیشابور از جایی می‌آمد با جمع صوفیان چنانکه معهود بوده است. به سرکوی «عذنی کویان» رسید. قصابی بودی برسر کوی چون شیخ با جمع بدو بگذشتند آن پیر قصاب با خود گفت: ای مادر و زن اینها! مستی افسوس خواره‌اند. سروگردن ایشان نگر چون دنبه علفی! و دشنامی زشت بداد شیخ را و صوفیان را»^{۱۵} در این حکایت که بخشی از آن نقل گردید سنت گفتاری قصابان که دشنام‌های زشت بر زبان رانیدن است حفظ گردیده و در واقع لحن گفتگو تناسب کامل با شخصیت گوینده دارد. علاوه بر آن در تشبیهی که برای گردن فربه شیخ به کار می‌برد^{۱۶} و آن را به دنبه گوسفند پروازی تشبیه می‌کند نهایت تناسب گفتگو با شغل گوینده که سروکار داشتن با گوسفندان است به کار رفته است، همچنین در این حکایت: «فخر الاسلام ابوالقاسم جوینی - پسر امام الحرمین ابوالمعالی - با ما بود و او مردی متکبر و متهور بود و جوان بود. با ما بسیار سخن می‌گفت. پدرم او را گفت: سخن مگوی نباید که صوفیان ما را باز خواست کنند. فخر الاسلام گفت: برسبت همه صوفیان آنگاه که به منزلت جنید رسیده باشند!»^{۱۷}

چنانکه پیداست اینها نمونه‌ای از هنر نمایی نویسنده است و نه نقل «کلمه بکلمه و حرفاً بحرف» سخنان مشایخ. در حالی که در غالب حکایت‌های منظوم و منثور ادبیات فارسی «لحن قصه‌ها»، لحنی است یکسان و تنوع لحنی داستانهای امروزی را ندارد. در قصه‌ها اغلب قهرمانها و شخصیت‌های دیگر به یک نحو حرف می‌زنند... گزارنده قصه هیچ توجهی به لحن قهرمانها و آدمهای قصه ندارد و قصه را با لحن یکسانی نقل می‌کند»^{۱۸}

در نقل سخنان شیخ نیز شیوه محمدبن منور با دیگران متفاوت است، در حکایتی که بخشی از آن ذیلاً نقل می‌شود لحن و حتی لهجه گوینده حفظ گردیده

«گفتگو» و «توصیف» در حکایت‌های اسرار التوحید

است: «شیخ ما از استاد بوعلی سؤال کرد که: استاد! این حدیث ور دوام بود؟ استاد گفت: نه. شیخ ما سر در پیش افکند. ساعتی بود. سر برآورد و دیگر بار گفت: این حدیث ور دوام بود؟ استاد گفت: نه. شیخ ما سر در پیش افکند چون ساعتی بگذشت باز سر برآورد و سدیگر بار سؤال کرد که: ای استاد این حدیث ور دوام بود؟ استاد بوعلی گفت: اگر بود نادر بود. شیخ ما دست به هم می زد و می گفت: این از آن نادرهاست.»^{۱۹}

اما همین حکایت در روایت نجم الدین رازی چنین آمده است: «وقتی شیخ ابوسعید در مجلس شیخ ابوعلی دقاق حاضر بود. شیخ ابوعلی در مقام تجلی سخن می راند. شیخ ابوسعید را حالت جوانی بود و غلبات وقت، برخاست و گفت: ای شیخ این حدیث بر دوام باشد؟ گفتا:

بنشین که نباشد دوم بار برخاست و گفت: این حدیث بردوام باشد؟ گفتا: بنشین که نباشد. ساعتی بنشست. سیم بار برخاست و گفت: ای شیخ این حدیث بردوام باشد؟ گفت: نباشد و اگر باشد نادره باشد. شیخ ابوسعید نعره ای بزد و در چرخ آمد و می گفت: این از آن نادره هاست. این از آن نادره هاست.»^{۲۰}

حفظ لهجه گوینده در چندین حکایت از حکایات اسرار التوحید به چشم می خورد، در این مورد می توان گفت که محمد بن منور همچون داستان نویس امروزی با نقل عین سخنان شخصیت ها، می کوشد تا هر چه بیشتر آنها را به نحوه سخن گفتن در زندگی طبیعی نزدیک سازد، نمونه ای دیگر از آثار حفظ لحن و لهجه که مرتبط با لهجه حکایت قبلی است: «روزی شیخ

بلحسن در میان سخن از شیخ ابوسعید پرسید که: به ولایت شما عروسی بود؟ شیخ ابوسعید گفت: بو و در عروسی بسیار نظارگی بود که از عروسی نیکوتر بود و لکن در میان ایشان تخت و کلاه و جلوه یکی را بود.»^{۲۱} در حالی که عطار در نقل حکایتی از ابوالحسن خرقانی لحن عامیانه و صمیمانه را در سخنان خداوند قرار می دهد و لحن رسمی و جدی را به خرقانی می بخشد و در تناسبی معکوس چنین می آورد: «نقل است که شبی نماز همی کرد، آوازی شنود که: هان، بوالحسنوا خواهی که آنچه از تو می دانم با خلق بگویم تا سنگسارت کنند؟ شیخ گفت: ای بار خدای! خواهی تا آنچه از رحمت تو می دانم و از کرم تو می بینم با خلق بگویم تا دیگر هیچ کس سجودت نکند؟ آواز آمد: نه از تو، نه از من.»^{۲۲}

نگاهی به گفته های شیخ ابوسعید که در اسرار التوحید آمده است این نکته را مسلم می دارد که ابوسعید نه تنها خطیبی بلیغ بوده و در مجالس موعظه و ارشاد به تناسب احوال مخاطب سخن می گفته^{۲۳} بلکه در سخن گفتن های معمولی خود نیز بسیار از این بلاغت گفتار بهره مند بوده است. زیرا لحن عالمانه او در هنگام همنشینی با مخاطبان متفاوت، تغییر می کرده و به تناسب فهم و بینش آنها سخن می گفته است. بی گمان این عقیده کم نظیر او که «مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخسبد و بخورد و در میان بازار در میان خلق سست و داد کند و با خلق بیامیزد و یک لحظه به دل از خدای غافل نباشد»^{۲۴} باعث همنشینی او با طبقات مختلف مردم گردیده^{۲۵} و نهایتاً این زبان متفاوت را به وجود آورده است. در خطابه ای که ذیلاً نقل می گردد آثار زبان موعظه و ارشاد او آشکار است: «ای مسلمانان! تاکی از من ومن؟ شرم دارید، مکنید، چیزی که در قیامت نتوانید گفت اینجا مگویید که آن بر شما و بال باشد. این منیت دمار از خلق برآورد. این منیت درخت لعنت است. اول کسی که گفت «من» آن گفتار «من» درخت لعنت بود. هر که می گوید در آنچه می گوید «من» بر آن درخت بدو می رسد و هر روز از خدای دورتر می بود. جابر بن عبدالله در حجره رسول (صلعم) بزد، رسول (صلعم) گفت: آن کیست؟ جابر گفت: آنا، رسول برخاست و می آمد تا در باز کند و می گفت: آنا آنا آنا فلا أقول آنا»^{۲۶} و در این حکایت، شیخ از یک عبارت



برداشتی از اثر رضا عباسی

پیدا... جلالی پندری

زشت عامیانه به وجد می‌آید، قبض او به بسط تبدیل می‌گردد و آن را همچون ترانه‌ای به تکرار می‌گوید: «... سحرگاه که وقت اجابت دعا باشد دست برداشتم و به اعتقادی و یقینی هرچه تمامتر و صادق‌تر گفتم: خداوند! که این سنگ ریزه‌ها را زرگردان! چون چند بار گفتم از گوشه خانه آوازی شنودم که: نهمار به رویش ری! [= بسیار به پوی آن نجاست کن] چون آن مرد این کلمه بگفت حالی شیخ ما را بسط پدید آمد و وقت خوش گشت. برپای خاست و استین می‌جنبانید و می‌گفت: نهمار به رویش ری! حالتی خوشش پدید آمد و آن قبض به بسط بدل شد.»^{۲۷} از حکایت‌های دیگر اسرار التوحید نیز برمی‌آید که شیخ از به کار بردن چنین کلماتی ابایی نداشته است: «وقتی جمعی آمدند از عراق و شیخ ما را فزجی (= نوعی خرجه) آوردند سخت نیکو و صوفیانه بفراويز. چون پیش شیخ آوردند شیخ گفت: فرا پشت ما کنی، فرا پشت شیخ کردند. گریه‌ای بودی که پیوسته گرد شیخ بر می‌آمدی و پیوسته در پیش شیخ بودی. آن گریه برخاست و گردشیخ برآمد و بر آن مرقع شاشید. شیخ ما گفت که: ما در آن بودیم تا خود را به جامه صوفیان بیرون آریم و ساعتی صوفی باشیم این گریه بر صوفی ما شاشید!»^{۲۸}

گاهی در گفتگوهای ابوسعید نهایت ایجاز دیده می‌شود مخصوصاً در زمانی که قصد دارد تا به نحوی از سخن گفتن با مخاطب خود پرهیز کند: «ابراهیم یتال... شحنة نیشابور بود و عظیم بد بود و سخت بیدادگر... پیش تخت شیخ آمد و بایستاد. شیخ گفت: چیست؟ گفت: مرا بپذیر.

گفت: نت وا (= نباید) گفت: بایدم. شیخ گفت: نت‌وا. گفت: بایدم. چون سه بار بگفت شیخ تیز در وی نگریست. گفت: نعمت برود. گفت: شاید. گفت: امیریت نباشد. گفت: شاید. گفت: جانت ببرد. گفت: شاید. شیخ گفت: دوات و پاره‌ای کاغذ بیارید...»^{۲۹} در پاره‌ای از موارد زبان گفتگوهای شیخ ابوسعید پر از طنز است «طنزی شیرین و لطیف که در تاریخ اینگونه سخنان از برجسته‌ترین نمونه‌های خود به شمار می‌رود»^{۳۰} او حتی در برابر پدر خود نیز از این زبان سراسر طنز برای پاسخ گفتن مدد می‌جوید: «پدر شیخ - بابو بلخیر - را خبر دادند که: بیا بوسعید هر چه از کتب تا این غایت نبشته بود و

حاصل کرده و تعلقیه‌ها و هر چه آموخته است، همه در زیر زمین می‌کند و آب بر آن می‌رانند. پدر شیخ بیامد و گفت: ای پسر! آخر این چیست که تو می‌کنی؟ شیخ گفت: یاد داری آن روزگار که ما در دوکان تو آمدیم و سؤال کردیم که درین خریطه‌ها چیست و درین انبانها چه در کرده‌ای؟ تو گفتی: تو مدانی بلخی! گفت: دارم. شیخ گفت: این تو مدانی میهنگی است!»^{۳۱} نیز: «پدر ما روزی ما را بدید سر برهنه و پای برهنه و تن برهنه، او را طاعت برسد. گفت: ای پسر! آخر این‌را چه گویند؟ گفتیم: این را تو مدانی میهنگی گویند!»^{۳۲}

گاهی حاضر جوابی‌های او نیز سراسر طنز است، طنزی ظریف و بهنگام: «شیخ ما می‌آمد تا به دروازه بیرون شود، به محله‌ای رسید گوی آب گنده بزرگ بود آنجا... مردی ایستاده بود بر لب آن گو آب و آواز می‌داد که: ای گوهر! و فریاد می‌کرد. چون بسیار فریاد کرد زنی سر از سرای بیرون کرد پیر و سیاه و روی آبله زده و دندانه‌های بزرگ و به صفات ذمیمه موصوف. شیخ و جمع را نظر بر آن زن افتاد. شیخ ما گفت: چنین دریا را گوهر چنین باشد!»^{۳۳}

علاوه بر اینها، در حکایت‌های دیگر اسرار التوحید نیز آثار و نشانه‌های این طنز لطیف و شیرین که بر زبان شیخ ابوسعید جاری گشته، دیده می‌شود که برای اختصار از آوردن نمونه‌های دیگر خودداری می‌گردد.^{۳۴} تناسب لحن گوینده با مخاطب، گاه در گفتگوی انسان و حیوان نیز ظاهر می‌شود. محمدبن منور در باب دوم اسرار التوحید از عارفی سخن می‌گوید که با زبانی دوستانه و لحنی صمیمانه از سر دلسوزی سگی را نصیحت می‌کند. در این گفتگوی یک طرفه و بی‌پاسخ، نشانه دیگری از قدرت داستان‌پردازی نویسنده آشکار است: «شیخ ما گفت: «دانشمند دوستان» گفتندی یکی را به مرو. هرگز از خانه بیرون نیامدی. روزی بیرون آمده بود در مسجد نشسته، یکی چیزکی در آورد و در پیش وی نهاد. وی دست دراز کرد و به کار می‌برد. اندک اندک چون بخورد سگی در آمد او اقصای وی کرد، دامن وی می‌گرفت. دانشمند گفت: آن منت آسان است، مرا نفس از تو دریغ نیست. دانم که ترا کی فرستاده است و کی فرا کرده است و لکن از دیگران که غافل‌اند ندانم که ترا فرو گذارند یا نه. ساعتی بود، مؤذن در آمد، وی را بزد. سگ

بانگ فرا کردن گرفت. وی روی سوی وی کرد و گفت: دیدی ترا گفتم مرا تن از تو دریغ نیست و لکن ندانم که دیگران بگذارند یا نه. دوست را از دوست هیچ چیز دریغ نباشد.»^{۳۵} و یا در حکایتی دیگر لحن بی‌حوصله کارگری (مزدوری) را که بجای کار کردن او را برای سخن شنیدن اجیر کرده‌اند چنین بیان می‌کند: «شیخ ما گفت: وقتی یکی از عزیزان در کار پسری بود، نام معشوق احمدک بود، کسی بایستی که با وی سخن احمدک می‌گفتی. چون کسی نیافتی برفتی آنجا که مزدور کاران دیدی. یکی را گفتی: ای جوانمرد! روزی چند خواهی؟ گفتی: سه درم و سه بار خوردنی. آن مرد را به خانه بردی و چیزی خوش پیش او آوردی تا بخوردی و سه درم سیم بسختی (= وزن کردی) و به وی دادی، پس گفتی: اکنون اینجا بنشین تا من حدیث احمدک و اتو می‌گویم، تو سر می‌جنبان. کار من و تو این است. مرد ساعتی بودی گفتی: ای خواجه! اگر کاری دیگر داری بگوی تا بکنم که روز دور برآمد. گفتی: کار ما با تو این است، ما می‌گوییم و تو سر می‌جنبان و آری می‌گویی!»^{۳۶}

نویسنده کتاب، گاهی نیز لحن حکیمانه شیخ ابوسعید را به قهرمان دیگر حکایت که از عوام‌الناس است می‌بخشد و جلوه دیگری از هنر داستان‌پردازی خود را آشکار می‌کند: «پیرزنی بود در نیشابور، پهلوی خانقاه شیخ ما حجرگی داشت. پیوسته هاون می‌کوفتی تهی، بی‌فایده، تا درویشان را خاطر می‌بشویدی. درویشان با شیخ گله می‌کردند و شیخ هیچ نمی‌گفت. یک روز پیر زن غایب شد. درویشان گفتند: ای شیخ! بشویم و سر حجرتش باز کنیم تا بدان مشغول شود و ما را نرنجانند؟» شیخ هیچ چیز نگفت. ایشان برفتند و سر حجره پیرزن باز کردند. پیر زن در آمد، بر نگرست، سر حجره باز کرده دید. گفت: دریغ، مردی بدین بزرگی و عتابی بدین خردی!»^{۳۷}

(ب) توصیف

چنانکه پیشتر گذشت محمدبن منور علاوه بر دقت هنرمندانه‌ای که در بیان گفتگوی شخصیت‌ها و قهرمانان حکایت‌های اسرار التوحید دارد در «توصیف فضای داستان و حالات قهرمانان»^{۳۸} نیز مهارت کم نظیری از خود نشان می‌دهد به گونه‌ای که در میان نویسندگان کلاسیک شاید بتوان بی‌هقی را از این لحاظ



با او مقایسه کرد زیرا نویسندگان دیگر و حتی نویسندگان کتب عرفانی از قبیل کشف المحجوب و طبقات الصوفیه بیشتر به بیان خلاصه‌وار حکایات پرداخته‌اند و هیچگاه در ذکر جزئیات و تشریح وقایع همانند صاحب اسرارالتوحید قلم نرانده‌اند. به عنوان نمونه از طبقات الصوفیه: «جوانی خراسانی آمد به ابراهیم قصار رقی گفت: می‌خواهم که بوالحسن نوری می‌بینم. گفت: سه سال به نزدیک ما بود هیچ از دهشت بیرون نیامد. یک سال گرد شهر می‌گشت. با کس نیامیخت، دو سال در ویران خانه به کرا گرفت. هیچ بیرون نیامد مگر به نماز، و سالی زبان باز گرفت و با کس سخن نگفت.»^{۴۹}

چنانکه پیداست حکایت مزبور گزارشی است بدون هیچ توصیف و یا وارد شدن در شرح جزئیات داستان و نیز بدون پرداختن به علتها و سببهای دهشت آن عارف، در حالی که در اسرارالتوحید اضطراب قهرمان حکایتی که در خانه هیچ چیز حلال ندارد و قرار است شیخ ابوسعید بر او مهمان شود چنین هنرمندانه و داستان پردازانه بیان شده است: «...حالی درویش دیگر بدوید و مهتر دیه را خبر داد که: شیخ ابوسعید می‌آید و به خانه تو فرو خواهد آمد. مهتر حالی برجست و کسان را فراکرد تا سرای پاکیزه کردند و جامه‌ها برچیدند و برفتند و به مسجد فرستاد تا جامه‌های نمازی آوردند و باز انداختند و او به سرای در می‌دوید و بیرون می‌دوید با دل مشغولی عظیم که هیچ چیز حلالی نداشت که فراییش شیخ و صوفیان بزد، والدهای داشت پیرزنی قدیمی. گفت: ترا چه بوده است که چنین دل مشغولی؟ بدینجا در می‌دوی و برون می‌دوی؟ گفت: شیخ ابوسعید بلخیر از میهنه می‌آید و به سرای من فرو می‌آید. چنین بزرگی و پادشاهی مرا چنین تشریفی می‌دهد و من در ملک خویش چندانک اندیشه می‌کنم هیچ چیز حلالی نمی‌بینم و نمی‌دانم که ایشان را بدان میزبانی کنم، درین سرگردانم. والدۀ او زنی مصلحه بود، دست در کشید و جفتی دست اورنجن از دست بیرون کرد و به پسر داد و گفت: بگیر که این از میراث حلال والدۀ من است...»^{۴۰}

گاه محمدبن منور در توصیف چهره قهرمانان حکایتها، همچون داستان نویسنده امروزی، به ذکر

جزئیات می‌پردازد تا قیافه قهرمان برای خواننده کاملاً مجسم گردد: «چون بسیار فریاد کرد زنی سر از سرای بیرون کرد پیر و سیاه و روی ابله زده و دندانهای بزرگ.»^{۴۱} نیز: «چون نزدیک آمد مردی دیدم بلند بالا، سپید پوست، ضخیم، فراخ چشم، محاسن تاناف، مرقعی صوفیانه پوشیده و عصایی و ابریقی در دست گرفته و سجاده‌ای بر دوش افکنده و کلاهی صوفیانه بر سر نهاده و جمجمی (= گیوه‌ای) در پای کرده و نوری از روی او می‌تافت...»^{۴۲}

او در توصیف حرکات و اعمال قهرمانان نیز با همین دقت به بیان مطلب می‌پردازد و این شیوه او در میان نویسندگان گذشته بی‌نظیر است، حتی ابوالفضل بیهقی که در توصیف جزئیات، نویسنده‌ای کم نظیر است به اندازه محمدبن منور در این شیوه قلم نرانده است. یکی از نمونه‌های هنر نمایی محمدبن منور توصیف حرکات و عادات وسواس‌آمیز خواهر شیخ ابوسعید است: «شیخ ما... همشیره‌ای داشته است سخت بزرگوار... او در غایت پوشیدگی و زهد بوده است چنانکه تا ضرورتی نبود عظیم، از خانه بیرون نیامدی، و چون به ضرورتی بیرون شدی چادر و موزه در پس در نهاده داشتی در موضعی که از جهت آن کار ساخته بود و دستی جامه. آن جامه که در سرای پوشیده داشتی بیرون کردی و در پس در بنهادی و آن جامه و چادر و موزه در پوشیدی و بیرون شدی. چون در آمدی جامه و چادر و موزه هم در آن موضع بکشیدی و بنهادی و در سرای نیامدی تا گردی و غباری که از کوی و راه بران جامه نشسته باشد در سرای او نشود و نظر نامحرمان [که] بران چادر و موزه و جامه افتاده بود نظر او در سرای بران جامه نیفتد، و به هر وقت که شیخ ما در نزدیک او شدی چون شیخ بیرون آمدی عمه سرای بشستی [و] گفتی: شیخ با کفشی که در شارع رفته است در سرای ما برفت!»^{۴۳}

صاحب اسرارالتوحید در توصیف مکان حکایتها نیز گاه استعداد خارق‌العاده‌ای از خودنشان می‌دهد و در توضیح و تشریح صحنه داستان آنقدر می‌کوشد تا فضای داستان برای خواننده مجسم گردد، کاری که نویسندگان امروزی نیز در باز آفرینی صحنه‌های داستان خود انجام می‌دهند. یکی از این هنرهایها در داستان مرد حلواگر اتفاق افتاده و حتی ادیبی چون

مرحوم احمد بهمنیار را که ظاهراً عنایتی به داستانهای امروزی نداشته به حیرت وا داشته است: «محمدبن منور در حکایت سربایی برخلاف بیشتر نویسندگان که تنها به ذکر کلیات وقایع و احوال می‌پردازند جزئیات هر واقعه و حالت را تشریح و منظره آن را به طور دقت توصیف کرده است و غالبترین نمونه این نوع شرح و وصف، حکایت مرد حلواگر است که نگارنده آن را فصیح و بلیغترین حکایت اسرارالتوحید می‌داند. در این حکایت منظره ریگزار پهناور و بی‌آب و گیاه و پشته‌های کوچک و بزرگ ریگ روان و سرگردانی و هراسناکی مرد حلواگر و تکاپو و تلاش او را در جستن راه نجات و خوشحالی او را هنگام یافتن سبزی و چشمه آب، با جمله‌های بسیار کوتاه و منسجم و چون حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته، به نوعی تشریح کرده است که خواننده هنگام خواندن آن، خود را شاهد و بلکه صاحب واقعه می‌پندارد.»^{۴۴} اینک بخشی کوتاه از حکایت مزبور: «پس بنگریستم، بالایی بزرگ دیدم. جهد کردم و به بسیاری حیلۀ خویشتن بر سر آن بالا افکندم و بدان بیابان فرو نگریستم. از دور سباهی به چشم من درآمد. نیک بنگریستم سبزی بود، قویدل شدم و با خود گفتم که هر کجا که سبزی باشد آب بود و هر کجا آب باشد ممکن که آدمی بود. قوتی بدین سبب در من پدید آمد و از آن بالا فرود آمدم و روی بدان سبزی نهادم. چون آنجا رسیدم پاره‌ای زمین شیخ دیدم چند تیر پرتابی در میان آن ریگ‌ها، و چشمه آب صافی از آن زمین پاره بیرون می‌آمد و می‌رفت گرد بر گرد آن چشمه، چندانک از آن زمین آب می‌رسید گیاه رسته و سبز گشته بود. پاره‌ای از آن بیخ گیاه بخوردم و از آن سر چشمه دور تر شدم و بر بالای ریگ بلند شدم و خاشاک گرد برگرد خویشتن در نهادم چنانک کسی مرا نتواند دیدن، و من در میان آن خاشاک به همه جوانب می‌نگریستم.»^{۴۵}

علاوه بر توصیف مکان و فضای داستان، محمدبن منور گاه وقایع را از قول یکی از قهرمانها نقل می‌کند و گاه راوی سوم شخص به تشریح حوادث می‌پردازد و در واقع مانند داستانهای امروزی برای روایت داستان به تناسب مورد از زاویه دید اول شخص و سوم شخص (دانای کل)^{۴۶} استفاده می‌کند و در هر مورد، به ارزشهای آن زاویه دید واقف است. نمونه راوی اول

شخص از داستان پیر طنبورزن (پیرچنگی): «من برفتم آنجا که شیخ نشان داده بود در شدم، پیروی را دیدم سخت ضعیف، طنبوری در زیر سر نهاده و خفته. او را بیدار کردم... پرسیدم که: حال تو چیست؟ پیر گفت: من مردی‌ام چنین که می‌بینی. پیشه من طنبور زدن است. چون جوان بودم به نزدیک خلق قبولی عظیم داشتم و درین شهر هر کجا دو تن بنشستی من سیم ایشان بودم. و بسیاری شاگردان دارم. اکنون چون پیر شدم حال من چنان شد که هیچ کس مرا خواندی تا اکنون که نان تنگ شد، و من هیچ شغلی دیگر ندانم. زن و فرزندانم گفتند که: ما ترا نمی‌توانیم داشت ما را در کار خدای کن. ما را به در بیرون کردند. راه فرا هیچ جای ندانستم. بدین گورستان آمدم و بدرد بگریستم و با خدای تبارک و تعالی مناجات کردم که: خداوند! هیچ پیشه‌ای ندانم و جوانی و دست زخم ندارم، همه خلقم رد کردند. اکنون زن و فرزندم نیز بیرون کردند. اکنون من و تو، و تو و من. امشب ترا مطربی خواهم کردن تا نانم دهی. تا به وقت صبحدم چیزی می‌زد و می‌گریستم. چون بانگ نماز آمد مانده شده بودم. بیفتادم و در خواب شدم تا اکنون که تو آمدی.»^{۴۷}

از آنجا که محمد بن منور اغلب حکایات را از قول راویان نقل می‌کند تا آنها را مستند سازد از اینرو بیشتر حکایت‌های اسرارالتوحید به صورت راوی اول شخص روایت شده است. با این همه کم نیست حکایت‌هایی که به صورت راوی سوم شخص نیز روایت شده است: «کسی شیخ بلحسن خرقانی را... خبر داد که فردا شیخ یوسف اینجا خواهد بود. شیخ بلحسن بدان شادیه‌ها نمود. و شیخ بلحسن را پسری بود بلقسم نام و پدر را به وی نظری بود هر چه تمامتر، و یوسف پدر بود. بلقسم دختری را بخواست درین شب که شیخ به خرقان می‌رسید به عقد نکاح. و همان شب زفاف بود. بلقسم را ناگاه بگرفتند و سرش از تن جدا کردند و به در صومعه پدرش باز نهادند. بانگ نماز شیخ یوسف از صومعه بیرون آمد. پایش فرا این سرآمد. مادر پسر را آواز داد که: چراغی بیاور. او چراغی بیاورد. سر پسر دید. شیخ بلحسن گفت: ای دوست پدر این چه بود که تو کردی و چه کردی که نکردی؟ پس تنی چند بیاورد تا بلقسم را بشستند و کفن کردند و همچنان بنهاد تا شیخ در رسید.»^{۴۸}

علاوه بر دوشیوه فوق‌الذکر، نویسنده اسرارالتوحید گاه همچون داستانهای امروزی از شیوه جریان سیال ذهن (stream of consciousness) و یا تک‌گویی درونی (Interior monologue) استفاده می‌کند «شیوه‌ای که افکار درونی شخصیت داستان را نشان می‌دهد و تجربه درونی و عاطفی او را گزارش می‌کند و به لایه پیچیده زیرین ذهن دست می‌یابد و «تصویرهای خیال» (images) و هیجانات و احساسات شخصیت را ارائه می‌کند.»^{۴۹} در این شیوه «اساس بر مفاهیمی است که ایجاد تداعی معانی می‌کند. [و] خواننده به طور غیر مستقیم در جریان افکار شخصیت داستان و واکنش‌های او نسبت به محیط اطرافش قرار می‌گیرد.»^{۵۰}

شیوه تک‌گویی درونی به سه روش بیان می‌گردد، در روش دوم آن، افکار گوینده «بر محور خاطره‌هایی می‌گذرد [و] تک‌گویی او بعضی از حوادث گذشته را که بازمان حال تداعی می‌شود مرور می‌کند.»^{۵۱} یکی از نمونه‌های موفق این تک‌گویی درونی در همان داستان مرد حلواگر بیان شده است:

«پس یا خویشتن اندیشه کردم که: چنین که من پاره‌ای ازین سو و پاره‌ای از آن سو می‌دوم هرگز به هیچ جای نرسم. مصلحت آن است که من یا خود اجتهادی بکنم و دل یا خویشتن آرم و اندیشه‌ای بکنم. بر هر سوی که رای من بر آن سو قرار گیرد روی بدان جانب آرم. می‌روم آخر به آبادانی یا به راهی رسم تا آدمی را بینم و از وی راه طلب کنم و بر اثر کاروان بروم تا در ایشان رسم.»^{۵۲}

ج عناصر دیگر

همانگونه که مصحح ارجمند اسرارالتوحید ذکر کرده‌اند در این کتاب «بسیاری از داستانها دارای نوعی پلات (plot) یا پیرنگ داستانی است.»^{۵۳} هر چند که این پیرنگها به قولی «ابتدایی و ضعیف»^{۵۴} است و پیچیدگی پیرنگ داستانهای امروزی را ندارد اما در آنها «عامل علت و معلولی و شبکه استدلالی داستان امروزی تا حدودی رعایت شده»^{۵۵} است. از نمونه‌های موفق داستانهایی که دارای این ویژگی است می‌توان از داستان توطئه برای بردار کردن شیخ ابوسعید (ص ۶۸)، داستان مرد حلواگر (ص ۶۳)، دیدار امام الحرمین جوینی

با شیخ ابوسعید (ص ۸۶) داستان خشم گرفتن بر باغ رز (ص ۱۲۴)، داستان موش در حقه (ص ۱۹۷)، مهمان شدن ابوسعید در خانه رئیس ده (ص ۱۷۵)، دیدار ابوسعید با ابوالحسن تونی (ص ۹۳)، داستان پیر طنبورزن (ص ۱۰۷) و داستان امیر مسعود بنجر (ص ۱۸۱) یاد کرد.

در فصل دوم اسرار التوحید که در بیان «حالت وفات شیخ» است آمده: «شیخ ما روز آدینه... مجلس می‌گفت. در آخر مجلس ختم برین بیت کرد: دردا که همی روی به ره باید کرد... پس خواجه علیک را... گفت: هم اکنون به جانب نیشابور باید رفت... آنجا «مامان روگر» را سلام گویی و گویی: ایشان می‌گویند: آن کرباس که برای آخرت نهاده‌ای در کار ایشان کن. علیک هم در ساعت برفت... [شیخ] چون این وصیت‌ها تمام کرد و مجلس به آخر آورد، از تخت فرو آمد و حسن مؤدب را گفت: ستوری زین کنی. اسب شیخ زین کردند و بیاوردند. شیخ بر نشست و گرد میهنه بر می‌گشت و هر موضعی و جایی و درختی را وداع می‌کرد و هر جایی که او را آنجا خلوتی بوده بود و عبادتگاه او بود همه را وداع می‌کرد... پس شیخ ما با سرای خویش آمد و از اسب فرود آمد و در سرای شد و اندک‌میه رنجور گشت... شیخ روز پنجشنبه نماز پیشین چشم باز کرد و با خواجه بوطاهر گفت: علیک آمد؟ گفت: نه. شیخ چشم بر هم نهاد. من برخاستم و بیرون شدم. علیک در رسید، من فرا در خانه شدم و با خواجه بوطاهر گفتم: علیک آمد و کرباس آورد. خواجه بوطاهر با شیخ بگفت. شیخ چشم باز کرد و با خواجه بوطاهر گفت: چه می‌گویی؟ خواجه... دیگر بار گفت: علیک رسید و کرباس آورد. شیخ گفت: الحمد لله رب العالمین. و نفس منقطع شد... خروشی از بوستان و میان سرای شیخ برآمد چنانک آواز [آن] به همه میهنه برسد...»^{۵۶} چنانکه پیداست گزارش لحظات پایانی زندگانی شیخ از مؤثرترین توصیف‌هایی است که بر قلم محمد بن منور جاری شده و در واقع نقطه اوج (climax)^{۵۷} داستان زندگانی این عارف بزرگ را چنین استازانه رقم زده است. بخشی از این توصیف که به بیان حالت عاطفی شیخ به هنگام مرگ و وداع او با مکانهای پر خاطره زندگی‌اش می‌پردازد، خواننده امروزی را به یاد داستان «روز اول قبر» می‌اندازد که قهرمان آن به هنگام احساس فرا رسیدن زمان مرگ به وداع با

مکانهای مانوس زندگی خود می پردازد هر چند که میان حالات آن عارف وارسته و این طماع دنیا پرست دنیایی فاصله است: «و حالا دیگر آفتاب پاییزی کم کم داشت می چسبید. تابستان هرم و شیرۀ آن را مکیده بود و رنگ و رخسار را لیسیده بود و ولش کرده بود. همان چنار و افراهایی که از دیوارهای باغ، ردیف راه افتاده بودند و گرداگرد استخر عظیم آن به هم رسیده بودند و در تابستان یک سکه از نور خورشید را به زمین راه نمی دادند اکنون رنگ پریده و تنک برگ، خسته و ناکام، زیر زَرک آفتاب پامداد پاییزی کرخت و بی حس به دیوار آسمان لم داده بودند و هرم و لرم آن را مک می زدند... حاج معتمد عصا زنان دور استخر بزرگ، گردش صبحانه خودش را دور می زد... و زیر لب با صدایی که از تنگ نفس مو برداشته بود می خواند: بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی... روبروی یک چنار عظیم ایستاد: من باید کم کم با شماها خدا حافظی بکنم. میدونی تو روکی کاشت؟ من که نمی دونم. وختی اینجارو خریدم تو همینجوری همینجا بودی. خیلی از درختای دیگه هم پیش از من اینجا بودن که حالا خیلی ها شون از بین رفتن. تو موندی و چندتای دیگه که شماهام رفتنی هستن... شایدم بابای تو تابوت من بشه و تو تابوت بچه های من بشی... همه مون یه راه می ریم... یک غنچه نیم باز «گل چای» درشت و شاداب بر ساقه خدنگ زمردینش نگاه او را به سوی خود کشید: [شاید] بهار دیگه تو رو نیبم. باز گل می کنی. باز مردم دیگه بت نگاه می کنن اما اونوخت دیگه من نیسم که تو رو ببینم... درسه که تو دیگه دل منو به این دنیا بند نمی کنی اما من بت عادت کردم. کسی چه میدونه شاید تو رو قبر خود من بذارن... به خونم و درختاش و حوضم و لباسام عادت کردم. دل کنند از این آفتاب و ماه و ستاره ها و بهار و پاییز و تابستون و زمستون و ابر و برف و باد و بارون و از همه بدتر دل کنند از خودم برام کار خیلی مشکلیه.»^{۵۸} آنچه گذشت شمه ای بود از هنرنامه ای های بی نظیر نویسنده ای که هشتصدسال پیش از این در فضایی قلم می زده که هنر نویسنده ای چون امروز به تکنیک ها و فنون پیچیده هنری مزین نگردیده بوده، اما امروز - و بعد از هشتصد سال - خواننده امروز میفهمیم نثر برگزیده از قرون بسیار او را در می یابد و بر ظرافت های هنری او آفرین ها می گوید.

پانویسها:

- (۱) محمد بن منور: اسرار التوحید، به تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۶)، جلد اول، ص ۱۷۱ مقدمه.
- (۲) همان، ص ۱۷۱ مقدمه.
- (۳) همان، ص ۱۷۳ مقدمه.
- (۴) میرصادقی، جمال: ادبیات داستانی (تهران: انتشارات شفا، ۱۳۶۶)، ص ۳۸.
- (۵) درباره پیرنگ بنگرید به: میرصادقی، جمال: عناصر داستان (تهران: انتشارات شفا، ۱۳۶۴)، ص ۱۴۷.
- نیز: میرصادقی، جمال + میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت: واژه نامه هنر داستان نویسی (تهران: کتاب مهناز، ۱۳۷۷)، ص ۵۲.

- (۶) اسرار التوحید، ص ۱۷۳ مقدمه، نیز: ادبیات داستانی، ص ۴۶.
- (۷ و ۸) عناصر داستان، ص ۳۲۱.
- (۹) همان، ص ۳۲۵.
- (۱۰) ادبیات داستانی، ص ۱۰۳.
- (۱۱) اسرار التوحید، ص ۱۷۳ مقدمه.
- (۱۲) عوفی، سدیدالدین محمد: جوامع الحکایات و لوامع الروایات، به تصحیح دکتر امیر بانو کریمی (تهران: انتشارات بنیاد بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲)، جلد اول از قسم سوم، صص ۸۷-۹۰.

- (۱۳) اسرار التوحید، ص ۱۷۳ مقدمه.
- (۱۴) بهار، محمد تقی: سبک شناسی (چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۶)، جلد دوم، صص ۱۹۸-۱۹۹.
- (۱۵) اسرار التوحید، جلد اول، ص ۱۱۷.
- (۱۶) همان، جلد دوم، ص ۵۲۹.
- (۱۷) همان، جلد اول، ص ۳۷۶.
- (۱۸) عناصر داستان، ص ۳۷۳.
- (۱۹) اسرار التوحید، جلد اول، ص ۵۱.
- (۲۰) نجم الدین رازی: مرصاد العباد، به تصحیح دکتر محمد امین ریاحی (چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ص ۳۲۵.
- (۲۱) اسرار التوحید، جلد اول، ص ۱۴۳.
- (۲۲) عطار نیشابوری، فریدالدین: تذکرة الاولیاء، به تصحیح ریچارد نیکلسون (لیدن: اوقاف گیب، ۱۹۰۵)، جلد دوم، ص ۲۱۱.
- (۲۳) ابوسعید در بیان تفاوت مجالس وعظ خود با دیگران گفته است: آن مجلسهای دیگر مجلس علم است و این مجلس حق است. ایشان می در آن کلاه و جاه و عز جویند و اینجا می کلاه و جاه

- و عز می فرونهند. (اسرار التوحید، جلد اول، ص ۲۹۹)
- (۲۴) اسرار التوحید، جلد اول، ص ۱۹۹.
 - (۲۵) یوسفی، غلامحسین: دیداری با اهل قلم (چاپ دوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۷)، جلد اول، ص ۲۱۰.
 - (۲۶) اسرار التوحید، جلد اول، ص ۳۰۴.
 - (۲۷) همان، ص ۵۲.
 - (۲۸) همان، ص ۲۱۲.
 - (۲۹) همان، ص ۱۱۶.
 - (۳۰) همان، ص ۱۰۳ مقدمه.
 - (۳۱) همان، ص ۴۳.
 - (۳۲) همان، ص ۳۲.
 - (۳۳) همان، ص ۲۲۹.
 - (۳۴) مثلاً در صفحات ۱۰۲، ۱۹۲، ۲۲۰، ۲۶۵، ۲۹۸، جلد اول.
 - (۳۵) اسرار التوحید، جلد اول، ص ۲۵۴.
 - (۳۶) همان، صص ۲۵۵-۲۵۴.
 - (۳۷) همان، ص ۲۱۱.
 - (۳۸) همان، ص ۱۷۳ مقدمه.
 - (۳۹) انصاری هروی، خواجه عبدالله: طبقات الصوفیه، به تصحیح دکتر محمد سرور مولایی (تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۲)، ص ۱۹۲.
 - (۴۰) اسرار التوحید، جلد اول، ص ۱۷۵.
 - (۴۱) همان، ص ۲۲۹.
 - (۴۲) همان، ص ۶۶.
 - (۴۳) همان، ص ۲۷۲.
 - (۴۴) بهمنیار کرمانی، احمد: منتخب اسرار التوحید برای دبیرستانها (تهران: وزارت فرهنگ، ۱۳۲۰)، ص د (۴=).
 - (۴۵) اسرار التوحید، جلد اول، ص ۶۵.
 - (۴۶) عناصر داستان، صص ۲۴۲ و ۲۴۶.
 - (۴۷) اسرار التوحید، جلد اول، صص ۱۰۸-۱۰۷.
 - (۴۸) همان، صص ۱۴۶-۱۴۵.
 - (۴۹) عناصر داستان، ص ۳۳۷. نیز: واژه نامه هنر داستان نویسی، ص ۷۵.
 - (۵۰) عناصر داستان، ص ۲۶۲.
 - (۵۱) همان، ص ۲۶۲.
 - (۵۲) اسرار التوحید، جلد اول، ص ۶۴.
 - (۵۳) همان، ص ۱۷۳ مقدمه.
 - (۵۴) ادبیات داستانی، ص ۴۶.
 - (۵۵) همان، ص ۴۶.
 - (۵۶) اسرار التوحید، جلد اول، صص ۳۴۷-۳۴۵.
 - (۵۷) ادبیات داستانی، ص ۲۳۳.
 - (۵۸) چوبک، صادق: روزاول قبر (چاپ دوم، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۱)، صص ۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۲۶.

نهضت زهد که از اواخر قرن اول اسلامی آغاز شده بود، در قرن سوم به تصوف انجامید. این مشرب و مکتب فکری که برپایه‌ی عشق استوار بود، از زهد خشک ممتاز گردید و تأثیری شگرف در ادب فارسی بر جای گذاشت که شرح آن دراز است و مطلبی نیست که در این مقال گنجد و این مختصر ترسیم دور نمایی است از عنوان و مدخلی برای تحقیقات بعدی، چه شناخت آثار ادب عرفانی که هنوز زیور طبع نیافته، به روزگاران و همت مصححان نیاز دارد تا همه‌ی آنها دیده و شناخته آید و البته دسترسی بر تمامی این آثار - الا ماشاءالله - هیچ کس را میسر و مسلم نیست و اگر داعیه‌داری به خاطر عدم اطلاع چنین ادعایی کند محکوم به بیدانسی و متهم به گستاخی است. اگر خاستگاه تصوف را مشرق زمین بدانیم، قوم ایرانی بیش از دیگر اقوام شرقی استعداد پذیرش حقایق عرفانی داشته و در تاریخ تمدن اسلامی و جهانی سهم بیشتری در گسترش عرفان و ادبیات صوفیانه داشته است. باید پهنای کار در ادبیات صوفیانه‌ی زبان فارسی شناخته آید تا سهم ایران در تدوین و تألیف و اشاعه‌ی عرفان و تصوف روشن و معین گردد.

علت شیفتگی و سرسپردگی ایرانیان به تصوف و تأثیر شگرف مبانی عرفانی، لطافت ذوق، تیزهوشی و فرهنگ والای مردم این مرز و بوم است که از دیر باز با نوعی تصوف آشنا بوده‌اند. مطابق روایات «مزدیسنا» نیاکان ما در بامداد پگاه، در نماز «هوشبام» چنین می‌خوانده‌اند: «ای اهورامزدا! باشد که تو را ببینیم. باشد که به تو رسیم. باشد که به دوستی جاویدانت دسترسی یابیم بوسیله‌ی بهترین راستی و بالاترین درستی خویش»^(۱)

هر چند تصوف همزاد بشریت است، راستی را که شریعت اسلام و عقاید معتزله و محیط اجتماعی عصر

اموی و نوع زندگی تجمل‌گرایانه‌ی حکام، زمینه‌ی مناسبی برای رشد و رواج گسترده‌ی این نهضت و تجلی آن در ادبیات بعد از اسلام پیش آورد. درست است که انواع تصوف رایج بودایی و نوافلاطونی همچون جویبار به اقیانوس کبیر عرفان اسلامی ریخت و در آن مستهلک و مستغرق گشت، اما تصوف اسلامی، آن هم بدین پهنآوری، بی‌گمان از بطن اسلام زایید و از قرآن نشأت گرفت، چه «همه‌ی معاملات و مکاشفات و تحقیق در مراحل و منازل سلوک بر آیات و روایات مستند است و یک بحث آن خالی از مأخذ نیست»^(۲)

تصوف از جهت موضوع و سبک سخن موجب تحولی دلپذیر شد. نثر و شعر اصالت و لطافت یافت. ادبیات جسم بود و تصوف جان، که در ادبیات بعد از اسلام، عرفان جوهر و روح ادبیات و فرهنگ ایرانی شد. ادبیات و تصوف آن چنان آمیزش و آویزش دارند که تصور از ادبیات بی عرفان و تمدن بدون تصوف در ایران امکان‌پذیر نیست.^(۳)

تاریخ ورود عرفان و تصوف در ادب فارسی اوایل قرن چهارم است و در فاصله‌ی قرن پنجم تا هفتم باباکوهی شیرازی (م، ۳۲۲ هـ. ق) و علی هجویری (ابوالحسن علی بن عثمان جلائی، م، ۴۶۵ هـ. ق) و خواجه عبدالله انصاری (ابواسماعیل عبدالله بن ابومنصور، ۳۹۷ - ۴۸۱ هـ. ق) و مستملی بخاری (ابوابراهیم اسماعیل بن محمد بن عبدالله، م، ۴۳۴) شارح و مترجم «التعرف لمذهب التصوف» تألیف ابوبکر بن ابی اسحاق کلابادی ملقب به تاج الاسلام (م، ۳۸۰ هـ. ق) و سنایی غزنوی (ابوالمجد مجدود بن آدم، ۳۴۰ - ۵۳۶ هـ. ق) و شیخ احمد جام ژنده پیل (م، ۵۳۶ هـ. ق) و عطار نیشابوری (فریدالدین ابوحامد محمد بن ابوبکر، م، ۵۴۰ - ۶۱۸ یا ۶۲۷ هـ. ق) و فخرالدین عراقی (۶۱۰ - ۶۸۸ هـ) و خداوندگار عشق و عرفان مولانا جلال‌الدین محمد بن حسین خطیبی بلخی (۶۰۴ - ۶۷۲ هـ. ق) و دیگران، جهان‌بینی تصوف را در ادبیات فارسی تبیین و ترسیم کردند.

با آنکه سخن برتلس در این که خواجه عبدالله

انصاری یکصد هزار بیت فارسی از متقدمان و متأخران در سینه داشته^(۴)، اغراق‌آمیز می‌نماید، اما بی‌گمان بخشی از این ابیات مضامین عرفانی داشته است. وقتی تأثیر شعر در تحریک و تهییج مریدان و پیران روشن و مسلم شد، نفوذ تصوف بویژه در شعر، بیش از پیش استوار گردید. پیش از ورود تصوف در نثر فارسی موضوعات رایج از فقه و کلام و ریاضیات و هیأت و متون تاریخی و آیین ملک‌داری و سیرت پادشاهان آن چنان دلچسب و دل‌انگیز نبود که پذیرش عام یابد و هر دانشی به اهلش اختصاص داشت. به قبول شمس تبریزی اندرز واعظان، هراس بود و نااستواری و تعلیمات فیلسوفان، جدل بازی و یاوه سرایی و میراث عالمان رسمی نیز، بازاریابی و شهرت‌طلبی و غافل‌نگهداشتن بشر از مقصود اساسی^(۵).

در حالی که در نثر صوفیانه نمکی بود که عارف و عامی را نمک‌گیر می‌ساخت و شور و حال مجلس ابوسعیدها خواجه حسن‌ها را زمین‌گیر^(۶)، در شعر هم جز شاهنامه که هزار سال است بر تارک فرهنگ ایرانی می‌درخشد، سند افتخاری نداشتیم که با ادبیات اخلاقی - انسانی جهان همسنگی کند و موضوع شعر از قلمرو مدح و خوشامدگویی امرا و صدور تجاوز نمی‌کرد و این همه خیر و برکت از قبل ادب صوفیانه بود که پنجره‌ای از معرفت و هستی‌شناسی به روی انسان گشود و ایران و ایرانی را در بحث ادبیات تطبیقی در جهان پرآوازه و سر بلند ساخت. صوفیه قصیده را از لجن‌زار دروغ و تملق بر اوج تحقیق کشاندند و غزل را از عشق شهوانی به محبت روحانی رساندند^(۷)

مقایسه‌ی ادبیات رایج در قرن پنجم و ششم با ادب صوفیانه بیانگر دگرگونی موضوع و عدول از مباحث رایج است که سخن را از فرش به عرش برد و ببین که تفاوت ره از کجاست تا به کجا آن گاه که قضای الهی زوال غزنویان را تقدیر می‌کرد، منوچهری دامغانی (م، ۴۳۲ هـ. ق) بر سلطان مسعود (مقت، ۴۳۲ هـ) تعارف‌آمیز می‌گفت: شادمانه بزی ای میر که گردنده فلک

این جهان زیر نگین خلفای تو کند^(۸)

سید علی نقوی زاده

تأثیر تصوف در نثر و نظم فارسی

و در حالی که ظهیرالدین فاریابی (م، ۵۹۸ هـ.ق) در ستایش قبزل ارسلان (م، ۵۸۷ هـ.ق) از اتابکان آذربایجان می‌سرود:

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای
تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند^(۹)

سنایی شرح فراق معشوق و محبوب عارفان را که «ذات الهی» است، موضوع غزل می‌ساخت و عطار که شعرش را «تازیانه‌ی سلوک» خوانده‌اند، اتحاد عاشق و معشوق و زوال تعین و شخصیت را مضمون قصیده قرار می‌داد. بهر تقدیر، پیش از ورود مبانی تصوف در ادب فارسی، عشق آسمانی منظور نظر نبود و ادب نثر و نظم چاشنی معنویت نداشت. عشق بازاری، و معشوق زمینی و عاشق از پی رنگ و دلباختی سبب زرخدان شاهد که

به گفته‌ی حافظ

زمیوه‌های بهشتی چه ذوق در یابد

کسی که سبب زرخدان شاهده‌ی نگزید^(۱۰)
مرحوم دکتر احمدعلی رجایی که به اقرار خودش از منکران صوفیه بود و بعدها به حلقه‌ی انس این طایفه پیوست می‌گوید: تصوف ادب فارسی را که مضامین مدایح آن از فرط اغراق ملال آور شده بود، از ابتدال و زوال نجات داد و با مدد عشق بر چالوسی‌های شرم‌آور و دریوزی‌گری‌های شاعران خط بطلان کشید و محبت و خدمت و عشق به حق و حقیقت را به ادب فارسی هدیه کرد.^(۱۱)

تأثیر تصوف، در غنای فرهنگی و ادبی زبان فارسی فوق‌العاده است. میراث عظیم صوفیه که تجلی‌گاه افکار و اندیشه‌های روحانی ایرانی در تمام شوون ادبی

و اخلاقی است، علاوه بر جلوه و لطافتی که به ادبیات بخشید، موجب رواج نثر و افزونی تألیفات گشت.

لطافت و عذوبت نثر صوفیه در سوانح احمد غزالی (م، ۵۲۰ هـ.ق) و تمهیدات عین‌القضات همدانی (۴۹۲-۵۲۵ هـ) و لمعات فخرالدین عراقی و لوایح جامی (نورالدین عبدالرحمن بن نظام‌الدین ۸۱۷-۸۹۸ هـ.ق) تا بدان پایه خیال‌انگیز و حاوی شور و ذوق است که در شمار «شعر منثور» شمرده می‌شود. بایزید بسطامی گوید: به صحرا شدم عشق باریده بود و زمین تر شده؛ چنان که پای به برف فرو شود، به عشق فرو می‌شد.^(۱۲) مرغی گشتم، چشم‌اواز یگانگی، پر اواز همیشگی.

در هوای بی‌چگونگی می‌پریدم.
اگر از میان تمام آثار منثور ادب فارسی از جهت زیبایی سخن و دل‌انگیزی کلام سه اثر برگزینیم



بی‌گمان تاریخ بیهقی، اسرارالتوحید و تذکرة الاولیای عطار از بهترین و دلکش‌ترین آثار منشور ادب فارسی است که دو اثر از این سه به نثر صوفیانه اختصاص دارد. صوفیه نخستین کسانی بودند که نثر ساده و مرسل عصر سامانی را رها کردند و نثر مسجع و آهنگین را بنیان نهادند. ابوسعید ابی‌الخیر (۳۵۷ - ۴۴۰ ه. ق.) که اصول تصوف را در خراسان رواج داد، نخستین عارفی است که به نثر مسجع سخن گفت و در تاریخ تصوف، از فراز منبر، جامعه‌ی شعر پارسی را بر قامت اندیشه‌های صوفیانه راست کرد و از این رهگذر دشمنان بزرگی از اصحاب رأی و ائمه کرامیان برای خویش تراشید چنان که ابوالقاسم قشیری (م، ۴۶۵) که صوفی خشکی بود به انکار و عداوت او برخاست. البته سجع در سخن ابوسعید تفتن است نه همچون پیر هرات که جز به نثر مسجع سخن نمی‌گوید. شیخ ما را پرسیدند صوفی چیست؟ گفت آنچه در سر داری بپهی و آنچه در کف داری بدهی و آنچه بر تو آید بجهی. (۱۳) گفتم که صفا ضد کدر بود و کدر از صفات بشر بود و حقیقت، صوفی بود آنکه او را از کدر گذریود. (۱۴)

اما چنان که گفته آمد خواجه عبدالله انصاری این سبک را پایه و اساس نثر صوفیانه‌ی خویش قرار داد و در تفسیر قرآن و مناجات و دیگر آثارش بدین شیوه سخن گفت: الهی از زندگانی خود در عذابم، گویی که بر آتش کبابم، نه خورد پیدا و نه خوابم. در میان دریا تشنه‌ی آبم، از آنکه از خود در حجابم، منتظرم تا کسی رسد جوابم. (۱۵) از رساله‌ی دل و جان: الهی گفתי کریمم، امید بدان تمام است، تا کرم تو در میان است ناامیدی حرام است.

از رساله‌ی واردات: حج گزاردن تماشای جهان است، نان دادن کار مردان است.

از رساله‌ی مقولات: دی رفت و باز نیاید، فردا را اعتماد نشاید، امروز را غنیمت دان، که دیر نیاید که از ما کسی را یاد نیاید.

از رساله‌ی کنزالسالكين: ای شب! تو رعیتی و من شاهم، تو ستاره‌ای و من ماهم. ای روز! من آن شاه شب

نامم که کواکب سپاه من است. مشتری تکمهی کلاه من است. (۱۶) عرفان نثر صوفیه را از موج شعری لبریز ساخت و سبک سخن نجم‌الدین رازی (ابوبکر بن محمد، ۵۷۳ - ۶۵۴ ه. ق.) در مرصعالعباد همانند آثار پیرهرات و احمدغزالی رنگ و بوی شعر دارد. توجه به زبان فارسی به خاطر رعایت حال مریدان و در نتیجه وسعت و غنا بخشیدن به این زبان هم از همت عارفان پارسی گوی است که عطار در مقدمه‌ی تذکره و جامی در نفحات الانس (چاپ توحیدی پور، ص ۴۶۸) ونجم‌الدین رازی در مرصعالعباد (ص ۱۴) به انگیزه‌ی فارسی‌گویی خویش اشاره دارند.

بایار نو از غم کهن باید گفت

با او به زبان او سخن باید گفت

«لا تفعل» و «افعل» نکند چندان سود

چون با عجمی کن و مکن باید گفت (۱۷)

نثر صوفیه، ساختاری شگرف و منظمی خاص و لفظی زیبا و معنایی ژرف دارد که شوری در دل و هیجانی در ذهن بر می‌انگیزد که زیباترین آن لمعات عراقی است. ترجمه و شرح رساله‌ی «حی بن یقظان» این سینا که مترجم آن ابوعبید جوزجانی است از آثار تمثیلی عرفانی قرن پنجم است که فصاحت کلام و سلاست بیان در آن به حد اعلاست و مراد شیخ فلاسفه‌ی اسلام از «زنده‌ی بیدار» عقل فعال است که صوفی را در راه وصول به حق یاری می‌کند. (۱۸)

از ویژگی‌های نثر صوفیانه کاربرد زبان سمبولیک و نمادین است. این زبان بیشتر در شعر کاربرد یافت و منطق الطیر عطار که به زبانی رمزی بیان شده از آثار جاویدان ادب فارسی است. پس از قضیه‌ی تلخ حلاج که «انا الحق» گفت و سرخویش برباد داد، صوفیه در نثر و نظم زبانی رمزی و نمادین ایجاد کردند، اصطلاحاتی که از رمز معنی آنها تنها ابدال آگاه بودند و غافلان از فهم آن بی‌خبر. نویسندگان و شعرای این طایفه با بهره‌گیری از ابهام و استعاره و کنایه، افراطی‌ترین نظریات تصوف را در مسائلی چون عشق صوفیانه و جمال پرستی بدون ترس از فقها بیان کردند و حتی بعضی پرستش جمال و

عشق صورت را اساس طریقت خود قرار دادند و معنی را در صورت می‌جستند. (۱۹)

هر چند که کاربرد رمز و اشاره و کنایه و استعاره اختصاص به صوفیه ندارد ولی زبان عارفان - علی‌الرسم - رمزی و کنایی است. همچنین انتخاب الفاظ در نثر صوفیانه شایان توجه است: ای دهر دهارا کجاست؟ شقه‌ی شبلی؟ کجاست ترنم ابوالحسین نوری؟ ای ظل سماوات! کجاست دور سمنون؟ ای حرف خرد کجاست خون افشاندن حسین منصور در «انالحق»؟ ای زمان و مکان تو چرا بی‌جمال شیخ ابوعبدالله خفیف می‌باشی؟ (۲۰)

با ظهور ابن عربی (محدی الدین ابوبکر بن محمد بن علی حاتمی طایی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ه. ق.) واضع مکتب عرفان علمی، اصول تصوف در کتب علمی و درسی وارد شد و اصطلاحات عرفانی در اشعار و آثار منشور نویسندگان پارسی گوی نفوذ یافت. ابونصر سراج طوسی (م، ۳۷۸ ه. ق.) از محققان صوفیه و صاحب اثر نفیس اللمع فی التصوف، از کسانی است که تصوف را در کنار فقه و علم‌الحدیث از علوم دین بشمار می‌آورد و این نثر گفتار اوست: پرسنده‌ای و پرسید مرا از بیان علم تصوف و مذهب صوفیه که گمان می‌برد مردمان در آن اختلاف کرده‌اند. (۲۱)

تصوف علمی ابن عربی در ادبیات و شعر فارسی تأثیری عمیق داشت و شاگردان و پیروان مکتب وی که بیشتر ایرانی بودند، مطالب کتاب «فصوص الحکم» و اعتقاد به «وحدت وجود» را در نثر و نظم فارسی رواج دادند. گرچه «اندیشه‌ی وحدت» بسته و گریخته از دهان حلاج (مقت، ۳۰۹ ق.) و بایزید بسطامی (طیفور بن عیسی بن آدم، م ۲۶۱ ه. ق.) و عین‌القضات شنبده شد، در تمدن اسلامی، همگان ابن عربی را به عنوان پیشوای بزرگ و مؤسس راستین «وحدت وجود» در عالم اسلام بشمار می‌آورند و گفتار عراقی و سعیدالدین فرغانی (در مشارق الدراری) شاگردان صدرالدین قونوی (م، ۶۷۲ ه. ق.) و شیخ محمود شبستری (م، ۷۲۰ ه. ق.) و شمس مغربی (م، ۸۰۹) و عبدالرحمان جامی به پارسی

نسبت به شعارهای حلاجی و بایزیدی از لونی دیگر است و علمی تر و استوارتر. شارحان و تابعان ابن عربی چنان که گفته آمد، اغلب ایرانی هستند و علاوه بر بزرگان فوق الذکر می توان به مؤیدالدین بن محمد جندی (م. حدود ۷۰۰ هـ) از مردم خوارزم و کمال الدین عبدالرزاق کاشانی (م. ۷۳۶ هـ) و شاه نعمت الله ولی کرمانی (م. ۸۳۴) که سه رساله‌ی کوتاه در شرح «فصوص» نوشته که در مجموعه‌ی رسائل وی به چاپ رسیده است. از این عده است صائغ الدین علی بن محمد ترکی اصفهانی از شارحان و استادان ماهر وحدت وجود این عربی عزیزالدین نسفی که اصطلاح «الانسان الکامل» را از

ابن عربی آموخته و آقا محمدرضا قمشه‌ای آخرین فرد شاخص از پیروان و شارحان فصوص که حضرت استاد آشتیانی وی را همسنگ صدرالدین قونوی و داودبن محمود قیصری می‌شمارد و نگارنده این عبارت را از لفظ عالی حضرتش شنیده است. پانویست: ۱- مزدینا و تصوف، دکتر محمدمعین، تهران، دانشگاه، ۱۳۴۲ ش، ص ۲۵۶. ۲- شرح مقدمه‌ی قیصری، استاد سید جلال الدین آشتیانی، مشهد: زوار، ۱۳۴۳ ش، صص ۱۹-۲۰. ۳- راز کرشمه‌ها، دکتر ناصرالدین صاحب الزمائی، تهران، مطبوعاتی عطایی، ۱۳۴۵ ش، ص ۱۰۷. ۴- تصوف و ادبیات تصوف، یوگنی ادواردویچ



اثر محمد آخسانی

پرتلس، ترجمه‌ی سرویس ایزدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۷. ۵- خط سوم، دکتر ناصرالدین صاحب الزمائی، تهران: مطبوعاتی عطایی، ۱۳۵۱ ش، صص ۲۸۷-۲۸۱. ۶- اسرار التوحید، محمدبن منور، چاپ دکتر ذبیح الله صفا، تهران: امیر کبیر، چاپ دوم، ص ۷۱. ۷- ارزش میراث صوفیه، دکتر عبدالحسین زرین کوب، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۸. ۸- دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش دکتر محمددبیرسیاقی، تهران: زوار، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۴. ۹- دیوان ظهیر فاریابی، به کوشش هاشم رضی، انتشارات کاوه، بی تا، ص ۲۲. ۱۰- دیوان حافظ، چاپ دکتر سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران: انجمن خوشنویسان، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۷۱. ۱۱- فرهنگ اشعار حافظ، دکتر احمدعلی رجایی، تهران: زوار، ۱۳۴۰ ش، ص ۲۸ (مقدمه). ۱۲- تذکرة الاولیاء، فریدالدین عطارنیشابوری، به کوشش دکتر محمداستلامی، تهران: زوار، ۱۳۴۶ ش، ص ۱۸۳. ۱۳- اسرار التوحید، محمدبن منور، چاپ سابق، ص ۲۹۷. ۱۴- کشف المحجوب، علی هجویری، و ژوکوفسکی، با مقدمه‌ی قاسم انصاری، تهران: طهوری، ۱۳۵۸ ش، ص ۳۷. ۱۵- رسایل خواجه عبدالله انصاری، محمدشیروانی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ش، ص ۱۲۴. ۱۶- مشتی از خروار، دکتر محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۳۵، ص ۲۶۰ به بعد، ذیل آثار خواجه عبدالله انصاری. ۱۷- مرصاد العباد، نجم الدین رازی، به کوشش دکتر محمدامین ریاحی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، چاپ پنجم، ص ۹۳. ۱۸- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، تهران: امیرکبیر، ج ۱، صص ۶۳۱-۶۳۰. ۱۹- عبهر العاشقین، روزبهان شیرازی، به کوشش هانری کرین و دکتر محمدمعین، مقدمه، ص ۵۵. ۲۰- شرح شطحیات روزبهان، تصحیح هنری کرین، تهران: انستیتو ایران - فرانسه، به نقل از موسیقی شعر، شغیمی کدکنی ص ۴۲۸. ۲۱- گزیده‌ی ترجمه: اللمع فی التصوف، ترجمه‌ی سیدعلی نقوی زاده، مجله مترجم، سال سوم، شماره‌های سیزدهم و چهاردهم، ص ۵۷.

شیخ اشراق نخستین کسی است که با تلاشی شگفت و خلاقیتی عجیب، پیوندی جاودانه میان اساطیر حماسی و اساطیر عرفانی بوجود آورده است. او در پی کوشش بیدریغ و ارزشمند خود در برقراری پیوند و سازش میان فلسفه مشائی ابن سینا و تصوف اسلامی و حکمت ایران باستان، داستانها و عناصر اساطیری ایران را نیز در پر تو جهان بینی خود تفسیر می کند. (۱) با توجه به اصول فلسفه اشراق می توان به ابعاد عرفانی بعضی از اساطیر حماسی شاهنامه از جمله اسفندیار دست یافت و با عظمت آنها در دنیای عرفانی و تلقی عارفانه آشنا گردید. لذا حکمت اشراقی اولاً ذوقی است در عین حال که استدلال و فلسفه استدلالی را پایه و لازمه خود بشمار می آورد و تربیت منظم عقل نظری و نیروی استدلال را اولین مرحله کمال طالب و معرفت می شمارد.

پس حکمت اشراقی حکمتی است که می کوشد رابطه ای بین عالم استدلال و اشراق یا تفکر استدلالی و شهود درونی ایجاد کند و در واقع برزخی است بین فلسفه و کلام مدرسی و تصوف محض خانقاهی، ثانیاً حکمت اشراقی آگاهانه در صدد احیای حکمت خسروانی و فلهوی ایرانیان باستان و نیز حکمت یونانیان در دامن عرفان و حکمت اسلامی بود (۲) و از همین افق سهروردی وارد دنیای اساطیری شده و با نقبی دقیق به سوی دنیای عرفانی، جلوه های تازه و نوین از ابعاد حماسی به عرفانی داده، گستردگی شگفتی به دامنه اساطیر حماسی می بخشد که در آینه عرفان اسلامی جلوه می کند.

تجلی عرفانی شخصیت اسفندیار در آراء و افکار

شیخ اشراق بیش از دیگران مشهود است و آنچه که از شیخ اشراق از این مقوله آمده بی تردید تحت تأثیر آراء و افکار خود اوست. با بررسی اندیشه های عرفانی شیخ اشراق در می یابیم که او تقریباً نسبت به اغلب شاهنامه و اساطیر ملی و حماسی ایران باستان با دیدی عرفانی می نگریست. هم اوست که کیومرث، فریدون و کیخسرو را حامل ضمیمه حکمت دانسته است (۳) و در حقیقت در فراسوی شخصیت های حماسی به وجود نوعی کنش و واکنش عرفانی اعتقاد داشت و تمامی این اندیشه ها بر اصولی استوار است که شیخ اشراق با استناد بدانها به بیان اندیشه های ناب عرفانی خود می پردازد. این اصول جدای از آنچه که بعنوان اصول اساسی حکمت اشراق آمده مواردی است که شیخ اشراق را نسبت به برداشت چنین عرفانی از اساطیر حماسی رهنمون بوده، برای مثال در حکمت اشراق، موثر حقیقی، وجود «نور» است چون محبت و قهر صادر از نور است و حرارت بالذات در قوای شوقی اعم از شهوی و غضبی مدخلیت پیدا می کند و وجود همه آنها در حرارت به تمام و کمال می رسد و شوقیات ما نیز خود موجب حرکات روحانی و جهانی می گردد، نور قائم یا عارض علت حرکت و حرارت است و حرکت و حرارت فقط مظهر نور عارض یعنی معد حصول (نه علت فاعلی) آن است؛ حرکت و حرارت را قابل اعداد می کند به اینکه در آن از نوری که بر قوایل و هیاکل مستعد بر حسب استعداد آنها افزایه می گردد، حصول پذیرد.

شرف آتش در این است که بالنسبه بدیگر عناصر شرکت آن از جمله از همه بالاتر و شباهت وی بمبادی مجرد نوری، نظر بنوری که در آن است، از همه بیشتر می باشد. از اینروست که آتش را بعنوان برادر نور مجرد نفسانی که سهروردی آنرا به نام خاص ایرانی وی، «نور اسپهبد انسانی» نیز می خواند، می توان گرفت. (۴)

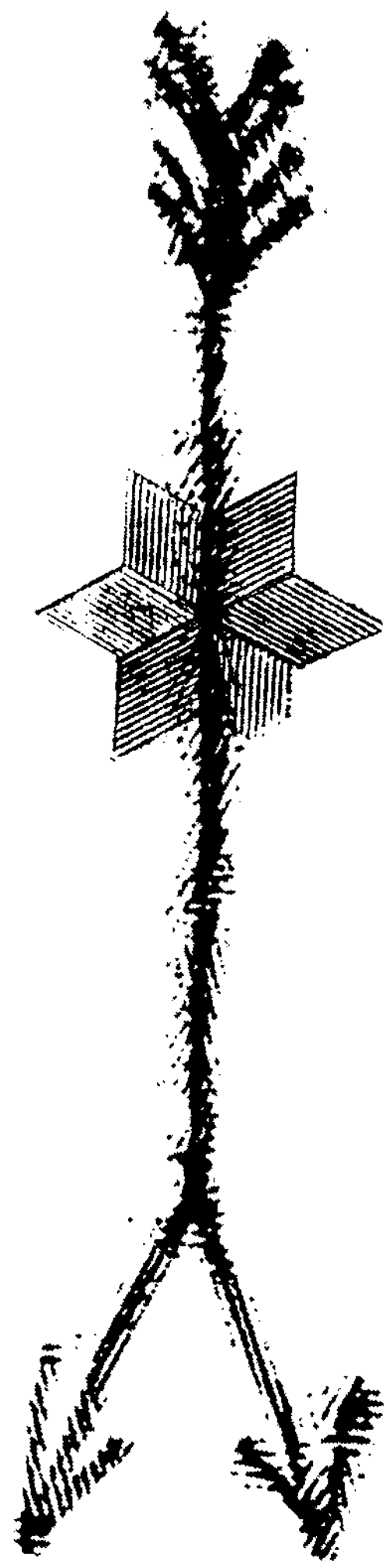
موضوع مهم دیگر در کار و اندیشه شیخ اشراق

رمزگرایی اوست که طبیعی به نظر می رسد چون متصوفه در تمامی آثار و افعال خود نسبت به دنیای خارج و مافیها بینشی رمزی و نمادینی داشته اند و هیچگاه بگونه ای رئالیستی به مافی الضمیر خویش نسبت به دنیا نپرداخته هر آن چه بیان کرده اند با زبان رمز و نماد همراه بوده است. این مهم در آثار شیخ اشراق خصوصاً در بخشهایی که به اساطیر حماسی می پردازد تبلور خاصی یافته است و در این شرایط هاله ای از رمز و نماد بر آن اندیشه ها قرار دارد که حتی گاهی درک آنرا در مراحل نخست مشکل می سازد و تنها با آشنایی به اندیشه و جهان بینی شیخ اشراق و حکمت فلسفی او می توان به فضاهای ذهنی و اندیشگی او دست یافت. همین دامنه های رمزگرایی در آثار صوفیه است که شیخ اشراق را نیز واداشته تا تفاسیری تمثیلی نسبت به اساطیر ایران ارائه دهد. اما در علت شناسی این تفسیرهای تمثیلی نسبت به اسطوره ها و قداست مذهبی و ملی آنها باید گفت که تفسیر تمثیلی اساطیر باید از زمانی شروع شده باشد که اعتقاد مذهبی نسبت به آنها رو به کاهش گذاشته است و متفکران و دانشمندان رفته رفته در حقیقت آنها شک کرده اند. «کسنوفان» (Xenophanes) از «همر» و «هزیود» که به خدایان متعدد معتقد بوده اند انتقاد کرده است او ضمن آنکه جاودانگی خدایان را منکر است در جایی می گوید: «همر و هزیود حتی اعمالی را که انجام آنها برای انسانها شرم آور است چون زنا، دزدی و فریب، به خدایان نسبت داده اند.» (۵)

همین مشکل عدم واقعیت در اساطیر و افسانه های کهن چنین تردیدها و انتقادهایی را از اساطیر سبب شده است و همین سبب انگیزه جستجوی معنی و مفهومی را ورای آنچه از معنی ظاهری آنها برمی آید، بوجود آورده است. در حقیقت تفسیرهای تمثیلی از اساطیر در طی قرنهای متمادی فکر شاعران و

فرهاد صابر

قرائت عرفانی اسطوره حماسی اسفندیار



نویسندگان را به خود مشغول داشت و همین تفسیرها باعث شد که این اساطیر با آنکه ظاهراً بی‌معنی جلوه می‌کنند به زندگی خود ادامه دهند.^(۶)

با توجه به همین نکته، شیخ اشراق نیز با دیدی تمثیلی و رمزی به اساطیر شاهنامه می‌نگرد. از این میان آنچه که اهمیت بسیار دارد ظرافت ذوقی او نسبت به این مسأله است که بیانگر دقاقت موجود در حکمت اشراق است. سهروردی داستانهای اساطیری ادبیات ایران باستان را بر اساس ماهیت نور و ظلمت بازبینی می‌نماید و نهایتاً بازسازی و بازآفرینی می‌کند.

بر همین اساس می‌توان گفت که طرح‌های او از داستانهای اساطیر از یک سو مرتبط با آراء و عقایدش در حکمت اشراقی است و از سویی دیگر بشدت تحت تأثیر نور و ظلمت است تا آنجائیکه در بازسازی و بازگویی روایت اسفندیار در جلوه عرفانی‌اش، جایگاه نور نقش ویژه‌ای دارد. سهروردی در آثار خود که از اصول حکمت اشراقی پیروی می‌کند با روایت از «فرشته» که ظاهراً راوی و محل استناد گفته‌ها و نظریه‌های او می‌باشد؛ دریچه‌ای تازه و نو از حماسه به عرفان می‌گشاید. با نگاهی به اینگونه از آثارش اختلافات بسیاری بین روایات شفاهی و شخصی که ظاهراً استنباطهای فردی و ذوقی اوست دیده می‌شود. با اینهمه شیخ اشراق صرفاً با تکیه و استناد به شخصیتی به نام «فرشته» به بیان ساخته‌های ذهنی خود از اساطیر پرداخته جلوه‌های عرفانی بدان می‌بخشد. دقیقاً عناصر اساطیری در پرتو بصیرت و ذهنیت خاص سهروردی به منزله رموزی ظاهر می‌شوند که حاوی حقایق حکمت جاودانی اشراق است.^(۷)

آنچه که در «عقل سرخ» شیخ اشراق راجع به زال و سیمرغ و رستم و اسفندیار آمده اینگونه است: «پیر را گفتم: شنیدم که زال را سیمرغ پرورد و رستم اسفندیار را بیاری سیمرغ کُشت. پیر گفت: بلی درست است. گفتم

چگونه بود؟ گفت: چون زال از مادر در وجود آمد رنگ موی و رنگ روی سپید داشت. پدرش سام بفرمود که ویرا بصحرا اندازند و مادرش نیز عظیم از وضع حمل وی رنجیده بود. چون بدید که پسر کریمه لقا است هم بدان رضاداد، زال را به صحرا انداختند. فصل زمستان بود و سرما، کس را گمان نبود که یک زمان زنده ماند. چون روزی چند برین آمد، مادرش از آسیب فارغ گشت، شفقت فرزندش در دل آمد. گفت یک باری بصحرا شوم و حال فرزند بینم چون به صحرا شد فرزند را دید زنده و سیمرغ ویرا زیر پر گرفته. چون نظرش بر مادر افتاد تبسمی بکرد، مادر ویرا دربر گرفت و شیر داد، خواست که سوی خانه آرد باز گفت تا معلوم نشود که حال زال چگونه بوده است که این چند روز زنده ماند سوی خانه نشوم. زال را بهمان مقام زیر پر سیمرغ فروهشت و او بدان نزدیکی خود را پنهان کرد. چون شب درآمد و سیمرغ از آن صحرا منهزم شده آهونی بر سر زال آمد و پستان در دهان زال نهاد چون زال شیر بخورد خود را بر سر زال بخوابانید چنانکه زال را هیچ آسیب نرسید. مادرش برخاست و آهو را از سر پسر دور کرد و پسر را به سوی خانه آورد. پیر را گفتم آن چه سر بوده است؟ پیر گفت: من این حال از سیمرغ پرسیدم سیمرغ گفت زال در نظر طوبی بدنیا آمد. ما نگذاشتیم که هلاک شود، آهو بره را به دست صیاد باز دادیم و شفقت زال را در دل او نهادیم. تا شب ویرا پرورش می‌کرد و شیر می‌داد و به روز خود منش زیر پر می‌داشتیم.

گفتم حال رستم و اسفندیار: گفت چنان بود که رستم از اسفندیار عاجز آمد و از خستگی سوی خانه رفت پدرش زال پیش سیمرغ تضرعها کرد و در سیمرغ آن خاصیت است که اگر آئینه‌ای یا مثل آن برابر سیمرغ بدارند هر دیده که در آن آئینه نگیرد خیره شود. زال جوشنی از آهن بساخت چنانکه جمله مصقول بود و در رستم پوشانید و خودی مصقول بر سرش نهاد و

از منظر شیخ اشراق

آئینه‌های مصقول بر اسبش بست. آنگه رستم را از برابر سیمرغ در میدان فرستاد. اسفندیار لازم بود در پیش رستم آمدن چون نزدیک رسید پرتو سیمرغ بر جوشن و آئینه افتاد. از جوشن و آئینه عکس بر دیده اسفندیار آمد چشمش خیره شد، هیچ نمی‌دید، توهم کرد و پنداشت که زخمی بهر دو چشم رسید زیرا که دگران ندیده بود، از اسب درافتاد و به دست رستم هلاک شد. پنداری آن دو پاره گز که حکایت کنند، دو پر سیمرغ بود.» (۸)

مطالبی که از عقل سرخ شیخ اشراق نقل شد نشان‌دهنده هماهنگی و تناسب و آمیزش میان اساطیر ایرانی و اسلامی است که در حکمت اشراق شیخ اشراق تجلی‌ای تازه یافت. این تجلی تازه درحقیقت بیانگر ذهنیت‌های ویژه و برتر شیخ اشراق در سیر و سلوک صوفیانه‌اش در حکمت اشراق بوده است و از سویی نشانگر عظمت و طسیف گسترده معنایابی و شمول‌پذیری اساطیر ایرانی است که در حوزه عرفان به میزان حوزه حماسی معنا یافته و پایگاهی خاص می‌یابد.

مساله نور و خورشید یا پرتو خورشید که در آثار شیخ اشراق نمونه‌های آن فراوان و چشمگیر است؛ اهمیتی ویژه دارد و درحقیقت پی‌ریز و بنیان‌ساز حکمت اشراقی او نیز هست. همواره بین سیمرغ و خورشید رابطه وجود دارد و این نور در هویت وجودی سیمرغ بی‌رابطه نیست. حتی شیخ اشراق در روایت خود علت اصلی مرگ اسفندیار را همین نور می‌داند که از خورشید منعکس شده و بعد در پایان روایت تأکید می‌کند که آن دو گز درحقیقت همان پر سیمرغ است و بطور ضمنی مشخص است که پر سیمرغ در بازتاب نور خورشید به چشم اسفندیار باز می‌تابد.

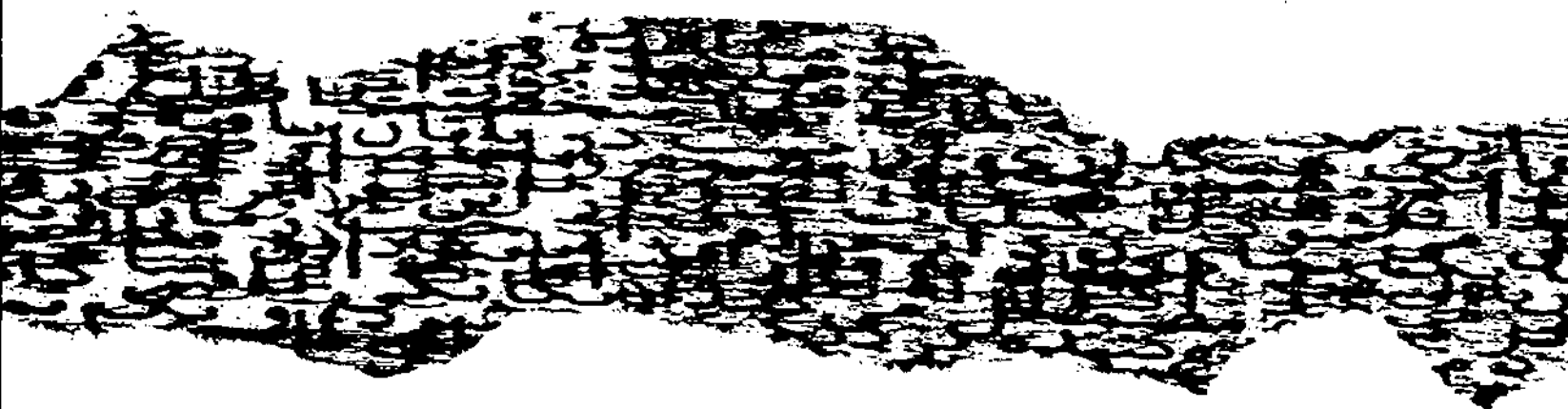
همچنین از باطن روایت شیخ اشراق برمی‌آید این که سیمرغ در حقیقت رمز فرشته خورشید و نیز رمز عقل اول و عقل کل یا هر یک از عقول است. این تعدد

معنی از آن جهت پذیرفته می‌شود که انوار قاهره یا فرشته، عقلها - که تعداد آنها در حکمت مشائی به ده عقل محدود می‌شود - از نظر ماهیت فرقی با یکدیگر ندارند. (۹) با توجه به این نکته سیمرغ که می‌تواند هم عقل اول باشد و هم رمزی از عقل دهم، چون بی‌واسطه به دریافت فیض نائل می‌شود نور اقرب است یا بعبارتی نیابت نورالانوار را در عالم عقول بعهدہ دارد، بدین ترتیب خورشید که نورانی‌ترین جرم نورافشان و خلیفه خدا در عالم افلاک و کواکب است، مظهر شریفترین فرشته - عقلها، یعنی عقل اول یا نور اقرب، خلیفه خدا در عالم فرشتگان است (۱۰) و همان است که شیخ اشراق در جاهای دیگر آشارش از او تعبیر به واسطه وحی می‌نماید. از سویی دیگر شیخ اشراق با توجه به توصیفی که در کتاب «آواز پر جبرئیل» دارد (۱۱) از نسبت نور و ظلمت به دو پر چپ و راست آن، دو ویژگی وجود و عدم را از نور و ظلمت تعبیر کرده و این رابطه نور و ظلمت و وجود و عدم که در سیمرغ به وسیله دو پر او بیان می‌شود در خورشید و ماه تجسم یافته صورت عینی و محسوس پیدا می‌کند.

خورشید جرم نورافشانی که از خود نور دارد و به منزله وجود است و ماه ظلمانی است و نور یا وجودش را از خورشید می‌گیرد و بنابراین به منزله عدم است. روح انسان در شرایط انسانی بالقوه فرشته یا دیو بوده تکامل واقعی روح آن است که مشابه فرشته‌ای گردد که از آن ناشی شده و این زمانی است که با گسستن از تعلقات و مادیات، چون آئینه‌ای زده از رنگ کدورتها پذیرای نور و محل اشراق نور حق از طریق پیوستن به عقل فعال می‌گردد به همان گونه که ماه چون در مقابل خورشید قرار می‌گیرد به تمامی روشن می‌شود و محل هبوط و اشراق نور خورشید می‌گردد و مثل خورشید شده و چون گوهر شب‌افروز در شب سیاه و ظلمت می‌درخشد و دیوی روح، زمانی است که در بحر تاریک ماده غرق

می‌شود و از اشراق نور بی‌بهره می‌ماند.

بعبارت دیگر در وجود انسان دو نیروی متضاد در جدال‌اند: یکی روح یا نفس ناطقه یا دل که جوهر الهی انسان است و یکی نفس که جوهر ذاتی و جنبه حیوانی انسان است، اولی مظهر نور است و دومی مظهر ظلمت و ماده، یکی انسان را به سوی عالم نور می‌کشاند و یکی به سوی ماده و ظلمت؛ فرشتگی و دیوی انسان در گرو پیروزی یکی از این دو است. مبارزه رستم و اسفندیار مبارزه این دو نیرو است. جهاد اکبر مبارزه با همین نفس و دشمن درون است که چون اسفندیار روئین تن است و هیچ سلاحی بر او کارگر نمی‌افتد مگر آنکه تنها اندام آسیب‌پذیر وی، یعنی چشمش از کار بیفتد و بر تعلقات دنیوی بسته شود. روح با راهنمایی پیری واصل و یا از طریق پیوستن به عقل فعال بر این خصم پیروز می‌شود، چنانکه رستم نیز با دستگیری زال و به کار بستن راهنمایی و هدایت او، که با سیمرغ در ارتباط است موفق می‌شود، با تحقق جوهر الهی خویش و کسب قابلیت پذیرش نور سیمرغ، بر اسفندیار غلبه کند (۱۲) این نور که منبع آن خورشید است در نمودار زیر نشان داده می‌شود و به تطبیق می‌توان برای نور و خورشید اینگونه معادل جست که البته هم در شاهنامه و هم در آثار شیخ اشراق دارای دو موقعیت جداگانه و متفاوت هستند و کارکردی جداگانه و نامربوط به هم دارند. نخست در شاهنامه از کنشهای حماسی بهره‌مند هستند و در مرحله بعد وارد ادب عرفانی شده خصوصاً در آثار کسانی همچون شیخ اشراق بطور اخص و سنایی (۱۳) و عطار (۱۴) بطور اعم جنبه عرفانی یافته‌اند. اما آنچه که در آثار شیخ اشراق مربوط به داستان زندگی اسفندیار و شخصیت‌های مربوط به آن آمده و مربوط به بحث ما می‌باشد نور و خورشید است که می‌توان اینگونه تطبیق کرد:



شاهنامه «حماسه»	آثار شیخ اشراق «عرفان»
سیمرغ	خورشید
فَرّه یا فَرّ	نور - پرتو

سهروردی در حکمت اشراق معتقد به انوار مجرد قدسی است و لازمه تکامل روحی و عرفانی را به بهره‌مندی از این نور برمی‌شمارد. هم اوست که در «پرتونامه» خود می‌گوید: هر که در ملکوت، فکری دایم کند و از لذات حسی و از مطامع پرهیز کند به افکار لطیف، نفس را در بعضی اوقات تطریب نماید و با ملاء اعلیٰ مناجات کند و تملق کند، انواری بر وی اندازند همچون برق خاطف و متتابع شود چنانکه در غیر وقت ریاضت نیز آیند و باشد که صورتهای خوب نیز ببیند و باشد که نفس را خطفه‌ای عظیم افتد به عالم غیب و در حس مشترک روشنائی اقتدر روشنتر از آفتاب و لذتی با او، این نور روشن روانان را ملکه شود که هر وقت که خواهند یابند و عروج کنند به عالم نور^(۱۵) و بی تردید انواری که در اینجا مدنظر حضرت شیخ اشراق است در ادب حماسی از آن تعبیر به فَرّ می‌شود؛ از لازم قدسی بعضی اساطیر شاهنامه است و ظاهراً مهر تأیید و قبول آنان از حیث دین زرتشتی نیز بوده است. حتی سهروردی در «الواح عمادی» خود بگونه‌ای مستقیم به ارتباط بین فَرّ و انوار مذکور اشاره دارد و به یقین این نور در بازآفرینی داستان رستم و اسفندیار در عقل سرخ مرتبط با همان پرتوی است که از آینه‌های مصقول منعکس شده و نهایتاً این نور شکل دگردیسی شده فرکیانی و پهلوانی در شاهنامه است که در حکمت اشراق سهروردی بگونه‌ای دیگر منعکس شده است و داشتن آن برای سیمرغ نشانه قرب بلاواسطه او یا سرچشمه فیض الهی است.

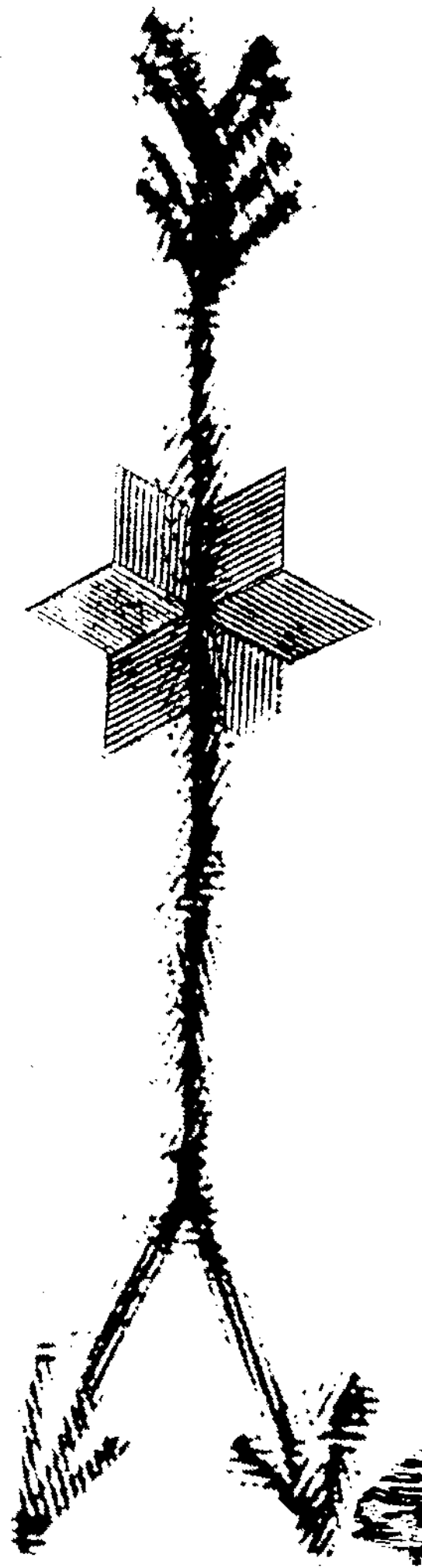
اما در مورد کارکرد این نور همان بس که همچون فرکیانی در حماسه راهگشاست و رستگاری‌بخش.

پس همین خاطر اسفندیار در نخستین لحظه‌ای که تحت‌الشعاع این پرتو واقع می‌شود چشمش بظاهر نابینا اما بیاطن بینایی می‌یابد و آگاه می‌گردد.

شیخ اشراق در «الواح عمادی» درباره همین انوار بصیرت‌بخش که چانشین فرکیانی در حماسه است و از سیمرغ بلاواسطه بوجود می‌آید می‌گوید: نوری که معطی تأیید است و نفس و بدن بدو قوی و روشن گردد در لغت پارسیان «فَرّه» گویند و آنچه ملوک را خاصی باشد آن را «کیان فَرّه» گویند^(۱۶) و هم اوست که در پرتونامه از قول زرتشت فَرّه را نوری می‌داند که از ذات خداوند ساطع می‌گردد و به آن مردم بر یکدیگر ریاست و سیادت می‌یابند.

شیخ اشراق در تعبیر و تفسیر این نور یعنی نور الانوار که به گونه فارسی معادل «روان‌بخش» و «اسپهبد ناسوت» نامیده می‌شود و هرگونه بزرگی و فضل را در خود دارد؛ هرگونه رستگاری را منوط به داشتن یا نداشتن این نور می‌داند.

ناگفته پیداست که تنها فره حماسی و سیمرغ شاهنامه نیست که در آثار شیخ اشراق جلوه‌ای عرفانی یافته‌اند. با نگاهی به آثار شیخ اشراق در حیطه داستان زندگی زال و اسفندیار و رستم بگونه‌ای لطیف می‌توان در جدول ذیل معادلهای مناسبی در فضای عرفانی برای شاخصهای حماسی یافت که پرداخت به یک یک آنها و کیفیت تطور و تحول آنها در دستگاه فکری شیخ اشراق در حوصله و حوزه این مقال نیست:



تجلی حماسی	تجلی عرفانی
سیمرغ	فرشته خورشید، عقل اول، عقل کل یا نورالانوار
فر	مثل انوار قدسی، نور، پرتو خورشید
رستم	سالک، خیر
اسفندیار	نفس حیوانی مادی، شر
زال	مرشد راهنما، پیر کامل، دلیل راه
گز	پیر سیمرغ، تجلی خورشید
بازره رستم و اسفندیار	جهاد اکبر بین نفس و روح
روبین تنی اسفندیار	تعلقات دنیایی
پیر سیمرغ	شعاع خورشید، پرتو نورالانوار
مرگ اسفندیار	وصال، نیل به آگاهی

«هانری کرین» راجع به دگردیسی جلوه‌های حماسی به عرفانی گفته نیز از طرحی اینچنین برخوردار بوده که در جدول فوق ذکر شد. این دگردیسی در عقل سرخ راجع به اسفندیار و داستان مرگ او بوضوح معلوم است. بازسازی داستان مرگ اسفندیار توسط شیخ اشراق این تحول و تغییر را بیان می‌کند. چیزی که در این تحول و تطور مهم است همان بافت معنی و مفهوم سمبولیک این جلوه عرفانی است که از زیبایی خاصی برخوردار است. (۱۷)

«هانری کرین» ویژگی‌های اساسی نظریه اشراقی را بطور کلی در سه اصل می‌داند که سهروردی تحت تأثیر این سه اصل آثار خود را پرداخته است نخست گرایش به برقرار کردن دوباره پیوند با حکمت نور که حکمای ایران باستان مبشر آن بودند، دوم تلفیق شناخت نظری و عرفانی در شاهراه حکمت که لازمه احیای اندیشه الهی نور است و سوم، رسیدن به شناختی که دیگر نه فقط شناخت نظری بلکه شناختی اشراقی و حتی رستگارکننده است. (۱۸) این اصول مبتنی بر همان دیدگاه اشراقی است که نور پی‌ریز آنها است.

با این وصف طبیعی می‌نماید که شیخ اشراق حکمت خود را موسوم به حکمت اشراق بداند و به این نام برگزیند ضمن اینکه مفهوم نور در واژه «اشراق» نیز معنا نهفته است. در این باره هانری کرین معتقد است نورالانواری که از مشرق به شرق دیگر روشن‌کننده عوالم است و برآمدن و طلوعش در هر مقام و مرتبه‌ای در حکم نوعی کشف است، نوری که از اعماق هویت الهی برمی‌خیزد و از آغاز پیدایش جهان تا پایان استحاله آن اندرکار و فعال است؛ همان «خورنه» اوستاست که در زبان پهلوی «خوره» و در زبان فارسی امروزه «قره» خوانده می‌شود. (۱۹) در ادبیات مزدیسنا نیز این پرتو را بگونه‌ای هاله مانند در اطراف سر روحانیون زرتشتی قرار می‌دهند. این صریح‌ترین و آشکارترین نمود ادب مزدیسنايي است که وارد عرفان فارسی شد.

شیخ اشراق در ارائه تمثیل‌های عرفانی خود مقید به برقراری رابطه میان تفکر نور است که مغان و موبدان زرتشتی مبلغ آن می‌بودند و در تمامی تمثیل‌هایش به پیوند شناخت فلسفی و عرفانی دامن می‌زند و مهم‌تر از همه اینکه این شناخت را به شکلی عرضه می‌کند که درک واقعی منوط به امر تأویل است چون از مرز حکایت و گزارش صرف گذشته با استعانت از رمزهای برساخته‌اش به تمثیل عرفانی دست می‌یابد و در حقیقت با توجه به این مراحل است که از حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی دست می‌یابد.

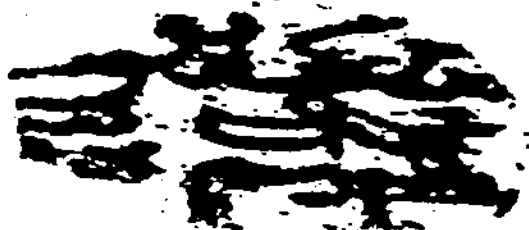
هانری کرین در تجزیه و تحلیل دگردیسی حماسه‌ها از پهلوانی به عرفانی زیباترین تعبیر را ارائه می‌نماید او با استناد به بازسازی داستان زال و اسفندیار در آثار شیخ اشراق جوانب تمثیلی این بازسازی یا در حقیقت بازآفرینی را نشان می‌دهد. در برشماری ویژگی‌های ذاتی تمثیل‌های عرفانی معمولاً در هر یک نوعی روایت یا حکایت موجود است و بعد سیر و سلوک و تأویلی؛ منظور از تأویل این که حکایت با برکندن گذشته از تاریخ گذشته‌اش دوباره در زمان بازگشته‌ای

فعلیت می‌یابد که در آن حکایت با تمثیل تبدیل به رویداد روان در وراء تاریخ می‌شود. هر حکایتی از دیدگاه نوعی تأویل است و سهروردی از همین طریق کردوکار ایرانیان را به معنای عرفانی آن یعنی به مشرق‌اش باز می‌گرداند و در آنجا رویداد پهلوانی به رویدادی عرفانی تبدیل می‌شود که گویی بصورت تجربه‌ای شخصی در درون اتفاق افتاده است.

کرین اینگونه برگشت را گذار از حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی می‌نامد (۲۰) و هم آنجاست که می‌توان این گذار و دگردیسی را در واقع نوعی گذر به تاریخ قدسی نفس به حساب آورد به این معنی که حماسه‌ها در حقیقت بازگشتی حقیقی به خویشتن دارند و در درون خود به تجربه عرفانی دست می‌یابند و درحقیقت به شرق اصالت خود وصل می‌شوند و روی فراموش شده خود را می‌جویند و اسفندیار در گذر از چنین تجربه‌ای قرار گرفته است.

سهروردی با پیوند زدن میان فکرت عرفانی بازگشت و کردوکار قهرمانان جهان‌بین پارس باستان جوانمردان اسلام را به نوامیس اخلاقی مشترک در هرگونه اندیشه جوانمردی و شهسواری برمی‌گرداند و شاهنامه فردوسی را درست مانند تورات یا قرآن با دید باطن تأویل می‌کند. بدینسان شاهنامه نیز همراه با کردوکار پهلوانان ایران باستان جزوی از نمود «کتاب مقدس» می‌شود همچنانکه منزلت جوانمرد نیز منزلت همان ناموسی است که هر سالکی در طلب جان خویش به آن نظر دارد. سهروردی در پرتو راهی که تأویل کتاب مقدس در اسلام به روی او گشود، توانست حکمت ایران باستان را در بافت مجموعه متون مقدس بشری، استادانه جا دهد. (۲۱)

به قول هانری کرین در کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی» نیت سهروردی به عمد احیای حکمت ایران باستان بود (۲۲) و بهترین وسیله برای این کار استفاده از اساطیر شاهنامه به نظر می‌رسید. از همین دیدگاه است



تأثیر امام خمینی و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر

در یک نگاه

این کتاب گزیده‌ای از مقاله‌هایی است که طی دو روز نشست در اصفهان (۱۸-۲۰ مهر ۷۷) در اولین کنگره بررسی تأثیر امام خمینی و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر، از سوی استادان و پژوهشگران ارایه شده است. اولین جلد از مجموعه مقالات کنگره همزمان با برگزاری این نشست در مهرماه ۷۷ به چاپ رسید اما جلد دوم در سال ۷۸ منتشر شده است.

عنوان مقاله‌های این مجموعه دو جلدی به شرح زیر است:

جلد اول:

بازتاب قیام مردمی پانزده خرداد ۴۲ در ادبیات معاصر / امام خمینی و ادبیات عرفانی / سایه سبک هندی بر غزل عصر انقلاب / نگاهی به شعر انقلاب اسلامی / بررسی میزان تأثیر انقلاب اسلامی بر محتوای کتب فارسی در دوره ابتدایی / چهره زن در شعر انقلاب / مرگ اندیشی در ادبیات گذشته، معاصر و انقلاب / انقلاب اسلامی و ادبیات عامیانه / تماشای زخمهای متبرک، نگاهی به تحول سبک شعر در انقلاب اسلامی / تأثیر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بر ادبیات داستانی / شیوه شاعری علی معلم دامغانی / مطالعه تطبیقی عشق الهی در اشعار مولوی، هربرت و امام خمینی / بررسی هوریستیک و دید / اکتیو کتاب چهل حدیث و نقش این کتاب در ادبیات معاصر ایران / مصاحبه با نصرالله مردانی، شاعر معاصر.

جلد دوم:

نگاهی به سبک غزل امروز / بررسی سیر تطور تصنیف سرایی از پیش از انقلاب اسلامی تاکنون / فاصله زیباشناسی در منظومه‌های حماسی دوره انقلاب اسلامی / سیمای امام در شعر معاصر / تحول در ادبیات داستانی کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی / امام خمینی و ادبیات عرفانی / پرتوی از ولی‌الله اعظم در منشور شعر فارسی / چگونه نویسنده شدم و ایمان را باز یافتم / چگونگی طرح مسایل مربوط به انقلاب اسلامی و شخصیت حضرت امام خمینی در کتاب‌های فارسی اول تا پنجم دبستان / نمادگرایی در ادبیات فارسی معاصر / تأثیرپذیری ادبیات عامیانه و حماسی ایل بویراحمند از نهضت امام خمینی / تفکر دینی در ادبیات مشروطه / شکوفایی نمادگرایی در شعر معاصر در پرتو اندیشه و سیره حضرت امام خمینی / امام و ادبیات عرفانی / بازتاب فهم نوین ولایت، غدیر، عاشورا و انتظار در شعر معاصر / سیمای امام خمینی در شعر انقلاب اسلامی / مصاحبه با شاعر معاصر دکتر طاهره صفارزاده.

گفتنی است دومین کنگره بررسی تأثیر امام خمینی، و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر نیز به زودی در دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی علامه طباطبائی با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی برگزار خواهد شد.

۱. چاپ سوم، ۱۳۶۸، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۵۷.
۲. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، سیدحسین نصر، ج ۳، چاپ دوم، ۱۳۷۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۳۲.
۳. ر. ک. به مزدینا و ادب فارسی، دکتر محمد معین، دانشگاه تهران، ۲۵۳۵، ص ۶۴.
۴. همان، ص ۲۸۰ و ۲۸۱.
۵. رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تقی پورنامداریان، ص ۱۴۴. به نقل از: Encyclopaedia Britannica P. 1132.
۶. همان، ص ۱۴۵.
۷. همان، ص ۱۶۳.
۸. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، سیدحسین نصر، ج ۳، ص ۲۳۲ الی ۲۳۴.
۹. رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تقی پورنامداریان، ص ۱۶۹.
۱۰. همان، ص ۱۷۰.
۱۱. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، سیدحسین نصر، ج ۳، ص ۲۲۰.
۱۲. رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تقی پورنامداریان، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.
۱۳. دیوان ثنائی غزنوی، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، ۱۳۵۴، ص ۴۲.
۱۴. ر. ک. به منطق الطیر عطار و نقش سیمرغ در ساختار کلی سفرهای مرغان سالک.
۱۵. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، سیدحسین نصر، ج ۳، صص ۸۰-۸۱.
۱۶. همان، ص ۱۶۸.
۱۷. فردوسی و ادبیات حماسی، مجموعه سخنرانی‌های نخستین جشن توس، انجمن آثار ملی ایران، ص ۱۳۱.
۱۸. آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، داریوش شایگان، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول ۱۳۷۱، انتشارات آگاه، ص ۲۱۴.
۱۹. همان، ص ۳۲۱.
۲۰. همان، ص ۳۰۹.
۲۱. همان، ص ۳۱۴.
۲۲. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه جواد طباطبائی، چاپ اول ۱۳۷۲، انتشارات کویر، ص ۲۸۹.
۲۳. همان، ص ۲۹۴.

که به بازسازی وقایع اساطیری می‌پردازد و از اسطوره به عرفان پلی ظریف برقرار می‌کند و در این گذرگاه به بیان دیدگاههای اشراقی خود می‌پردازد. شکی نیست که سهروردی در درون اساطیر به سفری دور دست می‌زند و در این سفر هویت اساطیر را به میل خود تغییر داده بنیادهای اولیه داستانها را عوض می‌کند تا شکلی نو بگیرند و در سیر و سلوک قسمتی از زندگی خود را نیز وارد می‌کند و رابطه خود را با ارسطو در میان خواب و بیداری به میان آورده و در کتاب «التلویحات» خود به آن می‌پردازد که تمام مقصودش از این همه بازآفرینی‌ها همان بازگشت به خویشستن یا معرفت نفس است. (۲۲)

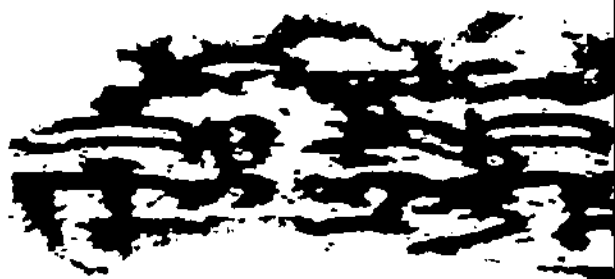
در تجلی داستان اسفندیار به گونه‌ای عرفانی پیوند سرگذشت اسفندیار با زال مناسبی ویژه دارد. این پیوند در حقیقت پیوندی میان حماسه ملی و جنبه مذهبی زرتشتی است چون زال نماد برجسته‌ای از حماسه ملی ایران است که رستم از او بوجود می‌آید و حادثه‌ساز دنیای اساطیر حماسی می‌شود و اسفندیار حماسه مذهبی در ادبیات مزدیسناست که اهمیت او در ابعاد مذهبی‌اش هم در شاهنامه و هم در اوستا قابل توجه است.

بر اساس روایت شیخ اشراق در عقل سرخ، اسفندیار کشته شده تیرگز نیست بلکه سیمرغ عامل اصلی مرگ اوست که البته عاملیت سیمرغ بواسطه پرتو پره‌های سحرانگیز اوست که جنبه قدسی و وحیانی دارد و دقیقاً همان «خورنه» زرتشتی و فره حماسه در شاهنامه فردوسی است. جالب اینکه کور شدن چشم اسفندیار و مرگش در شاهنامه در روایت شیخ اشراق و مرگ او دقیقاً به معنی بینایی چشم باطن بوده، یادآور بقای بعد از فنای سالک در سیر و سلوک عرفانی است.

والسلام

پاورقی‌ها:

۱. رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تقی پورنامداریان،



با تو گفته‌ام که مخاطب تویی، اما مقصود مخاطبان غایب‌اند که خواهند پس از ما آمدن که فواید عجیب را در کتاب ما بدیشان خواهند نمودن که «الشاهد یزی ما لایزی الغائب» این مقام باشد. در این مقام تا غایب نشوی، حاضر نباشی؛ و تا حاضر نباشی، غایب نشوی.

(تمهیدات، ۳۲۷)

دریغا آن شب که شب آدینه بود که این کلمات می‌نوشتیم به جانی رسیدم که هرچه در ازل و ابد بود و باشد در حرف الف بدیدم. دریغا کسی بایستی که فهم کردی که چه می‌گویم!

(تمهیدات، ۳۴۷)

تمهید یکم: نخستین نگاه اجمالی برای آشنایی و گزینش متن

۱-۱ عین‌القضاة همدانی (۳۹۲ - ۵۲۵ هجری قمری) پیش از آن که در همدان، در دوره‌ای کوتاه، حدود بیست روز بسا رازهای عرفانی در محضر احمد غزالی بیاموزد و از آن پس نگاهی و راهی دیگر، به سوی ناکجا آبادی برگزیند که جسم را قربانی می‌گیرد تا روح را شیفتگی و سرشاری و زایایی جاودانه بخشد (احتمالاً سال ۵۱۵ هجری قمری)، ده کتاب و رساله و یک مجموعه شعر فراهم ساخته بود. این آثار نتیجه جستجوهای جوانی پرشور در عرصه‌های گوناگون، مانند علم صرف و ادبیات و علوم عربی و تفسیر قرآن و علم حساب هندسی و پاره‌ای از مسائل کلامی بودند. از میان آنها تنها «رساله جمالی» که اثری کم حجم است به فارسی است و اتفاقاً تنها از همین اثر است که نشانی در دست است (برای نام کتابها رک تمهیدات، مقدمه مصحح، ۲-۳).

۱-۲ عین‌القضاة برجسته‌ترین آثار خویش را پس از بیست و چهار سالگی (تا سی و سه سالگی) نوشته است. آثار بسرجای مانده از این دوره عبارتند از زبدة الحقایق (نخستین اثر) و شکوی الغریب

(وایسین اثر) به زبان عربی، و تمهیدات و نامه‌ها به زبان فارسی. این چهار اثر آینه تمام‌نمای دوران بلوغ فکری، و پختگی و سوختگی شتابان عین‌القضاة‌اند.

سه کتاب دیگر نیز به عین‌القضاة منسوبند که معروفترین آنها شرح کلمات قصار باباطاهر، به زبان عربی است (رک شرح احوال و آثار و دویته‌های بابا طاهر عریان به انضمام شرح و ترجمه کلمات قصار وی منسوب به عین‌القضاة همدانی...)

۱-۳ در بررسی نثر صوفیانه عین‌القضاة کتابی مورد توجه نگارنده است که:

الف - برآستی نگاشته عین‌القضاة باشد

ب - در ویرانگریهای گوناگون تاریخ پرآشوب اندیشه از میان نرفته باشد

پ - به زبان فارسی نوشته شده باشد

ت - فضای شوق و تلاش و شیفتگی و اندیشگی آن بیشترین برجستگی عرفانی را دارا باشد.

خوشبختانه هر چهار اثر مهم او برجای مانده و به چاپ رسیده‌اند (زبدة الحقایق، تمهیدات و شکوی الغریب به کوشش عقیق عسیران، و نامه‌ها - همراه با رساله جمالی - به کوشش علی‌نقی منزوی و عقیق عسیران).

۱-۴ هر چهار ویژگی فوق در تمهیدات (در درجه اول)، و نامه‌ها (در درجه دوم) جمعند. اما در این جا نگارنده تنها به تمهیدات می‌پردازد زیرا

۱-۱-۴ نخست اینک «مطالب مکتوبات [= نامه‌ها] اغلب مربوط به مسائل فلسفی مانند ممکن و واجب، و حادث و عرض... و اصول عرفان مانند عشق و فنا و قیامت و عالم ارواح، و سلوک و شرح احادیث و آیات قرآن و ارکان دین اسلام، و هر چه بدین موضوعات تعلق دارد می‌باشد» (تمهیدات، مقدمه مصحح، ۱۰) و در تمهیدات «تنها از عرفان محض گفتگو شده است. عین‌القضاة تجارب روحی خود را که عبارت از فداکاری برای وصول به محبوب و فنا در معشوق و تحمل گذار عشق و دریافت لذت و صمیمیت و صفا است بیان می‌دارد» (تمهیدات، مقدمه مصحح، ۱۴) و «با وجود... تشابهات [بسیار زیاد] میان تمهیدات و نامه‌ها، تمهیدات بر ادوات، مواجید و اشاراتی عرفانی اشتمال

دارد که طرح آنها البته در مکتوبات [= نامه‌ها] - که به همه حال محدودیت‌های ویژه‌ای برای نویسنده دارد - نمی‌توانسته است میسر باشد...» (خاصیت آیینگی، ۵۳)

۱-۲ دوم آن که اگر زبدة الحقایق مهم‌ترین اثر عربی عین‌القضاة باشد، که هست، تمهیدات به عنوان اثری یکپارچه و دارای تشابه موضوعی با زبدة الحقایق، به عنوان مهم‌ترین اثر فارسی عین‌القضاة مطرح می‌شود به گونه‌ای که از یک سو پاره‌ای از موضوعات زبدة الحقایق را بسط و تفصیل می‌دهد و از سوی دیگر رنگ شدید جاودانه‌ای از عشق و عرفان بدانها می‌زند.

۱-۳ سوم آن که عین‌القضاة خود سالها بعد به زبدة الحقایق، که آن را در بیست و چهار سالگی نوشته است، نگاهی انتقادی دارد: «اگر در زبدة الحقایق دعوی کرده‌ام آن از ده سال باز ساخته‌ام، یا در آن دعاوی عریض طویل کاذب بوده‌ام و بی‌خبر از آنچه گفته‌ام، یا مراد از آن روزگار حالتی بوده‌است که اکنون مانده نیست. پس آن در وقت خود به اضافه با آن روزگار درست بوده است و این به اضافه با حال حاضر است و الصوفی ابن وقیه. در هر نفسی آن گوید و آن پوید که باشد.» (نامه‌ها، ۳۵۷/۲۰) سال نگارش این نامه، با اشاره به «ده سال»، وایسین سال عمر او است که شهاب‌وار گذشت.

مباحث مطرح شده در زبدة الحقایق بیشتر جنبه فلسفی دارند و در طرح فلسفی آنها جسارت ذهنی وقاد جلوه‌گر است و همانها مبنای تکفیر و فتوای قتل در چند سال پس از نگارش کتابند.

عین‌القضاة جسارت ذوق و دید عرفانی را در تمهیدات به اوج می‌رساند و خود درباره آن می‌گوید «ای دوست! اگر در این کتاب زبده، هیچ کلمه نیستی جز این کلمات، زبده علوم هر دو جهان آمده است، پس بودی عالمیان را... دریغا چه دانی که در این تمهید چند هزار مقامهای مختلف واپس گذاشتیم و از هر عالمی زبده‌ای در کسوت رموز با عالم کتابت آوردیم! پدید باشد که از آن عالم با این عالم چه توان آوردن؛ جرعه‌ای از کاسه «لا بل هذا کثیر قطرة من بحر لجی لا بل شعاع من شمس» (تمهیدات، ۳۰۸ و ۳۰۹) بدین سان تمهیدات، فزون بر آن که به زبان

تمهیداتی در کلام السکران*



فارسی است، در برابر زبده الحقایق برجستگی موضوعی ویژه‌ای دارد.

۴-۱-۴ چهارم آن که نگارنده آموخته است که «در زبان فارسی پارهای از آثار شعر صوفیه هست که آنها را می‌توان شعر منشور خواند. مناجات‌های پیر انصاری و تمهیدات عین‌القضاة و سوانح احمد غزالی، و لمعات عراقی و لواطج جامی شعرهای عارفانه‌اند که در قالب کلام منشور مجال بیان یافته‌اند.» (ارزش میراث صوفیه، ۱۳۰)

۴-۱-۵ و سرانجام، پنجم آن که نامه‌ها نیز، علیرغم همانندیهای محتوایی و صورتی با تمهیدات، ویژگیهای ساختاری و واژگانی خاص خود را نیز دارند. اما از آنجا که، همان گونه که گفته شد، نبض عرفان در تمهیدات تپندگی فراگیرتر و نیرومندتری دارد و اشارتهای عرفانی نامه بسط و تفصیلی یکپارچه‌تر و روشمندتری یافته است، و افزون بر آن، این مجال اندک را جایی برای بررسی نامه‌ها نیست، و در این جا تنها نگاهی به تمهیدات داریم تا قبسی از آن به دیده‌ی جان گیریم.

تمهید دوم: عوامل تعیین‌کننده در نثر عین‌القضاة

۲-۱ نثر خاص عین‌القضاة برآیند چند عامل بنیادین و تعیین‌کننده است:

یکم. آشنایی با ادب و بلاغت.

۲-۱-۱ نیازی به گفتن ندارد که درسهای گوناگون در زمینه ادب و بلاغت هم جزء برنامه‌های درسی رسمی و غیررسمی همه کسانی بوده است که نوشتار را مهم‌ترین ابزار تعلیم و تعلم می‌دانسته‌اند. همه کسانی که آثاری نوشتاری به قلم خویش داشته‌اند یا ذوق ادبی ویژه‌ای داشته‌اند، یا بهره‌گیری از علوم ادبی را در فهم متون از یک سو، و در نگارش متن مطلوب از سوی دیگر سودمند یافته‌اند، بویژه آن که همه کسانی که با قرآن، به عنوان مهم‌ترین سرچشمه دستیابی به معارف، انس داشته‌اند، توجه به مقدمات ادبی عربی را از مهم‌ترین لوازم قرائت متن و نیل به معنی خاص می‌دانسته‌اند.

۲-۱-۲ عین‌القضاة جوان نیز گذشته از نگارش «المقتلذ من التصریف» در علم صرف، طرح کتاب ده جلدی «المدخل الی العربیه و ریاضة علومها الادبیه»

را در ادبیات و علوم عربی آماده داشته است. همچنین اثر ادبی «امالی الاشتیاق فی لیالی الفراق» را نوشته است. (او در شکوی الغرب از این کتابها نام برده است.)

۳-۱-۲ در نثر فارسی او بی‌گمان با نوشته‌های پیر هرات و احمد غزالی آشنا بوده است. وضع ادب فارسی در اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم کاملاً روشن است و عین‌القضاة از نظم و نثر فارسی، بویژه در حوزه عرفان نظری و عرفان عاشقانه، بهره‌ها گرفته است و پیوند او با سنت پیران سوخته دل ولایت جبال، که در سخنان صمیمی دلشدگان بعضاً امی تجلی می‌یافت زبان او را صمیمیت، سادگی و رهایی از تکلفات بخشیده است که این، البته، با تجارب شخصی، و روان‌شناسی ویژه او نیز پیوند دارد.

دوم. ذوق شاعرانه

۲-۲-۱ براستی کدامین ایرانی است که ذوق شاعرانه نداشته است و ندارد! و کدامین قلم بدستی است که این ذوق را تاحدی در خویش پرورش نداشته است بویژه اگر سنت تعلیم و تربیت بر آموزش فن شاعری، و بهره‌گیری از آفرینشهای شاعری تأکید داشته باشد. طبیعی است که در چنین سنتی دلشدگان و شیفته‌ی جانانی که به سوی عرفان کشیده شده‌اند گرایش بس شدیدتر به شعر و شاعری داشته باشند و عین‌القضاة نمونه‌ای تمام عیار از این سوت‌ه‌دلان شیدایی است که عرفانش عاشقانه است و کدامین عرفان عاشقانه است که شاعرانه نباشد. و مگر عشق و عرفان بیشترین وزن را در شعر پربار ایران ندارند؟

۲-۲-۲ عین‌القضاة دوران پرشور جوانی سرشار از عشق و عرفان را با شعر و شاعری سپری کرده است و نه تنها از گنجینه شعر شاعران پیشین بهره‌ها گرفته و به دلخواه خویش دست به گزینش اشعار مرتبط با علایق عرفانی خویش زده است بلکه خود شعرها سروده است، چنان که مجموعه «نزه العشاق و نزهة المشتاق» او دارای هزار بیت عاشقانه و غنایی عربی بوده است، و در آثار فارسی او، جای جای نشان ذوق شاعرانه او را در سرایش شعر یا بهره‌گیری از شعر شاعران نامدار تا دوبیتی‌های محلی می‌یابیم. تمهیدات و نامه‌ها (و البته شکوی الغرب، و تا حدودی زبده الحقایق نیز) ابیات

موسی اکرمی

فارسی و عربی و دوییتی‌ها و رباعیات زیادی در خود دارند که حتی اگر پاره‌ای از آنها، یا بیشتر آنها، را از خود عین القضاة ندانیم، دست کم می‌توانیم از ذوق شاعرانه، و جغرافیای شعری او و گزینشهای شعری او در پیوند با متن منتور خود، آگاه شویم.

سوم. تجربه عرفانی خاص

۱-۳-۲ عین القضاة از یک سو با میراث عظیم عرفان و تصوف (از اویس قرنی و حسن بصری و حلاج تا ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابی‌الخیر و خواجه عبدالله انصاری و محمد غزالی و احمد غزالی) و از سوی دیگر با آموزه‌های بابا طاهر و بابا جعفر و شیخ فتحه و شیخ برکه اقی، و سنت عرفان خاص ولایت جبال آشنا است. اما جان بی‌قرار او را به عرصه‌های پرخطر تجارب شخصی عرفانی می‌کشاند و از این رو با چنان دلیری و سوز و گدازی از دانستنیها و دیدنیهای خود می‌گوید که کم‌تر کسی را می‌توان آن گونه شوریده و سوخته دل و مشتاق و جسور در افشای راز دید به گونه‌ای که سراسر نوشته‌اش موجا موج فغان و فریاد شورانگیز است و بر زبان هستی‌اش و بر قلمش چنین جاری می‌شود: «هرچه در مکتوبات و امالی این بیچاره‌خوانی و شنوی از زبان من نشنیده باشی، از دل من شنیده باشی. از روح مصطفی - علیه‌السلام - شنیده باشی؛ و هرچه از روح مصطفی - علیه‌السلام - شنیده باشی، از خدا شنیده باشی.» (تمهیدات، ۱۷)

۲-۳-۲ تجربه عرفانی، سیر در عوالم ویژه، جلوه‌گر شدن وجوهی از ناشناختنی‌ها، و مسأله افشای راز و جسارت ویژه عین القضاة در تمهیدات موج می‌زند. «ای عزیز! لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی‌الالباب اذنی و گستاخی داده است به سخن گفتن و واقع نمودن پیران یا مریدان» (تمهیدات، ۱۷). «شمه‌ای و قدری چنانکه دهند و چنانکه آید گفته شود.» (تمهیدات، ۵۶) «غیرت الهی مستولی شده است. نمی‌گذارد که بیش از این گفته شود.» (تمهیدات، ۲۰۳) «دریغ! ببین که چند نمایی و جاسوسی بکردم، و چند اسرار الهی بر صحرا نهادم! اگرچه گفتن این اسرار کفر آمد که «افشاء سر الربوبیة کفر» اگر چه غیرت او مستولی است برداشتن وجودها! اما زشتی بکنم، و بیتی چند که بر طریق سجع وقتی صادر افتاد، اگر چه بسیاری غموض با خود دارد، بنویسم. بعد ما که جز روان مصطفی - صلعم - و محبان خدا کسی دیگر بر معنی این بیتها مطلع و واقف نشود؛ اما دیگران را نصیب جز شنودن نباشد. دانستن و دریافتن دیگر باشد و دیدن دیگر.» (تمهیدات، ۲۶۹)

۳-۳-۲ این تجربه غنی عرفانی است که چون هجوم دریا بر کوزه صفحات نوشته را دربر می‌گیرد، قلم رها می‌شود تا عارف به خود آید و بنویسد «این خود رفت.» (تمهیدات، ۲۲۰ و ۲۷۰).

۴-۳-۲ عین القضاة در جای جای تمهیدات وصفی از حالت خویش بدست می‌دهد. «این شیفته را مدتی حالتی و وقتی روی نمودی که اندرسالی چند اوقات نام

خدای - تعالی - بر زبان نتوانستمی راندن تا جمال و القلم و ما یسطرُون» این بیچاره را بناوخت، و قبول کرد و گفت: بگو «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» چه توانی دانستن که این در کدام مقام باشد و در کدام حالت شاید گفتن؟! (تمهیدات، ۳۵-۲۶). «دریغ! در این جنت قدس که گفتم، یک ماه این بیچاره را بداشتند چنانکه خلق پنداشتند که مرا موت حاصل شده است. پس به اکراهی تمام مرا به مقامی فرستادند که مدتی دیگر در آن مقام بودم.» (تمهیدات، ۲۳۱-۲۳۲). «دریغ! چه دانی که این مقام با هر کسی چه می‌کند! کافر که اگر هرچه به من دهند نه از بهر این مقام است. باش تا ذره‌ای از این مقام بر تمثل مقام صورتی به تو نمایند. آنگاه بدانی که این بیچاره در چیست!» (تمهیدات، ۲۹۵) «هرگز ندانی که چه می‌گویم! باش تا رسی و ببینی. گو هنوز در خانه بشریت مقیم شده‌ای و در دست هوا و نفس گرفتاری. این مقام را چه باشی!» (تمهیدات، ۲۲۷)

۵-۳-۲ عین القضاة در تجربه عرفانی سرنوشت خویش را به شهودی خاص، و البته با پیش چشم داشتن سرنوشت حلاج، می‌بیند و بیخردانه از آن می‌گوید: «گروهی دیگر مست آمدند، و زئار نیز بر بستند، و سخنهای مستانه آغاز کردند، بعضی را بکشتند، و بعضی را مبتلای غیرت او کردند چنانکه این بیچاره را خواهد بود!! ندانم کی خواهد بود؟! هنوز دور است!!!» (تمهیدات، ۲۰۵-۲۰۶) «دریغ! نمی‌یازم گفتن! مگر که شریعت را ندیده‌ای که نگاهبان شده است بر آنها که از ربوبیت سخنی گویند؟ هر که از ربوبیت سخن گوید در ساعت شریعت خونس بریزد.» (تمهیدات، ۲۳۰) «دریغ! در این جنت قدس که گفتم، یک ماه این بیچاره را بداشتند چنانکه خلق پنداشتند که مرا موت حاصل شده است. پس به اکراهی تمام مرا به مقامی فرستادند که مدتی دیگر در آن مقام بودم؛ در این مقام دوم دینی از من در وجود آمد که عقوبت آن گناه، روزگاری چندبینی که من از بهر این ذنب کشته شوم. چه گویی آن کس که عاشق را مانع باشد از رسیدن معشوق، ببین که چه بلا آید او را!!! در این معنی این بیچاره را دردی افتاده است با او که نمی‌دانم که هرگز درمان یابد یا نه؟! هرگز دیده‌ای که کسی دو معشوق دارد، و با این همه خود را نگاه باید داشت که اگر با معشوقی بود آن دیگر خونس بریزد و اگر با دیگری همچنین؟!» (تمهیدات، ۲۳۱-۲۳۲) «وقت بودی که درآمدی با جماعت محبان؛ و در این حالت که مرا بودی، وقت بودی که مرا با خود ندانندی؛ مرا از چشم ایشان بپوشانیدندی. درآمدندی، و مرا ندیدندی. و وقت بودی در این مقام یک ماه بماندمی چنانکه هیچ کس مرا در نیافتی. باش تا این آیت ترا روی نماید که در حق عیسی گفت «و ما قتلوه و ما صلیبوه و لكن شیعیه لهم.» این هم به چه یافت؟ بدان یافت که رفعت داده بودند او را. «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ» این معنی باشد.» (تمهیدات، ۲۴۷-۲۴۸) «کامل الدوله والدین» نبشته بود، گفت که در شهر می‌گویند که عین القضاة دعوی خدایی می‌کند، و به

قتل من فتوی می‌دهند. ای دوست! اگر از تو فتوی خواهند تو نیز فتوی می‌ده. همه را این وصیت می‌کنم که فتوی این آیت نویسند: «وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذُرُوا الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» من خود این قتل به دعا می‌خواهم. دریغ! هنوز دور است! کی بُود؟ «و ما ذلک علی الله بعزیز». (تمهیدات، ۲۵۱) «اگر خواهی که شکست برخیزد نیک گوش دار، اگرچه از برای این سخن خونم بخواهند ریخت، اما دریغ ندارم و بترک خود بگویم: آنها که در بند بودند خود زهره و یارای آن نداشتند که از این اسرار بگویند.» (تمهیدات، ۲۶۶-۲۶۷). «دریغ! اگرچه خونم بخواهند ریختن اما دریغ ندارم! اما هنوز دور است!» (تمهیدات، ۳۱۹-۳۲۰)

۶-۳-۲ عین القضاة این شوریده سری را در بیان حال و سرنوشت خویش این گونه بر پرده رنگ در رنگی که از ازل تا به ابد، و از بی‌کران تا بی‌کران گشوده است، نقش می‌زند: «اکنون این بیتها را گوش دار... تا باشد که آنچه که با ما خواهند کردن تو را نصیبی بود. تو پنداری که قتل در راه خدا بلا آمد یا بلا باشد؟ نه قتل در راه ما جان آمد. چه گویی کس دوست ندارد که جانش دهند؟! دریغ! آن روز که سرور عاشقان، و پیشوای عارفان، حسین منصور را بردار کردند، شبلی گفت: آن شب مرا با خدا مناجات افتاد، گفتم: «الهی اَلِی مَتَى تَقْتُلُ الْمُحِبِّينَ؟ قال الله تعالی: اَلِی اَنْ اُجَدَّ الدِّیةَ. قلت: یا ربِّ و ما دیت؟ قال: لِقائِی و جمالی دِیةُ الْمُحِبِّينَ» دانی که چه می‌گوید؟ گفت: گفتم یار خدایا محتبان خود را تا چند کشی؟ گفت چندان که دیت یابم. گفتم: دیت ایشان چه می‌باشد؟ گفت: جمال لقای من دیت ایشان باشد. ما کلید سز اسرار بدو دادیم، او سز ما آشکارا کرد: ما بلا در راه او نهادیم تا دیگران سز ما نگاه دارند. ای دوست هان سز چه داری؟ سز آن داری که سر در بازی تا او سز تو شود. دریغ! هرکسی سز این ندارد، فردا باشد روزی چند عین القضاة را ببینی که این توفیق چون یافته باشد که سر خود را فدا کند تا سروری یابد! من خود می‌دانم که کار چون خواهد بود!» (تمهیدات، ۲۳۵-۲۳۶)

چهارم. تبحر در علوم گوناگون

۱-۴-۲ نیای عین القضاة ابوالحسن علی میانه‌ای / میانجی، و پدر عین القضاة، ابوبکر محمد بن علی میانه‌ای / میانجی، هردو، با برخورداری از هوش و فضل و تحصیلات دینی، قاضی همدان بودند. نیای عین القضاة فقیهی بود با ذوق ادبی، و پدرش فقیهی با گرایش عرفانی. و عین القضاة در چنین خانواده‌ای، با برخورداری از هوش سرشار، در کودکی و جوانی با عطشی سودایی جان شیفته خود را در وادیهای گوناگون علم و ادب گشاند، و بسی زود آموختنی‌های زمانه آموخت، چنان که سالها بعد، در همان شهر، فخرالدین عراقی در هفده سالگی مدرس انواع معارف روزگار خود شد. یازده اثری که در دوران جوانی فراهم ساخته است (بنا بر آنچه در شکوی الغریب آمده) مجلای

جستجوهای دوران نوجوانی و جوانی او بوده‌اند و علایق گوناگون او را متجلی می‌ساخته‌اند. زبدة الحقایق، که آن را در حدود ۲۴ سالگی نوشته است، بیشتر از هر اثر دیگر او رنگ فلسفی دارد. اما مجموع آثار او تبحر او را در ادب، شعر، فلسفه، ریاضیات، فقه، کلام، حدیث، تفسیر و تأویل قرآن، احوال و اقوال عارفان پیشین و پیران ولایت جبال، تعالیم گنوسی، آرای اسماعیلیان، اوضاع زمانه و... نشان می‌دهد به گونه‌ای که او بیشترین علوم را در خود جمع دارد و تقریباً جامع‌العلوم است. اما او، بهرحال، عارفی شوریده سر است و دانش عظیم او در حوزه‌های گوناگون، در نگاه آتشین عرفانی او ذوب می‌شوند و نثر او را سبکی ویژه می‌بخشند.

تمهید سوم: عناصر اساسی نثر تمهیدات

۳-۱ چهار عامل مذکور موجب شدند که عین‌القضاة تمهیدات را چنان بنگارد که برآستی «کلام السکران» جلوه کند. «دریغ! این بیتها که گفتیم از برای شوق مصطفی می‌گفتم که وعده کرده‌ام به گفتن، هنوز خود نگفته‌ام زیرا که سودا مرا چنین بیخود و شیفته می‌گرداند که نمی‌دانم که چه می‌گویم! مرا از سر سخن یکبارگی می‌برد، و به عاقبت هنوز من قایم تر می‌آیم! او با من کشتی می‌گیرد تا خود کدام از ما دو افتاده شود؛ اما این همه دانم که من افتاده شوم که چون من بسیار افتاده‌اند! سودایی و عاشقی نماند، سودا و عشق باقی باشد.» (تمهیدات، ۲۳۶-۲۳۷) «چند شنوی، از عادت پرستی به درشو، اگر هفتاد سال در مدرسه بوده‌ای یک لحظه بیخود نشده‌ای. یک ماه در خرابات شو تا ببینی که خرابات و خراباتیان با تو چه کنند. خراباتی شو ای مست مجازی! بیا تا ساعتی مرافقت کنیم.» (تمهیدات، ۳۴۰-۳۴۱) «دریغ! هرچه بیشتر می‌نویسم بیشتر می‌آید، و افزون تر می‌آید!» (تمهیدات، ۱۳۷) «در نگر که این سخن مرا کجا می‌کشد.» (تمهیدات، ۲۱۸) «ببین که سخن مرا از کجا تا کجا می‌کشد! این خود رفت.» (تمهیدات، ۲۹۳) «دریغ! نمی‌یازم گفتن که عالمها زیر و زبر شود!» (تمهیدات، ۲۴۸) «کافرم اگر من می‌دانم که چه می‌گویم! دریغ! چون گوینده نداند که چه می‌گوید، شنونده چه می‌داند که چه می‌شنود! این خود رفت.» (تمهیدات، ۲۴۹) «ای عزیز بزرگوار! گوش دار! خبر «من

عرف نفسه فقد عرف ربه» را که پرسیده‌ای احوال مختلف نمی‌گذارد که ترتیب کتاب حاصل آید.» (تمهیدات، ۵۶)

۳-۲ و چنین است که عین‌القضاة خود نتیجه سلوک را در پایان راهی که طی شده است به خوبی می‌بیند و تصویر می‌کند: «اما ای عزیز! چون خواهند که مرد را به خود راه دهند و به خودش بینا گردانند، دیده یابد. «و این تطیعوه تهنه‌دوا» این باشد که اشراق نورالله مرد را دیده دهد، و گوش دهد، و زبان دهد «كنت له سمعاً وبصراً و لساناً و بی یسمع و بی یبصر و بی یطق» بیان صفات شده است که بی تخلّق سالک باشد. در این مقام ملک و ملکوت واپس گذاشته باشد، و از پوست خودی و بشریت برون آمده باشد. «و اذا شئنا بَدَلنا امثالهم تبدیلاً» بدیده باشد، «یوم تبدل الارض» رسیده باشد. بوی «من عرف نفسه» بوییده باشد، و شراب «عرف ربه» چشیده باشد. «ان الله خلق آدم علی صورة الرحمن» برو ظاهر گشته باشد. «الرحمن علی العرش استوی» او را مکشوف شده باشد. «یَذِکُرُ الامر من السماء الی الارض» او را محقق گشته باشد. «یُنَزِّلُ الله تعالی» برو تجلی کرده باشد. پای همت در عالم «تخلقوا باخلاق الله» نهاده باشد. «کونوا ربّاتین» او را نقد شده باشد. «المومن مرآة المومن» با او برادری داده باشد.» (تمهیدات، ۲۷۰-۲۷۱)

روش‌شناسی تحلیلی و نگرش پدیدارشناختی در روی آوری به تمهیدات

۳-۳ عین‌القضاة چون از آشنایی دیرین خویش با علوم و متون ادبی، ذوق شاعرانه، تجربه عرفانی خاص، و تبحر در دانشهای عصر در حالتی از شوریدگی بهره می‌گیرد نثر ویژه‌ای عرضه می‌کند که عناصر گوناگون و جوه متفاوت شخصیت معنوی او را در نگرشی یگانه و همخوان در خود دارد. با روش‌شناسی تحلیلی از یک سو و با نگرشی پدیدار شناختی از سوی دیگر می‌توان به متن تمهیدات روی آورد و به بازشناسی و طبقه‌بندی عناصر گوناگون سازنده شکل و محتوای آن پرداخت.

مخاطبان تمهیدات و حالت خطایی آن

۳-۴-۱ نیاز نیست که در این جا به وجه تسمیه

کتاب تمهیدات بپردازیم (برای آشنایی با این بحث رک تمهیدات، مقدمه مصحح، ۱۴-۱۷، و خاصیت آیینگی، ۳۹-۵۱). دیباچه‌ای که عقیق عسیران در آغاز کتاب قرار داده است (تمهیدات، ۱)، در صفحات اول هیچ یک از دو نسخه M (نسخه مانيسا گینزل - استانبول) و P (نسخه کتابخانه ملی پاریس)، آن‌گونه که کلیشه این صفحات در مقدمه مصحح (پس از صفحه ۱۶ و پس از صفحه ۱۸) مشاهده می‌شوند، وجود ندارند. در این دیباچه نام کتاب زبدة الحقایق فی کشف الدقایق ضبط شده است که «بر ده تمهید تمام کرده شد». مطابق زیرنویس همان صفحه اول متن شش نسخه USRMAB دیباچه‌ای با همین نام برای کتاب را در آغاز خود دارند. از دیباچه نسخه H برمی آید که این نام را عین‌القضاة خود به کتاب نداده است. اما هم نسخه L، هم نسخه کتابخانه مسجد سیهسالار، و هم نسخه کتابخانه دانشگاه پنجاب نام کتاب را در دیباچه، از قول عین‌القضاة، زبدة الحقایق آورده‌اند. بی‌آن که نگارنده بیش از این به دیباچه کتاب بپردازد تنها به این نکته اشاره می‌کند که در این دیباچه همچنین از قول عین‌القضاة آمده است: «جمعی دوستان درخواستند که از بهر ایشان سخنی چند درج شود که فایده روزگار در آن بود. ملتمس ایشان می‌ذول داشته آمد.» (تمهیدات، ۱)

در سه نسخه فوق، که نام کتاب را زبدة الحقایق ضبط کرده‌اند، با اندکی اختلاف از قول عین‌القضاة آمده است: «این کتاب تصنیف کردم به ده تمهید... از برای عارفان و اصحاب ایقان تا در این کتاب تأمل شافی کنند و تفکر صافی نمایند و تذکری ایشان را حاصل گردد» (تمهیدات، ۱). زیرنویس، و مقدمه مصحح، ۲۳، زیرنویس). بی‌گمان عین‌القضاة پاره‌ای از نوشته‌های خود (بویژه در نامه‌ها) را در پاسخ‌گویی به پرسش یا اعتراض تجلی‌گاه اندیشه‌ها و احساسهای خود کرده است. چنان که، مثلاً، در آغاز تمهید دهم می‌نویسد: «ای دوست دین، و طالب کلمات حق‌الیقین، بدان که از سوالات تو جواب خواهیم کردن.» (تمهیدات، ۲۵۴). این خود یکی از علت‌های بهره‌گیری عین‌القضاة از حالت خطایی در تمهیدات، همچون در نامه‌ها است (هر چند، البته، هر نامه لزوماً خطاب به فرد خاصی نوشته نشده است، بلکه هر رساله‌ای که همچون بسا رساله‌های دیگر، نام غامضه را بر خود دارد).

۳-۴-۲ حالت خطایی صمیمیت، سادگی، برهنگی، و بی‌پیرایگی خاصی به تمهیدات می‌دهد که نشان از آتش دل و جگر سوخته دارد. «دریغ! این آتش، هنوز مردان را باشد؛ آتش دل پیران منتی را کس نشان نتواند داد. باش تا به مقامی رسی که آتشی دهند ترا که جگر حقیقت تو از حرارت آن آتش سوخته شود.» (تمهیدات، ۲۴۰) او در خطابه‌هایش مهربان است، هرچند مخاطب را مبتدی بیند و واصل نداند. «ای عزیز!» «ای دوست!» «نشیده‌ای.» «مگر نشنوده‌ای» «مگر شنیده باشی.» «دریغ!» «مگر این آیت در قرآن



نخوانده‌ای و نشنیده‌ای که...» (تمهیدات، ۲)، «چه می‌شوی ای عزیز!» (تمهیدات، ۸) «تو چه دانی که چه می‌گویم!» (تمهیدات، ۲۳) «ای عزیز! گوش دار!» (تمهیدات، ۴۷) «دریغا! چه فهم خواهی کردن!» (تمهیدات، ۴۸) «ای عزیز! از این حدیث چه فهم کرده‌ای؟» (تمهیدات، ۷۲) «چه دانی که چه گفته می‌شود؟» (تمهیدات، ۱۲۳) «و تو قدر این کلمه چه دانی؟!» (تمهیدات، ۲۴۶) «دریغا! فهم خواهی کردن یا نه؟ چه دانی چه گفته می‌شود؟!» (تمهیدات، ۲۰۵) «ندانم که هرگز از محبت هیچ علامت دیده‌ای؟!» (تمهیدات، ۱۲۷) «دریغا! چه دانی که این مقام با هر کسی چه می‌کند!... دانی که این چه مقام است؟... دریغا! مگر که هرگز ترا شاهی نبوده است، و آنگاه جگر از دست عشق و غیرت آن شاهد پاره پاره نشده است؟!» (تمهیدات، ۲۹۵) «تو این ندانی! باش تا تریبنا عالم تمثل کنند، آنگاه بدانی که کار چون است و چیست... دانی که چه می‌گویم؟...» (تمهیدات، ۲۸۷).

۳-۵-۱ اینک باید نگاهی اجمالی به عناصر گوناگون سازنده شکل و محتوای تمهیدات انداخت.

همان گونه که گفته شد، بهره‌گیری از حالت خطابی صمیمیت و سادگی، (در عین ژرفایی) و سلاست و بیژنه عرفان، با ذوق آمیخته است. سبکی، در طبقات الشافیه، گفته است «اگر شکوی الغریب را بر صخره‌ها می‌خواندند از رقت و سلاست که در آن هست صخره‌ها از هم فرو می‌شکافت» (جستجو در تصوف ایران، ۲۰۴) همچنین نظام‌الدینی یمنی، در لطایف اشرفی فی طوایف صوفی درباره عین‌القضاة نوشته است «آن قدر کشف حقایق و شرح دقایق در آثار او آمده که کم کسی آورده است» (خاصیت آننگی، ۴۰). بی‌گمان بخشهایی از تمهیدات، بویژه تمهید دهم، مصداق سخن سبکی از یک سو و سخن یمنی از سوی دیگرند. البته شکوی الغریب خود دفاعیه‌ای است که با سوز و گداز عاشقانه - عارفانه از یک سو، و فریاد و فغان از جور زمانه از سوی دیگر عجین است، اما نثر و بیژنه عین‌القضاة در همه آثار او، چه عربی و چه فارسی، به تناسب موضوع، خود را جلوه‌گر می‌کند. تمهید دهم مهم‌ترین تمهید از کتاب تمهیدات است. «دریغا تمهید دهم آغاز باید کرد که مقصود ما خود جمله دروست» (تمهیدات، ۲۵۳). این تمهید به تنهایی حدود ۱۰۱ صفحه از ۳۵۴ صفحه متن چاپ شده را پر کرده است. اما در این تمهید نیز قادر به بیان دانسته‌ها یا دیده‌های خود نیست، چنان که در همان آغاز این تمهید می‌گوید «سؤال آغاز به قرآن شاید کرد که «الله نور السموات والارض» دریغا! هرگز تفسیر این آیت که گفته است، آنگاه کسی را توقع باشد که من نیز بگویم! من در هیچ کتاب، تفسیر و بیان این آیت ندیده‌ام. اما ندانم که تو دیده‌ای یا نه؟ من دیده‌ام، اما در کتاب «و عنده ام‌الکتاب» بی حرف و صورت؛ و لکن نمی‌دانم که چون با حرف و صوت آدم

چگونه بود!» (تمهیدات، ۲۵۴-۲۵۵).

۳-۵-۲ اما، بهره‌روی، عین‌القضاة می‌کوشد تا یافته‌های خود را به قالب واژگان نزدیک کند، هرچند، همان گونه که گفته شد، ناگزیر است بارها و بارها از عبارتهای گوناگون پرسشی، و از واژه‌های افسوس‌آمیزی چون «دریغا» و «هیها» بهره‌گیرد تا ناتوانی خود را در گفتن، و ناتوانی مخاطب را در یافتن نشان دهد. این نثر در بهره‌گیری از علوم عربی و ویژگیهای یافته است که به مهم‌ترین آن ویژگیها اشاره می‌شود.

۳-۶-۱ بهره‌گیری از حالت خطابی و استفاده از عبارتهای پرسشی و واژه‌های افسوس‌آمیز، که پیش از این درباره آنها سخن گفتیم.

۳-۶-۲ جمله‌های کوتاه، که یا بعضاً با حرف عطف «و» به یکدیگر می‌پیوندند، یا یکی توضیح دیگری است، یا پاسخی که به جمله پیشین که خودپرسشی است که عین‌القضاة در سبک ویژه خود طرح کرده است. کم‌تر می‌توان جمله‌ای با بیش از ده واژه در متن تمهیدات یافت. «خلعت عشق، خود هر کسی را ندهند؛ و هر کسی خود لایق عشق نباشد، و هر که لایق عشق نباشد خدای را نشاید؛ و هر که عشق را نشاید، خدای را نشاید. عشق با عاشق توان گفت و قدر عشق خود عاشق داند. فارغ از عشق جز افسانه نداند، و او را (ایام عشق رو دعوی) عشق؛ خود حرام باشد.» (تمهیدات، ۱۱۰-۱۱۱)

۳-۶-۳ نقش آموزشی، هدف آموزشی نهفته در کتاب، که یکی از تجلیات آن همان حالت خطابی آن است، قرائت آن را سهولت و بیژنه می‌بخشد: «بدان ای عزیز بزرگوار که...» (تمهیدات، ۱۹). «اما ای عزیز شرطهای طالب بسیار است...» (تمهیدات، ۲۱) «کنون گوش دار: متکلمان و علمای جهل می‌گویند که خدا را نور نشاید خواند. چرا؟ زیرا که...» (تمهیدات، ۲۵۵).

۳-۶-۴ بهره‌گیری از استعاره، تمثیل، اسطوره و حکایت در پیوند با تجارب شخصی.

عین‌القضاة به آسانی از استعاره و تمثیل و اسطوره و حکایت بهره می‌گیرد و آنها را، در پیوند با تجارب شخصی، در متن یکپارچه تمهیدات، یگانه می‌کند. «دریغا من خود کدام و تو که؟! این سخن در حقیقت خود نمی‌گنجد، در عالم شریعت کجا گنجد؟! تو هنوز جمال شریعت ندیده‌ای، جمال حقیقت کی بینی؟! و اگر خواهی که این را مثال گویم گوش دار: پروانه که عاشق آتش است او را هیچ خطی نیست از آتش تا دور است مگر از نور او، و چون خود را بر آتش زند بی‌خود شود، و از او هیچ پروانگی نماند و جمله آتش شود. چه گویی آتش از آتش هیچ بهره برگیرد؟ و چون که آتش نباشد پروانه غیر آتش باشد. چه بهره باید از آتش؟» (تمهیدات، ۲۴۲) «ای عزیز! پروانه قوت از عشق آتش خورد، بی‌آتش قرار ندارد، و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش

بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند. خود نداند فرقی کردن میان آتش و غیر آتش، چرا؟ زیرا که عشق، همه خود آتش است.» (تمهیدات، ۹۹) «ای عزیز! آشنایی درون را اسباب است، و پختگی او را اوقات است و پختگی میوه را اسباب است؛ کلی آن است که آشنایی درون چنان پدید آید به روزگار که پختگی در میوه و سبیدی در موی سیاه و طول و عرض در آدمی که بر روزگار زیادت می‌شود... اما به یک ساعت پیدا نشود بلکه هر ساعتی نوافزونی و زیادت می‌پذیرد. اما پختگی که در میوه پدید آید آن را اسباب است: خاک بیاید، و آب بیاید و هوا بیاید و تابش آفتاب و ماهتاب بیاید و «اختلاف اللیل والتهار» بیاید؛ این اسباب ظاهر است، و اسبابی دیگر بیاید چون زحل و مشتری، و ستارگان ثابت بیاید، و هفت آسمان و بعضی از عالم ملکوت بیاید چون فرشتگان...» (تمهیدات، ۲۷) «اگر خواهی که این کلمه را تمام تر بدانی مثالی بشنو: آفتاب دیگر است، و شعاعش دیگر آفتاب را به شعاع توان دیدن، و آفتاب، شعاع نیست؛ این سخن مشکل است. مثال دیگر گوش دار: ماه را در آب دیدن دیگر باشد، و معاینه دیدن دیگر. آن کس که ماه را در آب بیند، هم ماه دیده باشد و لکن در حجاب؛ و هم ندیده باشد بی‌حجاب.» (تمهیدات، ۲۹۳). عین‌القضاة می‌داند که گریزی از تمثل نیست: «بنای وجود آخرت بر تمثل است، و تمثل شناختن نه اندک کاری است بلکه مَعظم اسرار الهی دانستن تمثل است و بینا شدن بدان. دریغا! «فتمثل لها بشراً سوّیاً» جوابی تمام است.» (تمهیدات، ۲۹۳).

«اگر عشق حیلۀ تمثل نداشته، همه رونندگان راه کافر شدند؛ از بهر آن که هر چیزی که او را در اوقات بسیار بر یک شکل و بر یک حالت بیند، از دیدن آن وقت او را وقت ملامت آید؛ اما چون هر لحظه و یا هر روزی در جمالی زیادت و شکلی افزون‌تر بیند، عشق زیادت شود، و ارادت دیدن مشتاق زیادت‌تر، «یحیهم» هر لحظه تمثلی دارد مر «یحیونه» را و «یحیونه» هم چنین تمثلی دارد.» (تمهیدات، ۱۲۴). عین‌القضاة خود تمثل را دیده است: «... او - جلّ جلاله - خود را جلوه‌گری کند بدان صورت که بیننده خواهد به تمثل به وی نماید. در این مقام من که عین‌القضاة تم، نوری دیدم که از وی جدا شد؛ و نوری دیدم که از من برآمد؛ و هر دو نور برآمدند و متصل شدند، و صورتی زیبا شد چنان که چند وقت در این حال متحیر مانده بودم.» (تمهیدات، ۳۰۳). پس او می‌پذیرد که از عشق به رمز و مثال سخن گوید: «از عشق نیز بیان نتوان کرد جز به رمزی و مثالی که از عشق گفته شود، و اگر نه از عشق چه گویند و چه شاید گفت؟!» (تمهیدات، ۱۲۵) اما، البته، همی داند «که از عشق الله که عشق کبیر است هیچ نشان نمی‌توان دادن که بیننده در آن باقی بماند؛ اما آن چیز که در هر لحظه جمال خوب‌تر و زیباتر نماید و عالم تمثل را بر کار دارد، هیچ عبارت و نشان نتوان داد جز «لیس کَمِثْلِهِ شَیْءٌ» (تمهیدات، ۱۲۳-۱۲۴). حتی از

اولیاء الله نیز نمی توان سخن گفت: «که اولیائی تحت قبائی لایعرفهم غیری». و به تمامی از این طایفه حدیث کردن ممکن نبود زیرا که خود عبارت از آن قاصر آید، و افهام خلق آن را احتمال نکنند؛ و جز در پرده‌ای اواخری نتوان گفت. و نصیب خلق از معرفت این طایفه جز تشبیهی و تمثیلی نباشد. «و ما یُتَّبَعُ اکثرهم الا ظناً ان الظن لا یغنی عن الحق شیئاً». دریغاً ما خود همه در تشبیه گرفتاریم و مشبیهی را لعنت می‌کنیم.» (تمهیدات، ۴۲).

۳-۶-۵ بهره‌گیری از صنایعی چون جناس، در خدمت نگرش ویژه خویش
«دریغاً اول حرفی که در لوح محفوظ پیدا آمد، لفظ «محببت» بود؛ پس نقطه «ب» یا نقطه «نون» متصل شد، یعنی «محبت» شد. مگر آن بزرگ از اینجا گفت که در هر لطفی، هزار قهر تعبیه کرده‌اند؛ و در هر راحتی، هزار شربت به زهر آمیخته‌اند.» (تمهیدات، ۲۴۵)
همچنین باید گفت که تأویل گرایي خاص عین القضاة موجب وفاداری خاص او به متن قرآن و حدیث، و توجه به نقش ویژه واژگان و حتی حروف می‌شود چنان که در بحث از تأویل گرایي او در بهره‌گیری از آیات و احادیث نمونه‌ای را از صفحات ۲۲۵ و ۲۲۶ تمهیدات نشان خواهیم داد. (واپسین سطرهای ۵-۷)

تمهید چهارم: شعر و شاعری در تمهیدات

۴-۱ همان‌گونه که پیش از این گفتیم، عین القضاة هم استعداد شعری دارد و هم ذوق و دقت شعرشناسی. در هر دو زبان فارسی و عربی شعرهایی دارد و آثار خود را به مناسبت با شعر، از خود یا دیگران آمیخته است. همان‌گونه که گفتیم انس با شعر و سرودن شعر در عرفان ایرانی به عنصری اساسی تبدیل شده است به گونه‌ای که از طریق شعر عرفانی عرفان ایرانی از شعر تأثیر پذیرفته است و شعر ایرانی از عرفان. استفاده از شعر در متون عرفانی دارای سه وجه است: ۱) عرضه تجربه و نظر عرفانی در قالب سخن منظوم که بخش اعظم آن شعر است؛ ۲) استفاده از سخن منظوم شاعرانه در بافت سخن منثور؛ ۳) نثری که شاعرانه، و بل شعر است. همه آثار برجای مانده از عین القضاة در قالب نثر عرضه شده‌اند، اما از ویژگی شعری، به معنایی که در

وجوه دوم و سوم از وجوه سه‌گانه استفاده از شعر در نظر داریم، برخوردارند.

الف) استفاده از سخن منظوم شاعرانه دریافت سخن منثور

۴-۲-۱-۱ عین القضاة پس از دوران جوانی که به سرودن شعر علاقه‌ای خاص داشت، به نگارش آثار مهم خود پرداخت که زبدة الحقائق اولین آنها، و شکوی الغریب آخرین آنهاست. اگر در این دوره از زندگی توجه ویژه به شعر و ادب را رها می‌کند، شگفت‌انگیز آن است که با گذشت زمان بهره‌گیری او از شعر در متن آثار منثور فزونی می‌یابد به گونه‌ای که زبدة الحقائق کمترین بهره را از شعر و سخن منظوم دارد و شکوی الغریب بیشترین بهره را؛ و اگر منحنی بهره‌گیری عین القضاة از شعر و سخن منظوم را بر حسب زمان ترسیم کنیم تقریباً همواره صعودی خواهد بود. درباره شعرهای عین القضاة باید به دو نکته توجه داشت:

۱) شعرهایی که در تمهیدات (و همچنین دیگر آثار عین القضاة) آمده‌اند از خود عین القضاة و از دیگران‌اند. متأسفانه تاکنون کسی به تلاشی درخور برای بازشناسی شعرهای عین القضاة دست نزده است (آنچه دکتر رحیم فرخ‌ش، در احوال و آثار عین القضاة، انجام داده است، متأسفانه قابل اعتماد نیست).

۲) هم با توجه به دیوان هزار بیتی عربی نزهة العشاق و نزهة المشتاق، و هم با توجه به اشعار عین القضاة در شکوی الغریب، می‌توان گفت عین القضاة در سرودن شعر به زبان عربی، نسبت به زبان فارسی، توانا تر بوده است. با این همه آنچه در تمهیدات از دیگران و از خود نقل کرده است ذوق شعری او را، در سرایش و گزینش، نشان می‌دهند که او خود گفته است «و شعر موزون را، میزان، ذوق آدمی تواند بود، اگر به قیاس خواهند که برسنجند محال بود.» (موسیقی شعر، ۵۲۹)

۴-۲-۱-۲ بدین سان تمهیدات، تعداد زیادی شعر عاشقانه - عارفانه در خود دارد که بعضی از آنها، آن‌گونه که خود عین القضاة می‌گوید، از خود اویند. چنان که درباره دوازده بیت صفحه ۲۷۰، با مطلع «دل مرکب حق

است که درین زندانست / در عالم خاک مدتی مهمان است.» می‌گوید «اما زشتی یکنم، و بیتی چند که بر طریق سجع وقتی صادر افتاد، اگرچه بسیار غموض با خود دارد، بنویسم...» (تمهیدات، ۲۶۹). گاهی نیز از شاعر نام می‌برد: «اما مگر این بیتها از خواجه احمد حَمَوِیَه نشنیده‌ای؟» (تمهیدات، ۲۵۸) «دریغاً! مگر که ابوالحسن یستی با تو نگفته است، و تو ازو این بیتها نشنیده‌ای؟» (تمهیدات، ۱۱۹).

بهرروری، شعرهایی که عین القضاة از خود یا دیگران، یا ذکر نام شاعر یا بی‌ذکر نام شاعر، بدون انشاء با دقت خاص، و در خدمت آنچه عین القضاة در نظر دارد، ثبت شده و با متن منثور کتاب عجین شده‌اند.

ب) نثری که شاعرانه، و بل شعر است

۴-۲-۲-۱ در اینجا نیازی به بحث درباره شعر، از آن حیث که شعر است، گوهر شعری، شعر منثور، نثر شاعرانه، نثر از آن حیث که نثر است، و... نداریم. پیش از این نظر دکتر زرین کوب را درباره مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری، تمهیدات عین القضاة، سوانح غزالی، لمعات عراقی، و لوائح جامی، که در شعرهایی عارفانه... در قالب کلام‌اند آوردیم. دکتر شفیع کدکنی نیز در بحث از شعر منثور می‌نویسد «... در بسیاری از عبارات بیهقی و یا تذکرة الاولیاء نظم بیشتر رعایت شده است تا مثلاً بسیاری از شعرهای سروش اصفهانی یا قانی... در بسیاری از عبارات بیهقی یا تذکرة الاولیاء و یا نثرهای عین القضاة همدانی شما به حالتی از اجتماع کلمات برخورد می‌کنید که در منتهای قدرت ترکیب و انتظام قرار دارند به حدی که اگر کلمه‌ای پس و پیش شود یا کلمه‌ای به مترادف خود... تبدیل شود آن سلسله و انتظام به هم می‌خورد.» (موسیقی شعر، ۲۳۷ و ۲۳۸)

۴-۲-۲-۲ عین القضاة در مبحث عشق بیشترین بهره را از شمع و آتش و پروانه می‌برد تا در ترکیب جادویی واژگان در جملات کوتاه به گونه‌ای نگرش خویش را عرضه کند که نتوان ساختار واژگان را در هم شکست زیرا که ظرف و مظهر یکی شده است: «چون پروانی خود را بر میان زند، سوخته شود؛ همه نار شود. از خود چه خبر دارد! و تا با خود بود، در خود بود؛ عشق می‌دید، و عشق قوتی دارد که چون عشق سرایت کند به معشوق، معشوق همگی عاشق به خود کشد و بخورد. آتش عشق پروانه را قوت می‌دهد، و او را می‌پروراند تا پروانه پندارد که آتش، عاشق پروانه است؛ معشوق شمع همچنان با ترتیب و قوت باشد؛ بدین طمع خود را بر میان زند. نه عشق و نه پروانه.» (تمهیدات، ۹۹-۱۰۰)
۴-۲-۲-۳ حتی زمانی که بی‌بهره‌گیری از شمع و آتش و پرواز، و به گونه‌ای مستقیم و برهنه از عشق می‌گوید کلامش استحکامی ناگسیختنی، همراه با معنایی فراتر از سخن متعارف و طنین فراسویی دارد. «بدایت عشق به کمال، عاشق را آن باشد که معشوق را فراموش کند، که عاشق را حساب با عشق است، با

ترتیب صادق تهرانی



معشوق چه حساب دارد؟ مقصود وی عشق است و حیات وی از عشق باشد. بی عشق او را مرگ باشد. در این حالت وقت باشد که خود را نیز فراموش کند، که عاشق وقت باشد که از عشق چندان غصه و درد و حسرت بیند که نه در بند وصال باشد، و نه غم هجران خورد زیرا که نه از وصال او را شادی آید، و نه از فراق او را رنج و غم نماید. همه خود را به عشق داده باشد. (تمهیدات، ۱۰۱).

۴-۲-۲-۴ صفحه صفحه، بلکه بند بند، بلکه سطر سطر، بلکه جمله جمله عین القضاة در تمهیدات هجوم بی توقف معنی در ترکیب خوش ساختی از واژگان درخور است. «دریفا! چه می شنوی؟» «چه دانی که چه گفته می شود؟» «دریفا!» «هیها! هیها!».

تمهید پنجم: اصطلاحات و تعابیر عرفانی در تمهیدات

۱-۵-۱ عین القضاة عارف است و طبیعی است که اصطلاحات و تعابیر عرفانی در نوشته های عرفانی او بیشترین تعدد و تکرار را دارا باشند. نگاهی به مهم ترین اصطلاحات عرفانی تمهیدات، میزان بهره گیری عین القضاة از اصطلاحات خاص عرفانی، توجه او به پاره های از اصطلاحات و بی توجهی او به پاره های دیگر از اصطلاحات، و جایگاه تمهیدات را نسبت به متون عرفانی نوشته شده پیش و پس از آن روشن می سازد و پژوهندگان علاقه مند می توانند به بررسی های تطبیقی دلخواه خود پردازند:

ادم، آینه، ابد، ابرو، اتحاد، اتصال، اثبات، اجابت، احد، احرام، احوال، احیای موتی، اختیار، اخلاص، ادب، ادراک، ازل، اسرار، اشاره، اصل، امانت، امر، انالحق، انس، اولیا، ایجاد، ایمان، باده، بازار، باطل، بت، بیتخانه، بت شاهد، بتکده، بت یغمایی، بُعد، بقا، بلا، بوسه، بهشت، بیعت، بیهوشی، پرده، پیر، پیر آینه، پیر خرابات، پیر طیب، پیر کامل، پیک، پیمانه، تجرید، تجلی، ترسا، تشبیه، تصوف، تقدیر، تقوی، تلون و تلوین، توبه، توحید، توفیق، جام، جان، جبروت، جرعه، جسم، جفای معشوق، جلال، جلوه، جمال، جمال الس، جمال عزت، جهال عشق ازل، جمال لاله الاالله، جمال مصطفی، جنون، جوانمرد، چشم، چهره، حال، حجاب، حق، عالم حق، حق یقین، حقیقت، حلول، حیات، خال، اخذ و خال، خال و خد و چشم، خرابات، خشوع، خطاب، خلافت، خلعت، خلق، خلوت، خورشید، خوف، خیال، دایره، دایره بسم الله، دایره نفی، درد، دریا، دعوت، دل، دنیا، دیوانه، ذات، ذوق، راحت، راز، ربانی، ربوبیت، رحمت، رخ، رسالت، رضا، رنگ، روح، رویت، ریاضت، زاهد، زکوة، الزکات، زلف زئار، زهد، سالک، راه سالک مراد سالک، منزل های سالک، سالک مبتدی، سالک منتهی، سایه، سبب، سبزه، سعادت، سلوک، سماع، سودا و سودایی، سوخته، شاهد و شاهد بازی، شب قدر، شهوت، شیخ، شیدا و شیدایی، صبر، صحرا، صحرای الهی، صحرای

جبروت، صحرای صفات، صحرای صورت، صفت، صفتا، صفتای صفات، صفتا، مکاشفه صفات، معرفت صفات، صفات قایمات بذات، صفت ذات، صمد، صنم، صورت، صوفی، صوم، طاعت، طالب، طریق و طریقت، طلب، ظهور، عارف، عاشق، عاشق بیخود، عاشق بی عشق، عاشق بی معشوق، عاشق دیوانه، عاشق مجنون، عاشق مبتدی، عاقل، عالم، عالم الغیب والشهادت، عالم الوهیت، عالم بقا، عالم تقدیر، عالم جان، عالم جبروت، عالم حق، عالم حروف، عالم حقیقت، عالم حیوانی، عالم خاک، عالم خلقت، عالم ذات، عالم رؤیت، عالم سر، عالم سفلی، عالم صورت، عالم عدم، عالم علوی، عالم فنا، عالم قدس، عالم کسب، عالم محسوس، عالم ملک، عالم ملکوت، عالم وجود، عالم یقین، عبودیت، عدم، عرش، غرض، عشق، آینه عشق، ابجد عشق، بار عشق، بوته عشق، تمثیل عشق، جمال عشق، خلعت عشق، درد عشق، دیوانه عشق، ذوق عشق، سرعشق، سودای عشق، شراب عشق، نشانه عشق، وصف عشق، عشق ازل، عشق الهی، عشق عبودیت، عشق کبیر، عشق لم یزلی، عشق میانه، عشق و غیرت، عشق و محبت، عقل، علم، عنایت، عهد، عهد ازل، عیش، غفلت، غم، غمزه، غیب، غیرت، غین قلب، فتح، فراق، فطرت، فقر، فنا، قبله، قدح باده، قدیم، قرب، قضا، قلب، قلم، قلندری، قوت، غذا، قهر، قیام، قیامت، کافر، کثرت، کعبه، کفر، کلام، کمال، کون و کونین، کوه، طور، کوی خرابات، لقاء، لوح محفوظ، مثال، محب و محبت، مجرم، محو، محنت، مخلص، مراد، مرد و مردی، مرگ، مرید، مست و مستی، مشاهده، مشتاق، مشرق، مشرق ازل، مشرق ابدی، مطرب، مطلوب، معاینه، معراج، معرفت، معشوق، دشنام معشوق، دوری از معشوق، غیرت معشوق، فراق معشوق، قوت معشوق، مغرب، مقام، مکاشفه، صفات، مکر، ملامت، ملک، ملکوت، منزل، مهر، می، میکده، نداء، نظر، نعمت، نفس، نفس آینه، نفس اماره، نفس لواحه، نفی، نقاب، نقطه، نماز، نور، جمال نور، انور احد، نور احمد، نور ابلیس، واحد، واقعه، وجود، وحی، وصال، وصال (و وصل)، وطن، وفاء، ولایت، هجر، هدایت، هشیاری، همت، هوا، یحیهم و یحیونه [سورة ۵ آیه ۵۷] یقین.

۲-۵ اصطلاحات برشمرده از مهم ترین اصطلاحات متون عرفانی پیش و پس از تمهیدات اند. نیازی به گفتن نیست که اصطلاحات برگرفته از متون دینی، یعنی قرآن و احادیث، معمولاً پیوند خود را با زمینه معنایی اصلی حفظ کرده اند اما، در هر صورت از صافی نگرش تأویل کننده ویژه عین القضاة عبور کرده و در متن تمهیدات نشسته اند.

تمهید ششم: اصطلاحات فلسفی در تمهیدات

۱-۶-۱ عین القضاة با فلسفه کلام آشناست، اما به

عنوان عارف هرگز روش و نگرش متکلمان و فیلسوفان را نمی پذیرد. با این همه هرچند ارادتی ویژه به امام محمد غزالی دارد، نه تنها بوعلی سینا را تکفیر، و حتی سرزنش نمی کند بلکه «صد هزار جان این مدعی [را] فدای آن شخص» می کند که «مطعون بیگانگان» آمد. (تمهیدات، ۳۵۰). فزون بر این نه تنها در سه مورد به سخن احتمالی بو علی سینا استناد می کند (تمهیدات، ۱۶۷ و ۲۸۹ و ۳۳۹) بلکه از اصطلاحات فلسفه مشاء نیز در چند مورد بهره می گیرد (وجود، واجب الوجود، جوهر، و عرض). اما همان گونه که سخنان منسوب به بوعلی سینا سخنانی ویژه است که عین القضاة عارف را خوش می آید، بهره گیری از اصطلاحات فلسفه مشاء نیز در خدمت متن کاملاً عرفانی، و نه فلسفی، تمهیدات است. این رنگ ظاهراً فلسفی قادر نیست بافت کاملاً عرفانی اثر را تحت الشعاع قرار دهد. فلسفه ای که می پسندد فلسفه ای است که در آن ابوعلی سینا در پاسخ ابوالخیر خفاری (ر.ک اسرار التوحید، مقدمه مصحح، ۵۲) که از او راهنمایی خواسته است او را به «دخول در کفر حقیقی و خروج از اسلام مجازی» توصیه می کند. (تمهیدات، ۳۳۹ و خاصیت آیینگی، ۹۷) چنان که پس از انشاد ابیات (اندر ره عشق کفر و ترسایی به / در کوی خرابات تورسویی به / ز تار به جای دلق یکتایی به / سودایی و سودایی و سودایی به / فریاد می زند، یا با استفهام تأکیدی آمیخته با طمأنینه می پرسد «نیک می شنوی که چه گفته می شود؟ ای فلسفی چه گویی؟ این کلمات نه کلمات فلسفه است؟ هرچه نه چون این کلمات فلسفه باشد، جمله مضمحل و باطل است.» (تمهیدات، ۳۵۰) چنین است که اصطلاحات «جوهر» و «عرض» در متن نوشته جایگاهی شایسته می یابند: «دریفا! مگر که جوهر جانت را غرض، عشق نیست؟ که هیچ جوهر نیست که از عرض خالی باشد، ولی غرض نتواند بودن. جوهر عزت را غرض، عشق ما است... ای دریفا! هرگز فهم نتوانی کردن که چه گفته می شود! عشق خدای - تعالی - جوهر جان آمد، و عشق ما جوهر وجود او را غرض آمد. عشق ما او را غرض و عشق او جان ما را جوهر. اگر... جوهر بی غرض متصور باشد، عاشق بی معشوق و بی عشق ممکن باشد؛ و هرگز خود ممکن و متصور نباشد. عشق و عاشق و معشوق در این حالت قایم به یکدیگر باشند.» (تمهیدات، ۱۱۲ و ۱۱۳). «دریفا! نیک بشنو «الله نور السموات والارض»، الله وجود ذات او بود که جوهر عزت باشد، و نور، صفت ذات الهیت، که عرض باشد. آخر شنیده ای که جوهر، آن بود که «ما یقوم به العرض»: جوهر عبارت از اصل وجود باشد، و عرض معنی قایم به جوهر. این جوهر و عرض عالم محسوس نمی گویم، جوهر و عرض حقیقی می گویم. اگر فهم توانی کرد! دریفا خدا موجود است، پس جوهر باشد، و جوهر بی عرض نباشد؛ وجود الله، جوهر باشد؛ و نور، غرض آن جوهر باشد.» (تمهیدات، ۲۵۷).

۷-۱ همه می دانیم که عرفان در جهان اسلام پیش از همه و بیش از همه ریشه در ایمان دینی ویژه و پیوند و انس عارفان با قرآن و سنت دارد به گونه ای که بخش زیادی از مهم ترین اصطلاحات عرفانی از قرآن و حدیث گرفته شده اند، و عارفان با تمسک آیات و احادیث روش و بینش عرفانی خود را پرورانده اند، و البته در این راه ضمن تأثیرپذیری از روشها و بینشهای برون دینی تأویلهای ویژه ای نیز از آیات به دست داده اند. صفحه صفحه تمهیدات موجد موج ارادت و شیفتگی خاص عین القضاة به قرآن و پیغامبر است؛ و طبیعی است که عین القضاة بیشترین بهره گیری را از آیات و احادیث داشته باشد.

۷-۲ حدود ۱۵۱۴ آیه در قرآن ذکر شده است که از آن میان بعضی تکرار شده اند به گونه ای که ۷۵۹ بار به قرآن استناد شده است. در میان آیات بیشترین بسامد از آن «یحبهم و یحبونه» (بخشی از آیه ۵۴ سوره مائده) و «فأوحی الی عبده ما أوحی» (آیه ۱۰ سوره نجم) است (هر یک ۸ بار). پس از آنها بخشی از آیه ۲۳ سوره جاثیه [= سوره ۴۵] ۶ بار تکرار شده است (با آن که در متن تمهیدات در هر شش بار بدرستی «افرایت من اتخذ الهه هوا» ضبط شده است، اما گویا مصحح ارجمند کتاب، غفیف عسیران، به گونه ای ناخودآگاه آن را «ارایت...» تلقی کرده و آن را آیه ۴۳ از سوره ۲۵ [= فرقان] دانسته است مگر آن که غلط چاپی روی داده

باشد و به جای «سوره ۴۵ آیه ۲۳»، «سوره ۲۵ آیه ۴۳» حروفچینی شده باشد).

۷-۳ در متن تمهیدات ۲۷۶ حدیث، در ۴۰۱ جا، مورد استناد قرار گرفته اند. دو حدیث («اول ما خلق نوری» و «من عرف نفسه فقد عرف ربه») هر یک ۸ بار و چهار حدیث («جذبة من جذبات الحق توازی عمل الثقلین»، «رایت رسی لیلة المعراج فی احسن صورة»، «من رآنی فقد رای الحق» و «من مات فقد قامت قیامته») هر یک ۶ بار تکرار شده اند. در میان احادیث، حدیث قدسی نیز وجود دارد که معروف ترین آنها حدیث «كنت كنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف» است (سه بار، صص، ۹، ۲۶۵، ۲۷۵).

۷-۴ همه جا برداشت عین القضاة از آیات و احادیث با ذوق عرفانی او آمیخته است. این ذوق عرفانی و برداشت ویژه تا حدی علت و معلول یکدیگرند. تأویل گرایی ویژه عین القضاة، صرف نظر از ریشه های برون دینی، هم متأثر از ذوق عرفانی او و هم اثرگذار بر این ذوق عرفانی است. او تجارب دینی را با تجارب درونی خویش پیوند می دهد و قرانت خویش از قرآن و احادیث را درونی می کند. نگاه خاص او به قرآن و احادیث هم علت تجربه خاص او و هم معلول آن است. چنین تجربه، البته در ترازوی دیگر از سیورورت آن، است. چنین است که آیات و احادیث را در نظر خاص خویش حل می کند به گونه ای که هر آیه و هر حدیث، در متن خوش می نشیند. عین القضاة خود بخوبی از نقش خدا و زبان او در تجربه عرفانی آگاه است و از آن، با حفظ تعالی آن، استفاده می کند تا با حرکت از استنباط خاص خود از قرآن به تأویلی مرتبط با تجارب شخصی و توجیه کننده آن تجارب دست یابد. او کاملاً از امکاناتی گوناگون تفسیری آگاه است. منشوری پیش چشم باطن دارد که در برابر متن کلام مقدس گرفته است تا او از این سوانوار تأویل ویژه به معانی باطنی دلخواه خویش را به دست آورد و به طالبان مشتاق عرضه کند. او همواره با قرآن و سخنان پیامبر و بازآفرینی رفتار پیامبر در ذهن عرفانی ناآرام خویش زندگی می کند. او از قرائت لغوی قرآن می گذرد تا به قرائت استعالی خاص برسد و تمهیدات را، در سایه کشاندن واژه ها و عبارات به عرصه تجربه شخصی، پیوندی صوری و محتوایی با قرآن بخشد.

۷-۵ نخست باید از حروف قرآن گفت: «... و قرآن را که کلام خداست نوری خواند که «وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ» تو از قرآن حروف سیاهی می بینی بر کاغذ سفید، بدان که کاغذ و مداد و سطرها نور نیستند، پس «قرآن کلام الله غیر مخلوق» کدام است؟» (تمهیدات، ۲) «قرآن را بدین عالم فرستادند در کسوت حروف، در هر حرفی هزار هزار غمزه جان را تعبیه کردند.» (تمهیدات، ۱۶۸) «قرآن خطاب لم یزل است با دوستان خود، و بیگانگان را در آن هیچ نصیبی نیست جز حروفی و کلماتی که به ظاهر شنوند، زیرا که سمع باطن ندارند.» (تمهیدات، ۱۶۹) «دریغا! ما از قرآن جز حروف سیاه و سپیدی کاغذ



قرآن حروف سیاه

نمی بینیم؛ جوانمرد! قرآن را در چندین هزار حجاب به خلق فرستادند؛ اگر جلالت نقطه بای بسم الله عرش آمدی یا بر آسمانها و زمینها، در حال پست و گداخته شدندی.» (تمهیدات، ۱۷۳) و خبری از اسرار ملک و ملکوت در حروف مقطعه آغاز بعضی از سوره است: «ای عزیز! او خواست که محبان را از اسرار ملک و ملکوت خود خبری دهد در کسوت حروف تا نامحرمان بر آن مطلع نشوند، گوید: «الم، الم، الر، یهییص، یس، ق، ص، حم عسق، ن، طه، المص، طسم، طس»... هر کس را توان دیدن قرآن نیست: «اما تو قرآن کجا بینی؟ هیها! هیها! قرآن در چندین هزار حجاب است، تو محرم نیستی؛ و اگر در درون پرده ترا راه بودی، این معنی که می رود بر تو جلوه کردی.» (تمهیدات، ۱۶۹) «دریغا! خلق به ظاهر قرآن قناعت کرده اند؛ و همه از او پوستی بینند. باش تا مغز او خورند» (تمهیدات، ۱۷۷-۱۷۸) و چنین است که او در جستجوی مغز قرآن به برداشتهای خاص خود می رسد: «دریغا بر راه سالک مقامی باشد که چون بدان مقام رسد بداند که همه قرآن در نقطه باء بسم الله است، و یا در نقطه میم بسم الله است؛ و همه موجودات در نقطه باء بسم الله بیند. مثالش را گوش دار. اگر گویی: «لله مافی السموات و مافی الارض»، آنچه در آسمان و زمین است هر دو گفته باشی؛ اما اگر هرچه در آسمان و زمین است یکان یکان مفرد نامش برشماری، روزگاری بی نهایت به کار آید. باش تا دولت دست دهد، خود را بینی در دایره «ان الله بکل شیء محیط» او محیط بنده باشد و بنده محاط او، تا وجود خود بینی در نقطه ای که در زیر باء بسم الله است و جلالت باء بسم الله را بینی که خود را بر محرمان چگونه جلوه می دهد از نقطه باء. اما این هنوز نامحرمی باشد، اگر جمال سین با میم بینی که نگاه بدانی که محرمیت چه باشد.» (تمهیدات، ۱۷۲) «نوش باد آن کس را که... گفت هر حرفی از قرآن در لوح محفوظ عظیم تر از کوه قاف است. این لوح محفوظ خود دانی که چه باشد؟ لوح محفوظ دل بود. این قاف دانی که چیست؟ «قی والقرآن المجید» باشد.» (تمهیدات، ۱۷۳) «... این حروف را در عالم سر، مجمل خوانند، و حروف ابجد خوانند. ای عزیز! در این عالم که گفتم، حروف متصل جمله منفصل گردد که آنجا خلق خوانند «یحبهم و یحبونه» پندارند که متصل است؛ چون خود را از پرده به در آرد، و جمال خود در حروف منفصل بر دیده او عرض کنند، همچنین باشد، ی، ح، پ، ه، م؛ اگر مبتدی باشد، چون پاره ای بر سد حروف همه نقطه گردد. ای عزیز! تو هنوز بدان نرسیده ای که ترا ابجد عشق نویسند. نشان ابجد نوشتن آن باشد که حروف متصل منفصل گردد. «ولقد وصلنا لهم القول» این باشد، پس «فصلنا الایات» نشان این همه است. این جمله را ابجد عشق نوشتن خوانند در طریقت، بر لوح دل سالک.» (تمهیدات، ۱۷۵، ۱۷۶) عین القضاة در توجه خاص به متن و نقش و جایگاه حروف در تأویل گرایی خویش چنان پیش می رود که چنین ترکیب پیچیده ای

از کلام، با ساختار خاص و دلالت معنایی ویژه بدست می‌دهد: «باش تا بر «یای» و «نفخت فیهِ من روحی» گذر کنی؛ آنگاه «یای» «یس والقرآن الحکیم» با تو بگوید که «یای» «لعتنی» با ابلیس چه می‌کند؟ و «یای» «کهیص» با تو بگوید که کاف «سلام علیک ایها التبی ورحمة الله و برکاته» با محمد چه می‌کند. به جلال قدر لم یزل که از ازل تا ابد «کاف» صلت «سلام علیک» و «تای» و صلت «ص والقرآن» از محمد یک لحظه خالی نبود و نباشد، و «یای» «لعتنی» با ابلیس همچنین چه گویی اگر کسی را قوت و غذا بازگیری زنده بماند، و وجودش به جای تواند بود؟ (تمهیدات، ۲۲۵-۲۲۶) یکی از نقاط اوج تأویل گرای خاص عین‌القضات در برداشت ویژه او از آیه نور [آیه ۳۵ از سورة نور] جلوه‌گر است که با بهره‌گیری از احادیث و آیات دیگر متنی درخشان در متون عرفانی عرضه می‌کند (ر.ک، تمهیدات، ۲۵۴-۲۶۴)

۷-۶ چنین است که «کلام السکران» عین‌القضات در تأویل آیات چنان پیش می‌رود که می‌انگارد خود از پوست قرآن گذشته است و «ز قرآن مغز آن» برداشته و «پوست آن بهر خران» بگذاشته است. «دریغ! خلق به ظاهر قرآن قناعت کرده‌اند؛ و همه از او پوستی بینند. باش تا مغز او خورند.» (تمهیدات، ۱۷۷-۱۷۸) و «این کلمه من نمی‌گویم که او [یعنی «خدای - تعالی» در «شب معراج»] می‌گوید. مگر که این خران بی‌افسار خاکسار و نگوسار تازی نیز نمی‌دانند!» (تمهیدات، ۲۷۸)

تمهید هشتم: اقوال شخصیتها در تمهیدات

۸-۱ در متن تمهیدات ۱۵۴ قول عربی از اقوال شخصیتها، در ۱۸۵ جا، نقل شده است. کسی که بیشترین شمار گفته‌ها از او نقل شده است حلاج است (۱۸ بار) و قولی که بیشترین تکرار را دارد «اذا تم الفقر فهو الله» است (۷ بار). کسانی که از آنان قول یا قولهای نقل شده است عبارتند از: حلاج، اویس قرنی، ابویزید، ابن عباس، شبلی، عبدالله زید، ابوبکر دقاق، ذوالنون، ابوالحسن خرقانی، حسن بصری، کعب الصار، ابن عطاء، مجاهد، عمر، ابوسعید [که، به احتمال بسیار زیاد، در اصل ابوالخیر خنّار است. ر.ک اسرار التوحید، مقدمه مصحح، ۵۲]، ابوبکر باقلانی، جنید، یحیی معاذ رازی، خضر [نبی]، ابن سینا، قحطبی، ابوالفرج زنگانی، علی بن ابی طالب [ع]، حارثه، خراز، بلال حبشی، ابوبکر فورک، تستری، عیسی [پیامبر]، بشر حافی، ابوبکر صدیق، ابوبکر وراق، ابوعباس قصاب، معروف کوفی، ابوالحسن نوری، فضیل عیاض، ابوهریره، محمد غزالی.

۸-۲ در متن تمهیدات همچنین قولهای، به فارسی، به کسانی چون ابوسعید ابی‌الخیر و ابوالحسن خرقانی [رئیس] نسبت داده می‌شوند (تمهیدات، ۲۸۵، ۲۴۰) و شعرهایی از کسانی چون ابوسعید ابی‌الخیر،

احمد غزالی، و ابوالحسن سبّتی نقل می‌شوند (تمهیدات، ۱۱۵، ۱۱۹، ۲۴۸، ۲۸۱، ۳۴۹).

۸-۳ برخورد او به کلام بزرگان معمولاً همراه با ابراز احساساتی از سر شوریدگی است: «دریغ! از دست کلمه دیگر که ابوالحسن خرقانی گفته است.» (تمهیدات، ۱۲۹) «ای دوست! فریاد از دست حسن بصری که این مقام را شرح چگونه می‌دهد.» (تمهیدات، ۲۱۱) «دریغ! از دست این کلمه که [ابوعلی سینا] چه خوب گفته است.» (تمهیدات، ۲۸۹) «دریغ! جگرم پاره پاره می‌شود از دست آن که در جهان کسی بایستی که این کلمه را گوش داشتی که خواجه امام ابوبکر باقلانی چه می‌گوید... دریغ! این معانی جلوه بر کسی کند که هفتاد واند مذهب مختلف را واپس گذاشته باشد. آن کس که هنوز یک مذهب تمام ندیده باشد از کجا و این سخن [خواجه امام ابوبکر باقلانی] از کجا؟» (تمهیدات، ۳۰۴ و ۳۰۵)

۸-۴ گاهی عین‌القضات از یک آیه، یک حدیث، یا گفته‌ای عربی از یک شخصیت ترجمه‌ای - نه لزوماً تحت‌اللفظی - به دست می‌دهد که متن را بس خواندی تر می‌کند. این سخنان با نقشی که در فرهنگ عام اسلامی دارند، علاوه بر آن که سخن را مستند می‌کنند در متن فارسی به زیبایی می‌نشینند و نویسنده با بیان آن مفاهیم به فارسی ضمن دستیابی به هدف ساده عرضه مفهوم به کسانی که عربی نمی‌دانند، همواره در متن گستره معنایی مورد نظر خود حرکت می‌کند تا انتقال معنی را صورت دهد.

تمهید نهم: عشق در تمهیدات

۹-۱ تمهید چهل و پنج صفحه‌ای ششم (با عنوان «حقیقت و حالات عشق») با حدیث مشهور (من عشق و عفت ثم کتم فمات مات شهیداً) آغاز می‌شود (تمهیدات، ۹۶) عین‌القضات ناگزیر است که به عشق بپردازد: «هرچند که می‌کوشم که از عشق در گذرم، عشق مرا شیفته و سرگردان می‌دارد؛ و با این همه، او غالب می‌شود و من مغلوب. با عشق کی توانم کوشید؟» (همان). و مگر عارف را، بویژه بر متن سنت عرفان خراسان، از عشق گزیری هست و عین‌القضات با همه آنچه در تمهید ششم از عشق می‌گوید «تمامی شرح شاهد و مشهود [را] در تمهید دهم خواهد گفت (تمهیدات، ۱۱۵) پیش از این مهم‌ترین ترکیبهای را که از عشق و عاشق و معشوق در تمهیدات به کار رفته‌اند بدست دارم. بی‌آنکه بخواهیم تبیینی از عشق در نگرش و منظومه عرفانی عین‌القضات عرضه کنیم ضروری است پاره‌هایی خاص از تمهیدات را، درباره عشق، بازخوانی کنیم تا نوش یگانه آن را در ژرفای جان مزمزه کنیم که طعم جادویی آن از هر دهان پاک و معطر که تجربه کنیم «نامکرر است»:

«دریغ! عشق فرض راه است همه کس را. دریغ! اگر

عشق خالق نداری باری عشق مخلوق مهیا کن تا قدر این کلمات ترا حاصل شود. دریغ! عشق چه توان گفت! و از عشق چه نشان شاید داد، و چه عبارت توان کرد! در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد، و ترک خود بکند، و خود را ایثار عشق کند. عشق آتش است، هر جا که باشد جز او رخت دیگری نهد. هر جا که رسد سوزد، و به رنگ خود گرداند.» (تمهیدات، ۹۶-۹۷) «ای عزیز جمال لیلی دانه‌ای دان بردامی نهاده؛ چه دانی که دام چیست؟ صیاد ازل چون خواست که از نهاد مجنون مرکبی سازد از آن عشق، خود که او را استعداد آن نبود که به دام جمال عشق ازل افتد که آنگاه به تابشی از آن هلاک شدی بفرمودند تا عشق لیلی را یک چندی از نهاد مجنون مرکبی ساختند؛ تا پخته عشق لیلی شود، آنگاه بار کشیدن عشق‌الله را قبول تواند کردن.» (تمهیدات، ۱۰۴-۱۰۵)

۹-۳ عین‌القضات در سخن از عشق و عاشق و معشوق نه تنها از لیلی و مجنون، و همچنین از پروانه و شمع و آتش، بهره می‌گیرد بلکه از خدوخال و زلف و ابروی شاهد نیز سخن می‌گوید: «تو چه دانی ای عزیز که این شاهد کدام است؟ و زلف شاهد چیست؟ و خدوخال کدام مقام است؟ مرد رونده را مقامها و معانیها است که چون آن را در عالم صورت و جسمانیت عرض کنی و بدان خیال انس‌گیری و یادگار کنی، جز در کسوت حروف و عبارات شاهد و خدوخال و زلف نمی‌توان گفت و نمود... دریغ! چه می‌شنوی؟ خال سیاه مهر محمد رسول‌الله می‌دان که بر چهره لاله‌الله ختم و زینتی شده است. خد شاهد هرگز بی‌خال کمالی ندارد. خد جمال لاله‌الله بی‌خال محمد رسول‌الله هرگز کمال نداشتی و خود متصور نبودی.» (تمهیدات، ۲۹) «ای عزیز چه دانی که خد و خال و زلف معشوق با عاشق چه می‌کند! تا نرسی ندانی! خدوخال معشوق جز چهره نور محمد رسول‌الله مدان که «اول ما خلق الله نوری». نور احمد خدوخال شده است بر جمال نور احد؛ اگر باورت نیست بگو: «لا اله الا الله محمد رسول الله» دریغ! اگر دل گم نیستی در میان خدوخال این شاهد، دل بگفتی که این خدوخال معشوق با عاشق چه سرها دارد. اما دل که ضال شد، و در میان خدوخال متواری و گریخته شد، این دل را که باز یابد؟ اگر با آید بگوید آنچه گفتنی نیست... ای عزیز اگر بدین مقام رسی کافر را به جان بخری که خدوخال دیدن معشوق جز کفر و زنا دیگر چه فایده دهد؟ باش تا رسی و بینی! آنگاه این بیچاره را معذور داری به گفتن این کلمات. هرگز مسلمان کافر را دیده‌ای؟ از حسن و جمال محمد رسول‌الله جمله مؤمنان کافر شده‌اند، و هیچ کس را خبر نیست! تا این کفرها نیایی به ایمان بت‌پرستی نرسی، و چون به سرحد ایمان رسی و بت‌پرستی را بینی، بر درگاه «لا اله الا الله محمد رسول الله» نقش شده و ایمانت تمام، این وقت باشد؛ و کمال دین و ملت در این حال نماید.» (تمهیدات، ۱۱۷-۱۱۸)

۴-۹ جان سودا زده عین القضاة چنان شیفته یاد چنین شاهد و معشوقی است که در مکاشفه‌ای بر او ظاهر می‌شد و شیخ سیاهش را که در بیداری نور او را تاب نمی‌کرد و در ساعت می‌سوزاند (تمهیدات، ۲۳۴)، تا در آینده، در اوج نگارش تمهید دهم، او را از اوج‌گیری بیشتر بازدارد؛ چنان که در خواب شیخ ابوعلی آملی به عین القضاة گفت «ای عین القضاة بیش از این اسرار بر صحرای من». (تمهیدات، ۳۵۴) و عین القضاة قبول کرد و از گفتن دست برداشت و همگی بدو مشغول شد که همواره عشق برای عین القضاة کامل‌ترین پیر بوده است: «اول سرمایه‌ای که طالب سالک را باید، عشق باشد؛ که شیخ ما گفت: «لَا شَيْخَ إِلَّا بِغِ الْإِشْقِ» هیچ پیر کامل‌تر، سالک را از عشق نیست». (تمهیدات، ۲۸۳) و در راه عشق گستاخها کرد و گفت: «دریغ از دست خود که گستاخی می‌کنم به گفتن این سخنان که نه در این جهان و نه در آن جهان گنجد! اما می‌گویم هرچه بادابادا!» (تمهیدات، ۲۰۹) «دریغ! اگر چه خونم بخواهند ریختن اما دریغ ندارم!... آرجو که از ادبار خود باز رهم! اما هنوز دور است! اما دانم که گویی کلمات خود نگفت! این کلمات بر بیان مراتب عالی که همت است گفته می‌شود». (تمهیدات، ۳۰۹-۳۱۰)

۵-۹ و واپسین جمله‌های تمهیدات، نیز چنین بود: «کی باشد که از ادبار خود برهیم؟! و هنوز دور است و آرجو که عن قریب میسر شود...» (تمهیدات، ۳۵۴) و چون میسر شد و از ادبار خود باز رهید و جسد بیجان را از دار به زیر آوردند و احتمالاً واقع یا تخیل، آن را در بوری پیچیدند و نفت زدند و سوزاندند خواسته‌اش در رباعی زیر پژواکی از ازل تا به ابد یافت:

ما مرگ و شهادت از خدا خواسته‌ایم

و آن هم به سه چیز کم بها خواسته‌ایم

گر دوست چنین کند که ما خواسته‌ایم

ما آتش و نفت و بوری خواسته‌ایم

تمهید دهم: واپسین نگاه اجمالی و بدرودی ناگزیر و نه

برای همیشه

۱-۱۰ بدینسان، تمهیدات، که «کلام السکران» و نگارشی بیشتر در حال سکر و مستی است، تجلی تجارب خصوصی عرفانی عارفی سوخته دل و شوریده سر است که تک تک دیده‌ها و شنیده‌های چشم و گوش سر و جان را با رنج و درد و حزن و رجا یافته است و این خود شهامتی ویژه در بیان بدو بخشیده است. عین القضاة در تلاشی جانگرا است برای برشدن از خاک، برای رسیدن به ترازوی ویژه، برای کندن از عادت‌ها و عادت‌پرستی‌ها و بردن از عادت‌پرستان، در پی مرادی که عشق است. و چنین است که عارفانه‌ترین اثر عین القضاة آفریده می‌شود که عاشقانه‌ترین نیز هست و به طبع و به تبع؛ و شاعرانه‌ترین نیز هست به طبع و تبع. همه موج‌موج شور در شور احساس و اندیشه در سیر و سلوکی با روش و نگرش عرفانی عارفی دردمند که هم رسالت خویش می‌داند و هم سرنوشت خویش؛ و آگاهانه ره می‌سپرد تا بر شود.

۲-۱۰ زیان‌های بازتاب شخصیت ویژه او، با جلوه‌های گوناگون معنوی است. تمهیدات جولانگاهی است که در آن ماجرای روح یک صوفی بی‌تاب جلوه‌گری می‌کند و واژگان از خزانه‌های معارف گوناگون فراگرفته سرریز می‌کنند تا در ترکیبی ویژه زبان عارفی ویژه را تشکیل دهند. زبانی با جلوه‌های گوناگونی از نقد و کلام و فلسفه و قرآن و حدیث یگانه شده در عرفان، و آمیخته با عشق. از «عشق حقیقی» تا «عشق مجازی» و ترکیب خاص واژگان با دیدگاهی ویژه، به گونه‌ای که در مجالی مناسب می‌توان به نسخ‌شناسی واژگان، ریشه واژگان، و نوع واژگان در تمهیدات پرداخت و نوآوری‌ها، آشنایی زدایی‌های گوناگون، کاربردی تازه واژگان، طرح واژه‌های تازه، و ایجاد معانی تازه در فضای تازه دلخواه را نشان داد و بر شدن زبان گفتار معمولی تا تراز زبان گفتار عارفی این گونه را به نمایش گذاشت، و سنجیدگی و متانت متن را نمونه‌های دقیق تر داد، و لحن ویژه عارف عاشق محزون را از ترنم واژه‌ها به گوش رساند.

۳-۱۰ عین القضاة سبکی ساده و در عین حال دشوار از ترکیب واژگان دارد. زیانش را ریشه‌هایی ژرف در زبان کهن است. و سخنش در ظاهر و باطن با قرآن و حدیث آمیخته و سرشت است، و پیوندهایی از واژگان عرضه می‌کند که در خدمت غنا و تعالی شکل و محتوی، و لفظ و معنی سخنند. واژه و تصویر و نگاه و زبان با استفاده از استعاره و خیال و حکایت و مکاشفه و تجربه و تفسیر و تاویل تصویر رنگ در رنگ پایداری را از انسانی با هویت ویژه، ایستاده بر خاک و گردن افراخته

تا افلاک، عرضه می‌کنند. نثر کاملاً پخته است و اصطلاحات همه بر جای خویش خوش نشسته‌اند و تجارب شخصی و سلوک دردمندانه برای دستیابی به حقیقت زبانش، حتی زبان تمثیل و استعاره و زبان فرارونده‌اش را از انتزاع دور می‌کنند. در برخورد با ماوراء نیز زبانش بشدت انسانی است اما بر قرن است تا حجابها بر درد و ناگفتنی‌ها بگوید. زبانی بازتابنده شخصیت صادق و پرشور جستجوگر رهانی و بی‌تاب سفر به ماوراء از جهانی که او در آن از نوجوانی با هوشی سرشار، در خدمت جانی سودایی و شیفته، و نگران حال آدمیان، همواره در جستجوی تعالی خود و دیگران بوده است، و ضمن نبرد با پلشتیها و روزمرگیها و سطحی‌نگریها بر آن بوده است تا نادیدنیها ببیند و ناشنیدنیها بشنود و بتواند همه را بر چشم و گوش جان دیگران عرضه کند و ناگفتنیها را عیان یا در پرده، به صراحت یا به رمز با دیگران در میان نهد. و چنین شد که چنین سالکی تمهیدات خود را، در واپسین گامهای سلوک، چنین به پایان برد «باش تا به عالم من رسی که زحمت بشریت در میان نباشد که خود با تو بگویم آنچه ناگفتنی باشد. در عالم حروف بیش از این در عبادت نتوان آوردن. کی باشد که از ادبار خود برهیم؟ و هنوز دور است و آرجو که عن قریب میسر می‌شود». (تمهیدات، ۳۵۴)

• به نوشته محمد نوربخش (در سلسله الاولیاء)، گذشتگان سخن عین القضاة را در «کلام السکران» می‌دانسته‌اند (خاصیت آیینگی، ۴۳)

مآخذ

- ارزش میراث صوفیه. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم ۱۳۶۲.

زیرین کوب، عبدالحسین. جستجو در تصوف ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۸.

فرمنش، رحیم. احوال و آثار عین القضاة. تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۰.

مقصود، جواد. شرح احوال و آثار و دویتهای باباطاهر عریان به انضمام شرح و ترجمه کلمات قصار وی منسوب به عین القضاة همدانی (۱۹) با اصل و ترجمه کتاب الفتوحات الربانیة فی مزج الاشارات الهمدانیة به شرح و تفسیر محمد بن ابراهیم، مشهور به خطیب وزیر. انجمن آثار ملی چاپ دوم، ۱۳۵۶.

عین القضاة همدانی. تمهیدات. با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیق عقیف عسیران. تهران: انتشارات منوچهری، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

- نامه‌های عین القضاة همدانی. به اهتمام علینقی منزوی و عقیف عسیران. تهران: کتابفروشی منوچهری و کتابفروشی زوار ۱۳۶۲.

مایل هروی، نجیب: خاصیت آیینگی، تهران: نشرنی. چاپ اول ۱۳۷۴.

میهنی، محمد بن منور. اسرارالوحید. تحقیق و تصحیح محمدرضا شفیی کدکنی. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۷.



مرتضی کاخی

پاسخ: در پاسخ به پرسش شما مجبورم دو تا پرسش مطرح کنم! یکی اینکه: منظورتان کدام دسته از صوفیه هستند؟ دیگر این که، کدام دسته از نثرهای صوفیه؟ و خودم پاسخ بدهم که هر جا در پاسخ‌هایم به صوفیه اشاره کنم منظورم آن نحله فکری و فلسفی است که ابتدا و در قرن دوم هجری به صورت طریقتی همراه و در جوار شریعت، با توجه و تأکیدی بر لطافت رفتار و گفتار و تهذیب خلق و خوی حرکت می‌کرد. به تدریج و در قرن سوم هجری با در آمیختن به اندیشه‌های مانوی و زروانی و نو افلاطونی (فلوطین به ویژه) به تزکیه نفس و گریز از نفسانیات، با سلوکی سرشار از شیدایی در طریق اتصال به، و انحلال در اول‌الاولین پرداخت، بدون این که اندک انحراف یا انفصالی از شریعت پیدا کند. (عارفان بزرگ و مشایخ و اقطاب صوفیه همواره از متشرعان اصیل و محکم بوده‌اند).

این دسته از صوفیان صافی هیچ‌گونه ربط و شباهتی با دنیا پرستان متظاهر و دکانداران عوام فریب که ماترک تولیدی آنها تهیه موم از آهن و سایر خوارق عادات و نوادر امور و کرامات، با نیت فریب دادن ساده لوحان روزگار بوده است ندارند.

اخیراً می‌خوانیم و می‌بینیم که در بلاد مغرب هم انواع دیگری از این موجودات پیدا شده‌اند که از همان آبشخور سیراب و شاداب می‌شوند (نگاهی گذرا به سینه چاکان طریقت «کاستاندا»ی آمریکایی و کریشنا مورتی

هندی و جیجک علیشاه‌های وطنی ضرورتی برای آوردن هیچ گونه برهانی باقی نمی‌گذارد).

پیشاهنگان آن طریقت زلال و عوالم سیر و سلوک در قلمرو «انفس» - و نه آفاق - بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین و در ضمن عمیق‌ترین نحله‌های اندیشگی ایرانی و شرقی را فراراه ذهنیت بشری قرار داده‌اند! همان که یکی از بزرگان معاصر ما گفته است: تصوف نگاه هنری به شریعت است. (نقل به معنی).

و اما حیثیت این نحله اندیشگی و هنجار این گونه نگرش به انفس، به هیچ روی ایجاب نمی‌کند که برای تبیین آن به نظم و نثری حاجت باشد. اعظم مشایخ صوفیه اصولاً معتقد به هیچ گونه احتجاج و استدلالی برای تشریح افکار یا تعمیم طریقت خود نبوده‌اند. بنابراین اگر یک بیت نظم یا یک سطر نثر هم از آنها بر جای نمی‌ماند جای شگفتی نبود. اگر هم امروز می‌بینیم که فاخرترین آثار نظم و نثر در زبان فارسی متعلق به مکتب تصوف است، نه به خاطر این بوده که این طریقت بخواهد اثری مکتوب از خود باقی گذارد، بلکه به شهادت تاریخ، فلان قطب صوفیه در عالم سیر و سلوک چند گاهی از فرط بیخودی کلامی بر زبانش جاری می‌شده که مریدان و پیروان او آن کلام را به خاطر می‌سپردند و یا می‌نوشته‌اند که از آن جمله است شطحیات بایزید بسطامی یا مقالات ابوسعید ابوالخیر و بسیاری دیگر از مشایخ صوفیه که ذکرشان در اسرار التوحید و تذکرة الاولیاء و نفحات الانس باقی است. تألیف فیه مافیه مولانا که تحریر تقریرات او در «مجالس» اوست. «مولانا» در مورد اشعارش در کتاب فیه مافیه گوید:

«من تا این حد دل دارم که یاران که به نزد من می‌آیند، از بیم آن که ملول نشوند، شعری می‌گویم، تا با آن مشغول شوند! و گرنه من از کجا شعر از کجا؟ والله که من از شعر بیزارم، و پیش من بتر از آن چیزی نیست». در نظر بیاوریم که این نظر بزرگترین شاعر همیشه جهان

در مورد شعر است.

شطحیات و کلمات باقی مانده منتور مشایخ صوفیه، به نظر من، نابترین شعرهایی است که از نوع بشر به جای مانده است. دو نمونه از بایزید بسطامی (به نقل عطار در تذکرة الاولیاء):

به صحرا شدم | عشق باریده بود و زمین تر شده | چنان که پای به برف فرو شود | به عشق فرو می‌شد. از همو و به نقل از همان کتاب:

دوشن تر از خاموشی چراغی ندیدم | و سخنی به از بی سخنی نشنیدم | ساکن سرای سکوت شدم | و صدره صبری در پوشیدم | مرغی گشتم | چشم او، از یگانگی! | پر او، از همیشگی! | در هوای بی‌چگونگی، می‌پریدم |...

(دقت کنید: در هوای بی‌چگونگی می‌پریدم...) چه حکایتی است! کتابهای نثر صوفیه سرشار از این به ظاهر نثرهای فاخر و در باطن شعرهای ناب و نایاب است.

عجبا که گویندگان این سخنان، این‌ها را قابل نوشتن نمی‌دانسته‌اند و پیروان و مریدان آنها همت کرده و این‌ها را نوشته‌اند تا حدیث شیدایی شیخ برای مریدان روزگاران بعد، به یادگار باقی بماند. (این نثر مربوط به ۱۲ قرن پیش است).

و اما ویژگی‌های این نثر:

- شعری و شعرانگی بودن آن، که می‌تواند به حق از برجسته‌ترین نمونه‌های شعر سپید پارسی باشد و چون ستونهایی از بلور زلال و درخشان بر تارک هنر کلامی پارسی بنشینند، با این تفاوت شگفت‌انگیز زمانی (۱۲ قرن پیش) و محتوایی، در قیاس با حتی بهترین نمونه‌های شعر سپید امروز فارسی.

- گره خوردگی تخیل نیرومند با اندیشه‌ای ژرف در زبانی روان و سلیس و ساده و در عین حال فاخر. مورد اخیر، به تنهایی هنری متعالی و شگفت‌انگیز است.

- اصالت و عمق تصور و ذهنیت.

پاسخ به اقتراح

متون منتور صوفیانه

- موسیقی درونی و کناری سخن در حدّ اعجاز.
- سوررئالیسم روشن و اصیل (در یازده قرن پیش از پیدایش سوررئالیسم در اروپا).
- درد عارفانه و حدیث شیدایی و دوری از اصل در جست و جوی روزگار وصل.

- حضور سنن و عادات و امثال و حکایات دل نشین برای درک و فهم هر نوع انسان (عوام و خواص).
- دوری و تبری از ریا و مدح و ثنای صاحبان زرو زور زمانه، به گونه‌ای که از زمان پیدایش اندیشه تصوف، شعر و نثر فارسی از مدیحه سرایی و هوسبازی و سبکسری دور می‌شود (نگاهی به آثار جوانی و غیر عارفانه سنایی و دوران پختگی و سرسپردگی‌اش به طریقت و مقایسه این دو جان و جهان با هم، و تأثیر این طرز نگاه و بیان بر سخن‌سرایان پس از او نشان می‌دهد که تصوف، سخن‌دانی و سخن‌سرایی را از چه مغاک‌های به چه افلاکی رسانده است).

- درون‌گرایی (حال) برخاسته از حس درونی و «انفس» و دوری از تصنع و روی گردانی از «آفاق» و رساندن پایگاه سخن به مرتبت و سریری که آن را «تأویانه سلوک» (در زبان عطار) خوانده‌اند.

- و مهم‌تر از این همه، در آن روزگاران، در دو اندیشه «خلق» را داشتن و «خلق» را مخاطب قرار دادن و با «جماعت» دمساز و هم‌آواز بودن نکته‌ای شگفت‌انگیز است. بسیاری از مشایخ اعظم صوفیه به مشاغل معمولی مثل عطاری و بقالی و قصابی و رویگری و... در میان مردم اشتغال داشته‌اند.

۲-

- پاسخ: گمان می‌کنم پاسخ این پرسش را طرداً للباب و در پاسخ به نخستین پرسش شما کمابیش داده‌ام. فقط اضافه می‌کنم که ما ایرانیان در میان هنرهای شش‌گانه دنیای باستان (اخیراً سینما به عنوان هنر هفتم به آن هنرها اضافه شده) که شعر، نثر، موسیقی، تئاتر، نقاشی مجسمه‌سازی باشند، فقط در هنر کلامی، آن هم شعر، به مقام والایی در میان خانواده بشری رسیده‌ایم. نثر گذشته ما هنر نبوده است. از تزیینات کلامی مثل نثر مسجع و غیر آن که بگذریم، در نثر دست به آفرینش هنری نزده‌ایم. نثر برای ما

طریقت داشته، یعنی وسیله‌ای بوده برای ثبت مثلاً افکار فلسفی، تاریخ، اصول و دستورهای اخلاقی، اگر در نثر گذشته ما آفرینش هنری دیده شود عموماً مربوط به نثر صوفیه است. نثر صوفیه، موضوعیت پیدامی‌کند یعنی از نثر استفاده ابزاری و به عنوان وسیله و مرکوبی برای حل اندیشه فلسفی و اخلاقی و... نمی‌شود. نمونه‌ای بیاورم از تذکره الاولیاء و ذکر بردار کردن منصور حلاج، که این نثر فقط بیان واقعه‌ای را نمی‌کند؛ بلکه یک اثر عظیم هنری است:

..... دیگر بار حسین را ببرند تا بکشند. صد هزار آدمی گرد آمدند، و او چشم گرد همه برمی‌گردانید و می‌گفت اناللق..... پس در راه که می‌رفت، می‌خرامید؛ دست‌اندازان و عیاروار می‌رفت، باسیزده بند گران... پس هر کسی، سنگی می‌انداختند. شبلی، موافقت را، گلی انداخت. حسین بن منصور آهی کرد. گفتند: از این همه سنگ چرا هیچ آهی نکردی؟ از گلی آه کردن چه سراسر است؟ گفت: از آن که آنها نمی‌دانند، معذورند. از او سخت می‌آید که می‌داند که نمی‌باید انداخت... پس چشم‌هایش برکندند. قیامتی برخاست. و بعضی می‌گريستند و بعضی سنگ می‌انداختند. پس گوش و بینی ببریدند. و سنگ روانه کردند. عجزه‌ای، پاره‌ای رگو در دست می‌آمد. چون حسین را دید، گفت: محکم زنید حلاجک رعنا را تا او را با سخن اسرار چه کار. پس زبانش ببریدند. و نماز شام بود که سرش ببریدند... عباس طوسی گفت: فردای قیامت، در عرصات، حسین منصور را به زنجیر محکم بسته بیاورند. اگر گشاده بیاورند، جمله قیامت را برهم زنند!

در قطعه نثر بالا، که با سادگی و سلاست تمام تحریر یافته، آرکائیسم چند قرن پیش زبان فارسی نیست که امروزه از فرط غرابت زیبا و فریبنده جلوه کند. فضا سازی، پرداخت واقعه، اشارات، بیان طرز برخورد مردمان با منصور و اعتقادات و عادات آنها ایجاز و اختصار و تمثیل و... به فضای این عبارات از نو نگاه کنید و به موسیقی آن گوش فرا دهید: عجزه‌ای.... گفت محکم زنید این حلاجک رعنا را... یا... و نماز

شام بود که سرش ببریدند! پس، آنچه در پشت دیوارهای نثر معاصر و امروزی فارسی که نثری فاخر و موقر و بعضاً جهانی است، داریم فقط نثر صوفیه است که هنری است. سایر نثرهای ما نوعاً یا تصنع و تزیین ظاهری و فریبنده دارد، یا وسیله‌ای است برای تبیین امری دیگر. (از استثنای تاریخ بیهقی و بعضی لحظات درخشانش بگذریم).

به نظر من نثری که «هنر» است تفاوتش با یک نثر مصنوع و مسجع و مرصع این است که اگر این دو نثر را به زبان دیگری ترجمه کنیم حتی به زبان ساده خودش نثری کم «هنر» است چیز زیادی از دست نمی‌دهد و گاه پیش می‌آید که چیزی هم به دست می‌آورد. اما از نثر مرصع، وقتی زیورها و آرایه‌هایش گرفته شد، آنچه می‌ماند یک حرف زدن معمولی است با درونمایه‌ای از مقوله هیچ نثر صوفیه غالباً هنگامی که ترجمه می‌شود، همچنان باشکوه می‌ماند.

۳- فرهنگ و ادبیات امروز ایران چه بهره‌ای از این متون می‌تواند بگیرد؟

پاسخ: اعتماد به نفس نویسنده (اعتماد به نثر او) در حدی که این زبان برای نوشتن چیزی کم ندارد و: هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست ورنه تشریف تو بر بالای کسی کوتاه نیست

با استظهار به نثر صوفیه، نویسنده ایرانی در زمینه بیان، فی الضمیر، وصف حال، پرورش نیروی تخیل، ساده و سلیس و روان نوشتن بی هیچ گونه هراسی از فاضلان و فسیلان، بیان شرح شور و شیدایی، کمترین کمبودی در نوشتن احساسی نمی‌کند (نویسنده بالغ و ماهری در معاصران را نمی‌شناسم که نثر صوفیه را به کرات نخوانده و توشه از آن برنگرفته باشد).

- با الگو برداری از نثر صوفیه، نویسنده فارسی زبان به راحتی می‌تواند با بیانی یا شکوه و فاخر، در عین حال ساده و روان در طریق زبان زنده و جاری حرکت کند. گفتیم که اعظم مشایخ صوفیه همواره در میان مردم می‌زیسته‌اند و به شغل ساده روستایی یا مشاغل عادی شهری اشتغال داشته‌اند (در میان اینان کسی که به شغل دیوانی یا درباری و کار ملک اشتغال داشته باشد نمی‌شناسم و نشنیده‌ام). این است که در نوشته‌های



صوفیه بازبانی بی پیرایه، پر حکایت و مثل و زنده و جاری روبرو می‌شویم. برخلاف نثر پر تکلیف و تصنع تاریخ نویسان و معلمان فلسفه و اخلاق که چون نوعاً مشاغل و وابستگی‌های مهم دیوانی داشته‌اند مخاطب‌های آنها را اکثراً خواص تشکیل می‌دهند.

در پایان به این نکته که در ابتدای پاسخ به نخستین پرسش شما عنوان کردم اشاره کنم که نثر صوفیه بدو گونه است. نثر تعلیمی که مشحون از تعالیم و طرز سلوک برای کسانی است که به این طریقت پیوسته‌اند یا می‌خواهند پیوندند که نثری در واقع مدرسی (اسکولاستیک) است. یکی دیگر نثری که حدیث شطحیات و ذکر شیدایی مشایخ صوفیه و حالات و سخنان آنهاست و من این نثر را نثر هنری می‌دانم.

غلامرضا ستوده

۱- ویژگی‌های متون نثر فارسی - عرفانی

تحقیق و بررسی در متون نثر فارسی به منظور جستجوی ویژگی‌هایی که بر اساس آن بتوان سبک و سیاق نثرهای صوفیانه را از سایر متون فارسی ممتاز و مشخص ساخت ظاهراً کاوشی است بی‌حاصل. باری فقط توان گفت نویسندگان عارف مسلک در ایجاد نثرهای پرورده فارسی با چاشنی عرفان، سهمی بسزا داشته‌اند. همچنان که از بیانات شیخ ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷-۴۴۰) در کتاب اسرار التوحید نقل شده، برخی دارای فقرات مسجع است... بعد از سخنان منقول از ابوسعید در کتاب اسرار التوحید، در کتاب کشف المحجوب جلالی هجویری (قرن پنجم هجری) هم گاه آثار نثر موزون یا مسجع را ملاحظه می‌کنیم... و وقتی این روش به خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱) رسید کمالی تمام یافت و در غالب موارد به کار رفت^۱

متون نثر فارسی صوفیانه که در دست است از حیث واژگان زبان فارسی نیز حائز اهمیت است. زیرا عرفا و متصوفه اغلب از میان مردم برخاسته و یا در میان مردم زیسته‌اند و در طول عمر خود به حرفه و کاری اشتغال داشته و با گروه‌های مختلف مردم محصور بوده‌اند و در نتیجه بسیاری از لغات مستعمل در زبان مردم را در نوشته‌های خود به کار برده‌اند. و در عین حال با واژگان فقیم فارسی نیز آشنا و اغلب به زبان و ادبیات عربی مسلط بوده‌اند.

گوئی عارفان علاوه بر اشراف بر معانی و کشف راز و رمز جهانی بر گنجینه واژگان فارسی عصر خود نیز مسلط بوده و در بیان هر معنی، هر چه تنگ و دشوار، واژه مناسب را یافته و نوشته‌اند. و اگر شعر صوفیانه مثلاً مثنوی معنوی را در نظر بگیریم می‌بینیم مولوی خود بسیاری از لغات فارسی را بر اساس قواعد زبان فارسی ساخته و گاه با وقوف و مهارت لغتی خارج از عرف زبانی پرداخته و به کار برده است.

۲- اهمیت متون نثر عرفانی در فرهنگ

ایرانی

حقیقت این است که باید از اهمیت فرهنگ ایرانی در متون عرفانی سخن گفت و مقصود از فرهنگ ایرانی، سابقه‌ای است پنج و شش هزار ساله که یک‌هزار و چهارصد سال آن بهره‌ور و سرشار از تعالیم اسلامی است. و آنچه ادبیات فارسی بویژه شعر و نثر عرفانی را تا به امروز زنده و شاداب نگه داشته، همان مایه‌های حیاتی است که از قرآن و سنت رسول (ص) و کلام ائمه (ع) گرفته است.

این فرهنگ، انسان را خداشناس و موحد بار می‌آورد و به انسان آزادی می‌آموزد. انسان را از قید تعلقات زودگذر دنیائی رها می‌سازد و مقام آدمی را چنان بالا می‌برد که بجز خدا نبیند.

این جمله‌ها از همان اسرار التوحید به عنوان مثال بس:

«این تصوف عزّی است در ذلّ، توانگری است در درویشی، خداوندی است در بندگی، سیری است در

گرسنگی، پوشیدگی است در برهنگی...» و با این ترتیب هر کس با چنین معیارهایی تربیت شود حیات معقول را می‌یابد.

۳- فرهنگ و ادبیات امروز ایران چه بهره‌ای

از این متون می‌تواند بگیرد؟

اگر در پاسخ بگوئیم هیچ فقط گریبان خود را از مزاحمت چنین سوآلی خلاص کرده‌ایم... چه طور می‌شود تاثیر پند و حکمت و ارشاد در زندگی نوباوگان را نادیده گرفت. و لزوم توسل به عقل را با آنکه الهام مرحله‌ای بالاتر از آن است چگونه می‌توان از این عبارت خواجه عبدالله نادیده گرفت که فرمود «خدایا هر که را عقل دادی چه ندادی؟» و چه راهی کوتاه‌تر و روشن‌تر از این بیان نبوی که عرفا سرلوحه کار خویش دارند. «مرد بی بدرقه علم راه سعادت نتواند رفت و علم بی عمل بر مرد وینال است و عمل بی اخلاص بکار نیاید و هر که دعوی طریقت و حقیقت کند که راهبر او علم نباشد، به حقیقت مغرور است.»^۲

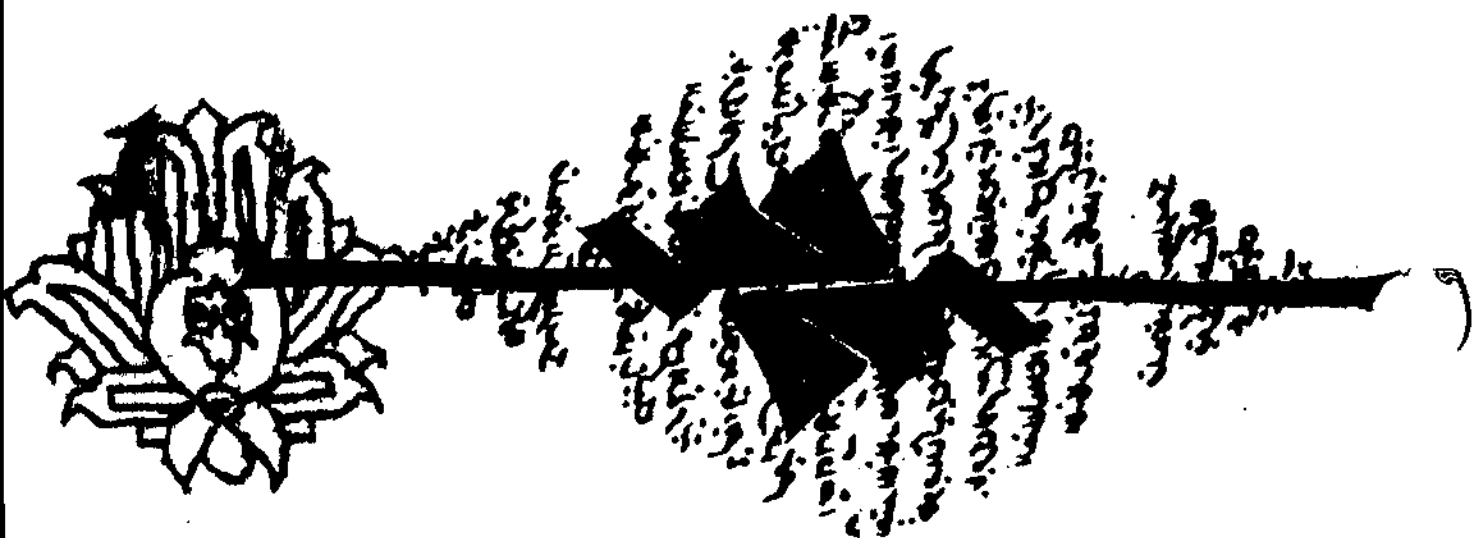
پانویست‌ها:

۱- تاریخ ادبیات فارسی، دکتر ذبیح‌الله صفا، ج ۲، ص ۵، ص ۸۸۱.

۲- حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، به تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، ص ۳۷.

علی بابا چاهی

لا بد مرا از درک این دقیقه‌ی زیبا گریز و گزیری نبوده است که بدانم... و بعد چه حظّ پر هولی که نثر قرن چهارم و نیمه‌ی اول قرن پنجم کلاً چقدر ساده و روان است و خالی از تکلف.



نه فتونی و نه جنونی که بیچاند کلامی را که بیشتر به سلام یا سپیدی یا مدادی می ماند.
- بیان مقصود؟
- آری!

افزون بر این شاهنامه ها و داستان های قهرمانی منثور این دوران نیز به دور از این همه سادگی و روانی و آنچه دائم و دانی نیست. و اما این که چه شرایط و عواملی باعث می شود که قرن هفتم یکی از ادوار مهم نثر فارسی به شمار آید و در این میان حمله ی مغول ها به ایران چه نقش بسزایی! به عهده داشته، در واقع پا از دایره ی این معنا - پرسش بالا - بیرون گذاشتن است و در همین پا درگریزی هاست که در می یابیم «معارف» سلطان ولد و «فیه ما فیه» مولانا جلال الدین بلخی را. حالا چقدر و چگونه نثر این دوره از ساده نویسی نثر قرن پنجم فاصله می گیرد، خود حکایتی دگر است و جای شکر یا شکایتش اینجا نیست.

به قرن نهم اما که می رسمیم: آنک پادشاهان و شاهزادگان تیموری و رواج اندیشه های صوفیانه و تکریم و تعظیم صاحبان قدرت در برابر اهل طریقت و تصوف که: وفا کنیم و ملامت کشیم... و این صدای توست کز اعماق قرون می آید: «ظلم اگر چه بسیار شود به سر آید، ظالم اگر چه جبار است به سر در آید» (سخنان پیر هرات، ص ۷)

۲-

به خودمان که برسیم و به پرسش بالا باید بگویم در متون منثور تصوف، به «فکر» و «ذکر» می رسیدیم که نپرس به سادگی تمام که بگویم منظوم سویه های صوری و حس و حضوری متون منثور صوفیانه است اجازه بدهید اگر جنبه ی صوری کلام این مشایخ را «ذکر» و جنبه ی حس و حضوری آنان را فکر می نامیم. چشم بسته هم که نگوییم هیچ متنی را - چه منظوم و چه منثور - از چگونه گفتن (ذکر) و از چه گفتن (فکر) گریزی نبوده است و نیست.

سه اثر منثور صوفیانه اما پیش روی من است. تا به کجاها کشد مرا؟

۱- سخنان پیر هرات / خواجه عبدالله انصاری

۲- مقالات شمس تبریزی / شمس الدین محمد تبریزی

۳- تذکرة الاولیا / شیخ فریدالدین عطار نیشابوری و اما وجوه مشترک این سه متن مبارک و ممتاز:

الف - لحن گفتاری، ب - طنین موسیقایی عبارتها، ج - ایجاز، د - نکته پردازی، ه - شور و حالت و حرارت.

لحن محاوره ای:

- ای عزیز! بهشت و دوزخ بهانه است، مقصود خداوند خانه است.

- ای بهشت! سر تو را ندارم مرا در دسر مده! ای دوزخ تن تو ندارم از خود خیرم مده (سخنان پیر هرات، ص ۲۷)

- نقل است که نوری بیمار شد، جنید به عیادت او آمد و گل و میوه آورد. بعد از مدتی جنید بیمار شد نوری با اصحاب به عیادت او آمدند. پس یاران را گفت. هرکس از این بیماری جنید چیزی بگیرد تا او صحت یابد. گفتند برگرفتم. جنید حالی برخاست. نوری گفت از این نوبت که به عیادت آیی، چنین آیی، نه چنان که گل و میوه آری (تذکرة الاولیا، ص ۳۱۹)

- مرا در این عالم با این عوام هیچ کاری نیست، برای ایشان نیامده ام. این کسانی که رهنمای علم اند به حق، انگشت بر رگ ایشان می نهم. (مقالات شمس تبریزی، ص ۸۲)

طنین موسیقایی عبارتها:

- یکی سوخته و در بی قراری بمانده، یکی کشته و در میان افراد سرگشته، یکی در خبر آویخته، یکی در عیان آمیخته. آن تخم که ریخته؟ و این شور که برانگیخته؟ (سخنان پیر هرات، ص ۹۰)

- ایستاده، جامی در دست و سر بر تن نه. گفت این چیست؟

گفت او جام به دست سر بریدگان می دهد (تذکرة الاولیا، ص ۴۲۱)

- آخر کمترین منم. مرا چنین گفته اند که کافر

هفتادساله کوزه ای به دست تو دهد. خلاص یافت. اوش پرورد در این صفت (مقالات شمس...، ص ۲۷۵)

ایجاز:

- سبحان الله این چه کار است، چه کار؟ قومی را بسوخت، قومی را بکشت نه یک سوخته پشیمان شد و نه یک کشته برگشت (سخنان پیر هرات، ص ۹۰)

- پس دستش جدا کردند. خنده ای یزد. گفتند خنده چیست؟ گفت دست از آدمی بسته جدا کردن آسان است. مرد آن است که دست صفات - که کلاه همت از تارک عرش در می کشد - قطع کند (تذکرة الاولیا، ص ۴۱۸)

- شادی را رها کرده غم را می پرستد. این وجود که بدو مغروری همه غم است.

تو این ساعت غمگینی؟ گفت: نیستم. گفت: ما غم این می خواهیم که شاد نباشد. شاخ دیگر ندارد. غم همین است. شادی همچون آب لطیف صاف به هرجا رسد. در حال شکوفه عجبی روید. (مقالات شمس، ص ۱۹۵)

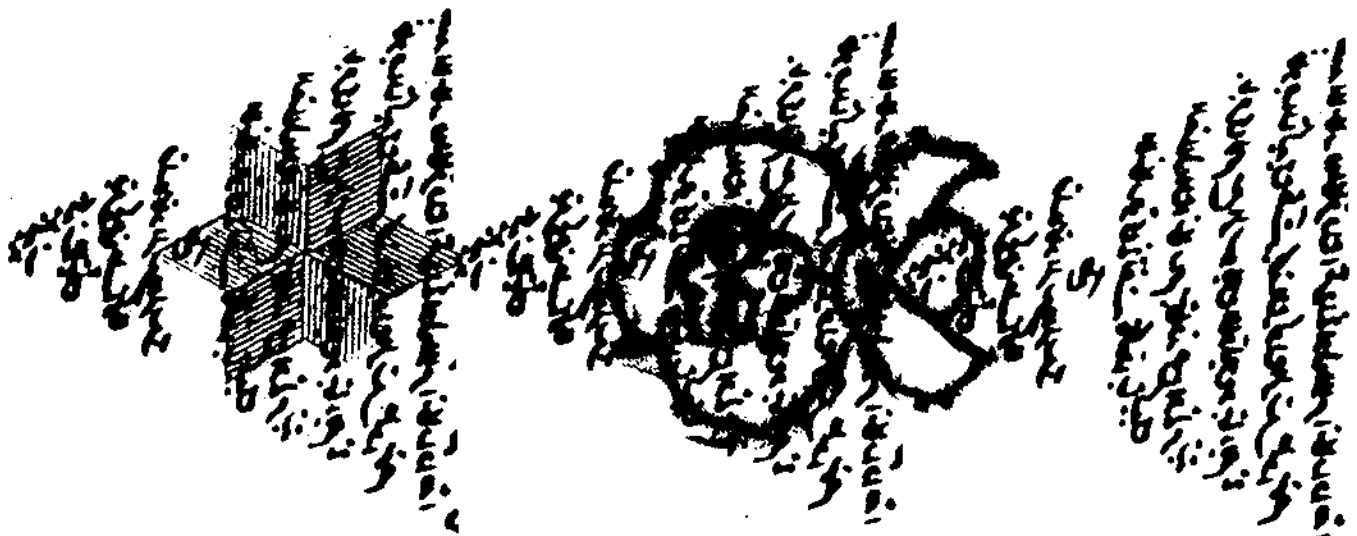
نکته پردازی و شور و حال و حرارت را در هر کجای این سه متن منثور اما بی آن که بجویم، یافتیم. زحمت این کار اما شما اگر نکشید نیز می چشید طعم طرب افزای آن را.

۳-

من اما از متون صوفیانه بیش از آن که چیزی بیاموزم، اندوخته ام چیزهایی را. کار و کردارهای شعری ام را که مرور می کنم، می شناسم تأثر یا طرب متون منثور صوفیانه را که پرتوی بر فکر و ذکر انداخته است نوعی رندی یا طبیعت برآمده از کرشمه ی نثر صوفیانه را در نوشته های گاه به جنون سرشته ی خود دیده ام و شنیده ام که زیرکی، گاه به شوخی و شیطننت می گفت: که ای فلان احسنت بر تو که روی «تضمین» را به روزگار ما بر زمین نگذاشته ای. بدین معنا که گاه سطری شامل از شیخی کامل را به درستی در شعر آورده ای.

- چه بوده است آن حکایت؟

- بماند فعلا



و این هم شواهدی بر روایت ما که کم و کوتاه می‌نماید:

- وا اندوها / که صبح

بی تاج عشق

بی درخشش نامی بزرگ

در حد ما نبود

«که ما دانیم قدر ما» (عبارتی از

تذکرة الاولیا)

(گزینة اشعار علی باباچاهی، ص ۱۴۲)

... و عشق

به می اشارت کرد

پیاله روشن شد

کسی که صبح وضو می‌گرفت

ز خون خویش

«شبانہ جام به دست سر بریدگان می‌داد»

(عبارتی از تذکرة الاولیا)

(آوای دریامردان، علی باباچاهی، ص ۸۱)

- ما جاشوان عرقریز / نیز

ستاره با نان جان عزیز آسمان‌ها بوده‌ایم

(همان، ص ۸۱)

آیا قافیه‌های درونی این بند شعر، متکی به سنت سجع در نثر کهن فارسی و نثر متون صوفیانه نیست؟ و آیا «بند» شعر زیر عقل ستیزی شعر یا نثر صوفیانه‌ی ما را تداعی نمی‌کند؟

... حرف نمی‌زد ولی

عقل کوچک من

به جای چشم‌هایش هم حرف نمی‌زد عقل

عقل کوچک من

بلد نبود / حرف زدن را بلد نبود

عقل کوچک من

(نم‌نم بارانم، علی باباچاهی، ص ۱۱۳)

«منزل‌های دریا بی‌نشان است» نام یکی از

مجموعه‌های شعر من است.

که در واقع وامی است از «سلطان ولد». ایشان فرمایند:

«علما و اولیا هرچه گفتند از تفسیر قرآن از چهارم برنگذشت و خبر نداد. لیکن نتوان گفت که اولیا به هفتم نرسیدند... لیکن در لفظ و عبارت همین بطن چهارم را توانستند گنج‌نایدن... منزل‌های دریا بی‌نشان است، نتوان بر آن انگشت نهادن».

مهرماه ۱۳۷۸

محمد روشن

پاسخ ۱: گویاترین سخن درباره «شریعت» و «طریقت» سخنی است که بر زبان ابوسعید ابوالخیر رفته است، آنجا که استاد امام بلقسم قشیری بر آن شد تا مفهوم این دو نکته از او بازپرسد.

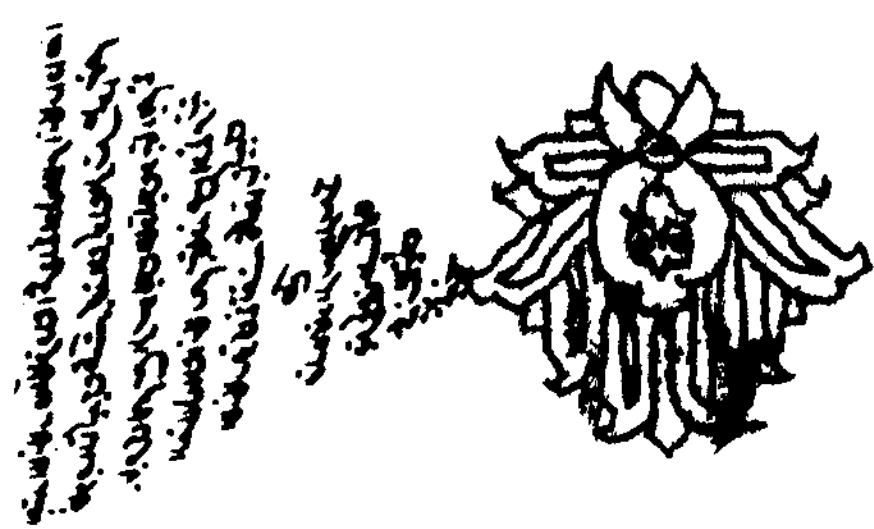
«(ابوسعید) گفت: ای کسی که می‌خواهی که از شریعت و طریقت بهره‌ی بدانک ما جمله علوم شریعت و طریقت به یک بیت بازآورده‌ایم، و آن بیت این است: از دوست پیام آمد کاراسته کن کار اینک شریعت مهر دل پیش آر و فضول از ره بردار اینک طریقت اسرار التوحید. چاپ دکتر شفیع کدکنی صص ۷۹/۸۰، چاپ شادروان دکتر صفا، ص ۸۸

در بیان احوال اهل طریقت که به «صوفیه» نام‌بردارند و در ریشه این واژه جای سخن نیست که آن مجالی گسترده می‌طلبد و حاصل سخن نیز آنچه پسندیده‌تر می‌نماید همان «پشمینه‌پوشان» اند که به کار زهد و پرهیز می‌رفتند و جامه «صوف» به تن می‌کردند و پایه کار آنان در عمل مبتنی بر مجاهده‌های مستقل فردی بوده است و در علم، بر معرفت مستقیم قلبی و کار امر به معروف و نهی از منکر را چندان به جد می‌گرفتند که سخنان پندآمیز آنان نه تنها روی با عامه

مردم داشت بل این گروه به ویژه به اصلاح و تهذیب حاکمان و فراستان نظر داشتند.

مثنی‌های صوفیان در فرهنگ و ادب فارسی پایگاهی بلند دارد و از تنوع بسیار برخوردار است، پایه عمده نثر و شعر صوفیه فراگیرنده «مذمت دنیا» است، و دنیا نیز در دیدگاه صوفی بر سر راه آخرت منزلی آکنده از بلاهاست. دوستی دنیا لغزشگاهی است که انسان را از نزدیکی به خدا باز می‌دارد. کلام نخستین و آخرین دوستی حق است و خواهش وصال، و این همه به شعر صوفیه رنگ عاشقانه می‌دهد؛ و غزل بیان شور و حال صوفی است به رسیدن مراتب روحانی. نثر صوفیان نیز بیشتر در قالب قصه و حکایت و سرگذشت صوفیان پاکدلی است که مراتب سلوک را درنور دیده‌اند و به کرامتها و مراتب نایل آمده‌اند.

مثنی‌های صوفیانه، نه تاریخ است و نه ادب و نه فلسفه، از این روی، زبان آن شفاف‌تر و گویاتر از هر مقوله دیگر نثری است. در این گونه مثنی‌ها حمد و ستایش و صنعت و تفتئات ادبی یکباره فرو نهاده می‌شود و بیشترین مایه آن بیان اذواق است و مواجید و سرانجام سیرت مشایخ و گفتارهای آنان که گاه با شطحیات و رازهای در دل نهفته آمیزش می‌یابد. از این روی مثنی‌های عارفانه روی با اوساط ناس دارد و مردمان فروپایه روزگار و زبان آن به دور از تکلف است و تصنع! در شعر نیز ظرف زبان صوفی، غزل است و رباعی و مثنوی و از نمونه‌های درخشان آن الهی‌نامه سنایی که به حقیقة الحقیقة نام‌بردار گردیده است و مثنوی‌های عطار چون منطق الطیر و اسرارنامه و... مثنوی مولوی و مصباح الارواح اوحدی و گلشن راز و... در غزل نیز سخن مختلتر و شورانگیز تر است چون غزل‌های عطار و عراقی و سنایی وک لیاث شمس تبریزی از سروده‌های مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، تا بدانجا که به کلام ویژه حافظ می‌رسد که از رمز دراز جاودانه برخوردار می‌گردد. پاسخ ۲: نگاهی به دیرینه‌ترین متن و شرح عرفانی «شرح التعرّف لمذهب التصوّف» از خواجه امام ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد مستهمی بخاری که شرحی گویا و جامع و فراگیر است بر «شرح التعرّف»



استادش تاج الاسلام ابوبکر محمد الکل بادی و امان نظر در تفسیرهای عارفانه که به شور و شیوایی تمام در بازگفت کلام وحی پایگاه سخن را به اوج می‌رساند و از نمونه‌وارهای آن مناجاتهای پیر هرات و شرح مبسوط آن کشف الاسرار و عدة الابرار ابوالفضل رشیدالدین میبیدی و سوانح احمد غزالی و تمهیدات عین القضاة همدانی و «عبرالعاشقين» شیخ روزبهان بقلی شیرازی و مجموعه‌های سیراولیا و مشایخ چون «اسرارالتوحید» و «تذکرة الاولیای عطار» و «نفحات الانس جامی» و «معارف بهاءاولد» و «لمعات عراقی» و «لوايح جامی»... مخلص کلام آنکه در گنجینه ادب فارسی بیرون از آثار برگزیده ادبی در زمینه‌های تاریخ و فلسفه و کلام و مقامات که هریک به شایستگی تمام در معیار ارزیابی، درخورستایش و تقدیر است، متنهای صوفیانه دریایی بیکران از نمونه‌های درخشان از اسلوب بیان به شمار می‌آید که می‌تواند از مایه‌های گزینش و بازنویسی و آفرینش‌های هنری قرار گیرد.

پاسخ ۳- اراج نهادن به میراث‌های مکتوب ادب و فرهنگ و تاریخ و تفسیر و کلام پارینه، و نظر افکندن به گنجینه‌ای گرانبار مایه آموزش و سنجش است. تنوع و گوناگونی زمینه‌های ادب ایرانی از کلام حماسی و اسطوره‌های فردوسی تا تاریخهای پارینه - که امروزه از دو زاویه مورد بررسی می‌تواند قرار گرفت: نخست نموداری است از میراثی کهن، و دیگر بازگفتی از سرگذشت پیشینیان با شیوه و اسلوبی ویژه چون: تاریخنامه طبری و تاریخ بیهقی! و نمودارهای برشمرده در بالا هریک به تنهایی در گسترش و غنای زبان امروزی، و الهام و برخورداری از مضامین کهن کارآمد فراوان دارد. آنچه که هویت ملی نام می‌گیرد ریشه در بازشناختن اندیشه‌ها و تأملات پارینه است. چون در سرگذشت امام علی دقاق می‌نگریم آنجا که عطار می‌گوید: قوم به نزد امام علی دقاق رفتند و گفتند: گوشت گران شد، امام گفت: ارزشش کنیم! گفتند: چگونه؟ گفت: نخوریم و نخوریم، بیرون از ظرافت و سخن‌سنجی و نکته‌آموزی، بازگوینده شیوه مبارزه‌ای است که درس امروزی، است.

بهاءالدین خرمشاهی

(۱) متون نثر صوفیه در تاریخ حدوداً یازده قرنه آن یکدست و یکسان نیست. بعضی که متعلق به قرون اولیه (سوم) تا قرن پنجم، ششم و هفتم است ساده و روشنند، با نثری که اصطلاحاً مرسل (ساده و روان در برابر نثر مصنوع یا فنی) نامیده می‌شود. مثال از این دست اسرارالتوحید ابوسعید ابوالخیر است و آثار و رسائل خواجه عبدالله انصاری (که در سال‌های اخیر به کوشش آقای دکتر محمد سرور مولایی تصحیح و از سوی نشر توس در دو مجلد منتشر شده است). همچنین تفسیر کشف الاسرار که محصول مشترک ابوالفضل میبیدی و خواجه عبدالله انصاری است، یا کشف المحجوب. کشف المحجوب متنی تعلیمی است ولی بغرنجی متون بعد از قرن هفتم و هشتم را ندارد. سوانح و آثار احمد غزالی غالباً دیرپاب و دشوار خوانند و با شگفتی باید گفت از این نظر درست برعکس آثار برادر او ابوحامد محمد غزالی است (و در رأس همه کیمیای سعادت) که بسیار شیواست. آثار فارسی شیخ اشراق هم شیوا و خوش خوان هستند. تذکرة الاولیاء عطار هم - صرف نظر از کرامت تراشی و مبالغه و افسانه‌گرایی - دارای نثر مطبوعی است. فیه مافیه و مکاتیب و مجالس مولانا هم خوش‌خوان است. (از مجالس مولانا به یاد مجالس سعدی می‌افتیم که هم ارزش نثری و هم ارزش عرفانی دارد) اما متون متأخر فارسی مثل رسالات / مقالات یا کتب شاه نعمت الله ولی دشوارپاب‌اند، چون متأثر از مکتب عرفان نظری (فلسفی - کلامی بغرنج و پیچیده) ابن عربی است. آثار علامه‌الدوله سمنانی و ترجمه فارسی کهن عوارف المعارف سهروردی به آن

بغرنجی نیست بلکه بینابین است.

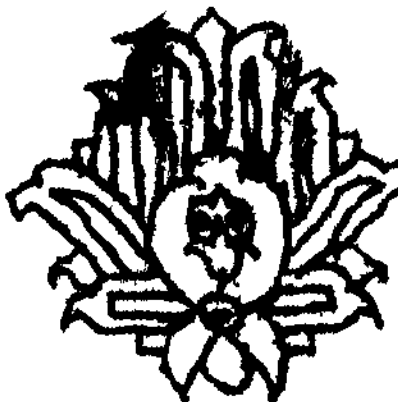
مقالات شمس هم - با کمال ارادت و عرض احترام به مصحح آن به استاد عرفان پژوه معاصر جناب دکتر محمدعلی موحّد - باید با بی‌پروایی ولی حقیقت‌نگرانه گفت بی‌انسجام و لذا ناشیوا و ناخوش‌خوان است. بنده از این که کسانی تحت تأثیر این کتاب - یا حتی شخصیت شمس - قرار می‌گیرند حیرانم و حتی از حضرت مولانا هم گله‌مندم که خود بر بامهای آسمان سیر می‌کرد و در جستجوی نردبانی چون شمس بود (چون شدی بر بامهای آسمان / سرد باشد جستجوی نردبان).

این مهم انگاری شخصیت‌های عجیب و غریب در روزگار ما هم دیده می‌شود (نظیر بزرگانگاری یکی از استادان فلسفه که شطحیات و سطحیات ژرف‌نما می‌گفت و ادعای هم سخنی با هایدگر داشت).

(۲) اهمیت متون در تاریخ فرهنگ کهن بسیار بیشتر از اهمیت امروزی آنهاست زیرا در گذشته این متون یا تعلیمی بوده‌اند یا به هر حال کثیرالمزاجه و متداول و متن درسی و آبشخور فکری و فرهنگی نخله‌ها و طریقت‌های صوفیانه گوناگون.

(۳) فرهنگ امروز از متون نثر (یا نظم) و بطور کلی عرفان گذشته دو استفاده می‌تواند ببرد و می‌برد: الف) استفاده از نثرنویسی غالباً ساده و روشن آن متون.

ب) استفاده از مضامین والای عرفانی و اخلاقی. ارزش اخلاقی و زندگی‌آموزی این متون را نباید دست کم گرفت. در اینجا کیمیای سعادت را مثال می‌زنم (یا همچنین ترجمه فارسی کهن احیاء العلوم غزالی را که به کوشش شادروان خدیوچم در چهار مجلد منتشر شده و همه می‌دانیم که کیمیای سعادت روایت بهگزین شده و تلخیص شده حجة الاسلام ابوحامد غزالی از متن عربی چندین جلدی احیا بوده است) که متنی است دینی - اخلاقی - عرفانی؛ تأثیر این کتاب در طول نهصد سالی که از تألیف آن می‌گذرد بر ذهن و زبان ایرانیان، از مولانا گرفته تا حافظ و تا محققان و خوانندگان امروزی بی‌حد و حصر است.



بهاءالدین خرمشاهی
مؤلف
مجلد اول
کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

عبد... کوثری

بخش بزرگی از نوشته‌های منثور زبان فارسی را نوشته‌های عارفانه یا عرفانی تشکیل می‌دهد. پس، آن کس که می‌خواهد آشنایی عمیق با این زبان حاصل کند باید با آثاری چون تذکرة الاولیاء، اسرارالتوحید، مکتوبات عین‌القضاة، لمعات فخرالدین عراقی، مصنعات فارسی شیخ‌اشراق (دست کم آن بخش از آثار او که می‌توان عرفانی به شمارشان آورد)، انسان کامل نفی و شطحیات روزبهان بقی و... آشنا شود. بدیهی است که کیفیت این نوشته‌ها چه از حیث مضمون و چه از حیث زبانی که به کار گرفته‌اند با هم یکسان نیست. یعنی این نوشته‌ها نیز مثل هر اثر ادبی و فلسفی دیگر تابع وضع فرهنگ زمانه و نیز تابع موقعیت و کمال یا نقصان اندیشه عرفانی در زمان و مکان خود بوده‌اند.

فی‌المثل نوشته‌ای از قرن چهارم و پنجم را که دوران شکوفایی عرفان و زمانه عرفانی بزرگ و اصیل بوده به هیچ روی نمی‌توان با نوشته‌ای از قرن نهم مقایسه کرد. اولی سراسر بداعت و اصالت و شیوایی است و دومی سراپا تکرار و تقلید و تعقید و ملال. پس آنچه در اینجا مورد اشاره است نمونه‌های خوب و اصیل این‌گونه نوشته‌هاست نه آثاری که در دوران تدفی فرهنگ و رونق کار صوفیان مرید باز و متظاهر پدید آمده‌اند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های نثر عارفانه ساده بودن و عارفان باشد و خواه به قلم مریدی درباره مرشد و مقتدای خود، اغلب روی سخن با مردم عادی دارد نه گروهی برگزیده از خواص. از همین روست که بیشتر این آثار به زبان زنده زمانه خود نوشته شده و سرشار از حکایت و تمثیلاتی است. به منظور روشن کردن مطلب برای خواننده عادی، نیز به همین سبب در این نوشته‌ها از واژه‌های مهجور و دیریاب و اصطلاحات «تخصصی» کمتر نشان می‌بینیم. دیگر این که در این نوشته‌ها اغلب برای آرایه بستن کتاب و یا آوردن شاهی بر گفته‌ای، از اشعار فراوان سود می‌برند و برخی از این اشعار - مانند آنچه در مکتوبات عین‌القضاة آمده - خود از بهترین نمونه‌های شعر عرفانی مایند. جدا از اینها نثر عارفانه، تا آن زمان که عرفان به معنای نگاهی عاشقانه و زیبانگر به هستی و انسان و سلوکی پر وجد و شور در عالم هستی و بازگویی قصه دل‌های عاشق بود و هنوز به آنجا کشیده نشده بود که با توسل به آنچه عارفان راستین از آن دوری می‌گزیدند در پی توجیه خود برآید و بکوشد اصولی مدون و خشک و تصنعی برای خود پدید آورد، نمودار نوعی نگرش به هستی بود که در جای خود و در زمان خود زیبایی‌ها و شگفتی‌های فراوان داشت و حاصل تأمل برخی از روشن‌بین‌ترین مردم این سامان به شمار می‌رفت. این همه سبب شده است که این نثر قدرتی فراوان در توصیف عواطف و حالات گوناگون آدمی داشته باشد و گنجینه‌ای سرشار از استعارات و تشبیهات و ترکیبات بدیع پدید آورد، تا آنجا که پاره‌هایی از این نثر به راستی زیاتر از بسیاری اشعار عارفانه و عاشقانه شود، نمونه‌هایی چون تکه‌هایی از کشف الاسرار (در بخش تفسیر عرفانی) و تذکرة الاولیاء و لمعات عراقی و مکتوبات عین‌القضاة و شرح شطحیات، در این شمارند. اما این که نویسندۀ امروز از این نثر چه می‌تواند آموخت فکر می‌کنم پاسخش همان است که در مورد هر نثر خوب دیگر می‌توان گفت. بدیهی است که بسیاری از واژه‌ها و تعبیر این نثر امروز به خودی خود نمی‌تواند در نثر ما کاربردی داشته باشد، هرچند که می‌توان از این گنجینه سرشار واژه‌هایی در خور کار امروز نیز یافت و با خیال آسوده به کارشان گرفت. اما ژرف نگری در این زبان، مایه گرفتن از روح حاکم بر آن و تأمل در زلالی آن به راستی آموزنده تواند

بود. من بر این باورم که نثر و شعر خوب دوران ما که شکل‌گیری آن بعد از یک دوره طولانی رکود و کژسلیقگی، در سالهای اواخر قاجار و بعد از جنبش مشروطه آغاز شد، تا حد زیادی وامدار همه نثرهای خوب گذشتگان است، نویسندگان خوب معاصر این متون را با نگاهی نو بازخوانی کردند، از شیوه نگارش آنها سود بردند، واژه‌های جاندار و ماندگارشان را دوباره احیا کردند و بدین سان نثری پدید آمد که نمونه‌های خوب آن قابل قیاس با همان آثار تواند بود. در واقع ما در این صد سال اخیر کوشیده‌ایم راهی به سرچشمه زلال و زایای زبان بگشاییم بی‌آنکه به دام تقلید نامناسب با زمان خود گرفتار آییم. این فرایند تأثیرپذیری البته درازمدت بوده و نشانه‌های آن همواره آشکار نیست، هرچند که مثلاً زنده‌یاد آل احمد نثر جاندار خود را وامدار ناصر خسرو می‌دانست و زبان شعر شاملو نیز بیش از آن که از شعر گذشته تأثیرپذیر و از نثر کهن تأثیر گرفته است. من خود که از کوچکترین شاگردان نویسندگان کهن و امروزم، در ترجمه برخی متون از زبان گذشتگان سود جست‌ام، یعنی در متن‌هایی چون تلمس مور،

اراسموس، هومر و ویرژیل و نیز در اورستیا اثر انجلوس. نکته‌ای که در اینجا به ذهنم رسید مسأله آشنایی جوانان با این‌گونه نوشته‌هاست. من خود برخی جوانان را دیده‌ام که این‌گونه آثار را به سبب مضمون آنها خوش نمی‌دانند چرا که برخی مضامین این نوشته‌ها، مثلاً روایات عطار در تذکرة الاولیاء به چشمشان عقایدی خرافی و باورنکردنی می‌آید، به گمان من باید به این جوانان شیوه لذت بردن از نثر خوب را بیاموزیم و نیز یادآوری کنیم که بسیاری از این روایات و گفته‌ها در حکم تمثیل و استعاره و تصویرپردازی است که در ادبیات همه ملل وجود دارد. بدیهی است که بر آب رفتن فلان عارف یا بیرون جستن سگ از دهان فلان کس را هیچ کس از جمله خود نویسندۀ - در اینجا عطار - باور نمی‌کرده و نمی‌کند، باید به معنای نهفته در پس این تمثیلات و تصویرها توجه کرد. سنجشی دیگر از این مضامین به هر حال باورهای دیرینه مردم ما بوده و آشنایی با آنها برای امروزیان فرهیخته ضرورت دارد. و مهمتر از همه این که به جوانان یادآور شویم که شماری از این عارفان، و البته نه همه آنها، مردمانی هنرمند، روشن‌بین و صادق بوده‌اند که می‌کوشیده‌اند در آن

پاسخ به اقتراح

از متون صوفیه چه آموخته‌اید؟

روزگار تعصب‌های یخام و خشک اندیشی‌ها و بدعالبیها، با نگاهی متفاوت هستی انسان، چگونگی سرنوشت او و رابطه‌اش با خداوند را کشف کنند و به دیگران بنمایند و از این رهگذر عالمی و آدمی زیباتر بسازند و ما تجلی این اندیشه را در شعر و نثر و موسیقی و معماری این سرزمین می‌بینیم، که هر یک برآستی و در جای خود زیبا و عمیق و انسانی است. راست بگویم همین تجلی هنری عرفان است که امروز می‌تواند برای ما لذت‌بخش و آموزنده باشد.

اما بطور کلی دآوری درباره عقاید و افکار عارفان و برخی تأثیرات نامطلوب این افکار و عقاید چیزی البته ضروری است که باید با توجه به زمانه و روزگار آنان صورت پذیرد. باری، از این دیدگاه است که باید به آثار عارفان بنگریم و از زیبایی و غنای این آثار بهره بگیریم.

سید علی صالحی

تنها منظر مقابل من؛ صورتی روشن از شک و سکوت است. چگونه می‌توان وحدت چکامه‌ی هستی را زج به زج برشمرد؟! همه یکی است و یکی همان بسیار است، تا آن سوی عدم، چرایی این خاموشی بنور را چراغی نیست که زیر و زبر این زاویه را از هم باز بشکافد به آوازی که یقین مسلم است! راست این که من سواد فهم این پرسش دشخوار و دقیقه‌زا را ندارم. حسی شهودی از دوردست اشارتم می‌کند باید جایی از این جمله، جهانی به کوچکی یکی واژه گم شده باشد. در پس این پرده‌ی صوفی‌پرست، سایه‌ای پنهان است به اعتراض آن پیراهن اولین که دوگونه بود: یکی عزیز اهل چاه و یکی حریرپوش ظفرنمون سلطه! صوفیان در نقد معیار دوم بود که زخت به گرو رنج نهادند و سر حقه پوشاندند و سیر سلوک باز نمودند، که اگر یکی نموده آمد، جرّمش این بود که سربه دار!

اشارت من به پیراهن اول از عذاب عشق است به استعاره‌ی چاه، من به این سایه‌واری تو با وّش می‌نگرم که می‌گوید کلمه را تقسیمی نیست به حرف فزق. «ادبیات صوفیه» آری، آن هم به زعم معنابلان مکتب خانه، «نثر صوفیه» کدام است که توانی تفکیک آن از هر «آن» مشابه، برای من دشوار است!

«نثر» روزنه‌ای ستاره مثال از آسمان بی‌نهایت ادبیات به هم تنیده‌ی ماست، از سپیده دم تولد «کلمه» تا کاف و نون و لم یزال...! در طیف تمیز، طبق پذیر نیست، شمارش اعداد و رموز و اقلیم و آینه و مرز و معنا، معنا ندارد. نثر پارسیک، کیفیت متغیر است به هر معنا، که نمی‌توان با تحکم و تأکید بر تکرار چند صفت، واژه، اندیشه، خواب و خیال، یا نحو لا و لپ انحاء و گزین گفت منظورمند صوفیه، از آن به قاعده‌ی یک قولی مشخص یاد کرد!

تحقیق صوری و ثغور حضور اهل عیار و میزان، معنای من و معیار من نیست. غریبال نثر صوفیه از کلام کهکشان و کهکشان کلام - آن هم در خانه‌ی اندیشه‌ی ما ایرانیان - ممکن نیست. این گونه‌ی منور و رها، در جود جهانی زبان ما پراکنده‌ای مجموع است، تا به آن کرانه که «او» را در سلک و ملک معنای مطلق نمی‌یابید، تا بر آن تعریفی مترتب باشد.

در پیاله کردن چیزی و از آن چراغی به نام «نثر صوفیه» افروختن، عریض آزار است، کافی است تا نیک در دستاورد خویش بنگری، بر تو پریشانی به کف می‌آید بی‌خواب، اما خوش آیند برای کلمه‌بازان مدرسه‌ی مشق و مداد. در باب این «اثیر»... تنها منظر مقابل من سکوت است.

عمران صلاحی

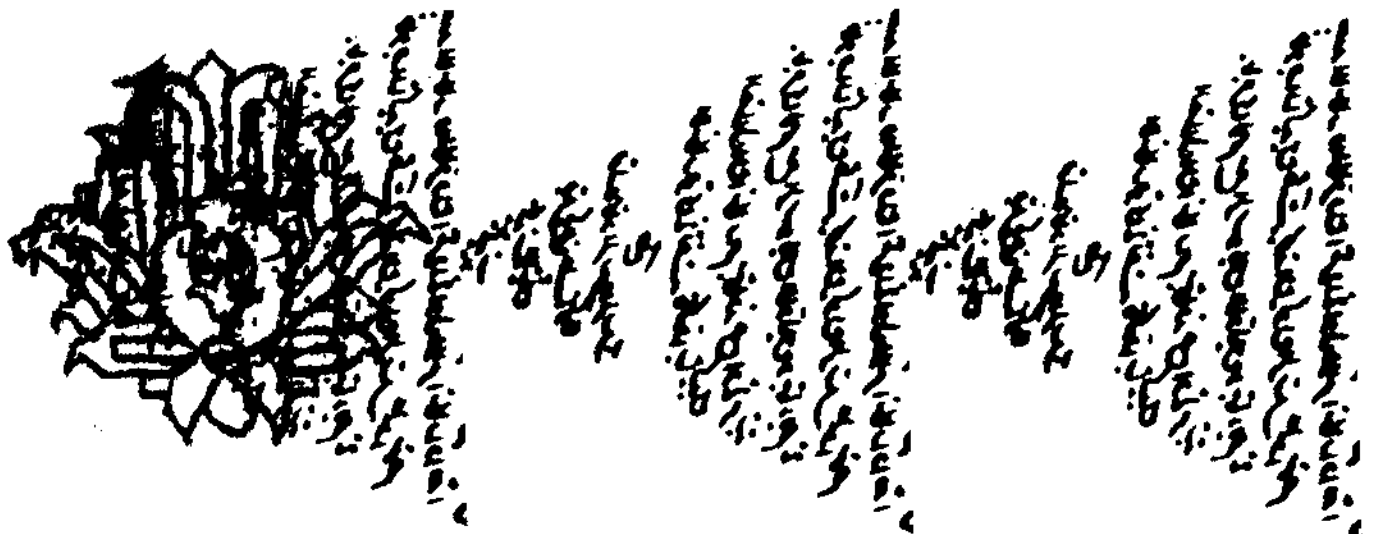
این روزها خوشبختانه همه درباره همه چیز صحبت می‌کنند و صاحب نظر هستند از لایه ازن گرفته

تا تعمیر تلویزیون. اینجانب هم به پیروی از آنان درباره هر چیزی پرسند اظهار نظر می‌کنم.

پرسیده‌اند از متون نثر صوفیه چه آموخته‌اید؟ عرض شود: آموخته‌ایم که مثل صوفیه نثر ننویسیم، بلکه شعر بگوییم. خیلی از شعرا به قصد شعر گفتن شعر گفته‌اند اما شعرشان شعر نشده است، خیلی از عرفا هم به قصد بیان مفاهیم عرفانی نثر نوشته‌اند اما نثرشان شعر شده است، می‌توان آنها را شعر غیر عمد نامید. سفیدکاران شعر امروز (!) با بهره‌گیری از نثر صوفیه عاملاً و عامداً به شعر پرداخته‌اند. اینان بیش از اینکه مدیون شاعران ما باشند، مدیون عارفان ما بوده‌اند. از عجایب روزگار اینکه خیلی از شاعران که تحت تأثیر شاعران کهن بوده‌اند. آثارشان «نثر منظوم» است و در مقابل خیلی از شاعران که تحت تأثیر عارفان بوده‌اند آثارشان «شعر منثور» است. نظم رو به نثر نهاده است و نثر رو به نظم. شاعران تحت تأثیر گلستان سعدی هستند و نویسندگان تحت تأثیر بوستان. در روزگار ما همانطور که جای خیلی چیزها با هم عوض شده جای نظم و نثر هم با هم عوض شده است. به این می‌گویند آشنایی زدایی یا غریب‌نوازی!

احمد رضا احمدی

من می‌دانم دوام و بقای زبان فارسی از برکت وجود نثرهای صوفیانه است. همان خدمتی که شاهنامه‌فردوسی به زبان فارسی انجام داد. اما امروز نثر صوفیه جواب مسائل زبان امروزی ما را نمی‌دهد. سخن نو آر که نورا جلالتی است دیگر. فقط می‌توان این نثرها را خواند و لذت برد. من از نثر صوفیه چیزی نیاموخته‌ام با آن که آن را بسیار خوانده و دوست دارم. دیگر سخن امروز نیست اما در موزه هم نیست. گاهی طراوت دارد و گاهی جوان است.



میخی در تصحیح چند بیت از ویس و رامین

بانو اخیاپی پژوهشگر فاضل به نقد ویس و رامین تصحیح من بنده پرداخته و چند مورد را به زعم خود اصلاح فرمودند. مایه خشنودی است که نقد ایشان مبتنی بر شاهدهایی از متنهای کهن است و نشانه آشنایی ایشان با این متنها. دو فقره از پیشنهادهای اصلاحی ایشان تا اندازه‌ای مقبول است. در این بیت:

عقیق دولیش پیروز گشته

جهان بر دولیش دلسوز گشته ص ۲۲۳، ب ۵۵ به گمان ایشان قافیه «پیروزه» و «دلسوزه» است؛ و معنی شفافتر و گویاتر؛ با توجه بدین نکته که «تصحیح انتقادی متون» مبتنی بر اصول و اسلوبهایی است که مصحح متون باید با آن راز و رمزها آشنا باشد؛ چنانکه اشاره کردم در مورد این بیت با احتمال بسیار ضعیف این نکته که کاتب یا کاتبان ممکن است از نگارش حرف «ه» گویای حرکت ماقبل، بازایستاده باشند و به مثل «پیروز» و «دلسوز» نگاشته باشند، آنگاه می‌توان تصحیح ایشان را جدی گرفت.

اما در مورد اصلاح بیت:

به بیداری نیایم زانکه دشمن

نگه دارد تو را همواره از من

ترا از من نگه دارند محکم

روان را چون نگه دارند از هم ص ۳۰۲ پیشنهاد ایشان با هیچ معیاری پذیرفته نیست. ایشان خود شعر می‌گویند و آن را بر ساخته فخرالدین اسعد گرگانی تلقی می‌کنند:

ترا محکم نگه دارند از هم

روان را چون نگه دارند از تن

مصحح متن، اعم از ادبی و تاریخ و فلسفی و... هرگز

میخی دیگر

در شماره‌های ۲۴ و ۲۳ کتاب ماه ص ۴۶ مقاله‌ی «تصحیح چند بیت از ویس و رامین» نوشته خانم جمیله اخیاپی چاپ شده بود پس از مطالعه‌ی آن مطالب زیر در رد تصحیح مغلوط یکی از ابیات ایشان آورده می‌شود.

نویسنده‌ی مقاله‌ی «تصحیح چند بیت از ویس و رامین» در صفحه ۴۸ آورده است: «در این نوشته غرض آن نیست که درباره‌ی وجوه اهقیت این کتاب از حیث قرار داشتن آن در دوره‌ی اول شعر فارسی و یا تأثیرپذیری شاعرانی چون «نظامی» از آن و... یا درباره‌ی مزیت چاپهای مختلف آن بر یکدیگر سخن گفته شود بلکه سبب نگارش آن وجود ابیات مبهمی است که در بررسی اجمالی این کتاب دیده می‌شود. این ابیات - که تعداد آنها کم نیست - شاید به دلیل سادگی و روانی سبک کتاب و نیز حالت داستانی آن که خواننده را در نظر اول بیشتر متوجه سیرداستان می‌سازد تا به حال مورد بی‌توجهی واقع شده است. این نوشته بنا دارد صورت صحیح‌تری از بعضی از این ابیات مبهم را ارائه کند. با این توضیح که بیت‌های مورد اشاره در تمامی نسخه‌های چاپی کتاب یکسان است...»^۱

خانم جمیله اخیاپی چهار بیت از ویس و رامین را تصحیح نموده است و در مورد بیت چهارم اینگونه می‌آورد:

«۴-... مبادا که خواری نداند

زنادانی در آن خواری بماند (۱۷) ... معنای بیت اول روشن است اما در مصراع اول بیت دوم «در خواری نداند» یعنی چه؟ «دانستن» معانی مختلفی دارد و از جمله معانی که در این بیت می‌تواند مورد نظر باشد «شناختن»، «تمیز دادن و تشخیص دادن» است که در هر صورت متعدی است و نیاز به مفعول دارد.

... اما در مصراع مورد نظر مفعول کدام است؟ چه چیز را در خواری نداند؟ جمله ناقص است.

... به عقیده من اشکال در کلمه‌ی «در» است. مفعول جمله کلمه‌ی - «خواری» است و به جای صرف اضافه‌ی «در» قبل از آن باید حرف نشانه‌ی «را» پس از «خواری» قرار گیرد. به این ترتیب صورت درست بیت چنین می‌شود:

مبادا آنکه خواری را نداند

زنادانی در آن خواری بماند

مجاز نیست «واو» و «که» ای بر متن بیفزاید یا از آن بکاهد و در ساختن و بازساختن شعری با شاعر مشارکت جوید!

برای فقره دیگر نیز پیشنهاد ایشان گویای اصلاحی دلپذیر است:

نه انم من که برگردم ز کویت

وگر جانم برآید پیش رویت

چه باشد گر به برف اندر بمیرم

ز مردم جاودانه نام گیرم. ص ۳۱۹، ب ۱۷ هرچند مفهوم شعر تا حد بیداری گویا هست، ولی پیشنهاد ایشان را با در میان نهادن واژه در [] می‌توان پذیرفت.

... ز [مردن] جاودانه نام گیرم

درباره پیشنهاد دیگر ایشان با هوشمندی که در ارائه شاهدها بروز داده‌اند، می‌توانند در توجیه «حرفهای اضافه» و جایگزینی حرف اضافه ب مثل «در» به «به» توجیه شعر را آسان سازند. «به تهران هوا سخت آلوده است» و «در تهران...» در صفحه ۳۱۹ ب ۲۵: غلطی روی داده، درست آن «سخت‌رویین» است؛ و در ص ۳۸۷ ب ۲۰: چو پیش ویس شد او را دژم دید. و الماقبة للمتقین.

محمد روشن

● نامه ها

کارنامه اردشیر بابکان

کارنامه اردشیر بابکان

ترجمه دکتر مهدی باقری

نشر قطره، چاپ اول: ۱۳۷۸

در یک نگاه

«کارنامه اردشیر بابکان» یکی از مهمترین متون ادبی بازمانده از عهد ساسانیان است که حاوی اطلاعات و آگاهی‌های بسیار مبسوطی دربارهٔ رویدادهای تاریخی و جغرافیایی برهه‌ای از تاریخ پیش از اسلام می‌باشد.

متن اصلی کتاب «کارنامه اردشیر بابکان» به زبان پهلوی است و به ماجرای براندازی سلسله اشکانیان و سرچیده شدن ملوک الطوایفی و تأسیس سلسله ساسانیان توسط اردشیر بابکان می‌پردازد.

بن مایه اثر بر وقایع تاریخی است، ولی نویسنده آن با بهره‌گیری از روایات و داستانهای رایج در میان مردم آن روز، آن را به گونه‌ای نگاشته که به قول صادق هدایت «اثر به صورت رمان در آمده است».

این کتاب ظاهراً برای اولین بار به وسیلهٔ احمد کسروی ترجمه شد و بعد از وی صادق هدایت به ترجمه آن همت گماشت و باز بعدتر به وسیلهٔ دکتر بهرام فرموشی، دکتر محمد جواد مشکور و قاسم هاشمی نژاد ترجمه شد. بدین ترتیب این کتاب تاکنون پنج بار ترجمه شده که بعضی از آنها به وسیله اساتید فن بوده است و این تازه به جز روایت فردوسی از سرگذشت اردشیر بابکان است که به تفصیل در شاهنامه آمده است و به قدری به روایت «کارنامه اردشیر بابکان» شباهت دارد که باعث این تصور می‌شود که فردوسی احتمالاً ترجمه‌ای از متن اصلی را در اختیار داشته که آن را اساس کار خود قرار داده است. اما آنچه باعث شده که به علیرغم وجود متن «شاهنامه» و ترجمه‌هایی که به وسیله اساتید شده، خانم دکتر مهری باقری نیز دست به ترجمه اثر ببرد، ظاهراً این می‌باشد که غالب آن ترجمه‌ها فقط برای پژوهندگان و متخصصان قابل استفاده است. از این رو دکتر مهری باقری کوشیده تا ترجمه‌ای ارائه دهد که «کارنامه اردشیر بابکان» را برای عموم جامعهٔ کتابخوان قابل استفاده و فهم کند و از آن لذت ببرند. این در حالی است که چیزی از متن اصلی کم یا به آن اضافه نشده است. بدین ترتیب اصالت اثر نیز کاملاً محفوظ مانده است. اما آنچه تا حدی نقض غرض می‌کند حاشیه‌های تخصصی و بحث‌های لغوی و مقایسهٔ ترجمه‌ها و ارجاعات متعدد به کتابهایی به زبانهای دیگر است و گاه حتی دربارهٔ واژه‌هایی باستانی بحث شده است که همهٔ اینها بیشتر به کار اهل تحقیق می‌آید که اتفاقاً در ترجمه‌های دیگران از این اثر بیشتر مورد توجه بوده است و در این ترجمه ثمری جز این ندارد که مکرر در مکرر متن داستانی قطع گردد و خواننده را به بحثی تخصصی در حاشیه بکشاند.

مشکل حل شده بود اما بیت حافظ را با هر یک از اساتید و محققان در میان گذاشتیم یا توجیهات ناصحیح می‌کردند یا می‌گفتند بیت مشوش و مغلوط است و به سخن حافظ نمی‌ماند و متعجبند که تا آن روز متوجه اشکال بیت نشده‌اند. معلوم شد در آن بیت گلستان نیز همین تعبیر به همین معنی بکار رفته که مرحوم عبدالعظیم قریب بیت را ناقص و مغلوط شمرده است: که سعدی راه و رسم عشق‌بازی / چنان داند که در بغداد تازی (گلستان، چاپ ۱۳۱۰، قریب، صفحه صبح، مقدمه)

اینک شواهد استعمال این تعبیر را از متون مختلف می‌آوریم:

... «دانم که تو در جنگ ندانی» (سمک عیاد، چاپ اول ج ۱: ۷۳)

«روح‌افزای گفت: ای ملکه تو در احوال سمک ندانی» (سمک ج ۱: ۱۹۷)

«نصر در خشم شد و گفت: تو در کار دیگر بهتر از آن دانی که در اسب» (ترجمه تاریخ اعثم کوفی، ۹۱)

«دلی داند در این معنی که گوش است» (گلستان، باب سوم)

«تو جام جمی اما در جام نمی‌دانی
این رمز نمی‌بینی این قصه نمی‌خوانی»

(قاسم انوار...)

«طالع من خود چه شور بود که هرگز هیچ منجم در آن ستاره ندانست»

(دیوان اوحدی، چاپ نفیسی، ۱۱۲)

این توضیحات دکتر ریاحی است که بسیار محققانه و همراه با ذکر شواهدی که از متون کهن آورده‌اند اشکال «دانستن در...» را رفع نموده‌اند بنابراین بیت ویس و رامین «مبادا آنکه در خواری ندانی...» کاملاً درست است و شاهد دیگری است بر صحت مطالبی که استاد محمد امین ریاحی در تعلیقات مرصادالعباد بیان فرموده است.

۴- کتاب ماه ادبیات و فلسفه، مقالهٔ تصحیح چند بیت از ویس و رامین اخانی، شهریور ۱۳۷۸، ص ۴۸، ۴۶.

۵- حافظ‌نامه، بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱، جلد ۱، ص ۲۸۹.

۶- مرصادالعباد، نجم‌الدین رازی، به اهتمام محمدامین ریاحی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهارم ۱۳۷۰، ص ۵۳۹، ۵۶۸، ۵۶۹.

که چنانچه می‌بینیم مصراع دوم هم مکمل آن شده است» (۱)

استدلال نویسنده و تغییر مصراع «مبادا آنکه در خواری نداند» به «مبادا آن که خواری را نداند» تغییر و تصحیح نسخه‌نویسان (کاتبان) متون کهن را فرا یاد می‌آورد. آنان هرگاه خود چیزی را نمی‌فهمیده‌اند (در چیزی نمی‌دانسته‌اند) تصور می‌کرده‌اند شاعر یا نویسنده اشتباه کرده است و به سلیقه خود در مطالب دیگران دست می‌بردند و همچون نویسنده این مقاله احساس می‌کردند که خدمتی در خور تحسین به شاعر یا نویسنده نموده‌اند. آقای خرمشاهی در توضیح بیت مشهور حافظ «آن شد اکنون که ز ابنای عوام اندیشم / محتسب نیز فرین عیش نهانی دانست» آورده است: «در... دانستن: یک تعبیر کهنست یعنی دانست، علم و اطلاع داشت، امروزه معنایی از «در» مستفاد نمی‌گردد».

در ص ۵۳۹ مرصادالعباد آمده است: «و چون کسی را یابد که در آن حرفت نداند و بهای آن متاع نشناسد بر وی اسب ندواند و به قیمت افزون بدو نفروشد» استاد ریاحی در توضیح «در آن حرفت نداند» آورده است: «دانستن در... فعل دانستن که معمولاً با «را» نشانه‌ی مفعول بیواسطه می‌آید، با حرف اضافی «در» بکار رفته است و چون این استعمال ظاهراً از اوایل قرن نهم به بعد متروک و فراموش شده نامأنوس می‌نماید. اما با شواهدی که از متون گذشته جمع‌آوری گردید، معلوم می‌شود که تعبیر «دانستن در چیزی» به معنی «وقوف داشتن، وارد بودن، مطلع بودن درباره‌ی آن» بکار رفته و این معنی از کلیدی فرهنگها فوت شده است. وقتی در نسخ قدیمی مرصاد باین تعبیر برخوردیم و ملاحظه شد که در کلیدی نسخه‌های قدیمی بدون استثنا به همین صورت است و احتمال تصحیف نیست در جستجوی شاهد برآمدم و چون حدس می‌زدم که در متون سنتوز کاتبان و مصححان این تعبیر را به علت ندرت و غرابت تغییر داده باشند (به همان سان که در کلیدی چاپها و نسخ خطی متأخر مرصاد عمل کرده‌اند) و در متون منظوم قید وزن و قافیه مانع آزادی در تصرف است، دیوانهای اشعار را در مطالعه گرفتیم و از نظر سهولت کار قضایید و غزلهایی را که در آنها صیغه‌های مختلف فعل دانستن به صورت ردیف تکرار شده بود مورد دقت قرار دادم و گمشده‌ی خود را در سخن لسان‌الغیب خواجه‌ی شیراز یافتیم... محتسب نیز در این عیش نهانی دانست.

هادی اکبرزاده

● اخبار اهل قلم

انتشارات ذکر و کتابهایی درباره زندگی امام

انتشارات ذکر که فعالیت اصلی آن پرداختن به زندگی و آثار امام است به زودی چند کتاب جدید را به بازار نشر می‌کند.

امیر حسین شبستری، مسئول روابط عمومی انتشارات ذکر در گفتگو با خبرنگار ما گفت: کتاب «احیای حقیقت دین» نوشته سید محمد خاتمی که درباره زندگی امام است و کتاب «آزادی و دموکراسی در اندیشه امام خمینی» نوشته عاطفه پهلوان از سری کتابهایی است که درباره حضرت امام زیر چاپ داریم.

وی افزود: علاوه بر این کتاب «صدای بال نسیم» نوشته محمدرضا بایرامی، «کاش تو هم بودی» نوشته احمد عربلو، «پنجره‌ای روبه آفتاب» نوشته سوسن طاق‌دیس و «گنجینه اسرار» دیوان شعری از عمان سامانی را نیز به زودی راهی بازار نشر خواهیم کرد.

بایات مرده است و هفت کتاب دیگر

انتشارات آتیه، به زودی هشت عنوان کتاب جدید در زمینه ادبیات ایران و جهان منتشر می‌کند.

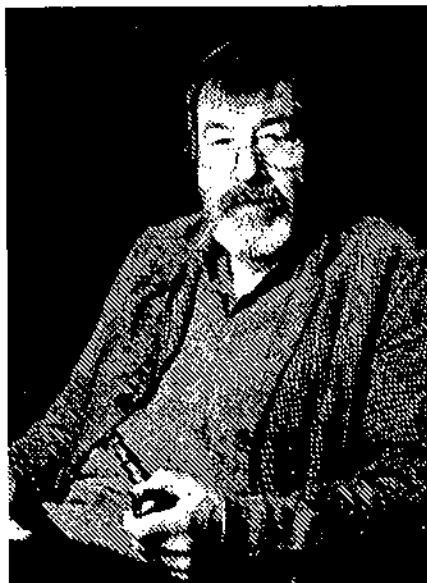
«همانی‌بیتی»، مدیر تولید نشر آتیه در گفتگو با خبرنگار ما گفت: کتاب «کارنامه پیشرفت و گسترش ادبیات معاصر ایران»، که رساله پرفسوری بزرگ علوی در آلمان بوده است و سال‌ها به عنوان متن درسی در دانشگاه‌های آلمان تدریس می‌شد توسط امیر شالچی به فارسی ترجمه شده است. این مجموعه که پیش‌نویس آن چهار جلد است، یک دوره ادبیات معاصر ایران از زمان مشروطه تا پایان دوره پهلوی را در برمی‌گیرد. علوی در این کتاب به نقد و شعر و رمان می‌پردازد.

نیایبیتی افزود: «از این مترجم کتاب «افسانه ایرانیان» نیز، که کریستین سن آن را جمع‌آوری کرده زیر چاپ است. افسانه ایرانیان مجموعه‌ای از قصه‌های عامیانه ایرانی است که این شرق‌شناس جمع‌آوری کرده است.»

مدیر تولید نشر آتیه درباره دیگر کتابهای زیر چاپ

خود گفت: «رمان «سرزادگان» اثر گوتتر گراس با ترجمه توفیق گلی‌زاده، و «ادبیات مرده است» که مجموعه مقالاتی از هنری میلر با ترجمه داود قلاجوری از جمله کتاب‌های جدید هستند.»

وی افزود: «همچنین یک فرهنگ شعری با نام



امیر حسین زاده

«تصویرها و توصیف‌ها» که کار مشترک دکتر محمدرضا بزرگر و کامیار عابدی است و کتاب «بازتاب ادبیات داستانی هند» نوشته رومن باسو و ترجمه حسین عباسی و «لیرشاه» نوشته ویلیام شکسپیر و ترجمه م. ا. به آذین، مراحل مختلف چاپ خود را طی می‌کنند.»

ققنوس با سه کتاب تازه در راه

«هیس» آخرین رمان محمدرضا کاتب، ذکر جستجوهای آدمی است که قادر به انکار نقاط مشترکش با دیگران نیست.

امیر حسین زادگان مدیر نشر ققنوس در گفتگو با کتاب ماه ادبیات و فلسفه با بیان این مطلب، گفت: «این رمان یک اثر پست مدرنیستی است که فکر می‌کنم در

زمان انتشار بحث‌های زیادی را بر خواهد انگیخت.» وی افزود: «محمد رضا کاتب چه در خلق فرم‌های تازه داستانی، چه در به تصویر کشیدن لحظه‌های دور از چشمی که کم‌تر به جهان داستان راه یافته‌اند، موفق بوده است. یادها و یادبودها «هیس» را لحظه لحظه روایت می‌کنند.»

حسین زادگان درباره کتاب دیگر زیر چاپ خود گفت: کتاب فلسفه فرانسه در قرن بیستم نوشته «اریک ماتیوز» و ترجمه «محسن حکیمی» شرحی تاریخی و انتقادی از آثار فیلسوفان بزرگ فرانسه در قرن بیستم است و نویسنده با زبانی ساده و شفاف نشان می‌دهد که سنت فلسفی سرچشمه گرفته از دکارت در قرن بیستم در آثار چهره‌های مهمی چون برگسون، سارتر، کوژوه، آلتوسر، لاکان، فوکو، دریدا و فمینیست‌هایی چون کریستوا و لودوف متحول می‌شود و از دل آن جریان‌هایی چون ساختارگرایی، پسا ساختارگرایی و پسا مدرنیسم بیرون می‌آید.

مدیر مسئول انتشارات ققنوس افزود: «اریک ماتیوز، نویسنده این کتاب، استاد فلسفه در دانشگاه آبردین است، او همراه پل گریس و گیلبرت رایل در آکسفورد فلسفه خوانده و از سال ۱۹۶۳ به بعد فلسفه درس داده است.»

حسین زادگان گفت: «قتل اسرارآمیز راهبه‌ای جوان و ختم شدن همه سرنخ‌ها به شهر رم و به آرشیو محرمانه واتیکان و قاتلانی حرفه‌ای که تنها در شرایط خاص و به دستور شخص پاپ برای انجام مأموریت ویژه دست به کار می‌شوند موضوع رمان زیر چاپ «حشاشین» است، که تامس گیفورد آن را به رشته تحریر در آورده و جواد سیداشرف ترجمه‌اش کرده است.»

نام حکمت از چهار زندان سخن می‌گوید

جلال خسرو شاهی، نویسنده و مترجم نام آشنا و فعالی است که اکنون چندین کتاب جدید در دست چاپ و تألیف دارد.

وی در گفتگو با کتاب ماه ادبیات و فلسفه در مورد

کارهای زیر چاپ خود گفت: «قصه فروغ»، خاطرات آشنایی با فروغ از سالهای ۳۰ تا روز مرگ او و چگونگی ترجمه و معرفی اشعار او در ترکیه و واکنش شاعران ترک درباره شعر فروغ است».

خسرو شاهی افزود: «کتاب مشترکی با آقای سیدحسینی کار کرده‌ام با نام «از چهار زندان» که اشعار ناظم حکمت است به اضافه شرح حال مفصل ناظم حکمت و آخرین شعرهای او که به همت انتشارات نگاه زیر چاپ است».

وی گفت: «پیشگامان شعر معاصر ترک و نیما» با مقدمه مفصلی که درباره تاریخچه شعر معاصر ترک دارد، تحقیقی سه ساله است درباره شکستن عروض شعر فارسی و به وجود آوردن اوزان شعری جدید که پیش تر در ۱۹۰۸ توسط شاعران پیش‌گام ترک انجام شده است. این کتاب را برای چاپ به انتشارات مروارید سپرده‌ام».

خسرو شاهی درباره دیگر کارهای تألیفی خود



گفت: «مجموعه ۱۰ قصه با نام «پلنگان رها کرده خوی پلنگی» را نیز آماده کرده‌ام که شش قصه آن در ترکیه

ترجمه و چاپ شده است و چهار قصه جدید به آن اضافه کرده‌ام».

وی دغدغه فعلی خود را تکمیل رمان «آخرین مادر بزرگ» توصیف کرد. ماجراهای این رمان در شهر تبریز و در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا پایان دوره مصدق اتفاق می‌افتد.

گفتگو با جورج استاینر

جورج استاینر درگفت و گوهایش با رامین جهاننگلو، برای نخستین بار لحظه‌های محوری زندگی‌اش را ترسیم می‌کند.

جورج استاینر، نویسنده، فیلسوف و استاد دانشگاه ژنو و کمبریج در اکثر آثارش به مسئله زبان، مفهوم زبان و نتایج اخلاقی و مذهبی آن می‌پردازد. از تولستوی یا داستایفسکی و «حضورهای واقعی» گرفته تا «زبان و سکوت» و «آنتیگون‌ها». استاینر با سبکی روشن و نیرومند به تحلیل خطرات تهدیدکننده زبان، موضع‌گیری شاعر در برابر توحش و مفهوم آن در پیوند با فرهنگ غرب می‌نشیند.

در کتاب «وجدان زندگی» و در گفتگو با رامین جهاننگلو او نیروی فکری خویش را در تمام شیوه‌ها و گرایش‌ها به کار می‌گیرد و از توجه به جریان‌های معاصر نیز باز نمی‌ماند.

جورج استاینر از ورای این و گفت و گو خود را به عنوان یک «بازمانده» و یک «استاد خوانش» به ما می‌نمایاند.

این کتاب با ترجمه پروین ذوالقدری و توسط نشر نی به زودی به بازار خواهد آمد، این انتشارات همچنین دو کتاب دیگر را نیز زیر چاپ دارد.

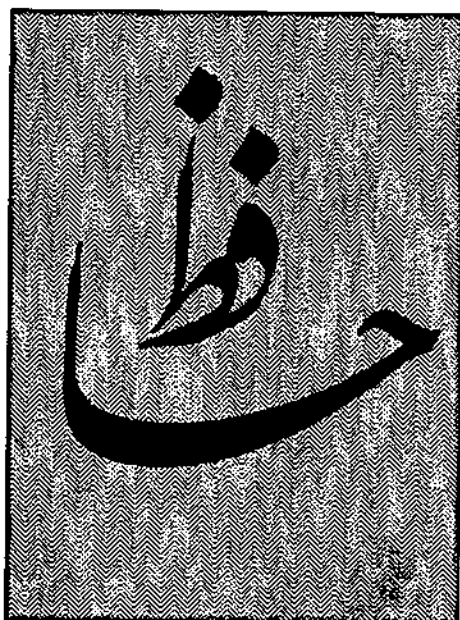
«سرچشمه‌های دانایی و نادانی» که حاوی یکی از مهمترین نظریه‌های فلسفی پوپر در زمینه شناخت و آگاهی و شناخت‌شناسی و ارزش و اعتبارنسبی فرضیه‌ها و تئوری‌های علمی و قابل رد بودن آنها و عدم قاطعیت دانسته‌های بشری است، ضمن آنکه چون برای سخنرانی تنظیم شده به زبانی ساده‌تر از آثار دیگر پوپر به نوشته درآمده است. این کتاب را دکترعباس

باقری به فارسی برگردانده است.

کتاب «جنگ چشمه» نوشته کنی مولر و ترجمه نمایین فلاح نیز داستان زیر چاپ این انتشارات است.

گل شعر فارسی

دیوان حافظ، با ۴۶۹ غزل به زبان عربی و در لندن منتشر شد. دکتر ابراهیم شورایی، مترجم این اثر، از نسخه فارسی دیوان حافظ که در سال ۱۳۰۶ هجری در



ایران به چاپ رسیده، استفاده کرده است.

وی در مقدمه کتاب می‌گوید: «این اشعار و غزل‌ها قله غزل عرفانی زبان فارسی را تشکیل می‌دهد که قبل و بعد از وی چنین ابیاتی سروده نشده است».

شورایی معتقد است که عشق، زیبایی، انسانیت، دل و عرفان واژه‌هایی هستند که از فلسفه عرفانی حافظ جوشیده‌اند.

در مقدمه اثر نیز آمده است: «حافظ شیرازی چند قرن پیش، از این جهان فانی رخت بر بست اما معنویت و عرفان وی همچون مشعل درخشانی زنده و روشن است و کتاب او از سه قرن پیش تاکنون به زبان‌های

● اخبار اهل قلم

فارسی، ترکی، آلمانی و اردو ترجمه شده است». در قسمتی از کتاب سخنی از طه حسین آورده شده که در سال ۱۹۹۴ اشعار حافظ را، «گل شعر فارسی» نامیده بود. این کتاب را انتشارات بین‌المللی «بوک اکسترا» منتشر کرده است.

کنگره شعر طلاب به کنگره آفرینش‌های ادبی طلاب تبدیل می‌شود

در روزهای دهم تا دوازدهم اسفندماه، هشتمین کنگره شعر و قصه طلاب در شهرهای قم و خمین برگزار خواهد شد که در طی آن آفرینش‌های ادبی حوزه‌های علمیه ارایه می‌شود. آنچه در پی می‌آید گفتگوی کتاب ماه ادبیات و فلسفه با سیدضیاءالدین شفیعی، کارشناس شعر حوزه هنری و دبیر کنگره‌های سراسری شعر و قصه طلاب است.

— آقای شفیعی در ابتدا از کنگره شعر طلاب و اولین دوره شکل‌گیری و اهداف آن بگویید.

□ حدود سال‌های ۶۷، برخی دوستان شاعر طلبه احساس کردند که تعداد شاعران طلبه موجود در سراسر کشور در حدی است که می‌توان شب شعر مستقل تشکیل داد. بعد از انجام مقدمات کار، این موضوع را با رهبر معظم انقلاب که در آن زمان رئیس‌جمهور بودند، مطرح کرده و با استقبال ایشان روبرو شدند و با کمک‌های مادی و معنوی ایشان، اولین کنگره شعر طلاب حوزه‌های علمیه در سال ۶۸ در مشهد برگزار شد و اولین کنگره به همراهی شاعران مهمانی که طلبه نبودند انجام شد، روز دوم کنگره با روز رحلت امام مصداق شد و این واقعه، تحولات اساسی بوجود آورد و تمام شاعران تصمیم گرفتند به جای تعطیلی، آنرا تبدیل به کنگره سوگ آفتاب کنند. اولین سوگسرودهایی که درباره حضرت امام ارایه شد نیز شعرهایی بودند که در روز دوم این کنگره قرائت شد و تا چندین ماه تمام منابع شعری در رسانه‌ها از همین شعرها تأمین می‌شد. این کنگره در سالهای بعد و در دوره‌های دوم و سوم

نیز در مشهد برگزار شد. در این سه دوره، دبیری و مدیریت به عهده شاعر و طلبه فاضل، سیدعبدالله حسینی بود، بعد از ایشان و یک وقفه زمانی، دوره چهارم در تهران برگزار شد و وجه جدید این دوره نیز، حضور خواهران طلبه شارع در کنگره و معرفی ۵ برگزیده رشته شعر از سوی شورای داوران بود و از همین دوره چهارم بود که کم‌کم شاعران طلبه غیرایرانی نیز حضور پیدا کردند و تعداد کل شاعران شرکت‌کننده به ۸۰ نفر رسید.

کنگره پنجم با رویکرد جدید، یعنی تجلیل از مقام ادبی یکی از شخصیت‌های حوزوی همراه شد و با



سیدضیاءالدین شفیعی

راهنمایی مقام معظم رهبری، کنگره پنجم همراه با تقدیر و تجلیل از «محمدحسن بهجتی» (امام جمعه اردکان و شاعر) برگزار شد. اتفاق دیگر دوره پنجم، انتشار جشن‌نامه بود (کتاب جشن‌نامه در تجلیل آن مقامی که کنگره با نام او همراه شده بود منتشر می‌شد و شامل گزیده‌ای از بهترین شعرهای آن شخصیت و مجموعه مقالاتی که درباره جایگاه ادبی آن شخصیت نوشته شده بود) و دیگر اینکه کنگره شعر تبدیل به کنگره شعر و قصه طلاب شد و حدود ۱۵ نفر قصه‌نویس

طلبه نیز شرکت کردند و در این دوره علاوه بر ۵ نفر در شعر یک نفر هم در قصه انتخاب شد. و بنای کنگره بر این شد که یک روز از روزهای برگزاری کنگره در شهر زادگاه شخصی که از او تجلیل می‌شود، برپا شود.

کنگره ششم در تجلیل از مقام علامه «حسن‌زاده آملی» و با جشن‌نامه «گنج نهان» برگزار شد. دبیر دوره پنجم و ششم علیرضا قزوه بود. دو روز از این کنگره در شهر قم یک روز آن در شهر آمل بود.

ویژگی دوره هفتم این بود که جشنواره جشنواره‌ها بود، یعنی فقط برگزیدگان شش دوره قبلی در آن شرکت داده شدند و این کنگره در شهر تبریز و در تجلیل از مقام علامه طباطبایی برپا گردید و جشن‌نامه آن کتاب «مهر خوبان» نام داشت که در آن برای اولین بار مجموعه‌ای از شعرهای علامه طباطبایی منتشر می‌شد که با مشقت فراوان، از منابع مختلف جمع‌آوری شده بودند.

— حضور طلاب خارجی در دوره‌های بعدی به چه صورت بود؟

□ در کنگره ششم و هفتم، تعداد کشورهای خارجی شرکت‌کننده به ۱۵ کشور رسید، کشورهایی چون بحرین، عراق، سوریه، عربستان، هند، پاکستان، تاجیکستان، آفریقای جنوبی و کشورهای دیگر که هرکدام به زبان خودشان شعر می‌گویند و این شعرها ترجمه می‌شدند. این مسئله در کنگره‌های دیگر در کشور سابقه ندارد و شاید یکی از دلایل قدرت شعرهای ارایه شده حضور افراد مختلف با زبان‌ها و فکرها مختلف باشد. امسال نیز ۳۵ تا ۴۰ مهمان خارجی داریم.

— دوره هشتم همراه با تجلیل از چه مقامی و در چه

شهرهایی برگزار می‌شود؟ و ویژگی آن چیست؟

□ کنگره هشتم همراه با تجلیل از مقام ادبی عرفانی حضرت امام خواهد بود و به علت وجود کتاب‌های متنوع که درباره آثار ادبی و خود آثار امام منتشر شده است، امسال جشن‌نامه نخواهیم داشت.

این کنگره روزهای دهم و یازدهم اسفند در شهر قم و روز ۱۲ اسفند در خمین خواهد بود. ویژگی کنگره هشتم، اقدام به تشکیل شورای مشورتی کنگره است که از برجسته‌ترین شخصیت‌های کنگره در آن حضور

دارند. طی جلسات متعدد در جهت دستیابی به کیفیت بهتر و تعمیق اهداف کنگره، تصمیماتی گرفته شده است از جمله ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع از شاعران و نویسندگان طلبه، اعم از داخلی و خارجی است، که در طول این یک سال حدود ۸۰ درصد کارها انجام شده است.

کار جدید دیگر، وارد شدن جدی به دو عرصه تازه در کنگره عرصه نقد ادبی و ترجمه ادبی است. در طی زمان تهیه اطلاعات برای بانک، دریافتیم که در میان افراد شرکت‌کننده، تعدادی نیز در مقوله نقد و ترجمه، کارهای خوبی انجام داده‌اند و تصمیم بر این شد که از سال آینده کنگره تبدیل به قصه، شعر، نقد و ترجمه ادبی طلاب می‌شود یعنی درواقع «کنگره آفرینش‌های ادبی طلاب».

مقدمات این کار در کنگره هشتم انجام شد یعنی یک مجموعه از مصاحبه‌ها و نوشته‌هایی که از شاعران و قصه‌نویسان طلبه با موضوع ادبیات دینی تهیه شده بود با نام «در محضر کلمات» آماده چاپ شده است و در کنگره امسال ارایه می‌شود.

همچنین کتابی از مجموعه نقدهایی که تاکنون بر آثار شاعران و قصه‌نویسان طلبه نوشته شده، با نام «گردش زیر پلک مخملی واژه‌ها» آماده کرده‌ایم.

آیا علاوه بر این کتاب‌ها، این کنگره کتاب‌های دیگری هم منتشر می‌کند؟

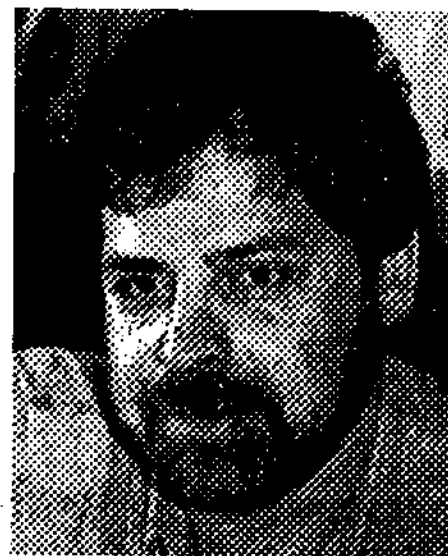
□ دبیرخانه کنگره طلاب هر ساله تعدادی از آثار مستقل قصه‌نویسان و شاعران طلبه را چاپ و منتشر می‌کند. از این رهگذر تا به حال نزدیک ۳۰ عنوان کتاب که دربرگیرنده مجموعه‌های مستقل شاعران و نویسندگان است از طریق دبیرخانه منتشر شده و قریب ۵۰ عنوان کتاب با تشویق این دبیرخانه توسط انتشارات دیگر چاپ شده است.

امسال هم علاوه بر کتاب‌هایی که نام بردم، کتاب «ستاره سوخته» که مجموعه‌ای است از قصه‌های برگزیده ارایه شده و کتاب «شهود سبز» که مجموعه‌ای از شعرهای ارایه شده در کنگره قبل است را داریم، و کتاب «تبسم‌های شرقی» اثر برگزیده سالهای اخیر شعری از زکریا اخلاقی نیز توسط این کنگره تجدید

چاپ می‌شود. به این ترتیب پنج عنوان کتاب منتشر خواهیم کرد.

تلفیق زبان نوین با قالب‌های سنتی بزرگترین دستاوردهای تکنیکی شعرپس از انقلاب بود

شب شعر «تجلی فجر در بهمن» روز یازدهم بهمن‌ماه با شعرخوانی شاعران جوان برگزار شد.



پدال‌جبار کاکایی

در این شب شعر که «عبدالجبار کاکایی» و «سیمین دخت وحیدی» پاسخگوی سؤالات حاضران بودند، کاکایی شعر امروز را سرشار از زندگی و امید توصیف کرد و گفت: «شعر جوان دهه اول انقلاب، شعر آگاهی و بیداری بود و شاعر، به نوعی سیر و سلوک معنوی دست یافته بود و این درحالی است که در شعر جوان دهه دوم انقلاب بوی زندگی، حیات و خواستن احساس می‌شود و این دو، دو وجه زیبایی انقلاب است.» وی افزود: «بزرگترین دستاورد تکنیکی شعر، پس از انقلاب تلفیق زبان نوین با قالب‌های سنتی و

بزرگترین دستاورد محتوایی شعر، گرایش به مفاهیم عمیق دینی و مذهبی بود.»

وی هدف از شعر گفتن را نیازی درونی دانست که انسان را وادار به گفتن کلماتی موزون می‌کند و شعر را مبارزه و تلاشی برای زنده ماندن خواند.

یاد احمد زارعی درحوزه هنری

مراسم ششمین سالگشت عروج شاعر بسیجی، احمد زارعی، ششم بهمن ماه در حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم یادبود که با حضور خانواده آن مرحوم و شاعران و هنرمندان برگزار شده بود، شعرهایی از احمدزارعی خوانده شد. وی مجموعه شعری برای نوجوانان سروده بود و همچنین برخی از شعرهای او در



احمد زارعی

کتاب «چه عطر شگفتی» منتشر شده است. احمد زارعی قسمت اعظم عمر خود را در راه اشاعه فکر انقلابی و بسیجی صرف کرد.

خانه کتاب ایران
کتاب ماه
ادبیات

فهرست کتابهای منتشر شده در ماه ۱۳۷۸

فلسفه و نظریه

۸۰۱

۱- نقد ادبی: جستجو در اصول و روشها و مباحثی نقادانه یا بررسی در تاریخ نقد و نقادان (جلد ۱ و ۲). عبدالحسین زرین کوب - تهران: امیر کبیر - ۹۲۲ ص. - وزیری (گالینگور) - ۲۰۰۰ ریال - چاپ ششم / ۲۰۰۰

نسخه:

شابک: ۹۶۴-۰۰۰۰۰۶۳-۹

واژه‌نامه‌ها و دایره‌المعارفها

۸۰۲

چاپ اول

۲- واژه‌نامه اصطلاحات ادبی: انگلیسی فارسی، فارسی انگلیسی. محمود جعفری - شیراز: فارس - ۶۴ ص. - رقی (شمیز) - ۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه:

شابک: ۹۶۴-۹۱۱۳۳-۰۰۴

فن نگارش و بیان، و مجموعه‌های ادبی

۸۰۸

چاپ اول

۳- آخرین خنده. دی. ایچ. لارنس ... (و دیگران)؛ مترجم: سعید سعیدیور - تهران: نشر مرکز - ۲۳۲ ص. - رقی (شمیز) - ۱۱۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه:

عنوان به لاتین: The last laugh
شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۴۵۹-۴



داستان کوتاه «آخرین خنده» اثر «دی. ایچ. لارنس» به همراه سیزده داستان کوتاه دیگر از نویسندگان مختلف، در این مجموعه گردآمده که عبارت‌اند از: «پرگی از یک آلبوم / کاترین منسفیلد»، «میرام / ترومن کاپوتی»، «ماشین پرواز / ری برادبری»، «دریبه / لنگستن هیوز»، «لوده سوگوار و هنرمند در خانه / ویلیام فاکنر»، «قلب رازگو / ادگار آلن پو»؛

«نبرد جانانه / رالف الیسین»؛ «نشانها و نمادها / ولادیمیر ناباکف»؛ «داستان‌ها و متن‌هایی برای هیچ / ساموئل بکت»؛ «پیرمرد کنار پل / ارنست همینگوی»؛ «لیاس نو / ویرجینیا وولف»؛ «در جستجوی آقای گرین / سال بلو»؛ در پیشگفتار کتاب برخی مختصات داستان کوتاه ذکر گردیده است.

۴- آموزش گفتار: برای مسلط بودن، جالب بودن، توانا بودن، جذب و متقاعد کردن مخاطب. پل ژاکو، مترجم: نیلوفر خوانساری - تهران: ققنوس - ۱۲۸ ص. - رقی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه:

شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۱۳۲-۶

ش. آیین نگارش

احمد سمعی - تهران: مرکز نشر دانشگاهی - ۱۲۲ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ هشتم / ۵۵۰۰ نسخه:

شابک: ۹۶۴-۰۰۱-۰۳۳۴-۹

چاپ اول

ع. تنگنهای بشری

گردآورنده: بی. بی. پیماستر؛ مترجم: علیرضا صادقی - تهران: سرمدی - ۹۶ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه:

شابک: ۹۶۴-۵۷۰۷-۰۷۰۷-۲



بزرگ‌داران حاضر، برگزیده‌ای است از سخنان مشاهیر جهان - فلاسفه، دانشمندان، نویسندگان، شاعران و... که از آن جمله است: «اغلب مردان و زنان ناگزیر نقش‌هایی را ایفا می‌کنند که زینده آنها نیست. دنیا صحنه نمایشی است که بازیگرانش را نیک برنگزیده‌اند / اسکار وایلد»، «دو چیز در زندگی مایه اندوه است: اول آن که به مراد نرسی و دوم آن که برسی / برنارد شاو»، «زندگان، مردگانی هستند که در تعطیلات به سر می‌برند / موریس مترلینگ».

۷- جهان رمان

رولان برونوف، رتال اوئله؛ مترجم: نازیلا خلخالی - تهران: نشر مرکز -

۲۸۰ ص. - رقی (شمیز) - ۱۳۵۰۰ ریال - چاپ اول.

عنوان به لاتین:

L'univers du roman

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۴۶۴-۲

چاپ اول



در این اثر جنبه‌های گوناگون هنر «رمان» بررسی شده در آن مباحثی از این دست شرح و ارزیابی می‌گردد: «رابطه رمان با واقعیت و مقوله رئالیسم: رابطه رمان با جامعه و قشرهای گوناگون اجتماعی، همچنین تأثیر متقابل آنها بر رمان: تعریف رمان و مرزهای آن با دیگر گونه‌های ادبی: طبقه‌بندی رمان‌ها: عناصر و اجزای مختلف رمان: مهارت‌ها و قنونی که نویسنده به کار می‌برد: نقش راوی و دیدگاه او: توصیف و بازآفرینی مکان و محیط: زمان‌های سه گانه اثر: آفریدن و شناساندن و تحلیل شخصیت‌ها: رابطه سه جانبه نویسنده، خواننده و اثر.

۸- چهلچراغ (روشنایی اول).

ع. ف. - تهران: گوهر منظوم - ۱۴۴ ص. - رقی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه:

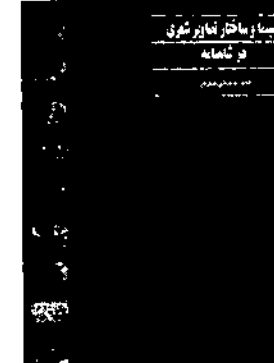
شابک: ۹۶۴-۵۵۹۵-۲۰۰۷

چاپ اول

۹- سینما و ساختار تصاویر شعری در شاهنامه.

احمد ضابطی چهارمی - تهران: کتاب فرا - ۲۶۴ ص. - رقی (شمیز) - ۱۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه:

شابک: ۹۶۴-۹۲۳۲۷-۰۰۲



نویسنده در این کتاب از قابلیت‌ها و امکانات هنری متنوع شاهنامه فردوسی سخن می‌گوید و این که «در این اثر ظرفیت‌های بالایی از مقوله «تصویر»، «تصویرسازی» و خلق موقعیت‌های نمایشی و داستانی وجود دارد». نگارنده در دو فصل نخست کتاب، تعاریف متعددی از تصویر، تخیل، عاطفه و شعر به دست می‌دهد و ارتباط هر یک را بیان می‌دارد: همچنین از «تصویر در سینما» و مقایسه آن با تصویر در سینما سخن می‌گوید و در پی آن شیوه‌های «بیان تصویر» (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و تشخیص) را تعریف می‌کند. مباحث بعدی کتاب عبارت‌اند از: «شیوه‌ها و شکل‌های عمده بیان در سینما»، «مونتاز سینمایی و ساختار تصویر در شعر»، «توصیف تصویر و الگوهای سینمایی وصف در شاهنامه»، «نگاه سینمایی به ساختار تصویر شب در شاهنامه»، «داستان بیژن و منیژه»، «نقش صدا در تصاویر شعری شاهنامه»، «جناس‌ها و طباق‌های سینمایی صدا و تصویر در شاهنامه»، «نقش رنگ در تصاویر شعری شاهنامه»، «فضاسازی و ساختار الگوی سینمایی وصف در آغاز صحنه‌های نبرد در شاهنامه»، «شیوه‌های تدوین (مونتاز) سینمایی در توصیفات و تصاویر شعری شاهنامه». در انتهای کتاب فهرست منابع و مآخذ به چاپ رسیده است.

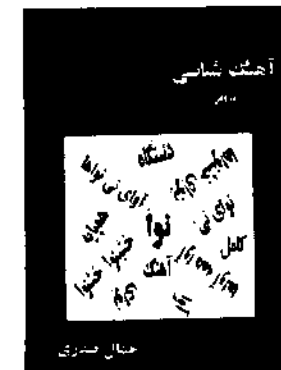
چاپ اول

۱۰- الطیب من القول. محمدمامین شبر - قم: محمدمامین شبر - ۳۷۲ ص. - جلد اول - وزیری (شمیز) - چاپ اول.

وزن، عروض، قافیه

چاپ اول

۱۱- آهنگ‌شناسی (عروض).



جمال صدیقی - اصفهان: پکتا - ۲۴۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۴۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین :

Ahang-shenasi (aroz)

شابک: ۹۶۴-۷۰۱۶-۱۳-X
«آهنگ‌شناسی» کتابی است در زمینه نام‌گذاری آهنگ‌های گوناگون اشعار فارسی که در آن نگارنده کوشیده است زجافات پیچیده عروض سنتی را به شیوه‌ای ساده تنظیم نماید. بخش نخست کتاب متضمن روش جدید نام‌گذاری اوزان شعر فارسی است و در بخش دوم نیز آهنگ‌شناسی (عروض) همراه با مثال‌های متعدد و قافیه آموزش داده می‌شود.

۱۲- عروض فارسی: شیوه نو برای آموزش عروض و قافیه. عباس ماهیار. تهران: قطره. ۱۳۷۲. ص. - وزیر (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. چاپ چهارم / ۱۶۵۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۵۸-۷۰-۹

معانی و بیان

۱۳- فنون بلاغت و صناعات ادبی. جلال‌الدین همایی. تهران: هما. ۱۳۲۸. ص. - وزیر (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. چاپ شانزدهم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۱-۶۱-۳

بررسی و تمرین

۱۴- ادبیات فارسی: راهنمای دبیران، دانش‌آموزان دبیرستانها و داوطلبان کنکور عمومی و اختصاصی

علی سلطانی‌گردفرامرز. تهران: مبتکران. ۵۲۸. ص. - وزیر (شمیز). - ۲۳۰۰۰ ریال. چاپ بیست و چهارم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۹۳-۲۷-X

چاپ اول

۱۵- آموزش تکمیلی ادبیات از پایه تا کنکور: برای دوره کامل دبیرستان، داوطلبان کنکور سراسری.

علی باقری. تهران: نغمه. ۳۸۶. ص. - وزیر (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۱۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۸۸۶-۳-۰

چاپ اول

۱۶- آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۵) سال سوم نظام جدید «رشته ادبیات و علوم انسانی».

نادر پورخانی، احمد پورعلی. تهران: آزمون. ۲۳۸. ص. - وزیر (شمیز). - ۹۸۰۰ ریال. چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۷۵-۸

۱۷- پرسشهای چهارگزینه‌ای ادبیات فارسی مشترک برای رشته‌های (ریاضی - تجربی - انسانی).

علی‌اصغر غفاری، میترا عامری‌مه‌بادی. تهران: پیکان. ۳۲۰. ص. - رحلی (شمیز). - ۱۹۵۰۰ ریال. چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۳۳-۶۰-۹

۱۸- پرسشهای چهارگزینه‌ای و پاسخهای تشریحی ادبیات فارسی (۱) (نقد ادبی و عروض) پیش‌دانشگاهی رشته ادبیات و ...

جواد الفخمی‌عقدا، حمیدرضا رمضان‌زاده. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه. ۶۴. ص. - وزیر (شمیز). - ۲۲۰۰ ریال. چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۶-۷۹۱-X

چاپ اول

۱۹- خودآموز گام به گام ادبیات فارسی (۳) سال دوم نظام جدید. حسن لاجوردی. تهران: آزمون. ۱۸۴. ص. - وزیر (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۶۱-۶۶۶-۹

چاپ اول

۲۰- راهنما و آموزش ادبیات فارسی (۳ و ۴) شامل: شرح درس - پرسش‌های چهارگزینه‌ای - پاسخ‌های تشریحی.

حسن یاسینی، نصرت‌الله محبی. تهران: شورا. ۳۰۴. ص. - وزیر (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۷۱-۳

چاپ اول

۲۱- راهنمای گام به گام فارسی اول راهنمایی. فضل‌الله شیرمحمدی. تهران: منتشران. ۱۲۰. ص. - وزیر (شمیز). - ۴۲۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۵۵-۸

چاپ اول

۲۲- راهنمای گام به گام فارسی دوم راهنمایی.

فضل‌الله شیرمحمدی. تهران: منتشران. ۱۲۳. ص. - وزیر (شمیز). - ۴۲۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۵۶-۶

چاپ اول

۲۳- کتاب کار فارسی اول راهنمایی. جلال خدایی، مرجان بردبار: ویراستار: فاطمه واحدیان. تهران: ورا دانش. ۱۶۰. ص. - وزیر (شمیز). - ۵۴۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۸۵-۰۱-۵

چاپ اول

۲۴- کتاب کار فارسی پایه دوم راهنمایی. جلال خدایی، جعفر خرازی، ویراستار: فاطمه حسدین‌نیز. تهران: ورا دانش. ۱۶۸. ص. - وزیر (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۸۵-۰۲-۳

چاپ اول

۲۵- کتاب کار فارسی سوم راهنمایی: پایه سوم راهنمایی. جلال خدایی، جعفر خرازی، ویراستار: فاطمه حسدین‌نیز. تهران: ورا دانش. ۱۶۰. ص. - وزیر (شمیز). - ۵۴۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۸۵-۰۳-۱

۲۶- مجموعه طبقه‌بندی شده ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی (۱ و ۲) مشترک کلیه رشته‌ها: شامل ۱۳۰۰ تست

سعید سلطانی. تهران: کانون فرهنگی آموزش. ۱۳۴. ص. - رحلی (شمیز). - ۱۱۵۰۰ ریال. چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۰۰۵-۳

۲۷- مفاهیم و سوال‌شناسی ادبیات فارسی ۱ دوره پیش‌دانشگاهی (قافیه - عروض - نقد ادبی) رشته علوم انسانی

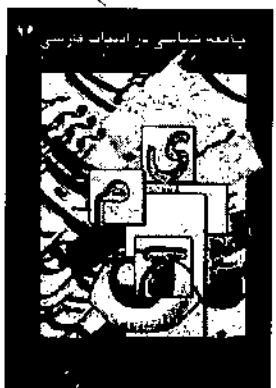
محمود بدری. تهران: موسسه علمی آینده‌سازان. ۱۷۶. ص. - وزیر (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۹-۰۱۷-۹

تاریخ، توصیف، نقد و بررسی

۲۸- جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی.

هدایت‌الله ستوده، باهمکاری: مظفرالدین شه‌بازی. تهران: آوا. نور. ۲۱۶. ص. - وزیر (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۶۳-۸۴-۵

چاپ اول



نگارنده ابتدا مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی را با نگاهی به ادبیات فارسی، تعریف می‌کند و طی آن از پیشینه جامعه‌شناسی، جامعه انسانی، تمدن، جامعه‌پذیری (اجتماعی شدن)، فرهنگ‌پذیری، ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، گروه اجتماعی، قوم‌مداری، قشری‌داری و نابرابری‌های اجتماعی، و تحول اجتماعی سخن به میان می‌آورد. وی در فصل دوم کتاب، تعریفی از ادبیات و انواع ادبی، به دست می‌دهد. در فصل سوم، مقوله «جامعه‌شناسی ادبیات» تشریح می‌شود. فصل چهارم کتاب به تبیین جامعه‌شناسی آثار ادبی اختصاص می‌یابد. مباحث بعدی کتاب عبارت‌اند از: «اندیشه‌های اجتماعی فردوسی در شاهنامه»، «اندیشه‌های اجتماعی غزالی در کیمیای سعادت»، «اندیشه‌های اجتماعی نظامی در پنج گنج»، «اندیشه‌های اجتماعی سعدی در بوستان و گلستان»، «یکتاپرستی در منطق‌الطیر عطار»، «خانه و خانواده در اخلاق ناصری»، «عشق و از خود بیگانگی در آثار مولوی»، «مددکاری اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی».

مجموعه‌ها و جنگهای شعر

چاپ اول

۲۹- پاییز پشت پنجره‌ها جاواشه نیست: گزیده اشعار پاییزی «از ۹۰ شاعر».

گردآورنده: پیمان دفتری، محمدرضا چوادی. تهران: فام آوند. ۱۶۸. ص. - رقی (شمیز). - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۱۹۸-۱-۱

در این دفتر، مجموعه اشعاری با



مضمون پاییز از شعرای معاصر و گاه متقدم به طبع رسیده که از آن جمله‌اند: «منوچهر آتشی / بهاری در خزان»، «هوشنگ ابتهاج / پاییز، مهرگان نو، پردگی»، «رضا احمدی / فصل خزان»، «مهدی اخوان ثالث / خزان، پرستار، باغ من، پاییز در زندان، طریق روزگار»، «هما ارژنگی / زندگانی زی‌باست»، «پروین اعتصامی / برگ ریزان» و هشتاد و چهار شاعر دیگر. اینک بخشی از شعر «باغ زاغان» سروده محمدرضا شغیسی کدکنی: «در نسیم خنک و خیس خزان لرزانند / زرد و قرمز دوسه برگی به سرشاخه هنوز / یعنی: از رایت و رای آنچه به جا ماند این است / که توان دید در این لحظه پایانی روز / ...».

چاپ اول

۳۰- مشاعره نوین. گردآورنده: محمدکاظم کاظمی. تهران: سنا. ۱۸۰. ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۲۶-۲۱-۹



در این مجموعه، اشعاری از شعرای متقدم و متأخر برای داوطلبان شرکت در مسابقات مشاعره گردآمده است. کتاب متشکل از دو بخش است. در بخش اول، ابیات به ترتیب الفبا تنظیم شده و نام شاعر نیز در انتهای بیت ذکر گردیده است. در بخش دوم ابیات به ترتیب الفبای حرف آخر هر بیت نظام یافته است.

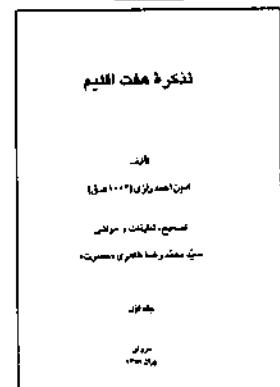
۳۱- تذکره هفت اقلیم.

امین احمد رازی: مصحح: محمدرضا ظاهری - تهران: سروش، ۵۴۲ ص.
- جلد اول - وزیری (گالینگور) - (دوره) ۷۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Tazkere-ye haft eqlim
(chronicles of the seven climates)
شابک: ۹۶۴-۴۳۵-۱۱۲-۶

چاپ اول



کتاب، تصحیحی است از «تذکره هفت اقلیم»، اثر احمد امین رازی (نگارش: ۱۰۰۲ ه.ق). مؤلف هنگام شرح هر اقلیم از اقلیم سابع، نخست طول و عرض و مساحت تقریبی آن را بیان، سپس به موقعیت جغرافیایی و مسائل تاریخی آن اشاره کرده و در پی آن، شهرهای عمده و گاه شهرهای کوچک آن اقلیم را نام برده است. وی در شرح هر یک از شهرها، حدود جغرافیایی، تاریخ بنا، نام بانی، علت پیدایش، نام قدیم و جدید و وجه تسمیه آن شهر را بیان کرده، سرانجام معارف شهر - اعم از پادشاهان، وزراء، امرا، علما، عرفا، مشایخ و شعرا - را معرفی نموده و شرح حال هر یک را جداگانه آورده است. مجموعه حاضر اینک در سه جلد به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۳۲- تذکره هفت اقلیم.
امین احمد رازی - تهران: سروش - ۹۴۰ ص. - جلد دوم - وزیری (گالینگور) - (دوره) ۷۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Tazkere-ye haft eqlim
(chronicles of the seven climates)
شابک: ۹۶۴-۴۳۵-۱۱۴-۲

چاپ اول

۳۳- تذکره هفت اقلیم.
امین احمد رازی - تهران: سروش - ۳۹۶ ص. - جلد سوم - وزیری (گالینگور) - (دوره) ۷۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Tazkere-ye haft eqlim
(chronicles of the seven climates)
شابک: ۹۶۴-۴۳۵-۲۳۷-۸

چاپ اول

۳۴- سخنوران چندزبانه
آذربایجان.
عسگر زینالی آلتی - اردبیل: آذر سیلان - ۲۰۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۳۸-۱۰-۹

چاپ اول

۳۵- شاعران نامدار.
طاهره مددیان پاک: ویراستار: فرهنگ مولایور - تهران: نقش و نگار - ۸۰ ص. - رقی (شمیز) - ۴۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۳۵-۰۵-۰

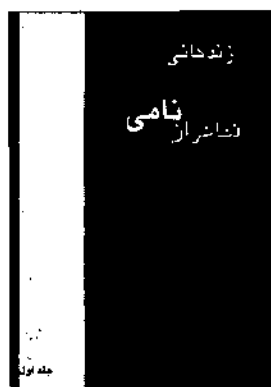


کتاب، خلاصه‌ای است از زندگی شاعران نامدار فارسی زبان: فردوسی، باباطاهر، خیام، نظامی، سعدی، مولانا، حافظ، وحشی بافقی، پروین اعتصامی، ملک الشعرای بهار، شیخ عطار نیشابوری، ناصر خسرو قبادیانی، اقبال لاهوری و سهراب سپهری. در انتها منابع این مجموعه به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۳۶- شرح حال زندگی شاعران نامی ایران.
گردآورنده: احمد قرخلر - تهران: این سینا - ۹۰ ص. - جلد اول - وزیری (شمیز) - ۴۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۲۶۴-۳-۴

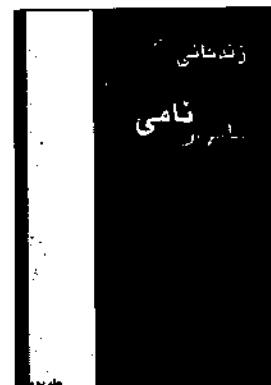
در این مجموعه به گونه‌ای مختصر، احوال، آثار و ویژگی‌های شعری این شاعران معرفی می‌شود: ابوعبدالله رودکی: باباطاهر؛ حکیم فردوسی: عنصری بلخی؛ ناصر خسرو؛ خواجه حافظ شیرازی؛ مسعود سعد سلمان؛



حکیم عمر خیام. کتاب حاضر، جلد نخست از این مجموعه است. نمونه‌ای از اشعار سرایندگان نیز در کتاب به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۳۷- شرح حال زندگی شاعران نامی ایران.
گردآورنده: احمد قرخلر - تهران: این سینا - ۹۰ ص. - جلد دوم - وزیری (شمیز) - ۴۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۲۶۴-۵-۲



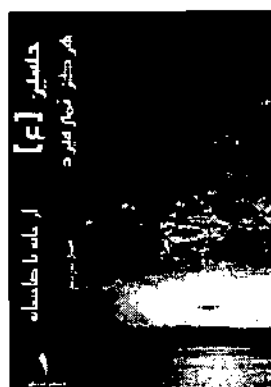
دومین شماره از «شرح زندگانی شاعران نامی ایران» به شرح مختصر زندگی، و معرفی آثار و ذکر پاره‌ای از مختصات شعری برخی سرایندگان شعر فارسی اختصاص دارد. این شاعران عبارت‌اند از: عطار نیشابوری؛ مولانا جلال‌الدین بلخی؛ سعدی شیرازی؛ خواجه عبدالله انصاری؛ عبید زاکانی؛ صائب تبریزی؛ میرزاده عشقی. نمونه‌ای از اشعار سرایندگان نیز در بخش مربوط به هر یک به طبع رسیده است.

اشعار مذهبی، عرفانی، اخلاقی
۸۵۱/۰۵

چاپ اول

۳۸- از خانه تا صاحبخانه: حسین هرگز نمی‌میرد.
شاعر: محمد منتظر - تهران: جوان - ۱۳۲ ص. - جلد اول - جیبی (شمیز).

- چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.



شماره نخست از فصل یازدهم سلسله کتاب‌های «حسین (ع) هرگز نمی‌میرد» متضمن اشعاری است در فضایل و رئای سالار شهیدان. در ابتدای کتاب مقدمه‌ای از سراینده سروده‌ای به سبک نو به طبع رسیده است.

چاپ اول

۳۹- از خانه تا صاحبخانه: حسین هرگز نمی‌میرد.
شاعر: محمد منتظر - تهران: جوان - ۹۴ ص. - جلد دوم - جیبی (شمیز) - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.



بخش دوم از فصل یازدهم این مجموعه متضمن اشعاری است در وصف شهدای کربلا.

چاپ اول

۴۰- از خانه تا صاحبخانه: حسین هرگز نمی‌میرد.



هرگز نمی‌میرد.

شاعر: محمد منتظر - تهران: جوان - ۹۴ ص. - جلد سوم - جیبی (شمیز) - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
سومین بخش از فصل یازدهم «حسین (ع) هرگز نمی‌میرد» شامل اشعاری است که به ذکر فضایل و مصایب شهدای کربلا - به ویژه شهیدان - اختصاص دارد.

۴۱- ای قلبها بسوزید: اشعار مذهبی.
حسن ژولیده نیشابوری: مقدمه: محمد بهشتی - تهران: سنایی - ۳۴۲ ص. - وزیری (گالینگور) - ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۴۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۵-۸-۰

چاپ اول

۴۲- بر بال فرشتگان: علی (ع) خورشید هدایت.
گردآورنده: حضرت محسن (ع) گروه فرهنگی مجمع عاشقان - قم: حق بین - ۶۴ ص. - جیبی (شمیز) - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۴۰۸-۱۷-۶

۴۳- به عشق مهدی (عج) شامل قصاید، غزلیات و رباعیات به ضمیمه منظومه دعای ندبه.
محمد شائق قمی - تهران: فواد - ۱۴۴ ص. - رقی (شمیز) - ۴۵۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۳۹-۴۰-۴

چاپ اول

۴۴- توشه عقبی بخش اول: اشعار فارسی بخش دوم: اشعار ترکی شامل: قصائد - مصائب - ...
شاعر: نصرت عیسی بیگی - گنبدکاووس: مختومقلی فراغی - ۲۵۲ ص. - جلد دوم - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۲-۰۱-۳



«توشه عقبی» اشعاری است مذهبی که غالباً در قالب مدح و نوحه به نظم درآمده است. این مجموعه در دو بخش تدوین شده است. بخش اول

شامل اشعار فارسی است با عناوینی چون: اصول دین، فروع دین، نوحه حضرت ابوالفضل، اشعار حضرت علی(ع)، نوحه علی‌الضمر، و حضرت زهرا(س). بخش دوم به اشعار ترکی اختصاص دارد که از آن جمله است: مدمت نفس، افسوس به غفلت، در وصف قرآن، نوحه حضرت رقیه، نوحه امام زمان(عج)، و فضیلت شهادت. «ولادت حضرت علی» از جمله این اشعار است: «عید عزیز شیعیان روز ولادت علیست/ عید غدیر در جهان روز ولادت علیست/ چون کعبه خانه خدا قدم نهاد بر جهان/ غذای روح عاشقان مهر محبت علیست/...»

چاپ اول

۴۵. خداوند بزرگ در نیایشی سترگ: ترجمه‌ای منظوم از مضامین دعای جوشن کبیر شامل یکصد حسین رزمجو - تهران: آوای نور - ۸۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

God in the grand invocation of jowshan-e kabir
شابک: ۹۶۴-۶۰۶۳-۸۱-۰



کتاب، ترجمه منظوم از دعای جوشن کبیر است که در صد بند در قالب «مسمط مربع ترجیعی» سروده شده است. بند نخست این اشعار چنین است: خدایا به ذات قدیمت / به عز و سخای عیمیت قسم / به رادی و خلق کریمت قسم / به نمت علیمت قسم / متزه ز انبازی ای ذات پاک / نجاتم ده از آتش هولناک

۴۶. غم گریبا، به اهتمام: آتشین عاطفی - تهران: فواد - ۶۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۳۹-۴۶-۳

۴۷. گل‌های حسینی شامل: زیارت عاشورا همراه با اشعار و نوحه‌های سینتونی. شاعر: محمد اسماعیل ناطق -

تهران: دنیای هنر. - ۶۴ ص. - جیبی (شمیز). - ۱۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۵۷-۰۰-۶

قصیده
۸۵۷/۹

۴۸. نوای غزل: برگزیده بهترین غزلیات شعرای غزلسرا. گردآورنده: جلال فراسمی - تهران: سیمین قلم، زرین قلم. - ۳۶۶ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۲۲۳-۵-۹

۴۹. نوای غزل: برگزیده بهترین غزلیات شعرای غزلسرا. گردآورنده: جلال فراسمی - تهران: سیمین قلم، زرین قلم. - ۳۶۸ ص. - جلد سوم. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۲۲۳-۶-۷

شعر فارسی قرن ۴ ق.
۸۵۷/۱۱

۵۰. استاد شاعران رودکی: شرح حال، گزیده اشعار با توضیح و گزارش. نصرالله امامی - تهران: جامی. - ۱۸۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۲۰-۶۳-۵

چاپ اول

۵۱. شاهنامه فردوسی: متن انتقادی با مقابله با ۱۲ نسخه همراه با معنی واژگان و شرح نامها و جایها. ابوالقاسم فردوسی: مصحح: پرویز اتابکی - تهران: فرزاد روز. - ۹۲۴ ص. - رحلی (گالینگور). - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۲۱۰-۰۲۸-۶

۵۲. غننامه رستم و سهراب از شاهنامه فردوسی. ابوالقاسم فردوسی: گردآورنده: حسن انوری، جعفر شعار - تهران: قطره. - ۲۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ بیستم / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۵۸-۰۰-۸

۵۳. گزند باد. عطاءالله مهاجرانی - تهران: اطلاعات. - ۱۱۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۲۱۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۲۳۰-۱۴۴-۹

شعر فارسی قرن ۵ ق.
۸۵۷/۲۲

۵۴. دوبیتی‌های بابا طاهر عریان.

بابا طاهر: خطاط: مهدی فرساد - تهران: شهرام. - ۱۴۶ ص. - جیبی (چاپ اول)

(سلفون). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول. شابک: ۹۶۴-۵۵۷۶-۰۶-۷

چاپ اول

۵۵. دیوان حکیم ناصر خسرو: متن انتقادی همراه با شرح. مصحح: جعفر شعار، کامل احمدنژاد - تهران: قطره. - ۷۷۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۱۰-۰۵۳-۶

چاپ اول

۵۶. رباعیات حکیم عمر خیام. عمر بن ابراهیم خیام: خطاط: مهدی فرساد - تهران: شهرام. - ۱۰۰ ص. - جیبی (سلفون). - ۵۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول. شابک: ۹۶۴-۵۵۷۶-۰۵-۹

چاپ اول

۵۷. رباعیات خیام: دوبیتی‌های بابا طاهر. عمر بن ابراهیم خیام، بابا طاهر: مقدمه: کاظم عابدینی مطلق: خطاط: رضا شیخ محمدی - تهران: آفرینه. - ۱۱۲ ص. - جیبی (سلفون). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۹۱-۰۹-۶

۵۸. گزیده اشعار مسعود سعد سلمان. گردآورنده: توفیق هاشم پور سبحانی - تهران: قطره. - ۱۷۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۱۶۵۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Gozide-ye ashare masude sade salman
شابک: ۹۶۴-۵۹۵۸-۸۴-۹

شعر فارسی قرن ۶ ق.
۸۵۷/۲۳

۵۹. گنجینه حکمت در آثار نظامی. به اهتمام: منصور ثروت - تهران: امیر کبیر. - ۲۸۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۵۳۵-۵

۶۰. لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجه‌ای.

الیاس بن یوسف نظامی: به اهتمام: سعید حمیدیان: مصحح: حسن

وحید دستگردی - تهران: قطره. - ۳۲۸ ص. - وزیری (گالینگور). - ۱۴۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۶۵۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۵۸-۴۰-۷

شعر فارسی قرن ۷ ق
۸۵۷/۳۱

۶۱. بوستان: از روی نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی. مصحح: مصلح بن عبدالله سمدی: مصحح: محمدعلی فروغی - تهران: امیر کبیر. - ۳۰۴ ص. - جیبی (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۲۷۳-۹

۶۲. شرح جامع مثنوی معنوی. کریم زمانی - تهران: اطلاعات. - ۱۲۷۰ ص. - جلد ششم. - وزیری (گالینگور). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۱۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

A comprehensive commentary of mathnawi e manavi
شابک: ۹۶۴-۴۲۳-۴۱۱-۱

چاپ اول

۶۳. کلیات شمس تبریزی. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی: مصحح: محمدحسن فروزانفر - تهران: امیر مستعان. - ۱۵۰۴ ص. - وزیری (گالینگور). - ۶۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۳۷-۴۰-۳

چاپ اول

۶۴. کلیات شمس تبریزی. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی: مصحح: محمدحسن فروزانفر - تهران: ارمغان. - ۱۵۰۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۴۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۳۷-۴۰-۳

چاپ اول

۶۵. مثنوی معنوی: براساس نسخه اصلی رینولدالدین نیکلسون (چاپ لندن).

جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی: به اهتمام: کاظم دزفولیان: مصحح: رینولدالدین نیکلسون - تهران: طلایه. - ۸۴۴ ص. - جلد اول. - وزیری (گالینگور). - (دوره) ۳۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Mathnawi-e-manawi
شابک: ۹۶۴-۵۹۲۳-۴۶-۴

۶۶. مثنوی معنوی: براساس نسخه اصلی رینولدالدین نیکلسون

(چاپ لندن). جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی: به اهتمام: کاظم دزفولیان - تهران: طلایه. - ۷۳۱ ص. - جلد دوم. - وزیری (چاپ اول)

(گالینگور). - (دوره) ۴۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Mathnawi-e-manawi
شابک: ۹۶۴-۵۹۲۳-۴۵-۶

۶۷. منتخب دیوان شمس تبریزی: از روی نسخه تصحیح شده بدیع الزمان فروزانفر. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی: به اهتمام: محمدرضا افشاری - تهران: درنا. - ۱۹۶ ص. - جیبی (سلفون). - ۳۰۰۰ ریال. - ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۰۵-۳۲-۷

۶۸. منتخب مثنوی معنوی (از روی نسخه رینولد نیکلسون). جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی: به اهتمام: محمدرضا افشاری - تهران: درنا. - ۱۹۶ ص. - جیبی (سلفون). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۰۵-۳۱-۹

شعر فارسی قرن ۸ ق
۸۵۷/۳۲

چاپ اول

۶۹. حافظ: بر اساس نسخه سید عبدالرحیم خلخالی. شمس‌الدین محمد حافظ - تهران: دژ. - ۴۲۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۵۸-۱۲-۵

۷۰. حافظ: بر اساس نسخه سید عبدالرحیم خلخالی. به اهتمام: علی محمد ادنی: مقدمه: امیر صادقی - تهران: خوشه. - ۴۳۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۰۳-۰۳-۲

چاپ اول

۷۱. دیوان حافظ. شمس‌الدین محمد حافظ: خطاط: اسماعیل نژادفردرستانی - تهران: یساسین. - ۵۲۰ ص. - جیبی (گالینگور). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۹۵-۸۲-۵

۷۲. دیوان حافظ شیرازی: از نسخه محمد قزوینی و قاسم

غنی.

شمس الدین محمد حافظ؛ مصحح: محمد قزوینی، قاسم غنی؛ ویراستار: رضا کناکائی دهکردی؛ خطاط: عبدالملکی تویرکائی - تهران: میلاد - ۱۳۸۸ ص - وزیر (سلفون) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۶۱-۳۹-۶

۷۳- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی.

به اهتمام: تیمور برهان لیموده - تهران: ستایی - ۴۱۰ ص - جیبی (سلفون) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه.

۷۴- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی.

مصحح: محمد بهشتی - تهران: مطبوعاتی حسینی - ۳۶۰ ص - جیبی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۳۹۱-۵-۰

چاپ اول

۷۵- شرح سودی بر حافظ. محمد سودی؛ مترجم: عصمت ستارزاده - تهران: زرین، نگاه - ۶۵۴ ص - جلد اول - وزیر (گالینگور) - (دوره) ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۱۸۱-۶

چاپ اول

۷۶- شرح سودی بر حافظ. محمد سودی؛ مترجم: عصمت ستارزاده - تهران: زرین، نگاه - ۸۵۲ ص - جلد دوم - وزیر (گالینگور) - (دوره) ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۱۸۲-۴

چاپ اول

۷۷- شرح سودی بر حافظ. محمد سودی؛ مترجم: عصمت ستارزاده - تهران: زرین، نگاه - ۶۴۴ ص - جلد سوم - وزیر (گالینگور) - (دوره) ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۱۸۳-۲

چاپ اول

۷۸- شرح سودی بر حافظ. محمد سودی؛ مترجم: عصمت ستارزاده - تهران: زرین، نگاه - ۷۹۲ ص - جلد چهارم - وزیر (گالینگور) - (دوره) ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۱۸۴-۰

۷۹- غزلیات خواجهی کرمانی. محمودبن علی خواجهی کرمانی: به اهتمام: حمید مظفری - کرمان: خدمات فرهنگی کرمان - ۴۷۲ ص - وزیر (شمیز) - ۱۴۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۵۵۷-۹-۷

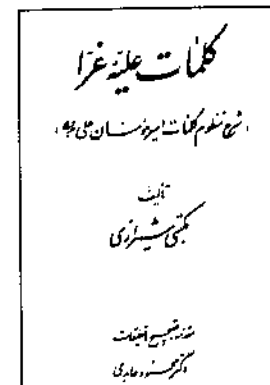
چاپ اول

۸۰- کلمات علیه غرا (شرح منظوم کلمات امیر مومنان علی علیه السلام).

مکتبی شیرازی؛ مقدمه: محمود عابدی - تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، آینه میراث - ۲۰۰ ص - وزیر (گالینگور) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Kalamat-e aliyya-ye garra

شابک: ۹۶۴-۶۷۸۱-۲۷-۶



«کلمات علیه غرا» از مثنوی‌های «مکتبی شیرازی» است که متضمن ترجمه و شرح صد کلمه منسوب به امیر مومنان (ع) است. اما نسخه‌ای که چاپ این کتاب براساس آن فراهم آمده شامل ۷۰ کلمه و ۱۱۸۵ بیت است. همه این کلمات از «نثر اللالی» گرفته شده و به تصریح مصحح «اغلب آنها به سبب لطف و جامعیت لفظ و معنی در حکم مثل سایزند و بیشترشان در زبان فارسی هم معادل‌هایی یافته‌اند». بعضی از داستان‌هایی که شاعر در شرح کلمات بازگو می‌کند حکایت‌هایی است از متون مشهور فارسی، مانند: شاهنامه، مرزبان‌نامه و منطق‌الطیر. در پایان کتاب، فهرست کلمات، لغات و ترکیبات، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، اشخاص، کتاب‌ها و جای‌ها به طبع رسیده است. برای نمونه یکی از کلمات قصار و شاعرانه چنین است: «عقل خیر من صدیق جاهل: خصم دانا که در پی جان است / بهتر از دوستی که نادان است...»

۸۱- مونس العشاق: به انضمام شرح مونس العشاق.

عمادالدین عریض‌یزدی؛ مصحح: نجیب مایل‌هروی - تهران: مولی - ۲۲۲ ص - رقی (شمیز) - ۱۴۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۹۹۶-۳۵-X

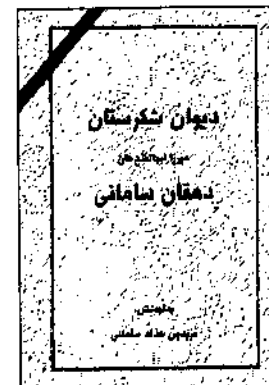
شعر فارسی قرن ۱۲ و ۱۳

چاپ اول

۸۲- دیوان دهقان سامانی. نورالله بن عبدالله عمان سامانی: به اهتمام: فریدون حدادسامانی - شهرکرد: عمان سامانی - ۴۳۶ ص - وزیر (شمیز) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Divane shekarestan deghhane samani

شابک: ۹۶۴-۹۰۰۰۹-۲-۵



دیوان شکرستان، اثر میرزا ابوالفتح خان دهقان سامانی (وفات ۱۳۲۶ هـ) مشتمل است بر: غزلیات، مسمطها، قصاید، مقطعات، یک مثنوی کوتاه، ترجیع‌بندها، و رباعی‌ها. اشعار این دیوان براساس الفبای قافیه‌ها به طبع رسیده است. مقدمه کتاب نیز شرحی است بر احوال و آثار دهقان سامانی.

چاپ اول

۸۳- گنجینه اسرار. نورالله بن عبدالله عمان سامانی؛



مصحح: شهرام رجبزاده - تهران:

ذکر - ۹۶ ص - رقی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Treasury of secrets: treasury of persian speech

شابک: ۹۶۴-۳۰۷-۷۳-۵

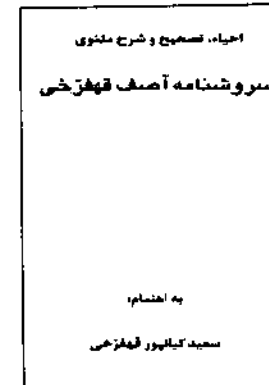
در این شماره از مجموعه «گنجینه سخن پارس» مثنوی «گنجینه اسرار» سروده «عمان سامانی» به طبع رسیده است. این مثنوی در واقع تعبیر و تفسیر عرفانی از صحنه کریم و تکریم شهیدان عاشورا است. در لابه‌لای اشعار، گاه تمایز شاعر به گونه نثر آورده شده است.

شعر فارسی قرن ۱۴

چاپ اول

۸۴- احیاء، تصحیح و شرح مثنوی سروشنامه آصف قهفرخی. علی محمدبن محمدابراهیم آصف قهفرخی؛ به اهتمام: سعید کیانیپورقهفرخی - تهران: پیام علم و هنر - ۴۲۸ ص - وزیر (گالینگور) - ۳۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۰۳۶-۰۱-۹



مثنوی «سروشنامه» اثر میرزا علی محمد متخلص به «آصف» است (وفات: ۱۲۹۸ ش). این مثنوی سرگذشت انبیاست که با داستان حضرت آدم (ع) آغاز می‌شود و با داستان حضرت خاتم‌الانبیا (ص) به پایان می‌رسد. مثنوی سروشنامه در بحر «خفیف مخبون مقطوع» سروده شده است. در مقدمه کتاب، چگونگی گردآوری اسباحت پراکنده شاعر، چگونگی تصحیح متن، ادبیات چهارمحال بختیاری، احوال و آثار «آصف» بازگو می‌گردد. «تعلیقات» کتاب نیز مشتمل است بر: اختلاف نسخه‌ها، یادداشت‌ها، فهرست لغات و تعبیرات، و فهرست منابع و ماخذ.

۸۵- دیوان پروین اعتصامی. به اهتمام: محمد عالمگیرتهرانی؛ مقدمه: رحیم چاوش‌اکبری؛ خطاط: اسماعیل نژادفردلرستانی - تهران:

محمد - ۴۶۴ ص - وزیر

۸۷- آرزو بر باد: دفتر حضور:

(گالینگور) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۱۰۰ نسخه.

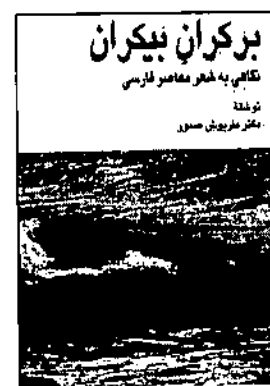
شابک: ۹۶۴-۵۵۶۶-۲۸-۲

شعر فارسی (از سال ۱۸۱۷/۲)

چاپ اول

۸۶- بر کران بیکران: نگاهی به شعر معاصر فارسی (ادبیات معاصر). داریوش صبور - تهران: سخن - ۵۴۰ ص - وزیر (شمیز) - ۲۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۹۶۱-۱۹-۳



در این اثر، ابتدا تصویری از شعر دوره صفویه و بازگشت ادبی به دست داده شده، سپس چشم‌اندازی از دوره بیداری در آغاز دوره قاجار ارائه می‌گردد. در این بخش، از چگونگی حکومت استبدادی ایران، جنگ‌های ایران و روس، نفوذ کشورهای بیگانه، رواج روز افزون فقر و پریشانی در میان مردم، مقوله چاپ و روزنامه‌نگاری، آشنایی ایرانیان با دنیای غرب، و تحول آنان، سخن رفته است. نگارنده پس از بررسی انقلاب مشروطه و پس‌آمدهای آن، شرح حال و نمونه‌هایی از آثار نام‌آوران شعر دوران انقلاب و تأثیر آن را در شعر معاصر باز نموده دگرگونی‌های شکل و مضمون، به ویژه جایگاه طنز انتقادی - اجتماعی در پهنه شعر فارسی را بررسی کرده، همچنین از تجدید حیات ترانه‌سرایی و سرانجام تجدد ادبی سخن به میان آورده است. نویسنده در پژوهش مسیر شعر پس از کودتای سال ۱۲۹۹ ش برخی دیدگاه‌های هواداران شعر سنتی یا آزاد را ذکر نموده آن گاه پس از ارزیابی شعر آزاد به شرح حال و بررسی آثار شاعران بعد از سال ۱۳۲۰ ش اهتمام ورزیده است. نمونه‌ای از اشعار سرایندگان نیز در کتاب درج گردیده است.

۸۷- آرزو بر باد: دفتر حضور:

سیب‌های آبی: شعرهای ۶۵ - ۱۳۶۴
شاعر: مهدی مؤذن - تهران: ایران
جام - ۸۰ ص. - رقی (شمیز) -
۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۱۴۴۹-۳-۵

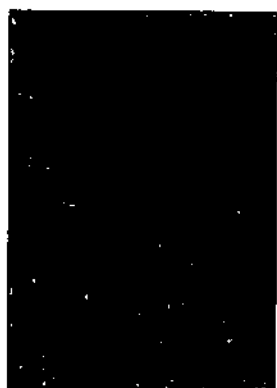
چاپ اول



در این دفتر ۱۴ قطعه شعر نو گردآمده است. «سیب» نمونه‌ای از این اشعار است: آفتابی / در دلم می‌درخشد / و کهنه کتاب عشق را حاشیه می‌زنم / از آن سوی مرگ باز می‌گردم / با سیدی از خواب‌های سیب‌آلود / آمده‌ام به کنار نهر لحظه‌های آبی رنگ / تا بشویم این / سیب‌های خواب‌آلود /

چاپ اول

۸۸. آزاده.
شاعر: محمدحسین معیری - تهران:
آبیار - ۲۸۸ ص. - وزیری (شمیز) -
۲۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۴۶-۰۰-۶



«آزاده» مجموعه‌ای است از اشعار «رهی معیری» که به اهتمام «حسن علی معیری» گردآوری شده است. کتاب در دو بخش فراهم آمده است. در بخش نخست، چند تغزل و قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، رباعی، تک بیت، و اشعار روز «رهی» به چاپ رسیده است. بخش دوم کتاب متضمن تراشه‌های «رهی معیری» است که در آن علاوه بر ذکر نام آهنگ‌ساز، نت‌های مورد نظر تدوین شده است.

۸۹. آه ... بانو.
سیروس رومی - شیراز: نوید - ۹۴
ص. - رقی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال -
چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۹۵۷-۸۴-۲

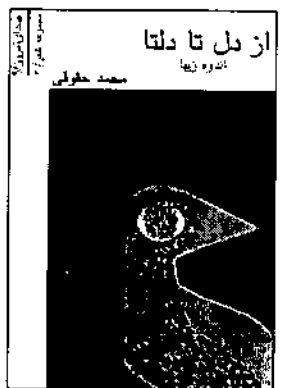
چاپ اول



کتاب مجموعه‌ای است از ده شعر نو که عبارت‌اند از: هفت گام، بهار، پاییز، شیرین، ایلیاتی، نقش، چشم‌هایت، آه بانو، اشک، واژه، گل، عشق، شعر «بهار» این گونه آغاز می‌شود: وقتی حضور تو / در ادراک باغچه نشست / بهار آغاز شد / بر احساس بهاریم / یک لاله سرخ رویید / لاله نام تو است ...

چاپ اول

۹۰. از دل تا دلنا: اندوه زیبا (منتخبی از شعرهای ۶۹ تا ۷۱).
محمد حقوقی - تهران: همراه - ۸۰
ص. - رقی (شمیز) - ۴۲۰۰ ریال -
چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۱۹-۲۰-۳



این مجموعه با توصیفی از احوال و آثار شاعر آغاز می‌شود: سپس اشعاری چند - عمدتاً سروده سال‌های ۷۰ و ۷۱ - به طبع می‌رسد که از آن جمله است، «تات یات»: پیاده رسیدم در شامگاه / بر دره سیاه / برابرت ایستاده است / تات بیندیشد / یات بیرستد / کابوس و شب / شب و کابوس / پیاده رسیدم در بامگاه / بر دره سیاه / برابرت ایستاده است / تات بیندیشد / یات بیرستد / رویا و روز / روز و رویا /

۹۱. از دیار آشتی.

شاعر: فریدون مشیری - تهران: نشر چشمه - ۱۵۰ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ ششم / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۱۹۴-۲۴-۹

چاپ اول

۹۲. از عشق تا عشق.
شاعر: علی کامه‌خوش - تهران: جستجو - ۹۶ ص. - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۲۵۳-۴-۰



«از عشق تا عشق» مجموعه غزلیاتی است از «علی کامه‌خوش» که جملگی در قالب سنتی به نظم در آمده‌اند. عناوین برخی غزل‌ها بدین قرار است: ارادت، عطر یاس، نازنین، خورشید، دیوانه، نی‌نوا، باغ گل، حضور و عشق: دل اگر عشق نوزد، دل نیست / عشق بی‌غصه و غم، کامل نیست / صبرت ار نیست، منه پای به ره / گر صبوری نکنی، حاصل نیست / در پایان مجموعه، مثنوی «صبح»، «حریم تو» و چند دوبیتی به طبع رسیده است. اینک بخشی از شعر «وصف حال»: «جان بر لب رسیده را مانم / انتظار سپیده را مانم / زخم تیری نشسته بر قلبم / صید در خون تپیده را مانم / همچو یک عصر سرد پاییزی / آفتاب پریده را مانم / ...»

چاپ اول

۹۳. اشک معشوق: دیوان حمیدی (جلد ۱ تا ۳) جنون عشق - خون سیاوش - ظلم شکسته.
مهدی حمیدی شیرازی - تهران: صدای معاصر - ۶۹۲ ص. - وزیری (گالینگور) - ۳۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۹۴-۰۰۳-۸

چاپ اول

۹۴. اشک‌هایم را پاک کن.
شاعر: جلال فراسمی - تهران: زرین قلم - ۲۶۶ ص. - جلد دوم - وزیری

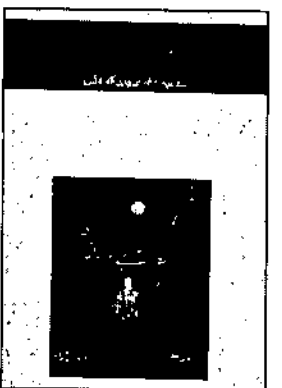
(شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۲۲۲۳-۲-۴



اشعار عمده این مجموعه در قالب غزل به نظم درآمده که از آن جمله است: تا کی و چند بسوزانی تو این جان مرا / عاشق روی تو بودم کرده‌ای نقصان مرا / سرنوشت اشک من دریا شود از درد و غم / من به کتج غم نشستم کرده‌ای حیران مرا / آن که جانم را به خواری می‌کشد، افسانه نیست / سوختگان دانند، سوزاندی تو بستان مرا ...

چاپ اول

۹۵. انگار آتشی و میرا سر کشیده‌ای «مجموعه شعر».
شاعر: پروانه دلوار - تهران: پاسارگاد - ۱۴۲ ص. - رقی (شمیز) - ۷۲۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۰۷۸-۹۸-۲



اشعار این مجموعه اغلب با مضامین عاشقانه، اجتماعی و سیاسی به نظم درآمده است. در قطعه «خنده خورشید» می‌خوانیم: تو را به اصل نور و بهشتی که در یاد است / بگو که دودمان تو از نسل فریاد است / قبول کن به خنده خورشید مانی / که نزد تو پرورده احساس آزاد است.

چاپ اول

۹۶. با تو تا ابدیت.
شاعر: گلایول حسن پورضیایی -

تهران: شیدا، کتاب خورشید - ۸۰ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۱۶۲۰-۸-۹



کتاب مجموعه‌ای است از اشعار سپید. قطعه «همتی» از جمله این اشعار است: حاصل هماغوشی زمین و آسمان رودیست که در آن درد جریان دارد / اقیانوسیست که در آن مرگ بیکران است، / خاکبست که تنها شهوت می‌پرورد / مردی از کنارت می‌گذرد و تو بی‌حوصله در چشمانش خیره می‌شوی، ...

چاپ اول

۹۷. با ته‌اجم باد.
سیروس نیرو - تهران: سیروس نیرو - ۱۷۸ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۱۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۰۷۸-۹۸-۲

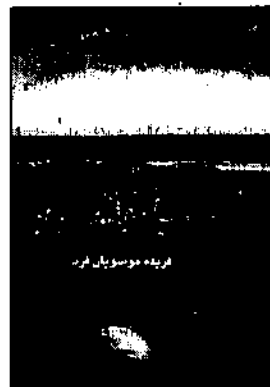


در این مجموعه، اشعار «سیروس نیرو» مربوط به سال‌های ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۷۸ به طبع رسیده است. سروده‌های حاضر از کتاب رد پا (۱) و منظومه کوراوغلو، مینیاتورهای ایرانی، عشقت رسد به فریاد، و چل تیکه انتخاب گردیده است. «به یاد تو» غزلی از این مجموعه است: من و شب‌ها و خیال تو و بیداری‌ها / تو و عاشق‌کشی و ناز و جفاکاری‌ها / دیده می‌گردید، دل، ماتم آن را دارد / که سرانجام چه حاصل شود از زاری‌ها / تو و در بزم رقیبان و قدح پیمایی / من و چون شمع به یاد تو شررباری‌ها / بسته بند توام گاه به مهرم بنواز / تا مرا شکوه نباشد ز گرفتاری‌ها / ...

۹۸- با رود تا دریا.

شاعر: فریده موسویان فرد - تهران: آتروپات. - ۹۰ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۲۸۳-۴-۹

چاپ اول



این دفتر مجموعه‌ای است از اشعار نو که قطعه «اندوه» نیز از آن جمله است: نمی‌تپد انگار دلت / بر فراز درختان بید / در ضمیر آشیانه باد / تکه‌های آینه / از هم پاشیده‌اند / من بیهوده / در این سایه‌های سبز / به دنبال چشمانت / می‌گردم.

چاپ اول

۹۹- بانوی مشروطه: دیوان اشعار بانو مشروطه جهانشاهی افشار. به اهتمام: حسن محمدی‌گرمساری. - تهران: آفرینه. - ۹۶ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۹۱-۲۴-X



دیوان اشعار خانم «مشروطه» جهان‌شاهی افشار، متضمن اشعاری است در قالب غزل، قصیده، مثنوی و اوزان دیگر. «مظهر وفا» از جمله این اشعار است: زن مظهر وفا و نگهدار خانه است / رمز حیات و زندگی جاودانه است / آن خانه را که ماهرخ سرو قامتی / رونق دهد به نخل امید، آشیانه است / هر بستر که گیسوی مشکین دلبری / زینت بداد نغمه دل را ترانه است... در سروده‌های این شاعر معاصر، ایمان دینی، محبت و انسان دوستی، حس میهن پرستی و

آزادیخواهی، همچنین عشق عرفانی نمودی آشکار دارد.

چاپ اول

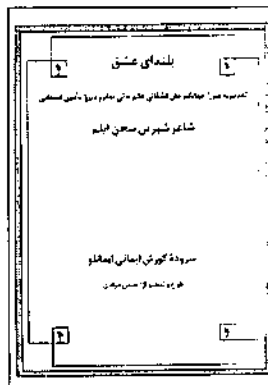
۱۰۰- باید از خواب پرید. شاعر: ایرج صعودی. - تهران: پامچال. - ۱۰۸ ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۲۱۱-۳۹-۹



«باید از خواب پرید» دفتری است از اشعار نو. در قطعه «دخترانیم» می‌خوانیم: میان عبور آدم‌ها و سنگینی هوای زندگی / شاخه‌ای خشک در هوا لرزان است / من میان دو لایه از تشویق / دو لایه از لذت / دو لایه از مهر / و خشونت / میان دو ابر صعود و سقوط / معلق مانده‌ام /...

چاپ اول

۱۰۱- بلندای عشق. تهیه و تنظیم: حسن مرادی. شاعر: کورش ایمانی‌ایمانلو. - تهران: ندای حق. - ۱۹۰ ص. - وزیر (گالینگور). - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۶-۱-۵



«بلندای عشق» مجموعه اشعاری است سنتی مشتمل بر: دو مثنوی، هفتاد و پنج غزل، یازده قطعه، یک مسمط دوازده رشته‌ای، صد دوبیتی، چهار صد و بیست رباعی و سی و شش تک‌بیتی. بخشی از غزل «غم غمگسار» چنین است: «ز داغ به

تلخی زمانم گذشت / بهار آمد و چون خزانم گذشت / بجز دل نداند کس اندر جهان / که هجران جانان چه سانم گذشت / چون نیل خروشان شتابنده حال / ز دیده سرشک روانم گذشت /...

چاپ اول

۱۰۲- پشت دیوار زمان. علی‌اکبر سلیمان‌پور. - تهران: روشنگران و مطالعات زنان. - ۲۰۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۱۲-۷۰-۰



«پشت دیوار زمان» قصه عشقی نافرجام است. حوادث داستان در نوجوانی قهرمانان در آبادان آغاز می‌شود و سبک آن نیز به شیوه «داستان در داستان» ادامه می‌یابد.

۱۰۳- پنج کتاب (مجموعه اشعار فروغ).

فروغ فرخزاد: به اهتمام: رویا خسرونجدی. - تهران: شقایق. - ۳۴۸ ص. - رقی (سلفون). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۴۲-۶۳-۴

۱۰۴- تا رهایی: منظومه‌ها و شعرها.

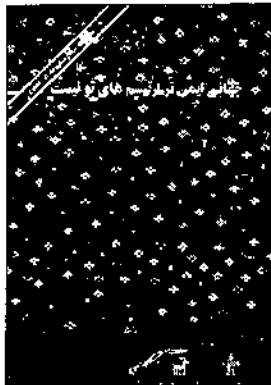
حمید مصدق. - تهران: زریاب. - ۵۴۸ ص. - رقی (گالینگور). - ۲۸۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۳۳۹-۸۵-۹

چاپ اول

۱۰۵- جهانی ایمن‌تر از تیسیم‌های تو نیست: شعر سال‌های ۶۹ تا ۷۱.

محمدرضا آریان‌فر. - تهران: پاسارگاد. - ۴۸ ص. - رقی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول.

شابک: ۹۶۴-۶۹۳۳-۰۳-۳
کتاب مجموعه‌ای است از اشعار سال‌های ۶۹ تا ۷۱ «محمدرضا آریان‌فر». در شعر دوم این مجموعه می‌خوانیم: عشق، عشق مددی / که



عطش به رگم می‌وزد / و می‌سوزم / کنار سفالینه شکسته آب و / دهان آفتاب.

۱۰۶- حرفی از جنس زمان: تاملی در شعر انقلاب اسلامی. اکبر میرجعفری. مقدمه: محمدرضا سنگری. ویراستار: افسانه حاجتی طباطبایی. - شیراز: قو. - ۲۴۴ ص. - رقی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۴۱۲-۰۰-۹

چاپ اول

۱۰۷- حکایت دل. اصغر مهران‌نژاد. - تهران: پاسارگاد. - ۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۳۳-۰۱-۷



اشعار اصلی این مجموعه در قالب غزل سروده شده، ضمن آن که چند مثنوی، رباعی و چارپاره نیز در آن گردآمده است. برای نمونه غزل «تنهایی دل»: من و این خانه سرد و غم تنهایی دل / تو و آن کاخ بلند و سر شیدایی دل / لحظه‌ای نیست نگریم، نکنم یاد ترا / نگرانم، چه کنم با غم رسوایی دل / کنج این خانه به امید تو ماندن شب و روز / جگرم خون شد و از دست شکستایی دل /...

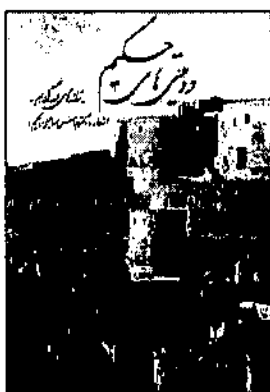
۱۰۸- در حسرت پرواز: حکایت نفس در شعر شاملو و سپهری. پیمان آزاد: ویراستار: اصغر اندرودی. - تهران: پیکان. - ۳۹۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم /

۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۲۹-۷۳-۵

چاپ اول

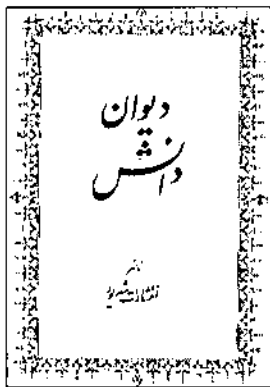
۱۰۹- دوبیتی‌های حکیم «ترانه‌های اری بی». شاعر: عباس اسماعیلی. - تهران: عباس اسماعیلی. - ۲۵۲ ص. - رقی (شمیز). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۲۳۶-۳۳-۶



در این مجموعه، اشعاری در قالب دوبیتی و چهارپاره به طبع رسیده است. این اشعار، اغلب دارای مضامین عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، فلسفی و انسانی است که با گویش محلی مردم کرمان - خصوصاً بیم و نرماشیر - به نظم درآمده است.

چاپ اول

۱۱۰- دیوان دانش. به اهتمام: محمدعلی دانش. - تهران: شهرپور، تابان. - ۱۲۴ ص. - وزیر (گالینگور). - چاپ اول. شابک: ۹۶۴-۶۸۹۳-۰۸-۲



دیوان اشعار «سید علی محمد دانش» (تولد: ۱۲۷۶ هـ) در این کتاب با خط نستعلیق و حواشی رنگین به طبع رسیده است. این اشعار اغلب در قالب غزل به نظم درآمده که از آن جمله است: یاد باد آن که مرا با تو سر و سودا بود / بر سر کوی دل آرای توام ماوا بود / آنچه گفتیم تو را یکسره بودی دلخواه / و آنچه می‌گفتی اندر نظرم زیبا بود / همه اوضاع جهان بود به میل دل من /

هر کجا آن بت چون سرو چمن آرا بود /
شوق دیدار توام بود انیس شب هجر /
میل دل سوی تو چون قوت روان آنجا
بود... در لایه لای کتاب تصاویری از
سراینده و نزدیکان او به چاپ رسیده
است.

۱۱۱- دیوان شهریار.

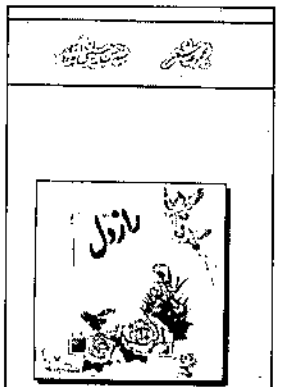
شاعر: محمدحسین شهریار - تهران:
زرین، نگین - ۶۶۴ ص. - جلد اول -
وزیری (گالینگور) - (دوره) ۵۵۰۰۰
ریال - چاپ بیستم / ۶۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۰۷۹-۸

۱۱۲- دیوان شهریار.

شاعر: محمدحسین شهریار - تهران:
زرین، نگین - ۷۴۸ ص. - جلد دوم -
وزیری (گالینگور) - (دوره) ۵۵۰۰۰
ریال - چاپ بیستم / ۶۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۰۸۰-۱

چاپ اول

۱۱۳- راز دل: مجموعه اشعار.
شاعر: حسن حسینی اندروز؛ خطاط:
ولی الله پاشا - تهران: پاسارگاد - ۷۲
ص. - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۳۳-۰۴-۱



چاپ اول

اشعار این مجموعه با خط نستعلیق و
اغلب با مضامین مذهبی به طبع
رسیده است. غديرخ، مهر مادر،
میلاد نور، گل فاطمه (س)، و مثنوی دل
از جمله عناوین این سروده هاست.

۱۱۴- راهی و آهی: منتخب هفت
دفتر شعر: سراب، شبگیر،
زمین....

شاعر: هوشنگ ابتهاج - تهران:
سخن - ۳۶۴ ص. - رقی (شمیز)،
- ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰
نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۹۶۱-۰۴-۵
«راهی و آهی» منتخب هفت دفتر
شعر از هوشنگ ابتهاج (سایه) است که
عبارت‌اند از: «سراب»، «شبگیر»،
«زمین»، «چند برگ از پلدا»، «یادگار
خون سرو»، «سایه مشق» و «راهی و



آهی». در ابتدای کتاب، مطلبی تحت
عنوان «سنگی به زیر آب» - که بررسی
مختصات غزل‌های سایه است -
از «چشمه روشن»، نوشته دکتر
غلامحسین یوسفی، انتخاب گردیده
است.

چاپ اول

۱۱۵- رسوای عشق.
رضی علوی - گرگان: مختومقلی
فراغی - ۸۶ ص. - وزیری (مقوایی) -
۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰
نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۲-۱۱-۰



«رسوای عشق» مجموعه‌ای است از
اشعار که در دو بخش سنتی و نو به
طبع رسیده است: «تخم نیکویی»
یکی از دوبیتی‌های این مجموعه
است: کشاورز زاده‌ای هستم که بر
پایینه دارم / تهی از جور و صد رنگی
دلی بی‌کینه دارم / هزاران بذر نیکویی
بگیرم تا که روزی / بکارم بر زمین دل
که اندر سینه دارم.

چاپ اول

۱۱۶- روی سل پایانی.
شاعر: پگاه احمدی - تهران: نگاه
سبز - ۶۴ ص. - رقی (شمیز) -
۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰
نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۹-۲۳-۹
کتاب، مجموعه‌ای است از اشعار نو
که «باران، درخت» نمونه‌ای از این
اشعار است: درخت / اسکلت موهایش



را به شیشه می‌چسباند / و باران / رها
شده‌ای مست / که اندوهش را به
تمامی از یاد برده است.

چاپ اول

۱۱۷- رهگذر آرامتر، آرامتر....
شاعر: مریم خادمی - تهران: به دید.
- ۷۶ ص. - رقی (شمیز) - ۴۰۰۰
ریال - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۸۷-۷-۸



کتاب حاوی قطعاتی شعرگونه است که
اغلب با مضمون عشق و فراق فراهم
آمده است.

چاپ اول

۱۱۸- سحابی خاکستری (۱۳۷۰)
- (۱۳۶۵) و پانزده شعر از خیابان
بزرگ (۱۳۶۸ - ۱۳۶۵).
شاعر: محمد مختاری - تهران:
توس - ۱۵۲ ص. - رقی (شمیز) -
۷۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰
نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۱۵-۵۲۲-۶
گاه شمار زندگی و آثار زنده‌یاد محمد
مختاری در آغاز کتاب به طبع
رسیده، سپس ۲۲ قطعه شعر از
نامبرده فراهم آمده که پانزده قطعه آن
از مجموعه «خیابان بزرگ» انتخاب
گردیده است. «لیان ناپیدا» اولین شعر
این کتاب است: پایان گرفت زمرمه
برگ‌های ماه گرفته / و سایه‌ها کناره
گرفتند / خاک آن چنان گذشت که
پرواز نماند / تا برگ‌های سوخته را
بنگرم که تا زانو / در سرخی دمنده فرو



ریخته‌ست / خاموشی پریشان / دالایی
از اشاره و تردید می‌گشاید / راهی
کشیده تا دیواری از خوشه‌های
سوسنی یاس / که در دو خط موازی
چشم کشیده‌اند / و جامه‌ای سیاه که
چشم‌انیم را خالی کرده است / در
آسمان فرو می‌رود...

چاپ اول

۱۱۹- سوخته‌زاران: مجموعه شعر
(آبان ۱۳۷۵ - تیر ۱۳۷۸).
شاعر: محمد خلیلی - تهران: نگاه
سبز - ۱۴۴ ص. - رقی (شمیز) -
۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۴۴۰۰
نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۹-۱۴-X



در این دفتر ۵۱ قطعه شعر نو به طبع
رسیده است. «رویاها» نمونه‌ای از این
اشعار است: تا تک‌انیم بدهی / رها
می‌شوم از رویاها / و دیگر / شال
جاده‌ها را نمی‌یافم / به سوی
تاکستان‌های آواز / و سوسن و
نسترن‌ها را / نمی‌آرایم بر سراب
بیابان / تا تک‌انیم بدهی / چشم‌هایم راه
نمی‌گیرد / تا آبادانی‌ها / که سال‌های
سایه‌های سبز / که روشن آب / در
ریشه‌ها...

۱۲۰- طلیعه.
شاعر: جعفر فیض‌جوادیان -
کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه - ۱۶۰
ص. - جلد اول - رقی (شمیز) - چاپ
دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۴۲۵-۲-۵

۱۲۱- عشق است: دفتر غزل.

محمدعلی بهمنی - تهران:
دارینوش - ۴۸ ص. - رقی (شمیز) -
۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰
نسخه.
عنوان به لاتین: That's love
شابک: ۹۶۴-۵۵۶۳-۴۴-۵

چاپ اول



کتاب مجموعه‌ای است از غزل‌های
محمدعلی بهمنی. در غزل «عشق
است» آمده است: گفتم ای عشق بیا
تا که بسازی ما را / یا نه، ویران کنی
ساختم دنیا را / گفتم ای عشق چه بر
روز تو آمد امروز / که به تشویش
سپردی شب عاشق‌ها را / چه شد آن
زمزمه هر شب ما ای دوست / چه شد
آن صحبت هر روزه یاران یارا...

چاپ اول

۱۲۲- عقربه‌ها در غروب
ایستاده‌اند (مجموعه شعر).
شاعر: مهدی رضازاده - تهران: پونه.
- ۹۶ ص. - رقی (شمیز) - ۴۵۰۰
ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۳۱-۱۳-۸



کتاب، مجموعه برگزیده‌ای است از
پنج دفتر شاعر که در آن ۷۷ قطعه
شعر نو به چاپ رسیده است. «سین
گمشده» نمونه‌ای از این اشعار است:
...و زندگی / فصلی نانوشته / ...کور /
فصلی بی‌آغاز / با درختی که همیشه
سایه بود / و سایبانی نداشت.

چاپ اول

۱۲۳- غزل‌آلا: مجموعه شعر.

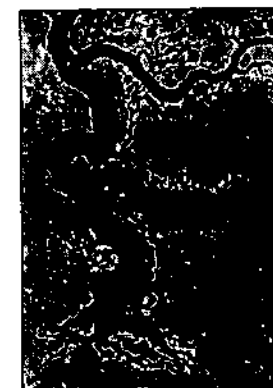
شاعر: ولی الله پاشا - تهران:
پاسارگاد - ۱۲۰ ص. - رقمی (شمیز) -
۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۰۷۸-۹۷-۴



در این مجموعه، ۵۲ غزل یا غزلواره در قالب سنتی و نو به طبع رسیده است. «متل پروانه» یکی از اشعار این مجموعه است: پیش از این هر چه غزل گفته‌ام از شیدایی / حس ناپخته من بود و دلی هر جای / در به در در پی گم کرده خود می‌گشتم / برکه در برکه به دنبال تو ای دریایی / بعد از این دست دلم را به تو می‌آویزم / تا که در سایه تو پاکشد از تنهایی.

چاپ اول

۱۲۴- فصل بی‌تابی‌ها.
شاعر: بهرام علیزاده - رشت: چوبک.
۸۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۱۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
A season of restlessness
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۳-۰۱-۸



در این دفتر ذیل چهل و دو عنوان، اشعاری سنتی از بهرام علیزاده به طبع رسیده که «زیباترین» نمونه‌ای از آنهاست: «سکوت را چه زیبا آفریند / پر از دلواپسی‌ها آفریند / ترا با آن نگاه نیم مست / میان موج دریا آفریند / ترا شیرین ناز و عشوه کردن / مرا کوه تمنا آفریند / مرا در انعکاس شرشر آب / برای گریه تنها آفریند / بیا! زیباترین بگذار شاید / پس از عمری تقلا آفریند / بیا بگذار شاید یک سبد گل / در آغوش غم ما آفریند».

۱۲۵- فصل کوچ.

شاعر: اشرف‌السادات میرخانی:
مقدمه: مهدی بلوریان - تهران:

چاپ اول

نوشه - ۱۲۶ ص. - وزیر (شمیز) -
۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۳۳۸-۳-۱

چاپ اول

۱۲۶- کاش: دفتر شعر.
محمدباقر کلاهی اهری - تهران:
همراه - ۱۰۶ ص. - رقمی (شمیز) -
۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۱۹-۲۲-X



یازدهمین شماره از مجموعه «صدای امروز» به اشعاری چند، از محمدباقر کلاهی اهری، اختصاص یافته است. در شعر «گنجشک ۳» می‌خوانیم: جانداران به غوغا در آمدند / در این جهان که از غوغای گنجشگان / به فغان در آمده‌ست / بوی آب در آوندها تنید / و گنجشگان رازهای خاموش را / در بذر و دانه نیلوفر یافتند...

چاپ اول

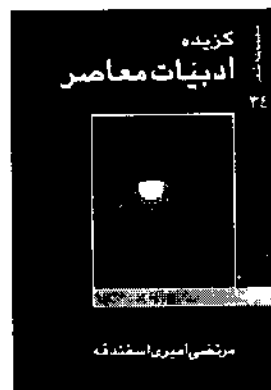
۱۲۷- کزآلان من.
شاعر: حجت نظری - کرمانشاه:
ماهیدشت - ۲۰۸ ص. - جلد اول -
رقعی (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۳۳-۵-۱



«کزآلان من» مجموعه‌ای است از اشعار سنتی و از جمله «غزل»: غزل از ازل تا ابد بود و هست / شرابش مرا مد به مد بود و هست / مرا دم به دم با غزالش شکست / و نازک دلی‌هام بند بود و هست / نخستین غزل را خداوند گفت / نخستین طلوع عدد بود و هست...

چاپ اول

۱۲۸- گزیده ادبیات فارسی:
مجموعه شعر.
شاعر: مرتضی امیری اسفندقه -
تهران: نیستان - ۹۶ ص. - رقمی (شمیز) -
۵۵۰۰ ریال - چاپ اول /
۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۸۸۲-۷۵-۷



مجموعه شعر ۳۴ از «گزیده ادبیات» به اشعار «مرتضی امیری اسفندقه» اختصاص یافته که اغلب در اوزان کلاسیک به نظم کشیده شده است. شعر «غزل خرداد» که برای سید محمد خاتمی سروده شده از جمله این اشعار است: با تو بگذار که بی‌فاصله صحبت بکنیم / از غم و غربت این قافله صحبت بکنیم / مهربان! مساله این است که ماتنها ییم / با تو بگذار از این مساله صحبت بکنیم / ما و یک سینه سخن، حوصله کن، سنگ صبور / تا از این دل، دل بسی حوصله صحبت بکنیم...

چاپ اول

۱۲۹- گزیده ادبیات معاصر:
مجموعه شعر.
غلامحسین عمرانی - تهران:
نیستان - ۹۶ ص. - رقمی (شمیز) -
۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۸۸۲-۲۱-۸

شانزدهمین شماره از «گزیده ادبیات معاصر» به مجموعه اشعار «غلامحسین عمرانی» اختصاص یافته که در دو بخش با عناوین «اردیبهشتی» - در قالب نو - و «غزلیات» - در قالب سنتی - به نظم درآمده است. «غزل صحرایی» نمونه‌ای از این اشعار است: «می‌روم

گزیده
ادبیات معاصر



غلامحسین عمرانی

تا خلوتی پیدا کنم / می‌روم تا با خودم سودا کنم / گم شدم در وحشت تیرنگ‌ها / می‌روم مثل خودی پیدا کنم / یک زمستان ابر در ذهن منست / دیده باید بعد از این دریا کنم /... در صفحات پایانی ذیل عنوان «عاشقانه و ییلاقی‌ها» اشعاری نو، و در پی آن دوبیتی‌هایی از شاعر به طبع رسیده است.

چاپ اول

۱۳۰- گزیده ادبیات معاصر:
مجموعه شعر.
حمید کریمی - تهران: نیستان - ۱۰۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۸۸۲-۳۵-۸



بیست و سومین مجموعه شعر از سلسله آثار «گزیده ادبیات معاصر» حاوی چهل و سه سروده از «حمید کریمی» است. در «شارت چهارم» از این دفتر این ابیات به طبع رسیده است: تو شکوه سحری مثل زلال آبی / در شب دلشدگان آینه مهتابی / هم‌تراز تو غزل ساز و گل افشانی نیست / ای که چون آینه همرنگ اولوالبابی / ای پریشانی تو قبله دل باختگان / ای که در بغض گره خورده ما بی‌تابی / تو بخوان با من از آب و عطش و کوه و کویر / ای که از جاری دریای یقین سیرابی...

چاپ اول

۱۳۱- گزیده ادبیات معاصر:

مجموعه شعر.

شاعر: مجید نظافت - تهران:
نیستان - ۱۰۰ ص. - رقمی (شمیز) -
۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۸۸۲-۷۳-۰



در شماره حاضر از «گزیده ادبیات معاصر» مجموعه شعر (۲۳) ۵۶ قطعه شعر از «مجد نظافت» به چاپ رسیده است. در قطعه بیگانگی می‌خوانیم: حرف می‌زنیم و واژه‌ها / فقط / صداست / تیر بی‌نشانه رهاست / همدلی که هیچ / هم‌زمان در این زمانه / کیمیاست /...

چاپ اول

۱۳۲- گزیده ادبیات معاصر:
مجموعه شعر.
شاعر: بهمن صالحی - تهران:
نیستان - ۱۰۰ ص. - رقمی (شمیز) -
۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۸۸۲-۸۹-۷



بیست و هشتمین شماره از مجموعه شعر - سلسله گزیده ادبیات معاصر - متضمن اشعاری است از «بهمن صالحی» که اغلب در قالب نو و با مضامین اجتماعی سروده شده است. «افق سیاه‌تر» شعری است به مناسبت سالگرد فاجعه هیروشیما که در این مجموعه به طبع رسیده است: به تماشای کبوترها / هیچ کس پنجره را باز نخواهد کرد / که نفیر مرغی از آهن / همه مرغان جهان را ستواری کرده است / آه، ای ابر بزرگ / از تو می‌پرسم آیا جز تو / که بر این جنگل

بی قانون زاری کرده است؟

چاپ اول

۱۳۳-گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر.

شاعر: محمود اکرامی - تهران: نیستان - ۹۶ ص. - رقی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۸۸۲-۹۰-۰۰



اشعار این مجموعه (شماره ۳۲ از گزیده ادبیات معاصر) اغلب در قالب غزل به نظم درآمده که از آن جمله است: «طوفانی که در راهست» مرا با خویش خواهد برد طوفانی که در راهست / شب یلدایی سر در گریبانی که در راهست / و شاید یخ ببندد خون گرم سال‌های سال / میان مویرگ‌ها از زمستانی که در راهست / بهار است و هوا ابری و با خود می‌برد فردا / تمام کوه را سیل خروشان که در راهست / من اما در به در دنبال چشم خویش خواهم گشت / برای گریه در شام غریبانی که در راهست...

چاپ اول

۱۳۴-گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر.

شاعر: بهروز یاسمی - تهران: نیستان - ۱۰۰ ص. - رقی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۸۸۲-۹۱-۹۰



در شماره ۳۹ از مجموعه شعر «گزیده ادبیات معاصر» چهل و یک شعر

از «بهروز یاسمی» به چاپ رسیده که «ای عشق» نمونه‌ای از این اشعار است: این روزها هر آینه تحقیر می‌شویم / قربانی ته‌چم و تزویر می‌شویم / «فواره رها شده» مصداق سعی ماست / پا می‌شویم و باز زمینگیر می‌شویم / قد راست می‌کنیم برای صعود و باز / از ارتفاع خویش سرازیر می‌شویم...

۱۳۵-گزیده اشعار.

شاعر: فریدون مشیری - تهران: مروارید - ۲۵۶ ص. - رقی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ دوازدهم / ۴۴۰۰ نسخه.

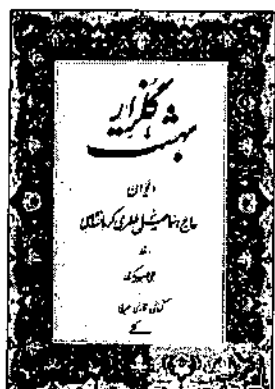
شابک: ۹۶۴-۶۰۲۶-۲۶-۵

چاپ اول

۱۳۶-گلزار بهشت.

شاعر: اسماعیل طهری: نقاش: اعظم‌السادات رزاقی: خطاط: علی عسکری - تهران: گوهر منظوم - ۱۹۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۹۵-۲۱-۵



کتاب مجموعه‌ای است از اشعار «اسماعیل طهری کرمانشاهی» که اغلب به زبان کردی، فارسی و لهجه لکی سروده شده است. این اشعار با خط نستعلیق و حواشی مزین به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۱۳۷-گویا آفتاب برآمده.



به اهتمام: مهدی خبازی‌کناری - تهران: پاسارگاد - ۵۶ ص. - رقی

(شمیز) - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۳۳-۰۰-۹

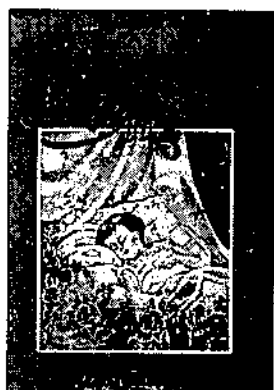
اشعار این مجموعه با عنوان ۴۰ ترانه در قالب تو به طبع رسیده است. برای نمونه ترانه ۲: پرده در خیال و خزر / خیره در خیل پرندگان خانه به دوش / گویا رویا / خبر خانه به دوشی‌ام را با خود آورده است / انگار باد می‌آید.

چاپ اول

۱۳۸-لالایی‌های امروز.

شاعر: سعید شمس‌انصاری - تهران: سروش - ۱۹۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۴۸۵۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Today's lullabies - شابک: ۹۶۴-۴۳۵-۲۸۵-۸



لالایی‌های این مجموعه در دو بخش «دوبیتی‌ها» و «رباعیات» - با خط نستعلیق و حاشیه مزین - به طبع رسیده است: برای نمونه: مرا خواب آن زمان بی‌اضطراب است / که چشمان تو در گرمای خواب است / بخواب ای خواب از خواب تو رنگین / که جانم صبح و جانت آفتاب است.

چاپ اول

۱۳۹-لحظه تنهایی.

شاعر: فروغ سوسنی - تهران: سیمرو - ۶۳ ص. - رقی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۸۵-۱۴-۱



سی و یک قطعه شعر تو در مجموعه حاضر به طبع رسیده که عناوین

برخی از آنها بدین قرار است: خیال، لحظه تنهایی، دریای عشق، باطل، تردید، تقدیر، بی‌همراه، سفر، هوس، سایه‌های خیال، نمی‌داند، و خدا: «دل من تنهایی را میل به ماندن دارد / زیرا که تنهایی من نیز صد عالم حرف دارد / دل من میل به ترک جهان دارد ای یار / پس یار بند و به مکانی دیگر برو ای یار...».

۱۴۰-مجموعه اشعار در رثای استاد: با پیامی از: حجه‌الاسلام هاشمی رفسنجانی.

تهران: صدرا - ۲۷۲ ص. - رقی (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۰۰۰۳-۰۰

چاپ اول

۱۴۱-مرگ برگ.

شاعر: حمیده افشار - تهران: سرواد - ۴۸ ص. - رقی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۹۰۴-۴-۹



در این دفتر، مجموعه‌ای از اشعار نو به طبع رسیده است. «و چند ثانیه بعد» اولین قطعه از این مجموعه است: ثانیه‌ها به کجا می‌روند / کاش می‌شد وقتی عقربه‌ها خوابیدند / زمان هم می‌خوابید / زمان هم می‌خوابید / ولی افسوس! هیچگاه خواب عقربه‌ها تولدم را به تاخیر نینداخت / و جوانی‌ام را پایدار نساخت...

چاپ اول

۱۴۲-مژده رحمت.

تجفی سوماستخور اسکندر - اردبیل: آذر سیلان - ۲۹۴ ص. - رقی (شمیز) - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۸۵۹-۴-۱

شاعر جملگی این اشعار را در قالب‌های سنتی به نظم کشیده است. برای نمونه: پسته میثاق وفا با ساقی بزم الست / اندر اقلیم بلا تسلیم یارانیما / در لای عشق گر جانان نماید جان طلب / بی‌درنگ و بی‌تامل جان نثارانیما / مدعی خار عداوت بی‌سبب می‌افکتی / زانکه در باغ



ولایت گل عذارانیما...

چاپ اول

۱۴۳-منظومه در یتیم:

نمایشنامه‌ای منظوم از زمان هارون الرشید...

شاعر: سیاوش دانش - تهران: پیام علم و هنر - ۶۴ ص. - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۰۳۶-۰۰-۰۰



«در یتیم» نمایش‌نامه‌ای است منظوم با مضمونی از وقایع روزگار هارون الرشید. سرفصل‌های اصلی این منظومه عبارتند از: در ستایش خداوند بهاران، در یتیم، هارون در تظاهر از دست دادن خدمات آل برمک، مجلس بزم هارون، اندر حالات دجله و افکار وطن، نبرد اهورا با اهریمن، و نجات همدان.

چاپ اول

۱۴۴-میلاد پرواز.

شاعر: داریوش پوررضا - تهران: رود - ۱۴۴ ص. - رقی (شمیز) - ۵۸۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Bitte of flight - شابک: ۹۶۴-۶۸۶۹-۰۶-۸

«میلاد پرواز» مجموعه اشعاری است «نو» که با این عناوین به نظم درآمده است: جدایی، کنایه، نیایش، لحظه، کپه آتش، یاد، فسیل، پر، مرگ، و عناوین دیگر. «باور» نمونه‌ای از این اشعار است: «اولین نگاه /



صادقانه / محض در آینه هستی / به تماشا بنشینم / ترا / از گذشته ها ... / عروسی در حجله / در طنین امواج عاشقانه اش / به اسارت عشق می رود / تا آزادی معنای دیگر یابد.

چاپ اول

۱۴۵- هفت بیانیه در قلمرو عشق. - محمدرضا آریسان فر. - تهران: پاسارگاد. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول. شابک: ۹۶۴-۶۹۳۳-۰۲-۵

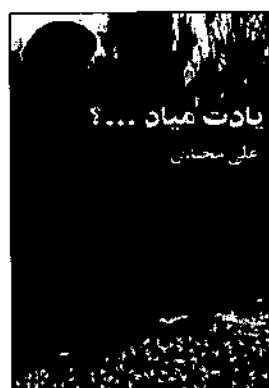


اشعار این دفتر در قالب نو سروده شده که قطعه «جهان پلک تو» از آن جمله است: شروع جهان / همیشه از پلک توست / هفت دریای گریه به سینه و / نامی از تو - در گوشه شب / آغوش / به تاریکی چشم / که می ریزی / کنار خواب های می نشینم / کشیده می شوم / از مرگ / تا ... / تو ...

چاپ اول

۱۴۶- یادت میاد ...؟ علی مجیدی. - تهران: آویژه. - ۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Do you remember? شابک: ۹۶۴-۶۶۵۲-۰۹-۳
اشعار این مجموعه اغلب به زبان محاوره سروده شده است. این اشعار دارای فضایی عاطفی و عاشقانه است، از جمله: یادت میاد به شب با هم / رفتیم کنار پنجره / قول دادی تا



ستاره هست / عشقمون از یادت نره / یادت میاد تو رویامون / مسافر قایق شدیم / تا چشم به هم زدیم دیدیم / هر دو تمون عاشق شدیم ...

نمایشنامه فارسی (از سال ۱۳۲۰)

چاپ اول

۱۴۷- آژانس ونوس. جمشید جهانزاده: ویراستار: پرزو امیرحسینی. - تهران: کاکتوس. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۷۸۶-۹-۴



نگارنده در این نمایش، بخشی از خاطرات خود را براساس چندین ماه کار در یک آژانس مسکن، تدوین نموده و طی آن قرهنگ دلای را در جامعه ما به تصویر کشیده است.

چاپ اول

۱۴۸- بازی سلطان و سیاه. علی نصیریان: ویراستار: پویک اختیاری. - تهران: امیرخانی. - ۹۶ ص. - رقی (مقوایی). - ۹۹۹۰ ریال. - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۱۳۹-۲-۹

در بخش نخست این نمایش نامه تصویری از یک قهوه خانه سنتی به دست داده شده است: سکوی نمایش و دورنما، حوض آب و فواره وسط صحنه، گلدان های شمعدانی دور



حوض، نقاشی های خیالی، و چهارپایه های خالی. بازیگران نمایش با ورود تماشاگران - همراه ساز و ضرب - آواز «یار مبارکباد» می خوانند: امشب چه شبی ست شب مرادست امشب / این خانه پر از شمع و چراغست امشب / بادبادا مبارک بادا / ایشالا مبارک بادا ... این نمایش از زبان «مرشد حمزه» بازگو می شود، سپس «سیاه» - شخصیت دیگر نمایش - با گفتار و ادای طنزآمیز، در کنار روایت «مرشد حمزه» ماجرا را پی می گیرد.

چاپ اول

۱۴۹- خانه های کنار ساحل. فریدون قدیمی. - یزد: انتشارات یزد. - ۸۴ ص. - یالتویی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۵۴۱-۴۰-۲



نمایش نامه حاضر تصویری است از زندگی مردمانی که در کنار ساحل روزگار می گذرانده اما اینک گذشته پر رونق خود را از دست داده اند. شخصیت های این نمایش به نوعی در انتظار طوفان واقعی زندگی به سر می برند.

چاپ اول

۱۵۰- سه نمایشنامه نه چندان جدی. اسماعیل همتی. - تهران: سبز آرتک. - ۹۰ ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

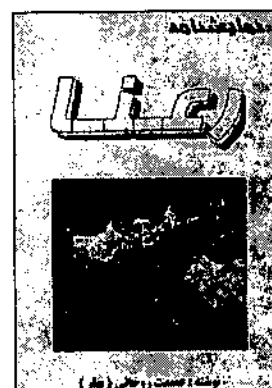
شابک: ۹۶۴-۵۶۸۳-۱۷-۳



نمایش نامه های این مجموعه «بحران» در پیاده روها، «وقوع عشقی بزرگ در کوچه های کوچک»، «واهی محترم» با مضامین اجتماعی - انتقادی، و به زبان طنز نوشته شده است. «بحران» در پیاده روها» روایتی است از زندگی گدایان و ترفندهای گوناگونی که برای تکدی به کار می بندند. آنان جلسات هفتگی برگزار می کنند تا شیوه های موثرتری برای گدایی برگزینند ...

چاپ اول

۱۵۱- نمایشنامه: رعنا. عصمت تنکابن (بهار) روحانی. - تنکابن: انتشارات تنکابن. - ۲۶ ص. - رقی (شمیز). - ۲۸۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۷۶۷-۱-۳



این نمایش نامه که در شش صحنه تدوین شده تصویری است از زندگی سنتی مردمان شمالی کشور (حوزه دریای خزر). در هر یک از این صحنه ها فرهنگ بومی آن سرزمین نشان داده شده است. توضیحات انتهای کتاب مربوط به معانی واژه ها و ترانه های محلی است.

داستان فارسی مجموعه ها

چاپ اول

۱۵۲- داستان نامه ی فارسی (برگزیده های موضوعی از

داستان های کهن ایرانی).

گردآورنده: شهاب الدین عباسی. - تهران: فکر روز. - ۶۲۴ ص. - رقی (کالینگور). - ۳۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۴-۰۳۴-۰

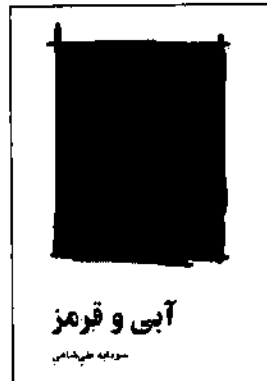


«داستان نامه فارسی» مجموعه ای است از حکایات، روایات، و داستان های برگرفته از متون فارسی که ذیل ده بخش به چاپ رسیده است. بخش نخست کتاب شامل داستان ها و حکایاتی است که به موضوع علم و دانش و درایت، و اهمیت تعلیم و تربیت اختصاص یافته است. بخش دوم درباره بیماری های اخلاقی و فقر معنوی است. سومین بخش کتاب مستضمن حکایاتی در باب «توبه» است. «نیکوکاری» عنوان بخش چهارم داستان های این مجموعه است. بخش پنجم ویژه داستان های مربوط به زبان و گفتار است. عناوین بخش های دیگر عبارت اند از: حکمت و معیشت، حالات والا، حکایات مسطایبه آمیز و لطایف دلگشا؛ انسان شناسی: عشق و عنایت الهی؛ مرگ و ارزش عمر و جاودانگی.

داستان فارسی (از سال ۱۳۲۰)

چاپ اول

۱۵۳- آبی و قرمز: مجموعه داستان.



سودابه علی شاهی. - تهران: راهیان اندیشه. - ۱۰۳ ص. - رقی (شمیز). -

۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰
نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۹۵-۱۱-۰
«آبی و قرمز» مجموعه‌ای است متشکل از ۹ داستان کوتاه که در نخستین آن (آبی و قرمز) تاثیر طوفانی از دو تیم پرسپولیس و استقلال در فضای مدرسه و بیرون از آن، بازگو شده است.

۱۵۴- آخرین دیدار.
نسرین ثامن - تهران: پریا - ۱۴۴
ص - رقی (سلفون) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۹۱-۰۳-۳

چاپ اول

۱۵۵- اشاره‌ها: مجموعه داستان کوتاه.
مرجان ریاحی - تهران: مشیانه - ۸۴ ص - رقی (شمیز) - ۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۲۷۳-۲-۱



در مجموعه حاضر یازده داستان کوتاه گردآمده که «کاغذ، روی آب» یکی از این داستان‌هاست. در این داستان، آنچه به تصویر درآمده زندگی دختری است که همواره منتظر عشق بوده است. او رویایی دل‌انگیز از عشق دارد. به او گفته‌اند که با ازدواج عشق هم می‌آید... اما این نیز توهمی بیش نبود...

چاپ اول

۱۵۶- پرنسس قاجار نجات یافته کشتی تایتانیک.
امیرشمس‌الدین حشمت‌زاد - تهران: مجمع قرآنی شیعه علی (ع) (مقشع) - ۱۴۴ ص - رقی (شمیز) - ۷۲۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۲۱۱-۳-۱
این داستان براساس تحقیقی از زندگی «پرنسس شیرین» - نوه ناصرالدین شاه قاجار - به تصویر درآمده است. این شاهزاده از مخالفان سرسخت شاه بود و مدتی از زندگی خود را در فرنگ سپری کرد. او به دو زبان انگلیسی و فرانسه تسلط داشت.



به‌زعم نگارنده وی همواره تلاش می‌کرد تا شاید یوغ بندگی را از گردن زنان کشور بیرون آورد. در این داستان، ماجرای سفر پرنسس شیرین و چگونگی نجات او در کشتی تایتانیک، توصیف شده است.

۱۵۷- پنج داستان.
جلال آل‌احمد: ویراستار: متوجه علی پور - تهران: فردوس - ۱۰۴ ص - رقی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۰۹-۰۶-۸

چاپ اول

۱۵۸- پونه.
زهر تابشیان: ویراستار: شهلا ارزنگ - تهران: البرز - ۲۴۶ ص - رقی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۲۴۲۲-۲۰۵-۸



«پونه» ماجرای دختری است که در زلزله هولناک طیس پدر و مادرش را از دست می‌دهد. از طرفی زندگی این دختر با حوادث بسیاری گره می‌خورد، از جمله ارتباط با زندگی «لادن» زن جوانی که شوهرش نیز در همان فاجعه جان باخته است و...

چاپ اول

۱۵۹- تا فردا دیر نیست.
ناصر وحدتی - تهران: رود - ۱۹۲ ص - رقی (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۸۶۹-۰۳-۳



داستان شرحی است از زندگی یک نظامی که در عهد پیشین اقتداری خاص داشته اما بعد از انقلاب در ورطه سراسیمگی می‌افتد و زندگی و هیمنه‌ای هر روز دچار کاستی می‌شود.

چاپ اول

۱۶۰- تکیه بر باد و هفت داستان دیگر.
ابوالقاسم مبرهن غمگین - تهران: آبرنگ - ۹۶ ص - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۴۰-۵



در این مجموعه هشت داستان کوتاه به چاپ رسیده که «سه تار» یکی از آنهاست. در این داستان، تقابل دو نسل با همه عقاید و رفتارهایشان به وضوح آشکار شده است. «آذر» دختری است دانشگاه رفته که سه تار می‌نوازد، اما مادر بزرگ در منزل کلاس قرآن بر پا کرده آذر را از کار مطربی منع می‌کند و...

۱۶۱- تلفن بی‌آبرو: مجموعه داستان.
کاظم جیروی - تهران: فردید - ۱۲۶ ص - جیبی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۶۴۲-۰۰۰

چاپ اول

۱۶۲- جذابیت عشق.

تورج زاهدی - تهران: فردوس - ۷۰۴ ص - رقی (گالینگور) - ۳۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۲۰۰۰۱-۹



«جذابیت عشق» روایتی است از جزئیات زندگی و عادات و رفتار روشنفکران ایرانی بعد از انقلاب که در قالب داستان و با اناسمی بر ساخته، به رشته تحریر درآمده است. نویسنده کتاب بر آن است، ورای قیل و قال‌های مرسوم ژورنالیستی، تصویری مناسبی از روشنفکران ایرانی بازتاب دهد.

۱۶۳- جزیره سرگردانی.
سیمین دانشور - تهران: خوارزمی - ۳۳۰ ص - رقی (شمیز) - چاپ دوم / ۱۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۸۷-۰۱۷-۴

چاپ اول

۱۶۴- چشمانش سبز، گیسوانش قشنگ (مجموعه داستان).
به اهتمام: محمود مهدوی - اردبیل: آذر سیلان - ۹۸ ص - رقی (شمیز) - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۳۸-۰۷-۹



کتاب، مجموعه‌ای است از داستان‌های کوتاه که نویسندگان آن عبارت‌اند از: «فهمیه شعبانی»، «محمود مهدوی»، «الناز سرخاندلو» و «ساسان ناطق». «کلیل نوشته فهمیه شعبانی، خاطره‌ای است از روزهای تحصیل، و این که چگونه راوی در برابر هیبت و ترس از بازرس مدرسه، نام خود را به او اشتباهی گفته است.

۱۶۵- حاکم کیست؟ حاکم کیست؟
نسرین (کافی) قدیری - تهران: علمی - ۲۴۶ ص - رقی (شمیز) - ۱۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۰۴-۰۳۵-۳

چاپ اول



داستان ماجرای دختری است به نام «ایراندخت» که در خانواده‌ای متعول در کرمان بزرگ شده بود. پدر از زمینداران بزرگی بود که هر گونه رفاه و آسایش را برای ایراندخت فراهم کرده بود. جمشید پیرنیا - پدر ایراندخت - صاحب پسری نبود. به همین دلیل سومی می‌کرد این خلاء را پر کند و نقش پدر را برای پدر ایفا نماید. ایراندخت بعدها به دانشگاه راه یافت و دوره‌ای از زندگی او در میان تحصیل و عشق سپری شد. از طرفی او مواظب املاک پدر بود تا نزدیکان او دست تعدی به اموالش دراز نکنند، با این همه...

۱۶۶- حوریم عشق.
رویا خسرونجدی - تهران: یسنا - ۴۶۴ ص - جیبی (سلفون) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۲۴۶-۰۰۳

چاپ اول

۱۶۷- حوالی کافه شوکا.
یارعلی پورمقدم - تهران: آرویج - ۶۴ ص - رقی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۳۶-۵-۲



«جوانی کافه شوکا» مجموعه‌ای است از شش داستان کوتاه که در نخستین آن (یادداشت‌های یک قهوه‌چی) تصویری از پیشه قهوه‌چی با همه مرارت‌های آن - چه گونه نمادین - به دست داده شده است.

چاپ اول

۱۶۸- خریدار عشق، یاء نان سوخته.
محمدعلی بهزادارد - تهران: پروان - ۳۲۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۹۴-۱-۳



داستان، ماجرای پرفراز و نشیب دختری است به نام «طاووس» که پدر او در شیراز، او را در برابر چند سکه طلا به ازدواج مردی مسن در می‌آورد. دختر نگویند بخت ۱۵ سال از زندگی خود را با این مرد سپری می‌کند، و در نتیجه به سرعت و نارسا حتی اعصاب دچار می‌گردد، از طرفی پدرش که مردی نانوا بوده طعمه گرگ می‌شود و پسر عمه‌اش که دلار واقعی طاووس است از کوه به پایین سقوط می‌کند و جان می‌سپارد. خوششان و نزدیکیان طاووس معتقدند که جن در وجود او رخنه کرده از این رو پیشنهاد می‌کنند...

چاپ اول

۱۶۹- داستان دوستان.
عبدالرحمن فرامرزی - تهران: عطایی - ۳۶۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۱۳-۵۵۵-۱
کتاب شرح حائلی است از عشاق معروف ایران و جهان که در مقدمه آن، زندگی‌نامه نگارنده نیز به طبع رسیده است. نگارنده در ابتدای کتاب، تعریفی از «عشق» به دست می‌دهد: سپس خلاصه‌ای از زندگی و ماجراهای عاشقانه عشاق را پی می‌گیرد که از آن جمله است: «دوستان و رامین»، «اردشیر بابکان و گلنار»، «هوس‌رانی‌های بهرام گور»، «خسرو و شیرین»، «رابعه قزاقی و بکتاش».



«نظامی و آفاق»، «جهانگیر و نورجهان»، «قیس و لبنی»، «یزید بن معاویه و اریست»، «کلنوپاترا و آنتوان»، «لئونارد داوینچی و مونا لیزا»، و «لامارتین و ژولی شارل».

۱۷۰- داستان یک شهر.
احمد محمود - تهران: معین - ۶۱۲ ص. - رقمی (گالینگور) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۴۳-۳۷-۳

چاپ اول

۱۷۱- دختران بیدار.
طیبه غزلی - شیراز: راهگشا - ۱۶۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۴۴۳-۲۸-۸



کتاب، شرحی است از زندگی دخترانی که رنج‌ها و مشکلات عدیده‌ای را پشت سر گذاشته با مصائب گوناگون روبرو می‌گردند و سرانجام...

چاپ اول

۱۷۲- «دخیل بر پنجره فولاد».
داود علی‌بابائی - تهران: امید فردا - ۶۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۳۱-۱۰۴-۶
کتاب شامل سه داستان کوتاه است که در یکی از داستان‌ها تحت عنوان «دخیل بر پنجره فولاد» پدر خانواده، به سبب بدهکاری، راهی زندان شده تاگزیر مادر نیز به بازگاہ



امام هشتم متوسل می‌شود...

چاپ اول

۱۷۳- در دایره قسمت...
گلایل همایی‌راد - تهران: ستایش - ۱۰۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۱۳-۰۱-۶



ماجرای زندگی زوجی جوان که در دانشگاه در رشته هنر مشغول تدریس هستند، در این کتاب به تصویر کشیده شده است. «ساسان» و «هویار» خود را خوشبخت‌ترین افراد به شمار می‌آورند. آنان که هیچ درد و غمی در زندگی حس نمی‌کنند برای نخستین بار از استادشان می‌شنوند که: «او که نداند غم چیست نخواهد توانست از هنر لذت ببرد». زندگی ساسان و هویار بدون دغدغه ادامه می‌یابد تا این که...

چاپ اول

۱۷۴- دو شنبه‌های سبز... (مجموعه داستان از حوادث انقلاب اسلامی).
جمشید اثنی‌عشری - تهران: جهان کتاب - ۷۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۳۱۱-۹-۷
در این مجموعه یازده داستان کوتاه با مضمون حوادث انقلاب اسلامی به نگارش درآمده است. در داستان نخست (رفت) راوی خاطره‌ای از کلاس درس دستور زبان - مبنی بر



صرف مصدر «رفتن» - و سرانجام رفتن شاه بازگو می‌کند.

۱۷۵- دید و بازدید.
جلال آل‌احمد: ویراستار: منوچهر علیپور - تهران: فردوس - ۱۷۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۰۹-۵۵-۶

۱۷۶- رهایم کن.
نسرین (کافی) قدیری - تهران: پیکان - ۳۵۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۴۳-۷۲-۲

چاپ اول

۱۷۷- «سارا دختر فقر».
داود علی‌بابائی - تهران: امید فردا - ۵۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۳۴۶-۳-۲



«سارا دختر فقر» مجموعه‌ای است متشکل از چهار داستان کوتاه که نویسنده در هر یک از آنها ناهنجاری‌های اجتماعی و فقر را آشکار می‌سازد.

چاپ اول

۱۷۸- سایه روشن عشق.
صدیقه احمدی: ویراستار: راند آموزگار - تهران: فرهنگ و هنر - ۳۵۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۵۰۰۰

ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۵۹-۰۴-۷



داستان «سایه روشن عشق» زندگی چهار نسل بیوه‌ای است که هر یک در اوان جوانی بیوه شده‌اند. آنها براساس اعتقاد خانوادگی و باورهای دیرین، ازدواج دوم را بدشگون می‌دانستند؛ اما از بین این زنان شوی از دست داده، «غزل» جوان و زیبا، گرفتار عشق پرشوری می‌گردد و برای زندگی پوچ و بیهوده‌اش در جست و جوی مطلوب و دلخواه خویش است. وی در این داستان بر آن است برای رسیدن به آرزوی قلبی‌اش رسوم دست و پاگیر خانوادگی را کنار بگذارد و...

چاپ اول

۱۷۹- شب گل سرخ.
نسرین نورمحمدان: ویراستار: محمودرضا رحیمی - تهران: آفتاب نقش - ۲۵۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۱۶۸-۵-۵

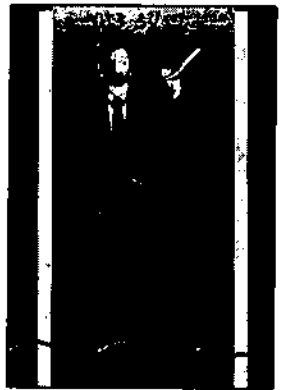


داستان با مضمون عشقی، فراز و نشیب‌ها و اختلاف خانوادگی نوشته شده است. در بخشی از این داستان آمده است: به یکباره آن خانه آرام و دنج پر از جمعیت عزاداران شد. صدای قرآن به آرامی از ضبط صوت پخش می‌شد. شمع‌های سیاه و بلند در تمام شمعدان‌ها روشن شد. دیس‌های نقره پر از خرما شد. گل‌دان‌ها پر از گل. چندین خدمتکار آماده پذیرایی از میهمان‌ها بودند. دیری نباید که عکس پدر مزین به

گل، روی کنسول خانه قرار گرفت. با دیدن عکس پدر، فریاد شهره به هوا برخاست. مادر یکسره پدر را صدا می‌زد...

چاپ اول

۱۸۰- شمی که آخر نداشت.
فریبا صدیق - تهران: نگاه سبز - ۱۳۸۸ ص. - رقی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه.
۹۶۴-۵۶۳۹-۱۸-۲ شابک:



در این مجموعه، هشت داستان کوتاه گردآمده است. داستان «من و همیشه» واگویی‌های زنی است که تصویری از زندگی زناشویی خود را در عالم ذهن مرور می‌کند. همسرش رابطه عاطفی خاصی با مادر خود دارد و همین امر، بخشی از حساسیت‌های او را برمی‌انگیزد.

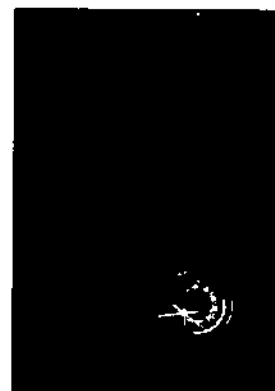
۱۸۱- شیفتگان محبت.
نسرین ثانی - تهران: پریا - ۲۲۴ ص. - رقی (سلفون) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ دوم.
۹۶۴-۶۶۹۱-۰۴-۸ شابک:

۱۸۲- عروس عروشه.
حمیرا حیدری - تهران: گل بخ، زرین قلم - ۹۲ ص. - رقی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
۹۶۴-۹۱۸۶۶-۴-۶ شابک:

۱۸۳- عشق و مسایه‌های خاکستری.
فریبا فاتحی‌نیکو؛ ویراستار: ارمغان جزایری - تهران: البرز - ۸۴۸ ص. - رقی (شمیز) - ۲۹۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
۹۶۴-۴۴۲-۱۷۷-۹ شابک:

چاپ اول

۱۸۴- عکاسی ممنوع: مجموعه داستان.
عباس شادروان - تهران: همراه - ۷۲ ص. - رقی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
۹۶۴-۶۳۱۹-۱۹-X شابک:



کتاب مجموعه دارای هفت داستان کوتاه است. نخستین داستان «تصویری» است از انسانی که از کار و همکاران خود دلگیر بوده، از دوستانش فاصله می‌گیرد و در خلوت انزوا، حسرت دوستی‌های دوران مدرسه را در دل دارد.

۱۸۵- کوجه باغ یادها.
فهیمة رحیمی - تهران: چکاوک - ۳۴۲ ص. - رقی (سلفون) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Ethnic identity crisis iran
شابک: ۹۶۴-۶۰۴۳-۱۴-۳

چاپ اول

۱۸۶- کیمیای فراق.
علیرضا لطفی - تهران: فن آوران - ۱۴۶ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۹۲-۰۲-۲



داستان، سرگذشت نویسنده‌ای است به نام «کیوان» که در فراق عزیزان خود روزگار می‌گذراند. او زن و فرزندش را از دست داده و به نوعی در آدم‌های داستان‌هایش غرق شده است. او همچنین دوستی دارد به نام «احسان» که سال‌هاست از او خبری ندارد. اینک کیوان سعی دارد احسان را بیابد و اندکی از آندوه خود را در وجودش سایه افکنده فرو نشاند...

۱۸۷- گزیده ادبیات معاصر: مجموعه داستان.
امید مسعودی - تهران: نیستان -

۱۰۴ ص. - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۸۸۲-۸۶-۲

چاپ اول

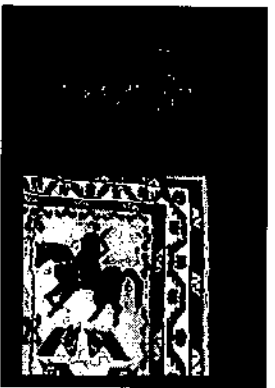


مجموعه داستان شماره ۲۰ از «گزیده ادبیات معاصر» مشتمل بر چهارده داستان کوتاه از «امید مسعودی» است. داستان نخست این مجموعه - مرگ پروانه‌ها - گزارشی است از بخش ویژه بیمارستان سوانج، که در آن ۴۵۲ نفر در اثر آلودگی هوا جان سپرده‌اند.

۱۸۸- گلی در شوره‌زار.
نسرین ثانی - تهران: پریا - ۲۲۴ ص. - رقی (سلفون) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۹۱-۰۹-۹

چاپ اول

۱۸۹- مرگ پلنگ.
علی صالحی - تهران: علم - ۲۸۴ ص. - رقی (شمیز) - ۱۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۴۴۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۰۵۰۷۹-۷



«مرگ پلنگ» بازآفرینی یکی از دیرینه‌ترین شیوه‌های ایل بختیاری است که تا اوایل حکومت پهلوی دوم نیز ادامه داشته است. ایل بختیاری به هنگام سفر از قشلاق به بیلاق، پیران خود را که ناتوان می‌شدند در غاری جای می‌گذاشتند که اغلب آنان بعد از بازگشت ایل جان می‌سپردند. در این رمان، «کل زال» نمادی از شخصیت انسان بختیاری است که به تنهایی علیه این سنت قیام می‌کند. او با حفر تونل عظیم، سرانجام به سرچشمه

رودخانه‌ای عظیم می‌رسد و...

چاپ اول

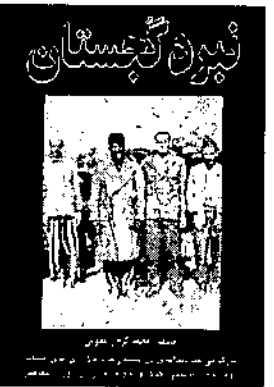
۱۹۰- مرورید در خونگاه.
هایده حسین‌زاده - تهران: سیمین قلم، قلم‌زن - ۶۰۴ ص. - وزیر (شمیز) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۴۴۳-۰۱-۱



کتاب شرح پر ماجرای دختری تنهاست که در زندگی با مصائب و مشکلات بی‌شماری مواجه می‌شود. در قسمتی از کتاب، از زبان شخصیت اصلی داستان می‌خوانیم: «نمی‌دانستم چرا به هر که دل می‌بندم، و درست زمانی که آماده‌ام در را به روی هر غصه‌ای ببندم، بار سفر می‌بندد و سرود جدایی در جانم می‌ریزد... همچون مسافری خسته، به همراه عزیزانم سوار قطاری شده بودم به نام سرنوشت، که در هر ایستگاهی مجبور بودم چمدان عزیزی را پایین گذاشته و برایش با غصه دست تکان بدهم...»

چاپ اول

۱۹۱- نبرد گجستان (بازگویی هنرمندانه‌ی دل‌بستگی‌ها و دلاوری‌های عشایر بویراحمند، ممسنی، کهگیلویه و قشقای...).
محمدکرم رزمجویی - تهران: کارنگ - ۲۳۶ ص. - وزیر (شمیز) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۳۰-۰۵-۱



کتاب «نبرد گجستان» بازگویی هنرمندانه‌ی دل‌بستگی‌ها و دلاوری‌های عشایر بویراحمند، ممسنی، کهگیلویه و قشقای... است. در این کتاب، محمدکرم رزمجویی به زندگی و نبردهای عشایر در منطقه گجستان می‌پردازد.

کتاب، شرحی است از زندگی و مبارزات مردم کهگیلویه و ممسنی. نگارنده پس از معرفی کوتاه مردم منطقه، روند شکل‌گیری طایفه قدرتمند «جلیل» را بازگو کرده جنگ‌های پیاپی این طایفه را با قدرتمندان، به تصویر کشیده است. برخی وقایع کتاب عبارت‌اند از: جنگ رستم و بابویی؛ پاییز ۱۳۲۰؛ جنگ گردنه پیر گل‌سرخ؛ تابستان ۱۳۲۲؛ جنگ سمیرم؛ بهار سال ۱۳۲۴؛ جنگ سر پاراپ؛ سال ۱۳۲۵؛ نهضت جنوب؛ سال ۱۳۲۶؛ جنگ نیمدور؛ سال ۱۳۳۲؛ جنگ مادون؛ اسفند سال ۱۳۴۱؛ تلاش خوانین برای شورش؛ فروردین ۱۳۴۳؛ جلیل در اسارت؛ سال ۱۳۴۳؛ پایان کار سیاه‌بور.

چاپ اول

۱۹۲- نقد آثار احمد محمود.
عبدالمعلی دستغیب - تهران: معین - ۲۸۸ ص. - رقی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۴۳-۵۶-۲



«عبدالمعلی دستغیب» در پیش‌گفتار کتاب خلاصه‌ای از زندگی «احمد محمود» را در قالب فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، همچنین کار نویسندگی او، به دست می‌دهد؛ سپس در بحث آغازین کتاب، داستان‌های نخستین احمد محمود را نقد و بررسی می‌کند. «زاتری زیر باران»، «غریبه‌ها» و «پسرک بومی»، «همسایه‌ها»، «داستان یک شهر»، «قصه‌های آشنا»، «مدار صفر درجه»، «آدم زنده» و فیلم‌نامه‌های «میدان خاکی» و «پسران والا» از دیگر آثار است که نگارنده به نقد و ارزیابی آن اهتمام می‌ورزد. در پیوست کتاب به برخی نکته‌های فنی در آثار احمد محمود - همراه با ذکر نمونه‌ای از آنها - اشاره شده است.

چاپ اول

۱۹۳- نگاه آفتاب (مجموعه داستان).
پیمان‌روشن‌زاده - تهران: آشنایی -

۶۸ ص. - رقصی (شمیز). - ۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۲۶۵-۳-۲



کتاب مشکل از شش داستان کوتاه است. در داستان «سکوت» نویسنده تصویری از یک بیمارستان کودکان و پرستاری رنج کشیده به دست می‌دهد. در این داستان، پرستار با صحنه‌ای روبرو می‌شود که حاکی از فقر و ناداری مادری است که کودکش در بیمارستان بستری شده است.

چاپ اول

۱۹۴۶ نیلا. بهاره جلالی‌فراهانی. - تهران: آفاق. - ۱۲۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۳۱۱-۴-۹



«نیلا» ماجرای دختری است که عشق او به سرانجامی نمی‌رسد و او ناگزیر با مردی ۴۰ ساله پیوند زناشویی برقرار می‌سازد. او صاحب پیری به نام «عرشیا» می‌شود و زندگی خانوادگی‌اش روز به روز سامان بیشتری می‌گیرد، اما این زندگی با مرگ همسرش دوام نمی‌یابد. از طرفی رامین نیز که از همسرش جدا شده به «نیلا» پیشنهاد می‌کند تا با او ازدواج کند، در حالی که...

چاپ اول

۱۹۵۵ نیلوفر مرداب. نسرین ثانی. - تهران: چکاوک. - ۳۰۶ ص. - رقصی (سلفون). - ۱۲۰۰۰

ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۴۳-۶۲-۳



در این داستان، مهشید دختری است که به سبب مشکلات خانوادگی قادر به ادامه تحصیل نیست. پدری معتاد و نامادری، زندگی او را مختل کرده افرون بر آن، او را وادار کرده‌اند تا با «قدرت» - پسر عموی نامادری او - ازدواج کند. او هیچ علاقه‌ای به قدرت ندارد. از طرفی قدرت شخصی فاسد و قاچاقچی مواد مخدر است؛ از این رو مهشید تصمیم می‌گیرد...

چاپ اول

۱۹۶۶ - من مردم ... (رمان): بر اساس کتاب «سیاحت غرب» اثر آقانجفی قوچانی. جمال حیدری. - تهران: جهان کتاب. - ۱۰۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۳۱۱-۸-۹



این رمان براساس «سیاحت غرب» اثر آقانجفی قوچانی (وفات ۱۳۶۳ ه‍.ق) نوشته شده است. بخش نخست کتاب تصویری است از مرگ راوی و سفر به جهان دیگر که این همه در عالم خواب و رویا صورت می‌گیرد. ادامه داستان، آشنایی راوی با شخصی به نام «هادی» است که او را از وحشت خواب و رویا نجات داده است. هادی خود را مرد خدا معرفی می‌کند. او همواره هدایتگر روای است در فراز و نشیب زندگی. در انتهای کتاب «آقانجفی قوچانی» و آثار او به اختصار معرفی شده است.

۱۹۷۷ «ورق پاره‌های تهران». حسن ملک‌زاده. - تهران: گل یخ. - ۶۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۱۵۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۸۶۶-۲-X

چاپ اول

۱۹۸۸ - هیمة تلخسوز. فروغ رضائی. - خرم‌آباد: افلاک. - ۶۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۴۳۱-۲۵-۹



«هیمة تلخسوز» مجموعه‌ای است متشکل از ده داستان کوتاه که در نخستین داستان «عروس غربت» دختری به نام فرشته تصویری از زندگی گذشته خود را همراه با سنت‌های خانوادگی به تصویر کشیده، تعارض آن را با زندگی مدرن در دیار غربت بازگو می‌کند.

۸۱۲/۶۲ مقاله‌های فارسی (از سال ۱۳۲۰-)

چاپ اول

۱۹۹۹ - باغ در باغ (مجموعه مقالات). هوشنگ گلشیری. - تهران: نیلوفر. - ۵۲۸ ص. - جلد اول. - رقصی (شمیز). - (دوره) ۳۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۴۸۰-۰۹۷-X



کتاب مجموعه‌ای است از مقالات «هوشنگ گلشیری» که در دو جلد به

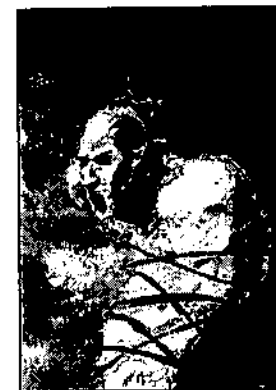
طبع رسیده است. جلد نخست به «نقد شعر»، «نقد داستان» و «چند یادداشت» اختصاص یافته و در جلد دوم علاوه بر ادامه «یادداشت» این مطالب به چشم می‌خورد: یاد یاران (یادی از بهرام صادقی، نقل نقال: در باب اخوان ثالث و شعر او، دو راهه من و من دیگر: در احوال و آثار زنده‌یاد احمد میرعلایی)؛ در باب ادب کهن: سینمای معاصر: گفتگوها.

چاپ اول

۲۰۰۰ - باغ در باغ (مجموعه مقالات). هوشنگ گلشیری. - تهران: نیلوفر. - ۳۴۴ ص. - جلد دوم. - رقصی (شمیز). - (دوره) ۳۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۴۸۰-۰۹۸-X

چاپ اول

۲۰۰۱ - گلوله بد است: مقالات جامعه، توس، نشاط و آدینه (فروردین ۷۷ - شهریور ۷۸). مسعود بهنود: گردآورنده: فریبرز اعتمادی. - تهران: علم. - ۵۱۶ ص. - رقصی (گالینگور). - ۲۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Bullets are evil



«گلوله بد است» مجموعه‌ای است از ۸۱ مقاله مسعود بهنود درباره مسائل روز که اغلب آنها از فروردین ۷۷ تا شهریور ۷۸ در جراید مختلف - جامعه، توس، نشاط و آدینه - به طبع رسیده‌اند. برخی از این مقالات عبارت‌اند از: «مرد سال ۷۶»، «۵ خرداد، روز عزای ما»، «مصالح ملی هم؟»، «۲۸ مرداد، وضعیت انتخابی مصدق»، «کریاسچی، کار موثر و مردم»، «چشم‌ها را باید شست»، «شعبده اهل خشونت» و «عباس آژانس شیشه‌ای».

نام‌های فارسی (از سال ۱۳۲۰-)

۲۰۲۰ - نامه‌های جلال آل احمد. علی دهباشی. - تهران: به دید. - ۳۵۲ ص. - جلد اول. - رقصی (شمیز). -

۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۹۵-۰۳-۹

طنز و هجو و هزل (از سال ۱۳۲۰-)

۸۱۲/۶۲

چاپ اول

۲۰۳ - نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران. غلامحسین مراقبی. - تهران: ملک. - ۱۰۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Negareshi bar rooznamehaye farsi iran. شابک: ۹۶۴-۶۸۵۸-۰۳-۱

۲۰۴ - تهرانجلس: مجموعه داستان کوتاه طنز. ابراهیم نبوی. - رزنه. - ۱۲۶ ص. - رقصی (شمیز). - ۳۹۵۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۶-۵۹-۳

۲۰۵ - ستون پنجم. ابراهیم نبوی. - تهران: رزنه. - ۳۲۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۸۹۵۰ ریال. - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۶-۸۶-۰

۲۰۶ - ۳۵۰ لطفیه زیبا. ماشاءالله عالی‌پام. - تهران: گلناز. - ۲۵۰ ص. - جیبی (مقوایی). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۵۹۵-۰۰-۹

۸۱۲/۸۳ نثر ادبی قرن ۷ ق

چاپ اول

۲۰۷ - گلستان سعدی. مصطفی‌بن عبدالله سعدی. - تهران: سبز آرنج. - ۲۰۳ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۷۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۸۳-۲۱-۱

۲۰۸ - گلستان: از روی نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی. مصطفی‌بن عبدالله سعدی: مصحح: محمدعلی فروغی. - تهران: امیر کبیر. - ۲۵۶ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ دهم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۰۲۷۳-۷

۸۱۲/۸۶ نثر ادبی قرن ۱۴

۲۰۹ - سیاحتنامه ابراهیم بیگ، یا،

بلائی تعصب او ادبیات مدنی در عصر قاجار
 زمین‌السادین مراغه‌ای - تهران: محجور - ۲۰۴ ص. - رقی (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
 شابک: ۹۶۴-۶۷۹۶-۰۳-۶

چاپ اول



جلد نخست «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» شرح سفر تجاری است که سال‌ها از وطن دور بوده با علاقه تمام به ایران باز می‌گردد، اما او وضعیت ایران را به کلی متفاوت با آنچه در ذهن داشته مشاهده می‌کند: کشوری ویران با مردمی درمانده، خرافاتی و ژانده‌پوش، و حکومتی مستبد و درنده‌خو. زین‌العابدین مراغه‌ای در این اثر، تجسم واقع‌گرایانه زندگی مردم ایران را با انتقادی عمیق از عقب‌ماندگی، به تصویر می‌کشد.

شعر محلی

۲۱۰- ترانه‌های روستایی.
 گردآورنده: پروین قائمی - تهران: درنا - ۱۹۶ ص. - جیبی (سلفون) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
 شابک: ۹۶۴-۶۱۰۵-۱۷-۳

شعر

چاپ اول

۲۱۱- لاوار: مجموعه شعر کردی



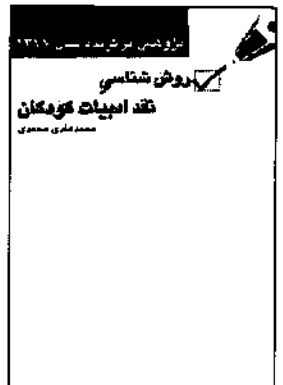
کرمانشاهی
 شاعر: ایرج قبادی - کرمانشاه: باغ ابریشم - ۹۶ ص. - رقی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
 شابک: ۹۶۴-۹۱۱۷۰-۸-۳
 کتاب، مجموعه‌ای است از اشعار کردی کلهری (کرمانشاهی). در ابتدای این مجموعه توضیحاتی درباره شعر کردی کلهری و رسم‌الخط آن ذکر گردیده است. در این اشعار به وضوح ویژگی‌های ادبیات بومی به چشم می‌خورد.

تاریخ و نقد ادبی

چاپ اول

۲۱۲- روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان.

محمدهادی محمدی - تهران: سروش - ۲۵۶ ص. - رقی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
 عنوان به لاتین: Methodology in criticism of children's literature
 شابک: ۹۶۴-۴۳۵-۳۴۲-۰

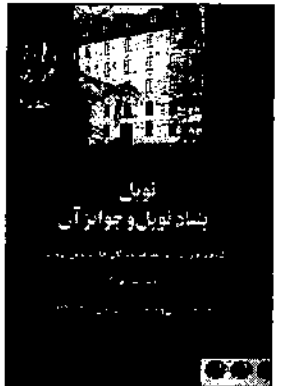


نویسنده سعی دارد براساس سه اصل، مباحث کتاب را مطرح سازد: «شیوه قانونمند روش تحلیل و ارزیابی ادبیات کودکان»، «بسیارشدی از نظریه‌های نقد ادبی و تجربه‌های فردی و جمعی»، «بررسی عناصر و روابط ساختار متن در ادبیات کودکان». مطالب اصلی کتاب که در ۲۱ فصل فراهم آمده عبارت‌اند از: «ارزش و ارزشگذاری در ادبیات کودکان»، «شیوه‌های نقد در ادبیات کودکان»، «زیبایی و مفهوم زیبایی در ادبیات کودکان»، «نگرش به ساختار»، «تعریف ساختار»، «ساختار متن»، «اصول مناسبات در ساختار متن»، «طرح‌شناسی»، «طرح‌ریزی و انواع طرح در ادبیات داستانی»، «کودکان»، «کنش‌شناسی»، «انواع کنش»، «نشانه‌شناسی»، «شخصیت‌شناسی»، «رفتارشناسی شخصیت»، «موضوع‌شناسی»، «درون‌عایه‌شناسی»، «راوی‌شناسی»، «نام

شناسی: تحلیل تاویلی - زیبا شناختی «شازده کوچولو» نقد تطبیقی مولف: تحلیل داستان‌های احمدرضا احمدی: نقد ساختاری «داستان آن خمره» (اثر مرادی کرمانی). در انتهای کتاب فهرست منابع و مراجع، فهرست مقاله‌ها، و فهرست منابع و مآخذ فنی به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۲۱۳- نوبل و بنیاد نوبل به انضمام: اسامی و تصاویر برندگان جایزه نوبل ادبیات (۱۹۰۱ - ۱۹۹۹). گروه‌دایره‌المعارف برندگان نوبل ادبیات: زیر نظر: مسعود زرگر: مترجم: غلامرضا آتش‌فراز، نوید اعطارشرفی - تهران: آتنا - ۴۳۲ ص. - جلد دوم، - وزیری (شمیز) - ۲۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
 عنوان به لاتین: Nobel, l'homme et ses prix
 شابک: ۹۶۴-۵۵۸۶-۰۱-۱



در این کتاب نخست از آلفرد نوبل و چگونگی شکل‌گیری بنیاد او سخن به میان آمده، سپس به فعالیت‌های اندیشمندانی اشاره شده که به واسطه آن موفق به دریافت جایزه نوبل در رشته‌های فیزیک، شیمی، پزشکی - فیزیولوژی، صلح و اقتصاد شده‌اند. در صفحات پایانی کتاب «توزیع جغرافیایی جایزه نوبل» و «تصویر و توضیح مدال‌های نوبل» به چاپ رسیده است.

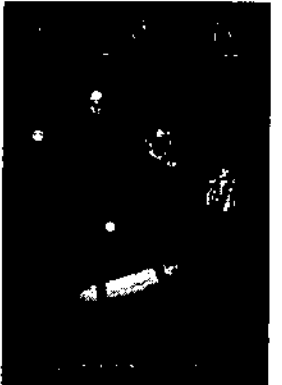
داستان

۲۱۴- بازگشت به شهر زمرد لایمن فرانک باوم: مترجم: ابوالقاسم حالت - تهران: هرمس، کتابهای کیمیا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - ۲۰۴ ص. - پالتویی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
 شابک: ۹۶۴-۶۶۴۱-۲۶-۱

چاپ اول

۲۱۵- بنیاد و امپراطوری.

آیزاک آسیمواف: مترجم: هوشنگ غیاثی‌نژاد - تهران: پاسارگاد - ۲۸۸ ص. - رقی (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
 عنوان به لاتین: Foundation and empire
 شابک: ۹۶۴-۶۰۷۸-۴۲-۷



نویسنده در این داستان تخیلی، مخاطبان را با آینده‌ای دوردست مواجه می‌سازد؛ جایی که «امپراتوری کهکشانی» به دامن هرج و مرج می‌غلطد و با بنیادی جوان و نواخته - که از میان آشوب‌های ستاره‌ای به سوی صلح و نظم گام برمی‌دارد - دست به گریبان می‌شود. کتاب تصویری است از جنگ دو حکومت کهکشانی: حکومت «بنیاد» که هر آینه قوی‌تر می‌شود و در مقابل حکومت «امپراتوری کهکشانی» که اقتدار او به سر آمده و رو به افول است.

چاپ اول

۲۱۶- خدا حافظی طولانی. ریموند چندلر: مترجم: فتح‌الله جعفری جوزانی - تهران: روزنه کار - ۴۰۸ ص. - رقی (شمیز) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
 شابک: ۹۶۴-۶۷۲۸-۰۷-۳



کتاب، روایتی است از زندگی مردی به نام «تری لنوکس» که با دختری از طبقه ثروتمند آشنا می‌شود، اما چون خود از ثروت بهره‌ای ندارد با بی‌مهتری دختر مواجه می‌گردد و ناگزیر از او فاصله می‌گیرد. سرانجام «تری» با مساعدت دوستش - کارآگاه مارلو - کاری در «لاس‌وگاس» می‌یابد و

اوضاع او به شدت رو به بهبودی می‌رود و پول فراوان دست و پا می‌کند. او با تغییر وضع مالی خود به سراغ همان دختر می‌رود و با او ازدواج می‌کند. این امر البته با نارضایتی کارآگاه مارلو صورت می‌گیرد. یکسچند سپری می‌شود تا این که «تری» با حالتی وحشت‌زده و تنگ به دست نزد کارآگاه مارلو می‌آید و...

چاپ اول

۲۱۷- شور هستی: داستان زندگی چارلز داروین. ایروینگ استون: مترجم: محمود بهزاد - تهران: مروارید - ۹۰۸ ص. - رقی (سلفون) - ۳۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.
 عنوان به لاتین: The origin: a biographical novel of charles darwin
 شابک: ۹۶۴-۶۰۳۶-۶۶-۴

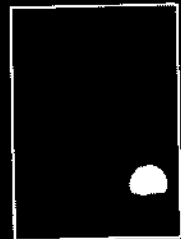


نویسنده کتاب «شور هستی» با پرداختن به مهم‌ترین رویدادهای «چارلز داروین»، چشم‌انداز جدیدی از زندگی، اندیشه‌ها و آثار داروین، فراروی خواننده می‌گشاید. چارلز داروین در بیست و دو سالگی جوانی بود سرزنده که هنوز حرفه‌ای نداشت. او که دانش آموخته رشته طب از «کمبریج» بود بر آن شد حرفه پزشکی را که پیشه سنتی خانواده‌اش بود دنبال نکند؛ از همین روی، در مقام یک طبیع‌دان با کشتی سلطنتی «بیگل» که عازم نقشه‌برداری از دور دنیا بود، سفر کرد. حاصل این سفر تغییری بود که در دید او از خود و از جهان پدید آورد و...

چاپ اول

۲۱۸- عشق تا ابد. دانیل استیل: مترجم: شاهزاد فرزاد - تهران: کوشش - ۶۴۴ ص. - رقی (شمیز) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۵۰۰ نسخه.
 شابک: ۹۶۴-۶۳۲۶-۴۱-۲
 در این داستان عشقی - جنایی «ایان» نویسنده‌ای است که از زیبایی و جذابیت بهره‌ای وافر دارد. همسر او

عشق تا ابد



ساجد فرمان

دانیل استیل

نیز که زنی زیباست به پیشه همسر علاقه چندانی ندارد. زندگی این دو یکسچند در کمال آسایش سپری می شود، اما سرانجام...

چاپ اول

۲۱۹- فصلهای دل

سینتیا فری من: مترجم: مهدی قراچه داغی - تهران: اوجدی - ۳۶۰ ص. - رقی (شمیز) - ۱۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Seasons of the heart

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۶-۵۲-۵

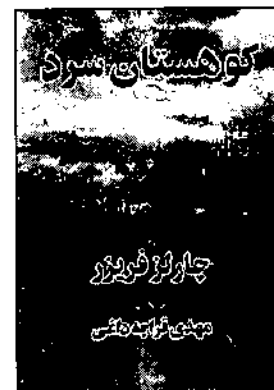


رمان، توصیفی است از زندگی جوانی به نام «فیلیپ» که داوطلبانه در جنگ جهانی دوم علیه نیروهای متحدین شرکت می کند. انگیزه او این است که در موقعیتی به دور از خونریزی، وارد معرکه شود تا بدین وسیله جان خود را نجات دهد، اما از بد حادثه او برای خط مقدم جبهه انتخاب می شود و روزگار سختی را سپری می کند. او در جبهه ژاپن وضعیت کشته ای دارد. از طرفی همسر جوان و زیبای او برای بازگشت وی لحظه شماری می کند. سرانجام روز دیدار فرا می رسد، اما فیلیپ وقتی پا به آمریکا می گذارد، دیگر آن جوان بشاش گذشته نیست. سیمای او بسیار درهم شکسته و محزون است. با این همه...

چاپ اول

۲۲۰- کوهستان سرد

چارلز فریزر: مترجم: مهدی قراچه داغی - تهران: پیکان - ۳۸۲ ص. - رقی (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.



داستان «کوهستان سرد» شرح حال مردی است که در جنگ های انفصال آمریکا زخمی و در بیمارستان بستری می شود و پس از آن تصمیم می گیرد به محل زندگی خود - «کوهستان سرد» باز گردد و زندگی خود را از جایی که نیمه کاره رها کرده از سر گیرد. وی به راه می افتد و در میان راه با مردانی شرور روبه رو می شود که خود را مامور دستگیری سربازان فراری از جنگ معرفی می کردند. او سرانجام با پشت سر نهادن مشقات بسیار، خود را به سرزمین کوهستان سرد می رساند و نامزد خود را می یابد، اما در آخرین لحظات به ضرب گلوله چند نفر - به ظاهر ماموران دستگیری سربازان فراری - زخمی می شود و...

چاپ اول

۲۲۱- لبخند در پای نردبان
هنری میلر: مقدمه: کارل شاپیرو: مترجم: سعادت شیرازی - تهران: مهد سینا - ۱۶۴ ص. - پالتویی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۹۱۵-۰۷-۸



در کتاب، علاوه بر داستان لبخند در پای نردبان اثر هنری میلر، مقدمه ای مفصل درباره هنری میلر از کارل شاپیرو، و در انتهای کتاب، نقد و تحلیل داستان یاد شده از مهدی ایران طلب به چاپ رسیده است. در این داستان، دلقکی به نام «هاکوسته» قدرت ایجاد

خنده را در نزد تماشاگران سیرک از دست می دهد و ناگزیر مجبور به ترک سیرک می شود. اکوست مدتی گرفتار ناداری و بیکاری است، او سرانجام حاضر می شود با عنوان «کارگر» وارد سیرک شود و کارهایی نظیر نظافت و غذا دادن به حیوانات را برعهده بگیرد. یک روز که دلقکی به نام «آنتوان» با قد و قامتی شبیه خود اکوست مریض می شود مدیر سیرک از او می خواهد که به جای آنتوان بازی کند. اکوست که این بار با نام و نشانی دیگر به صحنه می رود با درخشش کم نظیر مورد استقبال تماشاگران واقع می شود و در واقع با نام «آنتوان» مشهور می گردد. اما آنتوان رو به مرگ است، از این رو مدیر سیرک از اکوست می خواهد که همچنان در نقش آنتوان به کار خود مشغول شود، در حالی که...

نمایشنامه انگلیسی

۸۱۲

چاپ اول

۲۲۲- نیک آن باشد که انجامش نکوست...
ویلیام شکسپیر: مترجم: فریده مهدوی دامغانی - اهواز: تیر - ۱۶۰ ص. - رقی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۱۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: All's well, that ends well

شابک: ۹۶۴-۶۵۸۱-۰۴-۸



این نمایش نامه در پنج پرده تدوین شده و ظاهرا از نهمین قصه از سومین روز کتاب «دکامرون»، اثر «بوکاچیو» اقتباس شده است. در این نمایش، عشق هلنا - دختر پزشک معروف دربار - نسبت به شاهزاده «برترم» به تصویر کشیده شده است. «هلنا» در این نمایش از هیچ کوششی برای رسیدن به «برترم» فروگذار نیست. او سعی دارد بر همه محدودیت های موجود فائق آید، بی آن که از رویاها و آرزوهای خود دست فرو شوید...

داستان انگلیسی

۸۱۳

۲۲۳- آخرین ساکنان سیاره سان سار: آتلاتیس گمشده در فضا.
اوستین هال: زیر نظر: خسرو معتضد:

مترجم: میترا معتضد، ماندانا معتضد: ویراستار: اصغر اندرودی - تهران: دور دنیا - ۶۰۸ ص. - رقی (شمیز) - ۲۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۴۴۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۳۹۵-۴-۰



در این کتاب، اطلاعاتی درباره فضا و فیزیک ستارگان در قالب داستانی تخیلی به خوانندگان عرضه می شود. ماجرای اصلی داستان به گذشته های بسیار دور - میلیون ها سال پیش - باز می گردد و طی آن نویسنده از وجود تمدنی عجیب و درخشان خبر می دهد که از میان رفته است.

۲۲۴- اتوبوس مدرسه.

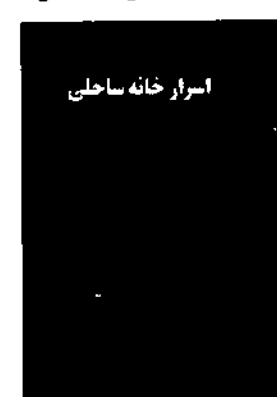
مری کتلین هریس: مترجم: گلی امامی - تهران: هرمس، کتابهای کیمیا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - ۲۲۸ ص. - پالتویی (شمیز) - ۷۶۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: The bus girls

شابک: ۹۶۴-۶۶۴۱-۴۸-۲

چاپ اول

۲۲۵- اسرار خانه ساحلی.
دفتی دوموریه: مترجم: صادق ساکی - تهران: شبیم دانش - ۵۴۰ ص. -



ویزیری (شمیز) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: The house on the strand

شابک: ۹۶۴-۹۲۲۳۹-۹-۱

«اسرار خانه ساحلی» داستانی است پر ماجرا که وقایع اصلی آن در

زیرزمین خانه ساحلی «ماگنوس» آغاز می شود. ماگنوس استاد بیوفیزیک دانشگاه لندن است که آزمایشگاهی در آن خانه ساحلی دارد. او موفق به کشف دارویی شده که با خوردن آن، انسان در عالم تخیل وارد فضای قرن چهاردهم می شود و صحنه هایی از آن دوران مشاهده می کند. ماگنوس برای تحقیقات بیشتر بر روی دارو، دوستش را برای آزمایش انتخاب می کند و...

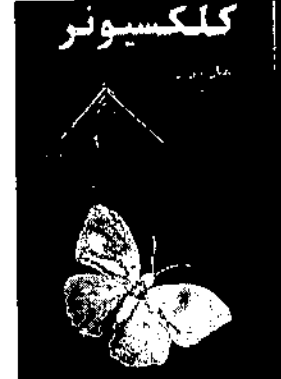
۲۲۶- غرور و تعصب.
جین اوستین: مترجم: نسترن جامعی - تهران: نهال نویدان - ۵۵۴ ص. - رقی (شمیز) - ۱۸۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۰۴۶-۹-۶

چاپ اول

۲۲۷- کلکسیونر.
جان فولز: مترجم: میترا میرشکار - تهران: واژه آرا - ۳۴۴ ص. - رقی (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۴۴۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۱۳۶-۴-۴



«کلکسیونر» روایت زندگی جوانی است که از کودکی به گردآوری پروانه ها علاقه ای وافر داشته است. او از زندگی خانوادگی - در کنار پدر و مادر - جدا مانده و در سایه حمایت عمه، عواطف و آرزوهای خویش را در جمع آوری پروانه ها منحصر ساخته است. داستان در فضایی متعارف شکل می گیرد و حوادث اصلی در پیرامون شخصیت اصلی داستان جاری است. جوان می کوشد رفتاری طبیعی را دنبال کند، اما در درون او غوغایی برپاست که کنترل ناپذیر است و فرجامی تلخ دارد...

چاپ اول

۲۲۸- هفت راز موفقیت: داستانی از امید و آرزو.
ریچارد وستر: مترجم: نفیسه معتکف: ویراستار: حمیده رستمی، شهلا ارزنگ - تهران: پیکان - ۱۲۰ ص. - رقی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Seven secrets to success

شابک:

۹۶۴-۶۷۴۳-۹۴-۳



در این داستان، ظاهراً «کوبین» بیست و هشت ساله امیدی به بهبود زندگی خود ندارد. او در کار و ازدواج با شکست مواجه شده است؛ به همین سبب تنها خودکشی را چاره درماندگی خود می‌داند. اما در شبی طوفانی و مرگبار «تاد ملوین» پیر با به زندگی او گذاشت. پس از آن که علاقه و دوستی میان آن دو با گرفت، «تاد» بی آن که از گذشته اسرارآمیز خود سخنی بگوید هفت جای پا را به «کوبین» نشان می‌دهد. هفت رازی که خیال خودکشی را از سر کوبین خارج نمود و او را واداشت تا زندگی هدف‌مندی را پی گیرد و...

داستان آلمانی

چاپ اول

۲۲۹- بازگشت به خانه و کنولپ.
هرمان هسه؛ مترجم: جاهد جهانشاهی... تهران: پایند - ۱۶۸ ص. - رقی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۵۴۹-۴-۴



در این کتاب، دو داستان از «هرمان هسه» به فارسی برگردانده شده است. در این داستان‌ها، نویسنده بحران روحی و تنهایی انسان را به تصویر می‌کشد. بازگشت به خانه سرگذشت مردی است که به سفری دراز می‌رود و یکپند در روسیه روزگار می‌گذراند. وی

بعد از گذشت سالیانی، به آلمان برمی‌گردد، اما او زبان آلمانی را با همان لهجه کهن ادا می‌کند و از این رو هم وطنانش از طرز سخن گفتن او متعجب شده ارتباطی با او برقرار نمی‌سازند. مدتی را او در تنهایی و عزلت سپری می‌کند، اما یک روز تصمیم می‌گیرد...

چاپ اول

۲۳۰- کمبوجیه و دختر فرعون.
گشورگ ایبرس؛ مترجم: جواد سیداشرف... تهران: زرین. - ۶۱۲ ص. - رقی (گالینگور). - ۳۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۰۷-۱۹۰-۵



ماجرای رمان از نظر زمانی مربوط است به اواخر حکومت سلسله بیست و ششم فرانسه (۵۲۵ ق.م). در این رمان چگونگی انقراض این سلسله به دست ایرانیان و سقوط امپراتوری فرانسه به تصویر کشیده شده است.

چاپ اول

۲۳۱- کنولپ: سه خاطره.
هرمان هسه؛ مترجم: عبدالحسین شریفیان... تهران: اساطیر. - ۱۲۸ ص. - رقی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۰۲۲-۱



کتاب که در قالب سه داستان، «اوایل بهار»، «خاطره‌ای که از کنولپ دارم»، و «پایان» عرضه شده داستان زندگی مردی است آواره به نام کنولپ. او

شهرها و سرزمین‌های مختلف را پشت سر می‌گذارد و زندگی عارفانه‌ای را پیشه می‌کند. او با اشخاص گوناگون اجتماع - از هر دستی - ارتباط برقرار می‌سازد و از این رهگذر سعی دارد فلسفه زندگی را تجربه نماید.

چاپ اول

۲۳۲- مرد بی‌چهره.
مارکوس ولف؛ مترجم: مهوش غلامی... تهران: اطلاعات. - ۶۲۲ ص. - رقی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۱۵۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Man without a face
شابک: ۹۶۴-۴۲۳-۴۶۶-۷



این کتاب که در قالب رمان تدوین شده خاطرات جاسوسی «مارکوس ولف» - رئیس سابق اطلاعات خارجی آلمان شرقی - است. کتاب با داستان دوران کودکی نامبرده در روستایی در آلمان شروع می‌شود و سرانجام به شوروی می‌رسد؛ جایی که پدر یهودی‌اش از تهدیدات نازی‌ها به آن جا گریخته بود. ولف در دهه ۱۹۴۰ در مسکو دوران جوانی را گذراند و از سوی حزب کمونیست به عضویت «اعضای کادر آلمان» انتخاب گردید. در کتاب «مرد بی‌چهره» عملیات عمده ولف، موفقیت‌ها و شکست‌های او به طور مشروح بازگو می‌شود. ولف در این اثر تصویری زنده و افشاکننده از رهبران بلوک شرق ترسیم می‌کند. وی همچنین ماجرای «گوتتریکوم» - جاسوس آلمان شرقی - را فاش می‌سازد که این پیامدها را در برداشت: سقوط ویلی برانت (صدراعظم آلمان غربی) و همکاری آلمان شرقی با گروه‌های تروریستی.

نام آلمانی

چاپ اول

۲۳۳- نامه به فلیسه.
فرانتس کافکا؛ مترجم: مصطفی اسلامی... تهران: نیلوفر. - ۳۱۲ ص. - جلد دوم. - رقی (شمیز). - ۱۵۰۰۰

ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Briefe an felice and andere korrespondenz aus der...
شابک: ۹۶۴-۴۴۸-۱۰۱-۱



آنچه در این مجموعه گردآمده، بخش دوم نامه‌های کافکا به نامزدش فلیسه است. برخی از این نامه‌ها نیز به «گرت بلوخ» دوست فلیسه اختصاص دارد.

ادبیات سایر زبانهای ژرمنی

۲۳۴- درون یک آینه، درون یک معما.
یاستین گورد؛ مترجم: مهرداد بازاریاری... تهران: هرمس، کتابهای کیمیا. - ۱۵۶ ص. - پالتویی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: I et spejl, i en gade
شابک: ۹۶۴-۶۶۴۱-۰۲-۴

۲۳۵- راز تولد.
یاستین گورد؛ مترجم: مهرداد بازاریاری... تهران: کیمیا. - ۲۰۸ ص. - پالتویی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۴۱-۱۷-۲

نمایش فرانسوی

چاپ اول

۲۳۶- هنر.
یاسمینا رضا؛ مترجم: «داریوش مودبیان» ویراستار: پویا اختیاری راد... تهران: امیرخانی. - ۱۲۸ ص. - وزیری (مقوایی). - ۹۹۹۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۱۳۹-۴-۵
اثر حاضر، نمایش‌نامه‌ای است از «یاسمینا رضا» - نمایش‌نامه‌نویس ایرانی تبار اهل فرانسه - که در سال ۱۹۹۴ در تئاتر «شانزلیزه پاریس» به روی صحنه آمد و شهرت جهانی یافت. در این نمایش‌نامه «سرز» تابلوی نقاشی می‌خرد؛ تابلوی سفید



سفید، با خطوطی مانند پرتوهای از نور خورشید. خریدن این تابلو تعجب دوست سرز - مارک - را برمی‌انگیزد که چگونه او حاضر شده بابت آن ۲۰۰ هزار فرانک بپردازد. «مارک» از نقاشی سبک مدرنیسم سرز نمی‌آورد و از این رو ارزش چندانی برای آن قائل نمی‌شود و...

داستان فرانسوی

چاپ اول

۲۳۷- داستان مومیایی.
تثوفیل گوتیه؛ مترجم: فریده مهدوی‌دامغانی... اهواز: تیر - ۳۰۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۷۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Le roman de la momie
شابک: ۹۶۴-۶۵۸۱-۱۷-X



در این رومان، دو دانشمند باستان‌شناس موفق می‌شوند مقبره‌ای شگفت‌انگیز در مصر کشف کنند. آنان در این مقبره با جسد مومیایی شده دختری زیبا روبه‌رو می‌گردند که در خلال قرون، آثار زیبایی را همچنان حفظ کرده و در کنار او ورقه‌ای پاپيروس دیده می‌شود که اسرار مومیایی زن زیبا را فاش می‌سازد. «گوتیه» در این اثر، نقشی جاندار و گویا از محیط نیمه تاریخی و نیمه افسانه‌ای مصر، به دست می‌دهد.

۲۳۸- شیدایی لول و اشتاین.

مارگاریت دوراس؛ مترجم: پرویز شهدی - تهران: ققنوس - ۲۰۰ ص.
- رقی (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Le ravissement de Lol V. Stein
شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۲۱۴-۴

چاپ اول



نقدی لول و. اشتاین
ماجرای «لول و اشتاین» از لحظه‌ای آغاز می‌شود که آخرین شرکت کنندگان در مجلس رقص در کازینوی شهر داری «تی. بیج» قدم به سالن می‌گذارند. صحنه‌های خاطره‌انگیز این سالن تاثیر عمیق بر «لول» می‌گذارد. اما او سرانجام ازدواج می‌کند و زادگاهش را ترک می‌گوید، بچه‌دار می‌شود و به ظاهر شاد و خوشبخت به نظر می‌آید. پس از سیری شدن ده سال او به زادگاهش برمی‌گردد و بار دیگر خاطره آن شب رقص را تکرار می‌کند، اما این بار...

۲۳۹. نوشتن، همین و تمام، آبان، سایانا، داوید.
مارگاریت دوراس؛ مترجم: قاسم روبین - تهران: نیلوفر - ۲۷۲ ص.
- رقی (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Ecrire, c'est tout, abahn, sabana, david
شابک: ۹۶۴-۴۴۸-۰۵۵-۴

داستان ایتالیایی

چاپ اول

۲۴۰. کارلوتا و عشق.
جووانینی گوارسکی؛ مترجم: جاهد جهان‌شاهی - تهران: پانید - ۲۴۰ ص.
- رقی (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Il marito in collegio
شابک: ۹۶۴-۹۰۵۴۹-۲-۸
در این رمان، بعد از مرگ پدر خانواده، مادر و دختر تحت‌الحمایه برادر او درمی‌آیند. «کازیمیر» مردی اشرافی است و یکی از کاخ‌های خود را در اختیار کارلوتا و مادرش قرار می‌دهد.



کازیمیر قصد دارد تمام دارایی خود را نیز به کارلوتا واگذار کند به همین سبب از برادرزاده خود می‌خواهد ظرف ۴۸ ساعت شوهری پیدا کند، چه در غیر این صورت مادر و دختر را از کاخ بیرون رانده مستمری آنها را قطع خواهد کرد. این رمان به گونه کم‌دی نوشته شده و بخش اعظم آن به جنجال ازدواج ناخواسته کارلوتا، و سرانجام، عشق او اختصاص دارد.

داستان اسپانیایی

چاپ اول

۲۴۱. کتابخانه بابل و ۲۳ داستان دیگر.
خورخه لوئیس بورخس؛ مترجم: کاوه سیدحسینی - تهران: نیلوفر - ۲۶۴ ص.
- رقی (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۴۸-۱۱۵-۱

کتابخانه بابل

و ۲۳

داستان دیگر

در مجموعه حاضر ۲۴ داستان کوتاه «خورخه لوئیس بورخس» به فارسی برگردانده شده است. نویسنده در «کتابخانه بابل» تصویری نمادین از جهان به دست می‌دهد. وی در این اثر بدیع خاطر نشان می‌کند: «جهان (که دیگران آن را کتابخانه می‌نامند) از تعدادی نامشخص، یا شاید نامتناهی، تالار شش ضلعی تشکیل شده است، با چاه‌های وسیع تهویه در وسط، که با نرده‌هایی کوتاه احاطه شده‌اند. از هر کدام از این شش ضلعی‌ها، طبقات تحتانی یا فوقانی را تا بی‌نهایت مشاهده می‌کنیم... تاکید

می‌کنم که کتابخانه بی‌پایان است. در نظر آرمانگراها تالارهای شش ضلعی صورت ضروری مکان مطلق‌اند، یا حداقل شاهد ما از مکان عقیده دارند که تالار سه ضلعی یا پنج ضلعی غیرممکن بود. و اما عارفان ادعا می‌کنند که حالات خلسه اتاقی مدور را بر آنان ظاهر می‌سازد با کتابی بزرگ و آن هم مدور که عطف آن تمام دور اتاق را گرفته است؛ اما گواهی آنان مشکوک است و گفته‌هاشان مبهم؛ این کتاب مدور خداست... در حال حاضر کافی است جمله‌ای قدیمی را بازگویم: کتابخانه‌ای کرم‌ای است که مرکز حقیقی آن یک شش ضلعی است که محیط آن دست نیافتنی است...»

ادبیات پرتغالی

۲۴۲. ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد.
پائولو کوئیلو؛ مترجم: آرش حجازی - تهران: کاروان - ۲۴۰ ص.
- رقی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۳۳۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Veronika decide morir
شابک: ۹۶۴-۹۱۶۰۷-۰۰۱-۱

شعر نمایشی و نمایشنامه‌های کلاسیک یونان

۲۴۳. افسانه‌های تباہی.
سوفوکلس؛ مترجم: شاهرخ مسکوب - تهران: خوارزمی - ۳۸۰ ص.
- رقی (شمیز) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۸۷-۰۲۲-۸

ادبیات یونانی جدید

۲۴۴. مسیح باز مصلوب.
نیکوس کاوانتزاکیس؛ مترجم: محمود سلطانی - تهران: جامی - ۵۷۸ ص.
- رقی (شمیز) - ۱۰۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۴۴۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۲۰-۶۹-۴

ادبیات زبانهای هند و اروپای شرقی و سلتی

۲۴۵. الموت.
ولادیمیر بارتول؛ مترجم: محمدرضا مباحث؛ ویراستار: رویا جلیلی - تهران: ثالث - ۶۳۶ ص.
- ویرزی (گالینگور) - ۲۸۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۷۷۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Alamut
شابک: ۹۶۴-۶۴۰۴-۴۹-۹
۲۴۶. متفکران روس.

ایزایا برلین؛ مترجم: نجف دریابندری - تهران: خوارزمی - ۴۶۰ ص.
- رقی (گالینگور) - ۲۳۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۵۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Russian thinkers
شابک: ۹۶۴-۴۸۷-۰۲۲-۰

ادبیات زبانهای افریقایی - آسیایی (جامی و سامی)

۲۴۷. تاریخ ادبیات زبان عربی.
حنا فاخوری؛ مترجم: عبدالمحمد آیتی - تهران: توس - ۸۴۴ ص.
- ویرزی (گالینگور) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ چهارم.
شابک: ۹۶۴-۳۱۵-۳۲۱-۵

چاپ اول

۲۴۸. خریده‌القصر و جریده‌العصر فی ذکر فضلاء اهل فارس.
محمد بن محمد عمادالدین کاتب، عدنان محمد آل طعمه؛ مصحح: عدنان محمد آل طعمه - تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، آینه میراث - ۳۹۲ ص.
- جلد سوم - ویرزی (گالینگور) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۸۱-۲۱۱-۷

خریده‌القصر و جریده‌العصر فی ذکر فضلاء اهل فارس

(۴)

تألیف
عمادالدین المصطفی
محقق: ۵۰۷ هـ

تبریزی
الکتابخانه مرکزی و اسنادخانه

این اثر که در قرن ششم هجری به زبان عربی نگاشته شده متضمن اطلاعاتی است از شاعران و ادیبان ایرانی که دستی در سرودن شعر عربی داشته‌اند. در این کتاب ضمن معرفی اشخاص، نمونه‌هایی از اشعار آنان نیز فراهم آمده است. مؤلف کتاب «عمادالدین اصفهانی» (متوفی ۵۰۷ هـ) است که با تصحیح «عدنان محمد آل طعمه» به طبع رسیده است.

چاپ اول

۲۴۹. قوافل النور؛ ملحمه شعریه فی سیرة النبی (ص) و اهل بیته (ع)؛ النبی المصطفی (ص).
حسین برکه‌الشامی - قم: دارالاسلام - ۱۱۶ ص.
- جلد اول - رقی (شمیز) - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۹۰۲۴۹-۴-۸



شماره اول و دوم این مجموعه متضمن اشعاری است در سیره پیامبر و اهل بیت که به زبان عربی سروده شده است. برخی از ابیات این مجموعه با توضیحات تاریخی، در زیرنویس به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۲۵۰. قوافل النور؛ ملحمه شعریه فی سیرة النبی (ص) و اهل بیته (ع)؛ علی و فاطمه (ع).
حسین برکه‌الشامی - قم: دارالاسلام - ۱۰۴ ص.
- جلد دوم - رقی (شمیز) - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۲۴۹-۶-۴

چاپ اول

۲۵۱. مرا تا مرز خورشید ببر = خذنی الی حدود الشمس.
سعاد صباح؛ مترجم: حسن فرامرزی - تهران: داستان - ۲۰۰ ص.
- رقی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۵۵۵-۲۲-۵



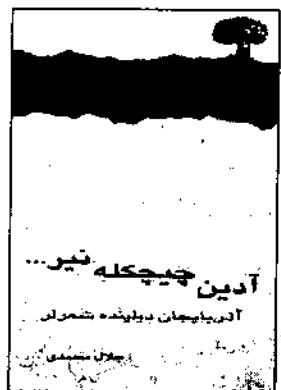
«مرا تا مرز خورشید ببر» سروده خانم «سعاد الصباح» دارای مضامین اجتماعی، انتقادی و مسائل زنان است. برای نمونه: سرورم، دیوار برلن سقوط کرد/ و تخته سنگ‌های جهان کهنه به پایین ریخت/ جنوب آفریقا پس از سیصد سال/ از نظام حکومت نژاد سفید زهای یافت/ پس تو چرا ای مرد سفید پوست/ همچنان حافظه

مرا در اشغال خود داری؟ چرا در حافظه من «مین» می‌کای؟ و زیر بالش آتش می‌افروزی؟ در کتاب، برگردان اشعار همراه با متن عربی به چاپ رسیده است.

ادبیات زبانهای اورال - آلتایی،
سبیریایی قدیم و ...

چاپ اول

۲۵۲ - آدین چیچکله نیر - شعر لری.
جلال محمدی - تبریز: اکسیر - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز) - ۲۸۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.



کتاب، مجموعه‌ای است از اشعاری در قالب سنتی و نو که به زبان ترکی به طبع رسیده است.

چاپ اول

۲۵۳ - پرندگان نیز رفتند. یاشار کمال - مترجم: مصطفی ایلخانی زاده - تهران: ثالث - ۱۳۰ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Kustar da gitti
شابک: ۹۶۴-۶۴۰۴-۳۶-۷



داستان روایتی است از زندگی کودکانی که پرنده‌گانی را با دام شکار می‌کنند و با فروش آنها روزگار می‌گذرانند. این پرنده‌گان با این نیت از سوی مشتریان خریداری و آزاد می‌شدند تا سهمی از بهشت را ارزانی

خود سازند... صدها سال است که پرنده‌گان شکار شده در دشت «فلوری» با لبخند رضایت انسان‌ها در جلوی کتیسه‌ها، کلیساهای مسجدها آزاد می‌شده‌اند، اما اینک...

چاپ اول

۲۵۴ - پژوهش‌هایی در ادبیات ترکمن.
اراز محمد سارلی - گنبدکاوس:
اراز محمد سارلی - ۸۰ ص. - رقی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

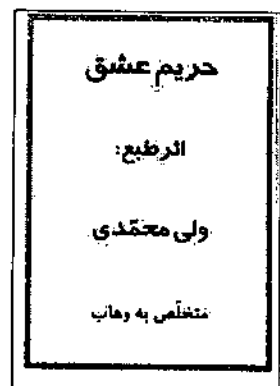
Researches on turkman literature



کتاب پژوهشی است مختصر در ادبیات ترکمن که با مقدمه‌ای در باب تاریخ ادبیات ترکمن آغاز می‌گردد. مطلب نخست کتاب، تحت عنوان «میراث پدر» متن سخنرانی «اراز محمد سارلی» است که در مراسم بزرگداشت «مختومقلی فراغی» در دانشگاه تهران در اردیبهشت سال ۱۳۷۵ ایراد گردید. مباحث بعدی کتاب عبارت‌اند از: «مختومقلی فراغی متفکر بزرگ ایران و توران»، «ملا نفس شاعر حماسه»، «تاثیر فاجعه گوگ تپه در ادبیات ترکمن»، «ارزیابی ادبیات ترکمن صحرا» و «آنا سلطان شاعر قربانی سیستم توتالیتر». نمایه کتاب در انتها به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۲۵۵ - حریم عشق.



ولی محمدی - تهران: یاسین - ۳۵۲

ص. - جیبی (گالینگور) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۲۲-۳۶-۴
کتاب، مجموعه‌ای است از اشعار در مناقب و مصایب اهل بیت.

چاپ اول

۲۵۶ - دانگ نملی گوزوم.
عبدالقهار صوفی راد - گنبدکاوس:
مختومقلی فراغی - ۱۲۲ ص. - رقی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

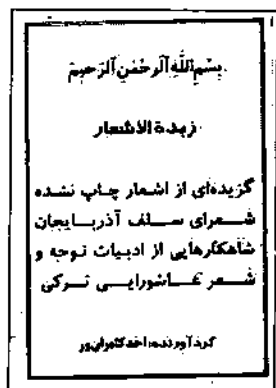
Dan nemli gozum
شابک: ۹۶۴-۹۱۸۳۲-۲-۱



آن چه در این مجموعه به طبع رسیده، اشعار است از «عبدالقادر صوفی راد»، شاعر ترکمن. این اشعار که به زبان ترکمنی سروده شده غالباً با مضامین فرهنگی، اجتماعی و دینی به نظم در آمده‌است. پیش از اشعار، در گفتاری کوتاه شرح حال اجمالی شاعر به طبع رسیده است. اشعار این مجموعه ذیل عنوان «دانگ نملی گوزوم» به معنای «اشک سحرگهان» به زیور طبع آراسته شده است.

چاپ اول

۲۵۷ - زبده الاشعار: گزیده‌ای از اشعار چاپ نشده شعرای سلف آذربایجان



گردآورنده: احد کامران ور - تهران: پیرو - ۴۰۰ ص. - جیبی (گالینگور) - ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰

نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۲۲-۳۳-۸
در این مجموعه، اشعار برگزیده ترکی، در خصوص قیام عاشورا و ذکر فضایل و مصایب سالار شهیدان و شهدای کربلا، گردآمده است.

چاپ اول

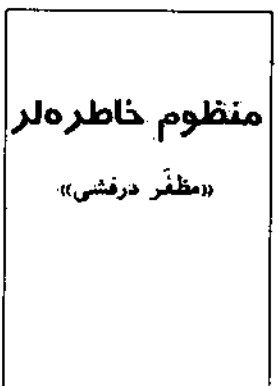
۲۵۸ - مختومقلی شناسی.



یوسف سقالی - گنبدکاوس:
مختومقلی فراغی - ۸۲ ص. - جلد اول - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۲-۲۲-۶
کتاب، تاملی است در اشعار و آثار مختومقلی (شاعر ترکمن، تولد: ۱۱۵۲ ه.ق). جلد اول از مجموعه «مختومقلی شناسی» در سه بخش فراهم آمده است. در بخش نخست به میزان تأثیر شاعر از اندیشه خداپرستی اشاره شده، همچنین اشعاری نیز به منزله شاهد ذکر گردیده است. در بخش دوم سعی شده اندیشه «حکومت و جامعه آرمانی» از منظر مختومقلی - همراه با شواهدی چند - بازشناخته شود. نگارنده در بخش سوم به پاره‌ای از «اصول قصه‌نویسی» در اشعار مختومقلی اشاره می‌کند.

چاپ اول

۲۵۹ - منظوم خاطر هار.
مظفر درفشی - تهران: مظفر درفشی - ۱۶۴ ص. - رقی (گالینگور) - ۲۰۰۰ ریال - چاپ اول.
شابک: ۹۶۴-۶۶۲۲-۱۰-۲-۹



در مجموعه حاضر که به زبان ترکی به نظم درآمده ابتدا شرحی از علایم مخصوص شعر به دست داده می‌شود، سپس زندگی‌نامه «مظفر درفشی» بازگو می‌گردد. «آذربایجان»، «تبریز»، «وطنی عشقی»، «فریدون زمانه»، «وعده وصل»، «سعدیه» و «حبیب‌نامه» از جمله اشعاری است که در این منظومه گردآمده است.

چاپ اول

۲۶۰ - مهاجر غوشلار: مجموعه اشعار.
عبدالمجید ایشچی - گنبدکاوس:
مختومقلی فراغی - ۴۶ ص. - رقی (مقوایی) - ۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۲-۱۴-۵
«مهاجر غوشلار» مجموعه‌ای است از اشعار ترکی عبدالحمید ایشچی (شاعری از ترکمن‌های افغانستان).



نمایه عنوان

آبی و قرمز: مجموعه داستان ۱۵۳
آخرین خنده ۳
آخرین دیدار ۱۵۴
آخرین ساکنان سیاره سان‌سار: ۲۲۳
آتلانتیس گمشده در فضا ۲۲۳
آدین چیچکله نیر: شعر لری ۲۵۲
آرزو بر باد: دفتر حضور: سیب‌های آبی: ۸۷
شعرهای ۶۵ - ۱۳۴۴ ۸۸
آزاده ۸۸
آژانس ونوس ۱۴۷
آموزش تکمیلی ادبیات از پایه تا کنکور: برای دوره کامل دبیرستان، داوطلبان کنکور سراسری ۱۵
آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۵) سال سوم نظام جدید "رشته ادبیات و علوم انسانی" ۱۶
آموزش گفتار: برای مسلط بودن، جالب بودن، توانا بودن، جذب و متقاعد کردن مخاطب ۴
آه ... بانو ۸۹
آهنگ‌شناسی (عروض) ۱۱
آیین نگارش ۵
اتوبوس مدرسه ۲۲۴

احیاء، تصحیح و شرح مثنوی سروشنامه آصف قهرخی ۸۴
ادبیات فارسی: راهنمای دبیران، دانش‌آموزان دبیرستانها و داوطلبان کنکور عمومی و اختصاصی ... ۱۴
از خانه تا صاحبخانه: حسین هرگز نمی‌میرد ۲۸، ۳۹، ۴۰
از دل تا دلتا: اندوه زیبا (منتخبی از شعرهای ۶۹ تا ۷۱) ۹۰
از دیار آشتی ۹۱
از عشق تا عشق ۹۲
استاد شاعران رودکی: شرح حال، گزیده اشعار با توضیح و گزارش ۵۰
اسرار خانه ساحلی ۲۲۵
اشاره‌ها: مجموعه داستان کوتاه ۱۵۵
اشک معشوق: دیوان حمیدی (جلد ۱ تا ۳) چون عشق - خون سیاوش - طلسم شکسته ۹۳
اشک‌هایم را پاک کن ۹۴
افسانه‌های تبابی ۲۴۲
الموت ۲۴۵
اتگار آتشی و مرا سر کشیده‌ای "مجموعه شعر" ۹۵
ای قلبها بسوزید: اشعار مذهبی ۴۱
با تو تا ابدیت ۹۶
با تهاجم باد ۹۷
با رود تا دریا ۹۸
بازگشت به خانه و کنولپ ۲۲۹
بازگشت به شهر زمر ۲۱۴
بازی سلطان و سیاه ۱۴۸
بلاغ در باغ (مجموعه مقالات) ۱۹۹، ۲۰۰
بانوی مشروطه: دیوان اشعار بانو مشروطه جهان‌شاهی افشار ۹۹
باید از خواب پرید ۱۰۰
بر بال فرشتگان: علی (ع) خورشید هدایت ۴۲
بر کران بیکران: نگاهی به شعر معاصر فارسی (ادبیات معاصر) ۸۶
بلندای عشق ۱۰۱
بنیاد و امپراطوری ۲۱۵
بوستان: از روی نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی ۶۱
به عشق مهدی (عج) شامل قصاید، غزلیات و رباعیات به ضمیمه منظومه دعای ندبه ۴۳
پاییز پشت پنجره‌ها جاوانه نیست: گزیده اشعار پاییزی از ۹۰ شاعر" ۲۹
پرسشهای چهارگزینه‌ای ادبیات فارسی - مشترک برای رشته‌های (ریاضی - تجربی - انسانی) ۱۷
پرسشهای چهارگزینه‌ای و پاسخهای تشریحی ادبیات فارسی (۱) (نقد ادبی و عروض) پیش‌دانشگاهی رشته ادبیات و ... ۱۸
پرنده‌گان نیز رفتند ۲۵۳
پرنس قاجار نجات یافته کشتی تایتانیک ۱۵۶
پژوهش‌هایی در ادبیات ترکمن ۲۵۴
پشت دیوار زمان ۱۰۲
پنج داستان ۱۵۷
پنج کتاب (مجموعه اشعار فروغ) ۱۰۳
پونه ۱۵۸
تا راهایی: منظومه‌ها و شعرها ۱۰۴

تا فردا دیر نیست ۱۵۹
تاریخ ادبیات زبان عربی ۲۴۷
تذکره هفت اقلیم ۳۱، ۳۲، ۳۳
ترانه‌های روستایی ۲۱۰
تکیه بر باد و هفت داستان دیگر ۱۶۰
تلفن بی‌آبرو: مجموعه داستان ۱۶۱
تنگناهای بشری ۶
توشه عقبی بخش اول: اشعار فارسی بخش دوم: اشعار ترکی شامل: قصائد - مصائب - ... ۴۴
تهرانجلس: مجموعه داستان کوتاه طنز ۲۰۴
جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی ۲۸
جاذبیت عشق ۱۶۲
جزیره سرگردانی ۱۶۳
جهان رمان ۷
جهانی ایمن تر از تبسم‌های تو نیست: شعر سال‌های ۶۹ تا ۱۰۵۷۱
چشم‌انسی سبز، گیسوانش قشنگ (مجموعه داستان) ۱۶۴
چهلچراغ (روشنایی اول) ۸
حافظ: بر اساس نسخه سید عبدالرحیم خلخالی ۶۹، ۷۰
حاکم کیست؟ حاکم چیست؟ ۱۶۵
حرفی از جنس زمان: تأملی در شعر انقلاب اسلامی ۱۰۶
حریم عشق ۱۶۶، ۲۵۵
حکایت دل ۱۰۷
حوالی کافه شوکا ۱۶۷
خانه‌ای کنار ساحل ۱۴۹
خدا حافظی طولانی ۲۱۶
خداوند بزرگ در نیایشی سترگ: ترجمه‌ای منظوم از مضامین دعای جوشن کبیر شامل یکصد ... ۴۵
خریدار عشق، یا، نان سوخته ۱۶۸
خریده‌القصیر و جریده‌العصر فی ذکر فضلاء اهل فارس ۲۴۸
خودآموز گام به گام ادبیات فارسی (۳) سال دوم نظام جدید ۱۹
داستان دوستان ۱۶۹
داستان مومیایی ۲۳۷
داستان یک شهر ۱۷۰
داستان‌نامه‌ی فارسی (پیرگزیده‌ای موضوعی از داستان‌های کهن ایرانی) ۱۵۲
دانگ نملی گوزوم ۲۵۶
دختران بیدار ۱۷۱
"دخیل بر پنجره فولاد" ۱۷۲
در حسرت پرواز: حکایت نفس در شعر شاملو و سپهری ۱۰۸
در دایره قسمت ... ۱۷۳
درون یک آینه، درون یک معما ۲۳۴
دوبیتی‌های باباطاهر عریان ۵۴
دوبیتی‌های حکیم "ترانه‌های ارغی" ۱۰۹
دوشنبه‌های سبز ... (مجموعه داستان از حوادث انقلاب اسلامی) ۱۷۴
دید و بازدید ۱۷۵
دیوان پروین اعتصامی ۸۵
دیوان حافظ ۷۱
دیوان حافظ شیرازی: از نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی ۷۲
دیوان حکیم ناصر خسرو: متن انتقادی همراه با شرح ۵۵
دewan خواجہ شمس‌الدین محمد

حافظ شیرازی ۷۳-۷۴
دیوان دانش ۱۱۰
دیوان دهقان سامانی ۸۲
دیوان شهریار ۱۱۱-۱۱۲
راز تولد ۲۲۵
راز دل: مجموعه اشعار ۱۱۳
راه‌نما و آموزش ادبیات فارسی (۳ و ۴) شامل: شرح درس - پرسش‌های چهارگزینه‌ای - پاسخ‌های تشریحی ۲۰
راه‌نمای گام به گام فارسی اول راهنمایی ۲۱
راه‌نمای گام به گام فارسی دوم راهنمایی ۲۲
راهی و آهی: منتخب هفت دفتر شعر: سراب، شبگیر، زمین ... ۱۱۴
رباعیات حکیم عمر خیام ۵۶
رباعیات خیام: دوبیتی‌های باباطاهر ۵۷
رسوای عشق ۱۱۵
روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان ۲۱۲
روی سل پایانی ۱۱۶
ره‌ایم کن ۱۷۶
ره‌گذر آرامتر، آرامتر ... ۱۱۷
زیده الاشعار: گزیده‌ای از اشعار چاپ نشده شعرائ سلف آذربایجان ... ۲۵۷
"سارا دختر فقر" ۱۷۷
سایه روشن عشق ۱۷۸
ستون پنجم ۲۰۵
سحابی خاکستری (۱۳۷۰ - ۱۳۶۵) و پانزده شعر از خیابان بزرگ (۱۳۶۸ - ۱۳۶۵) ۱۱۸
سخنوران چندزبانه آذربایجان ۳۴
سوخته‌زاران: مجموعه شعر (آبان ۱۳۷۵ - تیر ۱۳۷۸) ۱۱۹
سه نمایشنامه نه چندان جدی ۱۵۰
سیاحتنامه ابراهیم‌بیک، یا، (ریالی) تعصب (ادبیات مدنی در عصر قاجار ۲۰۹
۲۵۰ لطیفه زیبا ۲۰۶
سینما و ساختار تصاویر شعری در شاهنامه ۹
شاعران نامدار ۳۵
شاهنامه فردوسی: متن انتقادی با مقابله با ۱۲ نسخه همراه با معنی واژگان و شرح نامها و جایها ۵۱
شیخ گل سرخ ۱۷۹
شبی که آخر نداشت ۱۸۰
شرح جامع مثنوی معنوی ۶۲
شرح حال زندگی شاعران نامی ایران ۲۶-۳۷
شرح سودی بر حافظ ۷۵-۷۶-۷۷-۷۸
شور هستی: داستان زندگی چارلز داروین ۲۱۷
شیدایی لول و اشتاین ۲۳۸
شیفتگان محبت ۱۸۱
طلیعه ۱۲۰
الطیب من القول ۱۰
عروس عرشه ۱۸۲
عروض فارسی: شیوه نو برای آموزش عروض و قافیه ۱۲
عشق است: دفتر غزل ۱۲۱
عشق تا ابد ۲۱۸
عشق و سایه‌های خاکستری ۱۸۳

عقربه‌ها در غروب ایستاده‌اند (مجموعه شعر) ۱۲۲
عکاسی ممنوع! مجموعه داستان ۱۸۴
غرور و تعصب ۲۲۶
غزل‌آلا: مجموعه شعر ۱۲۳
غزلیات خواجوی کرمانی ۷۹
غم کریلا ۴۶
غمنامه رستم و سهراب از شاهنامه فردوسی ۵۲
فصل بی‌تابی‌ها ۱۲۴
فصل کوچ ۱۲۵
فصلهای دل ۲۱۹
قانون بلاغت و صناعات ادبی ۱۳
قوافل النور: ملحمه شعریه فی سیره النبی (ص) و اهل بیت (ع): النبی المصطفی (ص) ۲۴۹
قوافل النور: ملحمه شعریه فی سیره النبی (ص) و اهل بیت (ع): علی و فاطمه (ع) ۲۵۰
کارلوتا و عشق ۲۴۰
کاش: دفتر شعر ۱۲۶
کتاب کار فارسی اول راهنمایی ۲۳
کتاب کار فارسی پایه دوم راهنمایی ۲۴
کتاب کار فارسی سوم راهنمایی: پایه سوم راهنمایی ۲۵
کتابخانه بابل و ۲۳ داستان دیگر ۲۴۱
کژالان من ۱۲۷
کلکسیونر ۲۲۷
کلمات علیه غرا (شرح منظوم کلمات امیر مومنان علی علیه السلام) ۸۰
کلیات شمس تبریزی ۶۳، ۶۴
کمبوجیه و دختر فرعون ۲۳۰
کنولپ: سه خاطره ۲۳۱
کوچه باغ یادها ۱۸۵
کوهستان سرد ۲۲۰
کیمیای فراق ۱۸۶
گزند باد ۵۳
گزیده ادبیات فارسی: مجموعه شعر ۱۲۸
گزیده ادبیات معاصر: مجموعه داستان ۱۸۷
گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر ۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴
گزیده اشعار مسعود سعد سلمان ۵۸
گزینه اشعار ۱۳۵
گل‌های حسینی شامل: زیارت عاشورا همراه با اشعار و نوحه‌های سینه‌زنی ۴۷
گلزار بهشت ۱۳۶
گلستان سعدی ۲۰۷
گلستان: از روی نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی ۲۰۸
گلوله بد است: مقالات جامعه، توس، نشاط و آدینه (فروردین ۷۷ - شهریور ۷۸) ۲۰۱
گلی در شورزار ۱۸۸
گنجینه اسرار ۸۳
گنجینه حکمت در آثار نظامی ۵۹
گویا آفتاب برآمده ۱۳۷
لالایی‌های امروز ۱۳۸
لاوار: مجموعه شعر کردی کرمانشاهی ۲۱۱
لیخند در پای نردبان ۲۲۱

لحظه تنهایی ۱۳۹
لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجهای ۶۰
متفکران روس ۲۴۶
مثنوی معنوی: براساس نسخه اصلی رینولدالین نیکلسین (چاپ لیدن) ۶۵-۶۶
مجموعه اشعار در رثای استاد: با پیامی از: حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی ۱۴۰
مجموعه طبقه‌بندی شده ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی (۱ و ۲) مشترک کلیه رشته‌ها: شامل ۱۳۰۰ تست ... ۲۶
مختومقلی‌شناسی ۲۵۸
مرا تا مرز خورشید ببر = خذنی الی حدود الشمس ۲۵۱
مرد بی‌چهره ۲۳۲
مرگ برگ ۱۴۱
مرگ پلنگ ۱۸۹
مروراید در خونگاه ۱۹۰
مژده رحمت ۱۴۲
مسح باز مصلوب ۲۴۴
مشاعره نوین ۳۰
مفاهیم و سوال‌شناسی ادبیات فارسی ۱ دوره پیش‌دانشگاهی (قافیه - عروض - نقد ادبی) رشته علوم انسانی ... ۲۷
منتخب دیوان شمس تبریزی: از روی نسخه تصحیح شده بدیع‌الزمان فروزانفر ۶۷
منتخب مثنوی معنوی (از روی نسخه رینولد نیکلسون) ۶۸
منظوم خاطره‌ار ۲۵۹
منظومه در یتیم: نمایشنامه‌ای منظوم از زمان هارون الرشید ... ۱۴۳
مونس العشاق: به انضمام شرح مونس العشاق ۸۱
مهاجر غوشلار: مجموعه اشعار ۲۶۰
میلاد پرواز ۱۴۴
نامه به فلیسه ۲۳۳
نامه‌های جلال آل احمد ۲۰۲
نبرد گجستان (بازگویی هنرمندانه‌ی دل‌بستگی‌ها و دل‌آوری‌های عشایر بویراحمد، ممسنی، کهکلیویه و قشقای ... ۱۹۱
نقد آثار احمد محمود ۱۹۲
نقد ادبی: جستجو در اصول و روشها و مباحث نقدی با بررسی در تاریخ نقد و نقادان (جلد ۱ و ۲) ۱
نگاه آفتاب (مجموعه داستان) ۱۹۳
نگرشی بر روزنامه‌های فکاهی ایران ۲۰۳
نمایشنامه: رعنا ۱۵۱
نوای غزل: برگزیده بهترین غزلیات شعرائ غزل‌سرا ۴۸، ۴۹
نوبل و بنیاد نوبل به انضمام: اسامی و تصاویر برندگان جایزه نوبل ادبیات (۱۹۰۱ - ۱۹۹۹) ۲۱۳
نوشتن، همین و تمام، آبان، ساپانا، داوید ۲۳۹
نیک آن باشد که انجامش نکوست ... ۲۲۲
نیلا ۱۹۴
نیلوفر مرداب ۱۹۵
و من مردم ... (رمان): بر اساس کتاب

"سیاحت غرب" اثر آقاجقی قوجانی
۱۹۶
واژه‌نامه اصطلاحات ادبی: انگلیسی
فارسی، فارسی انگلیسی
۲
"ورق پاره‌های تهران"
۱۹۷
روینیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد
۲۴۲
هفت بیانه در قلمرو عشق
۱۴۵
هفت راز موفقیت: داستانی از امید و
آرزو
۲۲۸
هنر
۲۳۶
هیمة تلخسوز
۱۹۸
یادت میاد...؟
۱۴۶

نمایه پدیدآور

آتش‌فرز، غلامرضا
۲۱۳
آریان‌فر، محمدرضا
۱۰۵-۱۳۵
آزاد، پیمان
۱۰۸
آسیموف، آیزاک
۲۱۵
اصف‌قهرخی، علی‌محمدین محمد
ابراهیم
۸۳
آل‌احمد، جلال
۱۵۷-۱۷۵
آل‌طعمه، عدنان محمد
۲۴۸-۲۴۸
آموزگار، راند
۱۷۸
آیتی، عبدالمحمد
۲۳۷
ابتهاج، هوشنگ
۱۱۴
اتابکی، پرویز
۵۱
اثنی‌عشری، جمشید
۱۷۳
احمدنژاد، کامل
۵۵
احمدی، پگاه
۱۱۶
احمدی، صدیقه
۱۷۸
اختری‌راد، پویک
۱۴۸-۲۳۶
ادنی، علی محمد
۷۰
ارژنگ، شهلا
۱۵۸-۲۲۸
استون، ایروینگ
۲۱۷
استیل، دانیل
۲۱۸
اسلامیه، مصطفی
۲۳۳
اسماعیلی، عباس
۱۰۹
اعتمادی، فریبرز
۲۰۱
اعطارشقی، نوید
۲۱۳
افخمی‌عقدا، جواد
۱۸
افشار، حمیده
۱۴۱
افشاری، محمدرضا
۶۷-۶۸
اکرامی، محمود
۱۳۳
امامی، گلی
۲۲۴
امامی، نصرالله
۵۰
امیرحسینی، یزرو
۱۴۷
امیری‌اسفندقه، مرتضی
۱۲۸
امین‌احمدزازی
۳۱-۳۲-۳۳
اندردی، اصغر
۱۰۸-۲۲۳
انوری، حسن
۵۲
اوتله، رتال
۷
اوستین، جین
۲۲۶
ایبرس، گئورگ
۲۳۰
ایشچی، عبدالمجید
۲۶۰
ایخان‌زاده، مصطفی
۲۵۳
ایمانی‌ایمانلو، کورش
۱۰۱
باباطاهر
۵۷
بارتول، ولادیمیر
۲۴۵
بازاری، مهرداد
۲۳۴-۲۳۵
باقری، علی
۱۵
باوم، لایمن فرانک
۲۱۴
بذری، محمود
۲۷
بردبار، مرجان
۲۳
برکه‌اشامی، حسین
۲۴۹-۲۵۰

برلین، آریازا
۲۴۶
برهان‌لیمودهی، تیمور
۷۳
بلورین، مهدی
۱۲۵
بورخس، خورخه‌لوئیس
۲۴۱
بورنوف، رولان
۷
پهزاد، محمود
۲۱۷
پهزاد، محمدعلی
۱۶۸
پهشتی، محمد
۴۱-۷۳
پهمنی، محمدعلی
۱۲۱
پهنود، مسعود
۲۰۱
پاشا، ولی‌الله
۱۱۳
پاشاه، ولی‌الله
۱۲۳
پورخانی، نادر
۱۶
پوررضا، داریوش
۱۴۴
پورعلی، احمد
۱۶
پورمقدم، یارعلی
۱۶۷
پیماستر، بی‌بی
۶
تاپشیان، زهرا
۱۵۸
تویسرکانی، عبدالملکی
۷۳
ثامنی، نسرین
۱۵۳-۱۸۱-۱۸۸-۱۹۵
ثروت، منصور
۵۹
جامی، نسترن
۲۲۶
جزایری، ارمغان
۱۸۳
جعفری، محمود
۲
جعفری‌جوزانی، فتح‌الله
۲۱۶
جلالی‌قراغانی، بهاره
۱۹۴
جلیلی، رویا
۲۳۵
جوادی، محمدرضا
۲۹
جهانزاده، جمشید
۱۴۷
جهانشاهی، جاهد
۲۲۹-۲۴۰
جیروودی، کاظم
۱۶۱
چاوش‌اکبری، رحیم
۸۵
چندلر، ریموند
۲۱۶
حافظ، شمس‌الدین محمد
۶۹-۷۱-۷۲
حالت، ابوالقاسم
۲۱۴
حجازی، آرش
۲۴۲
حجتی‌طباطبایی، افسانه
۱۰۶
حدادسامانی، فریدون
۸۲
حسن‌پورضیایی، گلایول
۹۶
حسین‌زاده، هاید
۱۹۰
حسینی‌اندروز، حسن
۱۱۳
حشمت‌زاد، امیرشمس‌الدین
۱۵۶
حقوقی، محمد
۹۰
حمیدی‌شیرازی، مهدی
۹۳
حمیدیان، سمید
۶۰
حیدرنیاز، فاطمه
۲۴-۲۵
حیدری، جمال
۱۹۶
حیدری، حمیرا
۱۸۲
خادمی، مریم
۱۱۷
خبازی‌کناری، مهدی
۱۳۷
خدایی، جلال
۲۳-۲۴-۲۵
خرازی، جعفر
۲۴-۲۵
خسرویندی، رویا
۱۶۶
خسروینجندی، رویا
۱۰۳
خلخال، نازیلا
۷
خلیلی، محمد
۱۱۹
خواجوی‌کرمانی، محمودین علی
۷۹
خوانساری، نیلوفر
۴
خیام، عمرین ابراهیم
۵۶-۵۷
دانش، سیاوش
۱۴۳
دانش، محمدعلی
۱۱۰
دانشور، سیمین
۱۶۳
درفشی، مظفر
۲۵۹
دریابندری، نجف
۲۴۶
دزفولیان، کاظم
۶۵-۶۶
دستغیب، عبدالغنی
۱۹۲

دفتری، پیمان
۲۹
دلاور، پروانه
۹۵
دوراس، مارگاریت
۲۳۸
دوراس، مارگریت
۲۳۹
دوموریه، دفتی
۲۲۵
دهباشی، علی
۲۰۲
رجب‌زاده، شهرام
۸۳
رحیمی، فهیمه
۱۸۵
رخیمی، محمدرضا
۱۷۹
رزاقی، اعظم‌السادات
۱۳۶
رزمجو، حسین
۴۵
رزمجویی، محمدرکرم
۱۹۱
رستمی، حمیده
۲۲۸
رضا، یاسمینا
۲۳۶
رضازاده، مهدی
۱۲۲
رمضان‌زاده، حمیدرضا
۱۸
رمضانی، فروغ
۱۹۸
روبین، قاسم
۲۳۹
روحانی، عصمت‌(بهار)
۱۵۱
روشن‌زاده، پیمانه
۱۹۳
رومی، سیروس
۸۹
ریاحی، مرجان
۱۵۵
زاهدی، تورج
۱۶۲
زرگر، مسعود
۲۱۳
زرین‌کوب، عبدالحسین
۱
زمانی، کریم
۶۲
زینالی‌آلنی، عسکر
۳۳
ژاگو، پل
۴
ژولیده‌نیشابوری، حسن
۴۱
سارلی، اراز محمد
۲۵۴
ساکی، صادق
۲۲۵
ستارزاده، عصمت
۷۵-۷۶-۷۷-۷۸
ستوده، هدایت‌الله
۲۸
سعدی، مصلاح‌بن عبدالله
۶۱-۲۰۷-۲۰۸
سعیدپور، سعید
۳
سقالی، یوسف
۲۵۸
سلطانی، سعید
۲۶
سلطانی‌گردفرامزی، علی
۱۴
سلطانی، محمود
۲۴۴
سلیمان‌پور، علی‌اکبر
۱۰۲
سمیعی، احمد
۵
سنگری، محمدرضا
۱۰۶
سودی، محمد
۷۵-۷۶-۷۷-۷۸
سونتی، فروغ
۱۳۹
سوفوکلس
۲۴۳
سیداشرف، جواد
۲۳۰
سیدحسینی، کاوه
۲۴۱
شائق‌قمی، محمد
۴۳
شاپیرو، کارل
۲۲۱
شادروان، عباس
۱۸۴
شبر، محمدامین
۱۰
شریفیان، عبدالحسین
۲۳۱
شمار، جعفر
۵۲-۵۵
شکسپیر، ویلیام
۲۲۲
شمس‌انصاری، سعید
۱۳۸
شهزادی، مظفرالدین
۲۸
شهدی، پرویز
۲۳۸
شهریار، محمدحسین
۱۱۱-۱۱۲
شیخ‌محمدی، رضا
۵۷
شیرازی، سعادت
۲۲۱
شیرازی، مکتبی
۸۰
شیرمحمدی، فضل‌الله
۲۱-۲۲
صادقی، امیر
۷۰
صادقی، علیرضا
۶
صالحی، بهمن
۱۳۲

صالحی، علی
۲۹
صباح، سعاد
۹۵
صبور، داریوش
۲۳۸
صدری، جمال
۲۳۹
صدیقیم، فریبا
۲۲۵
صعودی، ایرج
۲۰۲
صوفی‌راد، عبدالقهار
۸۳
ضابطی‌چهرمی، احمد
۱۸۵
طاہر، بابا
۱۷۹
طاہری، محمدرضا
۱۳۶
ططری، اسماعیل
۴۵
ع.ف.
۱۹۱
عابدی، محمود
۲۲۸
عابدینی‌مطلق، کاظم
۲۳۶
عاطفی، افشین
۱۲۲
عالمگیرتهانی، محمد
۱۸
عالی‌پیام، ماشاالله
۱۹۸
عامری‌مهابادی، میترا
۲۳۹
عباسی، شهاب‌الدین
۱۵۱
عربشاه‌یزدی، عمادالدین
۱۹۳
عسکری، علی
۸۹
علوی، رضی
۱۵۵
علی‌بابائی، داود
۱۶۲
علی‌پور، منوچهر
۲۱۳
علی‌شاهی، سودابه
۱
علیپور، منوچهر
۶۲
علیزاده، بهرام
۳۳
عمادالدین‌کاتب، محمدین محمد
۴
عمان‌سامانی، نورالله بن عبدالله
۴۱
عموانی، غلامحسین
۲۲۵
عیسی‌بیگی، نصرت
۷۵-۷۶-۷۷-۷۸
غزلی، طیبیه
۲۸
غفاری، علی‌اصغر
۶۱-۲۰۷-۲۰۸
غلامی، مهوش
۳
غنی، قاسم
۲۵۸
غیاثی‌نژاد، هوشنگ
۲۶
فاتحی‌نیکو، فریبا
۱۴
فاخوری، حنا
۲۴۴
فراسمی، جلال
۱۰۲
فرامرزی، حسن
۵
فرامرزی، عبدالرحمن
۱۰۶
فرخزاد، فروغ
۷۵-۷۶-۷۷-۷۸
فردوسی، ابوالقاسم
۱۳۹
فرزاد، شاهرخ
۲۴۳
فرساد، مهدی
۲۳۰
فروزانفر، محمدحسن
۲۴۱
فروغی، محمدعلی
۴۳
فری‌من، سینتیا
۲۲۱
فریزر، چارلز
۱۸۴
فولز، جان
۱۰
فیض‌جوادیان، جعفر
۲۳۱
قائم، پروین
۵۲-۵۵
قبادی، ایرج
۲۲۲
قدیری، نسرین(کافی)
۱۳۸
قدیمی، فریدون
۲۸
قراچه‌داغی، مهدی
۲۳۸
قرخلر، احمد
۱۱۱-۱۱۲
قزوینی، محمد
۵۷
کازانتز‌اکیس، نیکوس
۲۲۱
کاظمی، محمدکاظم
۸۰
کافکا، فرانتس
۲۱-۲۲
کاکانی‌دهکردی، رضا
۷۰
کامران‌ور، احد
۶
کامه‌خوش، علی
۱۳۲
کریمی، حمید

کلاهی‌اهری، محمداقرا
۱۲۶
کمال، یاشار
۲۵۳
کوتیلو، پاتولو
۲۳۲
کیانپورقهرخی، سمید
۸۳
گروه‌دایره‌المعارف‌برندگان‌نویس
ادبیات
۲۱۳
گروه فرهنگی مجمع عاشقان حضرت
محسن (ع)
۴۲
گلشیری، هوشنگ
۱۹۹-۲۰۰
گوارسکی، جیوانینی
۲۳۰
گوته، تنوفیل
۲۳۷
گورد، یاستین
۲۳۳-۲۳۵
لاچوردی، حسن
۱۹
لارنس، دی.اچ.
۳
لطفی، علیرضا
۱۸۶
ماهیار، عباس
۱۲
مایله‌روی، نجیب
۸۱
مباش، محمدرضا
۲۴۵
مهرن‌غمگین، ابوالقاسم
۱۶۰
مجیدی، علی
۱۴۶
محبی، نصرت‌الله
۲۰
محمدی، جلال
۲۵۲
محمدی، محمدهادی
۲۱۲
محمدی، ولی
۲۵۵
محمدی‌گرمساری، حسن
۹۹
محمود، احمد
۱۷۰
مختاری، محمد
۱۱۸
مددی‌یان‌پاک، طاهره
۳۵
مرادی، حسن
۱۰۱
مراغی‌ای، زین‌العابدین
۲۰۹
مراقبی، غلامحسین
۲۰۳
مسعودی، امید
۱۸۷
مسکوب، شاهرخ
۲۴۳
مشیری، فریدون
۹۱-۱۳۵
مصدق، حمید
۱۰۳
مظهری، حمید
۷۹
معتضد، خسرو
۲۲۳
معتضد، ماندانا
۲۲۳
معتضد، میترا
۲۲۳
معتفک، نفیسه
۲۲۸
معیری، محمدحسین
۸۸
ملک‌زاده، حسن
۱۹۷
منتظر، محمد
۳۸-۳۹-۴۰
مودیان، داریوش
۲۳۶
موزن، مهدی
۸۷
موسویان‌فر، فریده
۹۸
مولایور، فرهنگ
۳۵
مولوی، جلال‌الدین محمدین محمد
۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸
مهاجرانی، عطاءالله
۵۳
مهدوی، محمود
۱۶۴
مهدوی‌دامغانی، فریده
۲۲۲-۲۳۷
مهران‌نژاد، اصغر
۱۰۷
میرجعفری، اکبر
۱۰۶
میرخانی، اشرف‌السادات
۱۲۵
میرشکار، میترا
۲۲۷
میله، هنری
۲۲۱
ناطق، محمداسماعیل
۴۷
نبوی، ابراهیم
۲۰۳-۲۰۵
نجفی‌سوها"سختور"، اسکندر
۱۴۲
نژادفرزستانی، اسماعیل
۷۱-۸۵
نصیریان، علی
۱۴۸
نظافت، مجید
۱۳۱
نظامی، الیاس‌بن‌یوسف
۶۰
نظری، حجت
۱۲۷
نورمحمدان، نسرین
۱۷۹

۱۰	محمد امین شیر: قم	۵۴-۵۶	شهرام: تهران	۲۴۹-۲۵۰	دارالاسلام: قم	۱۹۸	افلاک: خرم آباد	۹۷	نیرو، سیروس
۲۰۹	محور: تهران	۱۱۰	شهریور: تهران	۱۲۱	دارینوش: تهران	۱۹۴	اقاقی: تهران	۶۵	نیکلسون، رینولدالین
	مختومقلی فراغی: گنبدکاووس	۹۶	شیدا: تهران	۶۷-۶۸-۲۱۰	درنا: تهران	۲۵۲	اکسیر: تبریز	۲۳	واحدیان، فاطمه
۴۴-۱۱۵-۲۵۶-۲۵۸-۲۶۰		۹۳	صدای معاصر: تهران	۶۹	دژ: تهران	۱۵۸-۱۸۳	البرز: تهران	۲۲۸	ویستر، ریچارد
۵	مرکز نشر دانشگاهی: تهران	۱۴۰	صدرا: تهران	۲۵۱	دستان: تهران	۱۷۲-۱۷۷	امید فردا: تهران	۱۵۹	وحدتی، ناصر
۱۳۵-۲۱۷	مروارید: تهران	۶۵-۶۶	طلایه: تهران		دفتر نشر میراث مکتوب، آینه میراث:	۱۵۹-۶۱-۲۰۸	امیر کبیر: تهران	۶۰	وحید دستگردی، حسن
۱۵۵	مشیانه: تهران	۱۰۹	عباس اسماعیلی: تهران	۸۰-۲۴۸	تهران	۶۳	امیر مستعان: تهران	۲۳۲	ولف، مارکوس
۷۴	مطبوعات حسینی: تهران	۱۶۹	عطایی: تهران	۴۷	دنیای هنر: تهران	۱۴۸-۲۳۶	امیرخانی: تهران	۵۸	هاشم پور سبحانی، توفیق
۲۵۹	مظفر درفشی: تهران	۱۸۹-۲۰۱	علم: تهران	۲۲۳	دور دنیا: تهران	۱۵۱	انتشارات تنکابن: تنکابن	۲۲۳	هال، اوستین
۱۷۰-۱۹۲	معین: تهران	۱۶۵	علمی: تهران	۸۳	ذکر: تهران	۱۲۰	انتشارات کرمانشاه: کرمانشاه	۲۲۴	هریس، مری کتلین
۲۰۳	ملک: تهران	۸۲	عمان سامانی: شهرکرد	۱۷۱	راهگشا: شیراز	۱۴۹	انتشارات یزد: یزد	۲۲۹-۲۳۱	همه، هرامان
۲۱-۲۲	منتشران: تهران	۲	فارس: شیراز	۱۵۳	راهیان اندیشه: تهران	۲۱۹	اوحدی: تهران	۱۳	همایی، جلال الدین
۲۷	موسسه علمی آینده سازان: تهران	۲۹	قام آوند: تهران	۱۴۴-۱۵۹	رود: تهران	۸۷	ایران جام: تهران	۱۷۳	همایی راد، گلایل
۸۱	مولی: تهران	۱۶۱	فرا دید: تهران	۲۰۴-۲۰۵	روزنه: تهران	۲۱۱	باغ ابریشم: کرمانشاه	۱۵۰	همتی، اسماعیل
۲۲۱	مهد مینا: تهران	۱۵۷-۱۶۲-۱۷۵	فردوس: تهران	۲۱۶	روزنه کار: تهران	۱۱۷-۲۰۲	به دید: تهران	۱۳۴	یاسمی، بهروز
۷۲	میلاد: تهران	۵۱	فرزان روز: تهران		روشنگران و مطالعات زنان: تهران	۹۵-۱۰۵	پاسارگاد: تهران	۲۰	یاسینی، حسن
۱۰۱	ندای حق: تهران	۱۷۸	فرهنگ و هنر: تهران	۱۰۲		۱۰۷-۱۱۳-۱۲۳-۱۳۷-۱۴۵-۲۱۵			
۹۱	نشر چشمه: تهران	۱۵۲	فکر روز: تهران	۱۰۴	زریاب: تهران	۱۰۰	پامچال: تهران		
۳-۷	نشر مرکز: تهران	۱۸۶	فن آوران: تهران	۷۵-۷۶-۷۷-۷۸	زرین: تهران	۲۲۹-۲۴۰	پانید: تهران		
۱۵	نغمه: تهران	۴۳-۴۶	فواد: تهران	۱۱۱-۱۱۲-۲۳۰		۱۶۸	پروان: تهران		
۳۵	نقش و نگار: تهران	۱۲-۵۲-۵۵-۵۸-۶۰	قطره: تهران	۴۸-۴۹-۹۴-۱۸۲	زرین قلم: تهران	۱۵۴-۱۸۱-۱۸۸	پریا: تهران		
۷۵-۷۶-۷۷-۷۸	نگاه: تهران	۴-۲۳۸	ققنوس: تهران		سازمان پژوهش و برنامه ریزی	۱۲۲	پونه: تهران		
۱۱۶-۱۱۹-۱۸۰	نگاه سبز: تهران	۱۹۰	قلمزن: تهران	۱۸	آموزشی، انتشارات مدرسه: تهران	۸۴-۱۴۳	پیام علم و هنر: تهران		
۱۱۱-۱۱۲	نگین: تهران	۱۰۶	قو: شیراز	۱۵۰-۲۰۷	سبز آرنک: تهران	۲۵۷	پیری: تهران		
۱۲۵	نوشه: تهران	۱۹۱	کارنگ: تهران	۱۷۳	ستایش: تهران		پیکان: تهران		
۸۹	نوید: شیراز	۲۴۲	کاروان: تهران	۸۶-۱۱۴	سخن: تهران	۱۷-۱۰۸-۱۷۶-۲۲۰-۲۲۸	تابان: تهران		
۲۲۶	نهاد نویدان: تهران	۱۴۷	کاکتوس: تهران	۶	سرمدی: تهران	۱۱۰	توس: تهران		
۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰	نیستان: تهران	۲۶	کانون فرهنگی آموزش: تهران	۱۴۱	سرواد: تهران	۱۱۸-۲۴۷	تیر: اهواز		
۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۸۷	نیلوفر: تهران	۹۶	کتاب خورشید: تهران		سروش: تهران	۲۲۲-۲۳۷	تیر: اهواز		
		۹	کتاب فردا: تهران	۳۱-۳۲-۳۳-۱۳۸-۲۱۲	سناه: تهران	۲۴۵-۲۵۳	تالک: تهران		
۱۹۹-۲۰۰-۲۳۳-۲۳۹-۲۴۱		۲۱۸	کوشش: تهران	۳۰	سنای: تهران	۵۰-۲۴۴	جامی: تهران		
۲۲۷	واژه آرا: تهران	۲۳۵	کیمیا: تهران	۴۱-۷۳	سیروس نیرو: تهران	۹۲	جستجو: تهران		
۲۳-۲۴-۲۵	ورای دانش: تهران	۱۸۲-۱۹۷	گل بخ: تهران	۹۷	سیمرو: تهران	۲۸-۳۹-۴۰	جوان: تهران		
هرمس، کتابهای کیمیا: تهران		۲۰۶	گلنار: تهران	۱۳۹	سیمین قلم: تهران	۱۷۴-۱۹۶	جهان کتاب: تهران		
۲۱۴-۲۲۴-۲۳۴		۸-۱۳۶	گوهر منظوم: تهران	۴۸-۴۹-۱۹۰	شبنم دانش: تهران	۱۸۵-۱۹۵	چکاوک: تهران		
۱۳	هما: تهران	۱۲۷	ماهیدشت: کرمانشاه	۲۲۵	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی:	۱۲۴	چوبک: رشت		
۹۰-۱۲۶-۱۸۴	همراه: تهران	۱۴	مبتکران: تهران	۲۱۴-۲۲۴	تهران	۴۲	حق بین: قم		
۷۱-۲۵۵	یاسین: تهران		مجمع قرآنی شیعه علی (ع) (مقتض)	۱۰۳	شقایق: تهران	۷۹	خدمات فرهنگی کرمان: کرمان		
۱۶۶	یسنا: تهران	۱۵۶	تهران	۲۰	شورا: تهران	۱۶۳-۲۴۳-۲۴۶	خوارزمی: تهران		
۱۱	یکتا: اصفهان	۸۵	محمد: تهران			۷۰	خوشه: تهران		

نمایه ناشر

۱۶۰	آبرنگ: تهران
۸۸	آبیاز: تهران
۹۸	آترویات: تهران
۲۱۳	آتنا: تهران
۳۴-۱۴۲-۱۶۴	آذر سیلان: اردبیل
۱۶۷	آروچ: تهران
۱۶-۱۹	آزمون: تهران
۱۹۳	آشنایی: تهران
۱۷۹	آفتاب نقش: تهران
۵۷-۹۹	آفرینه: تهران
۲۸-۴۵	آوای نور: تهران
۱۴۶	آویژه: تهران
۳۶-۳۷	ابن سینا: تهران
۲۵۴	اراز محمد سارلی: گنبدکاووس
۶۴	ارمغان: تهران
۲۳۱	اساطیر: تهران
۵۳-۶۲-۲۳۲	اطلاعات: تهران



چاپ اول

۱- زبان و مسایل دانش.
نوم چامسکی؛ مترجم: علی درزی - تهران: آگاه - ۲۴۸ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
Language and problems of knowledge ...
شابک: ۸-۸۷-۴۱۶-۹۶۴



کتاب حاضر شامل مجموعه سخنرانی‌های «نوم چامسکی» بنیان گذار دستور زایشی است که در سال ۱۹۸۶ میلادی در نیکاراگوئه تحت عنوان: Language and Problems of Knowledge ایراد شد. چامسکی در این مقال مسائل بنیادی دانش بشر را در ارتباط با دانش زبان بحث و بررسی کرده است. «برنامه تحقیقاتی زبان شناسی جدید»، «اصول ساخت زبان» و «چشم‌اندازهای مطالعه ذهن» مباحث اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد. انتهای کتاب مشتمل است بر: چند پرسش و پاسخ در خصوص زبان، کارکردها و مفاهیم پیچیده آن، واژه‌نامه، و نمایه.

۲۱۲ واج‌شناسی (فونولوژی)

۲- آواشناسی (فونتیک).
علی محمد حق شناس - تهران: آگاه - ۲۰۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۲۰۰ نسخه. - شابک: ۵-۰۰۴-۴۱۶-۹۶۴

زبانهای ایرانی ۲۱۱

چاپ اول

۳- آموزش گام به گام زبان فارسی (۵) سال سوم نظام جدید «روشته ادبیات و علوم انسانی».
حسن لاجوردی - تهران: آزمون -

۲۵۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. - شابک: ۱-۶۷۳-۴۶۱-۹۶۴

۴- خودآموز گام به گام زبان و ادبیات فارسی (۱) «عمومی» دوره پیش دانشگاهی.

حسن لاجوردی - تهران: آزمون - ۲۷۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۱۰۰۰۰ نسخه. - شابک: X-۵۰۰-۴۶۱-۹۶۴

۵- زبان و تفکر (مجموعه مقالات زبان‌شناسی).

محمدرضا باطنی - تهران: آبانگاه - ۲۳۲ ص. - رقی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۲۰۰ نسخه. - شابک: ۴-۹۰۲۰۹۰۳-۹۶۴

چاپ اول

۶- زبانهای ایرانی.
یوسف میخائیلویچ ارانسکی؛ مترجم: علی اشرف صادقی - تهران: سخن - ۲۱۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. - شابک: X-۲۴-۶۹۶۱-۹۶۴



در این کتاب که متن روسی آن در سال ۱۹۳۶ م در مجموعه‌ای تحت عنوان «زبان‌های آسیا و آفریقا» منتشر شده، مولف، خانواده زبان‌های ایرانی و مواد اساسی مربوط به فقه‌الفقه و زبان‌شناسی این زبان‌ها را معرفی کرده است. کتاب حاضر، از روی ترجمه فرانسوی و مقابله با اصل روسی به فارسی برگردانده شده است. کتاب با مقدمه پروفیسور «لازار»، مقدمه مترجم فرانسوی و مولف آغاز می‌گردد. فصل نخست کتاب شامل اطلاعاتی است درباره خانواده زبان‌های ایرانی، و فصل دوم به معرفی زبان‌های ایرانی باستان اختصاص یافته است. مباحث بعدی کتاب عبارت‌اند از: زبان‌های ایرانی میانه، زبان‌های ایرانی نو، کلیاتی راجع به طبقه‌بندی تاریخی و گویش شناختی زبان‌های ایرانی. در پایان کتاب «کتاب‌نامه اساسی» به زبان لاتین به چاپ رسیده است.

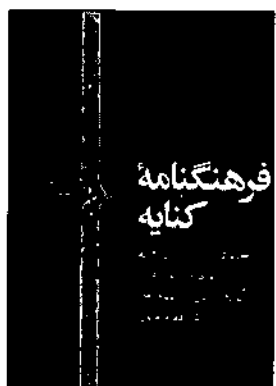
۷- فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی، و اصطلاحات علمی و ادبی.

حسن عمید - تهران: امیر کبیر - ۱۲۹۲ ص. - جیبی (گالینگور). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ چهاردهم / ۴۰۰۰ نسخه. - شابک: ۱-۱۷۹-۰۰۰-۹۶۴

۸- فرهنگ فارسی به فارسی.
حسینعلی وکیل؛ مصحح: عباس ایمانی - تهران: در - ۶۹۶ ص. - جیبی (سلفون). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۵۰۰ نسخه. - شابک: ۴-۹۰۸۵۷-۳-۹۶۴

چاپ اول

۹- فرهنگ‌نامه کنایه: به انضمام گفتارهایی در باب کنایه و حدود... منصور میرزائی - تهران: امیر کبیر - ۱۰۵۴ ص. - وزیری (گالینگور). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. - شابک: ۳-۰۵۳۶-۰۰۰-۹۶۴



کتاب، متضمن دو بخش است. بخش نخست، فرهنگ القیابی نمونه‌های متعددی از کنایات فارسی است که به نوعی در حوزه شعر و نثر فارسی وارد شده است. روش آوردن کنایه‌ها - به جز کنایه‌های وصفی مانند: تلخ و ش (شراب) - به صورت مصدر یا گروه مصدری است؛ همچون: نان شکستن (طعام خوردن)، یا دندان سپید کردن (خندیدن) که برای هر یک از این کنایات، نمونه‌ای از شعر یا نثر فارسی، همراه با مآخذ آن، درج شده است. بخش دوم کتاب مشتمل است بر: دیباچه‌ای بر علم بلاغت؛ پیش‌گفتاری انتقادی - تحلیلی درباره پیشینه کنایه؛ تعریف و شرح کنایه؛ گفتاری پیرامون کنایه و استعاره تمثیلی؛ بحثی درباره بلاغت و کاربرد کنایه در ادبیات فارسی با عنوان «چرا کنایه؟»؛ تقسیم‌بندی‌های کهن کنایه؛ کنایه در قلمرو زمان؛ ژرف‌شناسی

کنایه؛ ساختار دستوری کنایه؛ واژگان کنایه‌ساز؛ بحثی در باب مجاز و کنایه؛ کنایه‌های ویژه؛ و یک کنایه چند مفهوم؛ یک مفهوم چند کنایه.

دستور زبان فارسی ۲۱۵

چاپ اول

۱۰- دستور جامع زبان فارسی همراه با پرسش‌های چهارگزینه‌ای تفکیکی استاندارد شده از...
مهرانگیز نوبهار - تهران: علوی - ۲۴۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۹۶۴-۳۱۰-۹۷۴-۷

۱۱- دستور زبان فارسی: با حل تمرینات و معنی لغات و تصحیح اغلاط.

عبدالعظیم قریب ... (و دیگران)؛ زیر نظر: سیروس شمیس - تهران: فردوس - ۲۵۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۵۰۰ نسخه. - شابک: ۳-۰۳-۵۵۰۹-۹۶۴

گویشهای ایرانی ۲۱۸

چاپ اول

۱۲- دستور کامل زبان کردی.
محمدتقی ابراهیم پور ... (و دیگران). - تهران: ایران جام - ۱۶۰ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. - شابک: ۳-۰۳-۹۱۴۴۹-۹۶۴

واژه‌نامه‌های زبان انگلیسی ۲۱۳

چاپ اول

۱۳- چطور به انگلیسی می‌گویند: How do you say this is english ...
اندی احمد میراسکندری - تهران: عباسی - ۴۸۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. - شابک: ۴-۱۷-۶۲۵۸-۹۶۴

چاپ اول

۱۴- فرهنگ اختصارات انگلیسی - فارسی، عمومی - پزشکی.
محمود نادعلی - تهران: آرون. - ۱۰۵۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۷۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰

نسخه.

عنوان به لاتین :

The english - persian
abbreviations dictionary
general...

شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۳-۵-۳

۱۵- فرهنگ اصطلاحات فارسی -
انگلیسی، انگلیسی - فارسی.اکبر میرحسینی - تهران: زبان نوین -
۲۰۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰
ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۲۱۵-۱-۴

چاپ اول

۱۶- فرهنگ اصطلاحات فارسی به
انگلیسی.گردآورنده: علیرضا رضانی، امیر
کاردانپورتهانی - تهران: امیر
کاردانپورتهانی - ۴۷۴ ص. - وزیری
(شمیز). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول
/ ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین :

A dictionary of idiomatic
english: persian to english
شابک: ۹۶۴-۳۳۰-۶۲۳-۲-۲۱۷- فرهنگ آلبرز جیبی کوچک
انگلیسی - فارسی: پر مبنای
فرهنگ آکسفورد جیبی.سیف غفاری - تهران: پیکان. - ۶۱۶
ص. - جیبی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. -
چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین :

Alborz learner's pocket
dictionary: english - persian
شابک: ۹۶۴-۶۷۴۳-۷۸-۱-۱۱۸- فرهنگ جیبی فارسی به
انگلیسی یکجلدی.عباس آریانپورکاشانی، منوچهر
آریانپورکاشانی - تهران: امیر کبیر -
۱۰۶۸ ص. - جیبی (گالینگور). -
۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۴۰۰۰
نسخه.

عنوان به لاتین :

The pocket persian english
dictionary
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۱۳۹-۲-۲۱۹- فرهنگ کوچک انگلیسی -
فارسی.سلیمان حیم؛ ویراستار: محمدرضا
باطنی، شیوا رویگریان، محمد
افتخاری - تهران: فرهنگ معاصر -
۷۷۲ ص. - جیبی (گالینگور). -
۱۶۵۰۰ ریال. - چاپ نوزدهم /
۱۰۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین :

The shorter english persian
dictionary
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۵-۰۴-۸-۸

۲۰- فرهنگ کوچک انگلیسی

فارسی.

علی اصغر منتظم - تهران: خوشه -
۱۱۰۶ ص. - جیبی (گالینگور). -
۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰
نسخه.

عنوان به لاتین :

English - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۶۸۰۳-۰۵-۹-۹۲۱- فرهنگ همسفر پیشرو
آریانپور: انگلیسی - فارسی.منوچهر آریانپورکاشانی - تهران:
جهان رایانه. - ۵۳۶ ص. - جیبی
(شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ سوم /
۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین :

The aryanpur progressive
english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۵-۵۷-۵-۵۲۲- فرهنگ همسفر پیشرو
آریانپور: انگلیسی - فارسی.منوچهر آریانپورکاشانی - تهران:
جهان رایانه. - ۵۳۶ ص. - جیبی
(شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم
/ ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین :

The aryanpur progressive
english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۵-۵۷-۵-۵۲۳- فرهنگ همسفر پیشرو
آریانپور: انگلیسی - فارسی.منوچهر آریانپورکاشانی - تهران:
جهان رایانه. - ۵۳۶ ص. - جیبی
(شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ
ششم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین :

The aryanpur progressive
english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۵-۵۷-۵-۵

چاپ اول

۲۴- واژه سازی و واژگان انگلیسی
کتابهای پیش دانشگاهی =Word formation and vocabulary
in ...
جمشید دیندوست - تهران: پیک
ستاره دانش. - ۸۸ ص. - وزیری
(شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول.
شابک: ۹۶۴-۹۲۲۴۸-۲-۳۲۵- واژه نامه
Oxford progressive english courseتسویه وتنظیم: فرهاد یوسفی -
[بی جا] [بی نا] - ۱۸۴ ص. - وزیری
(شمیز).26- Handy learner's dictionary
of american english.تهران: استیری. - ۵۰۸ ص. - پالتویی
(شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم
/ ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۵۰۹-۰۰-۰-۰

27- Harrap's basic english
vocabulary.Michael Winter, P.H. Collin
تهران: شهر آب. - ۳۲۶ ص. - جیبی
(شمیز).28- Harrap's english
synonyms.John O.E. Clark
آب. - ۴۴۴ ص. - جیبی (شمیز).

29- Harrap's english usage.

John O.E. Clark
آب. - ۴۴۸ ص. - جیبی (شمیز).

چاپ اول

30- Oxford advanced learner's
dictionary of current english.Albert Sydney Hornby
ویراستار: Jonathan Crowther
تهران: قلمزن، زرین قلم. - ۱۴۳۸
ص. - وزیری (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال.
- چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.31- Oxford advanced learner's
dictionary of current english.Albert Sydney Hornby
ویراستار: Jonathan Crowther
تهران: جهان دانش. - ۱۴۴۴ ص. -
وزیری (سلفون). - ۴۲۰۰۰ ریال. -
چاپ سیزدهم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

32- Oxford advanced learner's
dictionary of current english.ویراستار: Jonathan Crowther
تهران: بوستان. - ۱۴۴۰ ص. - رقی
(گالینگور). - چاپ اول / ۵۰۰۰
نسخه.

دستور زبان انگلیسی

۲۱۵

۳۳- آزمون های چهارگزینه ای
زبان انگلیسی ترم ۳ (سوم)دبیرستان) با پاسخ تشریحی.
کهرم ستاربروجنی - اصفهان:
یکتا. - ۱۰۶ ص. - وزیری (شمیز). -
۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰
نسخه.

عنوان به لاتین :

English tests for students of
universities
شابک: ۹۶۴-۹۰۲۵۲-۰۰۰-۰-۰۳۴- آزمون های زبان انگلیسی سوم
راهنمای.زهرا آریین مجد - تهران: بدر. - ۷۲
ص. - رحلی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. -
چاپ یازدهم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین :

English language tests: for the

third grade students ...
شابک: ۹۶۴-۵۷۲۹-۰۸-۴-۴۳۵- آموزش درس به درس زبان
انگلیسی سال دوم نظام جدید.امیر هوشنگ اقبالپور، باهمکاری:
امیر شناور، ویراستار: سکیه بیگم
علویان ... (و دیگران) - تهران:
آبرنگ. - ۲۴۰ ص. - وزیری (شمیز). -
۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰
نسخه.

عنوان به لاتین :

Teaching english lesson by 2
lesson
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۰۴-۹-۹۳۶- آموزش گرامر زبان انگلیسی
پایه (سال دوم راهنمایی).شبنم حسینی - تهران: شبنم دانش.
- ۱۰۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۴۵۰۰
ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۲۳۹-۲-۴۳۷- انگلیسی پیش دانشگاهی (۱
و ۲).مسعود آریانیا - تهران: مبتکران. -
۳۰۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۱۰۰۰
ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۸۶-۰۶۲-۴-۴۳۸- پرسش های چهارگزینه ای
زبان پیش دانشگاهی (۱).شهرام اناری، شهاب اناری - تهران:
اندیشه سازان. - ۲۵۶ ص. - رحلی
(شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم
/ ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۴۹-۴۹-۳-۳

۳۹- پرسش های چهارگزینه ای و
پاسخ های تشریحی انگلیسی (۱)نظام جدید = English book (I)
محمد تقی رضانی، یوسف معاونی:
ویراستار: عبدالحمید امین - تهران:
سازمان پژوهش و برنامه ریزی
آموزشی، انتشارات مدرسه. - ۱۱۲
ص. - وزیری (شمیز). - ۳۲۰۰ ریال. -
چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۳۶-۷۳۶-۷-۷۴۰- پرسش های چهارگزینه ای و
پاسخ های تشریحی انگلیسی (۱)پیش دانشگاهی.
ایرج آقایی - تهران: سازمان
پژوهش و برنامه ریزی آموزشی،
انتشارات مدرسه. - ۱۲۰ ص. - وزیری
(شمیز). - ۳۶۰۰ ریال. - چاپ سوم /
۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۳۶-۷۸۱-۲-۲

چاپ اول

۴۱- پرسش های چهارگزینه ای و
تمرین های تکمیلی زبان انگلیسی
مخصوص دوره پیش دانشگاهی ۱
و کلیه داوطلبان کنکور.انور خسروی - همدان: دانشجو. -
۱۳۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۵۰۰
ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۵۰۲-۵۷-۱-۱

چاپ اول

۴۲- جدیدترین و کامل ترین
راهنمای آموزش و آزمون های
طبقه بندی شده و استاندارد زبان
انگلیسی سال دوم اکبر میرحسینی، رامین اکبری، آریس
هاخوردیان - تهران: علوی. - ۲۱۲
ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۱۰-۰۰۰-۴-۹۴۳- خودآموز و راهنمای زبان سوم
راهنمای.محمد صالح خسروی - تهران: ایشار.
- ۲۱۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۴۰۰
ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۴۸۳-۱۱-۵-۵۴۴- راهنمای گام به گام زبان
انگلیسی (۲) دوره پیش
دانشگاهی.عبدالله قنبری - تهران: منتشران. -
۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۵۰۰
ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۱۵-۹-۹۴۵- راهنمای گام به گام زبان
انگلیسی (۲) دوره
پیش دانشگاهی.عبدالله قنبری - تهران: منتشران. -
۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۵۰۰
ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۱۵-۹-۹۴۶- راهنمای گام به گام زبان
انگلیسی سال دوم نظام جدید.عبدالله قنبری - تهران: منتشران. -
۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰
ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۱۱-۶-۶۴۷- زبان انگلیسی (۱ و ۲)
(عمومی) ویژه دانش آموزان دوره
پیش دانشگاهی و داوطلبان ورود
به دانشگاه.پرویز بیرجندی - تهران: رزمندگان
اسلام. - ۲۹۶ ص. - وزیری (شمیز). -
۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰
نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۱۴-۳۹-۸-۸۴۸- زبان انگلیسی و قواعد ساختار
جمله.رابرت کرون: مترجم: علی اکبر
جعفرزاده. - تهران: هستان. - ۴۹۰
ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال.
- چاپ دوازدهم / ۳۳۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین :

English sentence structure

شابک: ۰۰-۲۱-۶۹۶۵-۹۶۴

۴۹- زبان پیش دانشگاهی بر اساس کتاب English sentence structure (E.S.S)

احمد نصرافغانی - همدان: دانشجو - ۴۰۴ ص. - وزیری (شمیز). ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۰۰-۴۹-۶۵۰۲-۹۶۴

۵۰- گنجینه زبان انگلیسی پیش دانشگاهی قابل استفاده دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی (۱) و (۲) و ...

عبدالله قنبری - تهران: منتشران - ۴۴۸ ص. - جیبی (شمیز). ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۷۳-۶۶۶۶-۹۶۴

۵۱- گنجینه زبان انگلیسی دوره دبیرستان قابل استفاده دانش آموزان اول، دوم و سوم دبیرستان، ...

عبدالله قنبری - تهران: منتشران - ۴۱۶ ص. - جیبی (شمیز). ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۹۲-۶۶۶۶-۹۶۴

چاپ اول

۵۲- مجموعه سوالات امتحانی زبان انگلیسی (۱) (نظام جدید). عباس صفی - تهران: شورا. ۱۸۴ ص. - وزیری (شمیز). ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۱۱-۵۵۲۵-۹۶۴

چاپ اول

۵۳- مجموعه سوالات امتحانی زبان انگلیسی (۲) (نظام جدید). عباس صفی - تهران: شورا. ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز). ۷۳۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۷-۱۸-۵۵۲۵-۹۶۴

چاپ اول

۵۴- مجموعه سوالات امتحانی زبان انگلیسی (۳) (نظام جدید). عباس صفی - تهران: شورا. ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز). ۷۳۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۴-۱۸-۵۵۲۵-۹۶۴

چاپ اول

۵۵- مجموعه سوالات زبان انگلیسی بر اساس زبان انگلیسی عمومی دانشگاه پیام نور. عباس احمدی مقیم، رویا احمدوند -

همدان: میهن نو. ۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز). ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۴-X-۹۲۳۱۳-۹۶۴

۵۶- مجموعه طبقه بندی شده زبان انگلیسی نظام جدید، پیش دانشگاهی، نظام قدیم: کنکورهای سراسری و آزاد ...

گردآورنده: کریم خلیلی - تهران: کانون فرهنگی آموزش. ۳۲۸ ص. - رحلی (شمیز). ۲۳۰۰۰ ریال. - چاپ نوزدهم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۸-۲۶-۶۰۲۸-۹۶۴

۵۷- مجموعه طبقه بندی شده زبان انگلیسی نظام جدید، پیش دانشگاهی، نظام قدیم: کنکورهای سراسری و آزاد ...

گردآورنده: کریم خلیلی - تهران: کانون فرهنگی آموزش. ۳۲۸ ص. - رحلی (شمیز). ۲۶۵۰۰ ریال. - چاپ بیستم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۸-۲۶-۶۰۲۸-۹۶۴

۵۸- مفاهیم زبان انگلیسی سال دوم راهنمایی: توضیح کامل گرامر هر درس ...

قاسم عباسی، علیرضا حمزه - تهران: موسسه علمی آینده سازان. ۱۲۲ ص. - وزیری (شمیز). ۲۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۷۸-۳۲۹۹-۹۶۴

چاپ اول

59- English grammar in use: a self - study reference and ... Raymond Murphy - تهران: ساحل. ۳۶۰ ص. - وزیری (شمیز). ۹۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۸۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

60- English sentence structure. Robert Krohn [et al] - تهران: فرهنگستان زبان. ۳۲۰ ص. - وزیری (شمیز). ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

61- English sentence structure. Robert Krohn [et al] - تهران: صفار. ۳۲۰ ص. - وزیری (شمیز). ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۷-۶۲-۵۹۷۳-۹۶۴

چاپ اول

62- Essential grammar in use:

a self-study reference and practice book for ...

Raymond Murphy - تهران: استیری. ۳۰۴ ص. - وزیری (شمیز). ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

63- Harrap's english grammar. Lexus Gert Bunberg - تهران: شهر آب. ۲۵۶ ص. - جیبی (شمیز).

کاربرد زبان انگلیسی معیار

چاپ اول

۶۴- آموزش تلفظ زبان انگلیسی به شیوه گام به گام: قابل استفاده دانش آموزان دوره راهنمایی، دبیرستان، ...

عبدالله قنبری، ویراستار: علی اکبر جعفرزاده - تهران: منتشران. ۳۲۰ ص. - جیبی (شمیز). ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۸-۳۸-۶۶۶۶-۹۶۴

چاپ اول

۶۵- بررسی آثار ترجمه شده اسلامی (۱) A study of translated islamic texts. علی اکبر عقیلی آشیانی - قم: انصاریان. ۱۵۸ ص. - وزیری (شمیز). ۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۹۶۴-۴۳۸-۱۱۹-X

۶۶- بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی. سلاار منافی اناری - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ۳۳۲ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: An approach to english translation of islamic texts شابک: ۰۰-۷-۲۸۴-۴۵۹-۹۶۴

۶۷- تعلیم، تمرین، توفیق سال دوم راهنمایی شامل: گرامر، دروس، نمونه های آزمون ماهانه همراه با پاسخ ...

پرویز صلاحی - تهران: آوای نور. ۱۷۲ ص. - وزیری (شمیز). ۷۳۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۳۰-۶۰۶۳-۹۶۴

چاپ اول

۶۸- خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۱) سال اول نظام جدید متوسطه. نادر صفائی اصل - تهران: خورشید -

۱۶۲ ص. - وزیری (شمیز). ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۲-۴۶-۵۶۳۵-۹۶۴

۶۹- خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۳) سال سوم نظام جدید.

عبدالصمد تمدن - تهران: آزمون. ۲۶۴ ص. - وزیری (شمیز). ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

شابک: ۰۰-۶-۲۲۵-۴۶۱-۹۶۴

۷۰- راهنمای جامع انگلیسی پیش دانشگاهی. ابوالقاسم شهبلائی، علی هاشمی - تهران: نقش و نگار. ۳۳۲ ص. - وزیری (شمیز). ۶۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: A comprehensive instruction to basic english شابک: ۰۰-۲-۶۲۳۵-۹۶۴

۷۱- راهنمای کامل English For Computer Science.

پی. چارلز براون، نورمادی مولن: مترجم: محمدرضا منشوری، علی عمرانی - تهران: پرهام. ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز). ۶۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۵۰-۶۳۷۴-۹۶۴

چاپ اول

۷۲- «زبان تخصصی ریاضی» مرجع و راهنمای کامل برای دانشجویان شرکت کننده در آزمون های کارشناسی ارشد. طاهر لطفی - همدان: دانشجو. ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز). ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۱-۶۵۰۲-۹۶۴

۷۳- کتاب کار و تمرین انگلیسی (۲) سال دوم نظری. فنی و حرفه ای. کار دانش. بهرام قاسمی نژاد، ویراستار: فروزان صلواتیان - تهران: فاطمی. ۱۳۶ ص. - وزیری (شمیز). ۵۹۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Practice tess english book 2 شابک: ۰۰-۲-۲۷۶-۳۱۸-۹۶۴

چاپ اول

۷۴- مجموعه طبقه بندی شده از مدرسین استعدادهای درخشان: زبان انگلیسی سوم راهنمایی. عباس حسینی - تهران: کانون فرهنگی آموزش. ۱۷۶ ص. - رحلی (شمیز). ۱۰۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۰۰-۶-۵۲-۰۵۲-۹۶۴

۷۵- مکالمات روزمره انگلیسی. فرشید اقبال، باهمکاری: س. مونی - تهران: اقبال. ۲۵۶ ص. - بیاضی (شمیز). ۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: English phrase book شابک: ۰۰-۴۴-X-۴۰۶-۹۶۴

۷۶- مکالمات روزمره انگلیسی با تلفظ آمریکایی با نغمه: مختصری از دستور زبان انگلیسی. مهدی اوحدی - تهران: اشراقی. ۲۴۰ ص. - رقی (شمیز). ۷۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۲-۲۷-۵۹۶۶-۹۶۴

۷۷- مکالمات روزمره انگلیسی و امریکائی شامل: مقدمات انگلیسی - مکالمات در زمینه های مختلف... خداداد خدابخنده لو. - تهران: گلبانگ. ۲۰۸ ص. - جیبی (شمیز). ۴۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۸-۱۶-۷۰۰۴-۹۶۴

۷۸- مکالمات روزمره انگلیسی و امریکائی شامل: مقدمات انگلیسی - مکالمات در زمینه های مختلف... خداداد خدابخنده لو. - تهران: گلبانگ. ۲۰۸ ص. - رقی (شمیز). ۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۱۵-X-۷۰۰۴-۹۶۴

۷۹- مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی، یا، آموزش و خودآموز زبان انگلیسی برای شما به همراه ترجمه ... حسن اشرف الکتابی - تهران: استاندارد. ۱۹۲ ص. - رقی (شمیز). ۸۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۸-۰۷-۶۲۵۵-۹۶۴

۸۰- نکات ویژه زبان انگلیسی: کنکور - پیش دانشگاهی - دبیرستان. عبدالله قنبری - تهران: منتشران، راه رشد. ۴۰۰ ص. - جیبی (شمیز). ۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۰۰-۱-۳۶-۶۶۶۶-۹۶۴

چاپ اول

۸۱- ۱۶۰۰ پرسش چهارگزینه ای زبان انگلیسی. فرهود میرچراغی، ویراستار: فرزین میرچراغی، فرزام میرچراغی - تهران: امام القری. ۱۵۲ ص. - رحلی (شمیز). ۱۰۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: ۱۶۰۰ test english university

شابک: ۹۶۴-۹۲۴۰۳-۰۰۶

چاپ اول

82- Base: workbook

تهران: آنسه - ۶۶ ص. - رحلی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۷۷-۹-۶

83- Basic english for university students.

Parviz Birjandi ویراستار: Parviz Birjandi : Maftoon - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۲۳۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به فارسی: انگلیسی پیشدانشگاهی برای دانشجویان دانشگاهها
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۳۱۵-۴

چاپ اول

84- Daffodil beech.

تهران: آنسه - ۱۶۶ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۷۷-۶-۱۰

85- East west: basic student book

David Rein, Kathleen Graves - تهران: زیانسر. - ۱۲۴ ص. - خشتی (شمیز). - ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

86- East west: basic workbook.

David Rein - تهران: زیانسر. - ۵۶ ص. - خشتی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

87- Easy reading selections in english.

Rober J. Dixon - تهران: آنسه - ۱۴۴ ص. - رقی (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

88- Elm / hyacinth.

تهران: آنسه - ۱۹۲ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۷۷-۴-۵

89- English Sentence Structure.

Robert Krohn, [et al] - تهران: فارابی. - ۲۲۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه.

90- English for students of agricultural.

Iraj Malek Mohammadi - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). -

چاپ اول

۲۳۲ ص. - جلد دوم. - وزیر (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی
شابک: ۹۶۴-۶۵۰-۲-۵۹-۸

91- English for students of and library science. information

Nahid Banieghbal ویراستار: Ilkhani - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۱۵۲ ص. - جلد دوم. - وزیر (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته علوم کتابداری و اطلاع رسانی
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۳۲۶-۸

چاپ اول

92- English for the students of architecture.

Lotfollah Karimi - همدان: دانشجو. - ۳۱۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته معماری
شابک: ۹۶۴-۶۵۰-۲-۵۲-۰۰

چاپ اول

93- English for the students of physical education.

H.K. Farman Farma - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۲۵۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته تربیت بدنی
شابک: ۹۶۴-۶۵۰-۲-۹۹-۷

چاپ اول

94- Everyday listening and speaking.

Peter Moor, Sarah Cunningham - تهران: وداد. - ۸۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

95- Geranium / ebony.

تهران: آنسه - ۱۸۰ ص. - رحلی (چاپ اول)

(شمیز). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۹۷۷-۲-۹

چاپ اول

96- Graded exercises in english.

Robert Dixon - تهران: ایران صفحه. - ۲۱۰ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۶۰۰۰ نسخه.

97- Harrap's english idioms.

John O.E. Clark - تهران: شهر آب. - ۴۴۸ ص. - جیبی (شمیز).

98- Harrap's english verbs.

گردآورنده: Jone goldi Lexus - تهران: شهر آب. - ۲۵۶ ص. - جیبی (شمیز).

99- Headstart: student's book beginner.

John Soars, Liz Soars, Briony Beaven - تهران: زیانسر. - ۸۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

100- Headstart: workbook beginner.

Tim Falla - تهران: زیانسر. - ۴۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

101- Headway pre-intermediate: student's book.

Liz Soars, John Soars - تهران: رهنما. - ۱۴۴ ص. - رحلی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

102- Headway: student's book elementary.

John Soars, Liz Soars - تهران: معرفت، زبان آموز. - ۱۲۸ ص. - رحلی (شمیز). - (دوره) ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

103- Headway: student's upper-intermediate.

Liz Soars, John Soars - تهران: زبان پژوه. - ۱۴۴ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

104- Headway: upper-intermediate: student's book.

Liz Soars, John Soars - تهران: (چاپ اول)

زبان آموز، معرفت. - ۱۴۴ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

105- Headway: upper-intermediate: student's book.

Liz Soars, John Soars - تهران: رهنما. - ۱۴۴ ص. - رحلی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

106- Headway: upper-intermediate: workbook.

Liz Soars, John Soars - تهران: رهنما. - ۹۶ ص. - رحلی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

107- Headway: workbook elementary.

John Soars, Liz Soars - تهران: معرفت، زبان آموز. - ۸۰ ص. - رحلی (شمیز). - (دوره) ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

108- Headway: workbook upper-intermediate.

John Soars, Liz Soars - تهران: زبان پژوه. - ۹۶ ص. - رحلی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

109- Infotech: english for computer users: student's book.

Remacha Esters Santiago - تهران: دیباگران تهران. - ۱۷۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به فارسی: انگلیسی تخصصی برای کاربران کامپیوتر

چاپ اول

110- Interchange: english for international communication: student's book.

Jack C. Richards - تهران: رهنما. - ۱۴۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

111- Interchange: english for international communication: workbook.

Jack C. Richards - تهران: رهنما. - ۶۸ ص. - وزیر (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

112- Introductory steps to understanding.

L.A. Hill - تهران: استیری. - ۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

113- Jane eyre.

Charlotte Bronte - تهران: وداد. - ۶۰ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

114- Little women.

Louisa May Alcott - تهران: یازنویسی: John Escott. - ۵۸ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

115- Making headway advanced: literature.

Bill Bowler, Sue Parminter - تهران: وداد. - ۹۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

116- Making headway advanced: phrasal verbs and idioms.

Graham Workman - تهران: وداد. - ۹۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

117- Making headway: upper-intermediate: literature.

Bill Bowler, Sue Parminter - تهران: وداد. - ۹۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

116- Making headway: upperintermediate: phrasal verbs and idioms.

Graham workman - تهران: وداد - ۹۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۵۰۰ نسخه. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

119- The monkey's paw. W.W. Jacobs: بازنویسی Diane Mowat - تهران: اشتیاق - ۴۸ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. چاپ چهارم / ۸۰۰۰ نسخه.

120- NTC'S preparation for the toefl.

Enid Nolan Woods, Milda Broukal - تهران: فرهنگستان زبان. - ۳۵۲ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

121- New american streamline: departures: an intensive american english series for beginners: student book.

Peter Viney, Bernard Hartley - تهران: استیری. - ۱۱۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

122- New american streamline: departures: workbook A: units 1-40.

Peter Viney, Bernard Hartley - تهران: زیانکده. - ۸۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۶۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

123- Scientific english readings.

Masud Yazdani, Akbar Mirhassani, Mahdi Sajadian - تهران: زیانکده. - ۲۲۴ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه. چاپ: ۶۱۱۷-۹۶۴-۷.

چاپ اول

124- The secret garden.

Frances Hodgson Burnett - تهران: وداد. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

125- A: a communicative

course in Spectrum English.

Anna Veltfort, Donald R.H. Byrd, Sandra Costinett - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۸۶ ص. - رحلی (گالینگور). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۴۰۱-۱۰۰

چاپ اول

126- A: communicative course in Spectrum English.

Anna Veltfort, Donald R.H. Byrd, Sandra Costinett - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۸۶ ص. - رحلی (گالینگور). - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

127- A: communicative course in Spectrum English.

Anna Veltfort, Donald R.H. Byrd, Sandra Costinett - تهران: شکوه اندیشه. - ۱۸۶ ص. - رحلی (گالینگور). - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

128- 1a: a communicative course in Spectrum workbook english.

تهران: شکوه اندیشه. - ۶۴ ص. - رحلی (شمیز). - چاپ سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۴۰۱-۱۰۰

چاپ اول

129- Talking in pairs.

Ceri Jones, Tania Bastow - تهران: وداد. - ۷۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۴۰۱-۱۰۰

چاپ اول

130- Tulip / ash.

تهران: آنسه. - ۲۰۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۹۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۹۷۷-۳-۷

چاپ اول

131- The wizard of oz.

L.Frank Baum - تهران: وداد. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۹۶۶-۲۸-۰۰

واژه‌نامه‌های زبان آلمانی

۱۳۲- واژه‌نامه پایه زبان آلمانی: آلمانی - انگلیسی - فارسی Grundwortschatz deutsch =

گردآورنده: فرامرز بهزاد - تهران: توس. - ۲۳۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۱۵۰۰ ریال. چاپ هشتم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۱۵-۱۷۳-۵

کاربرد زبان آلمانی معیار

چاپ اول

۱۳۳- زبان آلمانی در سی روز. احمد ملایری، امیرسمید نیک‌نژاد - تهران: پنگان. - ۴۹۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۴۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Deutsch dribbling tagen

شابک: ۹۶۴-۹۰۳۶۰-۰۰۰-۸

چاپ اول

134- Themen neu: lehrwerk fur deutsch als fremdsprache kursbuch 2.

تهران: معرفت، زبان آموز. - وزیری (شمیز). - ۳۵۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

واژه‌نامه‌های زبان فرانسوی

چاپ اول

۱۳۵- فرهنگ کاربردی فرانسه - فارسی.

امیل یعقوب، لیلی فیاض: مترجم: جمشید بهرامیان. - تهران: بهرامیان. - ۴۴۰ ص. - رقی (گالینگور). - ۱۵۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۲۲۲-۰۰۰

کاربرد زبان اسپانیایی

چاپ اول

۱۳۶- دستور زبان جامع اسپانیایی: به انضمام مکالمات روزمره و کلیه افعال اسپانیایی به فارسی - فارسی. کامروز پارسای. - تهران: اشراقی، صفار. - ۳۶۰ ص. - رقی (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

تهران: نقش و نگار. - ۱۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۴۲۰۰ ریال. چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۳۵-۰۰۳-۴



۱۴۱- آموزش گام به گام عربی (۱) و (۲) دوره پیش‌دانشگاهی «رشته ادبیات و علوم انسانی».

مجید نوری - تهران: آزمون. - ۲۹۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. چاپ نهم / ۱۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۲۳۴-۵

۱۴۲- آموزش گام به گام عربی (۱) سال اول نظام جدید.

مجید نوری - تهران: آزمون. - ۱۹۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. چاپ چهاردهم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۰۱۸-۰۰

۱۴۳- آموزش گام به گام عربی (۱) سال اول نظام جدید: ترجمه متون دروس به فارسی ساده و روان، پاسخ تشریحی.

مجید نوری - تهران: آزمون. - ۱۷۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. چاپ سیزدهم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۰۱۸-۰۰

۱۴۴- آموزش گام به گام عربی (۲) سال دوم نظام جدید.

مجید نوری - تهران: آزمون. - ۱۸۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. چاپ پانزدهم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۰۲۱-۰۰

۱۴۵- آموزش گام به گام عربی (۲) سال دوم نظام جدید.

مجید نوری - تهران: آزمون. - ۱۸۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. چاپ چهاردهم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۰۲۱-۰۰

۱۴۶- آموزش گام به گام عربی (۳) سال سوم نظام جدید.

مجید نوری - تهران: آزمون. - ۲۳۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. چاپ پانزدهم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۱۱۹-۵

۱۴۷- آموزش گام به گام عربی سال دوم راهنمایی.

مجید نوری - تهران: آزمون. - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. چاپ چهارم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۵۰۴-۲

۱۴۸- آموزش گام به گام عربی سال سوم راهنمایی.

مجید نوری - تهران: آزمون. - ۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. چاپ چهارم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۲۶۹-۸

۱۴۹- پرسشهای چهارگزینه‌ای عربی (ویژه کاردانی پیوسته).

محمدجواد زینلی - تهران: دیباگران
تهران - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز) -

چاپ اول

۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۶۶-۳۹-X

چاپ اول

۱۵۰ - ترجمه: عربی به فارسی،
فارسی به عربی برای دانشجویان
دوره کارشناسی رشته الهیات و
معارف اسلامی و...
اراز محمد سارلی - گنبدکاو:
مختومقلی فراغی - ۷۳ ص. - جلد
اول - رقی (کاغذی) - ۴۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۲-۲۰-X

چاپ اول

۱۵۱ - ترجمه: عربی به فارسی،
فارسی به عربی برای دانشجویان
دوره کارشناسی رشته الهیات و
معارف اسلامی و...
اراز محمد سارلی - گنبدکاو:
مختومقلی فراغی - ۸۰ ص. - جلد
دوم - رقی (کاغذی) - ۳۵۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۲-۲۰-X

۱۵۲ - تمرینات و مجموعه
سوالات عربی مخصوص سال اول
راهنمایی
حبیب الله درویش - تهران: آزمون
نویس - ۱۴۰ ص. - وزیری (شمیز) -
۵۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۱۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۲-۳-X

چاپ اول

۱۵۳ - جامع المقدمات المعاصره
فی النحو
حسین تاج آبادی - قم: موسسه
معارف اسلامی - ۳۶۰ ص. - وزیری
(شمیز) - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول

۱۵۴ - خودآموز و راهنمای عربی
(۱) سال اول نظام جدید
پرهام شفیعی - تهران: عباسی -
۲۱۲ ص. - رقی (شمیز) - ۵۵۰۰
ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۲۵۸-۳۳-X

۱۵۵ - خودآموز و راهنمای عربی
(۱) نظام جدید
منصوره زاهدی - تهران: آبخار -

۱۸۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۵۶۰۰
ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۸۴-۱۲-X

چاپ اول

۱۵۶ - خودآموز و راهنمای عربی
(۲) سال دوم نظام جدید
فریدون حسینی - تهران: عباسی -
۱۶۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰
ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۲۵۸-۳۴-X

۱۵۷ - خودآموز و راهنمای عربی
(۲) ویژه نظام جدید
علیرضا عباسی - تهران: آبخار -
۱۹۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۵۶۰۰
ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۱۴۹۳-۱۷-X

۱۵۸ - خودآموز و راهنمای عربی
(۳) ویژه سال سوم نظام جدید
محمد رضوانی - تهران: پیکان -
۲۴۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۵۰۰
ریال - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۷۴۳-۱۶-X

۱۵۹ - خودآموز و راهنمای عربی
(۴) (نظام جدید)
اله مجبی - تهران: آبخار - ۱۸۴
ص. - وزیری (شمیز) - ۵۴۰۰ ریال -
چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۸۴-۱۴-X

۱۶۰ - درس و آزمون های عربی ۱
و ۲ پیش دانشگاهی (علوم
انسانی) برای داوطلبان کنکور
دانشگاهها
حجت الله گنجی، کرم خدا امینان،
محمد ایتاریخش - تهران: منشور
دانش - ۲۶۴ ص. - رحلی (شمیز) -
۱۸۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۴۳۰-۷۴-X

۱۶۱ - دفتر تمرین عربی سال اول
راهنمایی
قاسم کریمی، حمیدرضا میرحاجی،
عیسی متقی زاده - تهران: شورا -
۱۵۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۵۴۰۰
ریال - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۵-۴۹-X

چاپ اول

۱۶۲ - راهنمای گام به گام عربی
(۱) سال اول نظام جدید
علی پروانه - تهران: منتشران -
۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰
ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۶۶-X

۱۶۳ - راهنمای گام به گام عربی
(۳) سال سوم نظام جدید: شامل
ترجمه کامل دروس و واژه ها،

پاسخ و ترجمه...
علی پروانه - تهران: منتشران -
۱۶۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۰۰۰
ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۶۶-۶۸-X

چاپ اول

۱۶۴ - عربی (۱ و ۲) ویژه
دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی
و سال چهارم نظام فعلی...
اباذر عباسی، قادر پریز - تهران:
رزمندگان اسلام - ۳۰۰ ص. - وزیری
(شمیز) - ۱۱۵۰۰ ریال - چاپ اول
/ ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۲۱۳-۵۶-X

۱۶۵ - عربی در سفر: مکالمات و
اصطلاحات روزمره عربی با ترجمه
فارسی
حسن اشرف الکتابی: به اهتمام: مراد
ریاحی، مینا اشرف الکتابی، ویراستار:
مراد ریاحی - تهران: استاندارد -
۲۴۲ ص. - رقی (شمیز) - ۸۰۰۰
ریال - چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه
عنوان به عربی: العربیه فی السفر
شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۰۰-X

۱۶۶ - فرهنگ عربی - فارسی
دانشیار
رضا مهیار، ویراستار: ناصر احمدزاده -
تهران: دانشیار - ۸۳۶ ص. - جیبی
(سلفون) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ دوم
/ ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۱۷-۳-X

۱۶۷ - مجموعه طبقه بندی شده
عربی نظام جدید: قابل استفاده
داوطلبان نظام قدیم
کنکورهای سراسری و آزاد
همراهی...
گردآورنده: سهیلا خاکباز - تهران:
کانون فرهنگی آموزش - ۲۸۰ ص. -
رحلی (شمیز) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ
هفتم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۰۳-X

چاپ اول

۱۶۸ - مغنی البیب عن کتب
الاعاریب
عبدالله بن یوسف ابن هشام: مصحح:
سمید افغانی، مبارک مازن،
محمدعلی حمدالله - قم: وفایی -
۴۹۸ ص. - جلد اول - وزیری
(گالینگور) - چاپ اول / ۳۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۰۱۳-۲۵-X

۱۶۹ - مفاهیم عربی سال اول دوره
راهنمایی تحصیلی
اسحاق بلندنظر، زهرا خطیبی راد -
تهران: موسسه علمی آینده سازان -
۱۱۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۴۰۰۰
ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۳۹-۰۳-X

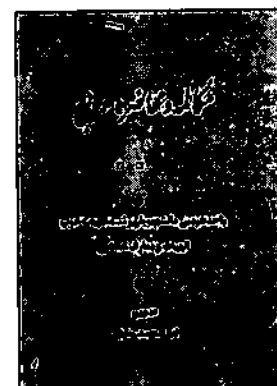
۱۷۰ - مکالمه و محاضره عربی:
واحد درسی دانشجویان رشته
ادبیات عرب و الهیات و معارف
اسلامی

چاپ اول

اراز محمد سارلی - گرگان: مختومقلی
فراغی - ۹۸ ص. - جلد اول - رقی
(کاغذی) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول /
۵۰۰۰ نسخه

چاپ اول

۱۷۱ - مکالمه و محاضره عربی:
واحد درسی دانشجویان رشته
ادبیات عرب و الهیات و معارف
اسلامی
اراز محمد سارلی - گرگان: مختومقلی
فراغی - ۱۰۴ ص. - جلد دوم - رقی
(مقوایی) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول /
۵۰۰۰ نسخه



جزوه حاضر برگزیده ای است از
کتاب «العربیه للناتین» که در آن
همراه با مثال و تمرین های متعدد
شیوه جمله سازی و مکالمه به زبان
عربی آموزش داده شده است.

زبانهای اوایل آسیایی، سیبریایی
و درلویدی ۲۹۲

چاپ اول

۱۷۲ - آذربایجان دیسلی نین
ایضاحی لوغتی
ای. ممدوف، ب. عبدالله یف، ع.
جعفراف: مصحح: آقاموسی آخوندوف -
تهران: فیض الاسلام - ۴۱۲ ص. -
جلد دوم - وزیری (گالینگور) - چاپ
اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۱۸-۵۱-X

نمایه عنوان

Base: workbook ۸۲
Basic english for university
students ۸۳
Daffodil beech ۸۴
East west: basic student

book ۸۵
East west: basic workbook ۸۶
Easy reading selections in
english ۸۷
Elm / hyacinth ۸۸
English Sentence Structure ۸۹
English for students of
agricultural ۹۰
English for students of library
and information science ۹۱
English for the students of
architecture ۹۲
English for the students of
physical education ۹۳
English grammar in use: a self -
study reference and ... ۵۹
English sentence
structure ۶۰-۶۱
Essential grammar in use: a
self-study reference and practice
book for ... ۶۲
Everyday listening and
speaking ۹۴
Geranium / ebony ۹۵
Graded exercises in english ۹۶
Handy learner's dictionary of
american english ۲۶
Harrap's basic english
vocabulary ۲۷
Harrap's english grammar ۶۳
Harrap's english idioms ۹۷
Harrap's english synonyms ۲۸
Harrap's english usage ۲۹
Harrap's english verbs ۹۸
Headstart: student's book
beginner ۹۹
Headstart: workbook
beginner ۱۰۰
Headway pre-intermediate:
student's book ۱۰۱
Headway: student's book
elementary ۱۰۲
Headway: student's
upper-intermediate ۱۰۳
Headway: upper-intermediate:
student's book ۱۰۴-۱۰۵
Headway: upper-intermediate:
workbook ۱۰۶
Headway: workbook
elementary ۱۰۷
Headway: workbook
upper-intermediate ۱۰۸
Infotech: english for computer
users: student's book ۱۰۹
Interchange: english for
international communication:
student's book ۱۱۰
Interchange: english for
international communication:
workbook ۱۱۱
Introductory steps to
understanding ۱۱۲
Jane eyre ۱۱۳
Little women ۱۱۴
Making headway advanced:
literature ۱۱۵

Making headway advanced: phrasal verbs and idioms ۱۱۶
 Making headway: upper intermediate: literature ۱۱۷
 Making headway: upper intermediate: phrasal verbs and idioms ۱۱۸
 The monkey's paw ۱۱۹
 NTC'S preparation for the toefl ۱۲۰
 New american streamline: departures: an intensive american english series for beginners: student book ۱۲۱
 New american streamline: departures: workbook A: units 1-40 ۱۲۲
 Oxford advanced learner's dictionary of current english ۳۰, ۳۱, ۳۲
 The oxford russian minidictionary ۱۳۸
 Scientific english readings ۱۳۳
 The secret garden ۱۳۴
 Spectrum 1A: a communicative course in english ۱۳۵
 Spectrum 5A: communicative course in english ۱۳۶
 Spectrum 6A: communicative course in english ۱۳۷
 Spectrum workbook 1a: a communicative course in english ۱۳۸
 Talking in pairs ۱۳۹
 Themen neu: lehrwerk fur deutsch als fremdsprache kursbuch 2 ۱۳۴
 Tulip / ash ۱۳۰
 The wizard of oz ۱۳۱
 آذربایجان دیلی نین ایضاحی لوغتی ۱۳۲
 آزمون های چهارگزینه ای زبان انگلیسی ترم ۲ (سوم دبیرستان) با پاسخ تشریحی ۳۳
 آزمون های زبان انگلیسی سوم راهنمایی ۳۴
 آموزش تلفظ زبان انگلیسی به شیوه گام به گام: قابل استفاده دانش آموزان دوره راهنمایی، دبیرستان، ۶۴
 آموزش درس به درس زبان انگلیسی سال دوم نظام جدید ۲۵-۱۳۹
 آموزش زبان قرآن برای دانشجویان (راهنمای جامع المنهج القویوم) ۱۴۰
 آموزش گام به گام زبان فارسی (۵) سال سوم نظام جدید "رشته ادبیات و علوم انسانی" ۳
 آموزش گام به گام عربی (۱ و ۲) دوره پیش دانشگاهی "رشته ادبیات و علوم انسانی" ۱۴۱
 آموزش گام به گام عربی (۱) سال اول نظام جدید ۱۴۲
 آموزش گام به گام عربی (۱) سال اول نظام جدید: ترجمه متون دروس به فارسی ساده و روان، پاسخ تشریحی... ۱۴۳
 آموزش گام به گام عربی (۲) سال دوم

نظام جدید ۱۴۴
 آموزش گام به گام عربی (۲) سال دوم نظام جدید ۱۴۵
 آموزش گام به گام عربی (۳) سال سوم نظام جدید ۱۴۶
 آموزش گام به گام عربی سال دوم راهنمایی ۱۴۷
 آموزش گام به گام عربی سال سوم راهنمایی ۱۴۸
 آموزش گرامر زبان انگلیسی پایه (سال دوم راهنمایی) ۳۶
 آموزش نوین زبان روسی (فونیتیک) ۱۳۷
 انگلیسی پیش دانشگاهی (۱ و ۲) بررسی آثار ترجمه شده اسلامی (۱) A study of translated islamic texts ۶۵
 بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی ۶۶
 پرسش های چهارگزینه ای زبان پیش دانشگاهی (۱) ۲۸
 پرسش های چهارگزینه ای عربی (ویژه کاردانی پیوسته) ۱۴۹
 پرسش های چهارگزینه ای و پاسخ های تشریحی انگلیسی (۱) پیش دانشگاهی ۴۰
 پرسش های چهارگزینه ای و پاسخ های تشریحی انگلیسی (۱) نظام جدید English book (I) = ۲۹
 پرسش های چهارگزینه ای و تمرین های تکمیلی زبان انگلیسی مخصوص دوره پیش دانشگاهی I و کلیه داوطلبان کنکور ۴۱
 ترجمه: عربی به فارسی، فارسی به عربی برای دانشجویان دوره کارشناسی رشته الهیات و معارف اسلامی و... ۱۵۰-۱۵۱
 تعلیم، تمرین، توفیق سال دوم راهنمایی شامل: گرامر، دروس، نمونه های آزمون ماهانه همراه با پاسخ ... ۶۷
 تمرینات و مجموعه سوالات عربی مخصوص سال اول راهنمایی ۱۵۲
 جامع المقدمات المعاصرة فی النحو جدیدترین و کامل ترین راهنمای آموزش و آزمون های طبقه بندی شده و استاندارد زبان انگلیسی سال دوم ... ۴۲
 چطور به انگلیسی می گویند: How: do you say this is english ... ۱۳
 خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۱) سال اول نظام جدید متوسطه ۶۸
 خودآموز گام به گام زبان انگلیسی (۲) سال سوم نظام جدید ۶۹
 خودآموز گام به گام زبان و ادبیات فارسی (۱) "عمومی" دوره پیش دانشگاهی ۴
 خودآموز و راهنمای زبان سوم راهنمایی ۴۳
 خودآموز و راهنمای عربی (۱) سال اول نظام جدید ۱۵۴
 خودآموز و راهنمای عربی (۱) نظام جدید ۱۵۵
 خودآموز و راهنمای عربی (۲) سال دوم نظام جدید ۱۵۶

خودآموز و راهنمای عربی (۲) ویژه نظام جدید ۱۵۷
 خودآموز و راهنمای عربی (۳) ویژه سال سوم نظام جدید ۱۵۸
 خودآموز و راهنمای عربی (۴) (نظام جدید) ۱۵۹
 درس و آزمون های عربی ۱ و ۲ پیش دانشگاهی (علوم انسانی) برای داوطلبان کنکور دانشگاهها ... ۱۶۰
 دستور جامع زبان فارسی همراه با پرسش های چهارگزینه ای تفکیکی استاندارد شده از ... ۱۰
 دستور زبان جامع اسپانیایی: به انضمام مکالمات روزمره و کلیه افعال اسپانیایی به فارسی - فارسی ... ۱۳۶
 دستور زبان فارسی: با حل تمرینات و معنی لغات و تصحیح اغلاط ۱۱
 دستور کامل زبان کردی ۱۲
 دفتر تمرین عربی سال اول راهنمایی ۱۶۱
 راهنمای جامع انگلیسی پیش دانشگاهی ۷۰
 راهنمای کامل English Computer Science ۷۱
 راهنمای گام به گام زبان انگلیسی (۲) ویژه پیش دانشگاهی ۴۴-۴۵
 راهنمای گام به گام زبان انگلیسی سال دوم نظام جدید ۴۶
 راهنمای گام به گام عربی (۱) سال اول نظام جدید ۱۶۲
 راهنمای گام به گام عربی (۲) سال سوم نظام جدید: شامل ترجمه کامل دروس و واژه ها، پاسخ و ترجمه ... ۱۶۳
 زبان آلمانی در سی روز ۱۳۳
 زبان انگلیسی (۱ و ۲) (عمومی) ویژه دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی و داوطلبان ورود به دانشگاه ۴۷
 زبان انگلیسی و قواعد ساختار جمله زبان پیش دانشگاهی بر اساس کتاب (E.S.S) english sentence structure ۳۹
 "زبان تخصصی ریاضی" مرجع و راهنمای کامل برای دانشجویان شرکت کننده در آزمون های کارشناسی ارشد ۷۲
 زبان و تفکر (مجموعه مقالات زبان شناسی) ۵
 زبان و مسایل دانش ۱
 زبانهای ایرانی ۶
 عربی (۱ و ۲) ویژه دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی و سال چهارم نظام فعلی ... ۱۶۴
 عربی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره عربی با ترجمه فارسی ۱۶۵
 فرهنگ اختصارات انگلیسی - فارسی، عمومی - پزشکی ۱۴
 فرهنگ اصطلاحات فارسی - انگلیسی، انگلیسی - فارسی ۱۵
 فرهنگ اصطلاحات فارسی به انگلیسی ۱۶
 فرهنگ البرز جیبی کوچک انگلیسی - فارسی: بر مبنای فرهنگ آکسفورد جیبی ۱۷
 فرهنگ جیبی فارسی به انگلیسی یکجلدی ۱۸

فرهنگ عربی - فارسی دانشیار ۱۶۶
 فرهنگ عمید: شامل واژه های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی، و اصطلاحات علمی و ادبی ۷
 فرهنگ فارسی به فارسی ۸
 فرهنگ کاربردی فرانسه - فارسی ۱۳۵
 فرهنگ کوچک انگلیسی - فارسی ۱۹
 فرهنگ کوچک انگلیسی فارسی ۲۰
 فرهنگ همسفر پیشرو آریان پور: انگلیسی - فارسی ۲۱-۲۲-۲۳
 فرهنگنامه کنایه: به انضمام گفتارهایی در باب کنایه و حدود ... ۹
 کتاب کار و تمرین انگلیسی (۲) سال دوم نظری، فنی و حرفه ای. کار دانش ۳۳
 گنجینه زبان انگلیسی پیش دانشگاهی قابل استفاده دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی (۱ و ۲) و ... ۵۰
 گنجینه زبان انگلیسی دوره دبیرستان قابل استفاده دانش آموزان اول، دوم و سوم دبیرستان، ... ۵۱
 مجموعه سوالات امتحانی زبان انگلیسی (۱) (نظام جدید) ۵۲
 مجموعه سوالات امتحانی زبان انگلیسی (۲) (نظام جدید) ۵۳
 مجموعه سوالات امتحانی زبان انگلیسی (۳) (نظام جدید) ۵۴
 مجموعه سوالات زبان انگلیسی بر اساس زبان انگلیسی عمومی دانشگاه پیام نور ۵۵
 مجموعه طبقه بندی شده از مدرسین استمدادهای درخشان: زبان انگلیسی سوم راهنمایی ۷۴
 مجموعه طبقه بندی شده زبان انگلیسی نظام جدید، پیش دانشگاهی، نظام قدیم: کنکورهای سراسری و آزاد ... ۵۶-۵۷
 مجموعه طبقه بندی شده عربی نظام جدید: قابل استفاده داوطلبان نظام قدیم: کنکورهای سراسری و آزاد همراه با ... ۱۶۷
 مفنی الیب عن کتب الاعراب ۱۶۸
 مفاهیم زبان انگلیسی سال دوم راهنمایی: توضیح کامل گرامر هر درس ... ۵۸
 مفاهیم عربی سال اول دوره راهنمایی تحصیلی ۱۶۹
 مکالمات روزمره انگلیسی ۷۵
 مکالمات روزمره انگلیسی با تلفظ آمریکایی بی انضمام: مختصری از دستور زبان انگلیسی ۷۶
 مکالمات روزمره انگلیسی و آمریکایی شامل: مقدمات انگلیسی - مکالمات در زمینه های مختلف ... ۷۷-۷۸
 مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی، یا، آموزش و خودآموز زبان انگلیسی برای شما به همراه ترجمه ... ۷۹
 مکالمه و محاضره عربی: واحد درسی دانشجویان رشته ادبیات عرب و الهیات و معارف اسلامی ۱۷۰-۱۷۱
 نکات ویژه زبان انگلیسی: کنکور -

پیش دانشگاهی - دبیرستان ۸۰
 واژه سازی و واژگان انگلیسی کتابهای پیش دانشگاهی formation and vocabulary in ... = ۲۴
 واژه نامه Oxford rsive english course ۲۵
 واژه نامه پایه زبان آلمانی: آلمانی - انگلیسی - فارسی
 ۱۳۲ Grundwortschatz deutsch = ۱۶۰۰ پرسش چهارگزینه ای زبان انگلیسی ۸۱

نمایه پدیدآور

Baum, L.Frank ۱۳۱
 Beaven, Briony ۹۹
 Birjandi, Parviz ۸۳
 Bowler, Bill ۱۱۵-۱۱۷
 Bronte, Charlotte ۱۱۳
 Broukal, Milda ۱۲۰
 Byrd, Donald ۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷
 Clark, John O.E. ۲۸-۲۹-۹۷
 Collin, P.H. ۲۷
 Costinett, Sandra ۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷
 Crowther, Jonathan ۳۰-۳۱-۳۲
 Cunningham, Sarah ۹۴
 Dixon, Robert J. ۸۷
 Dixon, Robert ۹۶
 Escott, John ۱۱۴
 Falla, Tim ۱۰۰
 Farman Farma, H.K. ۹۳
 Gert Bunberg, Lexus ۶۳
 Graves, Kathleen ۸۵
 Hartley, Bernard ۱۲۱-۱۲۲
 Hill, L.A. ۱۱۲
 Hodgson Burnett, Frances ۱۲۴
 Hornby, Albert Sydney ۳۰-۳۱
 Ilkhani, Sarah ۹۱
 Jacobs, W.W. ۱۱۹
 Jones, Ceri ۱۲۹
 Karimi, Lotfollah ۹۲
 Krohn, Robert ۶۰-۶۱-۸۹
 Lexus, Jone goldi ۹۸
 Maftoon, Parviz ۸۳
 Malek Mohammadi, Iraj ۹۰
 May Alcott, Louisa ۱۱۴
 Mirhassani, Akbar ۱۲۳
 Moor, Peter ۹۳
 Mowat, Diane ۱۱۹
 Murphy, Raymond ۵۹-۶۲
 Nolan Woods, Enid ۱۲۰
 Parminster, Sue ۱۱۵-۱۱۷
 Rein, David ۸۵-۸۶
 Richards, Jack C. ۱۱۰-۱۱۱
 Sajadian, Mahdi ۱۲۳
 Santiago, Remacha Esters ۱۰۹
 Soars, John ۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸
 Soars, Liz ۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴
 Thompson, Della ۱۲۸
 Veltfort, Anna ۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷

۱۲۲-۱۲۳	زبانکده: تهران	۲۵-۱۳۹	آبرنگ: تهران	۱۳۵	فیاض، لیلی	۱	چامسکی، نوم	Viney, Peter	۱۲۱-۱۲۲
۳۰	زیرین قلم: تهران	۴۳-۱۵۵-۱۵۷-۱۵۹	آبشار: تهران	۷۳	قاسمی نژاد، بهرام	۱۵۶	حسنی، فریدون	Winter, Michael	۲۷
۵۹	ساحل: تهران	۱۴	آرون: تهران	۱۱	قریب، عبدالعظیم	۳۶	حسینی، شبنم	Workman, Graham	۱۱۶
	سازمان پژوهش و برنامه ریزی	۳۰۴۶۹-۱۴۱-۱۴۲	آزمون: تهران		قنبری، عبدالله	۷۴	حسینی، عباس	Yazdani, Masud	۱۲۳
	آموزشی، انتشارات مدرسه: تهران	۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸			۴۴-۴۵-۴۶-۵۰-۵۱-۶۴-۸۰	۲	حق شناس، علی محمد	labhgeinaB, dihaN	۹۱
۲۹-۴۰		۱۵۲	آزمون نوین: تهران	۱۶	کارداونیورتهانی، امیر	۵۸	حمزه، علیرضا	namkrow, maharG	۱۱۸
	سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم	۱-۲	آگاه: تهران	۴۸	کرون، رابرت	۱۹	حجیم، سلیمان	woisaB, ainaT	۱۲۹
	انسانی دانشگاهها (سمت): تهران		آنسه: تهران	۱۶۱	کریمی، قاسم	۱۶۷	خاکباز، سهیلا		آخوندوف، آقاموسی
۶۶-۸۳-۹۰-۹۱-۹۳		۸۲-۸۴-۸۷-۸۸-۹۵-۱۳۰		۱۶۰	گنجی، حجت الله	۷۷-۷۸	خداپنده لو، خداداد	۱۸	آریانپورکاشانی، عباس
۶	سختن: تهران	۶۷	آوای نور: تهران	۲۰۴	لاجوردی، حسن	۴۱	خسروی، انور		آریه-آنیورکاشانی، مستوچهر
۳۶	شبنم دانش: تهران	۷۹-۱۶۵	استاندارد: تهران	۱۳۷	لسانی، حسین	۴۳	خسروی، محمد صالح	۱۸-۲۱-۲۲-۲۳	
	شکوه اندیشه: تهران	۲۶-۶۲-۱۱۲-۱۲۱	استیری: تهران	۷۲	لطفی، طاهر	۱۶۹	خطیبی، راد زهرا	۳۷	آریانیا، مسعود
۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸		۱۱۹	اشتیاق: تهران	۱۶۸	مبارک مازن	۵۶-۵۷	خلیلی، کریم	۳۴	آرین مجد، زهرا
۵۲-۵۳-۵۴-۱۶۱	شورا: تهران	۷۶-۱۳۶	اشراقی: تهران	۱۶۱	متقی زاده، عیسی	۱	درویش، حبیب الله	۴۰	آقای، ایرج
	شهر آب: تهران	۷۵	اقبال: تهران	۱۵۹	محبی، الهه	۱۵۲	دین دوست، جمشید	۱۲	ابراهیم پور، محمد تقی
۲۷-۲۸-۲۹-۶۲-۹۷-۹۸		۸۱	ام القری: تهران	۱۶۸	محمد علی حمد الله	۲۴	رضوانی، محمد	۱۶۸	ابن هشام، عبدالله بن یوسف
۶۱-۱۳	صفاز: تهران	۱۶	امیر کارداونیورتهانی: تهران	۳۹	معاونی، یوسف	۱۵۸	رمضانی، علیرضا	۱۶۶	احمد زاده، ناصر
۱۳-۱۵۴-۱۵۶	عباسی: تهران	۷۰-۱۸	امیر کبیر: تهران	۱۳۳	ملایری، احمد	۱۶	رمضانی، محمد تقی	۵۵	احمدوند، رویا
۱۰-۴۲	علوی: تهران	۳۸	اندیشه سازان: تهران	۱۷۲	مددوف، ای.	۳۹	رویکریان، شیوا	۵۵	احمدی مقیم، عباس
۸۹	فارابی: تهران	۶۵	انصاریان: قم	۶۶	منافی اناری، سالار	۱۹	ریاحی، مراد	۶	ارانسکی، یوسف سیخانیلوویچ
۷۳	فاطمی: تهران	۱۲	ایران جام: تهران	۲۰	منتظم، علی اصغر	۱۶۵-۱۶۵	زاهدی، منصوره	۷۹-۱۶۵	اشرف الکتابی، حسن
۱۱	فردوس: تهران	۹۶	ایران صفحه: تهران	۷۱	منشوری، محمد رضا	۱۵۵	زینلی، محمد جواد	۱۶۵	اشرف الکتابی، مینا
۱۹	فرهنگ معاصر: تهران	۱۳۷	بازتاب: تهران	۷۱	مولن، نورمادی	۱۴۹	سارلی، اراز محمد	۱۹	افتخاری، محمد
۶۰-۱۲۰	فرهنگستان زبان: تهران	۳۴	بدر: تهران	۷۵	مونی، س.		ستاربرونجی، کیومرث	۱۶۸	افغانی، سعید
۱۷۲	فیض الاسلام: تهران	۳۲	بوستان: تهران	۱۶۶	مهیاری، رضا		۱۵۰-۱۵۱-۱۷۰-۱۷۱	۷۵	اقبال، فرشید
۳۰	قلم زن: تهران	۱۳۵	بهرامیان: تهران	۱۳	میر اسکندری، اندی احمد	۳۳	شیعی، بهرام	۳۵-۱۳۹	اقبال پور، امیر هوشنگ
	کانون فرهنگی آموزش: تهران	۷۱	پرهام: تهران	۸۱	میر چراغی، فرزاد	۱۵۴	شمس، سیروس	۴۲	اکبری، رامین
۵۶-۵۷-۷۳-۱۶۷		۱۳۳	پنگان: تهران	۸۱	میر چراغی، فرزاد	۱۱	شناور، امیر	۳۹	امین، عبدالحمید
۷۷-۷۸	گلپانک: تهران	۲۴	پیک ستاره دانش: تهران	۸۱	میر چراغی، حمیدرضا	۱۳۹	شناور، امیر	۱۶۰	امینیان، کرم خدا
۳۷	میکران: تهران	۱۷-۱۵۸	پیکان: تهران	۱۶۱	میر حسینی، اکبر	۲۵	شهلائی، ابوالقاسم	۳۸	اناری، شهاب
	مختومقلی فراغی: گنبد کاووس	۱۳۲	توس: تهران	۱۵۰-۴۲	میرزائی، منصور	۷۰	شهلائی، ابوالقاسم	۳۸	اناری، شهرام
۱۵۰-۱۵۱-۱۷۰-۱۷۱		۳۱	جهان دانش: تهران	۹	نادعلی، محمود	۱۴۰	صادقی، علی اشرف	۷۶	اوحدی، مهدی
۱۰۲-۱۰۷-۱۲۴-۱۰۴	معرفت: تهران	۲۱-۲۲-۲۳	جهان رایانه: تهران	۱۴	نصراصفهانی، احمد	۶	صفائی اصل، نادر	۱۶۰	ایشاریخش، محمد
۴۴-۴۵	منتشران: تهران	۶۸	خوروش: تهران	۴۹	نوبهار، مهرانگیز	۶۸	صفی، عباس	۸	ایمانی، عباس
۴۶-۵۰-۵۱-۶۴-۸۰-۱۶۲-۱۶۳		۲۰	خوشه: تهران	۱۰	نوری، مجید	۵۲-۵۳-۵۴	صلاحی، پرویز	۵-۱۹	باطنی، محمد رضا
۱۶۰	منشور دانش: تهران	۴۱-۴۹-۷۲-۹۲	دانشجو: همدان	۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳	نیک نژاد، امیر سعید	۶۷	صلواتیان، فروزان	۷۱	براون، پی. چارلز
	موسسه علمی آینده سازان: تهران	۱۶۶	دانشیار: تهران	۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸	۱۳۳	۷۳	عباجی، ابازر	۱۶۹	بلند نظر، اسحاق
۵۸-۱۶۹		۸	در: تهران	۱۳۳	وکیلی، حسینی	۱۶۴	عباسی، علیرضا	۱۳۵	بهرامیان، جمشید
۱۵۳	موسسه معارف اسلامی: قم	۱۰۹-۱۴۹	دیباگران: تهران	۸	هاخور دیان، آریس	۱۵۷	عباسی، قاسم	۱۳۲	بهزاد، فرامرز
۵۵	میهن نو: همدان	۸۰	راه رشد: تهران	۴۲	هاشمی، علی	۵۸	عبدالله یف، ب.	۴۷	بیرجندی، پرویز
۷۰-۱۴۰	نقش و نگار: تهران	۳۷-۱۶۴	رزمندگان اسلام: تهران	۷۰	یعقوب، امیل	۱۷۲	عقیلی آشنایی، علی اکبر	۱۳۶	پارسای، کامروز
۱۳۸	واژه: تهران		رهنما: تهران	۱۳۵	یوسفی، فرهاد	۶۵	عمرانی، علی	۱۶۲-۱۶۳	پروانه، علی
۹۴-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵	وداد: تهران	۱۰۱-۱۰۵-۱۰۶-۱۱۰-۱۱۱	زبان آموز: تهران	۲۵		۳۵	عمید، حسن	۱۶۴	پریز، قادر
۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۲۴-۱۲۹-۱۳۱		۱۰۲-۱۰۷-۱۲۴	زبان پژوه: همدان		نمایه ناشر	۷۱	غفاری، سیف	۱۵۳	تاج آبادی، حسین
۱۶۸	وفایی: قم	۱۰۳-۱۰۸	زبان نوین: تهران		آبانگاه: تهران	۷	فتاحی، علی	۶۹	تمدن، عبدالصمد
۴۸	هستان: تهران	۱۵	زبانسرا: تهران	۵		۱۷		۱۷۲	جعفراف، ع.
۳۳	یکتا: اصفهان	۸۵-۸۶-۹۹-۱۰۰				۱۴۰		۳۸-۶۴	جعفرزاده، علی اکبر



خانه کتاب ایران
کتاب ماه

فلسفه و روانشناسی

فهرست کتابهای منتشر شده دی ماه ۱۳۷۸

فلسفه و مباحث وابسته

۱۰۰

۱- مسائل فلسفه.

برتراند راسل: مترجم: منوچهر بزرگمهر. - تهران: خوارزمی. - ۲۰۴ ص. - رقی (گالینگور). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The problems of philosophy

شابک: ۹۶۴-۴۸۷-۰۱۸-۲

مابعدالطبیعه (حکمت نظری)

۱۱۰

چاپ اول

۲- متافیزیک (ماوراء الطبیعه).

قدیر اهری: - تهران: ندای فرهنگ. - ۱۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۶۷۰۳-۰۸-۹ شابک:



در این کتاب مطالبی درباره علوم غریبه یا ماوراء الطبیعه براساس تجربیات مولف فراهم آمده است. وی یافته‌های خود را در خصوص «عبور از آتش»، «هیپنوتیزم»، «قدرت‌های هیپنوتیزمی»، «پیش‌گویی»، «آینده‌نگری» و «هاله انسانی» - که برگرفته از تعالیم راهبان دیرها و بوداییان چین، هند، تایلند و فیلیپین است - در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

هستی‌شناسی

۱۱۱

چاپ اول

۳- پرسشی در باب تکنولوژی.

مارتین هایدگر: مترجم: محمدرضا اسدی. - تهران: اندیشه. - ۱۶۰ ص. - رقی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The question concerning technology

اولین شماره از مجموعه «غرب‌شناسی» به ترجمه کتاب



«پرسشی در باب تکنولوژی» اثر «مارتین هایدگر» اختصاص یافته که طی آن افکار «هایدگر» در باب تکنولوژی شرح و تفسیر می‌شود. در بخشی از کتاب آمده است: «هایدگر بر این باور بود که انسان عصر تکنیک می‌تواند برخوردی صحیح و معقول با تکنولوژی داشته باشد و نسبتی آزاد با آن برقرار کند». به‌زعم هایدگر: «راه چنین برخوردی با تکنولوژی مدرن با جنگ زدن به تفکر اصیل و معنوی فراهم می‌شود». «تفسیر تکنیکی تفکر»، «تفکر تکنیکی، ماهی در خشکی فته است»، «سیطره تکنیک حکایت‌گر پایان تفکر و فلسفه»، «جایگاه خدا در فلسفه هایدگر»، «زبان و تفکر»، «نسبت آزاد با تکنولوژی»، «نظر هایدگر در باب علیت»، «ارتباط علم انگاری و عقل انگاری با تکنولوژی» از جمله مباحث کتاب به شمار می‌آید.

انسان (نوع بشر)

۱۲۸

۴- بعد ناشناخته.

محسن فرشاد. - تهران: اقبال. - ۲۲۴ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۵۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۴۰۶-۲۲۳-۷ شابک:

پیرا روانشناسی و علوم غریبه

۱۳۳

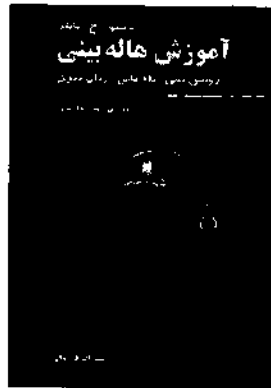
چاپ اول

۵- آموزش هاله‌بینی، به انضمام روشن‌بینی، تله‌پاتی و روان‌نگری. والتراست باتلر: مترجم: مهیار جلالیان. - تهران: فراروان. - ۲۹۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

How to read the aura, practice... شابک: ۹۶۴-۶۱۳۵-۲۳-۴

«باتلر» در این کتاب تمرین‌ها و فنونی را شرح می‌دهد که مخاطبان از طریق آن بتوانند نیروهای روانی خود چون «روشن‌ضمیری»، «تله‌پاتی»، «روان‌نگری» و «هاله‌بینی» را فعال نموده و به گونه‌ای صحیح از آن



استفاده نمایند. از جمله مباحث کتاب عبارت‌اند از: «اقسام روشن‌بینی»، «تله‌پاتی و هیپنوتیزم»، «قالب‌های فکری تله‌پاتیک»، «لازمه استدلال‌های فرا روانی»، «ساختمان هاله» و «هاله‌ی عاطفی و ذهنی».

۶- تأثیر از فاصله: درسهای عملی برای تأثیرگذاری روانی از فاصله، تله‌پاتی و تلقین روحی. پل کلمان ژاگو: مترجم: ساعد زمان. - تهران: ققنوس. - ۲۵۰ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۴۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

L'influence a distance

شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۰۴۱-۹

چاپ اول

۷- طالع‌بینی هندی.

شومات سوکراتینگ: مترجم: فروغ کشاورز. - تهران: محور. - ۳۰۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Complete india horostopes

شابک: ۹۶۴-۶۷۹۶-۰۰۰-۱



کتاب، شامل مطالبی است درباره متولید ماه‌های دوازده گانه سال که با شرحی از خصوصیات شخصیتی، اخلاقی، جسمی و روانی زنان و مردان تدوین شده است.

۸- عالم عجیب ارواح.

حسن ابطی: مترجم: حبیب‌الله آموزگار. - قم: حاذق. - ۳۶۰ ص. -

وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۵۹۷-۰۰۷-۵ شابک:

۹- عالم ارواح.

طسقاوی بن جوهری: مترجم: حبیب‌الله آموزگار. - تهران: اقبال. - ۲۶۰ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ دهم / ۱۵۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۴۰۶-۰۵۱-۲ شابک:

چاپ اول

۱۰- فالنامه حافظ.

شمس‌الدین محمد حافظ: به اهتمام: محسن فراهانی. - تهران: نهال نویدان. - ۹۶ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۵۶۸۰-۰۰۶-۹ شابک:

۱۱- فالنامه حافظ.

شمس‌الدین محمد حافظ: به اهتمام: عمادالدین قبادیان. - تهران: طلوع. - ۱۱۲ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۶۱۰۳-۱۱-۱ شابک:

چاپ اول

۱۲- گفتگو با خدا.

نیل دونالد والش: مترجم: توراندخت (مالکی) تمدن. - تهران: دایره. - ۶۴۰ ص. - رقی (شمیز). - ۲۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Conversation with god

شابک: ۹۶۴-۶۸۳۹-۰۰۴-۵

روایاها و رازواره‌ها

۱۳۵

۱۳- تعبیر خواب ابن سیرین.

حبیب‌الله ابن‌ابراهیم تقلیسی. - تهران: هاد. - ۴۶۴ ص. - وزیری (سلفون). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۵۵۳۶-۰۰۰-۶ شابک:

چاپ اول

۱۴- تعبیر خواب و کابوس و رویا: خواب یا مرگ موقت، بیرون کردن ارواح خبیثه از بدن، گفتگو با ارواح....

رضا شمسایی: ویراستار: نجمه السادات مرعشی. - تهران: حافظ. - ۴۸۴ ص. - وزیری (سلفون). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. - ۹۶۴-۶۳۱۱-۱۳-X شابک:

در این کتاب تعبیر و تفسیر خواب و رویا در قالب موضوعات مختلف و



پراساس حروف الفبای نارسى تدوین شده است. بخشی از کتاب به مباحثی درباره بیرون کردن ارواح خبیثه از بدن، گفت و گو با ارواح، ارواح سرگردان، هیپنوتیزم یا خواب مصنوعی، طالع بینی هندی و چینی اختصاص دارد.

۱۵- تعبیر خواب: چرا خواب می بینیم و چگونه باید تعبیر کنیم؟
منوچهر مطیعی - تهران: مجرد - ۴۴۶ ص. - وزیری (گالینگور) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۶۲-۴۱-۴

۱۶- متن کامل تعبیر خواب محمد ابن سیرین و دانیال پیغمبر (ص). حبیب بن ابراهیم تغلیسی - تهران: درنا - ۳۲۲ ص. - وزیری (سلفون) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

۱۷- متن کامل تعبیر خواب محمد ابن سیرین و دانیال پیغمبر (ص). حبیب بن ابراهیم تغلیسی - تهران: نهال نویدان - ۳۲۴ ص. - جیبی (سلفون) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۸۰-۰۸-۵

روانشناسی

چاپ اول

۱۸- جهان بهترین مشاور ازدواج. شاهرخ شاهپرویزی و ویراستار: احمد بهرامپورآشتیانی - تهران: نسل نوآندیش - ۱۴۴ ص. - رقی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۴-۵۴-۴
مؤلف یا تبیین «حاکمیت علت و معلول در بطن نظام خلقت» نشان می دهد اعتقاد به شانس یا بدشانسی در امر



ازدواج، تصویری باطل است که افراد خیالی با به جای در نظر گرفتن واقعیت های زندگی بدان دل خوش می کنند. وی در این کتاب با استناد به مباحث علمی و روان شناسی اثبات می کند که تصورات هر فرد در گذر ایام عینیت پیدا می کند و به همین دلیل برای برخورداری از خیر و فیض نخست باید تصورات را اصلاح نمود. همچنین با نقد مباحثی مانند NLP (برنامه ریزی عصبی و کلامی) و شرح و بسط مفاهیمی مانند ثروت، عذاب، محبت، و تفاهم، وجود اضداد را لازمه بقای جهان هستی و دلیل تکامل آن دانسته، خاطر نشان می کند که زن و مرد با وجود خصایص ویژه خود می توانند یکدیگر را تکمیل کرده به سوی خیر و کمال مطلق پیش روند.

۱۹- روان شناسی عمومی. اسپنسر راتوس: مترجم: حمزه گنجی. - تهران: ویرایش - ۴۷۲ ص. - جلد اول - وزیری (شمیز) - ۱۸۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۳۳۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: General psychology
شابک: ۹۶۴-۹۰۳۶-۹-۷

۲۰- روان شناسی: ویژه دانش آموزان سال سوم دبیرستان (رشته علوم انسانی) و داوطلبان ورود به دانشگاه. محمود اوحدی، زبینه مصلحی - تهران: رزمندگان اسلام - ۱۴۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۱۳-۲۸-۲

۲۱- روان شناسی عمومی. سیروس عظیمی - تهران: صفار - ۶۸۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۳۷۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۹۳-۶۱-۹

۲۲- روانکاوی آتش. کاستون باشلار: مترجم: جلال ستاری. - تهران: توس - ۲۵۶ ص. - رقی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۱۵-۲۸۴-۷
۲۳- روش های تحقیق در علوم

رفتاری و علوم اجتماعی. خسرو رمضانی - یاسوج: فاطمیه - ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۶۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۶۷-۵-۳

۲۴- کنکور مکاتبه ای روان شناسی سال سوم نظام جدید آموزش متوسطه نظری (رشته ادبیات و علوم انسانی). محمود اوحدی - تهران: موسسه علمی آینده سازان - ۷۲ ص. - رقی (شمیز) - ۴۳۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۲۹-۱۳۴-۵

آرک حسی، حرکت، هیجانها و ساقچه

۲۵- عشق. رنه آلدی: مترجم: جلال ستاری - تهران: توس - ۲۲۲ ص. - رقی (شمیز) - ۱۱۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۳۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: L'amour
شابک: ۹۶۴-۳۱۵-۳۶۹-X

هوش، عقل و قوای ذهنی

۲۶- آزمون های هوش و استعداد (مبانی نظری و عملی سنجش هوش). مسعود سلیمی - تهران: دانش و فن - ۲۱۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۱۵۰-۶-X

۲۷- چگونه بر خود مسلط شویم: روش های عملی پرتوان بودن، فرمانروایی بر غرایز و چیرگی بر هیجانات. پل کلمان زاگو: مترجم: ایرج مهربان - تهران: ققنوس - ۱۲۸ ص. - رقی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Comment acquerir la maitrise de

۲۸- زبان بدن: راهنمای تعبیر حرکات بدن. آلن پیز: مترجم: سیده لریزی زنگنه - تهران: جاثان - ۱۹۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Body language: how to read

چاپ اول

۲۹- رازهای پنهان هیپنوتیزم. علی اظهري - تهران: مسیر - ۱۵۲ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۶۸-۱-۸

others thoughts their ...
شابک: ۹۶۴-۶۵۹۴-۰۴-۲
روانشناسی ناخودآگاه و دگرگونی حالت ضمیر

۳۰- قدرت خودتلقینی: روشی کاربردی برای دستیابی به ثبات شخصیت، آرامش، روشن بینی و تسهیل درمان بیمارها. پل کلمان زاگو: مترجم: نیلوفر خوانساری - تهران: ققنوس - ۱۵۲ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۵۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: La puissance de l'auto suggestion: methode ...

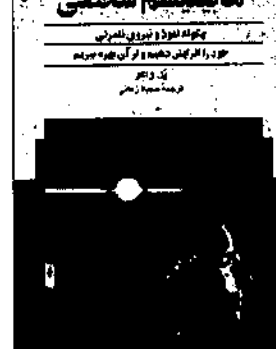
۳۱- مانتیسم شخصی: چگونه نفوذ و نیروی نامرئی خود را افزایش دهیم و از آن بهره ببریم. پل کلمان زاگو: مترجم: سهیلا زمانی - تهران: ققنوس - ۲۲۲ ص. - رقی (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۴۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Comment developper votre magnetisme personnel
شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۲۲۲-۳

چاپ اول

۳۲- روش های پنهان هیپنوتیزم. علی اظهري - تهران: مسیر - ۱۵۲ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۶۸-۰۰-X

۳۳- عدم اعتماد به نفس و دایره سحرآمیز. علی اظهري: ویراستار: وحیده هاشمی - تهران: مسیر - ۲۵۶ ص. - رقی (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۶۸-۰۰-X

روانشناسی عملی



نگارنده در کتاب این مطلب را عنوان می کند که تمام انسان ها دارای نیروها و تشعشعات روانی هستند و از طریق آن - خودآگاه یا ناخودآگاه - از فاصله های دور یا نزدیک بر دیگران تاثیر می گذارند. وی سپس توضیح می دهد که چگونه می توان قدرت های روانی را پرورش داده تا برای رفع مسائل و مشکلات زندگی از آن بهره برد. «پرورش نگاه»، «تلقین و خود تلقینی»، «صورت ظاهر و رفتار»، «قوه نفوذ نامرئی»، «چگونه نیروی خود را

افزایش دهید» و «از دقت تا تمرکز فکری» از جمله مباحث کتاب به شمار می روند.

روانشناسی افتراقی و روانشناسی رشد

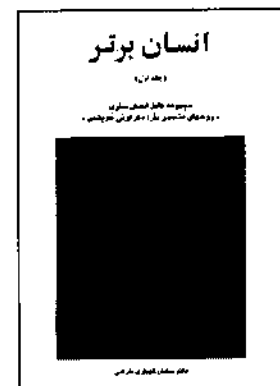
۳۲- آزمون شخصیت. پیتر لاستر: مترجم: غلامحسین اعرابی - تهران: آبتین - ۱۷۴ ص. - رقی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۴۰۳-۱۲-۳

۳۳- عدم اعتماد به نفس و دایره سحرآمیز. علی اظهري: ویراستار: وحیده هاشمی - تهران: مسیر - ۲۵۶ ص. - رقی (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۶۸-۰۰-X

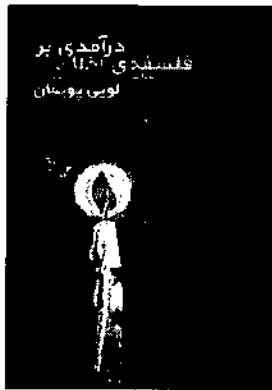
روانشناسی عملی

چاپ اول

۳۴- انسان برتر: مجموعه کامل انسان سازی «روش های منحصر بفرد دگرگونی خویشتن». سامان الهیاری تفرشی - تهران: آینه نما - ۱۸۴ ص. - جلد اول - رقی (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۴۰۳-۰۰-۹



کتاب حاضر، اولین جلد از مجموعه سه جلدی «انسان برتر» است که طی آن، با تکیه بر علوم سایبرنتیک، (NLP) ارتباط موثر و فلسفه های آرامش درونی، مقوله خودسازی و چگونگی دست یابی به موفقیت تشریح می شود. مؤلف در زمینه خودسازی از روشی با عنوان «ذهنیت فاعل» یاد می کند که بر سه مقوله «مفاهیم حیات»، «ارکان حیات»، «ارتباطات» مبتنی است. برخی فصل های کتاب عبارت اند از: زندگی، عشق، موفقیت، بخت و اقبال، نیاز، لذت، ترس، کینه، خشم، و بخل و حسد.



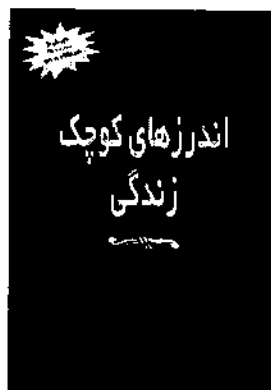
عنوان به لاتین:
Loving each other: the challenge of human relationships
شابک: ۹۶۴-۶۸۳۹-۲۰-۷

اخلاق (فلسفه اخلاقی)
۱۷۰

چاپ اول

۴۶- اندرزهای کوچک زندگی.

جکسن براون: مترجم: شبنم خوشیخت؛ ویراستار: رعنا نایاخانو. تهران: کتاب آوند دانش. ۱۵۴ ص. - جلد اول. - رقی (شمیز). ۸۶۰۰ / چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۱۰۸-۰۰-۱



اندرزهای کوچک زندگی

۴۸- آشنایی با علوم اسلامی: منطق - فلسفه. مرتضی مطهری. تهران: صدرا. ۲۲۸ ص. - جلد اول. - رقی (شمیز). ۵۰۰۰ / چاپ بیست و پنجم / ۷۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۰۰-۰۲-۲

چاپ اول

۴۹- انرژی متعالی: فراروی از قوانین هستی. کاتلین ریوردن اسپیت: مترجم: مجید آصفی. تهران: فراروان. ۱۷۶ ص. - رقی (شمیز). ۷۰۰۰ / چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: The gurdjieff work: high energy: free of universal laws. شابک: ۹۶۴-۶۱۲۵-۲۱-۸



انرژی متعالی
فراروی از قوانین هستی

در این کتاب، عقاید و اعتقادات «گیورکس ایوانوویچ گرجیف» درباره قوانین هستی و نزدیکی انسان به آفریدگار خویش به همراه تمرین‌ها و دستورالعمل‌های وی عرضه شده است. نامبرده به پیشرفت هماهنگ انسان و توازن دقیق بین ذهن، احساس و جسم

شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۱۱۹-۹
۴۲- قدرت اراده: روش عملی تأثیر بر خویش، بر دیگران و بر سرنوشت خویش. پل کلمان زاگو: مترجم: ایرج مهربان. تهران: ققنوس. ۱۷۶ ص. - رقی (شمیز). ۶۵۰۰ / چاپ دوم / ۴۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Le pouvoir de la volonte. شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۰۹۹-۰

چاپ اول

۴۳- مادرم = خودم. نانسی فرایدی: مترجم: زهره زاهدی. تهران: چیچون. ۳۰۰ ص. - رقی (شمیز). ۱۹۵۰۰ / چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: My mother myself: the daughter's search for identity. شابک: ۹۶۴-۶۵۳۴-۲۵-۲



مؤلف با اشاره به نمونه‌های متعدد، خصوصیات مختلف زنان را تشریح می‌کند؛ سپس از ارتباطات پدر و مادر با دختر، ترس‌های پنهان و مسائل بسیاری سخن می‌گوید که زن‌ها عمدتاً با آن مواجه هستند. «عشق مادر»، «رقابت»، «جانشین‌ها و سرمشق‌ها»، «سال‌های تجرد» و «ازدواج بازگشت به هم‌زیستی» از جمله عناوین کتاب است.

چاپ اول

۴۷- درآمدی بر فلسفه اخلاق. لویی پویمان: مترجم: شهرام ارشدنژاد. تهران: گیل. ۲۰۰ ص. - رقی (شمیز). ۱۵۰۰۰ / چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Ethics: discovering right and wrong. شابک: ۹۶۴-۶۶۲۶-۰۴-۱

در این کتاب برخی مفاهیم اخلاقی مانند: درست، نادرست، مجاز، التزام و نیک و بد تجزیه و تحلیل شده و شرحی نیز از اصول اخلاقی و نظریه‌ها به دست داده شده است. مطالب کتاب با این عناوین سامان یافته است: «اخلاق چیست؟»، «نسبیت اخلاقی»، «عینیت‌گرایی»،

(شمیز). ۴۵۰۰ / چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۰۱۱-۱-۵
۳۹- سرگذشت آنتونی رابینز و راه‌های موفقیت او. مایکل بولداک: مترجم: هومن مجردزاده کرمانی. تهران: راه بین. ۱۸۴ ص. - رقی (شمیز). ۷۰۰۰ / چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: The life story of anthomy robbins. شابک: ۹۶۴-۶۲۷۶-۱۴-۸

چاپ اول

۴۰- عزت نفس برای زنان: راهنمای عملی برای عشق ورزیدن، صمیمیت و موفقیت. لیندا فیلد: مترجم: مهدی گنجی؛ ویراستار: مالک میرهاشمی. تهران: ویرایش. ۱۹۲ ص. - رقی (شمیز). ۷۰۰۰ / چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: self-esteem for women: a practical guide to love ... شابک: ۹۶۴-۶۱۸۴-۰۸-۱



مؤلف الگوهای خانوادگی و فرهنگی را از عوامل موثر در افزایش یا کاهش عزت نفس معرفی کرده، سپس طی مباحثی مخاطبان را یاری می‌کند تا با ارزیابی این الگوها، الگوهای مثبت را جایگزین الگوهای منفی نماید. «زنان به عنوان الگوهای دختران خانواده»، «الگوهای فرهنگی زنان»، «تغییر دادن الگوها»، «زنان و عشق»، «زنان به عنوان مادر» و «زنی که عزت نفس دارد» از جمله مباحث کتاب به شمار می‌روند.

۴۱- غلبه بر کمرویی: مطمئن، استوار و پرچرنت شوید و اعتماد به نفس پیدا کنید. پل کلمان زاگو: مترجم: حسین بنی‌احمد. تهران: ققنوس. ۱۲۸ ص. - رقی (شمیز). ۵۵۰۰ / چاپ دوم / ۴۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: La timidite vaincue

۳۵- به سوی کامیابی ۲: نیروی عظیم درونی را فعال کنید. آنتونی رابینز: مترجم: مهدی مجردزاده کرمانی. تهران: راه بین. ۳۱۲ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). ۱۲۰۰۰ / چاپ چهاردهم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Awaken the giant within. شابک: ۹۶۴-۶۲۷۶-۰۲-۴
۳۶- پیام اینوس: اندیشه‌های نیروبخش. آنتونی رابینز، جوزف مک‌لندون: مترجم: مهدی مجردزاده کرمانی. تهران: راه بین. ۲۶۴ ص. - بیاضی (شمیز). ۷۰۰۰ / چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Ebony power thoughts. شابک: ۹۶۴-۶۲۷۶-۰۷-۵

چاپ اول

۳۷- حرفه زندگی. جک گروسمن: مترجم: مهدی چمن‌زار. تهران: زریاب. ۳۰۴ ص. - رقی (شمیز). ۱۲۵۰۰ / چاپ اول / ۴۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: The business of living. شابک: ۹۶۴-۶۲۳۹-۲۰-۴

«حرفه زندگی» رهنمودها و



توصیه‌هایی است در چگونگی مقابله با مشکلات فردی و خانوادگی. مؤلف این رهنمودها را با توجه به پرونده بیمارانی تدوین کرده که طی جلسات متعدد مشکلات خود را برای او بازگو کرده‌اند. برخی مباحث عبارت‌اند از: «به حرفه خود بها دهید»، «برنامه‌ریزی برای زندگی»، «باز خورد اطلاعات»، «برنده‌ها و بازنده‌ها»، «برخورد با افسردگی‌های روحی»، «برنامه ازدواج» و «برقراری ارتباط در زندگی مشترک».

۳۸- درمان خجالت در سه هفته: همراه با هفت راه حل فوری برای از بین بردن دلهره و اضطراب. ژان شارتریه: مترجم: ساعد زمان. تهران: فراروان. ۱۰۴ ص. - رقی

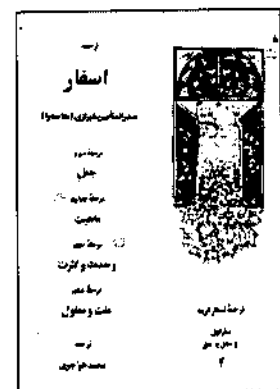
معتقد بود. براساس آموزه‌های او، پیدا کردن خود واقعی همان حضور احساسات، افکار، شعور و هیجانات شخصی است.

چاپ اول

۵ ترجمه اسفاز: مرحله اول وجود مرحله دوم احکام وجود. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی؛ مترجم: محمد خواجوی - تهران: مولى - ۴۴۰ ص. - جلد اول. - وزیرى (شمیز) - ۲۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول ۱۲۰۰ / ۹۶۴-۵۹۹۶-۳۹-۲ شابک:

چاپ اول

۱ ترجمه اسفاز: مرحله سوم جعل مرحله چهارم ماهیت مرحله پنجم وحدت و کثرت مرحله ششم علت و معلول. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی؛ مترجم: محمد خواجوی - تهران: مولى - ۴۳۸ ص. - جلد دوم. - وزیرى (شمیز) - ۲۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول ۱۲۰۰ / ۹۶۴-۵۹۹۶-۴۰-۶ شابک:



کتاب «الحکمه المتعالیه» یا «اسفار اربعه» در چهار قسمت وجود، جوهر و عرض، الهی و نفس است و اختصاص دارد به کلیات اندیشه صدرای شیرازی؛ در حکمت طبیعی و حکمت الهی که در آن برهان و شهود را به هم آمیخته و از این دو راه به بیان مطالب مهمی درباره اصالت وجود، حرکت جوهری، اتحاد عاقل و معقول، حدوث عالم، تجرد خیال، مثال افلاطونی و عالم مثال، معاد، با رعایت جانب کتاب استدلال، توفیق یافته است. کتاب حاضر ترجمه دو جلد از اسفار اربعه است که به زبان فارسی ترجمه شده و عناوین آن به شرح ذیل است: جلد اول شامل مرحله اول و دوم است که به میحث «وجود» و احکام وجود اختصاص دارد. جلد دوم از مرحله سوم، یعنی «جعل» آغاز می‌شود و با مراحل «ماهیت»، «وحدت و کثرت» و «علت و معلول» پایان می‌پذیرد.

گفتنی است مترجم کتاب، گاه در صورت نیاز به شرح و توضیح موضوعات کتاب اهتمام ورزیده است.

۲ تکاپوی اندیشه‌ها: مجموعه‌ای از مصاحبه‌های انجام شده با استاد علامه آیت‌الله محمد تقی جعفری در مباحث

گردآورنده: علی رافعی - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی - ۶۰۸ ص. - جلد اول. - وزیرى (شمیز) - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۱۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۴۲-۴۴۰-۴۳۰

چاپ اول

۳ الدرر السیه التحلیلیه لکتاب العلب الروحانی باللفه العربیه و الفارسیه و الانجلیزیه.

محمد بن زکریا رازی؛ زیر نظر: مهدی محقق - تهران: دانشگاه تهران، موسسه مطالعات اسلامی، کانادا: دانشگاه مکیل - ۲۴۰ ص. - وزیرى (گالینگور) - ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۵۲-۱۰-۹

۴ شرح غرر الفرائد (شرح منظومه حکمت) مقصد سوم: فی الالهیات بالمعنی الاخص.

هادی بن مهدی سبزواری؛ زیر نظر: مهدی محقق - تهران: دانشگاه تهران، موسسه مطالعات اسلامی، کانادا: دانشگاه مکیل - ۴۱۶ ص. - وزیرى (گالینگور) - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۵۲-۱۲-۵

۵ فطرت.

مرتضی مطهری - تهران: صدر. - ۲۷۶ ص. - رقی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ یازدهم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۰۰-۳۱-۶

چاپ اول

۶ فلسفه الصدر: دراسات فی المدرسه الفکریه للإمام الشهدید السید محمد باقر الصدر.

محمد عبداللوی - شهرری: دارالاسلام - ۵۱۸ ص. - وزیرى (شمیز) - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۲۴۹-۲-۱
در این کتاب دیدگاه‌های اساسی «سید محمدباقر صدر» درباره فلسفه اسلامی، به زبان عربی بررسی شده است. در بخش‌های نخست کتاب «معالم فلسفه جدید در آثار صدر» و «آراء فلسفی تفکر اجتماعی و سیاسی صدر» تحلیل می‌شود. مباحث بعدی کتاب عبارت‌اند از: «طرح فلسفی عبادت در نزد صدر»، «رابطه دین و اخلاق»، «فلسفه تاریخ از دیدگاه صدر و نقد نهایت تاریخ در



نوشته‌های وی»، «خلافت انسان، خلافت و دولت، امامت»، «امامت و نبوت» و «انتظار».

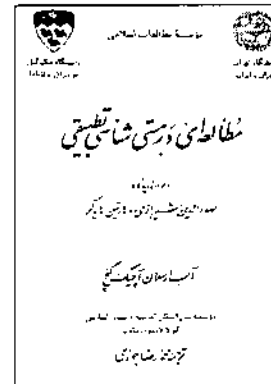
۷ مسئله شناخت.

مرتضی مطهری - تهران: صدر. - ۲۵۶ ص. - رقی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ سیزدهم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۰۰-۴۷-۲

چاپ اول

۸ مطالعاتی در هستی‌شناسی تطبیقی: وجود از دیدگاه صدرالدین شیرازی و مارتین هایدگر.

البارسلان اچیکنج؛ زیر نظر: مهدی محقق؛ مترجم: محمدرضا جوزی - تهران: دانشگاه تهران، موسسه مطالعات اسلامی، کانادا: دانشگاه مکیل - ۲۵۶ ص. - وزیرى (گالینگور) - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۵۲-۱۳-۳



در این کتاب مولف ضمن بررسی دیدگاه‌های «مارتین هایدگر» در باب اگزیستانسیالیسم، دیدگاه‌های فلسفه اسلامی خصوصاً نظریات «ملاصدرا» را در زمینه اگزیستانسیالیسم اسلامی بررسی می‌کند. وی بر همین اساس، ریشه‌ها و خاستگاه‌های اگزیستانسیالیسم اسلامی و وجود را بررسی نموده، سپس روش‌شناسی هریک (ملاصدرا و هایدگر) را تشریح و مقایسه کرده است. از جمله مباحثی که نگارنده مطرح کرده عبارت‌اند از: مسائل وجود (وجود به عنوان واقعیت و

مفهوم، وجود و روش تحلیل آن، جدال وجود و ماهیت)، انحاء و شئونات (وجود به طور کلی، مراتب جهان‌شناسانه و انسان‌گونه وجود، مراتب گوناگون وجود انسان و مفاهیم قیام ظهوری) و نحوه توصیف وجود. نگارنده در نتیجه‌گیری خود می‌گوید: «مقارنه و موازنه میان اندیشه‌های این دو متفکر نشان دهنده شباهت‌های میان آن دو است و برای این منظور ما گاهی آرای صدرالدین شیرازی را با تعبیرات هایدگر بیان کردیم و گاهی آرا هایدگر را با تعبیرات صدرایی مطرح نمودیم».

فلسفه معاصر غرب

چاپ اول

۹ روشنگری: قدم اول. لوید اسپنسر، آندرو کرروز؛ مترجم: مهدی شکیبانی - تهران: شیرازه. -



۱۷۶ ص. - رقی (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

The enlightenment for beginners

کتاب حاضر، مروری است اجمالی بر مهم‌ترین جریان‌های فکری عصر روشنگری و اندیشه‌های موثرترین متفکران آن، از جمله ولتر، دیدرو، روسو، هیوم، آدام اسمیت، کانت و دیگران. این مطالب با تصاویر متعدد همراه است. گفتنی است عصر روشنگری نقطه عطفی در تاریخ تمدن است که طی آن در قرون هجده و نوزده، جنبش‌های مهم فلسفی، علمی و اخلاقی به وقوع پیوسته است.

چاپ اول

۱۰ سیر اندیشه فلسفی در غرب. فاطمه زیباکلام - تهران: دانشگاه تهران، موسسه چاپ و انتشارات. - ۳۵۰ ص. - وزیرى (شمیز) - ۱۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۰۳-۴۱۷۲-X
در این کتاب سیر اندیشه‌های فلسفی در غرب همراه با جایگاه، ریشه‌ها و ارتباط اندیشه‌های مذکور با افکار



پیشینیان طی هیجده فصل بررسی شده است. در فصل اول، مولف، اولین متفکران جهان یعنی بودا، کنفوسیوس و زردشت را معرفی کرده، سپس اندیشه‌های اولین فیلسوفان یونان را ذکر نموده است. تفکرات فیلسوفان بزرگ یونان و علل سقوط فلسفه یونان، آغاز فلسفه دین، فلسفه مدرسی، زمینه‌های فلسفی رئسانس، عصر طلایی عقل‌گرایی، عصر روشنگری و ریشه‌های فلسفی آن، عصر رمانتیک‌گرایی مباحث بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد.

چاپ اول

۱۱ عقل افسرده: تأملاتی در باب تفکر مدرن.

مراد فرهادپور - تهران: طرح نو. - ۳۱۲ ص. - رقی (شمیز) - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

The depressed reason: reflections the modern thought ۹۶۴-۵۶۲۵-۸۰-۷ شابک:



کتاب مجموعه‌ای است از مقالات که در برخی از آنها آرای متفکرانی چون «نیچه» و «ویر» در خصوص تفکر مدرن، و در برخی دیگر رشد و تحول مکتب و گرایش فلسفی، نظیر پدیدارشناسی بررسی شده است. شماری از مقالات نیز از طریق نقد مفاهیم کلی مانند «خشونت» یا «شی‌گرایی» و بررسی حوزه‌ها و کنش‌های فرهنگی، نظیر شعر، نقد ادبی و یا گفتار روشنگری به ارزیابی

تفکر مدرن اختصاص یافته است. گردآورنده کتاب مفهوم «عقل افسرده» را در سطوح مختلف فردی و جمعی و ردیابی آن را در همه جا، از طریق پدیده‌های کلی نظیر فرهنگ و فلسفه نهفته تا زندگی یک فرد خاص، دنبال می‌کند. وی سه خصیصه مهم برای «عقل افسرده» برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: «شباهت میان جهان درون و بیرون»، «کشش عمیق به امر مطلق یا امر متعالی» و «آگاهی از محدودیت‌های عقل».

۶۲ فلسفه بزرگ: آشنایی با فلسفه غرب. برایان مگی: مترجم: عزت‌الله فولادوند. - تهران: خوارزمی، ۵۸۸ ص. - رقی (گالینگور)، ۲۵۰۰۰ ر. - چاپ دوم / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۸۷-۰۲۴-۷

۱۹۲ بریتانیا

چاپ اول

۶۳ کارل پوپر در ایران (فلسفه و سیاست). رضا داوری. - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۴۰ ص. - رقی (شمیز)، ۳۲۰۰ ر. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۳۰-۷۷۶-۳

پانزدهمین نوشتار از «جنگ اندیشه» به متن دو جلسه سخنرانی «رضا داوری اردکانی» تحت عنوان «کارل پوپر در ایران» اختصاص یافته است. در این نوشتار نگارنده سعی دارد به اختصار دو مقوله «فلسفه» و «سیاست» را از دیدگاه «پوپر» تشریح



نماید. وی در بخشی از سخنرانی اذعان می‌دارد که: «کارل پوپر»، «فوکویاما» و «هانتینگتون» نشسته‌اند که برای رفع یک مشکل یا بحران سیاسی، فلسفه را به استخدام سیاست درآورند. ... بلکه به نظر می‌رسد آنان به فلسفه رجوع کرده و بی‌آنکه در آن غور کافی کرده باشند به آثار خود صورت ظاهر فلسفی داده‌اند یا فلسفه را با سیاست خلط کرده‌اند». به اعتقاد وی: «پوپر با تاکید

سفرش کرده است که توهم نوطه را کنار بگذارند. بسیار خوب، به این سخن باید توجه کرد. اما خود او افلاطون و ارسطو و عده‌ای دیگر از فلاسفه تا هگل را راهگشایان نازیسم می‌خواند و می‌گوید استبداد هر جا هست، مسئولین اینها هستند».

۱۹۳ آلمان و اتریش

۶۴ فلسفه نقادی کانت.

کریم مجتهدی. - تهران: امیرکبیر، ۱۳۶ ص. - وزیری (شمیز)، ۵۰۰۰ ر. - چاپ دوم / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۰۶۱۷-۳

نمایه عنوان

آزمون شخصیت ۳۲
آزمون‌های هوش و استعداد (مبانی نظری و عملی سنجش هوش) ۲۶
آشنایی با علوم اسلامی: منطق - فلسفه ۴۸
آموزش هاله‌بینی، به انضمام روشن‌بینی، تله پاتی و روان‌نگری ۵
اندیشه‌های کوچک زندگی ۴۶
انرژی متعالی: فراروی از قوانین هستی ۴۹
انسان برتر: مجموعه کامل انسان‌سازی "روشهای منحصر بفرد دگرگونی خویش" ۳۴
به سوی کامیابی ۲: نیروی عظیم درونی را فعال کنید ۳۵
پروسی در باب تکنولوژی ۳
پیام آبنوس: اندیشه‌های نیروبخش ۳۶
تأثیر از فاصله: درسهای عملی برای تأثیرگذاری روانی از فاصله، تله پاتی و تلقین روحی ۶
ترجمه اسفار: مرحله اول وجود مرحله دوم احکام وجود ۵۰
ترجمه اسفار: مرحله سوم جمل مرحله چهارم ماهیت مرحله پنجم وحدت و کثرت مرحله ششم علت و معلول ۵۱
تعبیر خواب ابن سیرین ۱۳
تعبیر خواب و کابوس و رویا: خواب یا مرگ موقت، بیرون کردن ارواح خبیثه از بدن، گفتگو با ارواح ... ۱۴
تعبیر خواب: چرا خواب می‌بینیم و چگونه باید تعبیر کنیم؟ ۱۵
تکاپوی اندیشه‌ها: مجموعه‌ای از مصاحبه‌های انجام شده با استاد علامه آیت‌الله محمدتقی جعفری در مباحث ... ۵۲
جهان بهترین مشاور ازدواج ۱۸
چگونه بر خود مسلط شویم: روشهای عملی پرتوان بودن، فرمانروایی بر غرایز و چیرگی بر هیجانات ۳۷
حرفه زندگی ۳۷
درآمدی بر فلسفه اخلاق ۴۷
الدراسه التحلیلیه لکتاب الطب

الروحانی باللغة العربیة و الفارسیة و الانجلیزیة ۵۳
درمان بجالت در سه هفته: همراه با هفت راه حل فوری برای از بین بردن دلهره و اضطراب ۳۸
رازهای پنهان هیپنوتیزم ۲۹
روان‌شناسی عمومی ۱۹
روان‌شناسی: ویژه دانش آموزان سال سوم دبیرستان (رشته علوم انسانی) و داوطلبان ورود به دانشگاه ۲۰
روانشناسی عمومی ۲۱
روانکاوی آتش ۲۲
روشنگری: قدم اول ۵۹
روشهای تحقیق در علوم رفتاری و علوم اجتماعی ۲۳
زبان بدن: راهنمای تعبیر حرکات بدن ۲۸
سرگذشت آنتونی رابینز و رازهای موفقیت او ۳۹
سیر اندیشه فلسفی در غرب ۶۰
شرح غررالفرائد (شرح منظومه حکمت) مقصد سوم: فی الالهیات بالمعنی الاخص ۵۴
طالع‌بینی هندی ۷
عالم عجیب ارواح ۸
عالم ارواح ۹
عدم اعتماد به نفس و دایره سحرآمیز ۳۳
عزت نفس برای زنان: راهنمای عملی برای عشق ورزیدن، صمیمیت و موفقیت ۴۰
عشق ۲۵
عقل افسرده: تاملاتی در باب تفکر مدرن ۶۱
غلبه بر کمرویی: مطمئن، استوار و پرچرنت شوید و اعتماد به نفس پیدا کنید ۴۱
فالنامه حافظ ۱۰-۱۱
فطرت ۵۵
فلاسفه بزرگ: آشنایی با فلسفه غرب ۶۲
فلسفه الصدر: دراسات فی المدرسه الفکرية للامام الشهيد السيد محمدباقر الصدر ۵۶
فلسفه نقادی کانت ۶۴
قدرت اراده: روش عملی تأثیر بر خویش، بر دیگران و بر سرنوشت خویش ۴۲
قدرت خودتلقینی: روشی کاربردی برای دستیابی به ثبات شخصیت، آرامش، روشن‌بینی و تسهیل درمان بیماریها ۳۰
کارل پوپر در ایران (فلسفه و سیاست) ۶۳
کنکور مکاتبه‌ای روان‌شناسی سال سوم نظام جدید آموزش متوسطه نظری (رشته ادبیات و علوم انسانی) ۱۲
گفتگو با خدا ۲۴
مادر = خودم ۴۳
مانیتسم شخصی: چگونه نفوذ و نیروی نامرئی خود را افزایش دهیم و از آن بهره ببریم ۳۱
متافیزیک (ماوراء الطبیعه) ۲
متن کامل تعبیر خواب محمد ابن

سیرین و دانیال پیغمبر(ص) ۱۶
متن کامل تعبیر خواب محمدابن سیرین و دانیال پیغمبر(ص) ۱۷
مسئله شناخت ۵۷
مسائل فلسفه ۱
مطالعه‌ای در هستی‌شناسی تطبیقی: وجود از دیدگاه صدرالدین شیرازی و مارتین هایدگر ۵۸
هفت قانون معنوی موفقیت ۴۴
همه را دوست دارم و آنان نیز ...؟ ۴۵

نمایه پدیدآور

آچیک‌گنج، البارسلان ۵۸
آصفی، مجید ۴۹
آلندی، رنه ۲۵
آموزگار، حبیب‌الله ۸۹
ابطحی، حسن ۸
ابهری، قدیر ۲
ارشدنژاد، شهرام ۴۷
اسپنسر، لوی ۵۹
اسپیث، کاتلین ریوردرن ۴۹
اسدی، محمدرضا ۳
اظهری، علی ۲۹-۳۳
اعرابی، غلامحسین ۳۲
الهیاری تفرشی، سامان ۳۴
اوحدی، محمود ۲۰-۲۴
باباخانو، رعنا ۴۶
باتلر، والترارنست ۵
باشلار، گاستون ۲۲
براون، جکسن ۴۶
بزرگمهر، منوچهر ۱
بن‌جوهری، طظاوی ۹
بنی‌احمد، حسین ۴۱
بوسکالیا، لئو ۴۵
بولداک، مایکل ۳۹
بهرامپورآشتیانی، احمد ۱۸
پویمان، لویی ۴۷
پیز، آلن ۲۸
تفلیسی، حبیب بن ابراهیم ۱۳-۱۶-۱۷
تمدن، توراندخت (مالکی) ۱۲
جلالیان، مهیار ۵
جویری، محمدرضا ۵۸
چمن‌زار، مهدی ۳۷
چوپرا، دیپک ۴۴
حافظ، شمس‌الدین محمد ۱۰-۱۱
خواجوی، محمد ۵۰-۵۱
خوانساری، نیلوفر ۳۰
خوشبخت، شبنم ۴۶
خوشدل، گیتی ۴۴
داوری، رضا ۶۳
رابینز، آنتونی ۳۵-۳۶
راتوس، اسپنسر ۱۹
رازی، محمدبن زکریا ۵۳
راسل، برتراند ۱
رافعی، علی ۵۲
رمضانی، خسرو ۲۳
زاهدی، زهره ۴۳
زمان، ساعد ۶-۳۸
زمانی، سهیلا ۳۱
زیباکلام، فاطمه ۶۰
ژاگو، یل‌کلان ۶-۲۷-۳۰-۳۱-۴۱-۴۲
سبزواری، هادی بن مهدی ۵۴

نمایه ناشر

آبتین: تهران ۳۲
آینه نما: تهران ۳۴
اقبال: تهران ۴۰۹
امیرکبیر: تهران ۶۴
اندیشه: تهران ۳
توس: تهران ۲۲-۲۵
جانان: تهران ۲۸
جیحون: تهران ۴۳
حاذق: قم ۸
حافظ: تهران ۱۴
خوارزمی: تهران ۱۰۶۲
دارالاسلام: شهرری ۵۶
دانش و فن: تهران ۲۶
دانشگاه تهران، موسسه چاپ و انتشارات: تهران ۶۰
دانشگاه تهران، موسسه مطالعات اسلامی، کانادا: دانشگاه مکیل ۵۳-۵۴-۵۸
دایره: تهران ۱۲-۴۵
درا: تهران ۱۶
دفتر نشر فرهنگ اسلامی:

تهران	۵۲۶۳	صدرا: تهران	۴۸۵۵۵۷	فراروان: تهران	۵۳۸۴۹	مجرد: تهران	۱۵	ندای فرهنگ: تهران	۲
راه بین: تهران	۳۵۳۶۳۹	صفار: تهران	۲۱	ققنوس: تهران	۳۷۳۰۳۱۴۱۴۲	محور: تهران	۷	نسل نوآندیش: تهران	۱۸
رزمندگان اسلام: تهران	۲۰	طرح نو: تهران	۶۱	کتاب آوند دانش: تهران	۴۶	مسیر: تهران	۲۹۳۳	نهاد نویدان: تهران	۱۰-۱۷
زریاب: تهران	۳۷	طلوع: تهران	۱۱	گفتار: تهران	۴۴	موسسه علمی آینده سازان: تهران	۲۴	ویرایش: تهران	۱۹-۴۰
شیرازه: تهران	۵۹	فاطمیه: یاسوج	۲۳	کیل: تهران	۴۷	مولی: تهران	۵۰-۵۱	هاد: تهران	۱۳



۱ مدت اشتراک: یکسال ۲ بهاء اشتراک: (جهت ۱۲ شماره)

موضوع	تهران	شهرستان	تعداد	موضوع	تهران	شهرستان	تعداد
کلیات	۱۹/۲۰۰ ریال	۲۰/۴۰۰ ریال		هنر	۱۹/۲۰۰ ریال	۲۰/۴۰۰ ریال	
دین	۱۹/۲۰۰ ریال	۲۰/۴۰۰ ریال		ادبیات	۲۵/۲۰۰ ریال	۲۶/۴۰۰ ریال	
علوم اجتماعی	۱۹/۲۰۰ ریال	۲۰/۴۰۰ ریال		تاریخ و جغرافیا	۱۹/۲۰۰ ریال	۲۰/۴۰۰ ریال	
علوم و فنون	۱۹/۲۰۰ ریال	۱۹/۴۰۰ ریال		کودک و نوجوان	۱۹/۲۰۰ ریال	۲۰/۴۰۰ ریال	

* (مبالغ فوق شامل هزینه های ارسال نیز میباشد)

۳ نحوه اشتراک:

فرم شماره ۴ را تکمیل و بر اساس جدول بالابهای اشتراک را محاسبه و به شماره حساب ۱۸۵۲۰۸۶۹ بانک تجارت ۱۸۵ انقلاب فلسطین واریز نموده واصل
فیش را به همراه فرم فوق به نشانی تهران صندوق پستی ۲۱۳-۱۲۱۴۵ و یا تهران خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین ساختمان شماره ۱۱۷۸ خانه کتاب ارسال
فرمائید. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۶۷۱۲۵۰۷-۶۷۲۱۴۷ تماس حاصل فرمائید.

۴ مشخصات مشترک:

مدیر مسئول
کد پستی
امضاء و تاریخ

نام / موسسه / سازمان

نشانی
استان
شهرستان

مورد درخواستی

تعداد

لطفاً در این قسمت چیزی ننویسید

شماره پرونده

تاریخ ثبت درخواست